

ممتاز الفتاوى

مسائل فقہی و شرعی معاصر

شیخ فضل الله ممتاز

مشخصات کتاب

نام کتاب: ممتاز الفتاوی

(مسائل فقهی و شرعی معاصر)

مؤلف: شیخ فضل الله ممتاز

سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

نوبت چاپ: اول

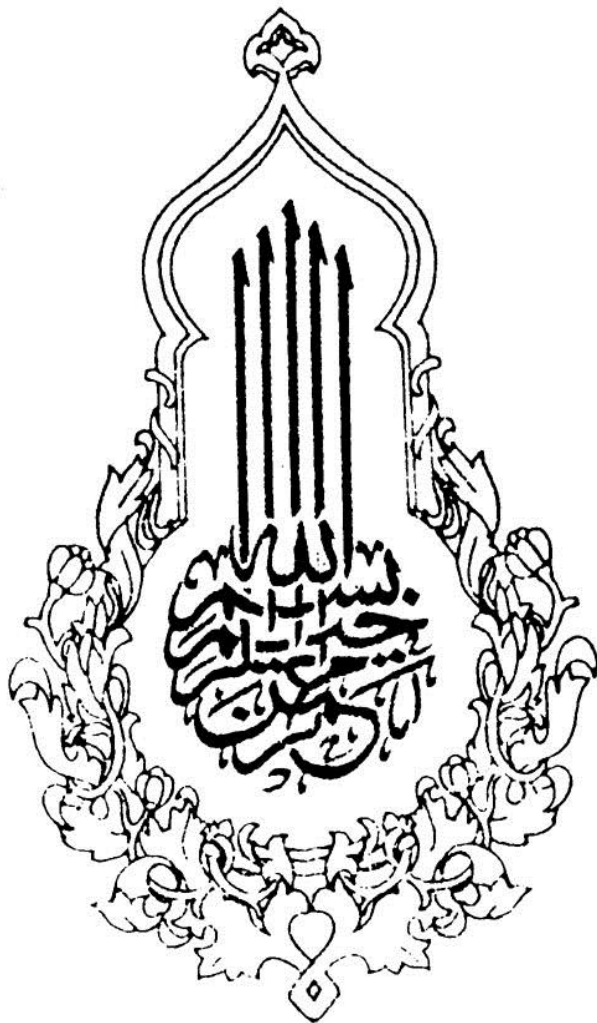
تعداد چاپ: ۱۰۰۰

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

افغانستان - کابل

ممتاز الفتاوى

جلد سوم





كتاب
معاملات

به کرایه دادن و گرفتن طلا و نقره جایز است و مانع شرعی ندارد

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر کابل سوال نموده:

تاریخ عروسی ام نزدیک شده و توانایی اقتصادی ندارم که به نامزاد سیت کامل طلا بخرم باهم اتفاق کردیم که در روز عروسی برای یک هفته از طلا فروشی سیت طلا را به کرایه میگیریم و بعد از یک هفته آنرا مسترد می کنیم آیا این کار از نظر شرعی مشکل ندارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در فقه اسلامی به کرایه دادن طلا و نقره جایز است و مانع شرعی ندارد بشرطیکه همان سیت طلا را که به کرایه گرفته مسترد نماید تبدیل و زیاد و کم نشود و وقت و مدت زمان به کرایه گرفتن آن تعیین شود.



حکم خرید و فروش طلا بشکل قسط های ماهوار؟

خواهری سوال دارد که آیا خریدن طلا بشکل قسطهای ماهوار جواز دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

أولاً: خیلی جای خرسندی است که بعض خواهران مسلمان می خواهند که همه ابعاد زندگی شان مطابق احکام والای دین مبین اسلام باشد از جمله خرید و فروش زیورات تا اینکه در حرام واقع نشوند.

ثانیا: فقهاء اسلام بیان نموده اند که خرید و فروش طلا بشکل قسطهای ماهواره وقرض جواز ندارد و حرام است و در خریدن طلا تقابض یعنی پرداختن قیمت و بدست آوردن طلا شرط است، و تا وقتی که قیمت طلا را کامل نیاورده می شود که آن طلا را به نزد زرگر و دوکاندار بماند و وقتیکه قیمت تکمیل شود می تواند طلای متذکره را با خود ببرد.



**برنج خوب و خراب را یکجا کرده و به قیمت خوب بفروش می
رساند، چی حکم دارد؟**

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

یکجا کردن و مخلوط ساختن خوب و خراب اموال و مواد تجارتي را و فروختن آنها به قیمت خوب در شریعت جواز ندارد حرام بوده و غش و تزویر شمرده می شود و مال و پیسه بدست آمده از آن هم حرام گفته می شود، تاجر مسلمان

باید اموال خوب را بنام خوب و خراب را به بنام خراب بفروش برساند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند در حدیث صحیح "من غشنا فلیس منا" ^۱ هر کسی که تزویر کند از جمله ما نیست، و در تجارت مطابق شریعت ما عمل نمی کند.



مرغهای یخچالی را نگهداری میکند تا اینکه قیمتها بالا رود، چی حکم دارد؟

یکی از دوستان محترم این سوال را فرستاده و خواهان بیان حکم شرعی آن شده:

یک تاجر افغانی در عربستان سعودی چهارماه پیش هزارکارتن مرغ را به قیمت ازران خریده در سردخانه گذاشته تا هنوز نفروخته میگوید که مرغ قیمتش خوب بالا برود بعدا میفروشم، آیا این قسم فروش سود میشود یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

این عمل را در شریعت فقهاء احتکار نامیده اند، فقیه حنفی البابرتی در کتاب شرح العنایه احتکار را چنین تعریف

^۱ - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب قول النبی صلی الله علیه وسلم: «من غشنا فلیس منا»، رقم الحدیث: (۱۰۱۰)، (ج ۱، ص ۹۹).

نموده است: "إن المراد بالاحتكار حبس الأقوات تربصاً للغلاء"،
احتکار عبارت است از نگهداری مواد خوراکی تا اینکه قیمت
ها بلند برود.

احتکار را اکثریت و جمهور فقهاء (مذاهب فقهی :
مالکی، شافعی، حنبلی، ظاهری) حرام شمرده اند زیرا زیانها
واضراش بالای مردم بسیار زیاد است و دلیل حرام بودنش
حدیث که صحیح مسلم روایت کرده و رسول الله صلی الله
علیه وسلم فرموده اند: "لا یحتکر إلا خاطئ.." ^۱ احتکار نمی
کند مگر کسی که در غلطی و خطا واقع شود، و در حدیث
دیگری که حاکم در کتاب المستدرک علی الصحیحین
روایت کرده: "نهی أن یحتکر الطعام" ^۲ رسول الله صلی الله
علیه وسلم تاجران مسلمان را منع کرده از احتکار خوراکی
باب.

اما مذهب حنفی احتکار را مکروه دانسته در صورت که
به مردم ضرر برساند و آنها از احتکار متضرر شوند.

وقابل یاد آوریمت که احتکار در اشیای خورد و نوش
حرام شمرده می شود در صورت که مردم به این اجناس

^۱ - صحیح مسلم، کتاب المساقاة، باب تحریم الاحتکار فی الأقوات، رقم الحدیث:
(۱۶۰۵)، (ج ۳، ص ۱۲۲۸).

^۲ - المعجم الکبیر للطبرانی، باب الصاد، عبد الرحمن بن یزید بن جابر، عن القاسم، رقم
الحدیث: (۷۷۷۶)، (ج ۸، ص ۱۸۸).

ضرورت داشته باشند و از نگهداری آن نزد تاجر متضرر
و خساره مند شوند.

و اگر در بازار قیمت‌ها بالا رفته باشد و مرغ یخچالی
کمیاب گردد و مردم نتوانند این مرغها را به قیمت مناسب
بدست بیاورند درین صورت عملکرد این تاجر حرام بوده و در
حقیقت او گناه کبیره و بزرگ را مرتکب شده است و پول
و پیسه بدست آورده او از فروش این مرغها حرام دانسته می
شود.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آلہ وصحه
أجمعین.



حکم مفادی که شرکتهای مخابراتی از قرضه بدست می آورند

یکی از هموطنان از شهر کابل سوال نموده:

مولوی صاحب سوال بعدی اینکه شرکت مخابراتی، ۴۰
افغانی کریدت را به قرض میدهد و زمانیکه کریدت را درج
کنی ۴۵ افغانی وضع میکند آیا سود میشود یا جواز دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بلی جواب این سوال واضح است که این نوع معامله سودی است و دادن و گرفتن آن حرام است، در شریعت اگر از قرض فایده و مفاد گرفته شود سود گفته می شود ولو که افراد عادی باشند یا شرکتهای تجارتي و یا بانکهای تجارتي، زیرا قاعده فقهی این است که " کل قرض جر نفعاً فهو ربا " هر قرضیکه منفعت و فایده برساند برای قرض دهنده سود گفته می شود، فایده نقدی باشد و یا فایده غیر نقدی مثلاً حتی اگر بالای قرضدار خود کاری را به این نیت انجام دهیم که به شما قرض دادم و کمک کردم این هم سود است.

وسود خوری گناه بزرگ و کبیره است الله متعال بزبان رسول الله صلی الله علیه وسلم سود خور و سود دهنده هر دو را لعنت کرده است.

و باید وضاحت بدهم که همان مبلغ ۵ افغانی اضافی اگر در بدل قرضه کریدت نباشد و بخاطر ارایه خدمات تلفونی باشد و ایجاد سهولتها باشد جواز دارد و درست است و باکی ندارد، زیرا ارایه خدمات در بدل پیسه و مفاد است در دنیای بزنس و تجارت، مثلیکه از خیر خانه به شهر نو می رویم و کرایه موتر را میدهیم همین طور شرکتهای مخابراتی هم خدمات شان را به فروش میرسانند.

لیکن باید متوجه باشیم کہ شرکتهای مخابراتی مشاورین خارجی دارند و راه های زیادی را برای شان نشاندهی میکنند بدون در نظر داشت حلال بودن و یا حرام بودن، و از بی خبری و عدم آگاهی مردم استفاده میکنند، بسیاری این تعاملات در ظاهر امر حلال پنداشته می شود اما در باطن فقط دامگذاری برای خساره مند ساختن مردم است و در شریعت قاعده فقهی است کہ: "العبرة في العقود بالمعاني لا بالألفاظ والمباني"، در خرید و فروش و تعاملات تجارتي باید هم پهلوهها سنجیده شود و مصلحت هر دو طرف در نظر گرفته شود.



وظائف مشاورین شرعی در بانکها و شرکتهای تجارتي

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اگر مالکان بانکها و شرکتهای تجارتي می خواهند کہ در سود خوری و ظلم و معاملات حرام واقع نشوند و معاملات شان حلال باشد باید در پهلوی متخصصان بانکداری و انجیران و محاسبان، دو نوع کمسیون دیگری هم داشته باشند کہ عبارت است از:

۱- کمیته شرعی که مشتمل است از فقهاء ومحققان شرعی (فقهاء معاملات و بانکداری اسلامی) دارای علم و دانش شرعی در مسائل معاملات تجارتي میباشد زیرا بعضی معاملات تجارتي خصوصا بانکداری بسیار پیچیده ومشکل میباشد ومالکان و کارکنان همه در حرام واقع می شوند ومورد لعنت خداوند قرار میگیرند، آنها معاملات وتعاملات این بانکها وشرکتها را در روشنی شریعت بررسی می کنند واگر مخالفت شرعی وتعامل مشکوک را بیابند آنها نشاندھی میکنند، واگر سود وتعامل مشبوه را نیابند باز فتوی میدهند که کارها این شرکت بصورت درست به پیش می رود ومباح است، وهر مسأله جدید را اداره بانک وشرکت برای این مورد روان میکند تا در روشنی شریعت وفقه معاملات اسلامی مورد تحقیق علمی وبررسی همه جانبه قرار گیرد.

۲- کمیته دومی هیئت نظارت شرعی است که آنها از کار کرده گی بانکها وشرکتها نظارت می کنند که آیا این شرکت وبانک در روشنی پیشنهادات ونظریات کمیته شرعی عمل کرده اند یا نه، بعد ازین که فتاوی کمسیون اولی را مورد بررسی دوباره قرار میدهند، واین کمیته نظارتي شرعی وظایف دیگری هم دارند از جمله:

الف- متابعت و نظارت معاملات بانک که آیا به روشنی دین اسلام و شریعت اسلامی روان است یا نه.

ب- تهیه گزارش به اداره بانک و شرکت تجارتي باعث اطمینان آنها شود که تا هنوز در سود واقع نشده اند.

ج- برگزاری کنفرانسها و ورکشاپها برای کارمندان این شرکتها بخاطر آگاهی از بانکداری اسلامی و ازدیاد ثقافت بانکداری اسلامی و خطر سود خوری و زیان آن بالای مردم و کشور که در نهایت سبب غضب خداوند متعال می گردد.

همچنان وجود این دو کمیون شرعی و حضور مشاورین که این بانکها را بسوی شریعت رهنمایی میکنند و از از کارهای شان نظارت دقیق دارند سبب اطمینان مردم می شود و به این شرکتها رو می آورند، وهم سهامداران با اطمینان کامل پولهای شان را تسلیم این بانکها می نمایند بعد از اینکه اطمینان پیدا میکنند که این بانک و یا شرکت تجارتي تعامل سودی ندارد و مطابق رهنمود های اسلامی روان است.

این بود جواب مختصر به سوال یکی از برادران که در یکی از بانکهای خصوصی بحیث مشاور شرعی تعیین شده ومی خواهد از وظائف خود آگاه شود، و نصیحت من به این دوست عزیز این است که باید در بخش معاملات مالی

اسلامی وبانکداری ومحاسبه هم در مورد سود از نظر اسلام مطالعه دقیق کند وکوشش کند بتواند به سوال های شرعی این بانک جواب درست بدهد که آنها را در سود خوری یاری نکند بلکه معاملات شان در روشنی شریعت رهنمایی کند.

وصلی الله تعالی علی خیر خلفه محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.



حکم استفاده از خانه و زمین و باغ گروی

آیا شخص گرو گیرنده از خانه وزمین وباغ گروی استفاده کرده می تواند وحکم شریعت ونظر فقهاء مذهب حنفی چی است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

گرو بمعنای وثیقه وضمانت قرض است، که مال قرض دهنده نزد شخص کسی است زمین و خانه و یا باغ خود رابه گروی داده، وهر وقت قرض را پس بدهد زمین خود را تصاحب میکند، واین کار مشروع وجایز است بخاطر آسانی وسهولت در معاملات وکار وبار ودر حالات تنگدستی، لیکن اگر گرو گیرنده از این خانه ویا زمین وباغ استفاده کند سود گفته می شود، وحق استفاده را ندارد در مذهب حنفی،

بعضی فقهای مذهب حنفی به این نظر استند که از مال گروهی استفاده جواز دارد به اجازه صاحب خانه وزمین و باغ، و بعضیها به این نظر استند که مطلقاً جواز دارد لیکن قول راجح همین را که جواز ندارد، و در صورت که قرض نزد گروهی دهنده به شکل طولانی بماند درین صورت باید قرض دهنده به محکمه مراجعه کند و نظر به حکم محکمه خانه و یا زمین گروهی را فروخته شود و از آن این قرض پرداخته شود. (حاشیة الطحطاوی ج ۴ ص ۲۳۶ و حاشیة ابن عابدین ج ۵ ص ۳۱۰).

باید متوجه باشیم در معاملات گروهی بسیاری از مردم در وطن عزیز ما افغانستان در سود خوری واقع شده اند و از معامله گروهی تعبیر و برداشت غلط دارند، و معامله گروهی را ذریعه سود خوری ساخته اند.

این بود جواب مختصر به سوال یکی از دوستان محترم و عزیز از شهر کابل که همیشه می خواهد همه معاملات و کار و بارش در روشنی شریعت اسلامی انجام شود، و از ایشان تشکر می کنم که در جستجو حلال است.



بیع فاء که شباهت به گروبی دارد ناروا است

یکی از دوستان سوال نموده که :

در مورد بیع جایز یا بیع وفاء معلومات مفصل بدهید ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

بیع وفاء آن خرید و فروش را گویند که فروشنده و خریدار اتفاق نمایند هر وقت که فروشنده بول خریدار را مسترد کند و پس بدهد همان مال، سامان، زمین، خانه، دکان و اجناس را که فروخته خریدار برایش تسلیم دهد، فروشنده این شرط را بماند و خریدار قبول کند "بیع المال بشرط أن البائع متى رد الثمن یرد المشتري إليه المبیع".

فقهاء بیع وفاء را بنامهای بیع امانت، بیع طاعت، نیز می نامند لیکن اسم مشهورش وفاء است و در افغانستان آنرا بیع جائز می نامند، که خریدار در صورت بدست آوردن پول و پیسه دادگی اش به مسترد کردن اجناس خریده شده وفاء کند.

این خرید و فروش فاسد، باطل، ناجائز، نامشروع و ناروا می باشد نزد جمهور فقهای مذاهب فقهی چهارگانه و علمای متقدمین مذهب حنفی، البته بعض فقهای متأخر مذهب حنفی آنرا جائز و حلال دانسته.

در فتوای اجتماعی مجمع الفقه الإسلامی که در شهر جده عربستان سعودی در سال ۱۹۹۲م روی این مسأله بحث کردند بر حرام بودن بیع وفاء تأکید نموده و آنرا سود دانستند زیرا این در حقیقت قرضی است که به صاحبش منفعت، مفاد، وفایده را جلب میکند و راه را برای سود خوری باز میدارد و حیل و حیل و ونیرنگی است برای سود و ربا، زیرا سود خوری اقسام و انواع دارد که این هم از جمله آن است.

أبو شجاع و علی السغدی والقاضی أبو الحسن الماتریدی از فقهای مذهب حنفی بیع وفاء را عینا گروی میدانند که همه احکام گروی را دارا میباشد زیرا در شریعت مدار معاملات بر معنی و مفهوم و تطبیق و اثر آن است نه بر نامها و اسامی و مسمیات "أن العبرة في العقود للمعاني، لا للألفاظ والمباني" لهذا استفاده کردن از جنس خریده شده در بیع وفاء حرام است تنها می تواند من حیث تضمین نگهداری کند تا اینکه پول و پیسه دادگی را بدست بیاورد.

فقهای متأخر حنفی از جمله امام زیلعی که این بیع وفاء را جواز دادند این احکام را نیز ذکر کردند:

۱- در بیع وفاء ملکیت اجناس به خریدار نقل نمی شود تنها اجناس مثل گروی نزدش ضمانت است لیکن استفاده کرده می تواند.

۲- در صورت که پولش را بدست بیاورد بشکل فوری اجناس را به صاحبش تسلیم دهد.

۳- حق فروش ومبادلله این اجناس را به کسی دیگری ندارد.

۴- در صورت وفات هر یکی از خریدار وفروشنده اجناس وپول این معامله به ورثه شان انتقال میابد.

خلاصه مطلب این است که :

بیع وفروش وفاء ناجائز ونامشروع میباشد ووسيله سود خوری شمرده می شود، وازین لحاظ خرید وفروش وبیع فاسد وباطل بوده نزد جمهور فقهاء وعلمای متقدم مذهب حنفی حرام است.

وبه گروهی شباهت زیاد دارد ومعنایش این است که شخص فروشنده به پول نقد ضرورت میداشته باشد خانه ویا زمین ودوکان را به کسی می فروشد واز آن تعهد میگیرد وقت که بخواهد پولش را مسترد نموده وخانه وملکیت خود را پس بدست بیاورد، وبه این منظور بیع وفاء نامیده شده که مشتری ملزم است که خانه را پس بدهد وبه این شرط وفاء کند.

قرار مجمع فقه اسلامی نیز این بیع را حرام شمرده .
 وعلت حرام بودنش این است که در حقیقت این خرید
 فروش طوری است که فروشنده در عوض پول قرض داده از
 املاک استفاده می کند و در شریعت قاعده است که: " کل
 قرض جر نفعاً" هر قرض که فایده را به انسان جلب کند ربا
 و سود شمرده می شود و بیع و فاء در حقیقت امر تحایل
 و زمینه سازی همین کار است و خرید و فروش حقیقی نیست
 و بعد از مدت زمانی پول را مسترد می کند و املاک خود را
 بدست میاورد پس این خرید و فروش نشد بلکه سود شد،
 این بیع در حقیقت تحایل و حيله به ربا و سود است و در
 شریعت قاعده است که: "للو سائل حکم الغایات" و سائل حکم
 مقاصد آخری را دارد که این معامله در کجا میرساند انسان
 است، در سود خوری و ربا، و قرضی است که منفعت و فایده را
 به قرض دهنده جلب کرده " کل قرض جر نفعاً فهو ربا".

و در بیع و فاء شک و شبهه حرام بودنش بیشتر است
 و مسلمان باید از شک و شبهه دوری جوید تا اینکه در حرام
 واقع نشود.

برای اولین بار بیع و فاء و یا بیع جائز در اواخر قرن بنجم
 هجری در بخاری رواج یافت.



گرو گیرنده به مالک خانه نیم کرایه را میدهد آیا برایش حلال است ؟

یکی از خواهران از شهر مزار ولایت بلخ چنین سوال نموده:

ما یک خانه را گرو گرفتیم بخاطر سکونت زیرا توانایی پرداخت کرایه را نداریم وبه مالک اصلی خانه نیم کرایه را میدهیم یک ملا گفته که این حرام است شما مارا رهنمائی کنید استاد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شما مبلغ ده لک افغانی را نزد مالک خانه قرض گذاشتین وبخاطریکه همین پول وپیسسه تان ضایع نشود خانه اش را بضمانت نزد تان گذاشته است، کرایه اصلی خانه ماهانه ده هزار افغانی است وشما تنها پنج هزار برایش بنام کرایه میدهید.

بخش اول معامله گروی است که در فقه اسلامی (الرهن) نامیده میشود ..تا به اینجا معامله درست ومطابق شریعت است زیرا با گرو دهنده که در تنگنا قرار داشته همکاری نمودید.

اما استفاده کردن از خانه گروی و کاستن از کرایه اصلی ولو که نیم هم نباشد و فیصدی کم باشد سود شمرده میشود زیرا که از جمله قرضی است که منفعت و مفاد را برای قرض دهنده جلب نموده: "قرض جر نفعاً"، به اتفاق فقهاء هر قرضی که به انسان منفعت و مفاد را جلب کند سود و ربا شمرده میشود.

شما در این حالت دو راه حل شرعی دارید که قرار ذیل است:

اول: تنها خانه نزد تان ضمانت باشد و از آن هیچ نوع حق استفاده را ندارید شرعاً.

دوم: یا اینکه به مالک خانه کرایه کامل را بدهید و در این صورت حق سکونت را در این خانه دارید و برای تان حلال و مباح میشود.



در خرید و فروش بسیار قسم می خورد، چي حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دوست محترم و برادر عزیز واقعا سوال جالبی را مطرح کردین و جوابش چنین است:

به همه برادران و خواهران یاد دهانی می کنیم که باید از قسم خوری اجتناب کنند و تاجران محترم کوشش کنند که قسم خوردن را ذریعه کسب و کار و خرید و فروش و داد و گرفت شان گردانند.. و قسم خوری صفت مکروه و نا مطلوب است و خداوند متعال فرموده اند: "وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ" ^۱ حفظ کنید قسم های تان را و حق و ناحق بقسم خوری رو نیاورید...

و رسول الله صلی الله علیه وسلم هم فرموده اند: "ثلاثة لا يكلمهم الله ولا ينظر إليهم يوم القيامة، ولا يزكيهم ولهم عذاب أليم وذكر منهم رجلاً جعل الله بضاعته لا يبيع إلا بيمينه ولا يشتري إلا بيمينه".

خداوند متعال در روز قیامت حق صحبت خود را به سه نفر نمیدهد و نی هم به طرف شان می بیند و نی هم آنها را می بخشد یعنی تزکیه نمی کند از جمله آنها کسی است

^۱ - سورة المائدة، الآية: ۸۹.

که خرید و فروش و معاملات تجارتي اش توسط قسم خوری انجام میابد و ذات او تعالی را وسیله خرید و فروش خود ساخته، زیرا قسم خوری زیاد وسیله دروغگویی میباشد و انسان را به دروغ می کشاند، و مسلمان می تواند در وقت ضرورت در محکمه بخاطر انکار و یا ثبوت حقیقت قسم بخورد و بهتر است که بجای قسم از حقیقت بگذرد، و کوشش نکند که کار های روز مره خود را توسط قسم به پیش ببرد.

و هم باید یاد آور شوم که قسم خوردن فقط بذات الله تعالی و اسماء و صفاتش جواز دارد و قرآن کریم هم کلام او تعالی است و به قرآن کریم قسم خوردن جواز دارد، و قسم خوردن به پیامبران و کعبه و قسم به اولاد و غیره و به هیچ مخلوق جواز ندارد، و حرام شمرده می شود.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آله و صحبه أجمعین.



**خریدن تکت لا تری هلال احمر افغانی از طریق موبایل قمار
شمرده می شود**

یکی از دوستان محترم از شهر کابل جنین سوال فرستاده است :

استاد محترم خریداری تکت لاتری هلال احمرافغانی
از طریق موبایل چی حکم دارد از لحاظ شریعت اسلامی؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

درین شکی نیست که خریدن لاتری و تعامل کردن
بشکل مستقیم و یا از طریق موبایل در صورت بورد و باخت
در هر دو صورت حرام و ناروا بوده و قمار شمرده می شود و اگر
کسی برنده جایزه آن می شود مال و جایزه بدست آمده ازین
طریق حرام گفته می شود و فقهای اسلام از این نوع معامله
جدا منع کرده اند و باید نه خود انسان درین کار آغشته شود
ونی دیگران را آغشته بسازد و وظیفه همه است که مردم را
منع کند و بفهماند که این کار قمار است، ولو که بیسه آن را
هلال احمر به کار های خیری و کومک رسانی تخصیص
بدهد، و بهتر است که هلال احمر بول و پیسه مورد ضرورت
خود را از مردم از راه های حلال و مباح و مشروع جمع کند
و مردم را تشویق کند که در کارهای خیر و کومک رسانی
سهم داشته باشند و بخاطر نجات مریضان و سیلاب زده کان،
از مردم کمک بخواهد بجای اینکه مردم را به قمار زدن
بکشاند.



بخار دادن و سلفر زدن اشتاق و (کشته) زردآلو حرام و ناجائز است

بعضی ها در موسم زردآلو چینی آنرا اشتاق نموده بخار میدهند بعد از آمیختن به ماده سلفر، تا اینکه شکلش تغییر کند وزیبا و مقبول معلوم شود و در قیمت فروش آن فرق قابل ملاحظه بیابد، این عملکرد چی حکم شرعی دارد در حالکه اکثریت دهقانان و تاجران محلی این کار می کنند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این کار تاجران و باغداران و دهقانان حرام و ناروا و نا جائز است در شریعت اسلامی، زیرا :

اولا: بخار دادن و به ماده سلفر آمیختن زرد آلو و اشتاق آن ذایقه و مزه آنرا تغییر میدهد و هم آنرا از حالت طبیعی بیرون میآورد که اضرار طبی و صحتی زیادی دارد و کسانی که ازان استفاده کند و یا بخورد به امراض مختلف مبتلاء می شود و شریعت این امر را حرام دانسته و قاعده فقهی است که "لا ضرر ولا ضرار" نه فروشنده متضرر شود و نی هم خریدار مستهلک، و هر کار که سبب ضرر رسانیدن به دیگران شود در شریعت اسلامی حرام و ناروا است.

ثانیا: در خرید و فروش و تجارت و دنیای بزنس تغییر دادن اجناس از حالت طبیعی بخاطر جذب خریدار حرام

وناروا است و تزویر شمرده می شود، رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح متفق علیه فرموده اند که "من غشنا فلیس منا"^۱ هر که تزویر کند و از تقلبکاری کار بگیرد در معاملات از عمل کنندگان سنت من نیست.

وهم در حدیث صحیح که امام روایت کرده ایشان منع کرده از جنین زیبا سازی ها و فرموده اند: "لا تصروا الإبل ولا الغنم"^۲ از ندوشیدن شتر و گوسفند بخاطر فروش پرهیز کنید، چون بعضی ها می خواستند بخاطر اینکه شتر و گوسفندان را شیرده نشان دهند قبل از فروش چندین روز شیر آنها را نمی دوشیدند که پستانهای آن کلان معلوم شود و رسول الله صلی الله ازین کار منع کرده که تاجر و دهقان مسلمان این کار را نکند.

ثالثاً: هر کار ناروا و ناجائز را اگر اکثریت مردم و یا تعداد زیادی بکنند دال بر جایز بودن و مشروع بودن آن نیست، همه گنهکار و تقلبکار و مزور شمرده می شوند اگر توبه صادقانه نکنند و پولهای بدست آورده شان ازی نظریق حرام شمرده می شود.

^۱ - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب قول النبی صلی الله علیه و سلم: «من غشنا فلیس منا»، رقم الحدیث: (۱۰۱۰)، (ج ۱، ص ۹۹).

^۲ - صحیح البخاری، کتاب البیوع، باب النهی للبائع أن لا یخفل الإبل، والبقر والغنم وکل محفلة، رقم الحدیث: (۲۱۴۸)، (ج ۳، ص ۷۰).

رابعاً: هر تاجر که بنياد اين سلفر زدن اشتاق زردآلو را گذاشته ومردم را تشويق کرده در گناه همه شريك است ودر حديث صحيح که امام مسلم روايت کرده رسول صلی الله عليه وسلم فرموده اند: "من سن في الإسلام سنة حسنة كان له أجرها وأجر من عمل بها من بعده لا ينقص ذلك من أجورهم شيئاً، ومن سن في الإسلام سنة سيئة كان عليه وزرها ووزر من عمل بها من بعده لا ينقص ذلك من أوزارهم شيئاً"^۱ هر کسی که بنياد کار های خیر را بگذارد تا به روز قيامت اجر ثوابش برايش ميرسد وهر کسی که بنياد کار های شر وبد و ناروا وناجائز را بگذارد او در گناه همه شريك است ودر پهلوی گناه خود گناه ديكران را هم حمل ميکند، و خداوند متعال مردم را توفيق دهد که امسال ازین کار دست بردار شوند، تا اینکه رزق حلال شان را به حرام مبدل نسازند.



تبادل پول افغاني كهنه با پول افغاني جديد

يکي از هموطنان عزيز ما از ولايت بلخ چنين سوال

نموده:

^۱ - صحيح مسلم، كتاب الزكاة، باب الحث على الصدقة ولو بشق تمره، أو كلمة طيبة وأنها حجاب من النار، رقم الحديث: (۱۰۱۷)، (ج ۲، ص ۷۰۴).

استاد یک سوال ضروری بود لطف نموده جواب دهید
 به مشکل دچارم، بعد از اعلانات رسمی و غیر رسمی بانک
 ها پول خط خور را نمی گیرند باز صرافان راهی را پیش
 گرفته اند که از یک هزار صد افغانی می گیرند، در این
 صورت چی کار باید کرد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در خرید و فروش و تبادل پول و پیسه نقدی باید دو
 شرط مراعات شود که عبارت است از:

۱- تعامل دست بدست و فوری.

۲- داد و گرفت مساویانه که در آن مفاد و فایده مطرح
 نباشد.

ازینرو در تبادل پول افغانی کهنه با افغانی جدید که تا
 به حال ناچل اعلان نشده مفاد گرفتن سود و حرام است.

نیز قابل یاد آوری است که بانک مرکزی (دافغانستان
 بانک) و بانک های فرعی و شاخه های ما تحت آن مسئولیت
 دارند تا این مشکل هموطنان ما را حل نموده و برای تبادل
 پولهای کهنه و خط خورده مدتی اضافی را تعیین نمایند تا
 اینکه از طرف بعض صرافان مورد استغلال قرار نگیرند، در
 عین حال در سود دادن و سود گرفتن واقع نشوند.

صرافان محترم کشور عزیز ما باید این رهنمائی شرعی را در مارکیتهای صرافی در نظر داشته باشند:

بر مسلمان فرض است که احکام معاملات، خرید و فروش خود را بدانند و بیاموزد تا اینکه در حرام واقع نشود، زیرا دنیائی تجارت، معاملات و بزنس باریکی های زیادی دارد که بسیاری از مردم آنرا نمی دانند با وجود اینکه نماز می خوانند، زکات میدهند، روزه میگیرند، حج میروند لیکن در معاملات داخل باز، و خرید و فروش در حرام خوری واقع می شوند، ازینرو دانستن آداب معاملات تجارتی از اهمیت خاص برخوردار است حتی فقهاء مقوله ای دارند که: (دین عبارت از معامله است)، امانتکاری و صداقت مسلمان، قوت وضعف ایمانش در این میدان بیشتر مورد آزمون قرار میگیرد و معلوم می شود.

حالا میپردازیم به جواب سوال دوست محترم ما، این معامله را که شما یاد آور شدین عینا سود است که آن را فقه اسلامی ربا الفضل می نامند، یعنی خرید و فروش و مبادله و معامله پول افغانی به افغانی با مفاد که در آن سود واقع می شود، زیرا همین پول نقد در خرید و فروش و مبادله حکم طلا و نقره را میگیرد، اگر در این معامله مفاد نمی بود و مساویانه و دست بدست انجام میشد جائز بود زیرا که در بدل کردن دالر به افغانی فایده گرفتن مباح و حلال است زیرا دو پیسه و سکه مختلف هستند، در صورتیکه معامله

نقدی باشد، دست بدست انجام شود، در یک و وقت و یک مجلس حسی و یا حکمی که از طریق وسائل حدیث انجام داده می شود، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح که امام مسلم روایت کرده فرموده است: "الذهب بالذهب، والفضة بالفضة، مثلاً بمثل، سواء بسواء، يداً بيد، فإذا اختلفت هذه الأجناس؛ فبيعوا كيف شئتم، إذا كان يداً بيد"^۱ خرید و فروش طلا و نقره و اجناس که به این دو قیاس می شود باید مساویانه باشد و نیز دست بدست انجام شود اما اگر دو سکه و اجناس مختلف باشد می توانید که مفاد بدست بیاورید بشرط که دست بدست انجام شود یعنی معامله قرضی نباشد، پول نقد حکم طلا نقره را دارا می باشد، و صرافان محترم در صرافی با دید این احکام را مراعات کنند:

۱- در صورت تبادل افغانی به افغانی یا دالر به دالر فایده گرفتن حرام قطعی و ناجائز مطلق است و سود شمرده می شود.

۲- اگر دو سکه مختلف باشد مثلاً درهم اماراتی با افغانی بدل شود فایده گرفتن جائز و مشروع است بشرطه که معامله نقدی و دست بدست انجام شود.

^۱ - صحیح مسلم، کتاب المساقاة، باب الصرف و بیع الذهب بالورق نقداً، رقم الحدیث:

(۱۵۸۷)، (ج ۳، ص ۱۲۱۱).

۳- فایده گرفتن در نقل و انتقال پول و پیسه تاجران از یک شهر به شهر دیگر و یا از یک کشور به کشور دیگر جواز دارد مثلاً مبلغ یک لک افغانی را صرافی در کابل تسلیم می شود و نمایندگی اش در هرات مبلغ نودونه هزار افغانی به کسی که خواهش نقل و انتقال پولش را کرده میدهد این جائز است زیرا همان هزار افغانی اجوره نقل پول است نی فایده صرافی، اما اگر به نیت صرافی بگیرد این هزار افغانی را در این صورت نیز سود شمرده می شود.



در مقابل یک کیلو گرام تریاک خانه را گرو گرفته شریعت چي حکم میکند؟

هر معامله ای مالی که اساس و ابتدای آن در مخالف شریعت گذاشته شده باشد این معامله باطل و فاسد شمره می شود.

یکی از علاقمندان مسائل دینی از ولایت هرات چنین سوال نموده:

استاد محترم یکی از دوستان ما خانه اش را چندین سال قبل در زمان طالبان در بدل یک کیلو گرام تریاک گرو کرده بود حالا این شخص مطالبه استرداد قیمت همان یک کیلو گرام تریاک را دارد تا اینکه خانه گروی را ترک کند

ودر بین هردو طرف اختلاف وجود دارد شریعت چپی حکم میکند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شریعت قاعده شرعی است که فقهاء مطابق آن عمل میکنند و به اساس آن فتوا میدهند و این قاعده چنین است: "ما بني على خطأ فهو خطأ" هر معامله ای که اساسش به غلطی و مخالفت شریعت گذاشته شده باشد نادرست و بی اثر شمرده می شود.

ودر لفظ دومی این قاعده چنین آمده: "ما بني على باطل فهو باطل" معامله مالی ای که اساسش باطل و نادرست باشد خودش هم باطل و بی اثر است یعنی در آن شروط و احکام شرعی خرید و فروش مراعات نشده باشد.

و تأکید نموده اند که: "ما بني على فاسد فهو فاسد، أو: ما بني على حرام فهو حرام" هر معامله که بطریقه غلط، و فاسد و نادرست و مخالف شریعت و به شیوه حرام اساس گذاری شده باشد این معامله از اساس و ابتداء حرام و فاسد شمرده می شود احکام و نتایج و حق و حقوق بر آن مرتب نمی شود.

ازینکه مواد مخدر و تریاک مال و دارایی حلال و مباح پنداشته نمی شود و به اساس آن خانه و املاک منقوله و غیر منقوله رهن شده نمی تواند این معامله گروهی حرام، فاسد

وباطل شمرده میشود از ابتداء و خانه به مالک اصلی اش تسلیم گردد و کسی که به اساس تریاک و مواد مخدر معامله کرده به خاار نوالی معرفی شود تا اینکه جزای خود را ببیند و هموطنان بدانند که خرید و فروش مواد مخدر حرام است و پول و پیسه بدست آمده از آن حرام شمرده می شود.

کاشتن، فروختن، استعمال، وزمینه سازی خرید و فروش تریاک، کوکنار، افیون و سائر مواد مخدر حرام مطلق و قطعی است.

باید بدانیم که دین مبین اسلام همه اشیاء و موادی که عقل انسان را از بین میبرد و مختل میسازد و سبب هلاکت و بربادی اش می شود حرام نموده و نیز:

۱- استعمال و نوشیدن مواد مخدر مثل تریاک، کوکنار، افیون، شراب، و چرس و سائر مخدرات در دین مبین اسلام حرام است.

۲- تجارت و خرید و فروش و کسب و کار در این راستا نیز حرام میباشد.

۳- حرام بودن کاشتن مواد مخدر بیشتر و سخت تر میباشد زیرا زندگی انسانها را تباه و برباد میکند.

۴- فایده و مفاد که از تجارت و فروش و کشت مواد مخدر بدست میاید حرام میباشد و از سود خوری فرق ندارد.

۵- پول و پیسه و مفاد و فایده که از مواد مخدر بدست آمده باشد مصرف کردن آن در ساختن مسجد و مدرسه و فرش مساجد و خریداری مصاحف و غیره قربات و عبادات مالی ناجائز و نامشروع است.

۶- بخاطر خلاصی از پول و پیسه حرام که از تجارت و کشت مواد مخدر بدست آمده می شود که آنرا بر فقیران و مسکینان توزیع کنند یا اینکه در سرکک و جاده و راه سازی به مصرف برسانند.

۷- عروسی و ازدواج کردن با پول و پیسه بدست آمده از کشت و تجارت مواد مخدر جواز ندارد.

۸- حج و عمره رفتن با پول و پیسه که از کشت و زراعت و تجارت مواد مخدر بدست آمده جواز ندارد.

۹- خانمهای دهقانان و تاجران مواد مخدر باید بدانند که آنها با حرام خوران زندگی میکنند و از غذای پول حرام تغذیه می شوند و لباس که از پول حرام خریداری شده می پوشند پس برای شان جائز است بلکه مستحب است طلاق خود را بخواهند تا اینکه زندگی شان با حرام خور و ترویج دهنده حرام و قاتلین انسانها به هدر نرود.

اما دلائل حرام بودن کشت و زراعت و تجارت و استعمال مواد مخدر را الله متعال در قرآن کریم و رسولش صلی الله علیه و سلم در احادیث چنین بیان نموده اند: "وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ"^۱ در کارهای خیر همکار باشید و در کارهای که تجاوز و معصیت و گناه می باشد همکاری نکنید، و کشت مواد مخدر بدترین وزشت ترین همکاری است که بخاطر از بین بردن عقل و جان و مال انسانها بکار برده می شود.

و رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح فرموده است: "من دعا إلى ضلالة فعليه من الإثم مثل آثام من اتبعه، لا ينقص ذلك من آثامهم شيئا"^۲، کسی که زمینه سازی کار زشت و بد و گمراهی را میکند و بنیاد آن را میگذارد گناه خود و دیگران را از اول تا به آخر و تا به روز قیامت متحمل می شود.

چونکه مواد مخدر حرام و ناپاک و خبیث و نجس میباشد آن را الله متعال حرام گردانیده و فرموده است: "وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ"^۳ رسول الله صلی الله علیه

۱ - سورة المائدة، الآية: ۲.

۲ - سنن ابن ماجه، أبواب السنة، باب من سن سنة حسنة أو سيئة، رقم الحديث: (۲۰۶)، (ج ۱، ص ۱۴۲).

۳ - سورة الأعراف، الآية: ۱۵۶.

وسلم را فرستاده که خوبیها وپاکیها را حلال وخبائث را حرام بگرداند ومواد مخدر ازجمله خبائث ونجاستها است.

وهمچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "ما أسکر کثیره فقلیله حرام"^۱ هر آنچه که مقدار زیاد آن عقل انسان را ببرد وحالتش را تغییر دهد مقدار کم آن نیز حرام است.

ونیز در حدیث صحیح دیگری فرموده است: "کل مسکر خمر، وکل مسکر حرام"^۲ همه مواد مخدر شراب پنداشته می شود وشراب حرام است، وکسی شراب را در دنیا بنوشد وعادات شراب نوشی واستعمال مواد مخدر را داشته باشد درآخرت از شراب پاک بهشت محروم می شود.

در این شکی نیست که کاشتن واستعمال وتجارت تریاک وکونار وسائر مواد مخدر انداختن انسان خود را بدست خود در هلاکت ونابودی است، "وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ"^۳ خود را بدست خود به هلاکت نیندازید.

^۱ - سنن أبي داود، كتاب الأشرية، باب النهي عن المسكر، رقم الحديث: (۳۶۸۱)، (ج ۳، ص ۳۲۷).

^۲ - صحیح مسلم، كتاب الأشرية، باب بیان أن كل مسكر خمر وأن كل خمر حرام، رقم الحديث: (۲۰۰۳)، (ج ۳، ص ۱۵۸۷).

^۳ - سورة البقرة، الآية: ۱۹۵.

ملت عزیز و متدین کشور عزیز ما بخاطر عملکرد مجرمانه و ناروای ما فیما وتاجران و دهقانان کوکنار و مخدرات نزد همه جهانیان هویت شان زیر سوال رفته، بهتر است موقف شرعی را به شکل واضح نوشته کنیم.



در صرافی و بدل کردن پول کدام مسائل شرعی مراعات شود؟

سلام علیکم، کمیشن که در صرافی مروج است چه حکم دارد؟

یک شخص میگوید به من به هرات ده لک افغانی حواله کن و صراف ازین شخص هر لک ۵۰۰ افغانی کمیشن میگیرد به خاطر انتقالش حالا نقطه مهم اینجاست اگر این شخص پول نقده به صراف ندهد و بگوید بعد از یک هفته پول میدهم گرفتن کمیشن چه حکم دارد؟

بلی استاد فقط نقل می کند من صراف هستم مشتری به من زنگ می زند میگوید به من در هرات ده لک افغانی حواله کن در صورتیکه پول نقده پیش من ندارد و من حواله میکنم یعنی به نفر هرات خود که صراف است می گویم این حواله را اجراکن.

خو البته این مشتری در مقابل این انتقال فی لک ۵۰۰ کمیشن میدهد اما این مشتری میگوید که یک هفته بعد به شما می آورم.

درینجا بعضی علماء می گوید که این مشتری شما باید اول پول بیاورد و بعدا شما حواله اش را اجرا کنید و می گوید اگر این مشتری به شما نقده پول ندهد این کمیشن سود محسوب میشود.

پس فکر کنم از متن شما این بر داشت میشود اگر مشتری یک هفته بعد هم پول بیاورد مشکلی در کمیشن نیست.

همین قسم است استاد گرامی؟ ودالر به افغانی یعنی از نرخ روزانه اسعار اگر بلند تر معامله شود مشکل ندارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

در صرافی و بدل کردن بول باید اصل شرعی در نظر گرفته شود تا اینکه معامله انسان مطابق شریعت انجام شود ودر سود و حرام خوری واقع نشود.

اولا: معامله دست بدست در داخل دوکان و یا صرافی صورت گیرد اگر معامله قرضی شد باز هم جواز ندارد.

دوما: اینکه اگر افغانی به افغانی و یا دالر به دالر و یا درهم را بدرهم بدل کند باید فایده گرفتن درین معامله نباشد زیرا فایده گرفتن خود سود گفته می شود، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "الذَّهَبُ بِالذَّهَبِ ، وَالْفِضَّةُ بِالْفِضَّةِ، مِثْلًا بِمِثْلِ، سَوَاءً بِسَوَاءٍ، يَدًا بِيَدٍ، فَإِذَا اخْتَلَفَتْ هَذِهِ الْأَصْنَافُ فَيُعْوَأُ كَيْفَ شِئْتُمْ إِذَا كَانَ يَدًا بِيَدٍ"^۱، طلا را به طلا و نقره را به نقره بفروشید بدون فایده گرفتن، و دست بدست، و اگر جنس فروش و بدل کردن فرق میکرد می توانید که به قیمت بالاتر و پایینتر بفروشید مطابق خواهش تان لیکن دست به دست .. اگر دست بدست واقع نشود باز هم معامله سودی گفته می شود.

درین دو اشتباه ازین صراف محترم صورت گرفته:

اولا: در بدل کردن افغانی به افغانی فایده گرفته که در حقیقت این معامله سودی است.

ثانیا: تقابض و دست بدست گرفتن هم صورت نگرفته که این هم جواز ندارد، همان مبلغ ۵۰۰ را اگر بخاطر صرافی گرفته باشد سود گفته می شود، چون دوکان

^۱ - صحیح مسلم، کتاب المساقاة، باب الصرف وبيع الذهب بالورق نقدا، رقم الحدیث:

(۱۵۸۷)، (ج ۳، ص ۱۲۱۱).

و کاروبارش صرافی است و نمی توان آن را اجوره نقل دادن گفت و برایش راه بیرون رفت سنجش نمود.

اما اگر عرف و عادت و سستم معاملات این طور باشد که به صرافیهها زنگ بزنند و تلفون کنند و یا از طریق وسائل انترنیتی معامله را انجام دهند و اعتماد در بین وجود داشته باشد و عرف صرافان همین طور باشد، درین صورت اگر یک هفته بعد هم پول را تسلیم کند باکی ندارد و در معاملات قاعده فقهی است که "المعروف عرفا کالمشروط شرعا" یعنی کار که به عرف و اعتماد روان باشد مثل آن که در مجلس صورت گرفته باشد و مشکل شرعی ندارد.

اما بدل کردن و فروختن دالر به افغانی یعنی از نرخ روزانه اسعار اگر بلند تر معامله شود جواز دارد لیکن بهتر است که مطابق نرخ و فروش بازار ارزه صورت گیرد که دران ظلم واقع نشود.



برای معلولین عمومی جایز نیست که بخاطر بدست آوردن پول خود را شامل دفتر معلولین جنگ نمایند

یکی از علاقمندان مسائل دینی از ولایت تخار سوال

نموده:

دو سال پیش پدرم زیر دیوار مانده بود و در نتیجه حرام مغز کمرشان قطع شده فلج شدند بنا به مشوره بعض دوستان و نیز اقتصاد ضعیف ما خواستیم او شامل دفتر معلولین کنیم اما وقتیکه به دفتر رفتیم جواب گفتند که ما برای کسی پول می‌دهیم که در جنگ معلول شده باشد بناء ما عریضه نوشتیم که گویا پدرم در جنگ معلول شده باشد.

وقتیکه خانه آمدیم یک مولوی صاحب گفت که چنین پول حرام است چرا که از طریق دروغ بدست می‌آید لطفا شما وضاحت ببخشین که اخذ چنین پول حلال است یا حرام؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای معلولین عمومی جایز نیست که خود را شامل دفتر معلولین جنگ نمایند تا اینکه از پول و معاش تخصیص داده شده برای آنها استفاده نمایند زیرا که این غش و تزویر پنداشته میشود که در شریعت ناروا و نا جایز و حرام است، در عین حال حق تلفی در حق معلولین جنگ شمرده میشود، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: «من غشنا فليس منا»^۱ کسی که امکانات و پول و پیسه

^۱ - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب قول النبي صلی الله علیه وسلم: «من غشنا فليس

منا»، رقم الحدیث: (۱۰۱۰)، (ج ۱، ص ۹۹).

را از طریق غش و تزویر بدست بیاورد از جمله ما نیست به این معنی که مطابق هدایات و دستورات ما عمل نمی کند بلکه راه و روش حرام خوری را اختیار کرده است.

لهذا شما باید همه پول و پیسه و معاشاتی را که در طول این دو سال از طریق دفتر معلولین بدست آورده اید و جوابا و لزوما در خزانه همان ریاست تسلیم دهید، اما اگر اداره مذکور این مبلغ و پولها را برای شما ببخشد در این حالت برای شما حلال است.

الله متعال دروازه های رحمت خود را بروی تان باز بدارد و رزق روزی حلال را نصیب تان نماید.



کار کردن در رستورانتهایی که شراب تقدیم میکند حرام است

هموطن افغان ما مقیم شهر لندن در رستورانی کار میکند که به مردم در ضمن غذاها شراب هم تقدیم میکند آیا کار کردنش در این رستوران جایز است و معاشی را که بدست میآورد حرام است یا حلال؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

کار کردن در رستورانتهایی که شراب فروشی دارد حرام است، در هر بخش آن که باشد ولو که ظرف شوی و راننده

ودر ایور هم باشد معاش و کسب و کارش مطلقاً حرام است و باید بشکل فوری این کار را ترک کند و در جستجوی کار و وظیفه حلال شود و در ضمن پول و پیسه ای را که از این کار بدست آورده برای فقیران روی بازار صدقه دهد و نزد خود نگهداری نکند و از آن شرعاً حق استفاده را ندارد، چون این نوع کار همکاری در کار ناروا و ناجایز است که الله متعال از آن منع نموده و امر کرده که مسلمان در کار خیر و تقوا و پرهیزگاری همکاری باشد و در کار بد، زشت و ناروا همکاری نکند، "وتعاونوا علی البر والتقوی ولا تعاونوا علی الإثم والعدوان"^۱.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "لعن الله الخمر، وشاربها، وساقیها، وبتاعها، ومبتاعها، وعاصرها، ومعتصرها، وحاملها، والمحمولة إلیه، وآكل ثمنها"^۲.

خود شراب جنس نجس است لعن شده و نیز اشخاص ذیل و همکاران در بخش شراب نوشی خرید و فروش و نقل و انتقال آن لعنت گردیده اند:

^۱ - سورة المائدة، الآية: ۲.

^۲ - السنن الكبرى للبيهقي، كتاب البيوع، باب تحريم التجارة في الخمر، رقم الحديث: (۱۱۰۴۵)، (ج ۶، ص ۲۰).

* کسیکه شراب را میسازد و تولید میکند بشکل مباشر
ومستقیم.

* کسیکه برایش شراب تولید میشود یعنی شراب
نوشی میکند.

* فروشندهء شراب دکاندار و مغازه دار شراب
ورستوران شراب فروش.

* کسیکه برایش شراب خریداری شده است تا اینکه از
آن استفاده کند.

* کسیکه شراب را حمل میکند و نقل و انتقال میدهد
مثل راننده و درایور.

* کسیکه برایش شراب حمل میشود و نگهداری آن را
بدوش دارد.

* نوشنده ای شراب.

* ساقی شراب یعنی گارسون های رستورانها و هوتلها.

* استفاده کننده از پول شراب در تمام این بخشها
و غیره.

* همچنان کسانی که مواد شراب سازی و ماشین آلات آنرا برای شرکت های شراب نوشی میفروشند و آماده می سازند همه در گناه شریک هستند و از رحمت الهی طرد شده اند و آتش دوزخ در انتظار شان است.



فضیلت، ثواب و مشروعیت وقف کردن و تجارت با الله سبحانه و تعالی

یکی از هموطنان محترم ما از کابل سوال نموده :

استاد محترم استاد ثقافت اسلامی پوهنتون پولیس هستم یک سوال دارم، آیا وقف زمین به قبرستان صدقه جاریه حساب میشود یاخیر لطف نموده بنده را آگاه سازید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

وقف کردن در راه الله متعال از برزگترین اسباب ووسائل داخل شدن جنت و بهشت است، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم به وقف کردن ترغیب و تشویق نموده است و در حدیث صحیح ثابت است که بخاطر خریدن "بئر رومة" که چاه آب آشامیدنی بود وعده نمود که کسی این چاه را بخرد ووقف کند در جنت داخل می شود.

واین چاه را عثمان بن عفان رضی الله عنه خریداری نموده وقف کرد تا اینکه مسلمانان از آب آن استفاده کنند.

الله تبارک و تعالی در قرآن کریم فضیلت وقف را چنین بیان کرده است: " إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ" ^۱ از صفات مؤمنان راستین این است که کتاب الله متعال را تلاوت می نمایند، و نماز را ادا میکنند و در راه او تعالی پنهانی و آشکارا صدقه میدهند بر علاوه از زکات فرضی وقف میکنند و صدقه و خیرات میدهند، اینها تجارتی نصیب شان می شود که هرگز خساره نمی کنند، این در حقیقت تجارت کردن با الله متعال است که سعادت دنیا و آخرت نصیب مسلمان میگردد.

ثواب وقف و صدقه جاریه قطع نمی شود و بعد از وفات انسان هم دوامدار می باشد رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "إذَا مَاتَ ابْنُ الْإِنْسَانِ انْقَطَعَ عَمَلُهُ مِنْ ثَلَاثٍ، صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ، أَوْ عِلْمٌ يَنْتَفِعُ بِهِ، وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُوا لَهُ" ^۲.

^۱ - سورة فاطر، آیت: ۲۹.

^۲ - صحیح مسلم، کتاب الوصیة، باب ما يلحق الإنسان من الثواب بعد وفاته، رقم الحديث: (۱۶۳۱)، (ج ۳، ص ۱۲۵۵).

وقتیکه انسان وفات می کند همه اعمالش قطع می شود و برایش فایده و نفع نمی رساند مگر سه چیز: صدقه جاریه که عبارت از وقف است، علم که نافع و مفید واقع شود، و فرزند نیکو و صالح که برایش دعاء کند.

ازینرو وقف نمودن زمین برای مقبره مسلمانان صدقه جاریه و کار خیر حساب میشود، الله متعال فرموده است: "وفعلا الخیر لعلکم تفلحون" ^۱.

کار خیر و نیکو کنید که کامیاب و رستگار شوین در دنیا و آخرت، و نفع رسانیدن به مرده های مسلمان بهترین کار خیر است.



کارمند رستورانتی است که گوشت خوک را به مردم تقدیم میکند، شریعت چي حکم میکند؟

یکی از هموطنان عزیز ما مقیم اروپا چنین سوال نموده:

ان شاء الله امید دارم جور و سرحال باشین یک سوال داشتم اگر وقت داشتین جواب میدادین بنده را من مدت یکونیم سال میشود در یکی از کشورهای اروپای

^۱ - سورة الحج، آیت: ۷۷.

مهاجرهستم وبسیاربه مشکل یک جای کار پیدا کردیم که البته رستوران می باشد در رستوران گوشت خوک هم به فروش میرسد که مشتری های ما همه کرسن یا عیسوی اهل کتاب میباشند فیصدی کم مسلمان میاید ناگفته نماند در آشپزخانه کار میکنم نه فروشنده گی وگپ دیگر اینکه اگر پول یا معاش که من کار میکنم مشکل داشته باشد کار را اگر هم رها کنم دولت معاش میدهد باز هم از مالیات مردم است که در هر قسم جاها کار میکنند دولت مالیه خوده را میگرد و همان پول ها است که به مهاجرین تقدیم میکند و کار که بگوی حلال صد درصد باشد مشکل است میشود جناب استاد درین راه شرح بفرمائید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

کار کردن در رستورانتهای که گوشت خوک و خنزیر و شراب را تقدیم میکنند حرام، ناجائز و ناروا است، معاش، پول و پیسه بدست آمده از این کار و وظیفه نیز حرام میباشد زیرا همکاری به گناه و معصیت و تجاوز بر حدود الله و حرام خوری شمرده می شود، الله متعال به صراحت از همکاری به کارهای نازیبا، قبیح و ناروا که تجاوز بر احکام و حدود اوتعالی باشد منع کرده است در آیه دوم سوره المائدة فرموده است، "ولا تعاونوا على الإثم والعدوان"، رسول الله

صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "إن الله إذا حرم شيئاً حرم ثمنه"^۱ الله متعال هر آنچه را حرام گردانیده پول و پیسه بدست آمده از کاوبار آنرا هم حرام گردانیده، قاعده شرعی است که: "ما حرم أخذه حرم إعطاؤه" هر آنچه که گرفتنش حرام است دادن و کار کردن در آن بخش هم حرام است.

مسلمان که بخاطر بدست آوردن رضای او تعالی و تقوا و پرهیزگاری، و ترس از روز آخرت کار زشت، شر، قبیح، ناروا، و همکاری به گناه و حرام خوری را ترک کند او تعالی وعده کرده که فلاح و کامیابی را در دنیا و آخرت نصیبش گرداند و راه رسیدن به اهدافش را هموار نموده و به شیوه و طریقه رزق و روزی را نصیبش گرداند که هرگز تصور هم نکرده باشد، زیرا او تعالی مالک خزائن آسمانها زمین است: "ومن یتق الله یجعل له مخرجاً، و یرزقه من حیث لا یحتسب"^۲.

نصیحت من به این برادر عزیز و مسلمان و هموطن ما این است که فوراً در جستجوی کار حلال و مباح باشد و این کار را در اسرع وقت ترک کند زیرا حالا مجبوریت شدید هم

^۱ - صحیح ابن حبان، کتاب البیوع، باب البیع المنهی عنه، رقم الحدیث: (۴۹۳۸)، (ج ۱۱، ص ۳۱۲).

^۲ - سورة الطلاق، الآيات: ۲-۳.

ندارد، حتی ظرف شوی و آشپز، و درایور و راننده هم همین حکم را دارد.

اما معاش دولت آنجا حلال و مباح است در حکم حرام بودن شامل نیست، تا اینکه کار و وظیفه دولت در ذات خود حرام نباشد، معاش که برای مهاجرین میدهد حلال و مباح است.



حکم اجاره دادن موتر در بدل یک مقدار پول معین

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

اجاره دادن موتر برای اشخاص در بدل یک مقدار پول معین فی روز چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

فقهاء و علماء به این نظر هستند که این معامله و به این شکل جواز ندارد پیسه بدست آمده از این طریق حرام شمرده می شود، زیرا یکی از هردو صاحب موتر و یا راننده خساره و توان میکنند و بالایش ظلم واقع میگردد، و در تجارت و بزنس تعیین کردن فیصدی جائز است که برای هر یک فیصدی اش معلوم باشد اما تعیین کردن فایده و مفاد معین جائز و مشروع نیست.

طریقه و روش شرعی این است که یکی از اشخاص سرمایه را مهیا سازد و به کسی واگذار کند که تجارت و کار کند و فایده بدست آمده تقسیم شود مطابق اتفاق هر دو طرف.



وظیفه حساب داری و معاملات سودی در بانکهای غیر اسلامی جایز نیست

یکی از علاقمندان مسائل شرعی سوال نموده:

در یکی از بانکها سر محاسب استم و کسانیکه قرضهای سودی می گیرند من امضاء و ثبت میکنم آیا گنهکار میشوم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

هر همکاری در تعاملات و روشها و معاملات سودی و ربوی حرام، ناجایز و ناروا است؛ بدون شک تعامل کننده گنهکار است و مورد لعنت الهی قرار می گیرد و بطرف آتش دوزخ سوق داده میشود خصوصاً اشخاص کلیدی مثل محاسبین بانکهای ربوی و سودی و کارمندانی که مستقیماً نقش دارند، زیرا که پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در

حدیث صحیح فرموده است: " أن رسول الله صلى الله عليه وسلم، لعن آكل الربا، وموكله، وشاهديه، وكاتبه"^١.

رسول الله صلى الله عليه وسلم لعنت نموده سود خور و کسیکه سود میدهد یا سود را بدیگری میخوراند و نویسنده و دو شاهد آن را و فرمود که همه آنها در گناه مساوی هستند.

نیز الله متعال مسلمان را امر نموده که در گناه و نافرمانی او تعالی همکاری نکند: "ولا تعاونوا على الإثم والعدوان"^٢ و با یکدیگر همکاری نکنید در گناه و ظلم.



خریدن طلا و نقره توسط " Visa card " جواز دارد و مشروع است

السلام علیکم! استاد محترم آیا توسط " Visa card " طلا خریداری کرده می توانید؟

^١ - سنن ابن ماجه، كتاب التجارات، باب التغليظ في الربا، رقم الحديث: (٢٢٧٧)، (ج ٢، ص ٧٦٤).

^٢ - سورة المائدة، الآية: ٢.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

خریدن طلا ونقره توسط " Visa card " جواز دارد
ومشروع است زیرا استعمالش بمعنای داشتن و دادن پول
نقد است، وحالا این نوع تعامل کار معمولی ومروج است.



وزن کردن مرغ زنده در ترازو وفروش آن در شریعت مانع شرعی ندارد

یک برادر محترم سوالی را مطرح نموده که بعض مرغ
فروشان شهر کابل خصوصا در باز کمپنی مرغ را زنده در
ترازو وزن کرده می فروشند وبعد ازان حلال نموده به
خریدار می دهند آیا این کار شان صحیح است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

در اصل حیوانات وپرنده ها بدون وزن کردن فروخته
می شود ودر وقت فروش به ترازو وزن نمی شود وهمین
عرف وعادت در این نوع خرید وفروش است اما اگر بعض
فروشنده ها از روی وزن نیز می فروشند مانع شرعی ندارد
زیرا موانع که در خرید وفروش ذکر شده این عملکرد دران
شامل نیست، وشروط شرعی خرید وفروش کاملا تطبیق می
شود.

آداب صرافی و نقل پول تاجران

یکی از دوستان از شهر کابل سوال خود را نوشته که:

سلام استاد محترم! استاد پرسشی داشتم اینکه ما در کابل پول می‌دهیم در لاهور پس می‌گیریم یعنی حواله می‌کنیم در بدل یک لک کددارمقداری کمیشن میدیم اینجا کددار تسلیم می‌کنیم دوباره در پاکستان کددار تسلیم می‌شویم این کمیشن دادن خو سود نمیشود؟

ودوست محترم دیگری نیز از شهر کابل سوال خود روان کرده که :

سلام علیکم استاد محترم کمیشن حواله جواز داره یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اجوره گرفتن صرافان در مقابل نقل پول تاجران جواز دارد در صورت که اجوره نقل پول باشد نه پیسه صرافی افغانی به افغانی و یا روپیه به روپیه، (باید بین اجوره نقل دادن پول که حلال است و بین صرافی که اگر عین پول یک کشور باشد فرق شود، هردو معامله جداگانه).

این فتوای معتمد و موثوق مشترک مجمع الفقه
الإسلامی الدولی وفقہای معاملات است با ہم شریک
ساختیم.

درین حوالہ تنہا هدف تاجران نقل پول شان از یک
شہر بہ شہر دیگر واز یک کشور بہ کشور دیگر است بخاطر
آسانی ومصئونیت این پول، وصراف کہ حوالہ را نقل میدہد
و در دو شہر دفتر دارد در مقابل این نقل دادن مبلغی را می
طلبد کہ برای ہردو جواز دارد این در حقیقت بدل کردن
وصرافی نیست بلکہ فقط نقل دادن است، مثلاً از استنبول
بہ کابل کسی ہزار دالر را توسط صراف بہ کابل روان میکند
و در مقابل این خدمت دہ دالر میدہد، ویا از کابل مثلاً یک
ملیون افغانی را بہ صراف میدہد برایش در ہرات نقل
میدہد زیرا معمولاً صرافان تعاملات دارند کہ بخاطر سہولت
کار خود شان و مردم در شہر های مهم دفاتر دارند این کار
جواز دارد قرض وصرافی شمرده نمی شود و باید غلط فہمی
نشود، لیکن اگر بنام صرافی ویا بدل کردن پول این کار را
بکنند درین صورت سود شمرده می شود، کہ در مقابل بدل
کردن افغانی بہ افغانی ویا دالر بہ دالر پیسہ بدهد.



مال و جنس دزدی شده را خریده، حالا شریعت چي حکم میکند؟

یکی از خواهران که اصلاً باشند ولایت تخار است
سوال خود را نوشته :

اگر کسی جنس دزدی را خرید در حالت نا فهمی بعد
فهمید که دزدی است حکم اش چه است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان کوشش که که در جای شک و شبهه خریداری
نکند اما اگر به نا فهمی جنس و مال دزدی شده را خریده
باشد برای صاحب اصلی اش تسلیم کند در صورت مه معلوم
باشد و پول خود را از نزد فروشنده که دزد است بگیرد، اما
اگر صاحبش معلوم نباشد درین صورت این مال مشکوک را
در بیت المال بیندازد و یا صدقه کند و پول خود را از نزد دزد
بدست آورد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است
که: "من وجد عين ماله عند رجل فهو أحق به، ويتبع البيع من
باعه"^۱ هر کسی که مال دزدی شده خود را نزد کسی بیابد
او مالکش است و خریدار پولش را از فروشنده بدست بیاورد.



^۱ - سنن أبي داود، أبواب الإجارة، باب في الرجل يجد عين ماله عند رجل، رقم الحديث:

(۳۵۳۱)، (ج ۳، ص ۲۸۹).

د پردي مال د خرڅولو حکم

د لوستونکو او مينه والو څخه د يو تن پوښتنه دا وه چې: د هغه مال د خرڅولو حکم به څه وي چې انسان د هغه حقيقي مالک او څښتن نه وي؟

نو د دغه قدرمن پوښتونکي د پوښتنې په ځواب کې بايد ووايو چې علماًؤ په دې اړه فرمايلي دي:

يو انسان ته دا روا نه ده چې يو معين مال، لکه: ځمکه او د خرڅلاؤ کوم بل شی پر نورو باندې وپلوري چې دی ېې مالک نه وي، مگر په دې شرط چې نوموړې شخص ېې حقيقي څښتن او واکمن وي، ځکه د بشریت ستر لارښود جناب رسول کریم (صلی الله علیه وسلم) حکیم بن حزام (رضي الله عنه) ته داسې وفرمايل: (لا تبع ماليسَ عندك)^۱.

ترجمه: هغه مال چې له تاسره نه وي مه يې خرڅوه.

^۱ - سنن الترمذي، أبواب البيوع عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء في كراهية بيع ما ليس عندك، رقم الحديث: (۱۲۳۲)، (ج ۳، ص ۵۲۶).

يو خُل نوموړي صحابي نبي كريم (صلى الله عليه وسلم) ته د دې مسئلې په اړه يادونه وكړه، او ورته پې وفرمايل: يو تن راځي او له نوموړي څخه د يو داسې مال په اړه پوښتنه او غوښتنه كوي چې له ده سره نه وي، نو اوس كه بازار ته ولاړ شي او له بازار څخه هغه شخص ته د هغه د خوښې سره سم ورته راوښيي، نو د همدغې پوښتنې په ځواب كې ورته رسول الله (صلى الله عليه وسلم) وفرمايل: (لا تبع ما ليس عندك)^١.

نو تا ته د يو داسې كار تر سره كول هيڅ روا نه دي، او دا له دې كبله چې اصحاب السنن يو بل حديث شريف چې شيخ الباني (رحمه الله) هم صحيح گڼلى دى او له حكيم بن حزام (رضي الله تعالى عنه) څخه روايت شوېدى چې په هغې كې فرمايي: زه رسول كريم (صلى الله عليه وسلم) ته ورغلم، او ورته مې وفرمايل: يو تن ما ته راځي او له ما څخه د يو داسې مال په اړه پوښتنه كوي چې زه پې څښتن نه يم، آيا ما ته دا روا دي چې له بازار څخه پې ورته را وښي، تر څو پر دغه شخص پې وپلورم؟

^١ - سنن الترمذي، أبواب البيوع عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء في كراهية بيع ما ليس عندك، رقم الحديث: (١٢٣٢)، (ج ٣، ص ٥٢٦).

نو رسول الله (صلى الله عليه وسلم) ورتته
و فرمايل: هغه مال چې ته پې مالک او خبستن نه پې
هغه مه خرخوه.

دلته يوه بله مهمه فقهي مسئله د يادولو وړ ده
چې په فقهي اصطلاح کې ورتته (سمسار) وايي او د
هغې صورت حال داسې دی: که چېرې يو درېم
گړې شخص يا هغه تن چې د مال د خاوند او د
اخستونکي تر منځ جوړجاړی او منځگړيتوب
کوي، که چېرې د مال خبستن ته راشي، او د هغه له
لوري ورتته يو لړ ټاکلی مزد وروسته له يو لړ
همغږۍ او توافق څخه هم وټاکل شي، او بيا ورتته
مثلاً ووايي: زما دا مال په فلاني اندازه باندې
و پلوره، او هر څومره گټه چې له دې زياته شوه،
هغه دې ستا وي، چې دا کار بيا په دې صورت کې
دغه درېم گړې شخص ته روا دی.



اجرت گرفتن در نقل و انتقال دادن پول و پیسه تاجران از یک شهر به شهر دیگر

یکی از دوستان از کابل سوال نموده :

در سرای شازاده و در مزار شریف دوکان صرافی داریم پول و پیسه تاجران که بخاطر خرید فروش اجناس و تجارت روان میکنند نقل می‌دهیم و از هر صد هزار افغانی ۵۰۰ افغانی اجوره میگیریم، این کار ما جواز دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این عملکرد از نظر شریعت مباح و جائز است و یک کار حلال است و سود شمرده نمی شود زیرا این صرافی نیست تنها اجوره نقل دادن است و همه فقهای معاصر معاملات این کار را جائز دانستند.. و درین کار مصلحت هر دو طرف در نظر گرفته شده هم تاجران که پول و پیسه شان ضایع و دزدیده نمی شود و بصورت بدست میاورند و نیز مصلحت دوکان صرافی که کرایه دوکان و مصارف دارد و باید آنرا از راه های مشروع و مباح بدست بیاورد.



کار کردن ووظیفه داشتن در بانکهای سودی مطلقاً حرام است

یکی از دوستان از شهر کابل نوشته که :

کار کردن در بانک چی حکم دارد توضیح دهید؟

کار کردن ووظیفه اجرا کردن در بانکهای عادی و غیر سودی مباح و حلال میباشد مثل سائر کارها ووظائف اما در مورد وظیفه داشتن در بانکهای سودی باید بنویسیم که:

- کارمند و موظف بانک سودی در حقیقت در حالت جنگ با الله جل جلاله است.

- معاش و امتیازات مادی و اقتصادی که از این کار ووظیفه بدست میارود حرام شمرده می شود.

- محاسبه، ماموریت، مدیریت، درایوری، چوکی داری، خزانه داری، آشپزی، همه وظائف که در پیشبرد کار بانکهای سودی کومک می کند حرام است، و همکاری و کمک کردن به ترویج سود و سود خوری است و معاش و پول و پیسه شان از مال حرام قطاع طریق و دزدان، و رشو و خواران فرق ندارد زیرا همه در حکم حرام بودن و همکاری کردن به معصیت و نافرمانی الله متعال شامل

اسـت: "وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ
وَالْعُدْوَانِ" ۱.

- رسول الله صلى الله عليه در حدیث صحیح لعنت کرده کسی را سود می خورد، و کسی را که دیگران را می خوراند، و مامور و شاهدان و همه را لعنت کرده و تأکید کردند که همه در حکم لعنت شدن و حرام بودن وظیفه یکسان است: " أن رسول الله صلى الله عليه وسلم، لعن آكل الربا، وموكله، وشاهديه، وكاتبه" ۲.

- کسی که وظیفه و کار بانک سودی را ترک کند فوراً بعد از دانستن حرام بودنش الله متعال او را می بخشد و این ترک کردنش تقدیر می شود نزد او تعالی اما اگر کسی بعد از فهمیدن هم در وظیفه سود خوری دوام میدهد او بدون شک در آتش دوزخ به اندازه گنااهش می سوزد: فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ" ۳.

۱ - سورة المائدة، الآية: ۲.

۲ - سنن ابن ماجه، كتاب التجارات، باب التغليظ في الربا، رقم الحديث: (۲۲۷۷)، (ج ۲، ص ۷۶۴).

۳ - سورة البقرة، الآية: ۲۷۵.

- باید فوراً توبه کند و این وظیفه را ترک کند و مال و دارائی را که از سود بدست آورده صدقه دهد و برای مهاجرین و محتاجین به مصرف برساند.

- در جستجوی کار حلال باشد و الله متعال برایش راه حلال را آسان و هموار میسازد: "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا"^۱، "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا"^۲.

- و اگر کسی مجبوریت شدید اقتصادی داشته باشد که هیچ چاره جز این کار و وظیفه نباشد تا آن وقت به این کار ادامه دهد که کار حلال میسر شود لیکن در جستجوی جدی کار و وظیفه حلال باشد.



بیمه تجارتي در صورت اجباري بودن حلال است

یکی از دوستان محترم ما از شهر کابل سوال نموده که:

استاد محترم میخوایم در مورد بیمه و کار کردن در کمپنی بیمه از لحاظ حلال بودن و حرام بودنش برایم معلومات دهید چون بیمه حریق ساحات تجارتي به اساس مصوبه نمبر ۳۹ شورای وزیران جبری گردیده است زیرا

^۱ - سورة الطلاق، الآية: ۲.

^۲ - سورة الطلاق، الآية: ۴.

از اکثریت ساحات تجارتي پول گرفته ميشود براي مدت يگسال ولي در جريان يگ سال واقعه رح نمي دهد پول بيدون کدام عوض گرفته ميشود از روي لطف ومهرباني هميشگيت معلومات خلاصه را راجع به حرمت وعدم حرمت ان معلومات دهيد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

- بيمه های مروج در افغانستان همه تجارتي بوده وبيمه تعاونی که بيمه تکافلی واسلامی هم نامیده می شود واز تبرعات وکومکهای بلا عوض تأسیس می شود وجود ندارد.

- بيمه موتر، بيمه طبي وصحي، بيمه ساحات تجارتي ومارکيتها، بيمه صادر کردن ووارد کردن اموال تجارتي همه بيمه تجارتي شمردده می شوند که در اصل شامل سود، وبلا عوض گرفتن مال ومنفعت بوده، واز حق انسان زياد وکم دادن، تغير کردن است که حرام شمردده می شود، ليکن اگر هموطنان وتاجران وموتر داران از طرف دولت مجبور به بيمه کردن شوند درين صورت براي شان حلال است زيرا دولت وحکومت اين امر را به مردم مصلحت دانسته وقاعده شرعی است که: "تصرف الإمام على الرعية منوط بالمصلحة" تصرفات ووضع قوانين از طرف حکومت جائز دانسته می شود در صورت که براي مصلحت عمومی مردم باشد.

- شرکتهای بیمه در افغانستان تنها خود را بیمه می کنند پول وپیسسه و مال مردم میگیرند در مقابل مشتریان ودر هنگام ضرورت حتی ده فیصد هم به تعهدات شان عمل نمی کنند و حاضر نمی شوند لهذا پولهای را که زیر نام بیمه جمع آوری می کنند صد فیصد حرام شمرده می شود. زیرا بیمه یطرفه نمی باشد.



معاش کارمندان حکومت افغانستان حلال و مباح است

برادر ما عبدالرحمن روزی از شمال افغانستان چنین سوال نموده:

بخشید معاش دولت حلال است یا حرام کسی که معاش معلمی را از دولت میگیرد خودش امام مسجد است آیا پشت این شخص نماز میشود یاخیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

من توقع نمی کردم که این چنین سوال دهها بار تکرار شود و بعض ملا صاحبان آنرا طرح کنند زیرا معاش دولت و کارمند حکومت حلال و مباح است در صورت که اصل کار در ذات خود مباح باشد مثلا در کارهای آغشته نباشد که اصلا حرام است، سود خوری و وظیفه داشتن در بانک

سودی، خدمت شراب نوشان و شراب نوشی، مجاور و متولی بودن در زیارتها.

اما معاش و پول و پیسه را که گروههای تکفیری مخالف صلح از کشورهای همسایه و از تجارت مخدرات و باج گیری از مردم و قطع کردن شاه راهها بدست میاروند حرام مطلق است، حتی کناهش از سود خوری هم بیشتر است زیرا که آنها با این پول و پیسه سبب قتل مردم و آزار اذیت آنها می شوند و مملکت ما را تخریب میکنند.



ترمیم خانه گروی بدوش کی است؟

یکی از دوستان سوال نموده که :

استاد محترم در منزل که نزد من گرو است و من از آن استفاده می کنم طبعاً به ترمیم ضرورت پیدا می کند مصرف ترمیمکاری به دوش کی می باشد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ترمیم خانه گروی بدوش گرو گیرنده است در صورتی که از آن استفاده کند، و اگر استفاده نکند بدوش مالک اصلی است.

در بدل کردن طلای مستعمل به طلای جدید سردادن سود شمرده می شود

یکی از دوستان سوال نموده که :

استاد السلام علیکم! اگر طلای مستعمل را به طلای نو
بدل کنیم و سر بتیم آیا جواز دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

طلای مستعمل وقت به طلای جدید بدل شود دو شرط
باید مراعات شود: ۱- معامله دست بدست باشد. ۲- مساوی
بودن وزن هردو و سر دادن جواز ندارد زیرا بیم آن می رود که
سود باشد.

طریقه درست و صحیح این است که طلای مستعمل را
در طلا فروشی بفروش برساند، بعد از فروش طلای جدید
بخرد.. و در طلا فروشی های که شرائط خرید و فروش طلا
را طبق رهنمود های شریعت انجام میدهند همین طریقه
معمول است.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین



رهنمایی شرعی در مورد خرید و فروش بلاک های رهائشی

جناب استاد بزرگوار و عالیقدر! السلام اعلیکم ورحمته
 الله وبرکاته امیدوارم صحتمند باشید. در منطقه قصبه کشور
 امارات بلاک های رهائشی برای کارمندان دولت آباد میکند
 و از طریق قرعه کشی برای کارمندی یک بلاک سه اطاقه
 برآمده که قیمت مجموعی اش \$۳۹۰۰۰ دالر است چون
 توان پرداخت این پول را در اقساط ۲۰ ساله ندارد امتیازش
 را بالای شخصی دیگری می فروشد آیا نفری که امتیاز را
 خریده این بلاک و پرداخت اقساطش سود است یا مشکلی
 ندارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اگر قسط اول بلاک را داده باشد و بنامش نوشته شده
 باشد برایش جائز است که آنرا بدیگران بفروش برساند
 و قسط های باقی مانده را خریدار جدید بپردازد، اما اگر
 قسط اول را نداده باشد و تملک نکرده باشد برایش جائز
 نیست چیزی که در ملکیت نیست آنرا بفروشد، زیرا رسول
 الله صلی الله علیه وسلم از فروختن اجناس که در ملکیت
 انسان شامل نباشد منع کرده.



گرفتن پروژه از ارگان های دولتی در بدل رشوه جواز ندارد و حرام مطلق است

سلام استاد محترم، یک سوال داشتم!

گرفتن پروژه از ارگان های دولتی در بدل رشوه از
مجموع قیمت پروژه مثلا ۱۰ فیصد مجموع قیمت پروژه /
چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

رشوه دهنده و گیرنده هر دو لعنت و از رحمت الهی طرد
و دور می شوند و در آتش دوزخ می سوزند و مال و دارائی را
که از طریق رشوه و فساد بدست میاورند حرام شمرده می
شود حتی مال و کسب حلال شان نیز با حرام مختلط می
شود و زیر سوال می رود، و نیز سبب انتشار فساد بیتشر در
جامعه می شوند و فامیل و اولاد شان را از حرام تغذیه
میکنند، و هر کار که بنایش به فساد و فساد و باطل باشد ولو
که حلال هم باشد حرام می شود. پول و پیسه بدست آمده
ازین طریق مطلقا حرام است، مسلمان باید کسب و کارش
حلال باشد و مسلمانی تنها در عبادات نیست بلکه در همه
ابعاد مختلف زندگی است.



از امر خود برای مراجعین احکام میگیرد و از آنها پول بدست میآورد، آیا حلال است یا حرام؟

السلام اعلیکم ورحمته الله وبرکاته جناب استاد محترم امیدوارم صحتمند باشید. سوال دوم اینکه بطورمثال پسرمامای ما کارمند وزارتتی است ۲۵۰۰۰ هزار معاش دارد ولی بعد از گذشت شاید هم ۵ سال ازطریق همان وظیفه اش به طرق مختلف پول پیدا کرد یک مثالش اینکه اگر مراجعین جهت اخذ امر آمرشان به دفتر شان می آید برایش میگویند که امربند است ولی باز به طریق خود شان از او پول دریافت کرده و برایش امر میگیرند آیا این پول برای شان حرام است یا حلال؟ و ازهمین پول خانه آباد میکنند حکمش چیست؟ و از آن جاییکه خیلی اقربای نزدیک می باشد اگر از نانش میخوریم درحالیکه نمیدانیم که از کدام پول نان درست کرده است و درخانه اش میرویم آیا گنهگار می شویم؟ غیر مستقیم بارهائش هم گفتیم که حلال خور باشد. منتظرت هستم. جزاک الله خیرا.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که این امر واجب ووظیفه خودش ورئیشش است که معاملات مراجعین را در وقت معین اجراء کنند وبخاطر همین در این و وظیفه گماشته شده اند.

در غیر آن امانت را خیانت نموده و پول بدست آمده
شان رشوت شمرده می شود و حرام مطلق است.

اما خوردن نانش جواز دارد چون حرام بودن همه پولش
یقینی نیست حلال و حرام یکجا شده، لیکن احتیاط کردن
و بر حذر بودن خوب است که انسان نان حرام را نخورد، و اگر
از باب احتیاط و تقوا و پرهیز گاری نانش را نخورید کار خوب
است.



با پول امانت تجارت کرده آیا فایده را تقسیم کند؟

یکی از دوستان محترم سوال نموده که :

السلام علیکم استاد محترم کسی برایم پولش را امانت
میگذارد و اجازه استفاده نیز میدهد در صورت استفاده که
از آن مفاد بسیاری من به دست آورده ام پس آیا میتوانم در
حین تسلیم کردن امانتی اش با مبلغی که به نزدم گذاشته
است یک مقدار پول را به شکل هدیه به پاس اینکه از پول
او خیلی. مفاد به دست آوردم برایش بدهم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

درین صورت چون صاحب پول اجازه داده به رضایت
عام و تام و هیچ نوع مخالفت نشان نداده لهذا تجارت کردن

با این مبلغ حلال بوده و فایده و ربح آن برای شما حلال و مباح است، و برای مالک آن فایده ندهید که برایش سود می شود، چون امانت از خود احکام خاص دارد، و این تجارت و شراکت و مضاربت نبوده که برایش مفاد داده شود، تنها امانتش را عند الطلب برایش بدهید، و در آن صورت پول فایده بدست آمده از تجارت با امانت حرام شمرده می شود که بدون اجازه صاحب آن تجارت کرده باشد.



در حساب بانکی اش سود جمع شده، آنرا کجا کند؟

یکی از دوستان سوال نموده :

استاد محترم السلام وعلیکم ورحمت الله و برکاته.

در حساب بانکی من سود جمع شده، آیا میتوانم که مبلغ سود را از حساب خود به فقرا بدهیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا مسلمان باید پول پیسه خود را در بانکهای سودی و ربوی نگذارد که گنهگار نشود اما اگر روی ضرورتی که مثلا جای نگهداری نداشته باشد و خطر ضایع شدن پول باشد و بخاطر پول مورد آزار واذیت قرار گیرد و یا اصلا در کشورهای باشد که همه معاملات زندگی از طریق بانکها

پیش می‌رود درین صورت فایده و سود که در حسابش جمع می‌شود به فقیران و حاجتمندان و مهاجرین و ساختن تشنابهای مسجد و سرک و راه سازی و غیره به مصرف برساند، لیکن در خریدن فرش مسجد و مصحف و ساخت و اعمار مسجد و مدرسه مصرف کردن سود جواز ندارد.



حکم خواستن قرض مطابق زمانه دادن

یکی از دوستان نوشته:

استاد گرانمایه السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته، سوالم این است که شش سال پیش به دوست من که تجارت می‌کند هفت لک افغانی قرض دادم و حالا با گذشت شش و نیم سال که ارزش افغانی کم شده برای همان هفت لک را میدهد و من پول خود را به ارزش همان وقت می‌خواهم و خواستم رهنمائی شرعی شما را با خود داشته باشم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در معاملات قرض بهترین شخص آن است که پول و پیسه قرضی را در وقت معین مسترد کند رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است در حدیث صحیح که مسلم

روایت کرده: "إن خيار الناس أحسنهم قضاء"^۱ بهترین شخص کسی است قرض را به خوش اسلوبی ادا میکند.

و نیز بر قرض دهنده لازم است که همان مبلغ و پول دادگی را بدست بیاورد و بیشتر از آن نی تا اینکه در سود واقع نشود، و هم از اجر و ثواب قرض دادن محروم نشود.

جمهور فقهاء به این نظر هستند که شما همان هفت لک افغانی را مستحق هستید که قرض داده بودین اما بیشتر از آن برای تان جواز ندارد حتی ولو که ارزش آن پایین آمده باشد.

نظر دوم این است که باید قرضدار تفاوت که در ارزش پول آمده آن را بپردازد زیرا دین اسلام دین عدل است چون شخص که قرض داده نیکی و احسان کرده باید متضرر نشود.

وقول سوم این است اگر تفاوت کم و اندک باشد باید قرض دهنده از آن بگذرد، اما اگر تفاوت زیاد باشد درین صورت باید قرضدار آن را بپردازد و در صورت اختلاف بین

^۱ - صحیح مسلم، کتاب المساقاة، باب من استسلف شیئا ففرضی خیرا منه، و خیرکم أحسنکم قضاء، رقم الحدیث: (۱۶۰۰)، (ج ۳، ص ۱۲۲۴).

هر دو باید به محکمه رجوع کنند و مطابق فیصله قضاء
و محکمه عمل کنند.



پول و پیسه و اجوره جادوگر، فالبین و کفشناس حرام مطلق است

برادر دینی ما احسان الله حبیبی از شهر کابل سوال
نموده:

در این او آخرت رویج شغل تعویذ نویسی رو به افزایش
است. بدبختانه چهره های جدید با طرز و فکر خرافاتی تازه
دارد فعالیت میکنند، با عوام فریبی از آیات و احکام الهی
سوء استفاده نموده و در برابر هر تعویذ و قصیده شان بهای
زیاد میگیرند، امراض مردم را از دید خودشان بشکل
خرافات تشخيص مینمایند، در کل عایدات اینگونه افراد
از مدرک تعویذ نویسی و قصیده خوانی و غیب گوی حلال
و جایز است یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولاً: آویزان کردن تعویذ و طلسم و مهره برای شفا یافتن
مرض جایز نیست، نه تنها جایز نیست عمل شرکی است،

الله متعال در قرآن کریم می فرماید: "وإن يمسسك الله بضر فلا كاشف له إلا هو"^۱.

و اگر از الله متعال به تو ضرری رسد هیچکس جز او تعالی نتواند تو را از آن ضرر برهاند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "من علق تمیمة فقد أشرك"^۲، کسی که تعویذ و طلسم را برای دفع بلا و چشم و نظر بد و یا طلب شفا یابی آویزان کند شرک آورده است.

ثانیا: عایدات، پول و پैसे ای را که تعویذ نویس بدست می آورد از تعویذ نویسی خود حرام مطلق است زیرا که خوردن مال مردم به باطل است، در حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم از گرفتن و خوردن پول و پैसे فروش سکهها، اجوره و پول و پैसे بدست آمده از زنا کاری و اجوره جادوگر، فالبین، کفشناس، تعویذ نویس و انسهای که

^۱ - سورة الأنعام، الآية: ۱۷.

^۲ - مسند أحمد، مسند الشاميين، حدیث عقبه بن عامر الجهني عن النبي صلی الله علیه وسلم، رقم الحدیث: (۱۷۴۲۲)، (ج ۲۸، ص ۶۳۶).

غیبگویی میکند منع ونهی کرده: "نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم عن ثمن الكلب ومهر البغي وحلوان الكاهن"^۱.



حکم استفاده کردن از موتر قسطی

یکی از دوستان نوشته که من بعد از تکمیل کردن و برابر نمودن اوراق واسناد لازم در یکی از بانکها رفتم که برایم موتر قرضی بخرد و من پول خرید موتر را ماهانه بپردازم آیا از این موتر استفاده کرده می توانم و نیز صلاحیت فروش آنرا دارم، مگر قیمتی که بانک برایم می خرد نسبتا بالاتر است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در جواب برادر عزیز ومحترم ما باید بنویسم که اگر متأكد باشد که بانک ملکیت این موتر را دارا میباشد به این معنی که این موتر در ملکیت بانک صد فیصد قرار دارد در این صورت برای شما جواز دارد که شما این موتر را مستقیما از خود بانک به قسط بخرید و بانک بین شما و موتر فروشی واسطه نباشد، و برای شما در آن صورت استفاده از آن جواز

^۱ - صحیح البخاری، کتاب البیوع، باب ثمن الكلب، رقم الحدیث: (۲۲۳۷)، (ج ۳،

دارد و صلاحیت فروش آن را دارید که ملکیتش به نام شما نقل شود جواز سیر و کلیدش را بانک برای شما تسلیم کند، وانسان تا وقتی از اجناس استفاده کرده نمی تواند صلاحیت فروش آنها را هم ندارد که در ملکیتش قرار نداشته باشد، لیکن هر جنس و مال که در ملکیت انسان قرار داشته حتما حق استفاده و فروش آنرا دارد. و در معامله خرید موتر همانا بدست آوردن جواز سیر و کلید بمعنای تملک است و عرف بازار موتر فروشی همین است، اما در بالا بودن قیمت آن از قیمت موتر فروشی مانع شرعی نیست زیرا معاملات قسط و قرض همیشه تفاوت دارد و در آن مصلحت هر دو طرف در نظر گرفته شده است.



حصول قرضه از بانکها با پرداخت قسط وار که فایده داشته باشد سود شمرده می شود

یکی از دوستان محترم و دانشمند از ولایت هرات چنین سوال نموده :

بانک بین المللی افغانستان برای معلمین قرضه های در نظر گرفته است به این شکل که معادل سی فیصد از معاشات یکساله یک معلم را به وی قرضه میدهد منتها نه به صورت نقد بلکه به صورت جنس، و پول خود را به اقساط ۳ تا ۵ ساله پس می گیرد منتها با پانزده فیصد سود بالاتر

به این ترتیب مثلاً یک شخص ۳۰۰۰۰۰۰ هزار معاش یک ساله وی می شود و بانک سی فیصد از این مبلغ را که حدود ۹۰ هزار میشود را برای شخص مذکور از بازار جنس خریده و برایش می دهد و پول خود را در اقساط پس می گیرد منتها با ۱۵ فیصد سود بیشتر این معامله از نگاه شرعی چطور است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

شریعت از قرض گرفتن از بانکها که بدون فایده و سود باشد منع نکرده که قرضه بدست بیاورد و در عین حال آنرا در وقت معین بپردازد مطابق اتفایقه که با بانک داشته در وقت حصول این قرضه، اما اگر در این قرضه فایده مطرح باشد باید این رهنمائی شرعی مراعات شود:

اولاً: خریدار اجناس از بانک قرضه بدست میآورد بخاطر خرید این اجناس و بعداً برای بانک قرضه را بشکل قسط وار پرداخت میکند و برای بانک چند فیصد فایده میدهد، این معامله کاملاً سودی و ربوی است و در حرام بودنش هیچ شکی نیست، هر دو طرف به سود واقع می شود.

ثانیاً: خریدار اجناس در بازار و مارکیت برود و اجناس مورد نظر و ضرورت خود را انتخاب کند و از بانک خواهش کند که اجناس مذکور را بخرد و در ملکیت بانک در آورد

و در ملکیت عام و تمام بانک باشد، سپس این اجناس را بانک برای مشتری به معامله قسط بفروشد البته ولو به قیمت بالاتر، و چند فیصد فایده بدست بیاورد این معامله جواز دارد و مشروع است و این نوع معامله را در فقه معاصر مباحه مشروع می نامند که برای آسانی معاملات مردم و تسهیل فراهم کردن رائج شده و این از وظائف بانکهای اسلامی است.

اما بالا بودن قیمت آن از قیمت اصلی بازار مانع شرعی ندارد زیرا معاملات قسط و قرض همیشه تفاوت دارد و در آن مصلحت هر دو طرف در نظر گرفته شده.

و در این معامله که برادر ما از ولایت هرات سوال نموده بانک نه سوپر مارکیت دارد و نی هم صاحب مغازه است تنها وسیط است و زمینه سازی قرضه دادن را فراهم ساخته و این قرضه را ذریعه فایده گرفتن و سود گردانیده که جواز ندارد زیرا هر قرض که برای قرض دهند منفعت را جلب کند سود شمرده می شود و این قاعده فقهی است " کل قرض جر نفعا فهو ربا " هر قرض که برای قرض دهنده منفعت، فایده و مفاد را جلب کند ربا و سود شمرده می شود.



عقد مضاربت یکی از شیوه های تجارت حلال میباشد

یکی از دوستان خواهش نموده که مفهوم عقد مضاربت تجارتي را مختصراً شرح نمایم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

عقد مضاربت عبارت است از شراکت تجارتي بين دو شخص یا دو جهت ویا بیشتر از آن که سرمایه از یک شخص میباشد و کار از شخص دومی، مفاد و فایده نظر به اتفاق فیصدی بین هردو طرف تقسیم میگردد، در صورت خساره مندر شدن و تاوان، خساره و تاوان مالی را مالک سرمایه متحمل میشود و ضایع شدن وقت و کار و سعی تلاش جسمی را کارگر متحمل میشود، مثلاً یک شخص موتر کاری دارد برای راننده میدهد که شریک کاری او باشد و با این موتر کار کند سی فیصد از مفاد کار از راننده و هفتاد فیصد از مالک موتر شود.

این نوع تجارت و بزنس مشروع و حلال است به اتفاق فقهاء.. و در کتابهای سیرت النبی و تاریخ اسلامی نقل شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم قبل از مبعوث شدن به نبوت و پیامبری با مال و دارایی خدیجه رضی الله عنها تجارت میکرد و به طرف شام سفر می نمود و این تجارت و شراکت شان مضاربت بود که حتی بعد از نبوت نیز این نوع

تجارت رواج داشت و مورد قبول رسول الله صلی الله علیه وسلم قرار گرفته بود.

از شروط مضاربت این است که :

۱- هر دو طرف شراکت معلوم باشند و به نوعیت و کیفیت کار اتفاق داشته باشند.

۲- مقدار سرمایه معلوم باشد.

۳- فیصدی فایده و مفاد هر یک معلوم باشد .

۴ - فایده معین تعیین نشود تنها فیصدی تعیین شود.

۵- خساره مالی را صاحب سرمایه متحمل می شود.

۶- خساره وقت و سعی و تلاش را شخص دومی یعنی کارگر و شریک تحمل میکند.

۷- اصل کار مباح و حلال باشد و در کار غیر مشروع و ناروا مثل شراب فروشی، تجارت مخدرات و غیره اصلاً مضاربت ناروا و حرام است.



حکم تعیین کردن فایده در شراکت تجاری

یکی از دوستان از ولایت بلخ سوال نموده:

جناب استاد اگر کسی بگوید که مه برای تو مبلغ یک لک افغانی میدهم و تو رفته آرد آورده نانوی بکنید و برای من فی بوجی پنجاه افغانی فایده بدهید سود میشود یا نه؟ و نا گفته نماند که صاحب پول از عهده این کار بر آمده نمی تواند که بازار رفته آرد خودش بیاورد و برای نانوا بدهد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

فقهاء و علماء به این نظر هستند که این معامله وبه این شکل جواز ندارد پیسه بدست آمده ازین طریق حرام شمرده می شود، زیرا یکی از شریکان یا خساره و تاوان میکند و بالایش ظلم واقع میگردد، و در تجارت شریکان در فایده و مفاد و خساره یکسان شریک استند، و در این نوع تجارت باید دو شرط در نظر گرفته شود: اول اینکه مسؤلیت ضمانت سرمایه را هیچ شریکی نپذیرد، دوم اینکه فایده گرفتن بشکل که توضیح داده شد هم نباشد، چون شریک و موظف تجاری تمام کوششهای خود را بخرچ میدهد برای حفاظت از سرمایه وهم برای بدست آوردن فایده خوب وبه کمال اخلاص و نیت نیک، اما بعد ازین همه کار به توفیق خداوند متعال تعلق دارد.

اما اگر شریکان به این اتفاق کنند در شراکت و عقد مضاربه که مسئول کار و گرداننده تجارت مثلا چهارهم حصه و یا سوم را میدهند، به این شکل جواز دارد و قابل قبول و مشروع است.

و باید تاجران و کسانکه شراکت تجارتي دارند کوشش کنند که رزق حلال بدست بیاورند و هم دیگران را به حلال بدست آوردن تشویق نمایند، و حتی از کارها و معاملات تجارتي که به آن مورد شبهه و شک قرار گیرند صرف نظر کنند و به جستجوی بدیل حلال باشند.

عقد مضاربت معنایش این است که یکی از اشخاص سرمایه را مهیا سازد و به کسی واگذار کند که تجارت کند و فایده بدست آمده تقسیم شود مطابق اتفاق هر دو طرف.

در عقد مضاربت تجارتي شریکان در فایده و مفاد یکسان شریک هستند مطابق فیصدی اتفاق شده، و در مضاربت چهار شرط شرعی در نظر گرفته شود: ۱- در فایده هر دو شریک هستند مطابق فیصله اولی و هر کس به اندازه فیصدی اتفاق شده. ۲- فایده ثابت و معین شرط نباشد چون شریک و موظف تجارتي تمام کوششهای خود را بخرچ میدهد برای حفاظت از سرمایه و هم برای بدست آوردن فایده خوب و به کمال اخلاص و نیت نیک .. اما بعد ازین همه کار به توفیق خداوند متعال تعلق دارد. ۳- مسؤلیت

ضمانت سرمایه را هیچ شریکی نپذیرد، در صورت که گرداننده تجارت به شروط سرمایه گذار عمل کرده باشد مثلاً شرط مانده که مقرر تجارت شهر کابل است و او می خواسته سرمایه را به جلال آباد انتقال بدهد و در مسیر راه کابل جلال آباد سرمایه تلف شده در این صورت او مسؤول است. ۴- پول سرمایه مبلغ نقدی باشد و اجناس دیگر نباشد نظر به قول جمهور فقهاء از جمله مذاهب فقهی چهارگانه. ۵- گرداننده تجارت باید همیشه معلومات و گزارش درست و صحیح به صاحب سرمایه تقدیم کند و او را در جریان قرار دهد و اگر گزارش غلط دهد و در نتیجه اخلال شروط او ضامن سرمایه است در صورت تلف شدن.

اما اگر امانت و صداقت را در نظر داشته باشد و سرمایه به شکل طبیعی ضایع شود او مسؤول نیست زیرا اساس تجارت و مضاربت را فایده و مفاد و نقصان و خساره تشکیل میدهد.



حکم فروختن اجناس وارداتی که در راه است

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده :

استاد گرامی اسلام علیکم! آیا درست است مالی که در راه باشد تا هنوز بدست ما نرسیده بفروش برسانیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اگر پول آنرا پرداخته باشند و سند ملکیت را بدست آورده باشند حق فروش آنرا شرعا دارند.

اما اگر سند ملکیت نداشته باشند و مال تا برسیدن در ملکیت فروشنده باشد تاجر وارد کننده حق فروش آنرا ندارد، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح از فروش اموال واجناس که در ملکیت انسان قرار نداشته باشد منع کرده.



حکم حمل و نقل گوشت خوک

یکی از هموطنان عزیز ما مقیم امریکا چنین سوال

نموده :

استاد من یک وظیفه جدید را گرفته ام امروز روز اول بود اینجا در امریکا در یک دوکان پیزا کار است که پیزا را باید تا جای که فرمایش میدهند برسانم حالا در پیزا گاهی گوشت خوک پخته میشه آیا برای بردن این پیزا بما مشکل وممانعت شرعی است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

کار کردن در رستورانتهای که گوشت خوک وخنزیر وشراب را تقدیم میکنند حرام، ناجائز و ناروا است، معاش، پول وپیسه بدست آمده از این کار ووظیفه نیز حرام میباشد زیرا همکاری به گناه و معصیت و تجاوز بر حدود الله و حرام خوری شمرده می شود، الله متعال به صراحت از همکاری به کارهای نازیبا، قبیح و ناروا که تجاوز بر احکام و حدود اوتعالی باشد منع کرده است در آیه دوم سوره المائدة فرموده است: "ولا تعاونوا على الإثم والعدوان"^۱.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "إن الله إذا حرم شيئاً حرم ثمنه"^۲.

الله متعال هر آنچه را حرام گردانیده پول وپیسه بدست آمده از کاروبار آنرا هم حرام گردانیده است.

قاعده شرعی است که: "ما حرم أخذہ حرم إعطاؤه" هر آنچه که گرفتنش حرام است دادن وکار کردن در آن بخش نیز حرام است.

^۱ - سورة المائدة، الآية: ۲.

^۲ - صحیح ابن حبان، کتاب البیوع، باب البیع المنهی عنه، رقم الحدیث: (۴۹۳۸)، (ج ۱۱، ص ۳۱۲).

مسلمانی که بخاطر بدست آوردن رضای او تعالی و تقوا و پرهیزگاری، و ترس از روز آخرت کار زشت، شر، قبیح، ناروا، و همکاری به گناه و حرام خوری را ترک کند او تعالی وعده کرده است که فلاح و کامیابی را در دنیا و آخرت نصیبش گرداند و راه رسیدن به اهدافش را هموار نموده و به شیوه و طریقه رزق و روزی را نصیبش گرداند که هرگز تصور هم نکرده باشد، زیرا او تعالی مالک خزائن آسمانها زمین است:

"ومن یتق الله یجعل له مخرجاً ، ویرزقه من حیث لا یحتسب"^۱.

نصیحت من به این برادر عزیز و مسلمان و هموطن ما این است که فوراً در جستجوی کار حلال و مباح باشد و این کار حرام را در اسرع وقت ترک کند زیرا حالا مجبوریت شدید هم ندارد، حتی ظرف شوی و آشپز، و درایور و راننده هم همین حکم را دارد، اما معاش دولت آنجا حلال و مباح است در حکم حرام بودن شامل نیست، تا اینکه کار و وظیفه دولت در ذات خود حرام نباشد، معاش که برای مهاجرین میدهد حلال و مباح است.



^۱ - سورة الطلاق، الآيتان: ۲-۳.

اجرت گرفتن در مقابل سودا گرفتن

یکی از دوستان سوال نموده :

یکی از برزگان قریه ما که در اطراف زندگی میکنیم مرا به بازار شهر پشت سودا روان کرد، برایم دو هزار افغانی بخاطر خریدن سودا داد و من سودایش را خریده حاضر کردم و پنج صد افغانی اجوره خود را نیز خواستم و گرفتم آیا این کار من درست است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

در اجوره گرفتن حرج شرعی نیست و باکی ندارد و حلال است، لیکن بشرطی که این اجوره معقول و مطابق اجوره یک روزه کار شما باشد به این معنی که دو چند نباشد مگر برضایت همین شخصی که شما را پشت سودا فرستاده.



در تجارت و عقد مضاربت پول شریک خود را بدون اجازه به کسی دیگر واگذار نموده

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر کابل سوال نموده:

سوال من این است مولوی صاحب محترم که : یک نفر که خودش اصلاً تجارت نمی کند یعنی تاجر نیست از یک

کسی به این نام که گویا خودش تاجر است پول را میگیرد به مضاربت اما این پول را در جای دیگر به مضاربت به شخصی دوم میدهد، یک چیزی دیگر مولوی صاحب برای تاجر اصلی این پول چطور است جواز دارد یا خیر درحالی که او میداند که این شخص پول کسی دیگر را آورده و به من داده و خودش پول ندارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

اگر این برادر وکیل شرعی صاحب پول باشد و برایش اجازه این چنین تصرف و کار و معامله را داده باشد معامله اش بجا و حلال است بشرطی که اصل کار حلال باشد و فیصدی فایده و مفاد تعیین شده باشد، اما اگر وکیل شرعی اش نباشد و بنام خود گرفته باشد و برای دیگران داده باشد تصرف و معامله اش باطل و حرام است و متحمل همه خساره میباشد شرعاً، زیرا خودش صادق و امانت کار نیست و در تجارت و امانت مرتکب خیانت شده.

و برای تاجر اصلی نیز جواز ندارد و حرام است که با مال مشبوه تجارت می کند زیرا اصل معامله باطل است قاعده شرعی است که: "ما بني على باطل فهو باطل"، و اساسش به باطل بودن مانده شده این کار هم حرام است.

بدون شک عقد مضاربت یکی از شیوه های تجارت حلال میباشد و دارای شروط شرعی ذیل است:

عقد مضاربت عبارت است از شراکت تجارتنی بین دو شخص یا دو جهت و یا بیشتر از آن که سرمایه از یک شخص میباشد و کار از شخص دومی، مفاد و فایده نظر به اتفاق فیصدی بین هر دو طرف تقسیم میگردد، در صورت خساره مند شدن و تاوان، خساره و تاوان مالی را مالک سرمایه متحمل میشود و ضایع شدن و وقت و کار و سعی تلاش جسمی را کارگر و شرط، مثلاً یک شخص موتر کاری دارد برای راننده میدهد که شریک کاری او باشد و با این موتر کار کند سی فیصد از مفاد کار از راننده و هفتاد فیصد از مالک موتر.

این نوع تجارت و بزنس مشروع و حلال است به اتفاق فقهاء.. و در کتابهای سیرت النبوی و تاریخ اسلامی نقل شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم قبل از مبعوث شدن به نبوت و پیامبری با مال و دارایی خدیجه رضی الله عنها تجارت میکرد و به طرف شام سفر می نمود و این تجارت و شراکت شان مضاربت بود که حتی بعد از نبوت نیز این نوع تجارت رواج داشت و مورد قبول رسول الله صلی الله علیه و سلم قرار گرفته بود.

از شروط مضاربت این است که :

- ۱- هر دو طرف شراکت معلوم باشند و به نوعیت و کیفیت اتفاق داشته باشند.
- ۲- مقدار سرمایه معلوم باشد.
- ۳- فیصدی فایده و مفاد هر یک معلوم باشد.
- ۴- فایده معین تعیین نشود تنها فیصدی تعیین شود.
- ۵- خساره مالی را صاحب سرمایه متحمل می شود.
- ۶- خساره وقت و سعی و تلاش را شخص دومی یعنی کارگر و شریک تحمل میکند.



دهقانی کردن در مقابل بخشی از حاصلات آن

یکی از هموطنان عزیز ما از کابل سوال نموده :

استاد محترم ممنونم از بابت روشن ساختن موضوعات مهم اسلامی یک قطعه زمین دارم میخوامم برای یک شخص دیگر بدهم بخاطر کشت کردن من گفتم که گندمش از خودت و گاه آن از من یعنی من در این باره مشکل شرعی خود ندارم؟

هموطن محترم دومی نیز از شهر جلال آباد سوال
نموده :

برای مهربانی اگر شرایط اسلامی را در باره به اجاره
دادن باغ انگور توضیح بدهید و همچنان آیا این عمل جواز
اسلامی دارد و یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این معامله را در فقه اسلامی بنام عقد (المزارعة) می
نامند و معنایش این است زمین را به دهقان بدهد که کشت
وزراعت کند و بکار و حاصل آن را تقسیم کنند در بین
هر دو.

در حالی که این معامله بسیار مروج است واکثرا
مردمان شهر نشین زمینهای خود را در مناطق آبایی خود
به دهقان میدهند به همین شکل معامله میکنند، اما فقهاء
در مشروعیت عقد مزارعه اختلاف دارند:

امام ابوحنیفه و شاگردش امام زفر به این نظر هستند
که این معامله فاسد است و جواز ندارد زیرا رسول الله صلی
الله علیه وسلم در حدیث صحیح از این معامله منع و نهی

کرده: "نهى عن المخابرة والمزارعة"^۱ زیرا اصلا در وقت نوشتن عقد حاصل زمین و میوه باغ وجود ندارد و معدوم و مجهول است که آیا حاصل میوه از زمین و باغ بار میاید و یا خیر، درین صورت دهقان متضرر می شود.

اما جمهور فقهاء امام مالک و امام ابویوسف و امام محمد بن الحسن شیبانی و امام احمد بن حنبل و مذهب ظاهری این معامله را جایز و مشروع میدانند بدلیل اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه مردم خیبر همین معامله را انجام داده بود که حاصلات زمینها را تقسیم کنند آنها دهقانی و آبیاری باغ و یا کشت کردن زمین را بدوش داشته باشند، نیز جمهور فقهاء این معامله را به عقد شراکت و مضاربت قیاس کردند، همچنان در این معامله مردم بسیار ضرورت دارند.

و این قول راجح است لیکن بشرطیکه زمین و باغ زراعتی و قابل کشت و زراعت باشد و شرط نیست که تخم از دهقان باشد نیز معلوم باشد که دهقان چی چیز میکارد مثلا گندم و یا جو و یا کچالو و غیره، همچنان فیصدی هر یکی از هردو یعنی مالک اصلی و دهقان معلوم باشد، مدت زمان (عقد

^۱ - صحیح مسلم، کتاب البیوع، باب النهی عن المحاقلة والمزابنة، وعن المخابرة، وبيع الثمرة قبل بدو صلاحها، وعن بيع المعاومة وهو بيع السنین، رقم الحدیث: (۱۵۳۶)، (ج ۳، ص ۱۱۷۴).

مزارعة) در عقد تعیین نمایند و در این عقد دو شاهد عدل داشته باشند.



خرید و فروش اشیای که علامه صلیب داشته باشد

یکی از دوستان سوال نموده :

سلام علیکم استاد گرامی آرزو دارم صحتمند و سر حال باشید.

استاد محترم آیا استفاده از علامت صلیب و اشیایی که دارای علامت صلیب اند جواز دارد یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

رسول الله صلی الله علیه وسلم هر آنچه را که علامت صلیب میداشت از بین میبرد و در خانه نمی گذاشت و این در حدیث صحیح ثابت است، "کان لا یری فی بینه شیئا فیه تصلیب إلا نقضه".

ساختن، خرید، فروش، حمل نقل، تحفه دادن، استفاده و استعمال کردن، نگهداری و پوشیدن هر آنچه که علامت صلیب داشته باشد ناجائز و حرام قطعی است در دین مبین اسلام، لیکن باید متقین باشیم که واقعا علامت صلیب باشد.

تجارت، خرید و فروش سگ ها حرام است

یکی از برادران دینی ما از شهر کابل چنین سوال

نموده:

استاد محترم یکی از دوستان خرید و فروش سگ را سوال نموده است که فایده در تجارت سگ چی حکم دارد. مثلا سگ را به کشور های که آن را میخورند انتقال دادن و فایده گرفتن از این کار چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در اصل خرید و فروش و نگهداری سگها حرام است، پول و پیسه که از این راه بدست میاید نیز حرام است، زیرا عبد الله بن عمر رضی الله عنهما در حدیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت نموده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم از خرید و فروش و گرفتن قیمت سگها منع کرده و فرموده است که قیمت سگ نجس و خبیث و حرام است این نظر جمهور فقهاء است.

لیکن بعض فقهاء خرید و فروش سگهای شکاری را جایز دانسته اند که از حرام بودن مستثنی است.

لیکن راجح نظر جمهور فقهاء است زیرا ملائکه در خانه ای داخل نمی شود که در آن سگها نگهداری شود.

به کرایه دادن خانه و املاک گروبی سود و ربا شمرده می شود

یکی از علاقمندان مسائل دینی چنین سوال نموده :

من خودم محصل استم به مبلغ دو هزار و پنجصد دالر یک خانه را گرو رفتم تا اینکه به کرایه دهم و کرایه آنرا مصارف درس و تحصیل خود کنم شما رهنمائی کنید که آیا این کارم درست است.. بعد از اینکه در صفحه شما خواندم که استفاده از گروی سود و حرام است به مالک خانه مراجعه کردم او پول و پیسه من را حالا نمی دهد شما حالا رهنمائی کنید که چطور کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

معامله گروی که در فقه اسلامی (الرهن) نامیده می شود در ذات خود مباح و حلال و جایز است و برای تسهیل و تیسیر و آسانی مشروع معاملات و در حالت تنگ دستی مشروع گردانیده شده هدف از تشریح این معامله ضمانت استرجاع و باز گردانیدن پول و پیسه گرو گیرنده است که پولش ضایع نشود که بطور قرض به گرو دهنده داده شده است، و این معامله در حقیقت تجارت، بزنس، شراکت، مباحه نیست.. و در شریعت قاعده است که هر قرضی که به انسان نفع و فایده و مفاد و منفعت را جلب کند سود و ربا شمرده می شود "کل قرض جر منفعة فهو ربا".

ازینرو به کرایه دادن خانه، دکان واملاک گروی سود وربا شمرده می شود و گناه کبیره وبزرگ است که بموجب انسان لعنت شده واز رحمت الله متعال طرد گردیده وبطرف آتش دوزخ سوق داده می شود.

مشوره شرعی برای این برادر این است که همان پول وپیسسه کرایه ماهانه را جمع آوری نموده نزد خود نگهداری کند تا اینکه پول وپیسسه گروی تکمیل شود وبعد از تکمیل شدن خانه را به ملک اصلی اش تسلیم دهد در این حالت حق به حقدار رسیده.



شرط جزایی در تاخیر ادای قرض وقسط حرام است

یکی از هموطنان ما مقیم در شهر لندن سوال نموده:

استاد گرامی اسلام علیکم و رحمت الله.

من در شهر لندن زندگی میکنم. میخواهم یک عراده موتر را بصورت قسطی **monthly instalment payment** خریداری کنم. البته در این معامله پرداخت سود ۰٪ است. فقد اصل قیمت موتر به شکل پرداخت ماهانه ادا میگردد. لیکن در توافقنامه درج گردیده که اگر پرداخت کننده در پرداخت خود کوتاهی کند و در وقت

معین پرداخت ماهانه خود را اجرا نکند. ۵٪ سود در پرداخت ماهانه اش اضافه میگردد آیا من میتوانم این موتر را به این شکل بخرم. آیا از نظر شریعت کدام ممانعت وجود دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شرط جزایی و پرداخت جریمه نقدی در تاخیر ادای قرض حرام است به اتفاق فقهاء و در عین حال گذاشتن شرط جزائی در تأخیر پرداختن قسطهای ماهوار نیز غیر مشروع و حرام زیرا که جریمه نقدی و این شرط سود و ربا و مفاد ناجایز شمرده می شود.

لیکن گذاشتن شرط جزایی در قراردادهای کاری و ساختمانی که اگر کار تأخیر شود و بوقت و تاریخ معین که اتفاق شده انجام نشود بدون عذر شرعی در این حالت این شرط جایز است زیرا که طرف مقابل در نتیجه تأخیر و تعویق انداختن آن متضرر می شود.



گروی گرفتن به نیت استفاده حرام و سود شمرده می شود

یکی از برادران دینی ما از ولایت غزنی سوال نموده :

جناب مولانا صاحب امید که خوب و خوش باشید جناب مولوی من یگ محصل هستم من چند پول نقد همراهم داشتم چون من مصروف درسها هستم نمیتوانم با این پول تجارت کنم یک کسی هست دوکان خودرابه من در بدل ۲ هزار دالربه گروی میدهد من تصمیم دارم همین دوکان رابه کسی به کرایه بدهم و از پول آنرا خرج تحصیل ماهانه ام کنم چون من بجز همین کار دگه هیچ تجارت مثلا دوکانداری و غیره نمیتوانم که پول بدست بیاورم آیا استفاده ازین پول بمن جواز دارد لطف نموده در زمینه معلومات ارائه نمایید

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

- این درست است که گروی دادن (رهن) در ذات مشروع است به نیت ضمانت

- گروی مروج در افغانستان از اینکه به سود خوری ، استغلال و استفاده غلط و ناردست صورت میگیرد حرام شمرده می شود.

- در سوال در زیر شده این معامله گروی عینا سود و ربا شمرده می شود زیرا گروی دادن بخاطر مجبوریست یعنی

رهن کردن بخاطر تضمین مییاشد، اما گروهی گرفتن به نیت استفاده واستغلال نامشروع وحرام وسود خوری گفته می شود که قبلا انسان نیت واراده استفاده واستغلال را داشته باشد..

دین مبین اسلام بخاطر فایده ومفاد راه های تجارت وبزنش را را باز نموده تا اینکه انسانها رزق وروزی شان را به شکل حلال بدست بیاورند.. نی اینکه از مجبوریت ودر تنگنا قرار گرفتن دیگران استفاده کند.

گروهی از محاسن وخوبیهای شریعت اسلامی است برای تسهیل معاملات مردم که حق شان ضایع وتلف نشود خصوصا دهند وگیرنده که خانه وزمین ویا دکان نزدش باشد بخاطر ضمانت استرداد پول وپیس داده شده..

در تعریف فقهی گروهی نوشته شده که : وسیله توثیق پول وپیس داده شده است .گروهی بمعنای وثیقه وضمانت قرض است...که مال قرض دهنده نزد شخص وکسی است که زمین وخانه ویا باغ خود رابه گروهی داده .وهر وقت قرض را پس بدهد زمین خود را تصاحب میکند .واین کار مشروع وجایز است بخاطر آسانی وسهولت در معاملات وکار وبار ودر حالات تنگدستی....لیکن اگر گروهی گیرنده از این خانه ویا زمین وباغ استفاده کند سود گفته می شود .وحق

استفاده را ندارد خصوصا اینکه کسی نیت استفاده از قبل کرده باشد.

اما متأسفانه که مردم آن را غلط فهمیده و از آن بدترین استفاده نموده و وسیله سود خوری گردانیدند.. از لابلای سوالات که به من موصلت میکند فهمیده می شود که گروی را بعض مردم به شکل معکوس و مخالف حکمت که مشروع گردیده فهمیده اند و بعوض خانه کرائی و یا تجارت کردن وسیله آن را یافتند که عبارت است از به گرو گرفتن املاک... بی خبر از اینکه سود خوری تنها به یک نوع نیست و انواع مختلف دارد از جمله مال و متاع و مبلغ قرضی را وسیله استفاده و فایده و مفاد گردانیدن هم است.



به دالر قرض داده حالا برایش افغانی میدهد.. آیا جواز دارد؟

یکی از دانشمندان علاقمند مسائل شرعی سوال نموده :

در باره یک دوستم که از پسر خاله اش پول قرض گرفته بود و پول را برایش که دالر بوده افغانی کرده و به افغانی برایش داده حالا میگوید که من دالر میخواهم حکم اش چی است؟ جزاک الله خیرا.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بلی می تواند در بدل قرض دالری شما افغانی بدهد لیکن به نرخ فعلی نه به نرخ و قیمت وقت قرض دادن... در صورتیکه شما بالایش شرط نگذاشته باشید که دالر قرض میدهم و دالر میگیرم و اگر شرط گذاشته باشید باز او حق ندارد برای شما افغانی بدهد و اگر چنین کند در سود خوری واقع می شود.. و اگر شما شرط دالر گرفتن را نگذاشته باشید در وقت قرض دادن باز باکی ندارد و می تواند که افغانی بدهد به نرخ امروزی و فعلی بازار.



در عقد تجارتي مضاربت خساره را كي متحمل مي شود؟

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده :

یک مقدار پول و پیسه را که از سالیان با خود جمع آوری نمودم حالا می خواهم که با یک دوست خود مضاربت تجارت قالین را نمایم ، اتفاق کردیم که شصت فیصد مفاد از من و چهل فیصد از دوستم باشد ..سوالم این است که خساره و تاوان را کی متحمل می شود ؟

الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

عقد مضاربت اتفاق تجارتي است بين مالك سرمایه وشخص دومی که سرمایه را به کار میندازد، تجارت و بزنس را مدیریت میکند مفاد بین هردو تقسیم می گردد نظر به اتفاق که در بین شان تمام شده... البته در صورت خساره مند شدن همه خساره را مالك سرمایه متحمل می شود مگر اینکه طرف مقابل تساهل و غفلت کرده باشد در این حالت خساره را مدیر کار متحمل می شود..

در چنین عقد باید نوعیت کار، مقدار سرمایه، فیصدی مفاد، و وقت حساب دهی و تقسیم فایده همه در عقد ورقی تدوین شده هردو طرف در حضور شاهدان دستخط نمایند و از یک جهت معتمد توثیق شود و در صورت بروز اختلاف طرف تخطی کننده از عقد معلوم گردد.



خرید و فروش میوه سر درخت قبل از پخته شدن آن

یکی از علاقمندان مسائل دینی از ولسوالی پغمان کابل سوال نموده :

جناب استاد محترم من کار میوه را میکنم بعض باغ های میوه را بطور چوتن یا به رضایت باغ دار که خود قیمت

میکند جور آمد کرده میخرم مشکلی خو ندارد مانند
آلبالو، گیلان، زردالو، سیب و غیره ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

خرید و فروش میوه سر درخت باغها قبل از پخته شدن
وقبل از اینکه به ثمر برسد و خام باشد حرام است زیرا رسول
الله صلی الله علیه وسلم از فروش میوه سر درخت قبل از
پخته شدن منع و نهی کرده " عن ابن عمر رضي الله عنهما: أن
رسول الله صلی الله علیه وسلم نهی عن بيع الثمار قبل أن يبدو
صلاحها نهی البائع والمشتري"^۱ که دلالت به حرام بودن آن
میکند زیرا احتمال فاسد شدن و از بین رفتن آن وجود دارد
که خریدار خساره مند می شود و شروط شرعی خرید
و فروش مطابقت ندارد

اما اگر میوه سر درخت و بغ پخته شده باشد فروختن
آن جایز است و در آن کدام مانع و حرج شرعی نیست.



^۱ - سنن أبي داود، كتاب البيوع، باب في بيع الثمار قبل أن يبدو صلاحها، شماره
حدیث: (۳۳۶۷)، (ج ۳، ص ۲۵۲).

فروختن شهاد و غسل مخلوط با بوره و گلوکوز حرام است

یکی از علاقمندان مسائل دینی نوشته است:

بعض تاجران غسل زنبورهای غسل خود را از بوره تغذیه میکنند و غسل آنرا بنام اصلی بمردم بفروش میرسانند آیا این کار آنها حلال است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای تاجر فروختن اجناس ناکاره و دارنده عیب در یک حالت جایز و مشروع است که عیب اجناس فروشی خود را به مشتریان بیان کند و در این حالت اگر مشتری با وجود نقص و عیب آنرا بخرد باکی ندارد.

اما اگر عیب اجناس خود را بیان نکند و جنس تقلبی و بدل و ناکاره را بنام اصلی بفروش برساند گنهگار می شود و پول و کسب و کارش نیز حرام شمرده می شود.

زیرا الله متعال ثقلب و تزویر و فریب دادن مردم را حرام گردانیده، رسول الله صلی الله علیه در حدیث صحیح فرموده است "من غشنا فلیس منا"^۱.

^۱ - سنن الترمذی، أبواب البیوع عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب ما جاء فی کراهیة الغش فی البیوع، شماره حدیث: (۱۳۱۵)، (ج ۳، ص ۵۹۸).

کسی که تزویر و تقلب کند از جمله امت من نیست، تزویر و پوشانیدن عیب اجناس فروشی حرام است. ازینرو فروختن شهد و غسل مخلوط با بوره و گلوکوز و روغن بدون خیر دادن مشتری حرام است. اما اگر مشتری بداند و قناعت نماید در این حالت باکی ندارد و فروختنش حلال و مباح است.



قبل از پرداخت مصارف برق فوت نموده، آیا از دنیا قرض دار رفته است؟

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده :

اگر کسی وفات کند و مصارف برق شرکت برشنا را نداده باشد آیا قرض دار گفته می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شخصی که قبل از تسلیم کردن مصارف برق شرکت برشنا وفات نموده بدون شک از این شرکت قرضدار رفته و در ذمه اش قرض می ماند زیرا مصارف برق حکم قرض را دارد باید ورثه اش هرچه عاجل تر آنرا تسلیم نمایند از میراث و دارایی باقی مانده اش قبل از تقسیم میراث زیرا ادا کردن قرضهای میت در اولویت قرار دارد.

حمل و نقل اشیای حرام جائز نیست

یکی از برادران چنین سوال نموده :

من تکسی دارم با اشخاص مختلف رو برو میشوم که بعض شان شاید برای انجام کارهای شر هم بروند بعض وقت میدانیم و بعض وقت نمی دانیم چی کار کنیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

کار کردن و تکسی رانی در اصل مباح و مشروع و جائز است و کسانیکه بخاطر نفقه خود و فامیل خود این کار را انجام میدهند اجر و ثواب نیز شامل حال شان می شود..

اما اگر راننده تکسی بداند که سواری اشیای حرام مثل شراب، تریاک و مواد مخدر را نقل میدهد و یا برای انجام کار نا مشروع مثل قتل و کشتن اشخاص و مردم ، دزدی می رود، یا به سینما برود، و یا به زیارتگاهها می رود برایش جائز نیست که سواری را برساند... در این حالت کسب و کار و پول و پیسه ای را که بدست بیاورد حرام شمرده می شود.. هر همکاری در ناروایی ها و محرمات گناه پنداشته میشود. الله متعال در قرآن کریم فرموده است : "وتعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا

على الإثم والعدوان^۱ در کارهای خیر همکار باشید و در
کاهاری شر وبد و ناروا و نامشروع همکاری نکنید ..

البته نقل دادن انسانهای مجرم گناه عادی نیست بلکه
گناه متعدی است.

اما اگر نداند و آگاهی نداشته باشد در این حالت معذور
شمرده می شود.



پول کرایه رکشاون را نداده، چی کار کند که حق غریب کار تلف نشود؟

یکی از خواهران از شهر ایبک ولایت سمنگان چنین
سوال نموده :

استاد محترم یک سوال داشتم از شما لطفا جواب
بدهید امروز جای سفر داشتم همراه یک ریکشاون جنجال
کردم سر پول اش او هم پول ما را پس انداخت و رفت
بسیار یک اشتباه بزرگ کردم نه او را میشناسم از کجا
پیدایش کنم واقعا که دلم خون شده چی کار کنم که الله

^۱ - سورة المائدة، الآية: ۲.

قهر نشود او یک غریب کار بود...دعای بد به حق ما نکند
چون که یک غریب کار بود از دعایش بسیار میتراسم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان در مسائل مالی و حقوق عباد و بندگان اهتمام خاص داشته باشد، لیکن اگر گاهی چنین اتفاق بیفتد که بعد از تلاشهای مکرر و جستجو نمودن مالک مال را نشناسد و پیدا نکند که برایش تسلیم دهد آنرا صدقه کند به نیت رسانیدن ثوابش به مالک اصلی تا اینکه ذمه انسان برائت یابد و در این حالت مصلحت هر دو در نظر گرفته شده ذمه شخص که نزدش مال حرام است با صدقه دادن خود را برائت داده و مصلحت صاحب اصلی مال نیز در این نهفته است که اجر و ثواب را کمائی میکند.

در عین حال مسلمانی که از نزدش سهو و اشتباه سرزد می شود بعد از اینکه حق را بحقدار برساند توبه و ندامت نماید و در کارهای خیر و نوافل سبقت کند الله متعال بخشاینده و مهربان است و وعده نموده که نیکیهها و اعمال خوب و شایسته سبب محو گناهان می شود: " إن الحسنات يذهبن السيئات"^۱.

^۱ - سوره هود: ۱۱۴.

آیا شرعا جواز دارد که برای کارمند وزارت بخاطر توظیف و کاریابی پول دهد؟

یکی از دوستان چنین سوال نموده :

مدت یکسال از فراغتم شده و تا بحال بیکار استم حالا دوست برادرم که در یکی از وزارت خانه ها کارمند است پول می خواهد تا اینکه در جای مرا تعیین کند آیا برایش پول بدهم چون مجبرریت دارم و شما شرائط اقتصادی افغانستان را میدانید ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای شما جواز دارد که در مقابل سعی و تلاش و خدمت کاریابی که این شخص برای شما تقدیم میکند پول دهید و این عبارت است از اجوره سعی و تلاش او نی رشوت.. زیرا رشوت دادن جواز ندارد تا اینکه مسلمان در تنگنای شدید قرار نگیرد ..الله متعال ما و شما را رزق حلال نصیب کند.



بهترین وقف همان وقفي است که برای نهاد های دعوتی وقف میگردد

یکی از دوستان مشوره نموده که می خواهد پنج جریب زمین را بنام پدرش که وفات نموده وقف نماید و کدام جهت مستحق وقف میباشد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در این شکی نیست که وقف کردن یکی عبادت مالی است و از بهترین عبادات بشمار میرود زیرا که اجر و ثواب آن دوامدار و مستتم است حتی بعد از وفات انسان ثوابش برای میت میرسد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: " إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جاریة أو علم ینتفع به أو ولد صالح یدعو له " ^۱ وقتیکه انسان وفات نماید عملش از دنیا قطع میگردد مگر سه چیز برایش نفع میرساند بعد از وفاتش صدقه جاریه که همانا وقف است، علم نافع و مفید که سبب هدایت مردم براه راست شود، و فرزند نیکوکار و صالح که برایش دعاء می کند.

در شرائط فعلی نهاد های دعوتی که در جهت خیر و فلاح ملت مؤمن و مظلوم افغانستان و نشر روشنی و نور

^۱ - صحیح مسلم، کتاب الوصیة، باب ما یلحق الإنسان من الثواب بعد وفاته، شماره

حدیث: (۱۶۳۱)، (ج ۳، ص ۱۲۵۵).

فعالیت می نمایند و با درک رسالت سترگ دینی و ملی شان در جهت آوردن تغییر مثبت و مفید در جامعه بر اساس تعلیمات عقیده و ارزشهای اصیل اسلامی، و تجارب نیک و سالم انسانی مطابق با اصول و برنامهء مشخص و واضح تلاش و جد و جهد دارند.. در برنامه دعوتی و مبارزه فکری و فرهنگی نشر دین مبین اسلام بشکل درست و صحیح از منابع اصیل آن در اولویت نزد شان قرار دارد.. البته چیز مهمی که مبارزه دینی و دعوت آنها را متمیز و برآورنده می سازد این است که -الله الحمد- این نهادها به ممارسات نادرست و رقابتهای منفی در جامعه ما متورط نبوده در هیچ جنک داخلی، زد و بند و درگیری سیاسی بین احزاب، جریانات و گروه های متخاصم و درگیر طرف و دخیل نبوده است.

تربیت، فرهنگ، و تعلیم اساس کار آنها را تشکیل می دهد و تحقق سایر اهداف و برنامه های اسلامی در حقیقت در گرو همین کار تربیتی، فرهنگی، تعلیمی و اجتماعی می باشد و بر اساس فهم شان از قرآن و سنت و تجارب و عملکرد ائمه و مصلحین و مجددین و سلف امت روان هستند.. در فعالیتهای دعوتی شان احکام، تعلیمات، و موازین ثوابت شرعی مبتنی بر نصوص شرعی قرآن و سنت و سیرت پیامبر صلی الله علیه و سلم و صحابه کرام و ائمه و مجتهدین اسلام رهنما و رهنمای شان می باشد

لهذا هموطنان عزیز ما می توانند املاک وقفی شان را از طریق همین نهادهای دعوت در خدمت مردم متدین ما قرار دهند، و این نهاد های دینی و دعوتی در اکثر ولایات کشور عزیز ما دفاتر ولایتی و تشکیلات جوانان را دارا می باشد.



در طفولیت میوه همسایه را خورده، چگونه گناهش را جبران کند؟

یکی از دوستان چنین سوال نموده :

اگر کسی در زمان طفولیتش مال کسی را گرفته باشد بطور مثال ازباغ کسی انگور و یا کدام چیز دیگر را بدون اطلاع صاحب اش گرفته باشد و در زمان بزرگی صاحب آن مال مرده باشد آیا چگونه میشود جبران گناه کند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در مرحله طفولیت قبل از بالغ شدن انسان مکلف نیست و تصرفاتی را که انجام داده در آن مؤاخذه نمی شود یعنی گنهگار نیست، لیکن ضررهای مادی که در نتیجه این تصرفاتش بمردم وارد شده و خساره مند گردیدند باید آنرا بپردازد.

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "رفع القلم عن ثلاثة: عن النائم حتى يستيقظ، وعن الصبي حتى يحتلم، وعن المجنون حتى يعقل"^۱ گناه سه نفر نوشته نمی شود کسی در حالت خواب بوده باشد تا اینکه بیدار شود، و طفلی که بالغ نشده باشد و در مرحله احتلام نرسیده باشد، و انسان دیوانه و مریض عقلی و عصبی.

و حالا باید این خواهر توبه کند الله متعال گناهی را می بخشد لیکن میوه های همسایه را که خورده بدون اجازه اش به همان اندازه میوه از باغ خود صدقه دهد و یا خریداری کند و صدقه بدهد ثوابش را به همان شخص میت مالک میوه خورده شده اش در زمان طفولیت ببخشد. این شیوه و طریقه شرعی برائت ذمه انسان می باشد از گناه مرحله طفولیت و جبران خساره ای را که به اشخاص مرده و میت رسانیده است.



^۱ - سنن أبي داود، كتاب الحدود، باب في المجنون يسرق أو يصيب حدا، شماره حدیث:

(۴۴۰۳)، (ج ۴، ص ۱۴۱).

حکم کار کردن در هوتلی که به مردم شراب می دهد چیست؟

یکی از هموطنان ما مقیم جرمنی چنین سوال نموده:

من در شهر هامبورگ در یکی از هوتلها کار میکنم که شراب هم دارد و کسی که خواسته باشد برایش میدهد.. آیا معاش من حلال است یا حرام؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

الله متعال ذات پاک است وبغیر از پاکی چیزی را قبول نمی کند، باید کار وکسب شما حلال وپاک باشد، معاشی را که از کار کردن این هوتل بدست میاورید بدون شک حرام است زیرا که ام الخبائث یعنی مادر نجاستها فروخته می شود ومنکرات وجود دارد وشما همکار در کار شر، بد، زشت وناپاک هستید، نصیحت من بشما این است که شما این کار ووظیفه را ترک کنید ودر جستجوی کار حلال وپاک باشید، الله متعال حتما دروازه خیر ورحمت خود را برای تان باز میکند ووظیفه بهتر نصیب تان می شود اگر شما از کار حرام دست بکشید.



فایده و نقصان در عقد مضاربت

یکی از دوستان سوال نموده :

استاد گرامی: در کار و بار تجارت اگر با شخصی شراکت نمودید به نحوی که رأس المال از یک شخص و محنت نمودن از جانب شخص دیگر باشد و شخص دوم که همانا با محنت و خبره اش ۳۳٪ با شخص اول شریک شده آیا در کار و بار اگر آخر سال نقص نمایند از خساره آن بالای شخص دوم که فقط در محنت شریک گشته حساب میگردد و یا تنها خساره را شخص اول که صاحب رس المال میباشد تحمل میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

عقد مضاربت آن عقد تجارتي را گویند که سرمایه ورأس المال از تاجر باشد و کار را شخص دیگری بپیش برد و فایده و مفاد تقسیم شود بین هردو نظر به اتفاق شان.. در این صورت کارگر و گرداننده تجارت تنها در فایده و مفاد شریک است و در خساره و نقصان شریک نیست و آنرا متحمل نمی شود سرمایه دار از مال و سرمایه خساره مند می شود و کارگر سعی و تلاش که کرده و وقتش ضایع شده و خساره وقت و جسمی عاید حالش گردیده.. این عقد مضاربت است نی عقد شراکت فرق بین شراکت و مضاربت این است که در

شراکت هر دو در سرمایه و فایده و نقصان شریک میباشند اما در مضاربت کاگر در سرمایه شریک نیست تنها در مفاد شریک است.



شرط گذاشتن مفاد ثابت ناروا است

یکی از دوستان از ولایت بلخ سوال نموده :

جناب استاد! اگر کسی بگوید که مه برای تو "۶۰۰۰۰" af میدهم و تو رفته کار بکن ماهانه "۲۰۰۰" افغانی برایم فایده بیار به نظر شما آیا سود می شود یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تجارت، بزنس، شراکت، احکام خاص خود را دارد از جمله اینکه فیصدی و شراکت هر شریک باید معلوم باشد که نظر به اندازه و مقدار شراکت خود فایده و مفاد را بدست بیاورد و نیز در صورت که خساره و تاوان و نقصان وارد شود آنرا متحمل شود به اندازه فیصدی خود.

اما تعیین کردن و شرط گذاشتن فایده و مفاد معین جواز ندارد و سود شمرده می شود بلکه مخالف آداب تجارت هم است. زیرا تجارت عبارت است فایده و تاوان و نیز ممکن نیست که در هر ماه فایده خاص بدست بیاید و فرق میکند

و شرط گذاشتن روا داری ظلم است بالای کسی که مسؤولیت کار را بدوش دارد.



حکم استفاده کردن از سامان تجارتي بدون پرداخت مالیه به دولت

یکی از دوستان سوال نموده :

حکم استفاده از متاع که مالیه آن به دولت پرداخت نمیشود، و بصورت قاچاق به کشور و فرار از پرداخت مالیه آورده میشود چی است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

در صورت که مالیات به شکل شرعی وقانونی در خزانه دولت برود ومعقول باشد برای تاجران مجترم جواز ندارد که مالیه را پرداخت نکنند زیرا که در حرام خوری واقع می شوند، الله متعال فرموده است : "يا أيها الذين آمنوا لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل" ^۱ مال های تان را به باطل نخورید.. ومالیه ندادن تجارت تاجر را فاسد می سازد.. زیرا مال خرانه دولت به همه ملت تعلق دارد .. ونیز در این کار غش وتزویر هم است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است در

^۱ - سوره نساء: ۲۹.

حدیث صحیح : " من غشنا فلیس منا"^۱ کسی غش و تزویر و تقلب و جعل می کند از امت من نیست .

و نیز خریدن و استفاده کردن از این مالها و املاک تجارتي مشبوه جواز ندارد در صورت که به انسان معلوم باشد اما اگر علم نداشته باشد و به نادانی بخرد گنهگار نمی شود...

اگر دانسته بخرد جواز ندارد ، زیرا خریدای ان اموال همکاری به متجاوزین بر خزانه دولت شمرده می شود ، الله متعال فرموده است : " و تعاونوا علی البر والتقوا ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان"^۲ در کارهای خیر و پرهیز گاری همکاری باشین ، و در کارهای بد و زشت ناروا با متجاوزین همکاری نکنید که سبب تقویت شان می شود.



^۱ - سنن الترمذی، أبواب البیوع عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب ما جاء فی کراهیة الغش فی البیوع، شماره حدیث: (۱۳۱۵)، (ج ۳، ص ۵۹۸).

^۲ - سورة المائدة، الآية: ۲.

آداب خریدن موتر، خانه و املاک از طریق بانکها

یکی از دوستان از شهر کابل سوال نموده :

پرسش داشتم در مورد قرضه که بانک ملی افغان به هموطنان ما میدهند. آنها میگویند که ۶,۵٪ و ۱۲٪ فایده که ما میگیریم سود نیست چون ما پول نقد نمیدهیم و جنس را میفروشیم.

طور مثال من یک موتر کار دارم و موتر را خودم برایم از موتر فروشی انتخاب میکنم اما پولش را بانک میدهد و در آخر ۶,۵٪ فایده اخذ میکنند از مشتری. میگویند که موتر را شما اگر ۵۰۰۰۰۰ افغانی پیدا میکنین ما موتر را نقد میخریم از موتر فروشی اما دوباره همان موتر را با ۶,۵٪ فایده بالای شما میفروشیم

آیا این کار شان سود است یا خیر؟ لطف نموده از دید شریعت غرای محمدی برایم پاسخ بدهید.

من موتر را از موتر فروشی پیدا میکنم برایم اما پولش را نقدا بانک پرداخت میکند و دوباره همان موتر را بانک از آدرس خود بالای من با افزود ۶,۵٪ فایده دوباره میفروشد و من پول بانک را بطور اقساط در ۵ سال تحویل میکنم

بانک ضامن نمیشود بلکه موتر را در ملکیت خود میاورند و بالای مشتری دوباره به فروش با فایده ۶,۵٪ میفروشند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

جواب این معامله به دوبرخش تقسیم میگردد:

اولا: خریدار موتر از بانک قرضه بدست میاورد بخاطر خریدن موتر وبعدا برای بانک قرضه را بشکل قسط وار پرداخت میکند و برای بانک چند فیصد فایده میدهد..این معامله کاملا سودی و ربوی است ودر حرام بودنش هیچ شکی نیست..هر دو طرفه به سود واقع می شود .

ثانیا: خریدار موتر در موتر فروشی برود و موتر مورد نظر خود را انتخاب کند واز بانک خواهش که موتر مذکور را بخرد ودر ملکیت بانک در آورد واسناد آن را بنام بانک ثبت وراجستر نماید و موتر در ملکیت عام وتام بانک باشد ، سپس این موتر را بانک برای مشتری به معامله قسط بفروشد البته ولو به قیمت بالاتر.. وچند فیصد فایده بدست بیاورد این معامله جواز دارد ومشروع است واین نوع معامله را در فقه معاصر مباحه مشروع می نامند که برای آسانی معاملات مردم وتسهیل فراهم کردن رائج شده .

اما بالا بودن قیمت آن از قیمت موتر فروشی مانع شرعی نیست زیرا معاملات قسط وقرض همیشه تفاوت دارد ودر آن مصلحت هر دو طرف در نظر گرفته شده.



حکم تداوی با کارت بیمه یک شخص، شخص دیگر را

یکی از خواهران سوال نموده :

استاد یک نفر بیمه صحتی دارد

اما مادر خود را پیش داکتر می برد بنام خود این کار جواز دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

استفاده از کارت بیمه صحتی تنها به کسی جواز دارد که بنامش نوشته. و تداوی اشخاص دیگر توسط این کارت بیمه حرام و ناجائز است..برعلاوه از اینکه خوردن مال دیگران به باطل شمرده می شود غش و تزویر نیز است.



کاشتن و خرید و فروش مواد مخدر حرام است

یکی از دوستان از ولایت بلخ سوال نموده:

السلام علیکم جناب استاد بنده از شهر مزار یکی از مخلصین شما سوال دارم آیا کاشتن کوکنار یا تریاک جواز دارد بامستند بگویید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

باید بدانیم که دین مبین اسلام همه اشیاء و مواد که عقل انسان را از بین میبرد و مختل میسازد و سبب هلاکت و بربادی اش می شود حرام نموده و نیز:

۱- استعمال و نوشیدن مواد مخدر مثل تریاک، کوکنار، افیون، شراب، و چرس و سائر مخدرات در دین مبین اسلام حرام است.

۲- تجارت و خرید و فروش و کسب و کار در این راستا نیز حرام میباشد .

۳- حرام بودن کاشتن مواد مخدر بیشتر و سخت تر میباشد زیرا زندگی انسانها را تباه و برباد میکند.

۴- فایده و مفاد که از تجارت و فروش و کشت مواد مخدر بدست میاید حرام میباشد و از سود خوری فرق ندارد .

۵- پول وپیسہ ومفاد وفایده که از مواد مخدر بدست آمده باشد مصرف کردن آن در ساختن مسجد ومدرسه وفرش مساجد وخریداری مصاحف وغیره قربات وعبادات مالی ناجائز ونامشروع است..

۶- بخاطر خلاصی از پول وپیسہ حرام که از تجارت وکشت مواد مخدر بدست آمده می شود که آنرا بر فقیران ومسکینان توزیع کنند یا اینکه در سرکک وجاده وراه سازی به مصرف برسانند.

۷- عروسی وازدواج کردن با پول وپیسہ بدست آمده از کشت وتجارت مواد مخدر جواز ندارد.

۸- حج وعمره رفتن با پول وپیسہ که ازکشت وزراعت وتجارت مواد مخدر بدست آمده جواز ندارد.

۹- خانمهای دهقانان وتاجران مواد مخدر باید بدانند که آنها با حرام خوران زندگی میکنند واز غذای پول حرام تغذیه می شوند ولباس که از پول حرام خریداری شده می پوشند پس برای شان جائز است بلکه مستحب است طلاق خود را بخواهند تا اینکه زندگی شان با حرام خور وترویج دهنده حرام وقتالین انسانها به هدر نرود.

اما دلائل حرام بودن کشت و زراعت و تجارت و استعمال مواد مخدر را الله متعال در قرآن کریم و رسولش صلی الله علیه و سلم در احادیث چنین بیان نموده اند:

"وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ"^۱
 در کارهای خیر همکار باشید و در کارهای که تجاوز و معصیت و گناه می باشد همکاری نکنید.. و کشت مواد مخدر بدترین و زشت ترین همکاری است که بخاطر از بین بردن عقل و جان و مال انسانها بکار برده می شود.

و رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح فرموده است: "من دعا إلى ضلالة كان عليه من الإثم مثل آثم من تبعه، لا ينقص ذلك من آثمهم شيئاً"^۲ کسی که زمینۀ سازی کار زشت و بد و گمراهی را میکند و بنیاد آن را میگذارد گناه خود و دیگران را از اول تا به آخر و تا به روز قیامت متحمل می شود.

چونکه مواد مخدر حرام و ناپاک و خبیث و نجس میباشد آن را الله متعال حرام گردانیده و فرموده است: "وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ"^۳ رسول الله صلی الله علیه

۱ - سورة المائدة، الآية: ۲.

۲ - شرح السنة للبعوي، كتاب الإيمان، باب ثواب من دعا إلى هدى أو أحيا سنة وإثم من ابتدع بدعة أو دعا إليها، شماره حدیث: (۱۰۹)، (ج ۱، ص ۲۳۲).

۳ - سورة اعراف: ۱۵۷.

وسلم را فرستاده که خوبیها وپاکیها را حلال وخبائث را حرام بگرداند ومواد مخدر ازجمله خبائث ونجاستها است.

وهمچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "ما أسکر کثیره فقليله حرام" ^۱ هر آنچه که مقدار زیاد آن عقل انسان را ببرد وحالتش را تغییر دهد مقدار کم آن نیز حرام است.

ونیز در حدیث صحیح دیگری فرموده است: "کل مسکر خمر، وکل مسکر حرام" ^۲ همه مواد مخدر شراب پنداشته می شود وشراب حرام است..وکسی شراب را در دنیا بنوشد وعادت شراب نوشی واستعمال مواد مخدر را داشته باشد درآخرت از شراب پاک بهشت محروم می شود.

در این شکی نیست که کاشتن واستعمال وتجارت تریاک وکونار وسائر مواد مخدر انداختن انسان خود را بدست خود در هلاکت ونابودی است .. "وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ" ^۳ خود را بدست خود به هلاکت نیندازید..

^۱ - سنن أبي داود، كتاب الأشرية، باب النهي عن المسكر، رقم الحديث: (۳۶۸۱)، (ج۳، ص۳۲۷).

^۲ - صحیح مسلم، كتاب الأشرية، باب بيان أن كل مسكر خمر وأن كل خمر حرام، رقم الحديث: (۲۰۰۳)، (ج۳، ص۱۵۸۷).

^۳ - سورة البقرة، الآية: ۱۹۵.

ملت عزیز و متدین کشور عزیز ما بخاطر عملکرد مجرمانه و ناروای ما فیما وتاجران و دهقانان کوکنار و مخدرات نزد همه جهانیان هویت شان زیر سوال رفته .. بهتر است موقف شرعی را به شکل واضح نوشته کنیم .



حکم فروختن اجناس قرضی بیشتر از قیمت فروش نقدی

یکی از دوستان سوال نموده :

سلام استاد بزرگوار و گرامی اگر فرصت داشته باشید لطفاً لطف کرده برای این سوالم پاسخ بدهید.

استاد محترم بعض دست‌گناه‌های سیم کارت است که اگر در موبایل کسی کریدت نباشد ۲۰ کریدت قرض می‌تهد و بعد در مقابل ۲۰ کریدت ۲۳ کریدت وصول می‌کنه آیا این هم در سود شامل است یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولاً : این معامله مطلقاً معامله سودی و ربوی نیست زیرا در اینجا فروش منافع و منفعت مطرح است و در تجارت و بزنس فایده گرفتن یک امر مباح است و ربح و فایده حد معین ندارد.. و این معامله تبادل پول نقد و یا دو نوع مال و سامان همجنس نیست که فروشنده در سود واقع

شود..فروشنده و شرکت تلفون در مقابل ۲۰ افغانی ۲۳ افغانی نمی وردارد بلکه در مقابل کارت و کردیت کارت ۲۳ افغانی میگیرد..درین صورت سود نمی شود، نیز اگر این سه افغانی را در بدل کدام خدمت دیگر حصول کند نیز سود نمی شود.

تنها در دو صورت سود می شود:

۱- تعامل شرکت مخابراتی این باشد که ۲۰ افغانی قرض دهد و ۲۳ افغانی حصول کند و مسأله خرید و فروش در بین نباشد و بخاطر قرض فایده را حصول کند در اینجا در سود واقع می شود و سه افغانی بدست آمده حرام شمرده می شود و هر دو طرف در معامله سودی واقع شده.

۲- نیز اگر دو معامله در یک وقت در اختیار خریدار و گیرنده کارت عرضه شود که کارت را بدست آوردی و حالا شما مختار هستین که ۲۰ افغانی نقد می پردازید و یا ۲۳ قرض بعد از مدتی.. در اینجا به یک معامله اتفاق نشده و دو معامله در ضمن یک خرید و فروش صورت گرفته که خود حرام است نزد جمهور فقهاء زیرا رسول الله صلی الله علیه

وسلم از دو معامله در عین حال و در یک وقت که در ضمن یک خرید و فروش باشد منع کرده "نهی عن بیعتین فی بیعة"^۱.



حکم گرفتن پول باقی مانده برای وکیل خریداری

یکی از دوستان سوال نموده :

استاد محترم! یک شخص شخص دیگر را گفته برایم یک جنس را نرخ بگیر بعد نرخ را گرفته مقدار یک هزار افغانی فی کیلو بوده برای شخص که خواهان نرخ جنس بوده آمده گفته فی کیلو یک هزار است ان شخص پول را داده تا یک کیلو برایش بیاره شخص مذکور پول را گرفته آمده همراهِ دوکاندار جگله یعنی چنه زده و نرخ جنس را پایین آورده ۸۰۰ ساخته فی کیلو را . و دوصد باقی مانده را هم پس داده تا کنهگار نشه.

چند وقت بعد ان شخص دوباره ۸۰۰ داده تا از همان جنس برایش یک کیلو بیارد این شخص از کسی دیگر خریداری کرده به مقدار ۶۰۰ ایا دوصد اضافه را اگر ندهد گنهگار میشه؟ تشکر زیاد

^۱ - صحیح ابن حبان، کتاب البیوع، باب البیع المنهی عنه، شماره حدیث: (۴۹۷۳)،

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در صورت که تاجر و خریدار کسی را وکیل خرید و فروش خود بسازد برایش جواز ندارد و مشروع نیست که برای خود فایده بگیرد زیرا این کار او خلاف امانت کاری و صداقت است و باید پول و پैसे باقی مانده را به صاحبش برگرداند، تنها در یک حالت جواز دارد که به اجازه صاحب پول و پैसे و به اتفاق با او باشد تا اینکه در حرام و خوردن مال مردم به باطل واقع نشود... یا به اجازه صاحب پول باشد یا اینکه برای خود اجوره بخواهد و از اول اتفاق کند.



حکم نوشتن وصیتنامه

یکی از دوستان سوال نموده :

استاد بز گوار آیا نوشتن وصیتنامه واجب است در این باره معلومات دهید که از من استادان مکتب سوال کردند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در حالت عادی نوشتن وصیتنامه مستحب میباشد زیرا مسلمان مسائل زیادی دارد که در حیات و زندگی اش تحقق نمی یابد و می شود که بعد از وفاتش توسط اقارب و فرزندان متحقق شود، از عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما

در بخاری و مسلم روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "ما حق امرئ مسلم له شيء يريده أن يوصي فيه يبيت ليلتين إلا ووصيته مكتوبة عنده"^۱ مسلمان که میدانند دوشب هم زندگی میکند و چیزی برای وصیت دارد باید وصیتش را نوشته شده باشد.

اما اگر کسی که قرضدار باشد و معاملات داد و گرفت داشته باشد بامردم بر او واجب است که وصیتنامه اش نوشته باشد تا اینکه بعد از وفاتش از دنیا قرضدار نرود و نیز حق تلفی در حق دیگران رخ ندهد و در وصیتنامه اش باید دو شاهدان عدل امضاء نمایند و نزد یک جهت قضائی قابل اعتبار و اعتماد تحریر شود.



شروط شرعی عقد مضاربت و شراکت تجارتي

یکی از دوستان از ولایت کندز سوال نموده :

استاد محترم سوالی در ذهنم خطور کرده اگر پاسخ آن را در زمان فرصت بنویسید ممنوتان خواهم بود... مضاربت یعنی شرط ایجاد مضاربت شراکت در فایده و ضرر است یا تنها شریک بودن صاحب پول تنها در صورتی که فایده

^۱ - صحیح مسلم، کتاب الوصیة، شماره حدیث: (۱۶۲۷)، (ج ۳، ص ۱۲۴۹).

نماید. و در صورت ضرر کردن اصل پول را صاحب پول از طرف مقابل درخواست میکند. یا در ضرر هم شریک مشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

عقد مضاربت معنایش این است که یکی از اشخاص سرمایه را مهیا سازد و به کسی واگذار کند که تجارت کند و فایده بدست آمده تقسیم شود مطابق اتفاق هر دو طرف.

در عقد مضاربت تجارتی شریکان در فایده و مفاد یکسان شریک هستند مطابق فیصدی اتفاق شده ... و در مضاربت چهار شرط شرعی در نظر گرفته شود: ۱- در فایده هر دو شریک هستند مطابق فیصله اولی و هر کس به اندازه فیصدی اتفاق شده ۲- فایده ثابت و معین شرط نباشد چون شریک و موظف تجارتی تمام کوششهای خود را بخرج میدهد برای حفاظت از سرمایه و هم برای بدست آوردن فایده خوب و به کمال اخلاص و نیت نیک .. اما بعد ازین همه کار به توفیق خداوند متعال تعلق دارد... ۳- مسؤلیت ضمانت سرمایه را هیچ شریکی نپذیرد... در صورت که گرداننده تجارت به شروط سرمایه گذار عمل کرده باشد مثلاً شرط مانده که مقرر تجارت شهر کابل است و او می خواسته سرمایه را به جلال آباد انتقال بدهد و در مسیر راه کابل جلال آباد سرمایه تلف شده در این صورت او مسؤول است. ۴- پول سرمایه مبلغ نقدی باشد و اجناس دیگر نباشد

نظر به قول جمهور فقهاء از جمله مذاهب فقهی چهار کانه ۵- گرداننده تجارت باید همیشه معلومات و گزارش درست و صحیح به صاحب سرمایه تقدیم کند و او را در جریان قرار دهد و اگر گزارش غلط دهد و در نتیجه اخلال شروط او ضامن سرمایه است در صورت تلف شدن..

اما اگر امانت و صداقت را در نظر داشته باشد و سرمایه به شکل طبیعی ضایع شود او مسؤول نیست زیرا اساس تجارت و مضاربت را فایده و مفاد و نقصان و خساره تشکیل میدهد.



خرید و فروش مال دزدی

یکی از برادران چنین سوال نموده:

که یو کس دغلا مال واخلی اوبل کس هغی ته یی په بل چاخرس کری اوخپل گته پکی واخلی داپیسی دی کس ته حرام دی که حلال

مثال دغلا مال دی اول یی یوکس اخلی بیادهغی کس نه دریم کس اخلی اوبیرته یی خرسوی؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

خریدن مال، سامان واجناس دزدیده شده جائز و مشروع نیست بلکه حرام است ولو که از غیر مسلمان هم دزدی شده باشد، و این عینا مال حرام است.

اگر به کسی این مال و جنس دزدی عرضه می شود دزد را منع کند و نصیحت نماید و از گناه و عاقبت بد و ناگوار آن دزد را با خبر سازد و تحذیر نماید.. در عین حال سعی و تلاش نماید که صاحب مال را خبر دهد و اگر معلوم نشود به پولیس خبر دهد و مسئولیت خود را ادا نماید تا اینکه در قطار همکاران دزد شمرده نشود.

و مال دزدی شده را نخرد زیرا که مالک اصلی آن معلوم نیست و این معامله و خرید و فروش باطل و فاسد شمرده می شود و اگر آنرا بخرد و بفروش هم برساند در حالیکه میدانند که مال و سامان و جنس دزدی است گنهگار می شود بدون شک.

حتی اگر شک هم داشته باشد که مال دزدی است باید آنرا نخرد.

تنها در این صورت برایش خرید و فروش این مال جواز دارد که نفهمد و نداند که دزدی شده است.

کشت و فروش تمباکو حرام است

برادر محترم ما محمد امین قادری از ولسوالی بورکه
بغلان چنین سوال نموده :

آیا کشت کردن تنباکو حلال است یا حرام؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

چونکه ضرر تنباکو نوشی ثابت شده که انسان را به
امراض قلبی و بندش رکهای قلب و مرض سرطان دچار
میسازد از اینرو فقهای معاصر آنرا حرام دانسته اند و از قاعده
فقهی استدلال کرده اند که " لا ضرر ولا ضرر" هر آنچه که
به صحت و سلامتی انسان ضرر برساند مضر شمرده می شود
که حرام است و نیز، الله متعال در قرآن کریم انسانها را منع
کرده که خود را بدست خود بهلاکت بیندازند و فرموده است
: " ولا تلقوا بأيديكم إلى التهلكة"^۱.

کشت کردن تنباکو در حقیقت زمینه سازی به هلاکت
انداختن انسانها است، و در عین مانع کاشتن زراعت حلال
می شود.



^۱ - سورة البقرة، الآية: ۱۹۵.

گروی گرفتن خانه واملاک به نیت استفاده از آن سود شمرده می شود

یکی از دوستان از کابل چنین سوال نموده

آیا می توانیم خانه را به گروی بگیریم وبه کرایه بدهیم
یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تنها در صورت جواز دارد که از خانه گروی استفاده
نشود فقط بخاطر ضمانت مبلغ و پول که داده تا اینکه
استرداد شود املاک گروی نزدش باشد

گرو بمعنای وثیقه و ضمانت قرض است... که مال قرض
دهنده نزد شخص کسی است زمین و خانه و یا باغ خود را به
گروی داده. وهر وقت قرض را پس بدهد زمین خود را
تصاحب میکند. واین کار مشروع و جایز است بخاطر آسانی
و سهولت در معاملات و کار و بار و در حالات تنگدستی... لیکن
اگر گرو گیرنده از این خانه و یا زمین و باغ استفاده کند سود
گفته می شود. وحق استفاده را ندارد در مذهب
حنفی... بعض فقهای مذهب حنفی به این نظر استند که از
مال گروی استفاده جواز دارد به اجازه صاحب خانه و زمین
و باغ، و بعضیها به این نظر استند که مطلقا جواز دارد لیکن
قول راجح همین را که جواز ندارد.. ودر صورت که قرض نزد

گرو دهنده به شکل طولانی بماند درین صورت باید قرض دهنده به محکمه مراجعه کند و نظر به حکم محکمه خانه ویا زمین گروی فروخته شود وازپول فروش این قرض پرداخته شود.



آیا قرض به ارزش وقت گرفتن پرداخت می شود ویا بقیمت زمان دادن؟

یکی از دوستان محترم از ولایت هرات چنین سوال

نموده:

استاد نهایت عزیز احترام تقدیم است سوالی داشتم امید راهنمایی کنید تشکر، دوسال پیش از برادری مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ یکصدهزارافغانی قرض گرفتم بعد از دوسال که پولش را خواستم پرداخت نمایم از من مبلغ ۱۸۰۸ دالر معادل ۱۲۱۱۳۶ افغانی خواستار شد در حالیکه من یکصدهزارافغانی قرض گرفته بودم در موقع قرض گرفتن هیچ نوع حرف دیگری در تبدیل نمودن پول به اسعار خارجی صورت نگرفت حال به او پول به اسعار خارجی به قیمت همان وقت شکسته واز من طلب نموده است که یا ۱۸۰۸ دالر بدی ویا معادل افغانی انرا به قیمت روز پرداخت کن، بناء از جناب استاد خواهشمندم که در زمینه راهنمایی کنیدمه را چون من فکر میکنم اومستحق به یکصدهزارافغانی است و بس

زیاده از او سود شمرده میشود، من نیز شخصی هستم که همیشه تلاش نمودم که نه سود بخورم و نه هم به کسی سود بدهم، بناءً جناب استاد از شما تقاضا نمودم که با ثابت نمودن از آیات متبارک کلام الهی و حدیث رسول مقبول موضوع را بیان نموده تا من و سایر مسلمین یا آگاهانه و یا از روی نادانی به سود خوردن و سود دادن نپردازیم تشکر از حوصله مندی تان .

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شریعت قرض دادن و قرض گرفتن از خود آداب و احکام دارد که باید مسلمان آنرا رعایت کند:

۱- قرض دادن به مسلمان ثواب و اجر و پاداش بزرگ دارد که سبب مغفرت گناهان و داخل شدن در جنت می شود.

۲- در وقت قرض دادن بهتر است که نوشته شود و امضاء دو شاهد عدل هم باشد در این قرضنامه .

۳- مهلت دادن به قرضدار مجبور نیز ثواب دارد و از صفات مسلمان با ایمان است.

۴- قرضهای ثابت باید بالمثل ادا شود و ارتباط دادن آن به اسعار خارجی و یا قیمت طلا و نقره جواز ندارد.

۵- شخص که به شما یک صدر هزار افغانی قرض داده تنها مستحق همان یکصد هزار افغانی است و حق خواستن آنرا بدالر ویا پول بیشتر از همان یکصد هزار افغانی را ندارد.

۶- در صورت که سکه وپول رائج که قرض مطابق آن بوده ملغی شده باشد ویا کاملاً بی ارزش گردیده باشد در این صورت جواز دارد که به دالر و غیره پرداخته شود و خساره وارد آن داده شود.

۷- بهتر واولی وافضل این است که قرض به خوش اسلوبی ادا شود و همان خساره که به قرض دهنده وارد می شود ادا گردد و داده شود بنام همکاری، همدردی و رویه نیک و خوب نی بنام فایده و سود..رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح که بخاری و مسلم روایت کرده فرموده است: " إن خياركم أحسنكم قضاءً "، بهترین شما کسی است که قرض و حق مردم را بخوبی و خوش اسلوبی ادا میکند..

چون این مسأله اختلافی است لهذا اولی و افضل و بهتر این است که مسلمان از شبهه دور بماند و همان خساره را بنام دیگری بپردازد.

^۱ - صحیح البخاری، کتاب الوکالة، باب: وکالة الشاهد والغائب جائزة، شماره حدیث:

رهنمائی شرعی برای کمیشن کاران

یکی از خوانندگان محترم سایت انترنیتی اصلاح اونلاین نت در کابل جنین سوال نموده:

اگر یک نفر برای یک نفر دیگر یک جنس را از دوکاندار بخرد و دوکاندار بعد به نفری که برایش مشتری میآورد کمیشن بدهد چی حکم دارد؟ و درضمن اگر جنس کدام عوارض داشته باشد کمیشن کار باز همرایش پیش دوکاندار میآید بخاطر که برایش خریده و مشتری از کمیشن خبر ندارد این کار حلال است یا حرام؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

در شریعت باب مباحات بسیار وسیع وبرزگ است و مسلمان راه ها و شیوه های متعدد و متنوع برای کسب حلال دارد از جمله تجارت و بزنس از طریق خرید و فروش و مفاد گرفتن، ونیز وساطت کردن در بین تاجران و خریداران که این را در فقه اسلامی بنام " السمسره " می نامند که انسان در مقابل نشان دادن ورهنمائی کردن تاجران و خریداران پول و پیسه بدست بیاورد.

در این شکی نیست که بسیاری از خریداران و مشتریان به رهنمای کمیشن کار ضرورت دارند زیرا بعض مردم شیوه و طریقه خرید، قیمت های اجناس را نمی دانند و همچنان

جنس وسامان خوب وبد، اصلی وتقلبی را از هم فرق کرده نمی توانند، در اینجاست که به رهنمائی کمیشن کار ضرورت میداشته باشند.

همچنان بعض تاجران وفروشنندگان به خدمات کمیشن کاران ضرورت میداشته باشند بخاطر ترویج وفروش اجناس تجارتي شان، لهذا کمیشن کاری عمل مشروع، مباح وجائز است وهر سه یعنی خریدار، فروشنده، وخود شخص کمیشن کار هر سه مستفید می شوند..لیکن باید که کمیشن کار امانت، صداقت وراستی را مراعات کند وعیب سامان را به خریداران بیان کند واز تزویر، تقلب کاری،مبالغه بیجا دوری جوید، واگر خریدار را بخريدن اجناس تقلبی بعوض اصلی رهنمائی کند ونیز حقیقت را بیان نکند در این صورت پول وپیسه بدست آورده اش حرام شمرده می شود..رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: " من غشنا فلیس منا"^۱ کسی تزویر وتقلب کند از جمله امت من نیست.. یعنی گناه کبیره را مرتکب می شود زیرا مسلمان را متضرر میسازد.

ونیز کمیش کاری ورهنمای در معاملات، خرید وفروش خانه، زمین، واجناس منقوله وغیر منقوله جواز دارد ومشروع

^۱ - سنن الترمذی، أبواب البیوع عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب ما جاء فی کراهیه الغش فی البیوع، شماره حدیث: (۱۳۱۵)، (ج ۳، ص ۵۹۸).

است بشرط ملتزم بودن به امانت‌داری، صداقت و راستی و دور بودن از تزویر، تقلب و ضرر رسانیدن به خریدار و یا فروشنده

این مهم نیست که خریدار از کمیشن گرفتن کمیشن کار خبر باشد یا نباشد لیکن مهم این است که جنس فروخته شده اصلی و مطابق خواهش خریدار باشد و عیب نداشته باشد اگر عیب داشته باشد و کمیشن کار و فروشنده به خریدار بیان نکرده باشند فایده، مفاد و پول و کسب و کار هردوی شان حرام شمرده می شود.



صادر کردن مواد مخدر به کشورهای غیر اسلامی حرام است

یکی از دوستان محترم ما بنام انجنیر صاحب عمران از کابل سوال نموده:

آیا تجارت مواد مخدر و صادر کردن آن به کشورهای غیر اسلامی جواز دارد یا نی؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ملاهای که این عمل زشت، حرام و نامشروع را جائز میدانند به این معنی است که حرام را استحلال میکنند و مرتکب گناه بزرگ می شوند، ضرر رسانیدن به غیر

مسلمان به ناحق، به قتل رسانیدن غیر مسلمان بدون حق، خوردن مال غیر مسلمان بدون وجه حق همه حرام شمرده می شود، و در حقیقت :

۱- کشورها و سرزمینهای اسلامی را به دشمنی انسانیت تشویق میکنند

۲- سبب هلاکت انسانها می شوند و در قتل آنها شریک هستند.

۳- مسلمانان و هموطنان عزیز ما را به حرام خوری و حرام کاری تشویق میکنند و دعوت میدهند.

۴- کشوره ما را که یک سرزمین اسلامی است به لانه مخدرات مبدل میسازند.

۵- مانع نشر دین مبین اسلام می شوند.

۶- همه افتخارات و فداراکاهای این سرزمین اسلامی را زیر سوال میبرند نزد جهانیان و همه افتخارات این ملت قهرمان را به تجارت مخدرات خلاصه میکنند.

۷- این ملاها هیچ دلیل شرعی ندارند در این عملکردشان.

۸- اینها در حقیقت مفسدون فی الأرض هستند که بای حکومت این ملاحا را با تاجران مواد مخدر معامله یکسان نماید.



حکم گرو گرفتن به نیت تجارت و فایده

یکی از دوستان از شهر کابل چنین سوال نموده:

بخشش باشد باز شما را به تکلیف میکنم یک سوال دارم در مورد گروی یک شخص خانه یا دوکان خود رای بالای شخص دیگری گرو میکند و شخص که گرو میگیرد سپس به شخص دیگری به کرایه میدهد آیا کرایه همان خانه یا دوکان حلال است یا حرام و طوریکه دیده میشود بعض اشخاص از مجبوریت و بعض هم به خاطر تجارت و یا هم به خاطر این طور یک کاری است که اصلا ضرورت به آن ندارد دوکان و یا خانه خود را گرو میدهد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تجارت حلال راه ها و شیوه های مختلف دارد که گروی از جمله آن نیست

گروی تنها ضمانت پول و پیسه داده شده است که گرو دهنده آنرا در وقت معین مسترد کند و برای صاحبش تسلیم

دهد..تنها وظیفه گرو گیرنده در همینجا ختم می شود، اما اگر از املاک گروی کاروبار و تجارت نماید و استفاده کند و این پیشه اش باشد همه مفاد را که بدست می آورد حرام شمرده می شود، قاعده شرعی واضح است: "کل قرض جر منفعة فهو ربا" هر قرضیکه به قرض دهنده فایده را جلب کند سود است، و سود حرام است و سود خور لعنت شده بزبان رسول الله صلی الله علیه وسلم وبه اندازه این گناه کبیره در آتش دوزخ می سوزد اگر توبه نکند.



د سودي او د حرامو مالونو څخه د خلاصون غوره لاری

زموږ د فیس بوک د مینه والو څخه یو تن داسې پوښتنه کړې وه چې:

د ناروا او سودي مالونو څخه د خلاصون لارې چارې څه دي ؟

د دې پوښتونکي ورور په ځواب کې وایو چې:

که چېرې یو څوک د ربوي (سودي) مال څښتن وي او له حرامې لاری څخه یې خپله شتمني را جمع کړي وي،

أما د لوی خالق تعالیٰ په بې ساری لورینې سره اوس غواړي چې له خپل دې کار څخه توبه وباسي او خپل را جمع شوی مال د الله تعالیٰ په لاره کې مصرف او نور له دې ډول مال څخه خلاصون ومومي؛ نو په دې اړه اسلامي شریعت یو لړ ګټورې لارې تجویز کړي دي، لکه: ښايي چې دا شخص خپله پانګه د څېر په مختلفو لارو چارو کې مصرف کړي، که دا د ټولنې پر بېوزلو خلکو وېشل او یا هم د الله تعالیٰ په لاره کې په رښتینو مجاهدینو مصرفول وي.

البتہ د خیر خو نورې غوره لارې هم شتون لري لکه: په ټولنه کې پر هغو اړمنو خلکو بې وېشلی شي، څوک چې د خپل قرض د د رانده د بار د پورته کولو توان نلري، دا شتمن شخص کولی شي له دې ډول بې وزلو خلکو سره اعانت او مالي مرسته وکړي، تر څو له قرض څخه خلاص شي.

همداراز د الله تعالیٰ د رضایتمندی په خاطر پر هغو بې وسو ځوانانو بې هم مصرفولې شي څوک چې واده کول غواړي، مګر د اوسني عصر د زیاتو لګښتونو له کبله د دې مشروع کار څخه ناتوانه دي.

سرپرته پر دې په ټولنیز ژوند کې دا پورته ذکر شوی لارې هغه اغېزمنې لارې دي چې کولی شي دغه شتمن

شخص خپله پانگه په هغې کې مصرفه کړي او په دې لارو کې د همداسې مال لگښت نه یوازې جواز لري، بلکه د خورا ټولنيزې ښېگڼو تر څنګ ثواب هم لري.

البته دلته د یوې خبرې یادول ډېر اړین دي: او هغه دا چې دا مال د مسجد په ودانولو، بیا رغولو او یا هم د مصاحفو (قرآن کریم) د اخستلو په لاره کې پې نشي- مصرفولی، ځکه چې په دې لارو کې سودي مال مصرفول اصلاً جواز نلري.



نوشتن بیلانسهای جعلی بخاطر کاهش مالیات معاش

یکی از دوستان محترم از شهر کابل چنین سوال نموده:

استاد محترم در صورتیکه کارمند یک شرکت به دستور آمر خود بیلانس جعلی را جهت کاهش در مالیات ترتیب نماید و همین وظیفه دایمی این کارمند باشد معاش این کارمند از نظر اسلام چی حکم دارد...منتظر جواب شما استیم جناب استاد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

جعل کاری، تقلب وحقائق را پوشانیدن خودش در ذات خود گناه است، ونیز نپرداختن مالیات ویا جعل کاری کردن بخاطر کاهش آن نیز کار وکسب شرکت تجارتي وکامندان آنرا حرام میسازد خصوصا کسانی را که در این جعل کاری نقش مستقیم دارند..

واین کارمند چندین گناه را در یک وقت مرتکب شده:

۱- امر مخلوق و امر خود را بر فرمان الله متعال مقدم کرده و طاعت مخلوق را بر طاعت خالق مقدم دانسته..
ومخالفت شریعت را نموده که: "لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق" ^۱ هنگامیکه مخلوق به نافرمانی الله متعال وخالق لا یزال امر کند باید طاعت مخلوق نشود ولو که امر و مدیر کارمند باشد.

۲- خیانت امانت را نموده که بیت المال را خساره مند ساخته بخاطر فایده شخصی یک شرکت ویک شخص.

۳- مرتکب تزویر شده که در شریعت تزویر بشکل واضح حرام است، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث

^۱ - مصنف ابن أبي شيبة، كتاب السير، في إمام السرية يأمرهم بالمعصية؛ من قال: لا طاعة له، شماره حدیث: (۳۳۷۱۷)، (ج ۶، ص ۵۴۵).

صحيح فرموده است: " من غشنا فليس منا" ^۱ کسی تزوير کند از جمله امت من نيست، وراه دورخ را اختيار کرده.

۴- اين کارمند شاهد زور و دروغين بوده با آمر خود در اين شرکت.

لهذا کسب، کار و معاش او حرام شمرده می شود و مال و پولی را که بدست آورده باید در بازار برای فقيران صدقه کند، یا اینکه شرکت را و ادار سازد که از جعل کاری دستبردار شود و یا اینکه خودش وظیفه را ترک کند و در این صورت الله متعال راه های خیر و دروازه های رحمت را برویش باز میدارد به قسمیکه تصور هم نداشته باشد و این همه در نتیجه تقوا و پرهیزگاری اش .. " وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ" ^۲.



^۱ - سنن الترمذی، أبواب البيوع عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء في كراهية الغش في البيوع، شماره حدیث: (۱۳۱۵)، (ج ۳، ص ۵۹۸).

^۲ - سوره طلاق: ۲-۳.

د هغه وسائلو او شيانو د خرڅلاو حکم چې د خير او د شر په دواړو لارو کې ترې استفاده کيږي

زمونږ د علمي او فقهي ويب سايت (الملتقى الفقهي) د فېسبوک د مينه والو څخه د يو ورور پوښتنه داسې وه چې: د هغو شيانو خرڅلاو به څه حکم ولري چې د خير اود شر په دواړو لارو کې استفاده کېدلی شي؟

مونږ ددې قدرمن ورور د پوښتنې په ځواب کې ليکو چې: په دې اړه بناغلی اُستاذ علامه دوکتور ناصر بن سليمان العمر يوه فتوا لري او په دې لړکې داسې وايي: عموماً هغه مُختلط (ګډ) شيان چې د خبر او د شر په دواړو لارو کې ترې استفاده کيږي په اسلامي شريعت کې يو ځانګړې حکم لري او هغه دا چې: په هر څه کې چې همدا شيان په زياته کچه استعمالیږي؛ نو حکم به يې هم د هماغه اکثريت استعمال له مخې وي، مثلاً: که يو څوک پوښتنه وکړي چې د انګورو د خرڅولو حکم به څه وي؟ نوکه چېرې زيات گومان داسې وي چې دا اخستونکی شخص له دې انګورو څخه شراب جوړوي؛ نو په دې صورت کې خرڅوونکي شخص ته دا روا نه دي چې پر هغه باندې بې خرڅ کړي.

اسلامي شريعت وايي: که چېرې يو څه وسائل يا مال يواځې دگومان پر اساس داسې وي چې په حرامو کې

استعمالیڙي، خرڇول ٻي حرام دي؛ نو ڇه فڪر کوي چي
 ڪله دا خبره د يقين مرحلي ته ورسيري؛ نو بيا به ڇه حڪم
 ولري؟

په عامه توگه سره په اسلامي شريعت کي ددي شيانو د
 خرڇلاو حڪم دا دي چي جواز لري، خو ڪله چي ستاسي
 په گومان داسي وي چي دا شخص ٻي په حرامو کي
 مصروفوي؛ نو بنڪاره خبره ده چي په دي صورت کي هيڻ
 جواز نلري، اما ڪه چيري تاسي په دي اڙه يقيني او باورمند
 ياست؛ نو بياخو په هيڻ صورت دا کار مشروعيت نلري او
 دا حڪم چي دا کار له هغه سره دگناه، زور زياتي او
 دمنڪراتو په خپرولو کي يو ډول ملاتړ دي، په داسي حال
 کي چي لوي خيستن تعالي دا کار پر مونږ باندې حرام
 گرځولي دي، لکه چي په دي اڙه خپلو بندگانه ته داسي
 لارښودنه کوي: ((وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ))^١.

ترجمه: او تاسي په گناه او عدوان (ظلم او ٽبري) کي
 يو له بل سره مرسته مه کوي.

نو په دي اڙه يو مؤمن مسلمان ته بنيادي چي د تقوي په
 زيور حان سمبال کري او يوه داسي تگلاره غوره کري کومه

^١ - سورة المائدة، الآية: ٢.

چې له شک او شبهي څخه خالي وي، او دا ځکه چې تقوی زمونږ پر وړاندې په دنیا او آخرت کې د نېکمرغۍ لارې خلاصوي او قرآن کریم مونږ ته دا ډاډینه راکړې ده چې د همدې تقوی په نتیجه کې به تاسې ته له داسې ځای څخه روزي درکړل شي چې تاسې به پې په اړه کله گومان هم نه وي کړی، لکه چې لوی څښتن تعالی ارشاد فرمائي:

((وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ))^۱.

ترجمه: او هر هغه څوک چې له لوي الله تعالی څخه ووېرېږي؛ نو د هغه لپاره به (د دنيوي او آخروي غمونو او دردونو) څخه د خلاصون لاره پرانستل شي او هغه ته به له داسې ځای څخه روزي ورکړل شي چې دده په گومان کې به هم نه راکرځي.



^۱ - سوره طلاق: ۲-۳.

کشاورزی کردن به این شرط که گندمش از دهقان و کاهش از مالک

یکی از دوستان سوال نموده:

سلام استاد محترم ممنونم بابت روشن ساختن موضوعات مهم اسلامی یک قطعه زمین دارم میخوامم برای یک شخص دیگر بدهم برای زرع من گفتم که گندمش از خودت و کاه ان از من یعنی من در این باره مشکل اسلامی خود ندارم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این معامله را در فقه اسلامی بنام عقد "المزارعه" می نامند و معنایش این است زمین را به دهقان بدهد که کشت و زراعت کند و بکار و حاصل آن را تقسیم کنند در بین هردو.

در حال که این معامله بسیار مروج است واکثرا مردمان شهر نشین زمینهای خود را در مناطق آبائی خود به دهقان میدهند به همین شکل معامله میکنند. اما فقهاء در مشروعیت عقد مزارعه اختلاف دارند:

امام ابوحنیفه و شاگردش امام زفر به این نظر هستند که این معامله فاسد است و جواز ندارد زیرا رسول الله صلی

الله عليه وسلم در حدیث صحیح از این معامله منع ونهی کرده: " نهی عن المخابرة والمزارعة"^۱ زیرا اصلا حاصل زمین وجود ندارد ومعدوم است در وقت نوشتن عقد ومجهول است که آیا حاصل می شود ویا خیر..درین صورت دهقان متضرر می شود.

اما جمهور فقهاء امام مالک وامام ابویوسف وامام محمد بن الحسن شیبانی وامام احمد بن حنبل ومذهب ظاهری جائز ومشروع میدانند عقد مزارعه را بدلیل اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه مردم خیبر همین معامله را انجام داده بود که حاصلات زمینها را تقسیم کنند انها دهقانی وكشت کردن زمین را بدوش داشته باشند...واین معامله را به عقد شراکت ومضاربت قیاس کردند ، همچنان درین معامله مردم بسیار ضرورت دارند..

واین قول راجح است لیکن بشرط که زمین زراعتی باشد وقابل کشت وزراعت باشد وشرط نیست که تخم از دهقان باشد ونیز معلوم باشد که دهقان چی جیز میکارد مثلا گندم ویا جو ویا کچالو وغیره.

^۱ - صحیح مسلم، کتاب البیوع، باب النهی عن المحاقلة والمزينة، وعن المخابرة، وبيع الثمرة قبل بدو صلاحها، وعن بيع المعاومة وهو بيع السنين، رقم الحديث: (۱۵۳۶)، (ج ۳، ص ۱۱۷۴).

سود خوري تنها در معاملات بانكي منحصر نيست

يکي از دوستان سوال نموده که:

در مورد بيع جايز يا بيع وفاء معلومات مفصل بدهيد؟

نظر به قول جمهور فقهاء که شامل مذاهب فقهی چهارگانه است بيع فاء که شباهت به گروی دارد حرام، ناجائز و ناروا است

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

بيع وفاء آن خريد و فروش را گویند که فروشنده و خريدار اتفاق نمایند هر وقت که فروشنده پول خريدار را مسترد کند و پس بدهد همان مال، سامان، زمين، خانه، دکان و اجناس را که فروخته خريدار برایش تسليم دهد..فروشنده اين شرط را بماند و خريدار قبول کند" بيع المال بشرط أن البائع متى رد الثمن يرد المشتري إليه المبيع".

فقهاء بيع وفاء را بنامهای بيع امانت، بيع طاعت، نیز می نامند ليکن اسم مشهورش وفاء است و در افغانستان آنرا بيع جائز می نامند، که خريدار در صورت بدست آوردن پول وپيسه دادگی اش به مسترد کردن اجناس خريده شده وفاء کند..

این خرید و فروش فاسد، باطل، ناجائز، نامشروع و ناروا می‌باشد نزد جمهور فقهای مذاهب فقهی چهارگانه و علمای متقدمین مذهب حنفی..البته بعض فقهای متأخر مذهب حنفی آنرا جائز و حلال دانسته.

در فتوای اجتماعی مجمع الفقه الإسلامی که در شهر جده عربستان سعودی در سال ۱۹۹۲م روی این مسأله بحث کردند بر حرام بودن بیع و فاء تأکید نموده و آنرا سود دانستند زیرا این در حقیقت قرضی است که به صاحبش منفعت، مفاد، وفایده را جلب میکند و راه را برای سود خوری باز میدارد و حيله و نیرنگی است برای سود و ربا.. زیرا سود خوری اقسام و انواع دارد که این هم از جمله آن است.

أبو شجاع و علی السغدی والقاضی أبو الحسن الماتریدی از فقهای مذهب حنفی بیع و فاء را عینا گروی میدانند که همه احکام گروی را دارا می‌باشد زیرا در شریعت مدار معاملات بر معنی و مفهوم و تطبیق و اثر آن است نی بر نامها و اسماء و مسمیات " أن العبرة في العقود للمعاني ، لا للألفاظ والمباني " لهذا استفاده کردن از جنس خریده شده در بیع و فاء حرام است تنها می تواند منحیث تضمین نگهداری کند تا اینکه پول و پیسه دادگی را بدست بیاورد.

فقهای متأخر حنفی از جمله امام زیلعی که این بیع و فاء را جواز دادند این احکام را نیز ذکر کردند:

۱- در بیع وفاء ملکیت اجناس به خریدار نقل نمی شود تنها اجناس مثل گروهی نزدش ضمانت است لیکن استفاده کرده می تواند.

۲- در صورت که پولش را بدست بیاورد بشکل فوری اجناس را به صاحبش تسلیم دهد.

۳- حق فروش و مبادله این اجناس را به کسی دیگری ندارد.

۴- در صورت وفات هر یکی از خریدار و فروشنده اجناس و پول این معامله به ورثه شان انتقال میابد.

خلاصه مطلب این است که:

بیع و فروش وفاء ناجائز و نامشروع می باشد و وسیله سود خوری شمرده می شود

وازین لحاظ خرید و فروش و بیع فاسد و باطل بوده نزد جمهور فقهاء و علمای متقدم مذهب حنفی حرام است.

و به گروهی شباهت زیاد دارد و معنایش این است که شخص فروشنده به پول نقد ضرورت میداشته باشد خانه و یا زمین و دوکان را به کسی می فروشد و از آن تعهد میگیرد وقت که بخواهد پولش را مسترد نموده و خانه و ملکیت خود را پس بدست بیاورد. و به این منظور بیع وفاء نامیده شده

که مشتری ملزم است که خانه را پس بدهد و به این شرط وفاء کند.

قرار مجمع فقه اسلامی نیز این بیع را حرام شمرده .
 و علت حرام بودنش این است که در حقیقت این خرید
 فروش طوری است که فروشنده در عوض پول قرض داده از
 املاک استفاده می کند و در شریعت قاعده است که: " کل
 قرض جر نفعاً" هر قرض که فایده را به انسان جلب کند ربا
 و سود شمرده می شود و بیع و فاء در حقیقت امر تحایل
 و زمینه سازی همین کار است و خرید و فروش حقیقی نیست
 و بعد از مدت زمانی پول را مسترد می کند و املاک خود را
 بدست میاورد پس این خرید و فروش نشد بلکه سود شد...
 این بیع در حقیقت تحایل و حيله به ربا و سود است و در
 شریعت قاعده است که: "للو سائل حکم الغایات" و سائل حکم
 مقاصد آخری را دارد که این معامله در کجا میرساند انسان
 است .. در سود خوری و ربا... و قرضی است که منفعت و فایده
 را به قرض دهنده جلب کرده " کل قرض جر منفعة فهو ربا".

و در بیع و فاء شک و شبهه حرام بودنش بیشتر است
 و مسلمان باید از شک و شبهه دوری جوید تا اینکه در حرام
 واقع نشود.

برای اولین بار بیع و فاء و یا بیع جائز در اواخر قرن بنجم
 هجری در بخاری رواج یافت.

شروط وضوابط شرعي کار ووظیفه داشتن در مؤسسات خارجي

یکی از دوستان محترم و متدین از شهر کابل چنین سوال نموده:

جناب استاذ زه یوه پوینتنه لرم هیله ده یو قانع کوونکی غواب راته واستوی، هغه دا چی زموږ د دعوت ډیرې ورونه او زه پخپله د USAID په پروژو کې کار کوم، زه د USAID په یو پروژو کې چې د زراعت په بخش کې کار کوی وظیفه لرم، قدرمند استاذ که مهربانی وکړئ په دې اړه کره معلومات راکړئ چې ایا په دغسی پروژو کې کار کول جواز لری او کنه. جزاک الله خیرا... استاذ محترم USAID یک ارکان بزرگ است که د تمام دنیا کارهای خیریه میکند البته در کشورهای فقیر، و تمویل کننده این ارکان دولت امریکا است. و فعلا که من وظیفه دارم با یک دفتر افغانی بنام ADA افغان پرمختیایې ټولنه که این دفتر از USAID یک پروژو زراعتی گرفته که من در آن پروژو بحیث استاد زراعت به دهقانان درس زراعت تقدیم میکنیم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

قبل از پرداختن به جواب این سوال باید بدانیم که در موجودیت جنگ، مشکلات و نابسامانیها موجوده بعض مردم

تصور میکنند که کشور عزیز ما به زمین بی دهقان مبدل شده و در جهت تحقق اهداف که دارند از چنین فرصت به نفع خود استفاده نمایند و ممکن است که بعضی مؤسسات و نهاد های باشند که در زیر پرده بدنبال مقاصدی دیگری باشند بغیر از اهداف اعلان شده شان، لیکن در عین حال باید نظر سلبی نداشته باشیم و کارهای همه مؤسسات را به نظر شک و تردید نبینیم بلکه با داشتن نظر ایجابی در قبال کارهای خیری و انکشافی این مؤسسات باید هوشیار باشیم و زیرکانه تعامل کنیم، و خوب را از بد تمیز نماییم..میشود رهنمائی ام را در نقاط ذیل بنویسم:

اولا: از این برادر مسلمان، متدین، با احساس و با شهامت و با غیرت دین دوست و وطن دوست بسیار تشکری میکنم که حتی در شرائط اقتصادی و بیکاری سخت، خود را به ذلت و حقارت تسلیم نمی کند و مصلحت اسلام و وطن را در هر کار خود در نظر دارد و اگر اندکی در شک واقع شود به علمای خود رجوع میکند و نظر شریعت را محترم میداند و باید هر مسلمان که به الله متعال و روز آخرت ایمان دارد چنین عقیده داشته باشد.

ثانیا: کار کردن در مؤسسات خارجی مباح و حلال است زیرا این مؤسسات ضمن معاهدات و اتفاقیه های دیپلوماسی بین الدول آمده اند و شروط و میدانهای کاری شان معلوم است که باید آن را در نظر داشته باشند و تخطی نکنند.

کار کردن و وظیفه داشتن در این مؤسسات مباح است بشرط که: اصل و نوعیت کار و وظیفه مباح باشد و همکاری در گناهها و تنصیر و تبشیری یعنی دعوت دادن به دین منحرف نصرانیت و تجسس نباشد، فعالیت بر ضد دین مبین اسلام و ارزشهای اسلامی نباشد، و مصالح خورد و کلان کشور عزیز ما را پامال نکند.. درین صورت کار حلال و مباح است خصوصا در شرائط که بیکاری که یکی از آفاتی است که سرنوشت هزارها جوان هموطن ما را تهدید میکند... و اگر هموطنان محترم به این روحیه کار کنند جلو مداخله خارجی ها به هر نام که باشد گرفته می شود..

بر کارمندان افغانی که در مؤسسات خارجی در کابل و ولایات کار و وظیفه دارند فرض عین است اگر احساس کنند که فعالیت بر ضد اسلام و مصالح خورد و کلان کشور ما وجود دارد حکومت و مردم را خبر دهد و کار را فوراً ترک کند.. معاش را که از دشمنی با اسلام و پامال کردن مصلحت کشور بدست میاورد حرام شمرده می شود.. و کار کردن درین صورت گناه کبیره گفته می شود که عذاب قبر و آخرت در انتظارش است... اما اگر چنین نباشد کار و وظیفه مباح و حلال است در صورت انجام احکام و عبادات آزاد باشد. و خود کار وظیفه توهین آمیز نباشد.

به هر حال کامندگان افغانی مؤسسات خارجی باید زیرکانه عمل نمایند اولاً: مصالح دین مبین اسلام را در نظر

داشته باشند که اصلا کار مباح باشد مثلا بخاطر بند کردن نسل، تبشیر و تنصیر و به نصرانیت کشیدن، دعوت به بی حجابی، و غیره نباشد.

ثانیا: مصالح علیا وقوانین مروجہ خود افغانستان را نیز در نظر داشته باشد و هر حرکت و یا رویہ مشبوه را کہ احساس کند فوراً آنرا به حکومت و مراجع مربوطه و به علماء و دعوتگران ابلاغ نمایند و نیز در صورت ضرورت موضوع تخطی آنرا رسانه ای هم بسازند..ایمانداری، صداقت، وطندوستی کارمندان افغانی ضامن این شده می تواند که مؤسسات خارجی اهداف نادرست و غلط و مخالف اسلام و مصالح کشور عزیز ما را پیاده نتوانند.



پول بیعانه برای فروشنده حلال است

یکی از دوستان از ولایت لوگر چنین سوال نموده:

یک معامله بین دونفر صورت گرفته یک موتر را خریده و دو صد دالر طور بیعانه به صاحب موتر داده خط نوشته کرده و گفته بقیه پول را سه روز بعد می پردازم اما خریدار سه روز بعد پیشمان است آیا پول بیعانه برای صاحب موتر حلال است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

نظر به قول راجح فقهاء پول بیعانه برای فروشنده حلال است در صورت که خریدار بعد از ائفراق پیشمان شود زیرا که فروشنده متضرر می شود در این حالت و این خریدار چانس فروش را بر دیگران ضایع نموده و در عین حال بخاطر پیشمانی او ممکن است که خریداران جدید یک نوع گمان کنند که شاید در موتر کدام عیب بوده که خریدار اول پیشمان شده.. واگر فروشنده از از تقوا و پرهیز گاری کارگیرد و جانب احتیاط را در نظر داشته باشد اولی، افضل و بهتر است که که پول خریدار پیشمان شده را مسترد کند و در این صورت اجر و ثواب شامل حالش می شود و از شبهات بدور میماند که مسلمان به آن مأمور است.



حکم گرو گرفتن به نیت استفاده از ملکیت گروی

یکی از دوستان از شهر کابل جنین سوال نموده:

یک خانه است که درحالت عادی ۱۰ هزار کرایه داده میشود شخصی آنرا در بدل یک مبلغ پول به گروی میگیرد به خاطریکه حق استفاده برایش جواز پیدا کند ماهانه به یک مبلغ مثلا ۳ الی ۵ هزار کرایه هم میپردازد آیا این معامله درست است یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این معامله به شکل واضح و روشن سود شمرده می شود:

۱- همینکه نیت استفاده و بهره برداری واستغلال حاجتمندی یک شخص را توسط گرو گرفتار کرده خودش سود است.

۲- از پول که به شکل قرض نزد گرو دهنده مانده نفع برده و در اینجا حکم شریعت واضح است "کل قرض جر منفعة فهو ربا" هر قرض که به قرض دهنده منفعت را جلب کند این منفعت ربا و سود شمرده می شود.



ضمانت کردن سود خور

یکی از دوستان از ولایت کاپیسا سوال نموده:

جناب استاد کسی از مه میخواهد که برای گرفتن قرضه از بانکهای سودی ضامن شوم اگر ابا ورزم سخت از من خفه میشود در مورد چی باید کرد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در حالت عادی ضمانت کردن چنین کس قرض گیرنده گناه و همکاری به سود خوری است اما در حالت مجبوری اش ثواب و همکاری یک با یک مسلمان برای نجات نفس و آبرو و عزتش شمرده می شود.



رهنمائی شرعی در مورد تعامل و نگهداری پول و پيسه در بانكها

یکی از خوانندگان محترم سایت انترنیتی اصلاح اونلاین نت از شهر کابل چنین سوال نموده:

با احترام و عرض ادب خدمت شما برادران مومن و سایت محترم اصلاح اونلاین!

بعد از عرض سلام و احترام، بنده سوالی دارم در رابطه به نگهداشت پول در بانک های افغانستان!

اگر شخصی در یکی از بانک های دولتی و یا خصوصی افغانستان حساب پس انداز باز کند و پول شخصی اش را بخاطر امن بودن آن (نسبت به خانه و یا دوری از سرقت) در بانک پس انداز نماید، از نگاه اسلام عزیز چگونه رهنمائی میفرمائید، چون بانک ها فعلا به اساس یک فیصدی سالانه

ممکن پول مشتری خود را نگهدارد و در آخر هر سال یک مقدار فیصدی به حساب اش بیفزاید که این را شخص بنده سود میداند، راه حل آن چیست؟

و بعضی افراد میگویند که هر وقتیکه بخواهی پول ات را نظر به ضرورت و یا همه اش را دوباره میگیری باز همان مقدار فیصدی یا مفاد اش را از پول اصلی ات جدا کرده به حیث زکات و یا صدقه به فقراء و یا مساکین کمک کن که شخص بنده درین مورد شک دارم که آیا آن مفادیکه ممکن سود گفته شود به فقرا دادنش جائز است و یا خیر؟

لطفاً درین مورد کاملاً بشکل مفصل جواب بدهید، زیرا راه پس انداز پول به شکل اسلامی آن در بانک های دولتی و یا خصوصی چگونه است تا سود نشود. بااحترام

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

هموطن عزیز ومحترم سلامهای متقابل مسؤولین اصلاح اونلاین نت را نیز بپذیرید ، وبا کمال احترام باید بنویسیم که:

در اصل مسلمان باید احکام معاملات وتجارت وخرید و فروش ونگهداری پول وپیسسه خود را بداند تا اینکه در حرام وشبهات واقع نشود، زیرا این غلط فهمی دور شود که مسلمانی تنها در نماز خواندن وبه مسجد رفتن است، بلکه

بر مسلمان فرض است که بر علاوه از دانستن احکام عبادات بدنی، مالی، مسائل متعلق به معاملات روزه مره خود را نیز بداند زیرا این دروازه خطرناک است که بسیاری را به طرف حرام کشانیده چون باریکی هایش بیشتر است. ازینرو مطرح کردن چنین سوال از جانب بسیار با اهمیت است که سبب هدایت دیگران هم میشود.

و حالا میبردازیم به جواب سوال شما:

اولا: در صورت که بانک اسلامی وجود داشته باشد که در همه تعاملات مالی و بانکداری خود و در داد و گرفت مطابق رهنمودهای دین مبین اسلام عمل کند و از هر نوع تعاملات سودی و ربا دوری جوید، در این حالت واجب مسلمان است که پول، پیسه و دارائی خود را بعوض تعامل با بانکهای سودی در این بانک نگهداری کند، و می تواند که حساب جاری باز کند بخاطر تعاملات مالی روز مره خود، و نیز در بخشهای مرابحه، مضاربت، استثمار، تمویل، تکافل و غیره آن سهم داشته باشد که از یک طرف مال و دارائی اش نمو ورشد کند، و از جانب دیگر سبب تقویت این نوع بانکهای اسلامی شود که در ذات خود همکاری در کارهای خیر است که ما و شما اصلا مأمور استیم که بکنیم " و تعاونوا

على البر والتقوى" ^۱، ودر این تعامل همه فوائد که بدست میاید حلال و مباح میباشد.

ثانیا: اگر بانک اسلامی وجود نداشته باشد و مسلمان مجبور نباشد واز تلف شدن وگم و ضایع شدن و به سرقت رفتن پول، پیسه و دارائی اش به هراس نباشد در این صورت با بانکهای غیر اسلامی تعامل نکند پول خود را در بانک سودی نگذارد، همان طور که خودش، سامان خانه، اولاد هایش متضرر نمی شوند و مورد آزار واذیت قرار نمی گیرند به پول نقدی اش هم آسیب نمی رسد، زیرا تعامل کردن با بانکهای سودی گناه برزگ، و حرام شمرده می شود، و نیز همکاری با کسانی است که عملا در جنگ با الله متعال ورسولش است، و سبب تقویت شان در نشر وپخش سود و ربا می شود که دروازه و مدخل همه ظلم و زشتی ها در یک جامعه است، و همین سود و ربا خیر و برکت که در جامعه اسلامی است از بین میبرد، الله متعال ما و شما را از همکاری با کسانی که حدود الله را پامال می کنند منع کرده است: " ولا تعاونوا على الإثم والعدوان" ^۲.

۱ - سورة المائدة، الآية: ۲.

۲ - سورة المائدة، الآية: ۲.

ثالثاً: در صورت که یقین داشته باشد که پول وپیسہ اش به سرقت برده می شود، تلف میگردد، بلکه خطر آن می‌رود که بخاطر همین پول وپیسہ ودارائی خودش نیز به قتل برسد زیرا در مواردی دزدان صاحب پول وپیسہ را به قتل می‌رسانند تا اینکه آنها را بعد از سرقت نشاندهی نکند، در این حالت جواز دارد و مباح است که پول وپیسہ را در بانک بماند و حساب داشته باشد ولو که بانک سودی هم باشد زیرا این حالت ضرورت شرعی است، اما پول وپیسہ خود را به نیت نگهداری از تلف شدن و دزدی بماند نه به نیت تعامل کردن با بانک سودی..وفوائد ومفاد که در حسابش جمع می شود سود شمرده می شود واز آن هیچ نوع استفاده شخصی نکند و آنرا به نیت خلاصی از آن و برائت ذمه برای مسکینان وفقیران بدهد ویا اینکه در پروجہ های عام المنفعه تسلیم دهد و به مسجد و مدرسه، ویا خریداری کتب دینی ومصاحف ندهد.

شما حالا حالت خود را مورد بررسی قرار دهید که کدام یک از این حالات که توضیح داده شد بر شما صدق میکند وبعد از آن در روشنی این رهنمائی تصمیم بگیرید..وما در سایت انترنیتی اسلامی اصلاح اونلاین که بخش مشوره وفتوای آن کاملاً در خدمت هموطنان مسلمان ما میباشد باز هم حاضر هستیم که به سوالات دینی شما پاسخ دهیم.



از کسی پول قرض گرفته حالا صاحب پول لا درک است

یکی از شنوندگان محترم رادیو اسلام پیمان جنین
سوال کتبی روان نموده:

استاد محترم سوال این است کسیکه از یک کس پول
گرفته اونفرهم ناشناس است حالا اون پول رابه صاحبش
برساند از اونفرهیچ احوال نیست..حالا این نفرچی کار کند که
پول او از ذمه اش خلاص شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

برای این برادر لازم است که سعی وتلاش را بخرچ دهد
با استفاده از وسائل مختلف جدید که صاحب پول را پیدا
کند وامانتش را تسلیم دهد واگر وفات کرده باشد برای
ورثه اش تسلیم دهد زیرا این پول بخش از میراث آنها
است.. اما اگر ورثه هم معلوم نباشد در این صورت این پول
را صدقه دهد از طرف صاحبش در ساختن مسجد وپروجه
های عام المنفعه ویا برای فقیران ومسکینان صدقه کند تا
اینکه ثوابش برای او برسد.

کشتن سفیران ودپلوماتان خارجی مسلمان وغیر
مسلمان که در کشورهای اسلامی به اساس اعراف سیاسی
ودبلماسی ومعهادات بسر میبرند وحمله کردن به آنها نه
تنها حرام مطلق است بلکه دلالت به نادانی، جهالت،

عقبماندگی و در تاریکی زندگی کردن حمله کنندگان میکند که اصلا همه اصول، مبادئ و اعراف اسلامی و انسانی را پامال کرده اند.. اینها آیا میدانند که کسانی که معاهدین را می کشند از مسافه چهل ساله هم از بوی جنت محروم هستند چی اینکه به جنت بروند بلکه آتش دوزخ در انتظار شان است، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است " مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَإِنَّ رِيحَهَا تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ عَامًا"^۱.



طفل ده ساله دوچرخه را بدون اجازه پدرش فروخته .. آیا فروختنش درست است؟

استاد محترم دیروز من از کار آمدم در خانه که طفل ده ساله ام بایسکل خود را به نیم قیمت به همسایه فروخته ..من قبول ندارم و همسایه حاضر نیست که بایسکل را پس بدهد ..شریعت چی حکم میکند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

در مذهب حنفی طفل که جوانان نباشد و اجازه پدر و یا ولی امر خود را نداشته باشد حق خرید و فروش اشیاء

^۱ - صحیح البخاری، کتاب الجزية، باب إثم من قتل معاهدا بغیر جرم، شماره حدیث:

وسامان آلات برزگ و کار آمد را ندارد تنها می تواند که اشیائی خورد ونوش خود را خریداری کند .. اما فروختن بایسکل از صلاحیت این طفل نیست وهمسایه شما تصرف نادرست نموده وباید فوراً بایسکل را مسترد کند ومبلغ دادگی خود را بدست بیاورد واین خرید وفروش باطل وفسخ شمرده می شود از نظر شریعت.



نان خورن رانندگان موتر بطور رایگان در رستورانتهای شاه راهها

یکی از دوستان از ولایت پنجشیر سوال نموده:

استادمحترم سلام علیکم موفق وسرفراز باشید! من از ولایت پنجشیر هستم یک مسله را میخواستم بپرسم ازمه سوال نمودندکه آیا نانی راکه درهوتل برای دریوران لین یک ولایت طور رایگان یادرمقابل پول بسیار کم میدهند رشوت محسوب نمیشود؟ خواستم این موضوع را از شما بپرسم چراکه تاکنون جواب قناعت بخش به این سوال پیدا نکردم امید است جناب استاد درین باره مارا آگاهی دهید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شریعت باب مباحات بسیار وسیع وبرزگ است
 و مسلمان راه‌ها و شیوه‌های متعدد و متنوع برای کسب حلال
 دارد از جمله تجارت و بزنس از طریق خرید و فروش و مفاد
 گرفتن، و نیز وساطت کردن در بین تاجران و خریداران که
 این را در فقه اسلامی بنام "السمره" می‌نامند که انسان
 در مقابل نشان دادن و رهنمائی کردن تاجران و خریداران
 پول و پیسه بدست بیاورد از جمله نان خوردن رانندگان موتر
 های لینی در رستورانتهای شاه راه‌ها بطور رایگان در مقابل
 آوردن سواری موتر بخاطر نان خوری در رستورانتهای زیرا
 در یور در حقیقت برای رستورانتهای فایده می‌رساند و می‌تواند
 در مقابل آن نان خود را مفت و رایگان بخورد. لیکن بشرط
 که نان رستورانتهای معیاری و خوب باشد و خراب و غیر معیاری
 نباشد و نیز قیمت نان از رستورانتهای هم مانند آن
 تفاوت نداشته باشد که حق مسافرین تلف نشود. در صورت
 که تنها راه جوری باشد نان رایگان و امتیازات را که رانندگان
 این کارشان بدست می‌آورند حرام شمرده می‌شود.



خرید و فروش مونیوگراف درسی ناجائز و نامشروع و گناه کبیره است

استاد محترم امیدوارم خوب باشید. اگر محصلی
مونیوگرافش را از کسی بخزد و تسلیم فاکولته نماید آیا جواز
دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

به این معنی که این محصل در نتیجه سعی و تلاش
دیگران کامیاب می شود و خودش درس نمی خواند
فروشنده و خریدار هر دو در گناه شامل هستند و نقل کننده
و نقل دهنده مزور شمرده می شوند.. و باید هر محصل
کوشش کند که خودش مونیوگراف درسی خود را نوشته کند
تا اینکه در حرام واقع نشود.

تنها همکاری و رهنمائی و نشاندهی منابع و مصادر
و مراجع علمی جواز دارد، اما نوشتن به کسی و خرید
و فروش آن حرام قطعی است.



مفهوم قاعده شرعی: (کل قرض جر نفعاً فهو ربا)

یکی از هموطنان عزیز ما از ولایت هرات سوال نموده :

سلام و درود خدا بر جناب استاد فرهیخته و گرامی،
خدا کند که جور و صحتمند باشید.

جناب استاد سوالی داشتم که ذهن مرا مصروف ساخته،
چند روز قبل مکتوبی از بانک ملی افغان شعبه هرات به
ادارات دولتی آمد و در آن نوشته بود که بانک ملی افغان
حاضر است به کارمندان واجد شرایط، تا سقف یکصد هزار
افغانی قرضه بدهد ولی این قرضه تابع پانزده فیصد تکتانه
نیز می گردد که قرضه گیرنده همراه اصل پول باید به گونه
قسط وار پرداخت نماید.

حالا شخصا خودم خیلی دست تنگ هستم و مصروف
ساخت خانه برای خود و خانواده ام می باشم و شدیداً
نیازمند پول می باشم و بین دوستان و آشنایان من کسی
نیست که بتواند به من قرض بدهد، با این اوصاف آیا می
توانم از قرضه مذکور، استفاده نمایم؟ سپاس از محبت شما.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این تعامل بانک ملی افغان مطلقاً سودی و ناجایز است
وبه صورت واضح دعوت به سود دادن و سود خوری و ترویج

آن در بین هموطنان ما است، زیرا در شریعت قاعده است که: (کل قرض جر نفعاً فهو ربا) هر قرضی که فایده و منفعت را به انسان جلب کند ربا و سود شمرده می شود.

هر مبلغ اضافی که با قرض ضمیمه شود سود شمرده می شود گیرنده و دهنده لعنت می شوند و در گناه کبیره شامل هستند.

اگر معامله تنها بنام قرض باشد و در آن فایده حصول کنند درین شکی نیست که سود شمرده می شود و در لعنت سود خوران شامل می شوند، هر قرض که سبب منفعت مادی و معنوی شود سود گفته می شود.

باید متوجه باشیم که بانکهای که در معاملات بانکاری خود به رهنمودهای شرعی عمل نمی کنند به شیوه های مختلف مشغول سود خوری هستند.



د واده لپاره د سودي بانک څخه قرض اخستل

زه یو ځوان یم او د واده سره مینه لرم او د ژوند د دې هیلې د ترسره کولو لپاره غواړم له یو سودي بانک څخه قرض واخلم تر څو د واده

چارې او مصرفونه مې آسانه شي؛ نو زما لپاره دا کار روا دي؟

د محترم ورور د دې پوښتنې په ځواب کې وايو چې: اصلاً په سود سره راکړه ورکړه حرامه ده او دا تحریم له قرآن او سنت څخه ثابت دي او د ټولو علماو

په دې باندې اجماع ده؛ نو که څومره هم ژوندنيزې ستونزې له مونږ څخه د دې کار غوښتنه وکړي، مونږ ته دا روا نه دي چې داسې کار تر سره کړو.

اوس که يو څوک کور، موټر، واده او يا هم داسې نورو حوائجو ته اړتيا ولري؛ نو دا ددې معنا نلري چې يو انسان دې هغه څه تر سره کړي کوم چې لوی څښتن تعالی پرې حرام گرځولي دي.

مؤمن مسلمان ته بنايي چې له خپل خالق تعالی څخه ووېرېږي او هغه د خپلو کارونو او اقوالو مراقب (څارونکی) وگڼي او د آخرت تلپاتې ژوند د دنيا پر دې لنډ مهاله او موقتي ژوند باندې غوره وگڼي او که چيری په خپل چاپيريال کې داسې يو څوک ومومي چې مرسته يې وکړي؛ نو دا به دده لپاره ډېره غوره وي او که چېرې څوک پيدا

نکړي؛ نو دا خو کولی شي چې د یو مسلمان ورور
 څخه یو څه مبلغ قرض کړي.

خو چې سود پکې نه وي او که چیرې هیڅ
 څوک و نه مومي تر څو مرسته ورسره وکړي؛
 نو بیا دې له صبر او زغم څخه کار واخلي چې دا
 کار به یې له خورا زیاتو ثوابونو څخه ډک وي او
 هر څوک چې د لوی پروردگار لپاره یو کار
 پرېږدي؛ نو هغه (جلت عظمته) به هم نوموړي
 ته غوره بدله ورپه برخه کړي؛ نو تاته نه بنایي
 چې د خپلې نوې کورنۍ بنسټ د گناه په کارونو
 سره پیل کړي.



کار کردن در بخش سیاحت

یکی از از هموطنان عزیز سوال نموده:

کار ووظیفه ام در بخش توریسم و سیاحت است و بعض
 وقت خارجیهها و غیر مسلمانان را در رفتن به جاهای باستانی
 همراهی میکنم آیا کارم کدام مشکل شرعی خو ندارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

کار کردن در بخش سیاحت و توریسم جایز و حلال است بشرطیکه در اصل مباح و حلال باشد مثلاً بخش از کار و وظیفه اش فراهم کردن سهولت برای منکرات و کارهای ناروا نباشد زیرا در شریعت وسائل حکم مقاصد را دارد.

کارمند بخشهای سیاحت و توریسم باید متوجه باشد که انسانهای هستند سیاحت و تفریح را وسیله نافرمانی الله متعال قرار میدهند، و اماکن و جاهای سیاحتی را فرصت خوب برای انجام دادن گمراهی و اعمال زشت و ناروا خود میدانند و بخاطر تحقق این اهداف ناروای خود به وسائل و سهولتهای ضرورت میداشته باشند که مرشد سیاحی و کارمند و وظیفه داران در این بخش آنرا فراهم نسازند.

اما تنها همراهی کردن و رهنمایی نمودن کار مباح است بلکه وسیله خوب در رشد اقتصادی کشور ما بشمار میرود زیرا کشور ما در پهلوی طبیعت زیبا آثار تاریخی نیز دارد که مصدر اقتصادی خوب شده می تواند.

نیز مسلمان چانس و فرصت خوب میداشته باشد که هنگام همراهی با غیر مسلمان با او رویه خوب و رفتار نیکو نماید تا اینکه آنها از این رویه خوب متأثر شده با دین مبین اسلام و زیبایی ها و اخلاق نیکوی مردم سرزمینهای اسلامی

آشنا شوند و خاطره جالب با خود ببرند و زمینه مشرف شدن آنها به این دین فراهم گردد، زیرا گردش گران مسلمان در در طول تاریخ در دعوت اسلامی نقش سازنده داشتند و سبب هدایت غیر مسلمانان میشدند .

اما اگر انسانی که در بخشهای سیاحتی و توریسم وظیفه دارد و مردم را در کارهای منکرات و نافرمانی الله متعال و فحشاء و شراب نوشی همکاری می کند و برای شان سهولیات و وسائل فراهم میسازد گناهی متعددی است و کسب و معاش و کارش نیز حرام است ، رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح فرموده است: "أیها الناس: إن الله طیب لا یقبل إلا طیبا"^۱، ای مردم آگاه باشید که الله متعال ذات پاک است و بجز پاکی چیزی را قبول نمی کند.

نیز در حدیث صحیح دیگری رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: " کل جسد نبی من سحت فالنار أولى به"^۲، هر جسم و جسد انسان که از حرام تغذیه ورشد کرده باشد در آتش دوزخ میسوزد.

۱ - صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب قبول الصدقة من الکسب الطیب و تربیتها، رقم الحدیث: (۱۰۱۵)، (ج ۲، ص ۷۰۳).

۲ - شعب الإیمان، الفصل الثالث فی طیب المطعم والملبس واجتناب الحرام واتقاء الشبهات، رقم الحدیث: (۵۳۷۵)، (ج ۷، ص ۵۰۴).

که د حلال مال سره حرام ورگډ شي؛ نو څه حکم لري؟

که چېرې يو شخص د خپل حلال مال په کارولو سره تجارت پیل کړي (دا مال يې دومره سوچه او حلال وي چې هيڅ شک او شبهه پکې ونلري)؛ خو د وخت په تېرېدلو سره چې کله يې د تجارت لمن وغزېږي او زياته وده وکړي؛ او له بل لوري د خلکو سره يې راکړه ورکړه هم زياته شي؛ نو ورسره د هغه په حلال مال کې حرام مال هم ورگډ شي.

اوس ستونزه داده چې: دا تاجر د خپل دې ډول زيات شوي مال په اړه په وېره او اندېښنه کې ژوند تېروي؛ نو ځکه غواړي د دې مال د خوړلو او ورڅخه د استفادې کولو په حکم باندې ځان پوه کړي چې آیا دا ډول مال ورته حلال دی او که حرام؟

ځواب: د نوموړي ورور ددې پورتنۍ پوښتنې په ځواب کې ویلی شو چې:

په اصل کې لوی څښتن تعالی پر خپلو بندگانو باندې د حرام مال خوړل ناروا ګرځولي دي (دا اسلامي شریعت دا حکم لنډمهاله او مؤقت حکم ندی؛ بلکه د حرام مال خوړل د مسلمان لپاره په ابدي

توگه سره ناروا گړخول شوې؛ او دا هم ددې لپاره چې حرام خور انسان ظالم او مُستبد انسان وي او له بل لوري څخه ظلم کول د عامو خلکو په ټولنيز ژوند باندې هم ناوړه اغېزې پرې باسي؛ لکه: د مسلمانانو تر منځ د صميميت او خواخوږۍ بڼې اړیکې له منځه وړي.

بله ناوړه اغېزه يې داده چې: پدې کار سره به يو واکمن پر بې واکه او زورور انسان به د يو بې وسه انسان پر حق باندې له استبداد څخه کار اخلي، که چيرې د ظلم مخه ډب نشي؛ نو بيا به په اسلامي ټولنه کې د ظلمونو او تېريو لمن دومره وغزيرې چې په هر ځای کې به لوی پر کوچني باندې ظلم کوي؛ نو له همدې کبله اسلام د ظلم مخنيوی کړيدی؛ او ظلم يې ناروا بللی دی، تر څو په ټولنه کې د حق تلفيو مخه ونیول شي].

ددې مسئلې د لابنه څرگندولو لپاره تاسې يوه شېبه له ماسره پدې مبارک آيت کې فکر وکړئ؛ او له خپل ځان څخه پوښتنه وکړئ چې: ولی اسلام مونږ ته وايي تاسې د يتيم مال د هغه د بلوغ تر وخته پورې خوندي او محفوظ وساتئ؟

لوی پروردگار (جل جلاله) پدې اړه مونږ ته داسې لارښودنه کوي او ارشاد فرمايي چې: "وَأْتُوا

الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا^۱.

ترجمه: او تاسې یتیمانو ته مالونه ورکړئ (وروسته له دې چې د رشد او خیرکتیا پر او ته ورسېږي) او خبیث (بد) مال په غوره مال سره مه بدلوی او تاسې د دوي مالونه له خپلو مالونو سره مه خورئ، بېشکه دا (د یتیمانو د مال خوړل) لویه گناه ده.

حضرت سعید بن جبیر پدې اړه داسې وايي: د پورتنی مبارک آیت مفهوم او مقصود همدادی چې: تاسې خپل حلال مال د حرام مال سره مه گډوی. [۱].

که قرآنکریم آیتونه ته خیر شو؛ نو په خرگند ډول سره دا خبره مونږ ته نوره هم ښکاره کیږي چې هر هغه څوک چې د نورو مالونه په ظلم او ناروا توگه سره ترلاسه کوي؛ نو هغوي به د یو خطرناک برخلیک سره مخامخ کیږي؛ لکه: د همدې خبرې د لابنه خرگندېدلو په اړه مونږ ته زمونږ پروردگار داسې لارښودنه کوي او

^۱ - سورة النساء، الآية: ۲.

فرماي: "إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَّا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا"^۱.

ترجمه: بپشکه هغه کسان چي په ظلم سره د يتيمانو مالونه خوري دوي؛ اصلي خبره داده چي دوي په خپلو گېډو کې اور خوري او ژر به دوي سخت اور ته ورسيري (ور داخل به شي).

په عامه توگه سره لوی څښتن تعالی مونږ د حرام مال له خوړلو څخه منع کړي يو او نه بايد يو د بل مال په زور او غصب و خوړل شي؛ لکه چې پدې اړه فرماي: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ..."^۲.

ترجمه: ای مؤمنانو! تاسې پخپلو منځونو کې يو د بل مالونه په ناروا توگه سره مه خورئ (مگر په هغه صورت کې يې خورئ چې کله) دا د تجارت مال وي او د جانبينو په خوښۍ سره (و خوړل) شي.

د ناروا مال يو څو مثالونه کېدلی شي دا وي چې لکه: دا مال بايد د قمار، سودخوري، غصب،

^۱ - سورة النساء، الآية: ۱۰.

^۲ - سورة النساء، الآية: ۲۹.

دوکې او د چل ول له ټولو ډولونو څخه باید پاک وي، له دې وروسته لوی څښتن تعالی هغه مال چې د یو بل په خوښې سره د یو لږ اصولو په پام کې نیولو سره ترلاسه کیږي او له هر ډول شک او شېبې څخه پاک مال وي، په حرام مال کې نشي شمېرل کېدلی؛ او پدې اړه نبي(عليه السلام) مونږ ته داسې فرمایي: (إنما البيع عن تراض)[۲].

ترجمه: بېشکه بیع (خرڅلاو) یو دبل د خوښې کار دی.

په بل حدیث شریف کې مونږ ته بیا داسې فرمایي: (إذا تباع الرجلان فكل واحد منهما بالخيار ما لم يتفرقا)۱. [۳].

ترجمه: کله چې دوه سړي یو له بل څخه د خرڅلاو پر مهال څه ترلاسه کړي؛ نو هر له دوي څخه تر هغې پورې چې یو له بل څخه جدا شوي نه وي (د مال د اخستلو او یا نه اخستلو په اړه) اختیار لري.

حقیقت هم همدادې چې د حرام مال څخه د ځان ساتلو موضوع په رښتینې توګه سره یو له هغو

۱ - صحیح البخاري، کتاب البيوع، باب: إذا خیر أحدهما صاحبه بعد البيع فقد وجب

البيع، رقم الحديث: (۲۱۱۲)، (ج ۳، ص ۶۴).

خطر ناکو موضوعاتو څخه ده چې پایله یې وهونکې او سوزونکې اور وي.

د حرام مال خوړلو له زیانونو څخه یو زیان دادی چې د حرام خور انسان دعاء به نه قبلېږي؛ دا خبره هم د یو حدیث شریف څخه ثابته خبره ده چې په لنډه توګه سره به یې یادونه وکړو: نبي (عليه السلام) پدې اړه مونږ ته داسې فرمایي: يَا رَبِّ يَا رَبِّ، وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَغُذِيَ بِالْحَرَامِ، فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ؟!

ترجمه: ای پروردګاره! او د هغه خواړه، څښاک او پوښاک له حرامو (نارواو) څخه وي او په حرامو سره راستر شوی وي؛ نو څه ډول به (ددې حرام خوړونکي انسان) دعاء قبوله شي.

د حلال او حرام د لابنه پېژندلو لپاره په یو بل مبارک حدیث کې مونږ ته زمونږ لارښود پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) داسې فرمایي: "الحلال بین والحرام بین، وبين ذلك أمور مشتهات، لا يدري كثير من الناس أمن الحلال هي أم من الحرام، فمن تركها استبراء لدينه وعرضه فقد سلم، ومن واقع شيئاً منها، يوشك أن يواقع

۱ - صحيح مسلم، كتاب الزكاة، باب قبول الصدقة من الكسب الطيب وتربيتها، رقم

الحديث: (۱۰۱۵)، (ج ۲، ص ۷۰۳).

الحرام، كما أنه من يرعى حول الحمى، يوشك أن يواقعته، ألا وإن لكل ملك حمى، ألا وإن حمى الله محارمه^۱.

ترجمه: حلال (خيزونه بيان شویدی او حرام هم؛ او د دواړو تر منځ داسې ورته (مشابه) کارونه شتون لري چې ډېر خلک پرې پوهه نلري؛ نوهر چا چې په شک او شبهه کې د اچوونکو کارونو څخه ځان وژغوره؛ نو په حقیقت کې یې د خپل دین او عزت ساتنه و غوښتله او هر څوک چې د حرامو (په لمن کې) ولوید؛ نو دا داسې د هغه شپونکي په څېر دی چې (خپل مالونه او څاروي) د نورو د پولو سره (په څېرمه) کې څروي او نژدې ده چې دده (دا څاروي د نورو له پټیو او پولو څخه یو څه و خوري) او په هغې کې وڅریري، خو تاسې باخبره اوسئ چې د هر بادشاه (او واکمن انسان) یو څه پولی (ټاکلي حدود) وي او د الله تعالی پولې (او ټاکلي حدود) محارم (حرام کړای شوي څېزونه) دي.

دلته یوې مهمې خبرې ته غواړو ستاسې پام راواړوو او هغه دا چې: کله کله هم داسې صورت

^۱ - سنن الترمذی، أبواب البيوع عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء في ترك الشبهات، رقم الحديث: (۱۲۰۵)، (ج ۳، ص ۵۰۳).

حال رامنځ ته کيږي چې د يو شخص په دولت او گټل شوې پانگه کې يو څه اندازه مال حلال او يو لږ نورو کې يې د حرام مال شېبه هم پرته وي او حلال له حرامو سره گډ شوې وي، يعنې نه ټول حلال وي او نه هم ټول حرام وي؛ نو دا مسئله هم فقهاء کرامو په بڼه توگه سره څېړلې ده او پدې اړه يې ويلي دي چې: هر کله که حلال مال له حرامو سره گډ شوې وي؛ نو پدې صورت کې به دې مال ته کتل کيږي چې په اغلب ډول حلال پکې زيات دى او که حرام مال.

د امام أبو حنيفه (رحمه الله) نظر:

په دې اړه امام أبو حنيفه (رحمه الله) وايي چې: هر هغه څه چې حرامو فاسد کړى وي او زياتره برخه يې حلال وي؛ نو پدې صورت کې هيڅ پروا نلري.... او که چېرې اکثره برخه يې حرام تشکيلوي؛ نو بيا پدې صورت کې يې خرڅول او چاته د ډالۍ په توگه سره ورکول جائز ندي.

د امام أبو حنيفه (رحمه الله) د مشهورو شاگردانو څخه محمد پدې اړه د يو په زړه پورې مثال يادونه کوي او وايي چې: (إِذَا وَقَعَ فِيهِ وَدَكُ الْمَيْتَةِ أَنَّهُ إِنْ كَانَ الزَّيْتُ هُوَ الْغَالِبُ فَيَجُوزُ بَيْعُهُ وَإِنْ كَانَ الْوَدَكُ هُوَ الْغَالِبُ فَلَا يَجُوزُ بَيْعُهُ).

هر کله په يوه اندازه غوړيو کې د مردان شوي
 څاروي وازدې (شحميات) ولويږي؛ (ورسره گډ
 شي) نو که چېرې په دې صورت کې د غوړيو
 کچه زياته وي؛ نو پدې صورت کې د داسې
 غوړيو خرڅول روا دي او که چېرې د ناروا
 وازدو کچه زياته وي؛ نو پدې صورت کې يې
 خرڅول ناروا دي (۴) .

د يادې مسئلې په اړه عزالدين بن عبد السلام
 په خپل کتاب قواعد الأحكام خو قدمه نور هم مخکې
 ځي او وايي چې: که چېرې په ځمکه کې حرام
 دومره حده پورې زيات شي چې هيڅ حلال پکې
 نشي موندل کيدلی؛ نو بيا پدې صورت کې پکار
 خو دادې چې د مهمو اړتياو په نظر کې نيولو سره
 خپلې اړتياوې پکې په نظر کې ونیول شي؛ او د
 دې کار د تحليل (روا والي) يوازې ددې پورې
 تړلی ندی چې يوازې د ضرورت پر اساس ترې
 مسلمانان استفاده وکړي؛ بلکه اصلي خبره خو داده
 چې مسلمانان هم بايد لاس په کار شي؛ او دا ځکه
 چې که چېرې مسلمانان له کاروبار څخه لاس
 واخلي (هيڅ کارو بار او تجارت ونکړي)؛ نو ددې
 کار تر ټولو بده پایله به داوي چې د مسلمانانو
 اقتصاد به خورا کمزورې شي؛ او کفري ملتونه به
 بيا پردوي باندې واکمن (قوي) شي او بيا به هر

ځای کې له اسلام او مسلمانانو څخه نړیوال کرکه کوي؛ او بیا به داسې حالت رامنځ ته شي چې د مسلمانانو تر منځ به بیکاري زیاته شي، د مسلکونو، صنعتي کارونو ارزښت به ورک شي او پایله به یې یو داسې حالت ته راورسیږي (لکه دا اوس) چې د خلکو ټولگټي کارونه (عام المنفعه) کارونه به ټپه ودریږي؛ او په دې توگه سره به مسلمانان ټولنه د یو ستر خیر څخه بې برخې شي.

له پورتنۍ خبرې څخه مونږ ته دا راڅرگندیږي چې نوموړې عالم دا خبره د هماغه وخت اړتیاو او ضروریاتو ته په پام کې نیولو سره کړېده؛ ځکه چې کله هغه ژوندی ؤ؛ نو دا داسې وخت ؤ چې په شرق کې اسلامي هیوادونه د اجنبي مهاجمو لښکرو تر ولکې لاندې وی؛ او له هغه له دې خبرې څخه وېرېده چې که چیرې مسلمانان د کرهڼې او مالدارۍ څخه په دې فکر چې کیدای شي دا حرامه لاس واخلي؛ نو دا کار به خورا بدې پایلې رامنځ ته کړي؛ نو پر همدې اساس کله چې له هغه څخه وپوښتل شول چې: که چېرې د یو چا په مال کې له حرامو سره حلال مال هم خلط (ګډ شوی وي)؛ نو آیا پدې صورت کې دا روا دي چې پدې ډول مال سره تجارت او راکړه ورکړه صورت ونیسي او کنه؟ نو هغه دې پوښتنې ته په

خواب کې وويل: که چېرې اغلب او اکثر مال يې حرام وي؛ پداسې شکل سره چې کولی شي له دې حرام مال څخه ځان هم خلاص کړای شي؛ نو پدې صورت کې ورته پدې مال له نورو سره معامله او راکړه ورکړه جائز نده.

إمام ابن تیمیه (رحمه الله) د حرام مال په اړه وایي چې: حرام مال په دوه ډوله دی:

لومړی دا چې: دا چې دا مال پخپل اصل کې حرام وي؛ لکه: مردار شوی څاروې، وینه، د خنزیر غوښه (دا یاد څپزونه په خپل ذات کې حرام دي)؛ او دا ځکه چې که چېرې دا څپزونه د اوبو، خوړو یا کوم بل تویدونکي (مایع) څه سره گډ شي؛ نو د هغه په رنگ، خوند او بوی کې تغیر راولي او هغه هم له ځان سره چټلوي او حرام يې گرځوي.

دویم ډول: دا چې د هغه مال ترلاسه کول حرام وي:

لکه دا مال داسې مال وي چې (هغه پخپله حلال وي؛ خو د نورو لپاره) د هغه ترلاسه کول حرام وي؛ لکه: د یو چا ځمکه او خاوره غصب کول او په زوره اخستل، یا لکه داسې چې د یو ناروا عقد (تړون او لاسلیک) په نتیجه کې هغه ترلاسه

شي؛ نو پدې صورت کې که چېرې دا مال د يو ناروا مال سره گډ شي نه حرامیږي؛ لکه: يو څوک د يو چا څخه درهم، (افغانی، ډالر يا نورې پیسې) غصب او په زور سره واخلي؛ او بیا یې له خپل حرام مال سره گډې کړي، ځکه دا پیسې که يو ډول او سره ورته وي؛ نو په خورا آسانی سره جلا کېدلی شي (حرام یې له حلالو څخه بېلېدلی شي)؛ نو کولی شي بېرته یې تقسیم او وېشي او هر څوک پکې بېرته خپل حق ترلاسه کړي.

يو بل فقهي نظر دا هم دی چې: کله حرام مال په زیاته پیمانه د حلال مال سره گډ شي؛ نو پرته له دې چې د هغه نسبت او اندازه په پام کې ونیول شي (نو پدې صورت کې دا مال ټول حرام گرځي). دا ډله فقهاء د خپلې خبرې د اثبات او استدلال لپاره د يو حدیث شریف یادونه کوي؛ او وایي چې: [ما اجتمع الحلال والحرام إلا غلب الحرام الحلال].

ترجمه: هیڅکله هم حلال له حرامو سره نه دي گډ شوي، مگر دا چې حرام پر حلالو باندې غلبه ترلاسه کړیده.

امام بیهقي بیا د دې حدیث شریف په اړه وایي چې: دا حدیث ضعیف حدیث دی؛ او ددې نظر په رڼا کې یوې بلې مهمې خبرې ته غواړو ستاسې پام

راواړوو: هر کله که چېرې دوه دلیله سره په ټکر کې پرېوزي چې یو دلیل د مال د تحریم گڼلو او بل دلیل د مال د روا گڼلو غوښتنه کوي؛ نو پدې صورت کې یې حکم دادی چې دا ډول مال حرام گڼل کیږي.

دویمه خبره چې پدې مهمه قاعده کې ذکر کولی شو داده چې: که چېرې د یو مردار څاروي وازدې او غوړی له پاکو غوړیو سره گډ شي؛ نو پدې صورت کې له دې غوړو څخه باید یوازې د ضرورت پر اساس گټه واخستل شي او دا نظر د امام أبوحنیفه او د هغه د شاگرد محمد له نظر سره مخالفت لري؛ ځکه هغوي پدې اړه وایي چې: پدې دواړو (حلالو او حرامو) کې چې هر یو په زیاته پیمانه وي، هماغه مونږ ته ارزښت لري. درېیمه بله مهمه خبره چې که چېرې د مثال په توگه سره د یوې ونې یو څه برخه په حلاله برخه کې وي او بله برخه یې په حرامه برخه کې وي؛ نو پدې صورت کې باید د دې ونې حرامه برخه پرې شي.

د پورته درس لنډیز:

که په لنډو ټکو سره ووايو؛ نو ویلی شو چې که چېرې حلال مال له حرام مال سره گډ وډ شي؛ نو پدې صورت کې بیا زیاتې پیمانې (اندازې) ته

به گورو چي کوم يو له دوي څخه پکې په پراخه کچه موندل کېدلای شي. په پای کې به دا مقاله په همدې خبرې سره پای ته ورسوو چې:

که چېرې د حلال مال پیمانې زیاته او د حرام مال پیمانې کمه وي؛ نو پدې صورت کې یا خو به دا مال د بندگانو او یا د بندگانو د حقوقو سره تړاو ولري؛ که چېرې دا مال د الله د حق پورې اړه ولري؛ نو ښايي چې: ژر تر ژره باید توبه وويستل شي او که چېرې دا مال د بنده حق وي؛ نو پدې صورت کې لازمي خبره داده چې ژر تر ژره باید بېرته خپل اصلي خاوند ته دا مال باید وروسپارل شي او دې انسان ته تر هغه پورې دا مال نشي بېنل کېدلی تر څو پوری یې چې بېرته یې خپل اصلي څښتن ته نه وي ورسپارلی او یا دا چې د مال اصلي څښتن ورته ددې اخستل شوی مال په اړه بڅښنه وکړي.

وروستی خبره داده چې که چېرې یو تن حرام مال له حلال سره یو ځای راجمع کړي؛ نو پدې صورت کې ددې مال څښتن ته دا پکار ده چې خپل لورونکي خدای تعالی ته دې توبه وباسي او خپل مال دې له حرام مال څخه پاک کړي؛ دا تر هغې پورې چې تر څو یې زړه ډاډه شي او په خپل گومان او فکر سره اطمینان تر لاسه کړي؛ او دا هم

ددې لپاره تر څو وکولى شي خپل دين او ايمان له حرامو خيزونو څخه محفوظ وساتي؛ او بل ددې لپاره تر څو لوى پروردگار يې دهغو کسانو له ډلې څخه وگرځوي کوم چې له خپلو تېروتنو وروسته لومړى په خپلو تقصيراتو او نېمگړتياو اعتراف کوي؛ او بيا ژر رښتيني توبه وباسي؛ لکه چې لوى څښتن تعالى د هغوي په اړه داسې فرمايي:

﴿وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا
وَأَخْرَسَيْنَا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَحِيمٌ﴾^۱.

ترجمه: او دغه نور خلک چې په خپلو گناهونو باندې يې اعتراف کړيدى، او (خپل) بڼه اعمال يې (لکه: د گناه کولو څخه وروسته سمدلاسه توبه ويستل پکار وي) له بدو اعمالو سره گډ کړيدي؛ (لکه: د جهاد نه کول و، البته دا پورتنې ډوله خلک هغه ډله خلک و، چا چې د تبوک په غزوه کې گډون نه و کړى) ډېر ژر ده چې لوى څښتن تعالى به د دوي توبه قبوله کړي، بېشکه چې لوى پروردگار خورا بښونکي او لورونکى دى.



^۱ - سورة التوبة، الآية: ۱۰۲.

شرکت برشنا شرعا حق ندارد که به کارمندان خود برق مفت بدهد

یکی از هموطنان عزیز ما از شما کشور چین سوال نموده:

شرکت برشنا رسماً کدام امتیاز برای این که برق پرسونل و کارمندانش مفت و رایگان باشد ندارد ولی تمام پرسونل این شرکت برق های خود را مفت و رایگان ساخته از خود رئیس حوزه برشنا که مربوط زون شمال میشود که خودم هم یکی از کارگزارانش هستم گرفته و تمام پرسونل همین کار را میکنند (برق خود را مفت و رایگان میکنند) آیا این برق که استفاده میشود حلال است با حرام؟

تشکر استاد محترم و خادم دین حق الله شمارا در نظر خود داشته باشد برادرت به امید جواب مفصل استم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برق مال و سرمایه و ضرورت حیاتی عامه مردم شمرده می شود و مصارف آن ملکیت مردم افغانستان است شرکت برشنا تنها تنظیم کننده این خدمت است و پرداختن مصارف برق بر همه مشترکین و مصرف کنندگان حتی کارمندان این شرکت واجب است و هر نوع استفاده غلط و نامشروع و ندادن بل و مصارف برق اختلاس و دزدی مال عامه مردم شمرده

می شود که گناه برزگ هم میباید، رسول الله صلی الله علیه و سلم مسلمان را از تزویر و خیانت منع کرده و آن را نشانه بی ایمانی دانسته در حدیث صحیح فرموده است: «من غشنا فلیس منا»^۱ هر کسی که تزویر و خیانت کند از جمله امت من نیست به این معنی که راه آتش دوزخ را اختیار کرده است.

ازینکه در قانون اساسی وقوانین مروجه کشور ماده وجود ندارد که برق کارمندان شرکت برشنا را مفت و رایگان ساخته باشد هر نوع استفاده نامشروع از برق و ندادن مصارف برق و معاف نمودن آن حرام خوری مطلق و دزدی شمرده میشود زیرا کارمندان شرکت برشنا مثل عامه مأمورین دولتی از طرف این شرکت معاش دارند و در قرارداد کاری شان نوشته نیست که بخاطر کارمند بودن در این شرکت از مصارف برق معاف هستند.



^۱ - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب قول النبی صلی الله علیه و سلم: «من غشنا فلیس منا»، رقم الحدیث: (۱۰۱۰)، (ج ۱، ص ۹۹).

ضوابط شرعی خرید و فروش قسط وار

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فقه‌های معاصر در مورد ضوابط شرعی خرید و فروش قسط وار می نویسند: فروش تا میعاد مقرر جائز است، و استدلال به عموم آیه کریمه میکنند طوریکه الله رب العزت میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ} ^۱.

ترجمه: ای مؤمنان! اگر تا میعاد مقرر با یکدیگر به قرض معامله کردید». عین عبارت در مورد مالی صدق میکند که حاضر باشد و قرض مالی است که غایب باشد. از قید: إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى (تا میعاد مقرر)، استدلال شده است به این که: فروش تا میعاد مقرر جایز است، و همچنان چنین برداشت میشود که اگر در معاملات که مدت و وقت داشته باشد زمان را قید نکند آن معامله جایز نیست، چون آخر به نزاع و جنجال میرسد، و مخصوصاً زمان معامله (سلم) باید معین باشد (سلم)، یا (سلف) فروش نسبه به نقد است، اگر با یکدیگر به قرض معامله کردید، پس باید (آن را بنویسید) یعنی: معامله قرضی را با زمان و مدت آخری آن بنویسید زیرا نوشتن چنین معامله ای، به دفع هر نوع نزاع و

^۱ - سورة البقرة، الآية: ۲۸۲.

قطع ریشه هرنوع خلافی میان طرفین معامله، کمک شایانی می کند.

زیادت قیمت مبیعه در مقابل وقت هیچ مانع در آن نیست، و در مورد جواز آن از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت شده، و آن اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم عبد الله بن عمرو بن عاص را امر کرد که: (لشکر را تجهیز کند و یک شتر را به دو شتر تا مدتی بخرد).

و فهمیدن آنچه که شریعت اسلامی در این معامله تقاضا میکند چیزی ضروری است، تا اینکه فروشنده و خریدار در حرام واقع نشوند، و دو صورت دیده میشود:

صورت اول: بعض مردم چیزی را می فروشند که مالک آن نیستند؛ بعد آن مبیعه را می خرند و به مشتری تسلیم میکنند.

صورت دوم: طوری است که مشتری چیزی را میخرد و قبل از آنکه آنرا قبض شرعی کند و از محل بائع انتقال دهد آنرا میفروشد.

هر دو صورت فوق جواز ندارد؛ دلیل آن نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم است که برای حکیم بن حزام فرمود: (نفروش آنچه را نزد تو نیست)، همچنان میفرماید: (سلف و بیع حلال نیست، و آنچه که در نزد تو نیست آنرا نفروش).

بیع سلف: (عبارت از آن است که بموجب آن خریدار وجوه مورد تعهد را از پیش به فروشنده می پردازد و فروشنده متعهد می شود که جنس مورد معامله را پس از انقضای مدت معین بخردار تحویل دهد).

رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: "کسیکه طعامی را می خرد آنرا نفروشد تا آنکه آنرا بدست آورد (قبض کند)"، نیز عبد الله بن عمر رضی الله عنهما می فرماید: "ما طعام را تخمینی می خریدیم، رسول الله صلی الله علیه وسلم نفری را برای ما فرستاد و ما را از آن منع کرد؛ تا آنکه آنرا به رحال خود (جایگاه که مسافران جهت سکونت خویش بر میگزینند) انتقال دهیم".

همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم منع کرده از فروش مبیعه که آنرا خریده؛ تا وقتی که که تجار برگردد به رحال شان، (یعنی وقتی که آنرا قبض شرعی کرد و از محل بائع انتقال داد بعد میتواند بفروشد).

از این احادیث معلوم می شود بیع چیزی که مالک آن نیست فروش آن جواز ندارد؛ همچنان بعضی ها باید در فروش آنچه را که خریده تأخیر کنند تا وقتی که آنرا قبض شرعی کند و از محل بائع انتقال دهد، بعضی از مردم قبل از آنکه آنرا از محل بائع انتقال دهند آنرا به فروش می رسانند که این کار یک امر ناجایز است، چون این مخالف

سنت رسول الله و شریعت الهی است، و یک نوع فریب و بازی در معاملات میباشد، که فساد و عواقب وخیم در پی دارد.



تعاملات آنلاین تجارتي مارکیت فوریکس

یکی از هموطنان عزیز سوال نموده :

استاد محترم یک سوال داشتم راجع به آنلاین بزنس که از طریق موبایل یا کمپوتر صورت می‌گیرد. مثلا در مارکیت فوریکس که یک مارکیت جهانی است و در آنجا خرید و فروش اسعار مختلف، طلا و نقره، تیل خام و خریدن اسهم در کمپنی های معتبر جهان. سوال بنده درینجا است که آیا در یک اداره که هم خودش و هم دی‌گران را تشویق و ترغیب میکند که درین مارکیت کاروبار کند از طریق اکونت که همراهی همین شرکت باز میکنی و خرید و فروش کرده میتوانی، در افغانستان هم یک کمپنی بنام خدمات مالی ویژن این کار را آغاز کرده است و مه هم یکی از کارمندان جدید این کمپنی در کابل هستم. آیا کار کردن در همچو یک اداره از نظر شرعی جواز دارد یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

این نوع تعامل که شراکت حقیقی نیست بلکه اصل شراکت از کسانی دیگری است و تنها زمینه سازی تعاملات در هاشم و اطراف آن مهیا شده که شامل سود خوری و مخالفت‌های شرعی زیادی است که بخاطر دزدیدن و برپادی اقتصاد بعض کشورها آماد شده اند و هیچ نوع شروط شرعی شراکت یا مضاربت و صیغه های تمویل و تجارت اسلامی در این معامله تطبیق نمی شود لهذا هر نوع همکاری و تعامل با این شرکت حرام است و سود پنداشته میشود.



د مسلمان سوداگر او خرڅوونکي مهم آداب او اخلاق

يو گران هیوادوال موله کابل بنار څخه
پوښتنه کړې ده:

د خرڅوونکي او سوداگر آداب څه دي؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

خرڅول، اخستل، تجارت او دنيوي معاملات
زيات تفصيلي احكام او آداب لري چې په هغو
پوهېدل پر مسلمان فرض دي ترڅو چې په ظلم،

حق تلفي او حرامو کي واقع نشي او د هغو له جملې
څخه ځيني آداب په لاندې ډول دي:

۱- له اخیستونکو سره په تعامل کې پراخ زړه
او نرمي.

۲- د خرڅولو او رانیولو په معاملاتو کې
ریښتینولي او صداقت.

۳- قسم او سوگند نه کول حتی ولو که په قسم
کې یې ریښتینی هم وي.

۴- صدقه او خیرات ورکول ځکه چې په مال او
تجارت کې د برکت سبب کېږي.

۵- په شریکي او قرضي معاملاتو کې لیکل او
شاهد نیول.





كتاب

لباس و غذا

حکم خوردن چوجه بره نوزاد

یکی از خواهران از شهر کابل چنین سوال نموده:

استاد راجع به خوردن گوشت بره که نو تولد میشود آیا حلال است با دلیل جواب را نوشته کنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

خوردن گوشت بره (چوجه گوسفند) حلال است، اگر از شکم گوسفند زنده بر آمده باشد و ذبح شده باشد.

خوردن گوشت بره یعنی چوجه گوسفند حلال است همینکه از شکم گوسفند زنده تولد شده باشد و ذبح شرعی شده گردیده باشد، فقهاء ذکر کرده اند که چوجه های حیوانات حلال همینکه از شکم زنده بر آمده باشند و ذبح شرعی شده باشند حلال است.

در حدیث صحیح که ابو هریره رضی الله عنه روایت کرده آمده است: "لما زار النبي صلى الله عليه وسلم أبا الهيثم هو وأبو بكر وعمر: فأنطلق أبو الهيثم ليصنع لهم طعاماً فقال النبي صلى الله عليه وسلم لا تذبحن ذات درّ قال فدبح لهم عناقاً أو جدياً فأتاهم بها فأكلوا"^۱، هنگامیکه رسول الله صلی الله

^۱ - سنن الترمذی، أبواب الزهد عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب ما جاء في معيشة أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم، رقم الحديث: (۲۳۶۹)، (ج ۴، ص ۵۸۳).

علیه وسلم به همراهی هر دو یارانش ابوبکر و عمر رضی الله عنهما به خانه ابو الهیثم تشریف آورده و برای شان نان و مهمانی آماده نمود، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که گوسفندی را که در شکم چوچه داشته باشد و یا اینکه چوچه دار شود هرگز ذبح نکن، و ابو الهیثم برای شان چوچه گوسفند که سال را تکمیل کرده نبود ذبح کرد و آنها از گوشت آن خوردند.

خوردن چوچه گوسفند نوزاد هم که تولد میشود ذبح شود جائز و مشروع است.



در ذبح کردن مرغ کشیدن زبان آن شرط نیست

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

آیا کشیدن زبان مرغ در وقت ذبح کردن ضروری است، یکی از ملا صاحبان گفته که اگر زبان مرغ را در وقت ذبح کردن نکشید حلال نمی شود و خوردنش جائز نیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ذبح کردن حیوانات دارای آداب و احکام میباشد که مسلمان باید آنها مراعات کند که مرغ هم شامل آن است از جمله احکام موارد ذیل است:

شروط ذبح شرعی حیوان:

۱- وجود چاقوی تیز برش.

۲- گفتن بسم الله، الله اکبر.

۳- قطع کردن حلقوم که مجرای تنفس است.

۴- قطع کردن و بریدن مریء که مجری طعام و علف و آب است.

۵- قطع کردن یکی از دو رگهای کلان متقابل که در فقه الودجان نامیده می شود و مجرای خون میباشد و اگر هر دویش قطع شود بهتر است.

طریقه مسنون ذبح کردن مرغ چنین است که به پهلوئی چپ خوابانده شود بطرف قبله، وبالهایش زیر پا شود بهتر است، اما کشیدن زبان مرغ ضروری نیست اگر کسی آنرا میکشد بخاطر آسانی کارش باکی ندارد اما اگر نکشد ذبح آن حلال میشود در صورتیکه شروط شرعی را که در بالا ذکر شد مراعات کند.



گفتنیها در در مورد گوشتها و مرغهای وارداتی

یکی از محصلین افغانی مقیم روسیه سوال نموده:

من یکی از محصلین افغان در روسیه هستم و در شهری زندگی میکنم کی گوشت حلال در آن پیدا نمی شود و مرکز عیسویت روسیه است، مقصدم این است کی گوشت حلال مرغ و گوسفند پیدا نمیشود اما همه دوستانم از این گوشت ها استفاده میکنند. میخواستم بپرسم آیا جایز است کی از این گوشتها به حیث خوراک استفاده شود یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شریعت اصل تعامل با گوشتهای نا معلوم و مجهول الحال حرام بودن است تا اینکه از حلال بودن و ذبح شدن آن به طریقه اسلامی انسان متأكد شود، و گوشتهای که در کشورهای غیر اسلامی میباشد حالات ذیل را دارد میباشد:

۱- گوشتهای حیواناتی که در اصل حرام است مثل خوک و خنزیر، خر و سگ حرام بودن ثابت است.

۲- گوشتهای حیوان حلال مثل گاو، گوسفند، شتر، بز و مرغهای وارداتی ذبح شده با ماشینها برقی و یا به طریقه عادی از کشورهای کمونیستی و الحادی و بییدینی مثل

روسیه و کوریای شمالی و چین و بلغاریا و نیز کشورها بودایی و هندویی حلال نیست و حرام شمرده می شود و خوردن آن جائز نیست، زیرا اصل در این گوشتهای نامعلوم حرام بودن است تا اینکه به شکل یقینی ثابت شود که بطریقه اسلامی ذبح شده.

۳- گوشتها و مرغهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی سکولری که به دین اسلام و یهودیت و نصرانیت نیستند و اهل کتاب حقیقی نیستند و دین را از سیاست جدا ساختند و اصلا ذبح نمی کنند زیرا ذبح کردن را مخالف حقوق حیوان میدانند و عقیده دارند که در ذبح کردن حیوان آزار و اذیت می شود، این هم جواز ندارد و حرام شمرده می شود و خود حساب میگردد که خوردنش حرام است.

۴- گوشتها و مرغهای وارداتی که از کشورهای غیر اسلامی میاید لیکن به طریقه اهل کتاب و یا مسلمانان و شرکتهای که کارمندان مسلمان دارند ذبح می شود حلال است که بعضا از برازیل واز هند وارد میشود.

۵- شرکتهای که کارمندان هندو و بودایی دارد و سرپرستی توسط آنان می شود نیز گوشت و مرغ وارداتی از آنها نیز حرام است زیرا هندو و بودایی نه مسلمان است و نه هم اهل کتاب آسمانی.

۶- گوشتها و مرغهای نامعلوم وارداتی که حقیقت آن معلوم نباشد که آیا به طریقه اسلامی ذبح شده و یا توسط اهل کتاب آسمانی نیز مشبوه است که به حرام نزدیک است و باید خورده نشود زیرا حقیقت آنها معلوم نیست اصل در گوشتهای نامعلوم حرام بودن است تا اینکه ذبح شدن آن بطریقه اسلامی ثابت شود.

۷- حیوانات حلال بطریقه اسلامی ذبح شده در این کشورهای غیر اسلامی و این حلال است، لیکن اگر کسی زیاد در شک واقع شود و بخاطر احتیاط این گوشتها را نخورد باکی ندارد رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "دع ما یریک إلی ما لا یریک"!^۱

ترک کن آنچه را که تو را در شک می اندازد و آنچه را انتخاب کن که تو را در شک واقع نمی کند.



^۱ - سنن الترمذی، أبواب صفة القيامة والرفائق والورع عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، رقم الحدیث: (۲۵۱۸)، (ج ۴، ص ۶۶۸).

حکم خوردن مرغها وگوشتهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی

چندین تن از برادران وخواهران محترمین از شهرهای کابل وهرات و مزار و جلال آباد سوال نموده اند که شریعت چی رهنمائی کرده در مورد خوردن این مرغها وگوشتها؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

درین شکی نیست که این مسأله یکی از مسائل مهم است که بعضیها را در زنگی خود محتاط هستند به حیرت انداخته و فقهای معاصر حکم این گوشتها آل چنین بیان نموده اند:

- گوشتها و مرغهای وارداتی ذبح شده با ماشینها برقی و یا به طریقه عادی از کشورهای کمونستی و الحادی و بیدینی مثل روسیه و کوریای شمالی و چین و بلغاریا و نیز کشورها بودائی و هندویی حلال نموده و حرام شمرده می شود و خوردن آن جائز نیست.

- گوشت و مرغ وارداتی از کشورهای غیر اسلامی سکولری که به دین اسلام و یهودیت و نصرانیت نیستند و اهل کتاب حقیقی نیستند و دین را از سیاست جدا ساختند و اصلا ذبح نمی کنند زیرا ذبح کردن را مخالف حقوق حیوان

میدانند و عقیده دارند که در ذبح کردن حیوان آزار و اذیت می شود، این هم جواز ندارد و حرام شمرده می شود.

- گوشت و مرغهای وارداتی که از کشورهای غیر اسلامی میاید لیکن به طریقه اهل کتاب و یا مسلمانان و شرکتهای که کارمندان مسلمان دارند ذبح می شود حلال است.

- شرکتهای که کارمندان هندو و بودایی دارد و سرپرستی توسط آنان می شود نیز گوشت و مرغ آنان حرام است زیرا هندو و بودایی نه مسلمان است و نه اهل کتاب آسمانی.

- گوشتهای و مرغهای نامعلوم وارداتی که حقیقت آن معلوم نباشد که آیا به طریقه اسلامی ذبح شده و یا توسط اهل کتاب آسمانی نیز حرام است.



گوشت مرغهای وارداتی از کشورهای دیانت نصرانیت

دوستی چنین سوال خود را نوشته است:

مولانا صاحب محترم یک سوال داشتم امید که برایم در باره اش روشنی اندازید سوال طوری است که همین گوشت مرغ که در بازار به فروش میرسد یعنی کارتنی بعضی ها

میگوید استفاده ان حلال و بعضی ها میگوید حرام است دربارہ میخوایم جواب قانع کننده برایم بدهد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

در جواب این برادر عزیز باید بنویسم که گوشت مرغهای وارداتی برازیلی و غیره کشورهای که دیانت شان نصرانیت است حلال بوده چون آنها اهل کتاب آسمانی گفته می شوند گوشت مرغهای وارداتی آنها حلال است خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: "وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ" ^۱ طعام اهل کتاب برای تان حلال است، و باید بخاطر شک و شبهه و آوازه ها حلال را حرام نگوییم، لیکن اگر کسی زیاد در شک واقع شود و بخاطر احتیاط این گوشتها را نخورد باکی ندارد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند که: "دع ما یریبک إلی ما لا یریبک" ^۲ ترک کن آنچه را که تو را در شک می اندازد و آنچه را اختیار کن که ترا در شک واقع نمی کند.



^۱ - سورة المائدة، آیت: ۵ .

^۲ - سنن الترمذی، أبواب صفة القيامة والرقائق والورع عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، رقم الحديث: (۲۵۱۸)، (ج ۴، ص ۶۶۸).

ابراز نظر شرعی در مورد نوشیدن مشروبات انرژی زا

یکی از دوستان محترم از کابل چنین سوال نموده:

استاد محترم! نوشیدن مشروب های انرژی زا مثل کاراباو، ریدبول، جنسنگ و غیره جواز دارد یا خیر، چون بعضی ها حرام می گویند آیا حلال است یا حرام؟

دوست محترم دومی ما از شهر میمنه ولایت فاریاب چنین نوشته:

حضور شما جناب استاد سوالی دارم امید است جوابش را ارائه کرده بربنده منت بخشید یکی از مولوی های مادرتبلیغ خود انرژی های کراباو، پارتی، مانستر و تمامی نوشابه هایکه انرژی زا هستند را حرام اعلان نموده ودلیل حرام بودن آنراهم کفار از همین طریق میخواهند شراب را بالای مسلمانان بنوشانند، شما لطف نموده ما را رهنمائی کنید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در مورد مشروبات انرژی زا گزارشات طبی وجود دارد که شامل تحذیر از نوشیدن اینها میباشد و انسان را معتاد میسازد نیز فیصدی زیادی کلوکوز ومواد مضر دارد که بر علاوه از معتاد ساختن انسان نوشیدن زیاد آن امراض شکر،

بالا بردن فشار خون، مرض قلبی و غیره را بار میاورد، بخش از فقهای شریعت و داکتران طب در نوشیدن آن شک و تردید دارند.

بعض داکتران طب در کشورهای اسلامی به این نتیجه رسیده اند که از نوشیدن آن استغناء گردد و بعوض نوشیدن آن آب طبیعی، آب میوه، غذاهای صحی، ورزش و تکمیل کردن خواب بهتر است برای انسان.

ونوشته اند که کسانی که مبتلا به امراض قلبی، فشار خون، مرض شکر هستند، و اطفال که زیر سن ۱۶ باشند ننوشند این مشروبات را.

باید که این تحذیرات و هشدارها نادیده گرفته نشود، البته همه این مشروبات یکسان نیستند بعضی مضریت بیشتر دارد از بعضی دیگر.

البته بحثها طبی تا بحال جریان دارد و حکم حرام و یا حلال بودن آنرا فقهاء صادر کرده نمی توانند لیکن اگر کسی احتیاط می کند که در شبهات واقع نشود و صحت جسمی اش متضرر نگردد باید این تحذیرات را در نظر داشته باشد و اولی و افضل و بهتر است که آنرا ننوشد، من شخصا خودم نمی نوشم.



استفاده از سرگین حیوانی در کشت و زراعت

فقهاء اسلام استفاده از سرگین حیوانات مأکول اللحم وحلال را مثل گوسفند وکاو وغیره را در تقویت کشت وزراعت جایز ومشروع دانسته ودهقانان محترم می توانند ازان در کشت وزراعت وباغداری خود استفاده کنند وهیچ مانع شرعی وجود ندارد، اما استفاده کردن از سرگین حیوانات غیر مأکول اللحم که خوردن گوشتش حرام است، در کشت وزراعت جواز ندارد وحرام دانسته اند واگر استفاده شود کشت وزراعت را فاسد نموده وخوردنش هم جواز ندارد چون که خاصیتهای همان حیوانات را حذب نموده است، وهمچنان استفاده کردن فاضل آبهای انسان وتشناب ها جواز ندارد در کشت وزراعت خوردنی ومیوه دار، اما در کشت وزراعت بی ثمر وبی میوه قابل استفاده دانسته شده در نزد فقهاء شریعت.

این بود جواب سوال یکی از دوستان که نوشته است، آیا می توانیم از سرگین حیوانات که گوشتش حرام است در تقویت کشت وزراعت بجای کود کمیائی استفاده کنیم؟



در حالت جنابت گوسفند را ذبح کرده آیا خوردنش جائز است ؟

یکی از دوستان از ولایت خوست چنین سوال نموده :

در حالت جنابت بودم گوسفند خود را ذبح نمودم زیرا اگر انتظار میکردم گوسفند بدون ذبح و حلال نمودن جان میداد آیا خوردن آن جائز است ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

فقههای قدیم و معاصر همه به این اتفاق دارند که جنابت مانع ذبح کردن مال و مرغ و غیره نیست تنها بسم الله گفتن هنگام ذبح کردن شرط است و مال و گوسفندی را که مسلمان در حالت جنابت ذبح کرده باشد حلال و مباح است و جنب بودن در حلال کردن آن آسیب نمی رساند، تنها جنابت مانع عبادات مثل نماز، تلاوت قرآن کریم، داخل شدن در مسجد و غیره می شود، حتی خانمهای که در روزهای عادت ماهوار و حیض مال و گوسفند را حلال و ذبح کرده باشند نیز مباح و حلال است، فقهاء از این حدیث صحیح استدلال کرده اند "عن كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ جَارِيَةً لَهُمْ كَانَتْ تَرَعَى غَنَمًا بِسَلْعٍ ، فَأَبْصَرَتْ بِشَاةٍ مِنْ غَنَمِهَا مَوْتًا ، فَكَسَرَتْ حَجَرًا فَذَبَحَتْهَا فَقَالَ لِأَهْلِهِ : لَا تَأْكُلُوا حَتَّى آتِي النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاسْأَلْهُ ، أَوْ حَتَّى أُرْسَلَ إِلَيْهِ مَنْ يَسْأَلُهُ ، فَآتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْ بَعَثَ إِلَيْهِ ، فَأَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِأَكْلِهَا"^۱ یکی از خانمها گوسفندی را که نزدیک به جان دادن بود ذبح کرد اما گفت که شما گوشتش را نخورید تا اینکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال نمایم وقتی که از رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال نمودند امر نمود به خوردن گوشت ذبح کرده این خانم، واز این حدیث فقهاء جواز و مشروعیت ذبح کردن مال توسط خانمهای مسلمان، در حالت جناب و حیض و روزهای عادت ماهوار را استنباط نموده اند.



در شکار ماهی بسم الله الله اکبر گفتن شرط نیست تنها مستحب است

هنگام ماهی گیری و شکار ماهی الله اکبر گفتن شرط نیست و کدام سنت خاص نیست، لیکن اگر کسی بسم الله، الله اکبر بگوید مستحب است زیرا بسم الله گفتن در اول هر کار مستحب است و شکار ماهی درین امر شامل است، در غیر آن شکار ماهی از ذبح کردن حیوانات فرق میکند.

^۱ - صحیح البخاری، کتاب الذبائح والصيد، باب ما أهر الدم من القصب والمروة والحديد، رقم الحديث: (۵۵۰۱)، (ج ۷، ص ۹۱).

- گوشت ماهی حلال است الا اینکه از گوشت خنزیر و مواد و خوراکی که حرام تغذیه شود در آن صورت حرام شمرده می شود، حتی مرده ماهی که از آب یافت شود حلال است.

دوستی سوال نموده که:

سلام علیکم استاد گرامی! در مورد گوشت ماهی سوالی داشتم، اینکه آیا گوشت ماهی بطور عموم حلال است و یا حلال بودن آن هم شرایط خاص دارد؟ من شنیدم که در هنگام ماهی گیری باید الله اکبر گفته شود و گر نه خوردن آن نا جایز است؟



چگونگی فرق نمودن غذای حلال و حرام در اروپا

یکی از دوستان افغانی ما مقیم اروپا سوال نموده که:

و سوال دوم من اینست که چون در اروپا خوراک گوشت خوک عادی بوده و از شحم آن اکثرا در خوراکی که باب مثل بیسکیت؛ کیک و امثالهم استفاده میکنند اما بعضا تفکیک و شناسایی آن مشکل میباشد که آیا شحم خوک را دارا است و یا نیست پس در اینصورت چه باید کرد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

بر مسلمان فرض است که در جستجوی خوراک حلال باشد واز خوردن خوراکی های حرام ویا مشکوک دوری کند تا اینکه دین وایمانش زیرا سوال نرود، واین یک مشکل بس بزرگ است برای مسلمانان مقیم اروپا زیرا اکثرا خوراکی باب شامل اجزاء و شحم و چربی خوک و خنزیر است و گوشت خوک به پیمانہ کلان در ہرجا است، اگر در نتیجہ تصفیہ این شحم و چربو بہ مادہ دیگر بدل شدہ باشد درین صورت خوردن این بیسکیت؛ وکیکھا جواز دارد زیرا آثار شحم خوک باقی نماندہ و اگر دیدہ شود کہ آثارش باقی است باید کہ از خوردنش اجتناب کند، نیز می شود کہ معلومات کہ در پشت وپوش این مواد نوشتہ شدہ خواندہ شود کہ ترکیب آن معلوم شود کہ اگر شحم خوک و خنزیر نباشد باز ہم حلال است، اما اگر نوشتہ باشد حرام است.

لیکن مسلمان باید محتاط باشد و کوشش کند کہ در حرام واقع نشود وحتی اگر گمان غالب این باشد کہ این مواد خوراکی ممکن شحم خوک داشتہ باشد از آن دوری کند زیرا محیط و ماحول قسمی است کہ استعمال شحوم خنزیر و خوک بہ پیمانہ زیاد است ودر شریعت قاعدہ است کہ: "ما لا یتم ترک الحرام إلا بتکرہ فترکہ واجب" ہر کار کہ موجب وسبب ترک کردن حرام شود آن کار واجب است

وقاعده دیگری است که: "إذا اجتمع الحلال والحرام غلب الحرام" اگر حرام و حلال یکجا شود غلبه بر حرام است یعنی انسان حلال را هم بخاطر اینکه در حرام واقع نشود ترک کند.



نظر به قول راجح فقهاء خوردن گوشت کنگرو حلال است

یکی از دوستان محترم و دانشمندان سوال نموده اند که:

حکم خوردن گوشت کنگرو که به زبان عربی آن را کنگر میگویند چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

در اصل خوردن گوشت حیوانات که دلیل شرعی به حرام بودن آن نباشد مباح است و جواز دارد، و این حیوان بنام کنگرو حلال و مباح است و از علف و سبزه تغذیه می کند، و در خوردنش مانع و حرج شرعی نیست.. کنگر در شمار حیوانات درنده و چنکال نمی آید که در حدیث از خوردنش منع شده، لیکن اگر کسی نمی خورد اختیاری است.



د برق په واسطه د ذبح شویو حیواناتو د خوړلو حکم

د ساینس او تکنالوژۍ د پرمختګ سره د څارویو د ذبحې او حلالولو نوې وسېلې هم رامنځ ته شولې او په اوسني عصر- کې دا مسئله یو له هغو مسئلو څخه ده چې په غرب کې د مېشتو مسلمانانو سره زیاتره وخت راپیدا کیږي. زموږ هغه مسلمانان وروڼه او خوښې چې په غرب کې هستوګنه لری، زیاتره مهال دوي پخپل چاپیریال او شاوخوا سیمه کې ویني چې غیرمسلمانان یو حیوان په ډېر قوي برقي شات سره وژني؛ نو له دوي سره پوښتنه دا وي چې: آیا مسلمان ته د دې ډول حیوان د غوښې خوړل روا دي او که ناروا؟

په دې لیکنه کې غواړو همدې پوښتنې ته ځواب ورکړو او څرګنده به کړو چې په غرب کې عموماً یو څاروی په څلورو مختلفو طریقو سره ذبح کیږي چې دلته به ېې لنډه یادونه وکړو. خو په سر کې به په دې اړه د رابطه العالم الإسلامي له لوري په هغه مهمه غونډه کې چې په مکه مکرمه کې ترسره شوه د هغوی د پرېکړې یادونه وکړو. اسلامي فقهاؤ د یادې مسئلې په هکله څېړني کړيدي او له تحقیقاتو او څېړنو وروسته لاندینی نتیجې ته رسېدلی دي چې موږ ېې په یو مناسب لنډیز سره له تاسو سره

شريکوو، دوي په دې غونډه کې په لاندې ډول څرگندونې وکړي:

لومړی حالت: د برق په مرسته د يو حيوان ذبح کول:

که چيری د برق په مرسته يو حيوان لومړی بې هوشه کړای شي، پداسی حال کې چې دا څاروی لا ژوندی وي او له دې وروسته بيا ذبح کړای شي؛ نو دا ډول ذبح هيڅ کومه ستونزه نلري او شرعي ذبح بې گنلای شو چې خوړل بې روا دي. په دې اړه لوی څښتن تعالی مونږ ته داسې لارښودنه کوي: **(حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَفَقَةُ وَالْمُؤَفَّقَةُ وَالْمُتْرَدِّيَّةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ).^۱**

دويم حالت: د برق په مرسته د يو حيوان وژل:

که چيری داسی وي چې د برق په مرسته يو څاروی ووژل شي او (په چرې سره) ذبح نکړای شي؛ نو په دې صورت کې ددې حيوان خوړل روا نه دي او مردار شوی حيوان گنل کيږي چې دې ډول حيوان ته په عربي کې مَيْتَةٌ وايي، لکه چې قرآنکريم مونږ ته په ډاگه سره وايي چې د

^۱ - سوره مائده: ۳.

داسې حيوان غوښه خوړل پر تاسې باندې حرام گرځول شوېده؛ لکه چې ارشاد فرمايي: {حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ}¹.

درېم حالت: په قوي برق سره د يو حيوان بې هوشه کول:

کله کله ليدل کيږي چې په غرب کې نامسلماڼه خلک په يو ډېر قوي برقي سره څاروي ته شات ورکوي او پدې توگه سره بې هوشه کوي، دا پداسې حال کې چې دا برق د ډېر قوي فشار لرونکي وي؛ نو دا ډول ذبح د يو څاروي او حيوان ته مخکې له دې چې ذبح کړای شي د هغه ځورول او هغه ته تعذيب ورکول دي چې اسلام له دا ډول عمل سره کرکه لري او حتی د اسلام سپېڅلی دين له حيواناتو سره هم په نرمي او شفقت سره امر کړيدی او د دوي سره د ظلم او تعدی څخه بې خپل پيروان منع کوي، لکه چې زمونږ مهربانه پيغمبر اکرم (صلی الله عليه وسلم) مونږ ته په دې اړه داسې فرمايي: [إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ، وَلِيُحَدِّدَ أَحَدَكُمْ شَفْرَتَهُ وَلِيُرِخَ ذَبِيحَتَهُ]².

¹ - سوره مائده: ۳.

² - صحيح مسلم، كتاب الصيد والذبائح وما يؤكل من الحيوان، باب الأمر بإحسان الذبح والقتل، وتحديد الشفرة، شماره حديث: (۱۹۵۵)، (ج ۳، ص ۱۵۴۸).

ترجمه: لوی پروردگار په هر څه باندی نیکی لیکلی ده؛ (له هر راز مخلوق سره نیکی او احسان وکړی) نو هر کله چې تاسې (حيوان) وژنی، په ښه توګه سره ېې و وژنی او کله مو چې ذبح کوله؛ نو په غوره توګه سره ېې ذبح کړی او یو له تاسو څخه دې چې (کله څاروی) ذبح کوي چاقو دې ښه تیز کړي او خپل ذبیحه (ذبح شوی څاروي) ته دې راحت ورکړي. (غواړو په یو لنډ مثال کې دا خبره لږه نوره هم څرګنده کړو؛ لکه که چیرې یو څوک لږم ووبني؛ نو طبیعي خبره ده چې وژني به ېې او له شر څخه به ېې ځان خلاصوي، خو دا صحیح خبره نده چې لږم ته مختلف عذابونه ورکړي او یا ېې په اور ېې وسوځوي، ځکه دا کار د الله تعالی له قوانینو څخه سرغړونه ده). (۱)

څلورم حالت: په ضعیف برق سره د حیوان بې هوشه کول:

که چیرې د ذبحې شکل په دې ډول سره وي چې برق ېې خوار ضعیف وي او څاروي ته لږ برقي شات ورکړای شي او په دې توګه سره یو حیوان ته ډېر تعذیب ورنکړای شي او په دې کار کې ګټه او د ذبحې لپاره آسانی پرته وي، تر څو حلالېدونکې څاروی د ذبح پر مهال ډېر ونه ځورول شي او زیات مقاومت هم و نشي - کړای؛ نو په دې صورت

کپی دا ډول ذبح کوم مشکل نلري او غوښه خوړل پې هم
کومه ستونزه نلري. (والله أعلم).



گوساله شان شیر مرکب را نوشیده، آیا خوردنش جایز است؟

یکی از دوستان از ولایت بدخشان چنین سوال نموده:

سوال داشتم اینکه گوساله ای داشتم که شیر مرکب
(خر را می نوشید) آیا گوشت خود این گوساله حلال مانده؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در صورتیکه این گوساله مدتهای طولانی از شیر مرکب
(خر) تغذیه شده باشد در این شکی نیست که بر گوشت
ونموی آن تأثیر نموده و خاصیتش را تغییر داده خوردن
گوشتش مشکوک و مشبوه گردیده و بعض فقهاء آنرا مکروه
دانسته اند و بعض حرام می شمارند زیرا با حرام یکجا شده
و حکم حرام بودن را بخود گرفته.

اما اگر برای یکبار و یا چند بار محدود نوشیده باشد در
این حالت مدت چهل روز این گوساله حبس شود و علف
خالص و آب داده شود تا اینکه آثار شیر مرکب دور وازاله
گردد در این صورت حلال پنداشته می شود و خوردن
گوشتش جائز است.

گوشت‌های ذبح شده در چین

یکی از هموطنان عزیز ما مقیم کشور چین سوال

نموده:

جناب استاد محترمه یک سوال دارم و آن اینکه، من با یک تعداد از برادران مسلمان از سایر کشور های اسلامی در کشور چین به تحصیل آمده ایم، و اینجا تنها از گوشت ماهی استفاده میکنیم سوالم اینست که در چنین شرایط آیا میتوانیم از گوشت مرغ، گوسفند و یا گاو که از طرف مسلمان ذبح و حلال نگردیده باشد استفاده کنیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

گوسفند، گاو و مرغ‌های که توسط چینایی‌های غیر مسلمانان ذبح میشود حلال نیست.

از اینکه چین یک کشور کمونیستی، الحادی و بی دینی است و اتباع غیر مسلمان آن پیرو ادیان آسمانی نیستند لهذا حیوانات حلال مثل: شتر، گوسفند، بز، گاو، مرغ و غیره را که ذبح میکنند خوردن گوشت آن حلال نیست، ناروا و حرام پنداشته میشود به اتفاق فقهای اسلام و برای مسلمان جایز نیست که آنرا بخورد.

هموطنان عزیز ما که بخاطر تجارت و وارد کردن اجناس تجارتي به کشور چین سفر می کنند و یا بخاطر ادامه تحصیل در آنجا بسر میبرند باید متوجه این امر باشند تا اینکه در حرام واقع نشوند و چین را که یک کشور کمونیستی و الحادی است به کشورهای دیگر قیاس نکنند، البته عین حکم را کشورهای روسیه، بلغاریا، ویتنام، جاپان و کشورهای بودایی نیز دارا میباشند.



نان خوردن در رستوران بوداییها

در هندوستان درس می خوانم و محصل استم رستوران پهلوی یونیورسیتی ما بودایی است آیا گوشتهای پخته شان را بخورم رهنمائی کنید استاد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

بوداییها که وثنیت هم نام دارند اهل کتاب نیستند مذبوحات شان حلال نیست مثلا گاو وگوسفند و مرغ را اگر آنها خود شان ذبح کنند خوردنش جواز ندارد و حرام است زیرا نه آنها مسلمان هستند و نه هم اهل کتاب.

می توانید که سبزیجات آنها را بخورید اما غذاهای
گوشتی را که آنها ذبح می کنند نخورید. و کوشش کنید که
در رستورانهای مسلمانان نان بخورید.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین



کار غیر مسلمان در آشپزخانه مسلمان

یکی از هموطنان عزیز ما که در یکی از کشورهای
خلیج عربی رستوران دارد:

یک سوال میخواستم بدانم در هوتلی که من کار میکنم
غیر مسلم صحن شوی و پیاز و کچالو پاک میکند نظر شما
در باره خوراک و خوردن ما چی رقم شود آیا خوردن ما
کدام مشکل شرعی ندارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام علی رسول الله، اما بعد:

غیر مسلمان می تواند که زیر نظر مسلمان کار کند
ظرف شوی کند و پیاز و کچالو و بادنجان رومی را پاک و صاف
کند و سبزیجات را شستشو کند در صورتی که با مسلمان
دشمنی نداشته باشد لیکن خوردن گوشت ذبح شده بدست
شان حلال نبوده و جواز ندارد، اما اگر ملاحظه شود که با
مسلمان دشمنی دارد باید که مراقبت جدی شود و یا از کار

برطرف گردد که مرتکب کدام خیانت مثل زهر پاشی و غیره نشود.

وبهتر که مسلمان همه کارمندان رستوران خود را از مسلمانان انتخاب کند زیرا همنشینی با غیر مسلمان اثرات منفی دارد.



خوردن گوشت خرگوش حلال است

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده:

آیا خوردن گوشت خرگوش حلال است یا حرام که در منطقه ما بسیار رواج است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

خوردن گوشت خرگوش حلال است، در حدیث صحیح که بخاری و مسلم روایت نموده از صحابی جلیل القدر انس بن مالک رضی الله عنه ثابت: "عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ صَادَ أَرْنَبًا ، وَأَتَى بِهَا أَبَا طَلْحَةَ ، فَذَبَحَهَا فَبَعَثَ بِوَرَكَيْهَا

وَفَخِذِيهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَأَتَيْتُ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَبِلَهُ" ^۱.

انس بن مالک رضی الله عنه خادم رسول الله صلی الله علیه وسلم خردگوشی را شکار نموده بود و به نزد ابو طلحه حاضر نمود ایشان این خردگوش را ذبح نموده رانش به رسول الله صلی الله علیه وسلم برد ایشان قبول فرمودند، نیز احادیثی زیادی وجود دارد که دلالت بر حلال بودن خردگوش دارد و در احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت نیست که ایشان از خوردن گوشت خردگوش منع کرده باشند. ائمه اربعه ابوحنیفه، مالک، شافعی و احمد بن حنبل همه گوشت خردگوش را حلال میدانند و این ثابت است که سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه گوشت خردگوش را خورده است، نیز صحابی جلیل القدر أبو سعید الخدری آنرا حلال دانسته، به همین شکل مجموعه از تابعین مثل عطاء، سعید بن المسيب والیث و ابو ثور فقیه ابن المنذر.

تعداد اندکی از علماء خوردن گوشت خردگوش را مکروه دانسته اند.



^۱ - صحیح مسلم، کتاب الصيد والذبائح وما یؤکل من الحيوان، باب إباحة الأرنب، رقم الحديث: (۱۹۵۳)، (ج ۳، ص ۱۵۴۷).

خوردن گل سرشوی

یکی خانمهای علاقمند مسائل دینی سوال نموده:

در بعض جاها رواج است که خانمها گل سرشوی را می
خورند که اصلا خاک است آیا خوردنش حلال است یا
حرام؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فقهاء در کتابهای فقه اسلامی ذکر کرده اند که خوردن
گل، خاک، سنگ وزغال اگر ثابت شود که به صحت انسان
ضرر دارد حرام است .



حکم خوردن گوشت قربانی در روز عید

یکی از دوستان از شهر کابل چنین سوال نموده:

جناب استاد معظم قلمت رسا باد با نشر چنین مطالب
مهم دینی یک سوال یا معلومات در مورد افطار کردن روزه
با گوشت قربانی بعد از نماز عید چی حکم دارد بسیاری از
بزرگان بعد از نماز روزه را افطار نمیکنند و منتظر کشتن
قربانی و پختن گوشت و یا جیگر آن هستند تا روزه شان را
افطار کنند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: روز عید روز خوردن و نوشیدن است و روزه گرفتن در روز عید اضحی که روز دهم ماه ذی الحجه است حرام و مخالف سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است.

ثانیا: این برداشت نادرست و غلط است که باید روزه را با گوشت قربانی افطار کنند بلکه سنت این است که شخص قربانی کننده خوردن صبحانه خود را تأخیر کند تا اینکه قربانی اش ذیح شود و از گوشت پخته شده آن صبحانه را بخورد، البته دل و جگر نسبتا زود پخته و نرم می شود لهذا فقهاء از آن نامبرده اند مقصد این است که از گوشت قربانی باشد.

ثالثا: صبحانه کردن با گوشت قربانی تنها در حق کسی سنت است که قربانی کند نه همه اعضای فامیل و اشخاص که قربانی نمی کنند.



احکام و آداب قربانی در روشنی فقه حنفی

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

از اینکه عید سعید اضحی نزدیک است عده از هموطنان متدین و محترم ما اعم از برادران و خواهران در مورد احکام قربانی و شیوه صحیح و درست ذبح آن سوالاتی را مطرح نموده اند و نیز مولانا صاحب عبدالصبور (شینواری) از علمای دره غوربند خواهش جدی نمودند که احکام قربانی را بزبان معاصر بیان کنیم که در این مقاله شرعی به تحریر آن در روشنی فقه حنفی مذهب فقهی مروج کشور عزیز ما افغانستان می پردازم بعد از استعانت و کمک خواستن از الله متعال که بنده فقیر را توفیق این خدمت دینی را ارزانی فرموده .

تعریف قربانی:

قربانی در اصل عبادتی مالی است و فقههای مذهب حنفی در تعریف آن نوشته اند:

حیوانی که در روز عید و ایام تشریق به نیت عبادت، تقرب و نزدیکی به الله متعال تحت شرائط خاص ذبح میشود: "فهی ما یذکی تقربا إلى الله تعالی فی ایام النحر بشرائط مخصوصة".

مشروعیت قربانی:

قربانی به اتفاق الفقهاء در سال دوم هجری بدلائل شرعی قرآن کریم واحادیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم وعملکرد صحابه کرام رضی الله عنهم ثابت ومشروع گردیده است.

الله متعال در مورد مشروعیت قربانی در قرآن کریم فرموده است: " فصل لربك وانحر"^۱ خاص برای پروردگارت نماز عید را بخوان و شتر را قربانی کن.

مشروعیت قربانی در احادیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم وسنت عملی ثابت است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم قربانی نموده وبه کردن وانجام این عبادت تشویق وترغیب داده وفرموده است: "من وجد منكم سعة فلم یذبح فلا یقربن مصلانا"^۲ کسیکه توانایی قربانی را داشته باشد وقربانی نکند به مصلای وعیدگاه مانزدیک نشود.

واز وبعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم صحابه کرام قربانی می نمودند وهمین سنت را تابعین وبعدا اتباع

^۱ - الكوثر: ۲.

^۲ - سنن الدارقطني، كتاب الأشربة وغيرها، الصيد والذبائح والأطعمة وغير ذلك، شماره حدیث: (۴۷۶۲)، (ج ۵، ص ۵۱۴).

تابعین و مسلمانان تا امروز بجا می آورند و هیچ مسلمانی از مشروعیت قربانی منکر نشده است.

آیا قربانی سنت است یا واجب؟

فقه‌های مذهب حنفی به این نظر هستند که قربانی واجب است زیرا الله متعال بصراحت امر نموده که مسلمانی که توانایی مالی دارد قربانی کند و امر او تعالی دلالت بر واجب بودن می‌کند: "فصل لربك وانحر"^۱ خاص برای پروردگارت نماز عید را بخوان و شتر را قربانی کن.

نیز رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث کسانی را که توانایی قربانی را دارند و این عبادت را بجا نمی آورند تحذیر نموده و فرموده است: "من كان له سعة ولم يضح فلا يقربن مصلانا"^۲.

مسلمانی که توانایی قربانی کردن را دارد و قربانی نکند، پس به مصلی و عیدگاه ما مسلمانان نزدیک نشود.

^۱ - الكوثر: ۲.

^۲ - سنن ابن ماجه، كتاب الأضاحي، باب الأضاحي، واجبة هي أم لا، شماره حدیث: (۳۱۲۳)، (ج ۲، ص ۱۰۴۴).

واز این حدیث استنباط نموده اند که قربانی واجب است و اگر واجب نباشد کسی که قربانی نمی کند از آمدن به عیدگاه منع نمی شد.

واجب بودن قربانی را شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمه الله نیز ترجیح داده است.

وجمهور فقهای مذاهب فقهی مالکی، شافعی و حنبلی و نیز ابویوسف از فقهای مذهب حنفی قربانی را سنت مؤکد دانسته اند.

حکمت مشروعیت قربانی:

حکمت از مشروعیت این عبادت مالی بر علاوه از ثواب و فضیلت و بخشایش گناهان مسلمان بجا آوردن شکر الله متعال است بر نعمتهای که بر بنده خود ارزانی فرموده که سنت ابراهیم الخلیل علیه السلام را احیاء و زنده نماید و در راه او تعالی مال خود را مصرف کند، در عین حال مسلمان نفس خود بر بندگی الله متعال و عبودیت تربیه می نماید که در هر موسم عبادت خاص را مطابق امر او تعالی و هدایت و رهنمائی رسولش انجام دهد، و نیز با فقراء و محتاجین همدردی نماید با توزیع گوشت قربانی، و از همه مهمتر اینکه توحید الله متعال را تکرار نموده اسم او تعالی را یاد کند در وقت ذبح قربانی.

بعضیها سوالی را مطرح میکنند که در بین بجا آوردن شکر او تعالی و عبادتش و ریختن خود چای ارتباط وجود دارد؟

در جواب اینها می نویسیم که :

اولا: این ریختن خود وسیله آسایش برای خود بنده و خانواده اش، همسایه ها و مهمانانش میباشد و نیز صدقه دادن بر فقیران است که از نعمت الهی که بر ایشان ارزانی نموده استفاده کند و نعمت او تعالی را بشکل ظاهری آن به نمایش بگذارد..مسلمان مأمور است که در اوقات و مواسم مختلف نعمتهای که برایش الله متعال لطف نموده از آن استفاده نماید و روی آن صحبت کند، الله متعال فرموده است: " وأما بنعمة ربك فحدث"^۱ و از نعمتهای پروردگارت حرف بزن و صحبت کند.

ثانیا: در قربانی و ریختن خود این حیوانات حلال یک نوع تأکید و مبالغه در تصدیق نمودن مسائلی است که الله متعال خبر داده است که این حیوانات را برای آسایش و استفاده بنده های خود خلق نموده و اجازه ذبح نمودن و ریختن خون آنها را داده است تا اینکه از گوشت آنها بهره مند شوند.

۱- الضحی: ۸.

کدام شروط بر شخص قربانی کننده لازم است:

فقهاء تصریح نموده اند که شخص قربانی کننده باید دارای شروط ذیل باشد:

- ۱- مسلمان باشد و قربانی غیر مسلمان قبول نمی شود.
 - ۲- مقیم باشد و مسافر نباشد نزد فقهای فقه حنفی زیرا مسافر به سختی و مشقت روبرو می شود در قربانی کردن.. البته در نزد جمهور فقهاء مسافر هم قربانی کرده می تواند.
 - ۳- مالدار باشد یعنی توانایی خریدن قربانی را داشته باشد بر علاوه از داشتن مسکن و مصرف روز مره خود و فامیلش و قرضدار نباشد.
 - ۴- بالغ و عاقل باشد نزد امام زفر البته البته در نزد امام ابوحنیفه و امام ابویوسف در مال طفل نابالغ و دیوانه هم قربانی میشود در صورتیکه توانایی داشته باشند.
 - ۵- نیت قربانی را داشته باشد که خالصا لله عزوجل قربانی می نماید.
- حیواناتی که قابل قربانی است و تعیین سن و سال شرعی آن:

در قربانی باید حیوانی که ذبح میشود از "بهیمة الأنعام" باشد که عبارت است از:

شتر که از پنج ساله کم نباشد، گاو از دوساله کم نباشد، گوسفند از شش ماه کم نباشد و در ماه هم داخل شده باشد، و بز از یک ساله کم نباشد.

در قربانی کدام یک از شتر، گاو، گوسفند و بز ثواب بیشتر دارد؟

فقهای مذهب حنفی افضلیت و یا ثواب بیشتر در قربانی چنین ترتیب نموده اند:

- قربانی کردن شتر کامل.
- قربانی نمودن گاو کامل.
- گوسفند کامل.
- بز کامل.
- اشتراک نمودن در هفتم حصه شتر.
- اشتراک کردن در هفتم حصه گاو.

زیرا که شتر قیمت و گوشت خوب و بیشتر دارد، بعد از آن گاو در درجه دوم میاید، و در مرحله سوم گوسفند است و آخرین آنها بز است در اجر و ثواب از نظر فقهای فقه حنفی.

حیوان قربانی باید عیب نداشته باشد:

حیوان که بخاطر عبادت قربانی تخصیص داده میشود باید عیب مؤثر نداشته باشد و این امر را صحابی جلیل القدر علی بن ابی طالب رضی الله عنه در حدیث صحیح بیان نموده است: "أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- أَنْ نَسْتَشْرِفَ الْعَيْنَ وَالْأُذُنَ وَأَنْ لَا نَضَحِّيَ بِمُقَابَلَةٍ وَلَا مُدَابَرَةٍ وَلَا شَرْفَاءَ وَلَا خَرْفَاءَ"^۱ رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را در قربانی کردن رهنمائی نموده تا اینکه چشم و گوش حیوان قربانی را بصورت دقیق متوجه شویم و نظر بیندازیم، و نباید حیوانی را قربانی کنیم که طرف گوشش از قسمت پیش و یا از قسمت بالا بریده شده باشد و نه هم حیوانی را که گوشش پاره شده باشد و نه هم حیوانی را که گوشش سوراخ شده باشد.

یعنی عیب مؤثر باشد که در نتیجه آن گوشت قربانی کم شود و این چهار عیب تأثیر سلبی دارد که ماهیت قربانی

^۱ - سنن الترمذی، أبواب الأضاحی عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب ما یکره من الأضاحی، شماره حدیث: (۱۴۹۸)، (ج ۴، ص ۸۶).

را زیر سوال میبرد: کوری واضح، بیماری آشکار و ظاهر، لنگی نمایان و لاغری که چربی یا مغز استخوان ندارد و حیوانی که در رمه رفته نتواند.

نیز آنحضرت صلی الله علیه وسلم از قربانی نمودن حیوانات عیبی منع فرموده در این حدیث صحیح: "لَا يُضَحَّى بِالْعُرْجَاءِ بَيْنَ ظَلْعُهَا وَلَا بِالْعَوْرَاءِ بَيْنَ عَوْرَتِهَا وَلَا بِالْمَرِيضَةِ بَيْنَ مَرَضُهَا وَلَا بِالْعَجْفَاءِ الَّتِي لَا تُنْقَى"^۱.

قربانی نشود حیوان لنگ را که لنگی آن واضح و ظاهر باشد و نه هم حیوان کوری را که کوری آن ظاهر باشد و نه حیوان مریض را که مریضی آن ظاهر باشد، و نه حیوان ضعیف و لاغری را که در میان استخوان آن مغز باقی نمانده باشد.

اما وجود عیب خورد و کوچک در حیوان قربانی تأثیر ندارد.

ابتداء و انتهای وقت قربانی:

ابتدای وقت قربانی بعد از نماز عید شروع میشود از صحابی جلیل القدر جنب البجلی رضی الله عنه در حدیث

^۱ - سنن الترمذی، أبواب الأضاحی عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب ما لا یجوز من الأضاحی، شماره حدیث: (۱۴۹۷)، (ج ۴، ص ۸۵).

صحیح روایت است که فرمود: من روز عید اضحی همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز خواندم و پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از نماز خطبه‌های خوانده، سپس فرمودند: کسی که قبل از نماز، قربانی نموده بجای آن دوباره قربانی کند و کسی که قربانی نکرده با نام الله متعال قربانی کند.

و ختم وانتهای و وقت پایانی قربانی، غروب آفتاب روز سوم عید است نزد فقهای احناف، اما در نزد جمهور علماء و فقهای معاصر وقت انتهای قربانی روز سوم ایام تشریق یعنی روز ۱۳ ذی الحجه است.

شیوه و طریقه شرعی تقسیم نمودن گوشت قربانی:

شخص قربانی کننده می تواند که خودش و خانواده اش از گوشت قربانی بخورد نیز برای همسایه ها و مهمانان و دوستان و اقارب خوب بدهد و بهتر است که بخش بزرگ آنرا به فقیران و ضرورتمندان و مساکین توزیع نماید.

الله متعال در قرآن کریم فرموده است:

" فَكُلُوا مِنْهَا وَ اطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ " ^۱ پس خودتان از قربانی بخورید و به بینوایان مستمند نیز بدهید.

۱- الحج: ۲۸.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرمودند:
 "از قربانی بخورید و به دیگران صدقه دهید و ذخیره
 نمایید."

شروط شرعی ذبح حیوان قربانی:

۱- نیت کردن که خاص بنام الله متعال و عبادت او
 تعالی قربانی می نماید.

۲- بهتر است که در وقت ذبح قربانی رو بطرف قبله
 باشد.

۳- بسم الله گفتن فرض است و تکبیر یعنی الله اکبر
 گفتن در وقت ذبح حیوان قربانی مستحب است.

۴- این دعاء را بخواند قبل از ذبح قربانی: "اللهم هذا
 عني وعن أهل بيتي" پروردگارا این قربانی از من و خانواده من
 است.

۵ - وجود چاقوی تیز برش.

۶ - قطع کردن حلقوم که مجری تنفس است و مریء
 که مجری طعام و علف است.

۷_ قطع کردن یکی از دو رک های کلان متقابل که در
 فقه الودجان نامیده می شود.

احکام متفرقه قربانی:

۱- کسانی که نیت قربانی را دارند از گرفتن ناخنها و موی بدن خود بعد از داخل شدن دهه اول ذوالحجه خود داری نمایند:

برای مسلمانی که نیت قربانی کردن را دارد جایز نیست که بعد از داخل شدن دهه اول ماه ذوالحجه و قبل از ذبح قربانی موی و یا ناخنهای خود را بگیرد و این حکم مخصوص خود شخص بوده و سایر اعضای خانواده او را دربر نمیگیرد..

در حدیث صحیح از ام سلمه رضی الله عنها ثابت است که فرمودند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "مَنْ كَانَ لَهُ ذَبْحٌ يَذْبُحُهُ، فَإِذَا أَهْلَ هَلَالِ ذِي الْحِجَّةِ، فَلَا يَأْخُذَنَّ مِنْ شَعْرِهِ وَلَا مِنْ أَظْفَارِهِ شَيْئًا حَتَّى يُضْحِيَ"^۱.

مسلمانی که نیت قربانی کردن را داشته باشد، وقتیکه ماه ذی الحجه آغاز شود، باید که چیزی از موی و ناخنهايش را نگیرد، تا اینکه قربانی کند.

^۱ - صحیح مسلم، کتاب الأضاحی، باب نهي من دخل عليه عشر ذي الحجة وهو يريد التضحية أن يأخذ من شعره، أو أظفاره شيئاً، شماره حدیث: (۱۹۷۷)، (ج ۳، ص ۱۵۶۶).

۲- یک رأس گوسفند برای قربانی یک خانواده کامل که باهم زندگی مشترک دارند جایز است :

اصلا وجوب وسنت بودن قربانی نظر به توانایی مالی انسان تعلق دارد، هفت نفر یا کمتر از آن از اهل یک خانواده شرعا حق دارند که در قربانی شتر و یا گاو شریک شوند، اما در قربانی گوسفند شریک شده نمی توانند، یک رأس گوسفند و یا بز را تنها یک فرد عاقل و بالغ خانواده قربانی میکنند و دیگران را در اجر و ثواب آن شریک میسازد و همین قربانی همه این خانواده که باهم مشترکا زندگی دارند حساب می شود.

۳- گوسفندی که به انسان تحفه آورده می شود می تواند آنرا قربانی کند:

گوسفندی که به انسان تحفه آورده می شود و به ملکیت خود انسان و یا یکی از اعضای فامیلش قرار میداشته باشد می تواند که آنرا قربانی کند در صورتیکه عیب کلان نداشته باشد و شش ماه را تکمیل نموده و در ماه هفتم داخل شده باشد.

۴- این برداشت نادرست است که شخص قربانی کننده حتما متأهل و ازدواج کرده باشد:

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح اهمیت و فضیلت قربانی را چنین بیان داشته است: "من كان له سعة ولم يضح فلا يقربن مصلانا"^۱.

مسلمانی که توانایی قربانی را دارد و قربانی نکند، پس به مصلی و عیدگاه ما مسلمانان نزدیک نشود.

فقه‌های مذهب حنفی از این حدیث استنباط نموده اند که قربانی واجب است، و جمهور فقهاء قربانی را سنت مؤکد دانسته اند.

واجب بودن و سنت بودن قربانی به توانایی مالی تعلق دارد مرد وزن خواه متأهل و متزوج باشند یا مجرد در صورت توانایی داشتن قربانی نمایند. این برداشت نادرست و غلط و مخالف شریعت است که شخص قربانی کننده حتماً متأهل و ازدواج کرده باشد.

۵- هموطنان عزیز ما که در خارج زندگی میکنند برایشان جایز و مشروع است که نهاد های خیریه و افراد و اشخاص معتمد را بخاطر ذبح قربانی خود در داخل افغانستان وکیل بگیرند و پول قربانی را برای آنها روان کنند.

^۱ - سنن ابن ماجه، كتاب الأضاحي، باب الأضاحي، واجبة هي أم لا، شماره حدیث:

(۳۱۲۳)، (ج ۲، ص ۱۰۴۴).

۶- چونکه قربانی عبادت مالی ویک نوع صدقه است بهتر است که اکثریت گوشت آن به فقیران توزیع گردد.

۷- قربانی که قبل از نماز عید ذبح شود در قربانی شمرده نمی شود.

۸- کسانی که از خارج برای قربانی کردن در داخل کشور وکیل میگیرند باید قربانی به وقت افغانستان بعد از ادای نماز عید ذبح شود.

۹- به اتفاق فقهاء قربانی نمودن به نیت ثواب رسانی به مرده ها جایز و مشروع است.

۱۰- گرفتن ناخنها و موهای بدن قربانی کننده قربانی اش را باطل نمی سازد تنها ثوابش را کم میکند. قربانی اش می شود.

۱۱- یک مقدار پول وپیسسه را بخاطر ازدواج پس انداز نموده آیا بالایش قربانی واجب است؟

من در یکی از وزارتخانه ها کارمند استم ویک مقدار پول وپیسسه را از معاش ماهانه ام بخاطر ازدواجم پس انداز نمودم سوال اینجاست که آیا بالایم قربانی واجب است؟

قربانی در نزد جمهور فقهاء سنت مؤکد است و شریعت بخاطر انجام آن ترغیب و تشویق بی حد نموده است در

حالیکه بعض فقهاء از جمله فقهای مذهب حنفی آنرا واجب دانسته اند بر کسانی که توانایی مالی و قیمت خرید آنرا داشته باشند..نظر به اینکه شما پول و پیسه و قیمت قربانی را دارین بهتر است که قربانی کنید تا اینکه این عبادت مالی بجا بیاورید...وکسی که توانایی و استطاعت مالی قربانی را دارد وانجام نمیدهد بدون شک از اجر و ثواب بزرگ خود را محروم ساخته است.

۱۲- آیا قربانی کردن بهتر واولی وافضل است یا صدقه دادن قیمت آن؟

در این شکی نیست که قربانی کردن بهتر واولی وافضل از صدقه دادن قیمت قربانی است؛ زیرا قربانی کردن و ریختن خون حیوان در راه الله متعال از شعائر دینی وعبادت و سبب تقرب به او تعالی می باشد، الله متعال در این مورد امر نموده است: "قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ" ^۱ بگو ای محمد نماز، حج، قربانی، زیستن و مردن من از آن الله است که پروردگار جهانیان است.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم با دستان مبارک خویش قربانی می نمودند و هرگز اتفاق نیفتاد وثابت نیست که ایشان یا صحابه کرام قیمت قربانی را صدقه داده باشند.

۱- الأنعام: ۱۶۲.

۱۲- شخص قربانی کننده اجازه فروش پوست و یا گوشت قربانی را ندارد و شرعا برایش جایز نیست که اجوره قصاب را از گوشت و پوست قربانی بدهد.

۱۳- قربانی نمودن مرغ، خرگوش و غیره حیواناتی که بغیر از شتر، گاو و گاومیش، گوسفند و بز باشد قبول نمی شود.

۱۴- قربانی گوسفند دندان شکسته می شود لیکن بهتر واولی وافضل این است که مال قربانی مبراء از هر عیب باشد تا اینکه ثواب کامل بدست آید.

۱۵- مال قربانی خریده شده بعد از آوردن به خانه عیب در وجودش ظاهر می شود که در این حالت قربانی کردنش جایز است زیرا که امر خارج از اراده قربانی کننده است.

۱۶- خریدن قربانی به پول وپیسه قرضی جایز است که بعدا بپردازد.

۱۷- صدقه دادن پوست قربانی به نهاد های خیریه بهتر است از دادن به افراد مجهول ونا معلوم .

۱۸- برای فقیران جایز است بعد ازینکه گوشت قربانی را بدست بیاورند آنرا بفروشند.

۱۹- اگر بالای کسی نذر باشد برایش جایز نیست که قربانی را در نذر حساب کند زیرا که هر دو عبادت مستقل و جداگانه است.

۲۰- مسلمانانیکه در کشورهای غیر اسلامی و غربی زندگی میکنند و اجازه ذبح نمودن قربانی را مطابق شریعت اسلامی ندارند و فقیران مسلمان وجود ندارد که گوشت قربانی را بر آنها توزیع کنند بهتر است که مصارف و پول قربانی خود را به داخل کشور به دوستان و اقارب و پیماندهای خیریه روان کنند تا اینکه وکیلان شرعی شان قربانی شانرا ذبح نمایند و خود شان از گرفتن ناخنها و تراشیدن موهای بدن شان از اول ماه ذی الحجه تا ذبح شدن قربانی شان خود داری کنند.

۲۱- وضوء نمودن و با طهارت بودن قبل از ذبح قربانی شرط نیست .

۲۲- سنت این است که شخص قربانی کننده در روز عید اضحی از گوشت قربانی خود صبحانه بخورد

اولا : روز عید روز خوردن و نوشیدن است و روزه گرفتن در روز عید اضحی که روز دهم ماه ذی الحجه است حرام و مخالف سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است.

ثانیا: این برداشت نادرست و غلط است که باید روزه را باگوشت قربانی افطار کنند بلکه سنت این است که شخص قربانی کننده خوردن صبحانه خود را تأخیر کند تا اینکه قربانی اش ذیح شود و از گوشت پخته شده آن صبحانه را بخورد، البته دل و جگر نسبتاً زود پخته و نرم می شود لهذا فقهاء از آن نامبرده اند مقصد این است که از گوشت قربانی باشد.

ثالثاً: صبحانه کردن با گوشت قربانی تنها در حق کسی سنت است که قربانی کند نه همه اعضای فامیل و اشخاص که قربانی نمی کنند.



خه ډول کولی شو چې د منجمدو بهرنیو غوښو څخه نور ځانونه وژغورو؟

زمونږ گران هیواد افغانستان ته د بهرنیو هیوادونو څخه یو لږ وارداتي یا منجمدې (يخچالي) غوښې راوړل کيږي، کله کله دا غوښې داسې نامعلوم حالت لري چې د مسلمانانو په زړونو کې زیاتو شکونو او شهباتو ته لارې پرانیزي. که لږ ځیر شو؛ نو تاسې به هم لیدلي وي چې زمونږ گران هیوادوال په ځینو مهمو وختونو کې [لکه: په ځینو هوټلونو

کې د ودونو او يا نورو مهمو غونډو په ترڅ کې [لدې ډول
پنچالي غونډو څخه زياته استفاده کوي.

دلته په دې لنډه ليکنه کې غواړو له خپلو گرانو
لوستونکو سره د بهرنيو هيوادونو څخه دمنجمدو غونډو په
اړه چې (Imported Meat) يا هم چې (frozen Meat)
ورته ويل کيږي خو مهمې نقطې له تاسو سره شريکې کړو
— البته په لنډه توگه سره — غواړو ستاسې پام د حل څو
مناسبو لارو ته راواړوو، هيله ده چې ستاسې د ټولو د پام
وړ وگرځي.

ددې ډول غونډو په اړه دا هم څرگنده نده چې: آيا دا
غونډې به د يو حلال څاروي غونډه وي او که د يو حرام
؟

په پيل کې هم غواړو ووايو چې په فقهي اصطلاح کې
دې ډول غونډو ته چې له بهرنيو هيوادونو څخه راغونډتل
کيږي (لحوم مُستورده) ويل کيږي. ددې ستونزې د هوارولو
او ورڅخه د خلاصون په موخه څو کاله وړاندې د سعودي
عربستان يو لړ مشهورو علماؤ په گډه سره علمي څېړنې تر
سره کړلې او بيا د دې بحثونو په نتيجه کې مشرانو علماؤ په
دې اړه د حل څو مناسبې لارې مونږ ته په گوته کړيدي
چې دلته ېې په لاندې ډول له تاسې سره شريکې کړو:

د حل لومړی لار: پخپله د زیاتو اهلي حیواناتو روزل:

لومړی طریقه: مسلمانانو ته بنایي چې له غرب څخه د وارداتي غوښو د مخنیوي لپاره (لکه د امریکا او برازیل او داسې نورو هیوادونو څخه) چې افغانستان ته راوړل کیږي پخپله په خپلو هیوادونو کې د اهلي حیواناتو روزنه وکړي، د هغوی د پالنې او روزنې لپاره د هیواد په داخل کې د څارویو فارمونه او داخلي شرکتونه رامنځ ته کړي او د څارویو روزنې ته ځانګړی توجه وکړي.

دویمه طریقه: داسې هم کېدلی شي چې که چیرې د بهر څخه څاروي راوړل کیږي هم؛ نو زمونږ تجار وروڼه دې هڅه وکړي تر څو ژوندي پې خپل هیواد ته راواستوي او دلته ورته مختلف او مناسب څړځایونه برابر کړي او بیا د ضرورت سره سم دې دوي پخپله ذبح کړي.

درېیمه طریقه داده چې: که چیرې په اسلامي هیوادونو کې یو چا د څارویو تجارت پیل کړی وي؛ نو نورو شتمنو مسلمانانو ته بنایي چې د دې تاجرانو سره مالي مرسته وکړي تر څو د بهرنیو هیوادونو په څېر ددوي تجارت هم پرمختګ او وده وکړي او له بل لوري څخه دوي هم وهڅول شي تر څو د ذبح شویو څارویو غوښې په ښارونو او کلیو کې په خورا آسانی سره و وېشي. (د یوې احصایې له مخې د UK

يا د برطانیې هیواد په ۲۰۱۴ میلادي کال کې یواځې له یخچالي غوښو څخه (£ ۶۸۳ million) میلیونه ډالر گټه کړې وه، له دې څخه معلومیږي چې د مسلمانانو ډېره سرمایه په وړیا توګه د هغوی جیبونو ته لویږي).

څلورمه طریقه داده چې: زموږ تجار وروڼه دې هڅه وکړي تر څو پخپله د پنیرو او په قوطیو کې د غوښو د بندولو د شرکتونو بنیادګذاري وکړي او یا له هغو داخلي شرکتونو سره چې د همدې اجناسو (توکو) کاروبار یې پیل کړي وي ورسره دې مالي مرسته وکړي تر څو له یو لوري زموږ اقتصاد هم پیاوړی شي او له بل لوري به ددې شرکتونو په مرسته د حیواني غوړیو تولید هم زیات شي او په دې توګه سره به معیاري او صحت ته ګټور غوړي بازار ته عرضه (وړاندې) شي.

د حل دویمه لار: په اسلامي هیوادونو کې د ذبحې د دوکانونو پرانستل:

د دې لپاره چې وکولی شو د بهرنیو هیوادونو څخه د وارداتي غوښو مخه ونیسو، یوه بله مناسبه لاره یې داده چې مسلمانان دې پخپلو هیوادونو کې د ذبحې خاص ځایونه رامنځ ته کړي (په عربي ژبه کې ورته مجازر او په فارسي کې ورته کشتارګاه ها وايي) او ددې کار څخه مو هدف

دادی تر خو مسلمانان پخپلو لاسونو سره حیوانات په شرعي توگه سره ذبح کړي او په آرام او په مطمئن زړه سره د حیواناتو له غوښو څخه استفاده وکړي.

د حل درېمه لار : د ذبحې سمه طریقه زده کول:

په شرعي توگه سره د ذبحې کولو لپاره ښايي چې په یو لړ شرکتونو کې د ضرورت سره سم کارکوونکي وټاکل شي او بیا دغو مستخدمینو ته معاش ورکړل شي تر څو له یو لوري اسلامي ذبح زده کړي او هم وکولی شي د خلکو د هوساینې لپاره خدمت تر سره کړي.

د حل څلورمه لار: د غوښو د معاینه کولو لپاره ځانگړي مرکزونه رامنځ ته کول:

په پای کې غواړو د دې مهمې خبرې یادونه وکړو چې: د بهرنیو هیوادونو څخه د نامعلومه منجمده غوښو د راوړلو د مخنیوي لپاره یوه بله اساسي د حل لاره داده چې هر هغه غوښه چې زموږ اسلامي هیوادونو ته راوړل کیږي، غوره به دا وي چې د یو لړ متخصصینو له لوري معاینه (Check) شي، په دې مرکزونو کې باید پوه او ماهر ډاکټران وگمارل شي او دنده ورکړل شي ترڅو له بهر څخه په قوطیو کې بندې شوی غوښې، نور خوراکی اجناس، پنیر

او او ٲول خوراکي ٲو کي چي زمونږ خاورې ته راوړل کيږي په دقيقه توگه سره تر څېړنې لاندې ونيسي- او د تصفيې له پروسس (process) نه وروسته پې گټې او زيانونه خلکو ته څرگند کړي. په دې اړه لا زيات معلومات به په نورو ليکنو کې ان شاء الله له تاسو درنو لوستونکو سره شريک کړو.



ٲول نخيره شده براي ازدواج قرباني را ساقط نمي کند

يکي از علاقمندان مسائل ديني چنين سوال نموده :

من در يکي از وزارتخانه ها کارمند استم ويک مقدار ٲول وپيسه را از معاش ماهانه ام بخاطر ازدواجم ٲس انداز نمودم سوال اينجاست که آيا بالايم قرباني واجب است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

قرباني در نزد جمهور فقهاء سنت مؤکد است و شريعت بخاطر انجام آن ترغيب و تشويق بي حد نموده است در حالیکه بعض فقهاء از جمله فقهای مذهب حنفي آنرا واجب دانسته اند بر کسانیکه توانايي مالي و قيمت خريد آنرا داشته باشند ..

نظر به اینکه شما پول و پیسه و قیمت قربانی را دارین بهتر است که قربانی کنید تا اینکه این عبادت مالی بجا بیاورید... و کسی که توانایی و استطاعت مالی قربانی را دارد و انجام نمیدهد بدون شک از اجر و ثواب بزرگ خود را محروم ساخته است.



حکم قربانی کردن یک رأس گوسفند برای خانواده کامل

یکی از خواهران هموطن ما مقیم شهر مدینه منوره چنین سوال نموده:

اگر یک گوسفند را قربانی کنیم آیا این قربانی برای همه فامیل ما حساب می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اصلا وجوب و سنت بودن قربانی نظر به توانایی مالی انسان تعلق دارد، هفت نفر یا کمتر از آن از اهل یک خانواده شرعا حق دارند که در قربانی شتر و یا گاو شریک شوند، اما در قربانی گوسفند شریک شده نمی توانند، یک رأس گوسفند و یا بز را تنها یک فرد عاقل و بالغ خانواده قربانی میکند و دیگران را در اجر و ثواب آن شریک میسازد

وهمین قربانی همه این خانواده که باهم مشترکاً زندگی دارند حساب می شود.



شروط وسن وسال شرعي قرباني

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

- قربانی تنها در: شتر کمتر از پنج سال کم نباشد.
- گاو وگوساله که از دو سال کم نباشد.
- بز وگوسفند از شش ماه کم نباشد.
- عیب کلان ومرض نداشته باشند.
- شریکی نباشد وحق کسی غیر از صاحبش دران تعلق نداشته باشد.
- زیاد لاغر نباشد.

الله متعال فرموده است: "ليذكروا اسم الله على ما رزقهم من بهيمة الأنعام"^۱ نام الله جل جلاله را یاد کنند در قربانی شتر، گاو، بز وگوسفند که که تفسیر بهیمة الأنعام است.

^۱ - سورة الحج، الآية: ۳۴.

و در مورد سن مقررہ شان حدیث صحیح امام مسلم است کہ صحابی جلیل القدر جابر بن عبد اللہ رضی اللہ عنہ روایت کردہ کہ: قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم: "لا تذبحوا إلا مسنة، إلا أن يعسر علیکم فتذبحوا جذعة من الضأن".^۱



سن وسال ضروري است

یکی از دوستان محترم سوال نموده کہ :

وبعد: جناب استاد! در مورد قربانی لطفا معلومات میخوایم، بره (چوپه گوسفند) اگر کمتر از ششماهه باشد اما چاق و فربه باشد قربانی میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

سن وسال ضروری است و فربه بودن کفایت نمی کند.



^۱ - صحیح مسلم، کتاب الأضاحی، باب سن الأضحیة، رقم الحدیث: (۱۹۶۳)، (ج ۳، ص ۱۵۵۵).

قربانی کردن گوسفند هدیه شده جائز است

یکی از خواهران از شهر کابل سوال نموده:

گوسفندی را خسرم به خانه پدرم آورده تحفه گونه اگر همین گوسفند را پدرم قربانی کند آیا قربانی میشود و یا از پول شخصی خود گوسفند دیگر را خریداری کند و بعدا قربانی کند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

گوسفندی که به انسان تحفه آورده می شود و به ملکیت خود انسان و یا یکی از اعضای فامیلش قرار میداشته باشد می تواند که آنرا قربانی کند در صورتیکه عیب کلان نداشته باشد و شش ماه را تکمیل نموده و در ماه هفتم داخل شده باشد.



حکم قربانی برای مجرد و متأهل

یکی از خواهران دین دوست از شهر کابل چنین سوال نموده:

استاد محترم! یکی از دوستان سوال کرده، حکم قربانی در عید قربان بالای دختر مجرد چی است در حالیکه معاش هم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح اهمیت و فضیلت قربانی را چنین بیان داشته است: "من كان له سعة ولم يضح فلا يقربن مصلانا"^۱.

مسلمانی که توانایی قربانی را دارد و قربانی نکند، پس به مصلی و عیدگاه ما مسلمانان نزدیک نشود.

فقههای مذهب حنفی از این حدیث استنباط نموده اند که قربانی واجب است، و جمهور فقهاء قربانی را سنت مؤکد دانسته اند.

^۱ - سنن ابن ماجه، كتاب الأضاحي، باب الأضاحي، واجبة هي أم لا، شماره حدیث:

(۳۱۲۳)، (ج ۲، ص ۱۰۴۴).

واجب بودن وسنت بودن قربانی به توانایی مالی تعلق دارد مرد وزن خواه متأهل و متزوج باشند یا مجرد در صورت توانایی داشتن قربانی نمایند. این برداشت نادرست و غلط و مخالف شریعت است که شخص قربانی کننده حتماً متأهل و ازدواج کرده باشد.



نیابت گرفتن در قربانی

دوستی سوال نموده :

برادر محترم ما حاجی صاحب شاه محمد از ولایت سر بل که فعلاً در یکی از کشورهای خارجی بسر میبرد سوال نموده که آیا شریعت برایم اجازه میدهد که شخصی و یا مؤسسه را بخاطر ذبح قربانی خود وکیل بگیرم زیرا در جای که استم نمی توانم که از گوشت قربانی استفاده کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

هموطنان عزیز ما که در خارج زندگی میکنند برایشان جایز و مشروع است که نهاد های خیریه و افراد و اشخاص معتمد را بخاطر ذبح قربانی خود در داخل افغانستان وکیل بگیرند و پول قربانی را برای آنها روان کنند.



قربانی در کدام وقت آغاز و ختم می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

وقت قربانی بعد از نماز عید اضحی شروع می شود و تا به غروب آفتاب روز سوم تشریق ادامه دارد یعنی تا به غروب آفتاب روز سیزدهم ذی الحجة مصادف روز چهارم عید الأضحی.



آداب قربانی کننده

دوستی سوال نموده :

برای مسلمانی که نیت قربانی کردن را دارد جایز نیست که بعد از داخل شدن دهه اول ماه ذو الحجه وقبل از ذبح قربانی موی و یا ناخنهای خود را بگیرد و این حکم مخصوص خود شخص بوده و سایر اعضای خانواده او را دربر نمیگیرد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در حدیث صحیح از ام سلمه رضی الله عنها ثابت است که فرمودند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "مَنْ كَانَ لَهُ

ذُبْحٌ يَدْبُحُهُ، فَإِذَا أَهْلَ هِلَالِ ذِي الْحِجَّةِ، فَلَا يَأْخُذَنَّ مِنْ شَعْرِهِ وَلَا مِنْ أَظْفَارِهِ شَيْئاً حَتَّى يُضَحِّيَ" ^۱.

مسلمانی که نیت قربانی کردن را داشته باشد، وقتی که ماه ذی الحجه آغاز شود، باید که چیزی از موی و ناخنهایش را نگیرد، تا اینکه قربانی کند.



قربانی کردن حیوانات

یکی از خواهران چنین سوال نموده :

در قربانی کدام یک از شتر، گاو، گوسفند و بز ثواب بیشتر دارد، و در چند حصه شتر و گاو شریک شده می توانیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

افضلیت ویا ثواب بیشتر در قربانی به این ترتیب است:

- قربانی کردن شتر کامل

^۱ - صحیح مسلم، کتاب الأضاحی، باب نھی من دخل علیه عشر ذی الحجة وهو مرید التضحیة أن يأخذ من شعره، أو أظفاره شیئاً، شماره حدیث: (۱۹۷۷)، (ج ۳، ص ۱۵۶۶).

- قربانی نمودن گاو کامل

- گوسفند کامل

- بز کامل

- اشتراک نمودن در هفتم حصه شتر

- اشتراک کردن در هفتم حصه گاو.

زیرا که شتر قمیت و گوشت خوب و بیشتر دارد، بعد از آن گاو در درجه دوم میاید، و در مرحله سوم گوسفند است و آخرین آنها بز است در اجر و ثواب از نظر جمهور فقهاء.



افتیدن گل در چشم گوسفند قربانی

سلام علیکم استاد! اگر در چشم حیوان گل افتیده باشد قربانی میشود یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

گل افتادن عیب شمرده نمی شود.



قرض اگر عاجل نباشد مانع قربانی نمی شود

سلام خدمت جناب استاد!

دوکان دار هستم و شاید در حدود پنجاه هزار افغانی قرضدار باشم.

اگر قربانی کنم آیا صحیح میباشد و حسنه قربانی و رضای الله متعال نصیبم میشود و یا خیر.

تنها آن قرض مانع قربانی شده می تواند که صاحبش عاجلا در خواست پول خود را بکند درین صورت ادا کردن قرض در اولویت شرعی میباشد.



فروختن پوست قربانی و گوشتش جواز ندارد

قربانی کننده شرعا حق ندارد که پوست و گوشت قربانی خود را بفروشد و یا به قصاب بجای اجوره بدهد.

وقت قربانی چی وقت شروع و در کدام وقت ختم می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

وقت قربانی بعد از نماز عید اضحی شروع می شود و تا به غروب آفتاب روز سوم تشریق ادامه دارد یعنی تا به غروب آفتاب روز سیزدهم ذی الحجة مصادف روز چهارم عید الاضحی.



چقدر پول نقد داشته باشی که قربانی واجب میشود؟

چقدر پول نقد داشته باشی قربانی واجب میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

راجح در قربانی کردن این است قربانی کننده قرض دار نباشد و پول قربانی اضافه از حاجات لازمی و ضروری خودش و فامیلش باشد.



جایگاه قربانی در دین اسلام

جناب استاد محترم احترامات تقدیم است. سوال بود اینکه اگر یک پسر و دختر جوان که معاش و عاید تقریباً خوب و کافی دارد آیا قربانی بالایش است و یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

قربانی را اگر کسی به نیت واجب بودن و یا سنت بودن بکند در هر دو صورت ثواب و فضیلت دارد.

کسی که پول قربانی را دارد بهتر این وجیبه را ادا کند و اگر فضیلت و ثواب زیاد نمی داشت در مذهب حنفی واجب شمرده نمی شد.

قربانی کردن به پیری و جوانی تعلق ندارد.



شروط ذبح شرعی حیوان

دوستی سوال نموده که:

استاد محترم لطف نموده طریق و روش ذبح شرعی را بیان کنید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

خیر نصیب تان! یاد آور شوم استاد گرامی که جواب این سوال یک کمی زیادتر ضروری است، فلهمذا بعید از لطف تان نخواهد بود که سند و یا قول معتبر اگر ذکر کنید.

۱- وجود چاقوی تیز برش.

۲- بسم الله گفتن، بسم الله اکبر.

۳- قطع کردن حلقوم که مجری تنفس است ومریء که مجری طعام وعلف است.

۴- قطع کردن یکی از دو رک های کلان متقابل که در فقه الودجان نامیده می شود.



قربانی کردن برای مسافر

کسیکه مسافر باشد آیا قربانی بالایش واجب است یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسافر بودن قربانی را ساقط نمی کند اگر شخص مسلمان توانایی مالی داشته باشد..یا خودش قربانی کند در اقامت خو ویا اینکه کسی را در وطنش توکیل کند.



قربانی کردن برای والدین وفات شده

یک سوال داشتم که آیا می توان برای والدین خویش که به حق پیوسته اند، در عید قربان، قربانی کرد و آیا ثواب آن برایش می رسد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان می تواند برای والدین وفات شده اش قربانی کند و ثوابش برای شان میرسد .



احکام، آداب و حکمت مشروعیت عقیقه نوزادان

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این مسأله شرعی است که تعداد کثیری از علاقمندان مسائل دینی و شرعی اعم از برادران و خواهران در مورد آن سوالاتی داشتند که باید روی آن بحث تفصیلی داشته باشیم و از اهمیت این عبادت مالی حرف بزنیم تا اینکه هموطنان عزیز ما در مورد آن آگاهی کامل داشته باشند.

عقیقه ذبیحه ای است که بخاطر شکر گزاری الله متعال با آمدن طفل نوزاد در دنیا ذبح میشود.

این عبادت و بجا آوری شکرانه الله متعال یعنی عقیقه سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است البته واجب و فرض نیست.

در اصل عقیقه در روز هفتم بعد از ولادت طفل انجام داده می شود.. و اگر کمی به تأخیر بیفتد باکی ندارد.

برای پسر دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند سنت است.

کسانی که در طفولیت و در روز هفتم بعد از ولادت سنت عقیقه را بجا آورده نتوانسته اند نظر به عذر نفهمیدن و یا شرایط اقتصادی و غیره می توانند در جوانی و بزرگ سالی و حالا عقیقه کنند برای خود و اولادهای خود... و اجر و ثواب بجا آوردن این سنت برای شان نوشته می شود. از پسر دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند عقیقه می شود.

می شود که گوسفند عقیقه را برای نهاد های خیریه و یا مدارس داد تا آنها عقیقه را ترتیب دهند .

کسانی که در خارج کشور زندگی می کنند می توانند اشخاص و افراد و یا نهاد های خیری را را توکیل کنند و پول و مصرف عقیقه را برای شان روان کنند که آنها این سنت را بجا بیاورند.

گوشت عقیقه را می توانند خام توزیع کنند و نیز می توانند که مهمانی ترتیب دهند و دوستان را دعوت کنند.

عقیقه سنت و مستحب است اگر کسی نتوانسته که این سنت را بجا بیاورد قصداً و یا عمداً گناهگار نشده تنها از ثواب و فضیلت این سنت مهم بی بهره و محروم شده زیرا که عقیقه بر حسب فرموده فقهای اسلام سنت مؤکد است که امر به آن و تأکید بر آن در احادیث بسیاری آمده و از جمله:

از سمره بن جندب رضی الله عنه در حدیث صحیح روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: "کل غلام مرتین بعقیقته، تذبح عنه یوم السابع، ویحلق رأسه، ویسمی".^۱

هر کودک در گرو عقیقه خود است که در روز هفتمش بخاطر شکرانه بدنیا آمدنش ذبح میشود و نامگذاری میگردد.

امام ترمذی رحمه الله فرموده است: عمل بر این حدیث در نزد علما به گونه ای است که مستحب می پندارند در روز هفتم ولادت، از جای او ذبح شود و اگر در روز هفتم میسر نشد در روز چهاردهم و هرگاه ممکن نشد در روز بیست و یکم از جایش عقیقه صورت گیرد و گفته اند که در

^۱ - سنن ابن ماجه، کتاب الذبائح، باب العقیقه، شماره حدیث: (۳۱۶۵)، (ج ۲،

عقیقه هر گوسفندی کفایت نمی کند مگر آنچه در قربانی کردن بسنده باشد.

امام احمد بن حنبل رحمه الله در بیان اهمیت عقیقه فرموده است: عقیقه سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است و ایشان از جای حسن و حسین عقیقه نموده اند و صحابه نیز چنین کرده اند.

و فرموده آن حضرت صلی الله علیه وسلم: "مرتھن بعقیقه" معنایش این است که شفاعت او برای مادرش هرگاه در کودکی مرد، در گرو عقیقه از جای اوست و اگر از جای او عقیقه ای نکرده باشند، برای پدر و مادر شفاعت نمی کند.

ابن حجر عسقلانی شارح بخاری نوشته است: خطابی میگوید: مردم در این مورد اختلاف نموده اند و نیکوترین مطلبی که در این باره گفته شده چیزی است که امام احمد بدان نظر داده که گفته: این در شفاعت است. هدفش این است که هرگاه از جای او عقیقه نشود و در کودکی بمیرد، در مورد پدر و مادرش شفاعت نمییابد.

معنایش این است که عقیقه لازمه آن است که ناگزیر باید انجام شود. از اینرو، نوزاد را در وجوب عقیقه و جدا نبودن آن از او به مال گرو شده ای تشبیه نموده که در

دست گروگیرنده است. که این خود گفته آنانی را که به وجوب آن حکم کرده‌اند، تقویت میکند.

عطاء خراسانی رحمه الله نیز فرموده احمد بن حنبل را تأیید نموده و بیهقی آن را به اسناد خویش از او روایت کرده است.

از أم المؤمنین عائشه رضی الله عنها روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: "عن الغلام شاتان مکافئتان، وعن الجارية شاة"^۱.

از عوض نوزاد پسر دو گوسفند همسان و از عوض دختر یک گوسفند ذبح می‌شود.

در روایت دیگری آمده: "أمرنا رسول الله صلی الله علیه وسلم أن نعق عن الجارية شاة، وعن الغلام شاتین"^۲.

^۱ - سنن أبي داود، كتاب الضحايا، باب في العقيقة، شماره حديث: (۲۸۳۴)، (ج ۳، ص ۱۰۵).

^۲ - مسند أحمد، الملحق المستدرک من مسند الأنصار بقیة خامس عشر الأنصار، مسند الصديقة عائشة بنت الصديق رضي الله عنها، شماره حديث: (۲۶۱۳۴)، (ج ۴۳، ص ۲۳۱).

رسول الله صلى الله عليه وسلم به ما دستور داد که از عوض نوزاد دختر یک گوسفندی و از عوض نوزاد پسر دو گوسفند عقیقه نماییم.

این خود دلالت بر این می کند که حق فرزند بر پدرش این است که از جای او عقیقه کند و هرگاه خود چیزی نداشت قرض نموده از عوض او عقیقه نماید مشروط بر آنکه مطمئن باشد که ادای دین را کرده میتواند؛ زیرا این کار نیکو و پسندیده است.

امام احمد رحمه الله نوشته است: هرگاه نزد او چیزی نبود که عقیقه کند و قرض گرفت، امیدوارم الله متعال برایش عوض آن را بدهد؛ زیرا او سنتی را زنده داشته است.

صالح پسرش برایش گفت: برای مرد فرزندی زاده میشود و چیزی ندارد که از جای او عقیقه کند. کدام را دوست تر میداری که قرض گیرد و از جایش عقیقه نماید یا آنکه این عقیقه را به تأخیر بیندازد تا خود توانگر شود؟ گفت: سخت ترین آنچه در مورد عقیقه شنیده ایم، حدیث حسن از سمره رضی الله عنه است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: " كل غلام رهينة بعقيقته"^۱ و همانا امیدوارم هرگاه قرض گرفت که او تعالی بزودی برایش عوضی دهد؛

^۱ - سنن أبي داود، كتاب الضحايا، باب في العقيقة، شماره حدیث: (۲۸۳۷)، (ج ۳،

زیرا او سنتی از سنتهای رسول الله صلی الله علیه وسلم را زنده داشته و از چیزی که از او روایت شده، پیروی کرده است.

فقیه حنبلی شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می نویسد: محل انجام آن این است که شخص خود قدرت این کار را داشته باشد ورنه قرض نگیرد؛ زیرا در این صورت به خود و کسی که از او قرض خواسته زیان رسانیده است.

حکمت مشروعیت عقیقه:

عقیقه به دلیل حکمت های بسیاری مشروع گردیده و از آن جمله:

شکرگزاری در برابر الله متعال برای نعمت فرزند.

پخش و نشر کردن نسب فرزند و گواه گرفتن مردم بر او تا در مورد او چیزی ناپسندیده و ناروا گفته نشود.

اقتدا و پیروی به ابراهیم خلیل علیه السلام؛ هنگامی که قوچی را که خداوند در برابر فدیة فرزندش اسماعیل علیه السلام قرارداد، ذبح نمود و این خود سنتی شد در فرزندانش که پس از آن می آیند که هر کدام در هنگام ولادت فرزندش گوسفندی را ذبح نماید و در خیالش چنین

پندارد که چنان ابراهیم خلیل علیه السلام فرزندش را در راه الله متعال بذل و بخشش نموده است.

که در این کار مفاهیم احسان و اطاعت کامل در وجود انسان تحریک میشود.

ابن القیم رحمه الله در این مورد نوشته است: و بعید نداند که شاید این کار سبب حفظ او از شیطان پس از ولادتش گردد و چنانکه درهنگام آمیزش و نهادن او در رحم، نام الله متعال را یاد آور شده بود تا او را از زیان و ضرر شیطان حفظ فرماید.

از اینرو، اندک اند آنانی که پدر و مادرشان عقیده از عوض شان را فرو گذاشته اند، مگر آنکه در دام شیطان و وسوسه و گمراهی او قرار دارند؛ که اسرار و رمز و رازهای شریعت بزرگتر از این میباشد.



عقیقه در جوانی و بزرگسالی

یکی از خواهران از شهر کابل سوال نموده:

اگر زن و شوهری بنا به اقتصاد ضعیف که داشتند بعد از تولد اولادهایشان نتوانستند تا شکرانه ی آنرا که یک گوسفند به دختر و دو گوسفند به بچه است ذبح کنند حالا

اطفال به سنین ۲۱-۱۹-۱۴ سالگی رسیده اند حالا مادر چون اقتصادش خوب شده میتواند ان شکرانه را ادا کند.

آیا ادای آن ضروری است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

اولا : عقیقه سنت رسول الله صلى الله عليه وسلم است وواجب و فرض نیست.

ثانیا: در اصل عقیقه در روز هفتم بعد از ولادت طفل انجام داده می شود..و اگر کمی به تأخیر بیفتد باکی ندارد.

ثالثا: برای پسر دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند سنت است.

رابعاً: کسانی که در خوردی و در روز هفتم بعد از ولادت سنت عقیقه را بجا آورده نتوانسته اند نظر به عذر نفهمیدن و یا شرائط اقتصادی و غیره می توانند در جوانی و برزگ سالی و حالا عقیقه کنند برای خود و اولادهای خود... و اجر و ثواب بجا آوردن این سنت برای شان نوشته می شود. از پسر دو گوسفند و از دختر یک گوسفند عقیقه می شود.

خامساً: می شود که گوسفند عقیقه را برای نهاد های خیریه و یا مدارس داد تا آنها عقیقه را ترتیب دهند .

سادسا: کسانی که در خارج کشور زندگی می کنند می توانند اشخاص و افراد و یا نهاد های خیری را را توکیل کنند و پول و مصرف عقیقه را برای شان روان کنند که آنها این سنت را بجا بیاورند.

سادسا: گوشت عقیقه را می توانند خام توزیع کنند و نیز می توانند که مهمانی ترتیب دهند و دوستان را دعوت کنند.

سابعا: عقیقه سنت و مستحب است اگر کسی نتوانسته که این سنت را بجا بیاورد قصدا و یا عمدا ک

گنهار نشده تنها از ثواب و فضیلت این سنت مهم بی بهره و محروم شده.



حکم استفاده کردن از مال مختلط با حلال و حرام

مردی تجارت را با مالی حلال شروع میکند که هیچ نوع شبهه، عیب و نقصان در آن دیده نمیشود، و به مرور زمان با توسعه و گسترش معاملات و ارتباطات تصور میکند که در مال حلال وی مال حرام خلط شده است، و به علت آن برایش خوف و بیم پیدا می شود و در مورد حکم آن میپرسد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اصل این است که الله متعال بطور دائمی خوردن مال حرام را به هر صورتی که باشد حرام قرار داده است، بخاطری که در آن ظلم، اختلال در روابط خویشاوندی، سیطره و سلطه قوی بر ضعیف، و غلبه ای بزرگ بر صغیر میاید، با آنکه بطور عموم بحث شده الله رب العزت طائفه خاصی را ذکر کرده و تأکید نموده بر حرام بودن خوردن مال شان، بخاطر ضعف و عجز و قصور که در دفاع از اموال شان دارند، طوریکه الله رب العزت در مورد مال یتیم بعد از بلوغ میفرماید: {وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَيْثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا}¹.

ترجمه: و اموال یتیمان را به آنان بازدهید و پلید را با پاک بدل نکنید و اموال آنان را همراه با اموال خود نخورید، که این گناهی بزرگ است.

و در این مورد سعید بن جبیر میفرماید: پول حلال خود را عوض نکنید، یعنی پول حلال تان را با مال حرام خلط نکنید، که در مقابل اموال حرام را بخورید.²

¹- النساء: ۲.

²- تفسیر ابن کثیر ج ۱ ص ۳۸۶.

بعد الله رب العزت در تأکید وی جزای کسی را که چنین فعلی را انجام دهد ذکر میکند: {إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا} ۱.

ترجمه: هرآینه آنانی که اموال یتیمان را به ظلم می‌خورند، جز این نیست که در شکم خویش آتش را می‌خورند و به زودی در آتشی فروزان درآیند».

و از خصوص به عموم الله رب العزت نهی میکند از معامله با مال حرام، و از خوردن اموال مردم به طریقه باطل و ناحق، طوریکه الله رب العزت میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ} ۲.

ترجمه: ای مؤمنان! اموال خود را در میان خود به ناحق نخورید مگر آن که تجارتي باشد به تراضی خودتان.

و باطل شامل میشود هر آنچه که از طریق تعاطی حرام باشد، مثل سود، قمار، غصب، غش (تقلب و تزویر و رشوت) و انواع از حيله‌ها، بعد الله رب العزت استثنی کرد تعاملی را

۱- النساء: ۱۰.

۲- النساء: ۲۹.

که از طریق تجارت که به اساس رضایت استوار باشد و هیچ نوع شبهه نقص و عیب در آن نباشد.

و در این مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: به تحقیق خرید و فروش به اساس رضایت طرفین است. و نیز میفرماید: هر گاه دو شخصی با هم خرید و فروش کردند پس هر کدام آن دارای اختیار است تا زمانیکه از هم جدا نشدند. همچنان از رسول الله صلی الله علیه وسلم در منع کردن از خوردن مال حرام و اینکه گناه بزرگ است احادیث فراوانی آمده است، از آنجمله: میفرماید: هر آن گوشتی که جسم از آن به حرام تغذیه شود پس آتش دوزخ به آن سزاوارتر است (سزاوار آتش) است.

و فرموده ای رسول الله صلی الله علیه وسلم در حق کسی که دست های خود را به طرف آسمان بلند نموده می گوید: ای پروردگارا در حالیکه منبع خوراکش حرام، منبع نوشیدنی هایش حرام، و منبع لباسهایش حرام، و با حرام تغذیه شده است لذا دعای این فرد کجا قبول می شود.

و همچنان میفرماید: همانا حلال آشکار و حرام آشکار است و بین آن دو امور مشتبّه و شبه داری است، که بسیاری از مردم آنها را نمی دانند، پس کسی که خود را از شبهات دور نگه داشت، دینش و آبرویش را نگه داشته است و کسی که در شبهات افتاد در حرام افتاد، مانند چوپانی که

اطراف منطقه ممنوعه رمه گوسفندش را می چرانند و نزدیک است در آن بچرانند، آگاه باشید که برای هر پادشاهی منطقه ممنوعه است و منطقه ممنوعه اوتعالی آن چیز های است که حرام نموده است.

هر گاه تمام مال حلال نباشد و به طور کلی حرام باشد، پس شبهه از آن منتفی شده و به تمام اعتبار حرام شمرده می شود، و حکم حرام را به خود میگیرد، اما علماء در مورد مسأله اختلاط حلال و حرام در مال اختلاف کرده اند، که اقوال و نظریات علماء را در اینجا ذکر میکنیم: أبو حنیفه رحمه الله چنین دیدگاه دارد، که معیار غلبه است، یعنی هر آنچه که توسط حرام فاسد شده باشد، اما غالب در آن حلال باشد پس باکی در خرید و فروش آن نیست، اما اگر حرام در آن غالب باشد درین صورت بیع و هبه آن جواز ندارد.

شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمه الله میگوید حرام دو نوع است:

اول: حرام لوصفه خود، مانند حیوان مردار شده (حیوان حلال که ذبح نشده باشد) و گوشت خوک. اگر این ها با آب یا با مائع یا با سائر خوراکی ها خلط شود و رنگ، بوی، و مزه آن تغییر کند حرام میگردداند.

دوم: حرام است: مانند کسیکه چیزی را غصب میکند، و یا به عقد فاسد مالک آن میشود، هر گاه این نوع حرام با چیزی حلال خلط شود آن حلال را حرام نمی سازد، مانند کسیکه دراهم مردی را غصب کرده یا غیر از دراهم چیزی دیگری را غصب کرده است، بیع آن بطور مجموع حرام نمیشود، نه از این و نه از آن چون اگر متماثل باشند تقسیم کنند و اندازه حق هر کدام آن گرفته شود. و رأی دیگری این است که: جانب حرمت را ترجیح میدهد بمجرد خلط شدن مال حرام به حلال، صرف نظر از اینکه بین شان نسبت معین شود، و دلیل شان حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم است که میفرماید: حلال و حرام یکجا نمیشود مگر اینکه در آن حرام غالب باشد.

و از فروع این نظر این است که هر گاه دو دلیل با هم در تعارض واقع شود که یکی آن تقاضای حرمت و دیگری تقاضای اباحت را کند، حرمت را مقدم میکند، و از فروع وی همچنان این است که اگر با روغن زیتون چربی مرده یا چیزی دیگری خلط شود، روغن زیتون باید خورده نشود مگر در حالت ضرورت، و این بر خلاف نظر امام ابوحنیفه و امام محمد رحمهما الله است، که معیار شان غالب بودن یکی از طرفین بود، و از فروع این رأی نیز این است که اگر بعضی درخت در جای حلال باشد و بعضی در جای حرام جانب حرام بودن آن غالب میشود.

خلاصه: قبلا بیان کردیم که معیار در مسأله اختلاط مال حرام با مال حلال غالب بودن است، اما باید گفت که غلبه مال حلال بر حرام صاحب مال حرام از مسئولیت اخروی معاف نمی کند بلکه به نسبت حق الله و حق العبد مسئول است، و حق الله متعال در آن صورت جبران می شود که این شخص توبه کند و مال حرامی را که بدست آورده صدقه کند به نیت خلاصی از آن، و حق العبد موجب رد و اعاده را میکند و چون حق بنده عفو نمیشود مگر وقتی که پس بر آن برگردانده شود و یا تقاضای عفو را از آن کند، و کسیکه مال حرام را جمع کرده و آن را با مال حلال خلط کرده باید به سوی الله رجوع کند و تقاضای عفو کند و مال حلال را از حرام پاک کند تا آنکه مطمئن شود که مال اش پاک شده است و امید است که الله رب العزت وی را از جمله کسانی بگرداند که میفرماید: {وَآخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ}.^۱

و دیگرانی هستند که به گناهان خود اعتراف کردند، عملی نیک را با عمل دیگر که بد است درآمیخته‌اند، نزدیک است که خداوند توبه آنان را بپذیرد، زیرا اعترافشان به گناه،

۱- التوبة: ۱۰۲.

خود توبه است، که همانا خداوند آمرزنده مهربان است، گناهان را می‌آمرزد و بر بندگان بزرگوارانه می‌بخشد.



نفقه دادن فامیل از سگرت فروشی

جناب استاد بزرگوار و عالیقدر! السلام اعلیکم ورحمته الله وبرکاته امیدوارم صحتمند باشید. شخصی از سگرت فروشی و نصور فروشی نفقه فامیلش را پیدا میکند آیا این پول برایش حلال است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

سگرت و نصور را علماء مکروه دانسته و فقهای معاصرین آنرا حرام دانسته و فروش و گناه فروش آن متعدی است زیرا حیات و زندگی دیگران را نیز تباه میکند. پول و پیسه فروش آن نیز همین حکم را میگیرد. در شریعت قاعده است که: "ما حرم أخذہ حرم إعطاؤه" هر آنچه که گرفتن و استعمالش حرام است فروختنش هم حرام است و نفقه دادن فامیل از پول آن حرام می‌شود... و باید این برادر راه حلال و تجارت حلال را جستجو کند.



حکم استفاده کردن از ظرفهای غیر مسلمانان

استاد ما اینجا در استرالیای جنوبی زندگی میکنیم بعضی اوقات با دوستانها برای میله در یکی از پارک میرویم اینجا از طرف دولت برای مردم جاهای بارباکیو جور شده طوریکه در تصویر هم میبینید در این تاوه ها هر گونه گوشت پخت و پز میشود از انواع گوشت مرغ، گوشت گاو، گوشت خوک و غیره.

سوال من این است که آیا برای ما جواز دارد که از این تاوه های برقی استفاده نماییم؟ بعضی از دوستانها میگویند اگر شسته شود و کلمه خوانده شود انشالله که پاک میشود و چیزی اشکالی ندارد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

زیرا آنها در این ظرفها گوشت خوک و خنزیر را پخته می کنند نیز شراب می نوشند و همچنان حیوانات حرام و خود مرده را می خورند و می پزند در این ظرفها، ازینرو باید استفاده نشود اما اگر ظرف نداشته باشند و مجبور باشند در این صورت هفتبار بشویند و بعد از آن استعمال کنند..اما برادران حالا در سیر و سیاحت مجبور نیستند که در تاوه که گوشت خنزیر پخته شده آنها هم بپزند و در حرام و شبهات واقع شوند.

حکم نان خوردن در یک دستر خوان با غیر مسلمان

یکی از هموطنان عزیز ما از جرمنی سوال نموده:

استاد محترم من در یک شرکت کار میکنم و در وقت نان خوردن مسلمان و غیر مسلمان در یک میز نان خوری نان می خورند و یگان وقت در یک کاسه و بشقاب هم برابر می شویم .. آیا درست از نظر شریعت؟

الحمد لله والصلا والسلام علی رسول الله أما بعد:

در صورتی که طعام و نان و خوراک حلال باشد با غیر مسلمان در یک دسترخوان و میز و کاسه خوردن جواز دارد البته هنگام ضرورت مثلاً مهمان باشد او و یا اینکه مسلمان نزد آنها مهمان شود، و نیز بخاطر دعوت کردن آنها به دین مبین اسلام و کم کردن حساسیت آنها نسبت به اسلام .. لیکن در عین حال مسلمان بغض و کراهیت خود را در قبال غیر مسلمان باخود داشته باشد.



آداب شکار آهو

دوست محترم ما محمدصابر مستقیم چنین سوال

نموده:

آیا با تفنگ بادی گنجشک را بزنی تا از درخت به زمین می افتد در هوا میمیرد آیا از نگاه شریعت آن گنجشک قابل استفاده میباشد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اما بسم الله گفتن شرط است که قبل از فیر کردن باید بسم الله گفته شود، هنگام نشان گرفتن باید بسم الله بزبان آورده شود..رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: " وإن رمیت سهمك فاذكر اسم الله" ^۱ هنگام فیر کردن بسم الله را بزبان بیاورید.. بسم الله ، یا بسم الله ، الله أكبر تلفظ شود کفایت می کند.

اما اگر شکار زخمی شود وزنده بدست آید باید ذبح شود، و اگر ذبح نکند خود مرده شمرده می شود و خوردنش جواز ندارد و حرام است، همچنان اگر شکاری بسم الله نگفته باشد قبل از فیر کردن و پرنده و یا آهو و غیره در نتیجه فیر

^۱ - صحیح مسلم، کتاب الصيد والذبائح وما يؤكل من الحيوان، باب الصيد بالكلاب المعلمة، رقم الحدیث: (۱۹۲۹)، (ج ۳، ص ۱۵۳۱).

مرده باشد وبه ذبح کردن نرسیده باشد حرام شمرده می شود ، الله متعال از خوردن گوشت حیوانات وپرندگان که در وقت ذبح وشکارش بسم الله گفته نشده باشد منع کرده وآنرا شریعت حرام گردانیده : " وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذَكَّرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ " ۱ .



حکم خوردن میوه درخت همسایه

یکی از دوستان سوال نموده:

شاخهای درخت همسایه ما از سر دیوار مشترک حویلی است وگاه گاهی میوه شان در حویلی ما میفتد آیا میوه افتاده خورده می توانیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در اصل خوردن این میوه جواز ندارد زیرا ملکیت کسی دیگر است ودر یک حالت آنرا خورده می توانید که اجازه همسایه شما باشد وگفته باشد که میوه را که در خانه تان میفتد از شما باشد ..اما در غیر آن خوردن این میوه جواز ندارد الله متعال فرموده است: " وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم

۱ - سورة الأنعام، آیت: ۱۲۱ .

بِالْبَاطِلِ" ^۱ اموال یگدیگر را به باطل نخورید و بی اجازه خوردن هم در همین حکم داخل است... البته استثناء وجود دارد که عرف و عادت مردم خوردن این نوع میوه باشد و کسی اعتراض نکند در این صورت جواز دارد که بخورد اما اگر از باب احتیاط و تقوا داری نخورد بهتر است.

و بعضی فقهاء نوشته اند که باید سه بار همسایه خود را خبر کند و اجازه بخواهد و اگر جواب نداد می تواند بخورد.

اما در حالت اضطرار و گرسنگی زیاد که انسان نزدیک به هلاکت باشد خوردنش جواز دارد و می تواند از باغها که در راه هم است بخورد به اندازه که گرسنگی خود را رفع کند.



حکم پوشیدن لباس سفید در عروسی

یکی از دوستان سوال چنین سوال نموده:

بعضی ملاحا عروس را از پوشیدن لباس سفید منع میکنند که با کافران مشابهت دارد و از عادات آنهاست آیا این درست است؟

^۱ - سوره بقره: ۱۸۸.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در پوشیدن لباس سفید حرج شرعی نیست و مشابهت با غیر مسلمانان شمرده نمی شود یک لباس مباح است لیکن سنت و مستحب هم نیست .. هر رنگ لباسی را که انتخاب کند جائز و مشروع است...دلیل بر حرام بودن لباس سفید و اینکه از عادات غیر مسلمانان است وجود ندارد..اما کسانی که این لباس را سنت و مستحب می دانند آنها هم دلیل شرعی ندارند..مسأله در دائره مباحت و عادات مشروع بحث می شود و حکم مباح بودن را دارد .لیکن باید شروط حجاب شرعی در آن مراعات شود و از انظار اشخاص نامحرم بدور باشد عروسی که این لباس را بتن دارد .



پوشیدن پایزیب بخاطر زینت برای خانمها مشروع و روا است

یکی از خانمهای هموطن ما از از کابل سوال نموده:

پوشیدن پایزیب مثل دست بند است در بند پای پوشیده میشود حلال است یا حرام در عربی بنام خلخال یاد میشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

پوشیدن پایزیب بخاطر زینت برای خانمها مشروع و روا و حلال است و مانع شرعی ندارد که در یک پا بپوشد و یا در هر دو پا، بشرطیکه در حضور مردهای نامحرم اظهار نکند و حرکت ندهد زیرا بند پای خانمها عورت است.



ساعت دستی طلا بر خانمان جائز و بر مردان حرام است

یکی از دوستان چنین سوال نموده :

یکی از دوستان یک ساعت دستی را برایم تحفه روان کرده که طلا دارد آیا بدست کردنش گناه است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

پوشیدن و استعمال کردن طلا برای خانمان مشروع و جائز میباشد اما برای مردان حرام است رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح فرموده است که طلا و ابریشم بر زنان این امت حلال و بر مردان حرام است: "أحل الذهب والحرير لإناث أمتي وحرم على ذكورها".^۱

^۱ - سنن النسائي، كتاب الزينة، تحريم الذهب على الرجال، رقم الحديث: (۵۱۴۸)،

ساعتی که با آب طلا رنگ شده باشد نیز بر مردان حرام میباشد تنها بعض فقهاء پوشیدن ساعتی را جواز دادند که ثانیه گرد آن طلایی باشد، اکثریت علماء همان را نیز بر مردان ناجائز میدانند.



عورت خانمها برای خانمها از زیر ناف تا بزائو است

یکی از خواهران از شهر کابل چنین سوال نموده :

استاد بزرگوار عورت خانمها نزد زنان تا کدام حد است

نیز در مورد شیر دادن طفل در حضور خانم دیگر سوال شد که جایز هست یاخیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

عموم فقهاء به این نظر هستند که عورت زنها با زنها مثل عورت مرد با مرد است که از زیر ناف تا بزائو میباشد زیرا که تجانس وجود دارد یعنی شهوت وشعور واحساس شهوانی در بین خانمها که باهم باشند وجود ندارد اما در صورتیکه احساس شهوت رانی بوده وبروز فتنه بوده باشد در این حالت همه بدن عورت است، تنها همان اندام جسم واعضای بدن خود را برای خانمها ظاهر نمایند که هنگام نشست وبرخاست با محارم خود نمی پوشانند وهنگام کار

خانه نیز ظاهر می شود مثل سر ، گردن، دستها، بجلکهای هردوی پاها بهمین منوال عرف و عادت خانمهای مسلمان بوده از زمانه صحابه کرام و تابعین تا بحال .

و خانمها می توانند که اطفال را در حضور خانمهای دیگر شیر بدهند مانع و حرج شرعی وجود ندارد.



سرمه کردن برای مردان و زنان جائز و مستحب است

عرض سلام دارم خدمت جناب عالیقدر استاد گرامی بسلامت باشید، خداکند که مزاهم وقت گرانبهای تان نشده باشم، یک سوال داشم، لطفا در مورد حکم سرمه نمودن چشم برای مردان روشنی بی اندازید لطف حضرت عالی مستدام، تشکر.

در احادیث صحیح ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم سرمه می کرد به چشمان مبارک و صحابه کرام را نیز تشویق میکرد، و در حدیث صحیح فرموده است که: "اَكْتَحِلُوا بِالْاِثْمِدِ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ"^۱ چشمان تان را سرمه کنید با سرمه اثمَد که چشمان را روشن و بانور میسازد و دیدش را زیاد میکند و به استعمالش موی ابرو

^۱ - سنن الترمذی، أبواب اللباس عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب ما جاء في الاکتحال، رقم الحدیث: (۱۷۵۷)، (ج ۴، ص ۲۳۴).

میرایید، ازینرو سرمه کردن مستحب است برای مردان و زنان.

تنها زنان در وقت عدت وفات شوهر سرمه نمی نمایند زیرا از زینت کردن منع شدند و نیز در وقت خارج شدن از خانه به بازار و کار و وظیفه که سبب فتنه مردان نامحرم نشوند.



نیکتایی یک لباس مستقل و مباح است

یکی از دوستان نوشته که:

امام مسجد ما از کسانی که نیکتایی بسته می کند بسیار بد می گوید و حتی کلمه های زشت را برای شان استفاده می کند در مورد موضوع روشنی بیندازید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

در مسأله پوشیدن نیکتایی که آیا از جمله لباس مسلمانان است یا خیر بحثهای زیاد صورت گرفته و فقهای معاصر جهان اسلام به این نظر هستند که نیکتایی تنها لباس غیر مسلمانان نیست و محصور به آنها نمی شود بلکه یک لباس مستقل جهانی است و اگر مسلمان آن را به نیت زیب و زینت میپوشد مباح است و هیچ دلیل برای حرام بودن

آن وجود ندارد و باید مباحات را حرام نشماریم .. البته باید نیکتایی از ابریشم نباشد زیرا ابریشم یعنی (حریر) بر مردان حرام است، دوم به نیت تشبه و تشبیه به غیر مسلمانان نباشد.

و این یک لباسی است که از جمله مباحات و زیب زینت مردان است .. و این فتوا به این معنی نیست که نیکتایی سنت یا مستحب است و یا تشویق کردن به پوشیدنش باشد، بلکه مباح است، انسان مخیر است که بپوشد یا نه.

و این ملا صاحب محترم باید از تشدد کار نگیرد و مردم را بخاطر لباس مباح و حلال مورد آزار و اذیت قرار ندهد، و باید عالم خصوصا کسی که وظیفه امامت مسجد را بدوش دارد دارای اخلاق نیکو باشد و قدوه و اسوه باشد، حتی علمای دعوت و تربیت در باره امامان مساجد نوشته اند که آنها چون وظیفه مهم دارند و با مردم بیشتر در تماس هستند باید از اسلوب "التربية الصامته" کار گیرند یعنی مردم را به اخلاق و کردار و نرم خوی خود متأثر بسازند، و اگر در نتیجه زشت خوی و دشنام دادن و تحقیر کردن مردم از طرف ملا صاحب او گنهکار می شود و مسؤول متنفر شدن مردم از اسلام شمرده می شود.

باید تطبیقات نادرست از "الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر" به مردم تقدیم نکند و اسلام را دین وحشت و بربریت

معرفی نکند، رسول الله صلى الله عليه وسلم فرموده است که: "إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق" ^۱ من را خداوند فرستاده خاص برای اینکه اخلاق نیک و زیبا را تکمیل و نشر کنم، و نیز فرموده است که: "یسروا ولا تعسروا بشروا ولا تنفروا" ^۲ شیوه های آسان را اختیار کنید و بالای مردم سختی و مشقت را تحمیل نکنید، و مردم را خوشخبری و بشارت دهید و متنفر نسازید ای ملا صاحبان، حتی رسول الله صلى الله عليه وسلم خنده روی بودن را درجه صدقه داده و فرموده که: "تبسمك في وجه أخيك لك صدقة" ^۳.



^۱ - السنن الكبرى للبيهقي، كتاب الشهادات، باب: بيان مكارم الأخلاق ومعاليها التي من كان متخلقا بها كان من أهل المروءة التي هي شرط في قبول الشهادة على طريق الاختصار، رقم الحديث: (۲۰۷۸۲)، (ج ۱۰، ص ۳۲۳).

^۲ - صحيح البخاري، كتاب العلم، باب ما كان النبي صلى الله عليه وسلم يتخولم بالموعظة والعلم كي لا ينفروا، رقم الحديث: (۶۹)، (ج ۱، ص ۲۵).

^۳ - سنن الترمذي، أبواب البر والصلة عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء في صنائع المعروف، رقم الحديث: (۱۹۵۶)، (ج ۴، ص ۳۳۹).

سورخ نمودن گوشه‌های دختران

یکی از خواهران از شهر کابل چنین سوال نموده :

آیا سورخ نمودن گوش دختران بخاطر پوشانیدن گوشواره گناه دارد من زیاد ترسیدم که گناه نداشته باشد یک ملا گفته حرام است؟

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

از اینکه سورخ نمودن گوش دختران و خانمان بخاطر زینت و آرایش مشروع انجام می شود در شریعت مانع و حرج ندارد و تعذیب شمرده نمی شود زیرا وسائل طبی و پانسمان میسر است که مانع درد می شود، همچنان این سورخ نمودن تغییر خلقت شمرده نمی شود

و در احادیث و آثار صحیح ثابت است که خانمان در زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم گوشه‌های شانرا سورخ نموده اند و آنحضرت صلی الله علیه وسلم منع نکرده آنها را .

همچنان سورخ نمودن بینی عین حکم مباح بودن سورخ گوش را دارد در صورتیکه عرف و عادت خانمان کشور و منطقه بوده باشد خانمان بخاطر زینت آنها انجام دهند .



ابرو چینی در کدام حالت حرام است؟

یک خواهر محترمه ما از کابل سوال نموده که:

من در نوشته شما در مورد حرام بودن ابرو چینی خواندم و برایم تشویش پیدا شد از خیر تان بگوئید که ابرو چینی ممنوع و حرام کدام است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ابرو چینی ممنوع که به موجب آن انسان لعنت می شود و از رحمت الله متعال طرد میگردد ازاله و دور کردن موهای ابرو و کندن و تراشیدن آن است، اما کوتاه کردن آن که بی حد و زیاد باشد و یا اینکه شکل را غیر طبیعی نشان دهد و یا اینکه اذیت برساند و در داخل چشمان برود و در بین هردو ابرو باشد و در قسمت بالای بینی باشد دور کردن و ازاله آن شامل این ممنوعیت نیست.

ومن قبلا نوشته بودم که: ابرو چینی حرام است در هر صورت زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده که الله متعال لعنت نموده ابروچینی را که برای خود می خواهد و کسی که ابروچینی می کند برای

دیگران: "لعن الواشمات والمستوشمات، والنامصات
والمتنصات"^۱.

إلا اینکه از حالت عادی زیاد باشد و شکل انسان را
مشوه و خراب نشان دهد و یا اینکه اذیت کند انسان را،
وبعض علماء جائز دانستند بخاطر زینت به شوهر و به اجازه
شوهر، علی کل حال راجح این است که در دو حالت مذکور
جائز است فقط.



اجازه شوهر ابرو چینی را برای خانمها حلال ساخته نمی تواند

یکی از دوستان سوال نموده :

سلام علیکم استاد محترم آیا ابرو چیدن جواز دارد اگر
شوهر هم اجازه بدهد؟

^۱ - صحیح مسلم، کتاب اللباس والزینة، باب تحريم فعل الواصلة والمستوصلة والواشمة
والمستوشمة والنامصة والمتنصة والمتفلجات والمغيرات خلق الله، رقم الحديث: (۲۱۲۵)،
(ج ۳، ص ۱۶۷۸).

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته، ابروچینی حرام است به شکل مستقل ومقید به اجازه شوهر نیست واجازه شوهر نمی تواند حرام را حلال بسازد، حرام بودن به هردو کسی است که میکند وکسی می طلبد. در حدیث صحیح چنین آمده (لعن الله الواشمات والمستوشمات، والنامصات والمتنصات)^۱ هردو مورد لعنت قرار گرفته. زیرا ابرو چینی تغییر آوردن در خلقت خداوند است.. ازینرو لعنت شده. ولعنت به گناه بزرگ وکبیره گفته می شود.

فقط در صورت جواز دارد که :

۱- دراز باشد ودر داخل چشم برود وسبب آزار واذیت او شود.

۲- شکل وصورت زن را بد جلوه دهد و او را بد شکل نشان دهد.



^۱ - صحیح مسلم، کتاب اللباس والزینة، باب تحريم فعل الواصلة والمستوصلة والواشمة والمستوشمة والنامصة والمتنصة والمتفلجات والمغيرات خلق الله، شماره حدیث: (۲۱۲۵)، (ج ۳، ص ۱۶۷۸).

گذاشتن مژه ساختگی

یکی از خواهران از کابل چنین سوال نموده:

گذاشتن مژه ساختگی چگونه است در شریعت؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

گذاشتن مژه ساختگی بخاطر آرایش وزینت حرام است زیرا در آن تغییر خلقت الله متعال است که لعنت شده و شریعت منع کرده و از کناهان کبیره شمرده.

..اما برای ضرورت تداوی و جبران سوختگی جائز است زیرا در حالت نداشتن شکل انسان قبیح ظاهر می شود.



ضوابط شرعی آرایش کردن خانمان

یکی از دوستان محترم سوال نمودند که:

پرسش اول:

زنی میگوید: من ابروی بسیار کم و نهایت ضعیف دارم؛ و مرا بد چهره نمایان میسازد، نزد شوهرم به این خاطر بد نمود میباشم، آیا این یک عذر شمرده میشود که به چیدن آن اقدام کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

الله متعال زیباست و زیبائی را دوست دارد، لیکن آرایش نیز حد و حدود شرعی دارد که باید خانمان مسلمان به آن پابند باشند.

ابرو چینی حرام است در هر صورت إلا اینکه از حالت عادی زیاد باشد و شکل انسان را تشویه و خراب نشان دهد و یا اینکه اذیت کند انسان را، و بعض علماء جائز دانستند بخاطر زینت به شوهر و به اجازه شوهر، علی کل حال راجح این است که در دو حالت مذکور جائز است فقط.

ضوابط شرعی آرایش کردن زنان:

۱- در آرایش کردن از مواد و سامان آرایش که حرام باشد استفاده نشود.

۲- خانمهای که آرایش می کنند خود را قسمی نسازند که به مردان مشابَهت داشته باشند.

۳- قسمی آرایش نکنند که خلقت الله تعالی را در جان و جسم شان تغییر دهند.

۴- در آرایش زنان غیر مسلمان را تقلید نکنند به آنها مشابَه نشوند.

۵- به اندازه آرایش نکنند که اسراف پنداشته شود.

۶- سامان آرایش را استعمال نکنند که طهارت ووضوء ورسیدن آب را منع کند مثل رنگ ناخن.

۷- به قسمی آرایش نکنند که به صحت شان ضرر برسد زیرا بعض از زنان بخاطر آرایش وزیبائی خود را از دست میدهند وهلاک می شوند.



حکم تبدیل کردن لباس برای خانمها در مارکیتهای لباس فروشی

یکی از دوستان از شهر کابل چنین سوال نموده :

یک کسی گفته بود که لباس پوشیدن زن ها خارج از خانه گناه دارد یعنی وقتی کالا میخرد در دوکان نباید امتحان کند گفته بود که ای حدیث است میشود معلونات بدهید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

از أم المؤمنین عائشه رضی الله عنها روایت است در حدیث صحیح که آنرا امام احمد، ابودواد، وترمذی ذکر کرده فرمود است: **أَنَّ نِسْوَةَ مِنْ أَهْلِ حِمَصَ اسْتَأْذَنَ عَلَيْهَا ، فَقَالَتْ :**

لَعَلَّكُمْ مِنَ اللَّوَاتِي يَدْخُلْنَ الْحَمَّامَاتِ؟! سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَضَعَتْ ثِيَابَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِ زَوْجِهَا فَقَدْ هَتَكَتْ سِتْرَ مَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ"^۱.

مجموعه از خانمان اهل حمص از ایشان اجازه گر رفتند تا اینکه داخل شوند، عائشه رضی الله در جواب شان فرمود که شاید شما از جمله خانمانی باشید که در حمام ها داخل می شوند و من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ام که فرمودند هر خانمی که لباسش را در غیر خانه شوهرش بماند در حقیقت همان رازی که بین او و بین الله متعال است آنرا نقض کرده است.

این حدیث بصراحت دلالت بر این دارد که خانمها کالا و لباس شانرا در خارج از خانه شوهر و در جاهای نگذارند که مردان نامحرم آنرا ببینند و یا سبب فتنه شود.

هدف از این حدیث رهنمائی خواهران است که در کشیدن، پوشیدن و تبدیل کردن لباس شان تساهل نکنند تا اینکه عورت شان به نامحرم ظاهر نگردد اما تبدیل کردن لباس شان در جاها و اماکن که در آن شک و شبهه وجود نداشته باشد و احتمال فتنه نباشد باکی ندارد مثلا در خانه فامیل و خانواده خودش، خانه خواهر و برادرش، و یا ورزشگاه

^۱ - سنن ابن ماجه، كتاب الأدب، باب دخول الحمام، رقم الحديث: (۳۷۵۰)، (ج ۲،

خاص به خواهران ویا در آرایشگاه‌های که کاملاً مسدود است
واز نظر مردان نامحرم دور است.

لیکن خواهران باید متوجه باشند در قسمت تبدیل
کردن کالا ولباس وامتحان نمودن واندازه گیری در
مارکیت‌های کالا فروشی، و حمام‌های زنانه زیرا با پیشرفت
وسائل تکنالوجی فسق وفجور هم پیشرفت نموده وبرعلاوه
از وجود کامره های ثابت از کامره های موبایلها نیز اهل
فسق وفجور استفاده سوء می کنند، باید محتاط باشند تا
اینکه در حرج شرعی واقع نشوند ونیز در زندگی شان تأثیر
سلبی نداشته باشد.



شیوه تعامل با لباسهای لیلامی وارد از خارج کشور

یکی از دوستان دانشمند از دره غوربند از ولایت پروان
سوال نموده :

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته صبح زیبایی روز جمعه
مبارک تان بخیر وبعد اگر لطف نموده درباره استفاده
ازلباس ها ومحصولات لیلامی که دربازار ها عرضه می شود
آیا استفاده از آن جایز است یاخیر چون مورد استفاده غیر
مسلمانان گرفته است ودوباره درکشور های فقیر اسلامی
مثل افغانستان بشکل بسته بندی گارد روان میشه؟

لباس لیلامی مستعمل غیر مسلمان که در زیر لباس ودر قسمت تحتانی جسم پوشیده می شود که آنرا ملبس داخلی می نامند درین مورد علماء پوشیدن واستعمال کردن آنرا حتی بعد از شستن هم مکروه دانسته مثل روی جانی یا زیر پرانی، نیکر وغیره را که مردانه باشد ویا زنانه.. زیرا اجسام غیر مسلمانان پاک نیست ونجس شمرده می شود..ومن این نظر را ترجیح میدهم که مسلمان باید این کالای های داخلی تحتانی استعمال شده غیر مسلمان را استعمال نکند زیرا مستقیما به اجسام نجس شان تماس داشته.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

واقعا این سوال بسیار جالب ومهم است زیرا در زندگی روز مره مردم زیاد تکرار می شود ومن از داکتر صاحب محمد بریالی تمکن تشکری می کنم با وجود که خود طیب است به مسائل شرعی دلچسبی دارد واکثرا سوالات عام المنفعه را مطرح میکنند... وحالا به جواب دادن این سوال می پردازیم:

۱- مسلمان باید با اجناس مشبوه ومشکوک محتاط باشد واحکام استفاده کردن آنرا بداند وآنرا به اجناس حلال مطلق یکسان ویک برابر نداند.

۲- اجناس خورد ونوش ومورد استعمال واستفاده جسم انسان که از کشور اسلامی وغیر اسلامی وارد می شود فرق میکند ودر بسیاری از موارد اجناس کشور اسلامی برتری دارد ولو که کیفیتش پایین هم باشد زیرا پاکتر ومطمئنتر است.

۳- لباس لیلومی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می شود باید قبل از استعمال شسته شود وپاک شود زیرا غیر مسلمانان به طهارت اهتمام نمی کنند ومعمولا استنجا نمی کنند وغسل جنابت نمی کنند ..

۴- لباس های که در بخش بالای جسم یعنی قسمت فوقانی پوشیده می شود مثل یخنقاق، کورتی، پطلون، کلاه وغیره باید شسته شود ودر استعمال وپوشیدنش مشکل ومانع شرعی وجود ندارد.

۵- لباس لیلومی مستعمل غیر مسلمان که در زیر لباس ودر قسمت تحتانی جسم پوشیده می شود که آنرا ملبس داخلی می نامند درین مورد علماء پوشیدن واستعمال کردن آنرا حتی بعد از شستن هم مکروه دانسته مثل روی جانی یا زیر پرانی، نیکر وغیره را که مردانه باشد ویا زنانه .. زیرا اجسام غیر مسلمانان پاک نیست ونجس شمرده می شود ..ومن این نظر را ترجیح میدهم که مسلمان باید این کالای های داخلی تحتانی استعمال شده

غیر مسلمان را استعمال نکند... که به اجسام نجس شان تماس داشته.



در کدام حالت تشبیه و همنوایی به غیر مسلمان متحقق شود؟

برادر محترم و دعوتگر ما گل احمد هاتف عضو هیئت رهبری و مسئول تربیت نهاد جوانان مسلمان (نجم) چنین بحث و سوال را مطرح نموده و علماء و دانشمندان دین را دعوت داده اند که اظهار نظر نمایند و مشخص سازند که در کدام حالت تشبیه به غیر مسلمان متحقق می شود و مقیاس شرعی آنرا تعیین نمایند؟

علما کرام و دغیرو مسلمانو سره د حرام مشابہت حدود خه دی؟ کوم موضوعاتو کی باید مشابہت ونسی؟ آیا ددی مشابہت لپاره پولی او حدود منصوصی دی؟ خکھ مونر خو دوپی هم د هغوی په شان خورو، طیاره او موٹر هم د هغوی په شان چلوو او داسی نور مسایل، داسی ملایان می هم لیدلی چی د کالیو ډبل کالر یی د کفارو سره مشابہت حکم کی راوستی، داسی ملایان می لیدلی چی پتلون یی د هغوی سره مشابہت کی راوستی، او حرام یی بللی، او نور ملایان لرو چی دا دواړه

حرام نه بولي. هيله علما كرام دا موضوع واضح
كړي. الله دى ټولو ته اجر و نه وركړي.

نوټ: دلته مى ديو څو هغو علما كرامو اى
ډيانې ورسره ټگ كړي چى زما لپاره مطمئن او سل
سلنه باوري دى، نو د هغوى څخه ددى ټگ كولو
لپاره بڅښنه غواړم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

الله متعال تشبه، هم مثلى وهنوايى مسلمان را با غير
مسلمان حرام گردانیده تا اینکه مسلمان از غير مسلمان
فرق شود، لبس و ابهام وجود نداشته که مسلمان با تقوا
و مؤمن موحد که شب و روز را در عبادت او تعالى سپرى
ميکند از غير مسلمان که مثالش از چارپايان و حيوانات
کرده هم گمراهتر گفته شده در شريعت تميز شود، الله
متعال فرموده است: "أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون
إن هم إلا كالأنعام بل هم أضل سبيلاً" ^۱ آيا شما احساس
ميکنيد که اکثريت آنها ميشنوند و عقل دارند نى هرگز
چنين نيست بلکه آنها مثل چارپايان و حيوانات هستند بلکه
گمراه تر هستند از حيوانات در تصرفات خود ولو شکل
ظاهرى شان انسان است، اين در حقيقت يک تحذير است

^۱ - سورة الفرقان، آيت: ۴۴.

برای مسلمان که از مشابهت وهم مثلی غیر مسلمان خود داری کند.

واین امر بزبان پیامبر اسلام محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح اعلان شده که این نص حدیث شریف است: "مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ"^۱ هر کسیکه به قومی و مردمی تشبه و همنمواایی وهم مثلی کند از جمله آنها حساب می شود، به این معنی که یا بشكل کلی و یا بشكل جزئی صفات خود را از دست میدهد و در قطار آنها شامل میشود و از رحمت و یاری او تعالی محروم میماند زیرا نافرمانی الله متعال را نموده.

واین تشبه در، رفتار، گفتار، لباس و غیره میباشد، مثلاً اگر مسلمان مثل رفتار غیر مسلمان رفتار نماید، و در اقوال و گفتار خود نیز آداب اسلامی را مراعات نکند و غیر مسلمان را تقلید کند، و لباسش هم مثل آنها باشد که از غیر مسلمان فرق نشود و در عین حالت اظهار محبت و دوستی آنها در قلب و نیتش جا گرفته باشد که گویا غیر مسلمان را الگو و قدوه خود قرار داده است در این حالت تشبه به غیر مسلمان تحقق می یابد.

^۱ - سنن أبي داود، كتاب اللباس، باب في لبس الشهرة، رقم الحديث: (۴۰۳۱)، (ج ۴،

حرام بودن تشبه در مسائلی است که از خصائص وصفات و عادات خاص غیر مسلمانان باشد که مسلمان در آن شریک نباشد و آن صفات و خصائص در زندگی مسلمانان دیده نشود و ضرورت نداشته باشند.

تنها خاص از خصائص وصفات و اعمال غیر مسلمان باشد و اگر مسلمان هنگام انجام کار و عملی دیده شود که گمان و توقع رود که او از جمله غیر مسلمانان است زیرا کاری را انجام میدهد که تنها غیر مسلمان آنرا می کند و بعید بنظر می رسد که مسلمان مرتکب آن شود این حالت تشبه است.

اما صفات، اعمال و عادات و تقالید مشترک که در بین مسلمان و غیر مسلمان مروج است آن در این مشابَهت شامل نیست، مثل پوشیدن نکتایی، پتلون، نان خوردن باقاشق و بالایی میز.

در شرائط امروزی واقع معاصر متأسفانه مثالهای زنده تشبه به غیر مسلمانان دیده می شود خصوصاً در مراسم و محافل عروسی، نامزادی، سالگره ها، تجلیل از روزهای معین و آنرا صبغه دینی دادن در حالیکه در دین مبین اسلام اساس و مشروعیت ندارد، و نیز در لباس و آرایش مثل خالکوبی، ابرو چینی، پوشیدن لباسهای برهنه..

در بخش عقائد، طلب حاجات و حل مشکلات از قبرها و زیارتها، بند گرفتن، رفتن نزد جادوگران، فالبینان، کفشناسان، این همه عقاید خرافاتی و شرکی است.

در بخش مطبوعات و رسانه تشبه شدید وجود دارد که فحشاء و منکر و بی حجابی و بی حیایی بشدت رواج دارد که خود تشبه صریح به غیر مسلمانان است.

در بخش حکومتداری وجود فساد و رشوت، بی عدالتی، کار را به غیر اهلش سپردن، جندر و اختلاط شدید زنان و مردان نامحرم.

در بخش بانکداری و مالیات و بازار سود خوری به پیمانہ وسیع.

در بخشهای سیاسی قتل و کشتار مردم به شکل بیرحمانه و به شیوه فرعونى و قرون وسطائی که خود تشبه به اعمال فرعونى و غیر مسلمانان دارد که اصلا این جاهلان و کور دلان رحم ندارند، کار بشار الأسد و پوتین در سوریه میکند اینها در شفاخانه چهار صد بستر کابل کردند.

این همه اعمال مشابه به اعمال جاهلیت قبل از اسلام و غیر مسلمانان است زیرا دین مبین اسلام از همه این جنایات براءت خود را اعلان میکند..

لهذا تشبه به غیر مسلمانان را تنها در محفل نوروزی
و یا تجلیل از روز زن منحصر کرده نمی توانیم.



حکم پوشیدن لباس سرخ برای مردان

یکی از علاقمندان مسائل شرعی از شهر کابل سوال
نموده :

جناب استاد محترم چند بار میشود که در یک نماز
جمعه یک ملا درباره حرام بودن لباس سرخ برای مردان
حرف میزند حتی تاجای محکوم کرد که گفت کسی که
لباس سرخ میپوشد فاسق است و گفت کسی که لباس سرخ
میپوشد در مسجد در صفهای اول پیش روی من نشیند
و استنادش حدیث که در مشکات در باب لباس آمده که
پیامبر خدا جواب سلام کسی که لباس سرخ پوشیده بود را
نداد همین موضوع را کامل شرح دهید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در حدیث صحیح از عبد الله عن ابن عباس رضی الله عنهما ثابت که فرمود: "نُهِيتُ عن الثوب الأحمر، وخاتم الذهب، وأن أقرأ وأنا راکع" ^۱.

الله متعال مرا از پوشیدن لباس سرخ و پوشیدن طلا منع نمود در حالی که هنگام تلاوت و رکوع کنان بودم.

و در بعض احادیث دیگری از پوشیدن لباس سرخ منع نشده .. در بعض موارد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخش از لباس مبارکش سرخ بوده است از جمله این حدیث صحیح که از راوی حدیث هلال بن عامر عن أبيه قال: "رأيت رسول الله صلی الله علیه وسلم بمنى يخطب على بغلة، وعليه بُرْدٌ أحمر، وَعَلِيٌّ أَمَامَهُ يُعَبِّرُ" ^۲.

رسول الله صلی الله علیه وسلم را در منی دیدم که از فراز قاطر خطبه میداد در حالی که چادر سرخ به تن داشت

^۱ - سنن النسائي، كتاب الزينة، النهي عن لبس خاتم الذهب، رقم الحديث: (۵۲۶۶)، (ج ۸، ص ۱۹۱).

^۲ - سنن أبي داود، كتاب اللباس، باب في الرخصة في ذلك، رقم الحديث: (۴۰۷۳)، (ج ۴، ص ۵۴).

ودر پیش رویش حرف میزد، یعنی احکام دین را به مردم شرح میکرد و نقل میداد.

ودر حدیث دومی که در صحیح بخاری میباشد صحابی جلیل القدر البراء بن عازب رضی الله عنه فرمود: "عن البراء بن عازب رضي الله عنهما، قال: كان النبي صلى الله عليه وسلم مربوعا، بعيد ما بين المنكبين، له شعر يبلغ شحمة أذنه، رأيتُه في حلة حمراء، لم أر شيئا قط أحسن منه"^۱.

رسول الله صلى الله عليه وسلم چهار شانه بود و قامت در میانه داشت و ایشان را بالباس سرخ دیدم که بسیار زیبا بود و هرگز چیزی زیبا را به مثل او ندیده ام.

فقهاء و شارحین حدیث میان این احادیث جمع نموده و آن اینکه رسول الله صلى الله عليه وسلم از پوشیدن لباس سرخ که تنها یک رنگه باشد منع نموده اما لباسی که رنگ سرخ با رنگهای دیگر آمیخته باشد باکی ندارد و جایز است تنها سرخ خالص نباشد که شباهت با غیر مسلمانان یا با لباسهای زنان نداشته باشد.

^۱ - صحیح البخاری، کتاب المناقب، باب صفة النبي صلى الله عليه وسلم، رقم الحدیث:

(۳۵۵۱)، (ج ۴، ص ۱۸۸).

اما حدیثی را که ملا صاحب مسجد این برادر سوال کننده ذکر نموده این حدیث را علمای علم حدیث ضعیف دانسته اند:

عن عبد الله بن عمرو بن العاص رضى الله عنهما قال:
 "مَرَّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ عَلَيْهِ ثَوْبَانِ أَحْمَرَانِ،
 فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ" ^۱.

یک نفر از نزد پیامبر اسلام گذشت و پیامبر خدا جواب سلام او را نداد زیرا که لباس سرخ پوشیده بود، این حدیث ضعیف است، زیرا جواب دادن سلام در حالات عادی فرض است.



حکم پائین بودن شلوار از بجلک ها پائینتر

با عرض سلام و شب بخیر خدمت جناب استاد بزرگوار مهر و محبت و جواب قناعت دهنده شما بنده را وادار ساخت تا یک بار دیگر از شما سوالی بپرسم امید وارم که وقت گرانبهای تان را نگیرم.

^۱ - سنن أبي داود، كتاب اللباس، باب في الحرمة، رقم الحديث: (۴۰۶۹)، (ج ۴،

سوال اینست در نماز چرا امام ومقتدی پاچه های تمبان (شلوار) خودرا بلند میکنند آیا کدام حدیث وجود دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بله حدیث صحیح است که پاچه تنبان مسلمان از بالای بجلک باشد.

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح فرموده است که "ما أسفل من الكعبين من الإزار ففي النار"^۱ ایزار و تنبان پایینتر از بجلکها گناهش آتش است، ونیز عمر بن الخطاب رضی الله عنه یک جوان را دید که تنباهش از بجلک پایین است برایش گفت: "ارفع ثوبك؛ فإنه أنقى لثوبك وأتقى لربك"^۲ کالایت را بلند کن، که این بلند بودن برای پاکی بودن کالایت وترس از الله متعال است، زیرا ترس این می رود که پایین بودن تنبان از بجلکها به سبب کبر نباشد.



^۱ - صحیح البخاری، کتاب اللباس، باب ما أسفل من الكعبين فهو في النار، رقم الحدیث: (۵۷۸۷)، (ج ۷، ص ۱۴۱).

^۲ - السنن الكبرى للبيهقي، باب كراهية الإمارة، وكراهية تولي أعمالها لمن رأى من نفسه ضعفا، أو رأى فرضها عنه بغيره ساقطا، رقم الحدیث: (۲۰۲۲۷)، (ج ۱۰، ص ۱۶۶).

آداب خیاطی زنانه

یکی از دوستان سوال نموده :

استاد گرامی سوال داشتم در باره اینکه اگر خیاط زنانه دوز لباس را طبق فرمایش بدوزد و آن لباس شایسته زن مسلمان نیست یا لباسی است که با حجاب اسلامی برابر نیست حکم دوختن آن برای خیاط چیست ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

خیاطی یک کار مشروع و مباح و حلال است، لیکن این امر مباح ممکن است که به کسب و کار نامشروع نیز مبدل شود در صورتی که خواهشات و فرمائشات نامشروع را قبول کند و لباسهای را بدوزد که به غالب گمان در بی ستی و بی حجابی استعمال شود، خیاطهای که لباس زنانه را میدوزند باید احکام ذیل را مراعات کنند:

۱- چون تعامل و سروکار شان با خانمها و زنان است باید که الله متعال را حاضر و ناظر بدانند تنها به اندازه ضرورت با زنان صحبت کنند.

۲- اندازه لباس را از روی لباس سابقه بگیرند نه روی از جسم و جان خانمها.

۳- اگر یقین داشته باشند که بعض فرمائشات و خواهشات لباس دوزی شایسته و مناسب حال زنان نیست و مخالف شریعت است و در برهنگی و بی حجابی و بی ستری استعمال می شود از دوختن آن معذرت بخواهند و پول و پیسه و اجوره شان را حرام نسازند، خیاطهای که لباسهای بی ستر را می دوزند در گناه شریک هستند.

هر همکاری در ناروایی ها و محرمات گناه پنداشته میشود، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "وتعاونوا علی البر والتقوی ولا تعاونوا علی الإثم والعدوان"^۱.

و در کارهای خیر همکار باشید و در کاهاری شر و بد و ناروا و نامشروع همکاری نکنید.

البته دوختن لباس بی ستر گناه عادی نیست بلکه گناه متعددی است.



^۱ - سورة المائدة، الآية: ۲.

د مېرمنو د سينگار کولو شرعي ضوابط

يوه محترم هېوادوال مو پوښتنه کړې ده :

لومړۍ پوښتنه : ښځه وايي: زه ډېرې کمپي او نهايت کمزورې وروځي لرم ؛ او ما بدرنگه ښکاره کوي، د خاوند په وړاندې مې په دې خاطر بد نموده يم ، آيا دا يو عذر شمېرل کېږي چې د هغوی په ويستلو اقدام وکړم ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

الله تعالى بنايسته دی او ښکلا خوښوي ..ليکن سينگار کول هم شرعي حد او حدود لري چې بايد مسلمانې مېرمنې يې پابندې وي .

ورواځې ويستل حرام دي ليکن په هغه صورت کې چې اوږدې وي او انسان ته اذيت ورسوي په دې حالت کې يې کمول جايز دي .

او د مېرمنو د سينگار کولو لپاره شرعي ضوابط دا دي :

۱- په سينگار کولو کې له هغو آرايشي موادو او سامان څخه چې حرام وي استفاده ونه شي .

۲- مېرمني چې سينگار کوي خپل ځان داسې جوړ نکړي چې له سړو سره مشابهت ولري.

۳- په داسې ډول آرایش ونکړي چې د الله تعالی په خلقت ته په خپل ځان او جسم کې تغیر ورکړي.

۴- په سينگار کې د غیر مسلمانو بڼو تقلید ونکړي او له هغوی سره مشابه نشي.

۵- په هغه اندازه آرایش ونکړي چې اسراف وگنل شي.

۶- د آرایش هغه سامان استعمال نکړي چې طهارت، اودس او د اوبو رسیدل منع کړي لکه د نوکانو رنگ.

۷- په داسې ډول آرایش ونکړي چې صحت ته یې ضرر ورسوي ځکه چې ځینې بڼې د آرایش او بڼکلا په خاطر خپل ځان له لاسه ورکوي او هلاکېږي.



پوشیدن طلا برای مردان حرام است

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شریعت پوشیدن طلا بر مردان جایز نیست، و آنرا به زبان رسول الله صلی الله علیه وسلم حرام گردانیده و در حدیث صحیح فرموده است: "أحل الذهب والحريير للإناث من أمتي وحرم على ذكورها"^۱.

طلا و ابریشم به زنان امتم حلال گردانیده شده و بر مردان امتم حرام .



نگهداری اشیای که نشانه صلیب دارد

یکی از دوستان سوال نموده :

سلام علیکم استاد گرامی آرزو دارم صحتمند و سر حال باشید.

استاد محترم آیا استفاده از علامت صلیب و اشیایی که دارای علامت صلیب اند جواز دارد یا خیر؟

^۱ - سنن النسائي، كتاب الزينة، تحريم الذهب على الرجال، رقم الحديث: (۵۱۴۸)، (ج ۸، ص ۱۶۱).

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

رسول الله صلى الله عليه وسلم هر آنچه را که علامت صلیب میداشت از بین میبرد و در خانه نمی گذاشت و این در حدیث صحیح ثابت است، "کان لا یری فی بینه شیئا فیہ تصلیب إلا نقضه".

ساختن، خرید، فروش، حمل نقل، تحفه دادن، استفاده و استعمال کردن، نگهداری و پوشیدن هر آنچه که علامت صلیب داشته باشد ناجائز و حرام قطعی است در دین مبین اسلام، لیکن باید متقین باشیم که واقعا علامت صلیب باشد.



حکم دراز ماندن ناخنها

یکی از خواهران از ولایت بلخ چنین سوال نموده:

شما در باره گذاشتن ناخن ساختگی نوشتید آیا گذاشتن ناخن اصلی هم چنین حکم دارد، استاد منظور من دراز ماندن ناخن اصلی است بخاطر زینت و فیشن که خانم ها میگذارند؟

ونیز یکی از برادران از ولایت غزنی چنین سوال نموده:

استاد در مورد اینکه خانم‌ها ناخن هایشانرا (البته منظورم ناخن طبع است نه مصنوعی) میمانند و زیاد طولیل میشود شریعت چی حکم میکند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح کم کردن پروتها، گرفتن ناخنها، تراشیدن موی زیر بغل، وموی شرمگاه را از سنتهای فطرت مسلمانان دانسته ومدت زیاد آنرا چهل روز تعیین نموده که باید از این مدت بیشتر نشود: يقول أنس رضي الله عنه: وَقَّتْ لَنَا فِي قِصِّ الشَّارِبِ وَقَلَمِ الظَّفْرِ وَتِنْفِ الإِبْطِ، وَحَلْقِ العَانَةِ، أَلَّا نَتْرِكَ ذَلِكَ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً .

بر مرد وزن واجب است که ناخنهاي شانرا از این بیشتر دراز نمانند، وكسانی که از این بیشتر دراز میکنند ومی مانند در حقیقت در مخالفت سنت قرار میگیرند..و حکمت از این سنت این است که نظافت وپاکی مراعات می شود وچرک ونا پاکی در زیر ناخنها جای نمی گیرد که به صحت ضرر دارد در صورت جا گرفتن..ونیز مسلمان از تشبه به غیر مسلمان و حیوانات چنکالدار در امان می ماند.



حکم گذاشتن ناخن ساختگی

یکی از خواهران از کابل چنین سوال نموده:

گذاشتن ناخن ساختگی چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

گذاشتن ناخن ساختگی بخاطر زینت و آرایش حرام است، کسی می کند لعنت می شود زیرا در حکم تغیر خلفت که الله متعال خلق کرده داخل است.

لیکن در صورت ناخن نداشته باشد و ضرورت به گذاشتن ناخن ساختگی باشد در این حالت جواز دارد مگر کوتاه که مانع رسیدن آب در جای ناخن نشود و اگر ممکن باشد در وقت وضوء و طهارت و غسل کشیده شود بهتر است.



حکم استفاده از قالین ابریشمی

یکی از دوستان از ولایت هرات چنین سوال نموده:

استاد محترم استفاده از قالین ابریشمی در خانه جواز

دارد یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

استعمال واستفاده ازقالینهای ابریشمی خالص ویا مخلوط که زیر استعمال مردان بوده باشد جواز ندارد ومشروع نیست در صورت که بیشتر از نصف آن ابریشم باشد، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "أحل الذهب والحریر لإناث أمتی وحرم علی ذکورها"^۱، استعمال ابریشم وطلا بر مردان امت من حرام گردیده وبر زنان امت من حلال.

نیز به تن کردن وپوشیدن ابریشم طبیعی خالص برای مردان جواز ندارد ونا مشروع وحرام است زیرا در حدیث صحیح صحابی جلیل القدر حذیفه بن الیمان رضی الله عنهما فرموده است: "نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم أن نشرب فی آنية الذهب والفضة، وأن نأكل فیها، وأن نلبس الحریر والدیاج"^۲ رسول الله صلی الله علیه وسلم منع کرده ونهی فرموده از نوشیدن وخوردن در ظرفهای نقره وطلا وازپوشیدن ابریشم وابریشم فارسی.

^۱ - سنن النسائي، كتاب الزينة، تحريم الذهب على الرجال، رقم الحديث: (۵۱۴۸)، (ج ۸، ص ۱۶۱).

^۲ - مسند أحمد، أحاديث رجال من أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم، حديث حذيفة بن اليمان عن النبي صلى الله عليه وسلم، شماره حديث: (۲۳۴۳۷)، (ج ۳۸، ص ۴۳۰).

ونیز در حدیث صحیح فوق الذکر رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: "أحل الذهب والحریر لإناث أمتی وحرم علی ذکورها"^۱، ابریشم را حلال گردانیدم بر اناث امت خود و حرام کردم بر مردها و ذکور این امت... و نظر به دلالت هر دو حدیث صحیح فقهاء نوشته اند که ابریشم خالص باشد و یا مختلط بر مردان این امت حرام است.. به استثنای این که مخلوط بسیار کم به شکل خطها باشد و آن هم از سه الی چهار انگشت زیاد نباشد، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم نهی کرده از پوشیدن ابریشم مگر اجازه داده به اندازه دو وسه و یا چهار انگشت.

اما ابریشم ساختگی (الصناعی) پوشیدنش جائز و مشروع است و در نهی و منع شامل نیست فقط بنام ابریشم است و در حقیقت ابریشم نیست.. و شریعت قاعده دارد که: "الأصل فی الأشياء الإباحة" اصل در پوشیدن لباسها مباح بودن است تا اینکه دلیل صحیح و صریح تحریم نکرده باشد.



^۱ - سنن النسائی، کتاب الزینة، تحریم الذهب علی الرجال، رقم الحدیث: (۵۱۴۸)، (ج ۸، ص ۱۶۱).

چادری یک نوع از انواع حجاب شرعی خانمها شمرده می شود

یکی از خواهران سوال نموده:

آیا چادری که در بخشهای بیشتر افغانستان مروج است حجاب صحیح و درست است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

حجاب شرعی در بعض کشورهای اسلامی بنام حجاب، جلباب، عبایه نامیده می شود که در افغانستان چادری مروج است و حجاب شرعی کامل گفته می شود... و خواهران در انتخاب حجاب شان باید آزادی کامل داشته باشند که چادری را اختیار میکنند و یا حجاب سیاه را و یا جلباب، و عبایه را و یا اینکه بعض اوقات از چادری استفاده می کنند و در موارد دیگر از انواع حجاب فوق الذکر. همه درست و صحیح است و باید تنها چادری اجباری نباشد... زیرا چادری تنها در بخشهای از افغانستان مروج است.



ساعت دستی طلا بر خانمان جائز و بر مردان حرام است

یکی از دوستان چنین سوال نموده :

یکی از دوستان یک ساعت دستی را برایم تحفه روان کرده که طلا دارد آیا بدست کردنش گناه است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

پوشیدن واستعمال کردن طلا برای خانمان مشروع و جائز میباشد اما برای مردان حرام است رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است که طلا و ابریشم بر زنان این امت حلال و بر مردان حرام است: "أحل الذهب والحرير لإناث أمتي وحرم على ذكورها"^۱.

ساعتی که با آب طلا رنگ شده باشد نیز بر مردان حرام میباشد تنها بعض فقهاء پوشیدن ساعتی را جواز دادند که ثانیه گرد آن طلایی باشد، اکثریت علماء همان را نیز بر مردان ناجائز میدانند.



^۱ - سنن النسائي، كتاب الزينة، تحريم الذهب على الرجال، رقم الحديث: (۵۱۴۸)،

(ج ۸، ص ۱۶۱).

حکم پوشیدن انگشتر نقره

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر کابل سوال نموده:

بعد از سلام آیا استفاده کردن انگشتر نقره برای مرد درست است، بسیاری از مردم می گویند که حرام است میشود با حدیث ثبوت بکنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

پوشیدن انگشتر نقره برای مردان نه تنها مشروع و جایز است بلکه سنت است.

پوشیدن و استعمال و استفاده از انگشتر نقره برای مردان جایز، و مشروع است بلکه سنت است و در حدیث صحیح انس بن مالک رضی الله عنه فرموده است: "أن رسول الله صلى الله عليه وسلم لبس خاتم فضة في يمينه"^۱.

رسول الله صلى الله عليه وسلم در انگشت دست راست خود انگشتر نقره پوشیده بود، و انگشتر نقره، عقیقه و فیروزه مباح و روا است، تنها طلا بر مردان حرام است، نیز انگشتر آهنی مباح است برای مردان زیرا رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح به یک صحابی هدایت داده بود که:

^۱ - صحیح مسلم، کتاب اللباس والزینة، باب في خاتم الورق فضة حبشي، رقم الحدیث:

"التمس ولو خاتما من حديد"^۱ تلاش کن که ولو یک انگشتر آهنی بیابی برای نامزادی و عروسی ات.

در این مورد احادیث صحیح ثابت است و باید عادات مباح و مشروع و سنت را تحریم نکنیم و از تشدد و افراط کار نگیریم.



له بهرنیو هېوادونو څخه د وارداتي غوښنو او چرگانو په اړه

محترم استاد زموږ په هېواد کې په بازار کې د بهرنۍ کارتن بندې غوښنې په اړه چې په عمومي ډول د چرگ پتون وي څه نظر لرې؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

په دې کې شک نشته چې دا مسأله یو له مهمو مسائلو څخه ده چې ځینې په خپل ژوند کې محتاط خلک یې په حیرت کې غورزولي دي او معاصرو فقهاؤ ددې غوښنو حکم دارنگه بیان کړی دی:

^۱ - صحيح البخاري، كتاب النكاح، باب عرض المرأة نفسها على الرجل الصالح، رقم

الحديث: (٥١٢١)، (ج٧، ص١٣).

د برقي ماشينونو په واسطه او يا په عادي طريقه ذبح شوي چرگان او غوښې چې له کمونيسټي، الحادي او بيدينه هيوادونو لکه روسيه، شمالي کوريا، چين، بلغاريا او هم له بودايي او هندويي هيوادونو څخه واردېږي حلال نه دي او حرام شمېرل کېږي او د هغو خوړل جائز نه دي.

له غير اسلامي سکولري هيوادونو څخه وارداتي غوښې او چرگان، چې د اسلام په دين، يهوديت او نصرانيت هم نه دي او د حقيقي کتاب اهل نه دي او دين يې له سياست څخه جلا کړی دی او اصلا ذبح نه کوي ځکه چې ذبح کول د حيوان د حقوقو خلاف گڼي او عقیده لري چې په ذبح کولو سره حيوان آزار او په اذيت کېږي. دا هم جواز نه لري او حرام شمېرل کېږي.

وارداتي غوښې او چرگان چې له غير اسلامي هيوادونو څخه راځي ليکن د اهل کتاب او يا مسلمانانو په طريقه ذبح کېږي او د هغه شرکتونو په واسطه چې مسلمان کارمندان لري ذبح کېږي حلال دي.

هغه شرکتونه چې هندو او بودايي کارمندان لري او پرستي يې د هغوئ پواسطه کېږي د هغو

غوبنه او چرگان هم حرام دي ځکه چې هندو او بودايي نه مسلمانان دي او نه اهل کتاب آسماني.

هغه نامعلومه وارداتي غوبنې او چرگان چې د هغو حقيقت معلوم نه وي چې آیا په اسلامي طريقه ذبح شوي او يا د اهل کتابو پواسطه، هم شکمنې دي چې حرامو ته نژدې دي.



کبوتر صحرائی حلال است

یکی از دوستان محترم از ولایت هرات سوال نموده:

سوالم این است که به داخل مکتب ما کفتر های صحرای زیادی می باشد هر موقع که میخوایم آنها را شکار کنیم هر کس یک حرفی میزند یکی میگوید اینها از زیارت است دیگری میگوید از جنس پری است میگویند به شما ضرری میرسد هر چند که این حرف ها کدام منبع دینی و شرعی ندارد و ما اعتنای هم به ای حرف ها نداریم بخاطر آرامش ذهن و قلب خود دست از شکار بر داشتیم میخوایم برایم معلومات کامل بدهید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شکار کردن کبوترهای صحراوی جائز و مشروع است
..واینکه این کبوترها مربوط زیارتها است اعتقاد فاسد
ومخالف شریعت است.

شکار کردن این کبوترها مباح و مشروع و جائز است و در
صورت دسترسی به آنها مانع شرعی نیست از شکار آنها،
واعتقاد داشتن که اینها ملکیت زیارتها است و به امر زیارت
حرکت میکنند و اگر کسی اینها را شکار کند برایش ضرر
میرسد یک اعتقاد فاسد، مخالف شریعت بلکه اعتقاد شرکی
است که شخص معتقد این نوع عقیده را به شرک می
کشاند، الله متعال مدبر کون است و همه امور بدست او تعالی
است نی بدست زیارتها و انسانها.

این مفکوره و تفصویر کاملاً یک اندیشه جاهلانه و بی
اساس و بی دلیل است که ایمان این نوع اشخاص متزلزل
میباشد و در عقبماندگی دینی زندگی می کنند، با ایمان
شان را مراجعه کنند در غیر آن هر انسان این عقیده شرکی
را داشته باشد و بمیرد بدون شک از این دنیا ناقص الإیمان
می رود.



رهنمائی شرعی در مورد شکار پرندگان

استاد محترم شکار پرندگان شرعا چه حکم دارد، زیرا پرندگان نیز از جمله مخلوقات الله پاک است، و همانند انسانها به خوراک و محل بود و باش نیازمند هستند، بعض اوقات جهت تهیه غذا به چوپه هایشان به محلاتی میروند که ناخود آگاه شکار انسانها میشوند، درحالیکه چوپه های شان گرسنه بودند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شکار پرندگان در مجموع حلال است ضمن اهداف که از آن استفاده مشروع شود مثلا برای خوردن، برای فروش، صدقه دادن به فقیران و مساکین، هدیه دادن گوشت آن به دوستان و اقارب، این نوع شکار در هر حالت مشروع و مباح است زیرا پرندگان و حیوانات حلال برای منفعت و مصلحت انسانها خلق شده و به اجماع علمای امت و در احادیث صحیح هم ثابت است.

اما اگر شکار بخاطر ساعت تیری و لهو باشد و از شکار استفاده نشود و بعد از شکار انداخته شود این نوع شکار مکروه است و حتی بعض فقهاء آنرا حرام دانسته زیرا بر علاوه از اینکه ضرر به مخلوقات شمرده می شود اسراف هم است.

نیز اگر شکاری کشت و زراعت مردم را هنگام شکار تلف کند و یا اینکه سبب آزار و اذیت عامه مردم شود در این حالت شکار او حرام می‌باشد.

در عین حال بعض فقهاء شکار پرندگان چوچه دار که چوچه هایش خورد باشد مکروه دانسته زیرا در عدم موجودیت این پرنده چوچه هایش تلف می شود و می میرد.

شکاری در شکار خود باید این آداب را هم مراعات کند:

شکاری اگر بسم الله گفته بر پرنده و یا آهو فیر کند و قبل از رسیدن و ذبح کردن میمیرد حلال است.

اما بسم الله گفتن شرط است که قبل از فیر کردن باید بسم الله گفته شود، هنگام نشان گرفتن باید بسم الله بزبان آورده شود.. رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "وإن رمیت سهمك فاذكر اسم الله" ^۱، هنگام فیر کردن بسم الله را بزبان بیاورید، بسم الله، یا بسم الله، الله أكبر تلفظ شود کفایت می کند.

اما اگر شکار زخمی شود و زنده بدست آید باید ذبح شود، و اگر ذبح نکند خود مرده شمرده می شود و خوردنش

^۱ - صحیح مسلم، کتاب الصيد والذبائح وما يؤکل من الحيوان، باب الصيد بالكلاب الملعمة، رقم الحديث: (۱۹۲۹)، (ج ۳، ص ۱۵۳۱).

جواز ندارد و حرام است، همچنان اگر شکاری بسم الله نگفته باشد قبل از فیر کردن و پرنده و یا آهو و غیره در نتیجه فیر مرده باشد و به ذبح کردن نرسیده باشد حرام شمرده می شود، الله متعال از خوردن گوشت حیوانات و پرندگان که در وقت ذبح و شکارش بسم الله گفته نشده باشد منع کرده و آنرا شریعت حرام گردانیده: "وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذَكَّرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ" ^۱.



در شکار پرندگان بسم الله گفتن قبل از فیر کردن و هنگام نشان گرفتن شرط است

یکی از هموطنان عزیز ما از ولایت لغمان چنین سوال نموده :

پرنده های که توسط تفنگهای بادی یا چریکی شکار میشود و کشته میشود حلال است یا حرام اگر کمی با دلایل نوشته کنید خوب خواهد شد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شکار پرندگان در مجموع حلال است ضمن اهداف که از آن استفاده مشروع شود مثلاً برای خوردن، برای فروش،

^۱ - سورة الأنعام، آیت: ۱۲۱.

صدقه دادن به فقیران و مساکین، تحفه دادن گوشت آن به دوستان و اقارب، این نوع شکار در هر حالت مشروع و مباح است زیرا پرندگان و حیوانات حلال برای منفعت و مصلحت انسانها خلق شده و به اجماع علمای امت و در احادیث صحیح هم ثابت است.

اما اگر شکار بخاطر ساعت تیری و لهو باشد و از شکار استفاده نشود و بعد از شکار انداخته شود این نوع شکار مکروه است و حتی بعض فقهاء آنرا حرام دانسته اند زیرا بر علاوه از اینکه ضرر به مخلوقات شمرده می شود اسراف هم است.

نیز اگر شکاری کشت و زراعت مردم را هنگام شکار تلف کند و یا اینکه سبب آزار و اذیت عامه مردم شود در این حالت نیز شکار او حرام می باشد.

در عین حال بعض فقهاء شکار پرندگان چوچه دار را که چوچه هایش خورد باشند مکروه دانسته زیرا در عدم موجودیت این پرنده چوچه هایش تلف می شود و می میرد.

شکاری در شکار خود باید این آداب را هم مراعات کند:

شکاری اگر بسم الله گفته بر پرنده و یا آهو فیر کند و قبل از رسیدن و ذبح کردن میمیرد حلال است.

اما بسم الله گفتن شرط است که قبل از فیر کردن باید بسم الله گفته شود، هنگام نشان گرفتن باید بسم الله بزبان آورده شود، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "وإن رمیت سهمك فاذا ذكر اسم الله" ^۱.

هنگام فیر کردن بسم الله را بزبان بیاورید، بسم الله، یا بسم الله الله أكبر تلفظ شود کفایت می کند.

اما اگر شکار زخمی شود و زنده بدست آید باید ذبح شود، و اگر ذبح نکند خود مرده شمرده می شود و خوردنش جواز ندارد و حرام است، همچنان اگر شکاری بسم الله نگفته باشد قبل از فیر کردن و پرنده و یا آهو و غیره در نتیجه فیر مرده باشد و به ذبح کردن نرسیده باشد حرام شمرده می شود، الله متعال از خوردن گوشت حیوانات و پرندگان که در وقت ذبح و شکارش بسم الله گفته نشده باشد منع کرده و آنرا شریعت حرام گردانیده: "وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ" ^۲.



^۱ - صحیح مسلم، کتاب الصيد والذبائح وما یؤکل من الحيوان، باب الصيد بالکلاب المعلقة، رقم الحدیث: (۱۹۲۹)، (ج ۳، ص ۱۵۳۱).

^۲ - سورة الأنعام، آیت: ۱۲۱.

آيا خويندې كولاى شي د لباس پلورنځيو په ماركيتونو كې خپل لباس تبديل كړي؟

يو له دوستانو له كابل ښار څخه دارنگه
پوښتنه كړې ده :

يو چا ويلي ؤ چې له كور څخه بهر د ښځو
لباس اغوستل گناه لري يعنى كله چې جامې
اخلي (پېري) په دوكان كې يې نه بايد امتحان كړي
او ويلي يې ؤ چې دا حديث دى، كه معلونات
راكړئ.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

له أم المؤمنين عائشه رضي الله عنها څخه په
صحيح حديث كې چې هغه امام احمد، ابودواد او
ترمذي ذكر كړى دى روايت دى، چې فرمايي: "أَنَّ
نِسْوَةَ مِنْ أَهْلِ حَمَصَ اسْتَأْذَنَ عَلَيْهَا ، فَقَالَتْ : لَعَلَّكَ نَّ
مَنْ اللّٰوَاتِي يَدْخُلْنَ الْحَمَامَاتِ ! سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ : " أَيْمًا امْرَأَةٌ وَضَعَتْ
ثِيَابَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِ زَوْجِهَا فَقَدْ هَتَكَتْ سِتْرَ مَا بَيْنَهَا
وَبَيْنَ اللّٰهِ " ۱.

۱ - سنن ابن ماجه، كتاب الأدب، باب دخول الحمام، رقم الحديث: (۳۷۵۰)، (ج ۲)،

د اهل حمص يوه ټولي بنځو اجازه وغوښتله تر څو چې داخلي شي، عائشې رضي الله يې په ځواب كې وفرمايل چې تاسو شايد د هغو بنځو له جملې څخه يئ چې حمامونو ته داخلېږي او ماله رسول الله صلى الله عليه وسلم څخه اورېدلي دي چې و يې فرمايل هره مېرمن چې د خاوند له كور پرته بل ځاى خپل لباس پرېږدي په حقيقت كې هماغه راز چې د هغې او الله تعالى تر منځ دى هغه يې نقض كړ .

دا حديث په صراحت په دې دلالت كوي چې مېرمنې دې خپل لباس او جامې د خپل خاوند له كور څخه بهر په نورو ځايونو كې نه پرېږدي چې نامحرم سړي هغه وويني او يا د فتنې سبب شي .

له دې حديث څخه موخه خوښودو ته لارښوونه ده چې د لباس اغوستلو، ويستلو او تبديلولو كې دې تساهل نكوي ترڅو چې يې عورت نامحرمو ته ظاهر نشي اما د لباس تبديلول په هغو ځايونو او اماكنو كې چې په هغو كې شك او شبهه وجود ونلري او د فتنې احتمال نه وي باك نلري. مثلاً په خپلې كورنۍ كې، د خور او ورور په كور كې، او يا هغه ورزشگاه چې خوښودو ته خاص وي او يا په

آرایشگاؤ کی کاملاً مسدودې دي او د نامحرمو سرو له نظر څخه لبرې دي .

لیکن خویندې باید د لباس پلورنځیو په مارکیټونو او بنځینه حمامونو کې د لباس بدلولو، ازمویلو او اندازه اخستلو په برخه کې متوجه وي ځکه د تکنالوجي د وسائلو په پرمختگ سره فسق و فجور هم پرمختگ کړی او برعلاوه د ثابتو کامرو له شتون څخه اهل فسق او فجور د مایلونو له کامرو څخه هم سوء استفاده کوي، باید محتاطې وي ترڅو چې په شرعي حرج کې واقع نشي او همدارنگه په ژوند کې یې سلبي تاثیر ونلري .



حکم خوردن ماهیکه از خاکستر انسان تغذیه شده است

یکی از هموطنان عزیز ما مقیم هندوستان چنین سوال

نموده :

استاد محترم السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته، من در یکی از شهرهای هندوستان محصل هستم ودر این شهر خوردن ماهی مروج است لیکن از بحر ودریای میکشند وشکار میکنند که خاکستر مرده های را بعد از سوختاندن

در آنجا میندازند، آیا خوردنش جواز دارد، منتظر جواب شما هستیم من و اندیوالانم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اگر یقیناً ثابت باشد که غذا و خوراک این ماهیان خاکستر انسانها است و در نتیجه تغذیه خاکستر خاصیت ماهی تغییر کرده در این صورت خوردنش جواز ندارد زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم از خوردن گوشت و نوشیدن شیر حیوانات که از نجاست تغذیه می شود منع کرده در حدیث صحیح که امام احمد و ترمذی روایت کرده: "نهی النبی صلی الله علیه وسلم عن أكل الجلالة وألبانها"^۱ و حد اقل تا اینکه معلوم شود که آیا بیشتر غذای این ماهیان خاکستر انسان است یا خیر مسأله در حکم مشبوه و مشکوک و مکروه قرار گرفته و شما از خوردن آن اجتناب کنید، زیرا مسلمان که در کشورهای غیر اسلامی بود و باش دارد احکام خاص خود را دارد که باید آنرا مراعات کند و متوجه باشد که در خوردن و نوشیدن محرّمات واقع نشود.



^۱ - سنن أبي داود، كتاب الأطعمة، باب النهي عن أكل الجلالة وألبانها، رقم الحديث:



كتاب

مسائل

طبي و فقهي

نصائح شرعی برای طبیبان و دکتوران مسلمان

یکی از هموطنان عزیز ما از ولایت بلخ چنین نوشته است:

من یکی از استا ژران شفاخانه ملکی شهر مزار شریف هستم. میخواهم سوالم را اینگونه بپرسم، مسئولیت و شرائط یک داکتر مسلمان هنگام بازدید از مریضش کدام ها اند و در ضمن یک داکتر کدام وصایای مهم اسلامی را برای مریضان که امید شان الله و در ضمن داکتر که به عنایت الله وسیله شفا مگردند بنمایند، سپاس!

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در این شکی نیست که وظیفه دکتوران طب و صحت عامه یک مسئولیت حساس و مهم میباشد زیرا که به جسم و بدن و زندگی انسانها ارتباط مستقیم دارد از اینرو از خود آداب و احکام و اخلاقیات خاص دارد که طبیب مسلمان باید آنرا رعایت کند از جمله:

۱- تخصص خود را بدرستی بداند و در آن بخش مطالعه بیشتر نماید خصوصا اینکه معلومات طبی حالا به آسانی و سهولت بدست میاید و معلومات تخصص خود را وقتا فوقتا تجدید کند.

۲- در کار و وظیفه خود مخلصانه عمل کند و رضای او تعالی را در نظر داشته باشد در این حالت وظیفه اش نیز نوعی از عبادت شمرده می شود که اجر و پاداش اخروی هم دارد

۳- با مریضان اخلاق نیکو و تعامل خوب داشته باشد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خَلْقًا"^۱ کاملترین مؤمنان کسانی هستند که اخلاق نیکو دارند.

۴- تسلی دادن به مریضان بخاطر شفا یابی و بالابردن معنویات آنها از اخلاقیات طیب مسلمان است.

۵- با همکاران خود نیز رفتار و رویه نیک و خوب داشته باشد ایثار و قربانی شعارش بوده باشد در شفاخانه.

۶- اسرار مریضان و امراض شان را برای اشخاص غیره فاش نسازد که مخالف امانتداری است و کوشش کند که از گزارشات طبی اش اشخاص غیر ذی ربط اطلاع پیدا نکنند، این اسرار و گزارشات امانت است، و مسلمان مکلف که آنرا فاش نسازد، الله متعال امانتداری و وفاء به عهد را از صفات مؤمنان راستین گردانیده: "وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ

^۱ - سنن أبي داود، كتاب السنة، باب الدليل على زيادة الإيمان ونقصانه، رقم الحديث:

(۴۶۸۲)، (ج ۴، ص ۲۲۰).

راعون^۱، زیرا خیانت کردن در امانت از صفات منافقین است و شریعت این امر را بزبان پیامبر اسلام بیان داشته: "إذا ائتمن خان"^۲ و در روایت دومی "إذا عاهد غدر"^۳.

۷- تواضع و خوش اخلاقی و متبسم بودن زیرا این صفات زیبا با وظیفه طبی لازم و ملزوم است، و داکتر متکبر بهشت برین بالایش حرام است رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "لا يدخل الجنة من في قلبه مثقال ذرة من كبر"^۴، در جنت داخل نمی شود کسی که به اندازه یک ذره و مقدار کم هم اگر در قلبش کبر و تکبر بوده باشد.

۸- داکتر مسلمان و متعهد باید صبر و شکیبائی داشته باشد زیرا که با انواع مردم مواجه می شود خصوصاً مریضان که از شدت درد رنج میبرند و ممکن است که به داکتران نیز فشارهای گوناگون وارد کنند در این حالت با مریض از نرمی و شفقت و لطف و مرحمت کار گیرد نی از سختی و غلظت.

۱ - سورة المؤمنون، آیت: ۸.

۲ - سنن الترمذی، أبواب الإیمان عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب ما جاء في علامة المنافق، رقم الحدیث: (۲۶۳۱)، (ج ۵، ص ۱۹).

۳ - صحیح البخاری، کتاب الإیمان، باب علامة المنافق، رقم الحدیث: (۳۴)، (ج ۱، ص ۱۶).

۴ - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب تحريم الكبر وبيانہ، رقم الحدیث: (۹۱)، (ج ۱، ص ۹۳).

۹- تقوا والتزام دینی داشته باشد زیرا در شفاخانه و ماحول آن اختلاط مرد وزن نامحرم مروج است، بر علاوه از اینکه عبادات و نمازهای خود را در وقتش ادا کند از چشم چرانی نیز خود را نگهدارد زیرا که چشم چرانی اولین دروازه و مدخل شیطان است که مسلمان را به گناهان کبیره میکشاند.

۱۰- مهمتر از همه اینکه داکتر و طبیب مسلمان ماحول کاری خود را یک محیط دعوتی بسازد، زیرا متخصصین و علمای دعوت اسلامی وظیفه طبی را بهترین وسیله دعوت اسلامی میدانند، البته شما ضرورت دارین که از حلقه های دعوتی و ایمانی که ما در بلخ و شهر مزار داریم تغذیه ایمانی شوین (دفتر ساحوی جمعیت اصلاح افغانستان در ولایت بلخ) و نهاد جوانان مسلمان که درسهای بیداری اسلامی دارند و استادان مجرب و دعوتگران دلسوز در آنجا فعالیت دارند و درسهای بیداری اسلامی به شکل منظم جریان دارد.

۱۱- شرف عضویت داشتن انجمن طبی اسلامی افغانستان (ایما) برای شما طبیبان هدفمند و صالح امر ضروری و با اهمیت است که طب و طبابت را در خدمت هموطنان عزیز ما با دکتوران و طبیبان متعهد با روحیه کاملاً اسلامی قرار داده، و نمونه از فهم شمولی دین مبین اسلام است نی به شکل جزئی.

شفا دهنده الله متعال است و تداوی تنها وسیله است

دوستی محترمی سوال نموده که :

مولوی صاحب السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته! من بخاطر تداوی ام زیاد کوشش کردم و تا به حال به شکل کامل صحتیاب نشدم آیا تداوی ام را ادامه دهم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

هنگام که مسلمان برای تداوی در شفاخانه ویا برای دم کردن نزد کدام عالم ومولوی روان می شود باید عقیده راسخ داشته باشد که شفای انسان ونفع ونقص وصحت یابیش بدست الله متعال است، تداوی دم خواندن تنها وسیله وسبب است که مسلمان باید انجام دهد و بی تفاوت نماند و نا امید ومأیوس هم نشود، گرفتن اسباب وجستجو کردن وسائل توکل به الله تعالی را نفی نمی کند ومسلمان که بی تفاوت می ماند در تداوی خود وفامیل خود از نظر دین مبین اسلام مقصر شناخته می شود، در ضمن تداوی دعاء را نیز فراموش نکند.



رفتن زن نزد داکتر مرد بخاطر معالجه

دوستی محترمی سوال نموده که :

ممتاز صاحب بزرگوار یک دوستی سوال کرده اگر پاسخ شان را بدهید بعید از لطف تان نخواهد بود اگر زن مسلمانی مریض بوده و از درد دندان رنج ببرد و داکتر زن هم نباشد آیا میتواند دندان های خود را نزد داکتر مرد عصب کشی و پرکاری کند؟

نیز یکی از خواهران از شهر کابل سوال نموده :

اگر خانمی به مریضی مبتلا باشد که ضرورت به عملیات باشد عملیات (بطن و یا قلب) و داکتر خانمها از انجام چنین عملیات عاجز باشند آیا جواز دارد که خانم مذکور تحت مداوی داکتران از طبقه ذکور باشد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ستر عورت فرض است خصوصا بر خانمها لیکن در شریعت اسلامی بعض حالات اضطراری واستثنای را (ضرورت) یعنی مجبوری ودر تنگنا قرار گرفتن می نامند که در این حالت به اندازه ضرورت از وسائلی استفاده کرده می توانند که در اصل ودر حالت عادی جایز نیست یعنی حرام است، از این جمله مداوی زنها نزد داکتران مرد در صورت

نبودن داکتر خانمها، زیرا درد دندان قابل تحمل نیست و آزار و اذیت میرساند، و این خواهر می تواند که با شوهر یا برادر و محرم خود نزد داکتران مرد مراجعه کند و کوشش کند داکتر صادق و امانتکار و با تقوا را انتخاب کند و با حجاب کامل باشد و تنها دهن و دندان خود را برایش نشان دهد.

همچنین خواهری که ضرورت به عملیات دارد و داکتر خانمها توانایی چنین عملیات را ندارند می تواند که با حضور داشت محرم خود نزد داکتران مرد عملیات جراحی را انجام دهد لیکن تنها همان عضو جسم را داکتران دیده می توانند که عملیات میشود نه همه جسم را.

در چنین حالات و موارد قاعده فقهی تطبیق می شود استفاده از حرام را به اندازه رفع ضرورت جایز و روا میگرداند: "الضرورات تبیح المحظورات" ضرورتهاى شرعى از جمله تداوى استفاده از حرام را جایز و روا میگرداند لیکن به اندازه رفع ضرورت نه بیشتر از آن، "الضرورة تقدر بقدرها".



قواعد وضوابط تبرع کردن اعضای جسم انسان

یکی از دوستان محترم سوال شان را چنین مطرح نموده است:

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته وبعد: مولانا صاحب اگر در مورد پیوند دادن اعضاء بدن شخص به شخص دیگر از نگاه شرع مقدس معلومات بدهی، یعنی هبه دادن این اعضاء مثل گرده و غیره جواز دارد، دراین باره چند روز پیش به یک مولانا صاحب رفتم وسؤال کردم اما جوابش منفی بود.

لهذا امروز در فیسبوک بحث تحقیق احادیث را دیدم ودلم شد که از علم ومعلومات شما -دوست عزیز- استفاده کنیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

اولا: برای مسلمان جواز ندارد که اعضای تناسلی جسم خود را به کسی تبرع وهبه ویا به شکل همدردی بدهد.

ثانیا: پیوند کردن اعضاء وآله تناسلی جایز ومشروع نیست این کار از نظر فقهاء معاصر ومجامع فقهی زنا شمرده میشود زیرا در آن آثار صاحب اولی اش میماند واختلاط نسب بار میاید که در شریعت ممنوع وحرام است.

ثالثا: برایش جواز ندارد ومشروع نیست که اعضای اساسی بدن خود را تبرع کند ویا هبه دهد مثل سر وگردن، وقلب، واین امر خود کشی وانتحار تلقی می شود شرعا.

رابعا: برایش جواز ندارد که اعضای را از بدن خود بدهد که زندگی اش معطل شود ومعیوب ومعلول شود مثل دست وپا وچشمان وزبان.

خامسا: برایش جایز ومشروع است بلکه ثواب دارد که اعضای غیر اساسی بدن خود را تبرع کند مثلاً ناخن، گرده ورگها، وغیره اعضای که زندگی انسان را معطل نمی کند تبرع کند وتوسط این اعضاء حیات مریضان دیگر را نجات دهد، این امر ثواب واجر هم دارد.

سادسا: خرید وفروش اعضای بشری شرعا ممنوع است، لیکن می تواند که وصیت کند که بعد از وفاتش به کسی داده شود



واکسین کردن اطفال بر ضد امراض ساری یقینی به درجه واجب بودن میرسد

یکی از دوستان سوال نموده که :

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته استاد محترم
درباره قطره پولیو که به دهن اطفال میچکانند به خاطر فلج
بعضی میگویند حرام است و دیگر سخنان میگویند آیا شما
تحقیق کرده اید؟

الحمد لله والصلاة والسلامة على رسول الله، أما بعد:

واکسین کردن و قطره انداختن در دهن اطفال بخش
مهم از تداوی به شمار می رود که در مجموع این تداوی را
فقهای معاصر مستحب شمرده اند، اما در مناطق که امراض
فالج وشل و غیره منتشر باشد و در صورت که اطفال واکسین
نشوند به امراض گوناگون مبتلا شده و بالاخره معیوب بار
میایند درین صورت فقهاء قطره دهن ویا واکسین پولیو
و غیره واکسین های مرحله وار را درجه واجب داده اند زیرا
حفاظت نفس انسان از هلاکت واجب است، تساهل و سهل
انگاری در قسمت واکسین کردن بر ضد امراض ساری حرام
و جرم پنداشته می شود، و مسلمان بعد از توکل کردن به الله
متعال از گرفتن و برابر کردن اسباب دنیائی نیز غافل نباشد.

لیکن اگر معلوم شود کہ بعض واکسینہا مشتمل بر بعض مکونات مواد حرام خصوصاً روغن وچربی خنزیر باشد ومسألہ یقینی باشد واین مواد حل نشده باشد وتصفیہ نشدہ باشد وداکتران مسلمان نظر بدهند درین صورت باید کہ ازین نوع واکسین اجتناب شود رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمودہ است کہ: "إن الله أنزل الداء والدواء، وجعل لكل داء دواء فتداووا ولا تداووا بحرام"^۱ این بندگان اللہ تداوی کنید از مریضی لیکن بہ وسیلہ ودوای حرام تداوی نکنید، البتہ علماء در حالات ضرورت شدید کہ نفس مسلمان ہلاک نشود تداوی را با وسائل حرام ہم جواز دادند بہ اندازہ ضرورت فقط.



در کدام حالت سقط دادن طفل شکم مادر جواز دارد؟

یکی از دوستان سوال نموده :

سلام مولانا صاحب بزرگوار امید است کہ صحت داشته باشید.

^۱ - سنن أبي داود، كتاب الطب، باب في الأدوية المكروهة، رقم الحديث: (۳۸۷۴)، (ج ۴ / ص ۷).

در مورد سقط جنین میخواستیم بپرسیم که در کدام حالات مجاز است با ذکر نظر جمهور فقهاء و فقهای احناف و رای راجح اگر بصورت تفصیلی توضیح بدهید ممنون میشوم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

سقط دادن طفل در شکم مادر جواز ندارد خصوصاً بعد از اینکه روح دمیده شود و خلقت انسانی را داشته باشد، و قتل نفس شمرده می شود.

لیکن در هر مرحله از حمل اگر داکتران طب نظر بدهند که حیات خانم حامله در خطر است بخاطر حمل، و مسأله حقیقت و متحقق باشد و حرف و نظریه احتمالی نباشد درین صورت کشیدن طفل از شکم مادر جواز دارد و مشروع است زیرا مادر اصل است و طفل فرع، لیکن قبل از کشیدن طفل و سقط کردن آن باید همه کوششهای طبی بخرچ داده شود که اگر راه دیگری برای نجات دادن حیات مادر پیدا و جستجو شود بغیر از سقط حمل، و اگر هیچ راه نباشد غیر از این، درین صورت مجامع فقهی این امر را جواز دادند و مشروع دانستند.

فقهاء به این نظر هستند که سقط دادن طفل شکم مادر (جنین) حتی در مراحل اولی آن اگر بخاطر ترس

و خوف از تربیه و خرابی حالت اقتصادی باشد جواز ندارد زیرا که این عمل بدگمانی در حق الله متعال است که او تعالی رزق و روزی دهنده میباشد، الله متعال، و مخالف رهنمود های قرآنی است، الله متعال منع کرده از سقط حمل و طفل شکم مادر به سبب ترس از خرابی حالت اقتصادی و فرموده است: "لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا، وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ"^۱.

اولادهای تانرا از ترس رزق و روزی نیافتن نکشید و قتل نکنید که که کشتن و قتل کردن آنان گناه بزرگ است و اگر از فقر و تنگدستی میترسید ما آنها را و شما رزق و روزی میدهیم و او تعالی دانا و با حکمت است.



فیصدی گرفتن در بدل نسخه دادن به دواخانه خاص

یکی از دوستان سوال نموده که:

داکتران از کمپنی های دوا فروشی فیصد اخذ میکنند در بدل نسخه دادن ادویه شان چی حکم دارد در شریعت؟

^۱ - سورة الإسراء، آیت: ۳۱-۳۲.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این عملکرد داکتران جواز ندارد زیرا دواهای بی کیفیت وجعلی ومزور وخراب را هم می دهند، وداکتر صاحبان وطیبیان محترم مشاورین مردم هستند ومردم به آنها مراجعه میکنند وباید به آنها خیانت نکنند، رسول الله صلی الله علیه وسلم: "المستشار مؤتمن"^۱ مستشار ومشاورات امانت کار وصادق است.

در معامله غش وتزویر وبی انصافی وترویج دادن وفروختن دواهای نادرست وغیر اصلی وجعلی شامل است، که این حرام است وبه ضرر مردم تمام می شود.

داکتر صاحبان باید اخلاقیات وآداب پیشه طب را مراعات کنند که همانا امانتکاری وصدقت است.

عین حکم را کمیشن کاری در معاینه لابراتواری واکسری ومعاینه تلویزیونی دارد.



^۱ - سنن أبي داود، أبواب النوم، باب في المشورة، رقم الحديث: (۵۱۲۸)، (ج ۴)، ص (۳۳۳).

حکم فروختن خون به مریضان محتاج به خون

یکی از دوستان سوال نموده که :

آیا جواز دارد که برای مریضان محتاج خون فروخته شود ؟

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبی بعده وبعد:

فروختن خون جواز ندارد زیرا خون نجس است، الله متعال فرموده است: "حرمت عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير"^۱ خود مرده و خون و گوشت خوک و خنزیر بر شما حرام شده و حرام است و در حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که: "إن الله عز وجل إذا حرم على قوم أكل شيء حرم عليهم ثمنه"^۲ الله عز وجل هنگامی که چیزی را بر یک قوم حرام کرد پول و پیسه و قیمت آنرا نیز حرام نموده.

و در حدیث صحیح که امام بخاری در صحیح خود ذکر کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم از گرفتن قیمت و مول و پیسه خون منع کرده، "إن رسول الله صلی الله علیه

^۱ - سورة المائدة، آیت: ۳.

^۲ - سنن أبي داود، أبواب الإجارة، باب في ثمن الخمر والميتة، رقم الحديث: (۳۴۸۸)، (ج ۳، ص ۲۸۰).

وسلم نهی عن ثمن الدم" ^۱، زیرا خون بخش از بدن انسان است که ملکیتش بدست خود انسان نیست.

لیکن خون دادن بدون فروختن ثواب دارد.

ونیز کسی که ضرورت به خون دارد برایش جواز دارد که بخرد وگنااهش بالای فروشنده می شود نی بالای خریدار ضرورت‌مند.

وهمچنان اگر خون دهنده بخاطر خون دادن بعضی مصارف کرده باشد و تا به شفاخانه رفته باشد و بعضی سامان آلات طبی برای خون دادن خریداری کرده باشد برایش جواز دارد که قیمت این سامانها را بکیرد.

واگر کسی بعد از کمک گرفتن از شخص دیگر مبلغی را بدهد بنام تحفه و کمک به نیت صدقه جواز دارد به هر دو طرف، این در فروش حساب نمی شود، بلکه یک تشویق است به کارهای خیر.



^۱ - صحیح البخاری، کتاب البیوع، باب ثمن الکلب، رقم الحدیث: (۲۲۳۸)، (ج ۳،

واکسین نمودن اطفال بخاطر امراض ساری

یکی از دوستان سوال نموده :

استاد محترم درباره قطره پولیو که به دهن اطفال میچکانند به خاطر فلج بعض میگویند حرام است و دیگران میگویند واجب است آیا شما تحقیق کرده اید؟

الحمد لله والصلاة والسلامة على رسول الله، أما بعد:

واکسین نمودن و قطره انداختن در دهن اطفال بخش مهمی از تداوی بشمار می رود که در مجموع این تداوی را فقهای معاصر مستحب شمرده اند، اما در مناطقی که امراض فالج وشل و غیره منتشر باشد و در صورتی که اطفال واکسین نشوند به امراض گوناگون مبتلا شده و بالاخره معیوب بار می آیند در این صورت فقهاء قطره دهن و یا واکسین پولیو و غیره واکسین های مرحله وار را درجه واجب داده اند زیرا حفاظت نفس انسان از هلاکت واجب است، تساهل و سهل انگاری در قسمت واکسین کردن بر ضد امراض ساری حرام و جرم پنداشته می شود. و مسلمان بعد از توکل به الله متعال از گرفتن و برابر کردن اسباب دنیایی نیز غافل نباشد.

لیکن اگر معلوم شود که بعض واکسینها مشتمل بر بعض مکونات مواد حرام خصوصا روغن و چربی خنزیر باشد

ومسأله يقينى باشد واين مواد حل نشده باشد وتصفيه نشده باشد وداکتران مسلمان نظر بدهند درين صورت بايد که ازين نوع واكسين اجتناب شود رسول الله صلى الله عليه وسلم فرموده است: "تداووا ولا تداووا بحرام" ^۱، اى بندگان الله تداوى کنید از مريضى ليکن به وسيله ودواى حرام تداوى نکنيد، البته علماء در حالات ضرورت شديد که نفس مسلمان هلاک نشود تداوى را با وسائل حرام هم جواز دادند البته به اندازه ضرورت فقط.



مريض سرطان خواهش دواهاى را دارد که زودتر بميرد

يکى از داکتران علاقمند مسائل دينى سوال نموده:

آيا اگر مريض سرطان از داکتر معالج خود بخواهد که دواهاى را بدهد که زودتر بميرود داکتر در اين حالت چى کار کند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای مريض جايز ومشروع نيست که بخاطر تسريع مرگ ووفات خود عجله کند وخود کشى نمايد ويا اينکه

^۱ - سنن أبي داود، كتاب الطب، باب في الأدوية المكروهة، رقم الحديث: (۳۸۷۴)، (ج ۴، ص ۷). حکم الألباني: ضعيف.

توسط ادویه خود را بقتل برساند، زیرا این کارش انتخار و خود کشی پنداشته میشود که حرام است.

همچنان برای داکتران معالج جواز ندارد که مریضان را در خود کشی همکاری نمایند زیرا که در این حالت آنها در قتل شان شریک جرم پنداشته می شوند، و باید از دادن ادویه کشنده و قاتل خود داری نمایند حتی ولو بدانند که مریض از این مرض نجات نمی یابد، الله متعال در قرآن کریم از قتل نفس بدون وجه حق تحدیز نموده و فرموده است: "وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا، وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا"^۱.

خود کشی نکنید و نفس های خود را نکشید، الله متعال شما را شامل رحمت خود میسازد، و کسی که خود کشی می کند و کسی را به ناحق و ظلم و تجاوز گری بقتل میرساند آنها را در آتش دوزخ به آسانی داخل میکنیم.

خود کشی و انتحار گناه کبیره و بزرگ است، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که با همان وسیله و آله که خود کشی کرده در روز قیامت با همان آله عذاب می شود

^۱ - سورة النساء، آیت: ۲۹-۳۰.

و در در حدیث صحیح متفق علیه فرموده است: "مَنْ قَتَلَ
نَفْسَهُ بِشَيْءٍ فِي الدُّنْيَا عَذَبَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ"^۱.

شخصی که خود کشی کرده با همان آله ووسيله که
خود کشی کرده در آخرت هم عذاب می شود، و نیز در
حدیث صحیح دیگری آمده که کسی خود را از کوه انداخته
باشد، و یا زهر نوشیده باشد و یا با چاقو و تیغ خود کشی
کرده باشد توسط همین وسائل و آلات در روز قیامت عذاب
می شود و جایگاهش برای ابد دوزخ میباشد.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم جنازه کسی را که خود
کشی کرده بود نخواند تا اینکه مردم را از این گناه کبیره
و برگ زجر و تحذیر نماید.. لیکن برای صحابه اجازه جنازه
خواندن را داد، و سنت این است که مسلمان از نماز جنازه
خواندن انسان که خود کشی کرده ابا و ورزد.



^۱ - صحیح البخاری، کتاب الأدب، باب ما ینهی من السباب واللعن، رقم الحدیث:

(۶۰۴۷)، (ج ۸، ص ۱۵).

اهداء کردن اعضاء بدن مسلمان برای غير مسلمان جائز نیست

یکی از هموطنان عزیز ما مقیم جرمنی چنین سوال
نموده :

اهدای اعضاء بدن بعد از مرگ در دین مبین اسلام
حکم اش چیست؟

امروز از بیمه صحتی خود مکتوبی بدست آوردم که از
من خواسته است تا برضایت خود را در لیست کسانی که
اهدای اعضاء بدن را میکنند نام خود را درج کنم بناء
خواستم از شما حکم شرعی اش را بدانم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای مسلمان جایز نیست که اعضاء بدن خود را بعد
در زندگی و یا بعد از وفات به غیر مسلمان تبرع و اهداء کند
و تحفه بدهد زیرا با این اعضاء غیر مسلمان تقویت شده و به
الله متعال شرک می آورد و در روز قیامت همین اعضاء
بدنش عذاب می بیند و بخش از جسم غیر مسلمان میگردد.

و این است قواعد و ضوابط شرعی اهداء نمودن اعضاء
جسم انسان:

اولا: برای مسلمان جواز ندارد که اعضای تناسلی جسم خود را به کسی تبرع و هبه و یا به شکل همدردی بدهد.

ثانیا: برایش جواز ندارد و مشروع نیست که اعضای اساسی بدن خود را تبرع کند و یا هبه دهد مثل سر و گردن، و قلب و این امر خود کشی و انتحار تلقی می شود شرعا.

ثالثا: برایش جواز ندارد که اعضای را از بدن خود بدهد که زندگی اش معطل شود و معیوب و معلول شود مثل دست و پا و چشمان و ربان.

رابعا: برایش جایز و مشروع است بلکه ثواب دارد که اعضای غیر اساسی بدن خود را تبرع کند مثلا ناخن، گورده و رگها، و غیره اعضای که زندگی انسان را معطل نمی کند تبرع کند و توسط این اعضاء حیات مریضان دیگر را نجات دهد، این امر و ثواب و اجر هم دارد.

خامسا: خرید و فروش اعضای بشری شرعا ممنوع است، لیکن می تواند که وصیت کند که بعد از وفاتش به کسی داده شود.

سادسا: برایش جایز و مشروع است که در وصیت نامه بنویسد که همه اعضای بدن خود را اساسی و غیر اساسی را بغیر از اعضای تناسلی بعد از وفات اهداء می کند برای مسلمان مریض.

حکم تلاش کردن برای بلند شدن قد و قامت

یکی از هموطنان از شهر کابل سوال نموده:

استاد محترم آیا با استفاده از دوا و یا توسط تمرینات ورزشی بلند کردن قد جواز دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شریعت حرج و مانع نیست که انسان - چپى مرد باشد و یا زن - با شیوه های مختلف از جمله استفاده نمودن از دوا و یا توسط تمرینات ورزشی و سپورتی بخاطر بلند شدن قد و قامت خود تلاش نماید لیکن این شروط را در نظر داشته باشد:

۱- این اقدامش به اعتقاد اعتراض به قضا و قدر نباشد.

۲- در خلقت الهی که او را خلق نموده تغییر نیاورد.

۳- ادویه ای را که استعمال می کند حلال باشد و مشتمل بر مواد حرام نباشد.

در عین حال مسلمان باید دعاء کند که الله متعال همراه با قد و قامت زیبا اخلاق نیکو نیز نصیبش گرداند، در حدیث صحیح از خلیفه دوم مسلمانان عمر بن الخطاب رضی الله عنه ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم

این دعاء می خوانند: "اللهم اجعل سریرتی خیرا من علانیتی، واجعل علانیتی صالحه"^۱.

پروردگارا اعمال باطنی و خفیه مرا نیکو بساز از حالت ظاهری ام، نیز شکل ظاهری ام را نیکو بساز که مطابق شریعت باشد.



کار کردن در بخش بازار یابی دواهای جعلی و بی کیفیت حرام است

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر جلال آباد سوال نموده :

من در بخش بازار یابی با یک شرکت دوا فروشی کار میکنم و برایم فیصدی میدهد لیکن اکثرا دواهای جعلی و بی کیفیت را از کشور همسایه وارد میکنند و از ما می خواهد که در قسمت فروش آن کار کنیم آیا معاش و فیصدی ما حلال است؟

^۱ - سنن الترمذی، أبواب الدعوات عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، رقم الحدیث:

(۳۵۸۶)، (ج ۵، ص ۵۷۳).

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

از اینکه وظیفه داشتن و کار کردن در بخش طب و صحت عامه مسئولیت بس برزگ بشمار می‌رود که مستقیماً به سرنوشت و صحت انسانها تعلق دارد باید شرکت‌های های دوا فروشی و دوا فروشان و کارمندان آنها اخلاقیات این وظیفه انسانی را مراعات نمایند و مسئولیتهای شانرا بدانند و بخاطر بدست آوردن مفاد و پول و پیسه با سرنوشت انسانها بازی نکنند.

همکاری کردن در فروش دواهای بی کیفیت و جعلی حرام میباشد فیصدی و معاش و مفادی که از این راه بدست میاید حرام است.

این نوع عملکرد همکاری در کارهای زشت و ناویرا است که شریعت از آن منع کرده، الله متعال فرموده، "ولا تعاونوا علی الإثم والعدوان"^۱ در کارهای که در آن حرام خوری، حق تلفی و گناه باشد همکاری نکنید.

در عین حال این نوع فیصدی و مفاد خوردن مال مردم به باطل است که شریعت از آن جدا منع نموده، الله متعال

^۱ - سورة المائدة، آیت: ۲.

در قرآن کریم فرموده است: "یا أيها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض منکم"^۱.

ای مؤمنان مالهای همدیگر را به باطل نخورید مگر اینکه تجارت حلال و به رضایت کامل در بین تان باشد.

نیز فروش و همکاری در فروش دواهای جعلی و بی کیفیت غش و تزویر شمرده میشود که شریعت اسلامی بزبان رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن تحذیر نموده و آنرا حرام شمرده و کسانی در این کار ملوث هستند از جمله امت خود ندانسته و فرموده است: "من غشنا فلیس منا"^۲.

البته کار کردن با دوا فروشی های معیاری و سوق دادن مریضان بطرف آنها کار خوب و خیر است که بخش از وظایف و واجبات دوا فروشان و کسانی که بازار یابی میکنند را تشکیل میدهد و در آن باکی ندارد و در این حالت کار شان حلال است.



^۱ - سورة النساء، آیت: ۲۹.

^۲ - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب قول النبی صلی الله علیه وسلم: «من غشنا فلیس منا»، رقم الحدیث: (۱۰۱۰)، (ج ۱، ص ۹۹).

د غابونو ترميمول څه حکم لري؟

په ورځيني ژوند کې يو له هغو مهمو پوښتنو څخه چې د ځينو لوستونکو سره د هغوي په ذهن کې راڅرخيږي، داده چې: د غابونو ترميمول څه حکم لري او آیا دا کار خو به د الله تعالی (جل جلاله) په خلقت کې د تغير معنا نلري؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما

بعد:

د پورتنۍ پوښتنې په ځواب کې بايد دومره ووايو چې: کله کله داسې حالت رامنځ ته کيږي چې د يوتن غابونه په طبيعي ډول په خوله کې کاره را لوی شوي وي، پداسې شکل سره چې يا خو ډېر مخکې وي او يا هم ډېر وروسته وي؛ نو په دې صورت کې اړتيا ليدل کيږي تر څو دا ډول گډ وډو غابونه ترتيب او ترميم شي. په عمومي توگه سره د غابونو ترميم د دوو مهمو هدفونو لپاره ترسره کيږي.

لومړی هدف: د علاج او درملنې لپاره:

دويم هدف: د وقائې او ساتنې لپاره:

په اصل کې د بې ترتيبه غابنونو ترتيبول يو ځانگړي فن او جلا پوهې ته اړتيا لري. ځينې وخت وينو چې د يو انسان غابنونه په طبيعي ډول سره کاره رالوی شوي وي، يا هم دا غابنونه کله دومره گڼ وي چې په خوله کې يې گډ وډي رامنځ ته کړي وي او يا کله داسې حالت هم رامنځ ته کيږي چې د انسان په ژامه کې پورتنې غابنونو د لاندینيو غابنونو سره بالکل جوخت او برابر راشي؛ نو پدې په حالت کې انسان له يو لړ ستونزو سره مخامخ کيږي، لکه: ډوډۍ سمه نشي خوړلی او دې ته اړ ويستل کيږي ترڅو خپل غابنونه ترميم کړي. اوس به راشو د اسلامي فقهيې په رڼا کې د غابنونو د ترميمولو حکم ته چې په لنډه توگه سره به يې له تاسو قدرمنو لوستونکو سره شريک کړو:

د غابنونو د ترميمولو فقهي حکم:

مونږ مخکې هم يادونه وکړه چې کله کله د ځينو انسانانو غابنونه په خوله کې په غير منظمه توگه سره رالوی شوي وي (يا خو غابنونو کې سوري رامنځ ته شوي وي چې وراسته ځايونه يې لری کيږي او بيا د يو ډول موادو په مرسته بېرته دا تش ځايونه ډکيږي)؛ نو پدې صورت کې د علاج او يا هم د داسې عيب د له منځه وړلو لپاره د

غابونو ترميم ته اړتيا ليدل کيږي تر څو د خلکو پر وړاندې بدرنگه بنکاره نشي.

پدې صورت کې بايد ووايو چې د غابونو ترتيبول روا گڼل کيږي، ځکه دا کار د تدوي لپاره ترسره کيږي او انسان ته روا دي چې د ضرر مخه ونيسي او له دې ډول عيبونو څخه د خلاصون په موخه د خپلو غابونو درملنه وکړي.

لکه څرنگه چې د چنيجو خوړلو غابونو ويستل روا دي او يا هم د خولې د هغو غابونو چې ډوډۍ نشي ژوول کيدلې د هغې ترميمول او يا ډکول درست کار دی (د غابونو ډکولو طريقه يو له مروجو او گټورو لارو څخه ده چې يو انسان کولی شي د ژوند په هره مرحله کې له ماشومتوب څخه نيولې تر لويوالي پورې له دې لارې څخه استفاده وکړي)؛ نو په همدې ترتيب سره د غير منظمو غابونو ترميمول هم جائز عمل گڼل کيږي.

دا خبره هم بايد واضحه وي چې که چيرې د غابونو د ترميم لپاره يو لړ اجراءاتو ته هم اړتيا وي؛ نو دا هم څه پروا نلري، لکه کله داسې حالت هم رامنځ ته کيږي چې کله يو انسان دا کار د يو لړ ضروريتونو پر اساس ترسره کوي، لکه د مثال

په ډول: انسان نشي کولی یو څه وځوري، غاښونه پې وي، خو چينجو ترې وهلی وي، يا د بې نظمه غاښونو له کبله پې خوله بې ډوله ښکاري؛ نو پدې صورت کې د غاښونو علاج کول، ترميمول او يا هم د بدشکلۍ د له منځه وړلو لپاره هلې ځلې کول او يا د نور غاښونه کېښودلو عمل يو روا عمل دی. په پای کې به د ځان د ښکلا په موخه په غاښونو کې د تغير راوستلو په اړه يو لنډ نظر له تاسې سره شريک کړو: کله داسې حالت هم رامنځ ته کېږي چې يو انسان د خپل ځان د ښکلا لپاره دا کار ترسره کوي؛ نو پدې صورت کې ماته غوره داسې ښکاري چې دا کار جواز نلري او ښه به وي چې انسان ځان ترې وساتي، ځکه اسلامي شريعت په غاښونو کې يو ډول تغير راوستل ناروا گڼلی دی، لکه: د غاښونو نازک جوړول، د غاښونو تر منځ فاصله پيدا کول او داسې نور کارونه يو له هغو کارونو څخه دي چې د هغې په اړه په اسلامي شريعت کې منع راغلی ده او دا کار بېهوده کار گڼل شويدي او په عين وخت کې دا کار د الله تعالی په خلقت کې د تغير په جمله کې هم راځي.

دا هغه پوښتنه وه چې د الملتقى الفهقى وېب پاڼې د فيس بوکي صفحې د قدر منومينه والو څخه

یوی خور پو بنتلی وه او مونبر هم د استفادی لپاره
له تاسو قدر منو لوستونکو سره شریکه کړه.



تبدیل کردن ویا به کرایه گرفتن رحم (تخم دان) خانمها

یکی از هموطنان عزیز که جهت تداوی به کشور هندوستان رفته وداکتران توصیه نموده که اطفالش معیوب بار میاید باید برای خانم خود از خانم دیگری تخم دادن بخرد و بیندازد، آیا این نوع تداوی در شریعت اسلامی جایز است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فقههای مجامع فقهی به این اتفاق دارند که تبدیل کردن ویا به کرایه گرفتن رحم و تخم دان خانمها جایز و روا نیست بلکه حرام است، زیرا در این نوع تداوی اختلاط نسبها بار میاید، شوهر این خانم در زنا واقع میشود، روابط نسبی و خونی انسان از بین میرود.

کسانی که خانمهای شان عذر دارند و قادر به حمل و باداری نیستند ویا اینکه اطفال شان بدنیا معیوب میاینند به قضا و قدر الهی راضی باشند و شریعت برای شان اجازه داده

که ازدواج دومی بکنند بعوض اینکه مرتکب حرام شوند
و بتداوی حرام رو بیاورند.



نوشتن اسماء اشخاص بر روی بوتلهای لابراتواری مواد غائطه

یکی از خواهران از شهر کابل سوال نموده :

استاد محترم من در شفاخانه منحیث داکتر لابراتوار
وظیفه دار هستم و معاینات لابراتواری را که انجام میدهم
اکثر معاینات خون، ادرار، مواد غائطه است تا اینکه وسیله
تشخیص امراض شود و در ستیکر این بوتلهای نامهای که
دارای اسماء الله است نوشته میکنم مثلاً عبد الله و عبد
الرحمن، عبدالقدیر، درحالی که مریضاض این بوتلهای را با
خود در تشناب میبرند، لطفا رهنمایی کنید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولاً: این جای بس افتخار است که خواهران و برادران
هموطن ما در هر بخش که کار میکنند و وظیفه دار هستید
متوجه هستند که در کارشان رضای الله متعال را کسب
نمایند و سبب ناخوشنودی او تعالی نشوند و حتی مسائلی را
که باریکی دارد نیز مطرح می نمایند.

ثانیا: نصوص شریعت امر نموده که آیات قرآن کریم، اسماء الله الحسنی واحادیث نبوی وآثار صحابه باید تعامل محترمانه گردد واین واجبی والزامی است، ودر جاها وکارهای استعمال واستخدام نشود که خارج از اغراض ومقاصد اصلی آن باشد تا اینکه مورد اهانت وبی حرمتی قرار نگیرد.

ثالثا: در چنین موارد که بهتر است که یک بخش اسم ونام مریض نوشته شود که شامل اسماء وصفات الله متعال نباشد ونیز نمبر وشماره درج گردد تا اینکه رد وبدل نشود ومعاینه یک مریض به مریض دیگر نورد.

رابعا: در حالت مجبوری که انسان نتواند از این کار خلاصی داشته مثلا در پاسپورت وتذکره وکارت هویت نوشته می باشد الله متعال عفو میکند و- الغفور الرحیم - است، اما اگر قصدا بکند این کار وعملکردش مکروه است.



خوردن دواي که جيلاتين (Gelatin) خنزيري داشته باشد

یکی از خواهران از کابل چنین سوال نموده:

استاد در مورد کپسول های روغن ماهی که توسط جلاتین پوشیده باشد سؤال داشتم که آیا خوردن این دوا

برای تقویت جوار دارد ی خیر، چون این دواها اکثر شان از ممالک غیر اسلامی وارد میشوند و معلوم نیست که جلاتین حرام است یا حلال؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اغذیه وادویه ای که ماده جیلاتین (Gelatin) خنزیری و خوک داشته باشد حرام است و خوردنش جائز نیست، زیرا این دواء و غذای است که بدائل مباح دارد و از حیوانات حلال و مباح هم استخراج شده می تواند که به طریقه شرعی ذبح شده باشد، و خیر و برکت در حلال است نه در حرام.

اما اینکه از کشور غیر اسلامی وارد شده و معلوم نیست که جیلاتین خنزیری دارد یا نه باید احتیاط شود زیرا کشورهای اروپایی اکثر جیلاتین خنزیری را در هر غذاء و دواء استعمال می کنند و ترک کردنش بهتر است که مسلمان در حرام واقع نشود.



نصب کردن نگین زینت در دندانها برای خانمها جایز است

یکی از خواهران هموطن ما که در بخش طب دندان وظیفه دارد از شهر کابل سوال نموده:

استاد بزرگوار آیا نصب نمودن نگین زیب و زینت در دندان برای خانمها جایز است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فقههای معاصر به این نظر هستند که در نصب نمودن نگین زینت طلا و نقره، در دندانهای خانمها حرج شرعی نیست زیرا اصل در این نوع مسائل مباح بودن است و کدام دلیل بر حرام بودن آن وجود ندارد تنها این توصیه را در نظر داشته باشند که به حد اسراف نرسد، نیز این نوع زینت و آرایش دندانها نزد دکتوران و طبیبان زن انجام شود، واصل مواد نگین حرام نباشد، و رفتن نزد دکتوران مرد نامحرم بخاطر زینت و آرایش دندان جایز نیست.



**در نتیجه غلطی داکتر دخترک وفات نموده، مسؤلیت بدوش
کی است شرعا؟**

یکی از دوستان از شهر کابل سوال نموده :

دیروز یک داکتر که کلینیک دارد دخترک ۱۲ ساله را که گوش درد بود پیجکاری کرده که وفات شد بعد از پیجکاری، آیا داکتر مسؤل است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

علم طب چون به تداوی و علاج و معالجه مردم تعلق دارد از اینرو به امانت کاری و التزامات اخلاقی بیشتر ضرورت دارد، طبابت و معالجه و تداوی مریضان تنها از نظر اقتصادی و بدست آوردن پول و پیسه هدف انسان نباشد.

اما آمدیم به جواب سوال که اگر داکتر علم و تخصص طب را نخوانده باشد و طبابت دروغین کند درینجا او صد فیصد مسؤلیت جنائی دارد و مجرم شناخته می شود و باید دیت طفل به خانواده اش بدهد.

و اما اگر واقعا طبیب بوده و در علم طب تخصص داشته است لیکن او نیز بشر است اشتباه می کند درینجا دیده شود که چی نوع اشتباه رخ داده آیا در تشخیص و اندازه مرض بوده و یا در دادن و خورانیدن دواى غلط که این حالت مسؤلیت جزوی دارد نه کامل، اما اگر مریض اصلا به مرض خطرناک مبتلاء بوده و قابل علاج نبوده در این حالت داکتر صاحب مسؤلیت ندارد و خانواده دخترک به قضاء و قدر تسلیم شوند.

و اگر داکتر نامنهاد است و صلا رشته و تخصص طبابت را نخوانده و به نادانی و جهالت کامل مردم را تداوی میکند و تنها هدف اقتصادی داشته باشد اینجاست که معامله مجرم

شود، اما ما بقى غلطیها باید در مورد آن تحقیق صورت گیرد.



د جنین سقط کول، حتی که په لومړیو پړاونو کې هم قرار ولري (د روزنې او خراب اقتصادي حالت له وپړې) حرام دي.

په جرمني کې یوه اوسېدونکي هیوادوال مو پوښتنه کړې ده:

زموږ له خپلوانو څخه یو تن چې په آلمان کې ژوند کوي درې ماشومان یې درلودل، درې میاشتی کېږي چې څلورم یې هم پیدا شوي دی.

اوس د څلورو میاشتو له تېرېدو څخه وروسته یې مېرمنه متوجه شوې ده چې حمل لري، مگر د زیاتو مصروفیتونو او څلورو اولادونو د درلودلو په سبب هغوی په دې ماشوم راضي نه دي، که د شرعي لحاظه ستونزه نه وي آیا کولای شي هغه سقط کړي؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د جنين سقط كول، حتى كه په لومړيو پړاونو كې هم قرار ولري (د روزنې او خراب اقتصادي حالت له وېرې) جواز نه لري ځكه چې دا كار د الله تعالى (چې رزق او روزي وركوونكى دى) په حق كې بدگماني ده. او هم د قرآنې لارښوونو خلاف عمل دى، الله تعالى فرمايي: "لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا، وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ"^۱ خپل اولاد مو د رزق او روزي د نه موندلو له وېرې مه وژنئ، چې د هغوى له منځه وړل او وژل لويه گناه ده او كه له فقر او تنگ لاسي څخه ويريرئ مور هغوى ته او تاسو ته هم روزي دركوو؛ او الله تعالى پوهه او د حكمت خښتن دى.

د ماشوم سقط، په ځانگړي ډول وروسته له دې چې روح پكې اچول شوى وي او انساني خلقت ولري، حرام او د نفس قتل گڼل كېږي.

مگر كه د حمل په هره مرحله كې ډاكتران نظر وركړي چې د حمل په سبب د مور ژوند په خطر

^۱ - سورة الإسراء، آيت: ۳۱-۳۲.

کي دی، او د حامله بنځې د هلاکت د خطر مسئله یقیني او حقیقت وي او احتمالي خبره او نظریه نه وي، نو په دې صورت کې د ماشوم ویستل له بطن څخه جواز لري او مشروع دي ځکه چې مور اصل او ماشوم فرع دی.. لیکن د ماشوم له ویستلو مخکې باید ټول طبي کونښنونه او هڅې په کار واچول شي چې که چیرته د مور ژوند ته د خلاصون ورکولو لپاره د حمل له سقط کولو پرته بله لار ولټول شي .. او که له دې پرته بله هیڅکله لاره نه وي نو بیا په دې صورت کې فقهي جوامعو دې کار ته جواز ورکړی او مشروع یې بللی.



تداوی با حجامت ویا شاخک

برادر یکی از هموطنان عزیز ما از ولایت بغلان خواهش نموده که رهنمائی شرعی در مورد تداوی با شاخک تحریر نماییم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

هدف از تداوی با حجامه ویا شاخک کشیدن خونهای فاسد از بدن میباشد که وجودش سبب آزار واذیت انسان می گردد، واین نوع تداوی در سنت قولی و عملی رسول الله

صلی الله علیه وسلم ثابت است، زیرا رسول الله صلی الله علیه توسط حمامه خود را تداوی نموده، نیز در صحیح مسلم از جابر بن عبد الله رضی الله عنه ثابت است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده است: "إن كان في شيء من أدويتكم خير ففي شرطة محجم أو شربة من عسل" ^۱.

اگر در چیزی از دواهای شما خیر و فایده و بهتری باشد پس در شاخک حکیم حمامه کننده و نوشیدن عسل این خیر است.

همچنان در حدیث صحیح نزد امام بخاری که ابوهیرة رضی الله عنه روایت کرده رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "إن كان في شيء مما تداوون به خير ففي الحجامه" ^۲.

در شیوه های که تداوی میکنید خیر و بهبودی و بهتری در انجام دادن حمامه و شاخک است.

لیکن فقهای معاصر بخاطر انجام این نوع تداوی شروط ذیل را ذکر نموده اند:

۱ - صحیح مسلم، کتاب السلام، باب لكل داء دواء واستحباب التداوي، رقم الحدیث: (۲۲۰۵)، (ج ۴، ص ۱۷۲۹).

۲ - مسند أحمد، مسند المكثرين من الصحابة، مسند أبي هريرة رضي الله عنه، رقم الحدیث: (۸۵۱۳)، (ج ۱، ص ۲۰۳).

۱- زیر نظر داکتران ماهر و متخصص انجام داده شود تا اینکه سبب قطع رگها و بالاخره هلاکت انسانها نگردد.

۲- داکتران طب نظر دهند که حالت مریض تقاضای حجامه و شاخک را دارد.. و احساس تنبلی و کسالت در جسم خود میکند، سردردی دائمی میداشته باشد، ذاکره و ذهنش نیز ضعیف میبوده باشد.

۳- کسانی که بنقص و کمبود خون مواجه باشند آنها باید حجامه نکنند.

۴- مریضی شکر و فشار بالا و یا پایین نداشته باشد .

۵- وسائلی که با آن خاشک انجام داده میشود باید نظیف و پاک و تعقیم شده باشد تا اینکه سبب انتقال امراض ساری از یک شخص به افرادی دیگری نشود.



تداوی روان شناسی

یکی از هموطنان عزیز ما از شهر کابل سوال نموده :

استاد آیا پیش داکتران روان شناس رفتن بخاطر تداوی جایز است یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بخاطر معالجه و تداوى امراض نفسى و روانى رفتن نزد
داکتران روان شناس امر مشروع و جایز است و تداوى روان
شناسى يکى از بخشهاى مهم علم طب و طبابت است و با
شريعت اسلامى در تضاد و تعارض نيست، شريعت شخص
مريض را بزبان رسول الله صلى الله عليه وسلم تشويق نموده
که تداوى نمايد و در حديث صحيح فرموده است: "ما أنزل
الله من داء إلا أنزل له شفاء"^۱.

الله متعال هيچ مرضى را خلق نکرده مگر اينکه دواى
شفايابى آنرا نيز خلق نموده است.

و در چنين موارد که انسان دچار مرض روانى و نفسى
گردد حرج شرعى نيست که انسان هر دو تداوى يعنى تداوى
قرآنى که همانا دم خواندن و رقيه شرعى است و تداوى طبى
را نزد داکتران امراض نفسى و روان شناسان آغاز نمايد.

البته علم روان شناسى از کف شناسى و فالبينى
و غيبگويى فرق دارد زيرا کف شناسى و فالبينى و غيبگويى

^۱ - السنن الكبرى للنسائى، كتاب الطب، الأمر بالدواء، رقم الحديث: (۷۵۱۳)، (ج ۷،

شرک آوردن به الله متعال است در حالیکه داکتران امراض
نفسی توسط علم تداوی می نمایند و مشوره میدهند.



د ارواپوهنې (سيکالوژي = روان شناسي) پواسطه
درملنه د طب د علم يوه مهمه برخه ده او د شريعت سره
په تضاد کې نه ده

يو هېوادوال مو له کابل ښار څخه پوښتنه
کړې ده :

استاد آيا روان شناس ډاکتر ته د تداوي په
خاطر تلل جائز دي يا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د نفسي او رواني ناروغيو د درملنې په خاطر
سيکالژيست ډاکتر ته تلل مشروع او جائزه چاره
ده؛ او رواني درملنه د طبابت د علم مهمه برخه ده
چې له اسلامي شريعت سره په تضاد او تعارض کې
نه ده.. شريعت هم ناروغ شخص د رسول الله صلی
الله عليه وسلم په ژبه هڅولی دی چې درملنه

وکړي؛ او په صحيح حديث کې فرمايلې دي: "ما
أنزل الله من داء إلا أنزل له شفاء"^۱.

الله تعالى هېڅ ناروغي نه ده پيدا کړې مگر دا
چې د هغې د شفاء درمل يې هم پيدا کړي دي.

اوپه داسې حالاتو کې چې انسان په رواني او
نفسي ناروغيو اخته شي؛ کوم شرعي ممانعت نشته
چې انسان دواړه ډوله درملنې؛ يعنې قرآني
درملنه (چې دم کول او شرعي رقيه ده) او طبي
درملنه؛ د رواني او نفسي ناروغيو د ډاکټرانو تر
نظر لاندې پيل کړي.

البته د روان شناسي علم د کف (د لاس ورغوي
او کرښې يې) شناسي، فال لېدلو او غيب ويلو څخه
توپير لري، ځکه چې کف پېژندنه، فال ليدل او
غيب ويل د الله تعالى سره شرک کول دي؛ په داسې
حال کې چې د نفسي ناروغيو ډاکټران د پوهې په
واسطه تداوي کوي او مشوره ورکوي.



^۱ - السنن الكبرى للنسائي، كتاب الطب، الأمر بالدواء، رقم الحديث: (۷۵۱۳)، (ج ۷)،

همکاری کردن داکتران در سقط دادن حمل زنان

یکی از خواهرانی که در شهر مزار ولایت بلخ معاینه خانه نسائی ولادی دارد سوال نموده:

بعض دختر خانمها وزنان در معاینه خانه ما مراجعه میکنند عذر وزاری وگریه می نمایند که دواي دهيم که حمل شان سقط شود لطفا ما را رهنمائي کنید چون در همین جای که من کلینیک دارم دهها داکتر دیگر نیز به همین مشکل مواجه هستند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

قتل نفس انسان وکارهای نامشروع از جمله سقط دادن اجنه یعنی اطفال وحمل شکم مادر بخش از طبابت نیست ولو که حمل در نتیجه نامشروع صورت گرفته باشد ویا حمل نامزادهای قبل از عروسی بوده باشد، و برای داکتران جایز نیست که حمل خانمها را سقط دهند، تنها در یک حالت که در نتیجه حمل خطر وفات یقینی مادر باشد و علم طب آنرا تشخیص داده باشد در این حالت جایز است زیرا که مادر اصل است وطفل شکم او فرع، در غیر آن داکتران باید در کارهای مخالف شریعت همکاری نکنند، الله متعال

در قرآن کریم چنین فرموده است: "وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ"^۱.

در کارهای خیر همکار کنید و در کارهای که تجاوز بر حدود الله و معصیت و گناه باشد همکاری نکنید، دوا دادن بخاطر سقط حمل و طفل شکم مادر از بدترین وزشت ترین همکاری های نامشروع است گناه آن عبارت از قتل نفس معصوم است که دیت و کفاره دارد، و اگر بعد از تکمیل شدن خلقت و تشکل جسمی طفل که بعد از ماهه شدن میباشد گناه آن بیشتر است.

معاش و کسب و کار این نوع داکتران حرام است، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ"^۲.

او تعالی اشییای پاک را برای شان حلال گردانیده و معاش و کسب و کاری را که از گناه و معصیت و نافرمانی او تعالی بدست میاید حرام گردانیده زیرا که از ناپاکی و خبائث بدست آمده است.

۱ - سورة المائدة، الآية: ۲.

۲ - سورة الأعراف، الآية: ۱۵۶.

در عین حال این نوع همکاری داکتران در نشر فحشاء و منکر و بدختیها زمینه سازی می نماید که مطلقاً حرام است.



د سقط جنین مختلف لاملونه او فقهي حکمونه

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

په کورني گډ ژوندانه کې د مېرمنې او خاوند تر منځ يو له هغو تودو مسائلو څخه چې زيات پوښتل کيږي د حمل پر مهال د جنين (د ولادت وړاندې د ماشوم) د غورځولو مسئله ده؛ او دا کار هم زيات لاملونه لري؛ لکه: کله کله دا کار د يوې اړتيا پر اساس رامنځ ته کيږي او هغه داسې چې: د مور صحي حالت او وضعيت داسې و خيم (اندېنمن) وي چې د ماشوم د رامنځ ته کېدلو په صورت کې ئې ژوند له خطر سره مخامخ کيږي، (يا همدا شان کله کله د يوې مېرمنې د ژوند حالات ددې غوښتنه نه کوي تر څو زيات اولاد ولري، مثلاً کيدای شي متعلمه يا په پوهنتون کې محصله وي؛ او هغه وغواړي زده کړې وکړي؛ او د پوهنتون له فراغت وروسته بيا وغواړي چې د اولاد څښتنه شي؛ تر څو د هغوی پالنې او روزنې

ته وزگاره وي)، همداراز كله كله بياله دې كار
 خخه د زوجينو هدف دا وي چې: والدين د اولاد
 بوج له خپلو اوږو خخه غورځول وغواړي او يا
 له دې دواړو سره ددې وپره شتون ولري چې د
 اولاد ته به بيا نفقه له كومه ځايه پيدا كوي.

درېيم لامل داسې هم كېدلى شي چې: يوه
 مېرمن ددې لپاره نه غواړي ماشومان راوړي تر
 خو تل همداسې ځوانه پاتې شي او خپله ځواني او
 بنكلا له لاسه ورنكړي او خپل صورت همداسې
 تاند او تازه وساتي؛ نو ددې كار لپاره وغواړي د
 يوې لنډې مودې لپاره د اولاد راوړلو په پروسه
 كې ځنډ راوړي.

بل لامل داسې هم كېدلى شي چې يوه مېرمن او
 خاوند يو له بل سره خورا بې كچې مينه ولري؛ او
 دوي دواړه وغواړي د واده كولو په لومړيو
 كلونو كې تر يوې مودې پورې د خپل واده خخه
 زيات خوند واخلي، او نه غواړي اولاد ولري (او
 بالخصوص كله چې دوي دواړو په لږ عمر كې
 سره واده كړى وي) او د زيات كوروالى پر بنسټ
 دواړه طرفونه پر دې هوکړه وكړي چې نور به
 اولاد نه راوړي. بل لوري ته ددې قضیې له نورو
 لاملونو خخه دا هم كېدلى شي چې: په ځينو
 كورنيو كې د يوې مور سره دا وپره په زړه كې

وي چې د اولاد په راورلو سره به يې خاوند ورته طلاق ورکړي.

نو دا پورته ټول لاملونه ټول جلا جلا فقهي احکام لري چې مونږ دلته هڅه کړېده په دې لنډه ليکنه کې د همدې مسئلې په اړه بشپړ معلومات له تاسې درنو لوستونکو سره شريک کړو؛ او پدې لاندې څو کرښو کې به د يو ورور هغې پوښتنې ته هم ځواب ورکړو کوم چې په دې اړه زمونږ څخه پوښتلي و: آيا د ۱۲۰ ورځو (خلورو مياشتو) څخه وړاندې د ماشوم سقط (غورځول) په اسلامي فقهه کې څه حکم لري؟

د پورتنۍ پوښتنې په ځواب کې بايد ووايو چې: په اسلامي شريعت کې اصل خو دادی چې؛ هر کله يوه مېرمن امېدواره شي (حمل واخلې)؛ نو په جنين کې د روح د پوکېدلو (د ۱۲۰ ورځو څخه وروسته) د هغه له منځه وړل حرام گرځول کيږي، ځکه چې د روح د پوکېدلو څخه وروسته دا جنين د يو مؤمن انسان حيثيت لري او د مؤمن انسان وژل هيڅ چاته روا ندي.

د فقهاو له نظره د جنين د اسقاط حکم: په اسلامي شريعت کې فقهاء په دې اړه (دا چې جنين بايد ونه وژل شي) هيڅ اختلاف نلري — البته که

چېرې کوم شرعي ضرورت شتون ولري، (نو دا بيا يوه جلا مسئله ده)؛ ځکه چې هر ضرورت يو ټاکلې حد لري او هر ضرورت ته په کتلو سره به ورته يو مناسب حد ټاکل کيږي.

اما که چېرې ددې مسئلې صورت حال داسې وي چې يوې مېرمنې حمل اخستى وي؛ خو د حمل د اخستلو د هماغې لومړنۍ ورځې څخه لا تراوسه په جنين کې روح نه وي پوکل شوى (او ۱۲۰ ورځې يا څلور مياشتې يې لا نه وي پوره شوي)؛ نو په دې اړه فقهاء کرام څو نظريات لري چې دلته به يې په دې ليکنه کې له تاسې درنو لوستونکو سره شريک کړو:

لومړى: د امام ابوحنيفه (رحمه الله) له نظره:

په دې اړه زمونږ د امام ابوحنيفه (رحمه الله) نظر دادى چې: هر کله که چېرې د يو ماشوم د (غورځولو څخه وروسته) د هغه د جود يوه ټوټه غوښه معلومه شي؛ نو پدې صورت کې پر انسان باندې وينځه يا غلام آزادول لازمېږي؛ اما که چيرى د غوښې په دې غورځول شوې ټوټه کې د ماشوم د خلقت او پيدايښت هيڅ اثرات وجود ونلري؛ نو پدې صورت کې يې پر غورځونکي باندې هيڅ گناه نشته.

دويم قول: په دې اړه بل نظر دادى (البته دا نظر هم د لومړي قول په څېر دى): كه چيرې د ماشوم د غوښې يوه لږه برخه هم وغورځول شي؛ نو پدې كار سره يې (مور، پلار يا بل څوك) گناهگار شمېرل كيږي. ددې خبرې لپاره دوي كره او قوي دليل هم لري او وايي چې: كه چيرې په مسجد الحرام كې يو حاجي (چې د احرام لباس يې پر تن وي) د مرغيو د ځالې هگۍ ماتې كړي؛ نو پدې كار سره به جرمانه وركوي او (پيسې او مال به ترې د ضمانت په توگه سره اخستل كيږي)، ځكه چې په حرم كې خو اصل دادى چې بنكار كول جائز ندي.

نو په عين شكل سره كه څه هم چې پدې غورځول شوي غوښه كې د ماشوم هيڅ اثرات نه ليدل كيږي؛ خو دومره ويلی شو چې دا د هغه پيدايننت اساس او پيلامه گڼل كيږي (لكه څرنگه چې د مرغۍ هگۍ د بچيو پيلامه وي) او كه چيرې دا غوښه يې پر خپل حال همداسې پرې ايښې واي؛ نو معلومه خبره ده چې يو متكامل انسان به ترې رامنځ ته شوى واى؛ نو قياساً په همدې اساس سره كه چيرې يوه مېرمن د غوښې يوه وړه ټوټه هم وغورځوي؛ گناهگاره شمېرل كيږي، خو دومره ده

چې دا گناه يې دومره حد ته نه رسيري، لکه
خومره چې د انسان د قتل گناه لويه ده. [۲].

د امام مالک (رحمه الله) نظر:

پدې اړه د امام مالک (رحمه الله) نظر دادی
چې: هر کله که يوه مېرمن د غوښې يوه لږه
اندازه (که هغه مُضغه يا علقه وي) او په هغې کې د
ماشوم يو څه نښې نښانې وي؛ نو د غوښې دا ټوټه
د جنين حکم لري او پدې کار سره به يو غلام
آزادوي. د امام مالک (رحمه الله) ځيني ملگري خو
حتی د غوښې پر ځای د وينې په غورځولو باندی
هم مور ملامته گڼي او په دې اړه وايي چې: که
چيرې يوه مېرمن يو اندازه داسې ټينگه وينه
وغورځوي چې که چېرې پر دې يوه ټوټه وينه
باندی گرمې اوبه واچول شي؛ دا وينه خوره وره
نشي (بلکه هماغسې پخپل حال باندې ټينگه پاتې
شي)؛ نو پدې صورت کې ددې ډول وينې پر
غورځولو باندې دا مېرمن مسؤله گڼل کيږي [۳].

پدې اړه د امام غزالي (رحمه الله) نظر:

امام غزالي (رحمه الله) هم د امام شافعي او امام
أبوحنيفه (رحمهما الله) په څېر نظر لري او پدې
اړه وايي چې: د انسان د وجود لومړنی پړاو چې
کله نطفه په رحم کې رامنځ ته شي او بيا د مېرمنې

اوبه ورسره گډې شي او دا نطفه ژوند کولو ته آماده شي؛ نو حتی ددې ډول (نُطفې) افساد او غورځول هم جواز نلري او ددې له منځه وړل جنایت گڼل کيږي [٤]. [امام غزالي (رحمه الله) پدې اړه دا هم وايي چې: د نارینه د نطفې او د بنځې د بيضې په مجرد يو ځای کيدو سره د ژوند قابليت پيل کيږي، ددې نطفې په هکله په لومړي سر کې جنایت کم وي خو چې څومره وخت پرې تيريږي جنایت يې لوييږي، نو ددې ژوندې موجود بايد احترام وشي].

د امام حنبل (رحمه الله) نظر: په حنبلي مذهب کې په دې اړه نظر دادی چې: که چېرې يوه مېرمن يو داسې ماشوم چې لا تر اوسه پکې د انسان شکل نه وي رامنځ ته شوی؛ نو پدې صورت کې پرې هيڅ گناه نشته، حتی که يو لړ ماهره خلک يې په اړه باندې دا خبره هم وکړي چې: پدې غورځول شوې برخه کې د ماشوم د پيدايښت يو څه علائم شتون لري؛ نو پدې صورت کې صحيح خبره داده چې: په غورځونکي مېرمنې باندې هيڅ گناه نشته؛ ځکه په اصل کې پدې حالت کې پر انسان باندې کوم مسؤليت نه رامنځ ته کيږي؛ او نه هم انسان ته نيايي چې د شک په گومانو سره خپل ذهن مصروفه او بوخت کړي [٥].

د پورتنیو خبرو خلاصه او لنډیز:

مونږ په لنډه توگه سره ویلی شو چې: د یادې مسئلې په اړه د فقهاو یاد شوي نظریات ټول په حقیقت کې د احتیاط په لوري اشاره کوي؛ او دا ټول مونږ ته د همدې خبرې بنودنه کوي چې: د ۱۲۰ ورځو یا څلورو میاشتو څخه وړاندې او مخکې له دې چې په ماشوم کې روح (ساه) وپوکل شي، د داسې یو جنین سره باید خورا له احتیاط څخه کار واخستل شي او کولی شو چې ووايو: د سقط جنین مسئله د درې علتونو او لاملونو له کبله رامنځ ته کیږي؛ لکه:

لومړی حالت: دا چې د ماشوم غورځول د یو شدید ضرورت پر اساس رامنځ ته شي؛ لکه د ماشوم په رامنځ ته کېدلو سره د مور صحت ته خطر وي، یا کوم بل داسې شرعي عذر وي؛ لکه: په یوې مېرمنې باندې جنسي تېری شوی وي؛ [مثلاً په یوه ټولنه کې د غلو، لارې شکونکو، د یو لږ او باشه (لوپرو) ځوانانو په لاس د یوې مسلمانې انجلې له عفت سره لوبې وشي او په زوره او بالجبر زنا رامنځ ته شي؛ نو پدې کار کې خو د مېرمنې څه گناه نشته — بلکه گناه په غصب کوونکي او تیري کوونکي کې ده، هغوي چې نه عقل لري او نه هم وجدان، پدې صورت کې دا

انجلی، یاد هغې کورنۍ یا ټولنه او خپلوان دا ونشي زغملای چې هغه دې حمل ولري؛ نو کولی شي چې سقط جنین وکړي، یا بل مثال: پدې اړه دوکتور یوسف القرضاوي صاحب د الجزیرې تلویزوني چینل سره په خپله یوه ویډیوي مرکه کې د نسل د کنترول تر موضوع لاندې وایي: په ډېرې خواشینۍ سره باید ووايو چې: زموږ په بوسنیایي مسلمانو خویندو هغه مهال دا ډول تیری ترسره شو. کوم مهال چې هلته جگړه روانه وه، صربي ظالمو لښکرو په بوسنیایي مسلمانو بنځو دا ډول تیرې وکړ، هغه مهال یوې بوسنیایي بنځې له ما (قرضاوي صاحب) څخه په همدې اړوند وپوښتل، ما ورته په ځواب کې وویل: که چیرې بنځه نشي کولای دا ډول حمل وزغمي، او یا یې کورنۍ نشي زغملای؛ نو دوی کولای شي چې د حمل په لومړیو څلویښتو ورځو کې دا کار وکړي؛ نو پدې صورت کې یې غورځول روا دي؛ البته ځینو علماؤ دا موده (۱۲۰) ورځو پورې هم ټاکلې ده؛ ځکه چې دا کار د یو ضرورت پر اساس رامنځ ته کیږي].

دویم حالت: دا چې د دې ماشوم د غورځولو څخه اساسي موخه او هدف د نسل کنترول ول دي؛ لکه: له دې کار څخه یې هدف د اولاد بوج له خپلو

اوبرو څخه غورځول وي او يا ورسره ددې وپره وي چې د دوي نفقه به له کوم ځای څخه پيدا کوي؛ نو پدې اړه بايد دومره ووايو چې: دا کار جواز نلري او يو ناروا کار گڼل کيږي؛ ځکه چې لوی پروردگار (جلت عظمته) مونږ له دې کار څخه منع کړي يو او پدې اړه مونږ ته لارښودنه کوي چې تاسې خپل اولاد د ولبرې او قحط له وېرې څخه مه وژنئ؛ لکه چې فرمايي: "وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ..."^١.

ترجمه: او تاسې خپل اولاد د فقر (بې وسې، مفلسۍ او ولبرې) له وېرې څخه مه وژنئ؛ مونږ تاسې او هغوي ته روزي ورکوو. [البته په عربي ژبه کې اِمْلَاق د فقر او ولبرې معنا افاده کوي]. او په بل ځای کې مونږ ته داسې لارښوونه کوي چې ارشاد فرمايي: "وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا"^٢.

ترجمه: او تاسې خپل اولاد د فقر (بې وسې او فاقي) له وېرې څخه مه وژنئ؛ همدا مونږ هغوي او تاسې ته روزي ورکوو؛ بېشکه چې د هغوي وژل

١ - سورة الأنعام، آيت: ١٥١.

٢ - سورة الإسراء، آيت: ٣١.

لويه تېروتنه (گناه) ده. [د جاهليت په زمانه کې به ځينو کافرانو خپل اولادونه وژل او د اولاد دېر بڼت څخه به پې د وېرې احساس کاوه؛ او ويل به يې چې: داسې نه چې دوي ډېر شي؛ نو بيا به مونږ د دوي خواړه او اذوقه له کومه ځايه پيدا کوو؟

د دوي دا ناوړه حرکت او ناسم باور د انسانيت او د تهذيب د ټولو اصولو خلاف تگلاره وه چې قرآنکريم په کلکه توگه سره غندلې ده؛ او مونږ مسلمانان پر دې خبره ټينگ باور لرو چې: ماشوم لا دې نړۍ ته سترگې نه وي غړولي چې د هغه روزي له پخوا څخه ټاکل شوي وي. له پورتنۍ خبرې څخه داسې څرگنديږي چې: د داسې ناوړه کار ترسره کوونکي خلک په اصل کې د لوی څښتن تعالی په رزاقیت باندې هيڅ اعتماد نلري؛ پداسې حال کې چې لوی څښتن تعالی نه يوازې انسانانو؛ بلکه حتی مرغانو، او ژونديو ژوو (څارويو) او بحري کبانو او ټولو مخلوقاتو ته روزي ورکوونکی دی] (٦).

درېيم حالت: يا داچې د سقط جنين (د ژوندي ماشوم غورځولو) څخه هدف د پورتنيو دوو حالاتو څخه يو هم نه وي — بلکه نور څه موخې او اهداف ولري — لکه: يوه مېرمن ددې لپاره

چې تر څو تل همداسې ځوانه پاتې شي او خپله ځواني له لاسه ورنکړي او خپل صورت همداسې تازه وساتي؛ نو ددې کار لپاره وغواړي اولاد بند کړي. [يا لکه څرنگه چې امام غزالي صاحب په خپل کتاب احیاء علوم الدین کې وایي: که چېرې یوه مېرمن ددې لپاره تر څو خاوند یې پرې بل واده ونه کړي اولاد زېږول ونه غواړي؛ نو دامام غزالي صاحب له نظره دا د هغې یو فاسد نیت دی].

یا بل صورت داسې هم کېدلی شي چې یوه مېرمن وغواړي له خپل خاوند سره زیات کوروالی وکړي او مېرمن یې د مینې په خیالي او رومانیتکه (Romantic) نړۍ کې همداسې ځوانه پاتې شي؛ نو ځکه ونه غواړي چې اولاد راوړي، یا له دې وېرې څخه چې د اولاد په راوړلو سره به یې خاوند ورته طلاق ورکړي؛ او یا دېته ورته داسې نور حالتونه وجود ولري؛ نو پدې صورت کې د جنین سقط (غورځول) هیڅ جواز نلري.

د پورتنیو کرښو د لوستلو وروسته کېدلای شي چې د ځینو گرانو لوستونکو په ذهن کې دا پوښتنه راولاړه شوي وي او هغه دا چې: د څلورو میاشتو یا ۱۲۰ ورځو څخه وړاندې خو په ماشوم کې روح (ساه) هم نه وي پوکل شوي او یوازې د

غوښو يوه ټوټه وي؛ نو بيا غورځول يې ولى روا نه گڼل كيږي؟

د دې پوښتنې په ځواب کې بايد ووايو چې: په اصل کې د غوښې د نه غورځولو څخه بنسټيز هدف د ماشوم په ژوند کې يو ډول مصونيت او خونديتوب رامنځ ته کول مراد دي؛ ځکه د همدې غوښې د بقاء په صورت کې يو مستقل انسان رامنځ ته کېدلى شي چې په حقيقت کې به يو مؤمن او مسلمان شخصيت ولري؛ او پدې لړ کې دا مهمه نده چې:

آيا د حمل پر اخستلو باندې ۱۲۰ ورځې تيرى شوي دي يا نه دې تيرى شوي، بلکه دا موده په حقيقت کې په ماشوم کې د روح د پوکلو لپاره يوه تعين شوى موده ده چې تر څو مونږ ته دا خبره ښه څرگنده وي چې له دې مودې وروسته په يو ماشوم کې روح پوکل كيږي او د هغه خلقت رامنځ ته كيږي او پدې لړ کې دا کوم فرق نلري چې: آيا د جنين د رامنځ ته کېدلو څخه څومره موده تيره شوېده او څومره يې لا پاتې ده، بلکه اساسي خبره داده چې: په اصل کې دا جنين د لوى پروردگار د نعمتونو څخه پر مونږ باندې يوه لويه پېرزوينه ده؛ او هر څوک چې پدې ډول مخلوق باندې ظلم او اعتداء (تيري) کوي؛ نو دا په حقيقت کې د الله

تعالی په ارادې او پرېکړې باندې یو ډول نیوکه ده؛ او دا کار د هغه (جل جلاله) د نعمتونو د ردولو په معنا سره ده؛ او یو عقلمند او هوښیار انسان هیڅکله هم دا ډول کار نه ترسره کوي.

په پای کې په خلاصه توګه سره ویلی شو چې: د ۱۲۰ ورځو د تکمیلېدلو څخه وړاندې د ماشوم غورځول هیڅکله هم جواز نلري او که څوک په قصدي توګه سره پرته له کوم شرعي عذر څخه بیا هم دا کار ترسره کړي؛ نو ګناهګار ګڼل کیږي. وَ اللهُ أَعْلَمُ. (الله تعالی خورازیات ښه پوهیږي).



برای انسان جایز نیست که اعضای بدن خود را بفروشد برساند

یکی از مولوی صاحبان محترم سوال نموده:

استاد درباره فروش اجزاء بدن مثل چشم قلوبه و غیره در حالیکه مجبور باشد که هیچ راه و چاره وجود نداشته باشد، معلومات ارائه بدهید آیا در صورتیکه به ته خط رسیده باشد جایز است یا نه؟ منتظر جواب تان استم کمی دست بجنبانید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد:

از شروط صحت فروش و جائز بودن و مشروع بودنش این است که انسان فروشنده مالک جنسی باشد که می فروشد و در حدیث صحیح که امام احمد و ابوداود روایت کرده اند رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: "ولا تبع ما ليس عندك"^۱ چیزی را نفروش که مالک و صاحبش نیستی و در ملکیت تو قرار ندارد، درین صورت فروختن چیزی که انسان مالکش نیست حرام است به اتفاق فقهاء، و اعضاء جسم و بدن انسان در ملکیت انسان قرار ندارد و برایش حرام است که یکی از اعضاء بدن خود را بفروشد، و همچنان فقهاء علت حرام بودن فروختن اعضاء جسم انسان را در این نقطه بیان کردند که انسان مکرم و معزز است نزد خداوند و در صورت فروختن برایش اهانت و بی حرمتی صورت میگیرد که این کار هم حرام شمرده می شود، خداوند متعال فرموده است: "ولقد کرنا بني آدم"^۲.

و همچنان دلیل حرام بودن این خرید و فروش این گفته شده که دروازه این تجارت اگر باز شود عواقب بسیار خطرناک دارد بالای همه بشریت و لهذا منع قرار داده شده

^۱ - سنن الترمذی، أبواب البیوع عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب ما جاء فی کراهیة بیع ما لیس عندک، رقم الحدیث: (۱۲۳۲)، (ج ۳، ص ۵۲۶).

^۲ - سورة الإسراء، آیت: ۷۰.

به دلیل "سدا للذریعة" بخاطر اینکه زندگی مردم به مخاطره نیفتد.



کمیشن گرفتن داکتران از شرکتهای دوا فروشی

یکی از داکتران علاقمند مسائل دینی سوال نموده :

بنده در یکی از شفاخانه های کابل به حیث داکتر دوره تخصص مشغول به کار میباشم.

یک تعداد دواخانه ها بعض اقسام دواء را به ما توصیه می کنند که بنویسید ، مثلا دواهای از کمپنی های خاص را بنا به هر علتی شاید باشد مثلا شاید تاریخشان کم مانده باشد یا که بخواهند فروشاتشان زیادتر شود و درمقابل به ما پیشنهاد پول یا فیصدی می کنند میخواستم بفهمم این پول یا کدام کمپیوتر و... حرام میباشد گرفتنش ؟

و همچنین بعض لابراتوارهای خصوصی نیز هستند که از ما میخواهند معاینات را به آنها روان کنیم در بدل یک فیصدی کمیشن؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

از اینکه وظیفه داشتن و کار کردن در بخش طب و صحت عامه مسئولیت بس برزگ بشمار میرود که مستقیماً به سرنوشت و صحت انسانها تعلق دارد باید داکتر صاحبان اخلاقیات این وظیفه انسانی را مراعات نمایند و مسئولیتهای شانرا بدانند و بخاطر بدست آوردن مفاد پول و پیسه با سرنوشت انسانها بازی نکنند.

همکاری کردن در فروش دواهای بی کیفیت و یا توصیه نمودن به مریضان که به لابراتهای غیر معیاری مراجعه نمایند حرام میباشد و کمیشن و مفادی که از این راه بدست میاید حرام است.

این نوع عملکرد همکاری در کارهای زشت و ناوورا است که شریعت از آن منع کرده .. الله متعال فرموده .. " ولا تعاونوا علی الإثم والعدان"^۱ در کارهای که در آن حرام خوری، حق تلفی و گناه باشد همکاری نکنید.

در عین حال این نوع کمیشن کاری خورد مال مردم به باطل است شریعت از آن جدا منع نموده .. الله متعال در قرآن کریم فرموده است: " یا أيها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم

^۱ - سوره مائده: ۲.

بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض منكم" ^۱ ای مؤمنان مالهای همدیگر را به باطل نخورید مگر اینکه تجارت حلال وبه رضایت کامل در بین تان باشد.

البته توصیه نمودن و نشاندهی دوافروشی های معیاری و روان کردن مریضان و سوق دادن آنها بطرف لابراتوارهای معیاری کار خوب و خیر است که بخش از وظایف و واجبات داکتران مسلمان و متعهد را تشکیل میدهد و در آن باکی ندارد حتی ولو که کمیش هم بدست بیاورند زیرا که هدف خدمت مریضان بشکل درست و معیاری میباشد که در این حالت تحقق میابد.



حکم ابا ورزیدن داکتران از تداوی اشخاص شراب نوش

جناب استاد سلام های بنده را پذیرا شوید ..تشکر از معلومات کافی دینی و مسائل فقهی شما . چون وظیفه بنده طبابت است و در یکی از شفاخانه های کابل مصروف وظیفه استم در ایام رخصتی های سال جدید خورشیدی بسیاری از واقعات تسمم الکول را دیدیم که یکتعداد اکثریت تنها تلف شدند. سؤال بنده در مورد تداوی این اشخاص است که آیا از نظر شرعی چه حکم دارد . در حالیکه اکثریت آنها به شکل

^۱ - سورة النساء، آیت: ۲۹.

متکرر خویشتن را مسموم ساخته اند.. و هم چنان استاد گرامی این اشخاص از نظر شرعی مسلمان میمیرند یا خیر؟
تشریح

یا اقلا در تداوی مجاهرین بالمعصیة اولویت قائل نشوند
واهتمام نکنند تا اینکه زجر بشراب نوشان گردد

تقاضای ولاء وبراء همین است که اهتمام داکتر صاحبان بمریضان با تقوا بوده باشد و کسانیکه مجاهرین بالمعاصی و غرق در فسق و فجور هستند حق خود را از دست داده اند حتی وقائع نقل می شود که شراب نوشان در حالت بیخودی بر محارم خود تجاوز می نمایند زیرا شراب ام الخبایث است و کسانیکه این نجاست را مینوشند بخش از اوصاف انسانی شانرا از دست میدهند

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

شراب نوشی گناه کبیره وبرزگ است و نوشیدن شراب حرام قطعی است، و شراب نجس ناپاک و از عملکردهای شیطان میباشد، الله متعال شراب را رجس و از عمل شیطان توصیف نموده است " رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون"^۱ شراب نجس و از اعمال شیطان است بر مسلمان

^۱ - سوره مائده: ۹۰.

ترک کردنش واجب است و نوشیدنش حرام، فلاح و کامیابی دنیا و آخرت در نوشیدن این نجاست است.

اشخاص و افرادی که این نجاست را مینوشند و تحت تاثیر آنرا به شفاخانه آورده می شوند داکتر صاحبان نوکریوال حق دارند که از تداوی اینها ابورزند حتی کمکهای اولیه هم تقدیم نکنند و در این حالت شرعا و قانونا مسئول شمرده نمی شوند.

کسانیکه در حالت شراب نوشی و تحت تاثیر شراب وفات میکنند گنهگار و با سوء خاتمه از دنیا میروند زیرا انسان مطابق آخرین اعمالش معامله میشود. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "إنما الأعمال بالحوالیم"^۱.

کسی که این نجاست را نوشیده باید لباسهای که با شراب آلوده شده و آمیخته گردیده آنرا بشوید زیرا شراب نجس است مثل گوشت خوگ و خنزیر و سائر پلیدیها و نجاستها.



^۱ - صحیح البخاری، کتاب القدر، باب: العمل بالحوالیم، شماره حدیث: (۶۶۰۷)،

(ج ۸، ص ۱۲۴).

زنی طفل چهار ماهه اش را سقط نموده چی کند تا بخشیده شود؟

یکی از خواهران از شهر کابل سوال نموده:

استاد محترم اگر زنی طفل چار ماهه اش را که در بطنش است بنا به یک معضله سقط کند و سخت پشیمان باشد چی کند تا مگر بخشیده شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

سقط کردن جنین طفل که در شکم مادر است که چهار ماهه شده باشد گناه کبیره و جرم و جنایت پنداشته می شود زیرا در این حالت طفل در مرحله خلقت و شکل گیری داخل شده و انسان شمرده می شود، و باید این خواهر فوراً توبه کند که در آینده مرتکب قتل نمی شود، و نیز بالایش واجب است که دیت بدهد به ورثه طفل اگر آنها مطالبه کنند و دیت آن پنج شتر و یا قیمت آن می باشد، یعنی دهم حصه دیت خانمها است، و درین صورت این گناه کبیره کفاره ندارد زیرا که قتل قصدی و عمدی بوده.. اما اگر طفل شکم مادر از چهار ماه کمتر عمر داشته باشد تنها بالایش توبه لازم است و دیت و کفاره ندارد.



معاینه لابراتواری من حیث عامل کمک کننده قضاء است نه دلیل اصل

یکی از دوستان سوال نموده که :

زنا اثبات د معاصرو قراینو سره شونی امکان لری لکه
DNa.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

وبه عوض اقرار وشاهد از این معاینه استفاده نمی شود،
لیکن یک دلیل اضافی وقرینه شده می تواند خصوصاً در
حالات منازعه قضائی واختلاف نظر در مورد اثبات نسب
اطفال مجهول النسب واشتباه در بین اطفال نوزاد که از هم
فرق نشوند واطفال گم شده...ودر قرار وتصویبنامه المجمع
الفقهی لرابطه العالم الإسلامی نوشته اند که:

يجوز استخدامه في حالات التنازع على مجهولي النسب، أو
حالات الاشتباه بين المواليد، أو ضياع الأطفال واختلاطهم، ولا
يصح إثبات نسب لمعروف النسب ولا لمولود الزنا".



در اهدای خون به مریضان محرم بودن شرط نیست

یکی از دوستان سوال جنین سوال نموده:

استاد محترم سوالی داشتم در رابطه به اهدای خون اگر مرد نامحرم به یک خانم خون اهدا کند آیا میتواند همان خانم یا دختر و یا هم خواهر آن خانم را به نکاح خود بیاورد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

این تصور درست نیست که مرد نامحرم شرعا حق ندارد به زن نامحرم خون اهداء کند همچنان زن نامحرم به مرد نامحرم بلکه در اهدای خون به مریضان محرم بودن شرط نیست..مرد وزن نامحرم به یگدیگر خون اهداء کرده می توانند و هیچ دلیل شرعی وجود ندارد که گویا محرم بودن شرط است در اهدای خون.

همچنان اگر زن و مرد نامحرم به یگدیگر خون اهداء کنند خواهر و برادر رضاعی نمی شوند..خون دادن به مریض به شیر دادن قیاس نمی شود...زیرا در شیر دادن نص قطعی وجود دارد.



آیا شریعت برای خانمها اجازه داده که رحم شانرا بکرایه دهند؟

یکی از هموطنان عزیز ما از لندن سوال نموده:

ما در اینجا میشنویم که خانمها فقیر رحم شان را بکرایه میدهند بخاطر حمل و بارداری تا به وقت تولد طفل برای دیگران، آیا خانمهای مسلمان هم می توانند این کار را بکنند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

این درحقیقت یک مسأله نازله فقهی جدید است که رحم یک خانم بانه برای کسی دیگری به کرایه داده شود تا اینکه در آن نطفه اشخاص بی اولاد و یا خانمان ثروتمند جابجا شود و خود شان تکلیف حمل و بارداری را متحمل نشوند... فقههای شریعت و مجامع فقهی در فتوای معتمد شان این نوع عملکرد را حرام مطلق و قطعی دانسته اند زیرا که ارتباط زن و شوهری در این کار پامال می شود و نیز طفل از حمل مادر حقیقی خود محروم میماند و نیز مادر هم از مادری محروم می شود، و نسب مردم مختلط می شود و همه سنت های کونی در این کار زیر سوال می رود.. و نیز دروازه فساد و فحشاء باز میگردد.



سقط دادن طفل شکم مادر (جنین) در مراحل اولی

یکی از دوستان سوال نموده:

استاد من شکر خدا صاحب ۵ اولاد هستم.

و از اثر بی تفاوتی خانم ام مدت ۳۵ روز میشود که بار دار شده اگر سقط شود در این باره شریعت چی حکم میکند؟

قربانت تان شوم تشکر از معلومات تان خداوند متعال بیش از این به شما علمای عزیز عزت و شرف دهد استاد گرامی ما مشکل اقتصادی داریم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

سقط دادن طفل شکم مادر (جنین) حتی در مراحل اولی آن اگر بخاطر ترس و خوف از تربیه و خرابی حالت اقتصادی باشد جواز ندارد زیرا که این عمل بدکمانی در حق الله متعال است که او تعالی رزق و روزی دهنده میباشد، الله متعال، و مخالف رهنمود های قرآنی است، الله متعال منع کرده از سقط حمل و طفل شکم مادر به سبب ترس از خرابی حالت اقتصادی و فرموده است: "لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا، وَإِنْ خِفْتُمْ

عِيَالَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۱
 اولاد تانرا از ترس رزق و روزی نیافتن نکشید و قتل نکنید که
 که کشتن و قتل کردن آنان کناه بزرگ است و اگر از فقر
 و تندستی میترسید ما آنها را و شما رزق و روزی می‌دهیم و او
 تعالی دانا و با حکمت است.

سقط دادن طفل در شکم مادر جواز ندارد خصوصاً بعد
 از اینکه روح دمیده شود و خلقت انسانی را داشته باشد ،
 و قتل نفس شمرده می شود..

لیکن در هر مرحله از حمل اگر داکتران طب نظر
 بدهند که حیات خانم حامله در خطر است بخاطر حمل،
 و مسأله حقیقت و متحقق باشد و حرف و نظریه احتمالی
 نباشد درین صورت کشیدن طفل از شکم مادر جواز دارد
 و مشروع است زیرا مادر اصل است و طفل فرع .. لیکن قبل از
 کشیدن طفل و سقط کردن آن باید همه کوششهای طبی
 بخرچ داده شود که اگر راه دیگری برای نجات دادن حیات
 مادر پیدا و جستجو شود بغير از سقط حمل .. و اگر هیچ راه
 نباشد غیر از این .. درین صورت مجامع فقهی این امر را جواز
 دادند و مشروع دانستند.



سقط دادن جنین بعد از تکمیل شدن ۱۲۰ روز

یکی از دوستان سوال نموده:

در مورد طفل که در شکم مادر باشد وسوء تشکل داشته باشد دیدگاه شریعت در مورد چیست سقط صورت بگیرد و یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

سقط دادن طفل در شکم مادر جواز ندارد خصوصاً بعد از اینکه روح دمیده شود و خلقت انسانی را داشته باشد (۱۲۰ روز را تکمیل کرده باشد)، و قتل نفس شمرده می شود.

لیکن در هر مرحله از حمل اگر داکتران طب نظر بدهند که حیات خانم حامله در خطر است بخاطر حمل، و مسأله حقیقت و متحقق باشد و حرف و نظریه احتمالی نباشد درین صورت کشیدن طفل از شکم مادر جواز دارد و مشروع است زیرا مادر اصل است و طفل فرع .. لیکن قبل از کشیدن طفل و سقط کردن آن باید همه کوششهای طبی بخرچ داده شود که اگر راه دیگری برای نجات دادن حیات مادر پیدا و جستجو شود بغير از سقط حمل .. و اگر هیچ راه نباشد غیر از این .. درین صورت مجامع فقهی این امر را جواز دادند و مشروع دانستند.

در صورت داکتران ماهر وانتکار نظر بدهند قبل از تکمیل شدن ۱۲۰ روز که طفل تشوه یعنی سوء تشکل دارد بعض علماء جواز دادند که به خواست والدین ممکن است.. از بعد از تکمیل شدن این مدت جواز ندارد.





كتاب

اصول فقه

د اسلامي فقهي د تجديد ارزښت

پدې ليکنه کې غواړو په لنډه توگه سره د اجتهاد ارزښت، فقهي علومو ته د مسلمانانو اړتيا او په اسلامي فقه کې د ثوابتو او متغيراتو په اړه خو لنډ مثالونه له تاسو درنو لوستونکو سره شريک کړو .

د مجتهدينو په ژوند کې د فقهي علومو تجديد او بيا ژوندي کول څومره ارزښت لري؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

د پيغمبر اکرم (صلى الله عليه وسلم) له وفات څخه وروسته؛ کله چې به صحابه کرام (رضوان الله عليهم أجمعين) د يوې ستونزې سره مخامخ شول؛ او د يوې مسئلې د حکم په اړه به له دوی سره په ذهن کې پوښتنه راولاړه شوه؛ نو ددې ستونزې د حل لپاره به يې قرآن مجيد او د نبی (عليه السلام) مبارکو ارشاداتو ته مراجعه کوله؛ خو که چېرې په يادو مصادر او سرچينو کې به دوی د يوې مسئلې ځواب ونه مونده؛ نو بيا به يې د ځواب په اړه پلټنه او تحقيق ترسره کاوه او د خپل فکر په کارولو سره به يې د اجتهاد له وسيلې څخه استفاده کوله او دا مسئله هم د دوی پر وړاندې په ښه توگه

سره څرگنده وه چې: څه ډول د دين په رنځه کې د خپل ورځېني ژوند ستونزې هوارې کړي او د ديني مسائلو لپاره له کومو مهمو منابعو او سرچينو څخه استفاده وکړي.

دا چې نن ديني علومو ته بې ساري خدمتونه ترسره شويدي او ډېر علمي او فقهي مسائل چې پخوا څرگند نه وو، اما اوس د خلکو پر وړاندې څرگند شوي دي، دا په حقيقت کې د فقهاو او مجتهدينو د هغو پرله پسې هلوځلو نتيجه وه چې بنسټ يې صحابه کرامو او له هغوی وروسته تابعينو او داسې نورو د دين غيرتمنو شخصيتونو رامنځ ته کړی دی. د اسلام سپېڅلي دين ته د صحابه کرامو همدا هر اړخيزه خدمتونه ول چې بې شمېره مسائل د نويو نسلونو پر وړاندې څرگند شول او هغه مسلمان ملتونه چې له دوی وروسته راغلل؛ دوی هم د تېرو اسلافو په څېر د حق پرسته علماو په لاره پسې ولاړل، علمي خدمتونه يې ترسره کړل؛ لکه: د مهمو کارونو لپاره يې قواعد او ضوابط وټاکل او بنسټيز اصول يې رامنځ ته کړل او په دې توگه سره د فقهي علومو لمن نوره هم وغورځېده، فقهي ليکنو او څېړنو ته لاره هواره شوله چې نن مونږ او تاسې هم د خپلو فقهاو د علمي تاليفاتو، راز راز

ارزښتمنو کتابونو او لیکنو شاهدان یو چې مونږ هېڅکله باید د خپلو علماو د دې علمي خدمتونو ناقدري ونه کړو .

د فقهي د علم د ارزښت په اړه که مونږ په لنډه توگه سره که همدومره ووايو؛ نو بسنه به وکړي چې: دا ارزښتمن علم په هر عصر او هر ځای کې د خپلو پیروانو لپاره قناعت ورکونکي ځوابونه لري او د ولسونو د نويو ضروریتونو سره سم د حل مناسبې لارې ورپېژني، او لکه څرنګه چې په هر عصر کې نوې عدلي او قضايي پېښې رامنځ ته کېږي، او د هرې سیمې ظروف سره فرق پیدا کوي؛ نو په همدې شکل سره د فقهي په ځینو مسائلو کې اجتهادات هم فرق کوي؛ او مجتهد به د قرآن او سنت په رڼاکې نويو اجتهاداتو ته د خلکو توجه راجلبوي، او نوې پېښې په حقیقت کې نويو څېړنو ته لاره هواروي او دا مفهوم په حقیقت کې د فقهي په بیا احیاء (راژوندي کولو کې) بنسټیز نخچ لري، دا همدا فقه ده چې زمونږ پر وړاندې د نويو امېدونو دروازې پرانیزي، او د نړیوالو معاصر ژوند ته معاصره فقه ورپېژني .

دا د همدې اجتهاد برکت دی چې مجتهدین او پوهنیز شخصیتونه دېته اړ باسي تر څو نوې پلټنې وکړي او د عصري غوښتنو سره سم

نړېوالو ته نوې ليکنې وړاندې کړي، [البته کله چې مونږ د اجتهاد په اړه خبره کوو؛ نو هدف مو هېڅکله هم دا ندی چې د دين په هره مسئله کې بايد اجتهاد ترسره شي؛ بلکې د دين يو لړ مسائل داسې دي چې هېڅکله هم اجتهاد ته اړتيا نلري او په اسلامي شريعت کې په کوم شکل او تعداد سره چې موجود دي؛ نو پرته له تغيير څخه په هماغه ډول تر قيامته پورې بايد ترسره شي.

د فقهي په اصطلاح کې دې ډول احکامو ته ثوابت ويل کېږي؛ لکه: فرائض (پينځه وخته لمونځونه، روژه) اعتقادي مسائل، همداراز د زينت او بنکلا په وسائلو کې سړيو ته د طلا او د ورېښمو د لباس کارول ناروا گڼل شوی دی، په څښاک کې مثلاً: د شرابو او په خوراک کې د دُخانياتو او نشه يي توکو استعمال او داسې نور يو لړ هغه مسائل دي چې هېڅکله هم د يو عالم شخصي اجتهاد ته اړتيا نلري، حرام يې څوک حلالولی نشي او حلال يې څوک حرامولی نشي، ځکه چې په اسلامي شرع کې دا احکام قطعي الثبوت دي او ثوابت گڼل کېږي].

هر کله چې مونږ د مجتهدينو علمي خدمتونو ته کتنه کوو؛ نو جوتيري چې د دوی د هلو ځلو په نتيجه کې نوي تالیفات رامنځ ته شول او ټول

هغه مسائل چې پخوا چا نه و خپرلي د همدې نويو
 خبرنو او تالیفاتو په لړ کې و خپرل شول؛ لکه: په
 اوسني عصر کې په تجارتي ډگر کې بانکي
 معاملات او قراردادونه، د بیمه (insurance)
 مسائل، په صحي ډگر کې نوي او عصري طبي
 مسائل چې پخوا نه و رامنځ ته شوي؛ اوس فقهاو
 خلکو ته څرگند کړيدي او داسې نور ډېر مهم
 مسائل دي چې په دې عصر کې اجتهاد ته اړتیا
 لري [لکه په اوسني عصر کې چې د ټولنې د
 ضروریاتو پر اساس فقهاء د مسیار واده روا گڼلی
 دی، همداراز د پینځه وخته لمانځه لپاره د مېرمنو
 له کوره راوتل په اصل کې کومه ستونزه نه
 درلود، ځکه چې د رسول الله (صلی الله علیه وسلم)
 په زمانه کې به پېغلي انجونې مسجد ته له کورونو
 څخه راوتلي؛ خو د فقهای کرامو د اجتهاد پر اساس
 دا چې په اوسني عصر کې د فساد او رذیله اخلاقو
 لمن خورا پراخه شوې ده؛ نو غوره همداده چې
 دوی په خپلو کورونو کې خپل پینځه وخته
 لمونځونه ترسره کړي، تر څو په ټولنه کې د
 بداخلاقو او د فساد لمن راټوله شي او د اخلاقي
 فقر لوړه کچه او گراف راټیټ شي].

په حقیقت کې فقهي علم ته همدا علمي او بې
 ساري خدمتونه ول چې زمونږ اسلامي فقهي ته يې

خوځښت او تقويت وروبښه او په اوسني عصر کې د خلکو او د ټولني اړتياو ته د رغون او درملني نوې تگلارې ورپېژندل شوي؛ او دا ځکه چې د ټولنيزو ربرو او ناخوالو په هوارولو کې د خلکو تر منځ د فقهي علومو نشر او خپراوي خورا مهم نخچ لري (حلال له حرامو او روا پرې د ناروا څخه بېلېږي).

په پای کې به په همدې وينا سره خپله ليکنه پای ته ورسوو: لکه څرنگه چې په هر عصر کې د خلکو د غوښتنو او ظروفو سره سم نوې پېښې او ضروريتونه رامنځ ته کېږي؛ نو ورسره سم به د فقهي فتاواو (فتواگانو) او اجتهاداتو بهير هم همداسې جاري وي. په فقهي علومو کې د فتواگانو برخه خورا پراخه ساحه لري او دا جهاد دروازه به تل همداسې د امتونو پر مخ پرانستې پاتې وي؛ او دا ځکه چې په فقهي نظرياتو سره اسلامي فکر د ولسونو تر منځ همداسې تاند او تازه پاتې کېدلی شي



خطر فهم و برداشت جزئی از دین اسلام

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

درین شکی نیست که مسلمان باید دین مبین اسلام را بصورت کلی و در همه ابعاد و جوانب زندگی دانسته و آنرا تطبیق نماید و به مردم برساند .. و اگر آنرا بشکل سطحی و جزئی بداند و به آن عمل کند معنایش این است که بسیاری از مسائل اساسی و مهم دین خود را نمی داند و در گناه بزرگ واقع می شود و سبب ظلم و اذیت آزار مسلمانان و برادران خود می گردد حتی سبب این می شود که وطن و کشور به ویرانه مبدل گردد و ما و شما شاهد تصرفات جاهلان و احمقانه بعض افراد و گروههای نادان هستیم ... مثلاً ما در واقع معاصر خود ملاحظه می نماییم که بعضی ها به این نظر هستند که باید همه توجه به مسائل سیاسی شود و اگر اندکی از فتاوا و عبادات و تربیه و دعوت سخن گفته شود سبب ناراحتی آنان می گردد.. و بعضی ها به این عقیده هستند که داخل شدن در مسائل سیاسی از توانایی و طاقت ما نیست و ما با سیاست سرو کاری نداریم... و بعضی ها به این نظر هستند که مادام العمر مسلمان فقط در کوشش باشد که درسهای عقیدوی را بیاموزد تنها اصلاح عقیده سبیل النجاة است... و ما به این باور هستیم که اسلام دین عقیده و عبادت ، جهاد و دعوت، و سیاست و اجتماع و امور خانوادگی، تعلیم و تربیه و تجارت و معاملات و ورزش است.. نباید از هیچ

یکی ازین جوانب غافل بمانیم و هر کاری نیک و عمل صالح و خوب که به خیر مردم و ملت متدین ما باشد آنرا بموقع برسانیم... مثلاً اگر مسلمان حلال و حرام را فرق نکند در تجارت و معاملات خود در حرام خوری و ظلم و حق تلفی واقع می شود.. و اگر عقیده توحید و صحیح و درست نداشته باشد شکار شرکیات و بدعت و نوآوری در دین می شود و ایمانش در خطر واقع میگردد.. و اگر جهاد و دعوت را فراموش کند مورد تجاوز دشمنان اسلام قرار میگردد... از همین رو کتابهای فقه اسلامی از باب عقائد و ایمانیات و طهارت و عبادت و معاملات تا به مسائل خانوادگی و حدود و قصاص و تعامل با غیر مسلمانان را در بر گرفته و باید مسلمان نظر شمولی داشته باشد و از تنگ نظری دوری جوید... والله الموفق والهادی إلى سواء السبیل.



آیا در بین اجتهاد و تقلید مرحله دیگری وجود دارد؟

لطف نموده در مورد مقلد و غیر هم چیزی بنویسید تا که ما از معلومات شما مستفید شویم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

مسأله اجتهاد و تقلید باب بسیار وسیع است در کتابهای اصول فقه، و هر مرحله از خود شروط دارد اما در جواب

مولوی صاحبان و علمای کرام باید بنویسم که بلی: ما سه مرحله داریم که عبارت از:

۱- اجتهاد: یعنی سعی و کوشش و تلاش کردن عالم برای استنباط احکام شرعی ان نصوص شریعت، و از شروط هم آن این است که عالم باید متبحر باشد (مسلمان و عالم باشد که تفسیر قرآن کریم را بفهمد، با زبان عربی را کاملاً آشنا باشد زیرا بدون آن نمی تواند از قرآن و حدیث استنباط کند، علم فقه و اصول فقه، مقاصد شریعت، ناسخ و منسوخ را بفهمد، احادیث احکام را حفظ داشته باشد و صحیح از ضعیف فرق کرده بتواند، در موارد که اجماع شده باید بداند.. درین صورت به اندازه علمیت و فقه و دانائی اش می یا مجتهد مستقل، و یا مجتهد داخل مذهب فقهی خود، و یا مجتهد جزئی یعنی در بعض موارد آسان اجتهاد کرده می تواند.

۲- تقلید: قبول کردن قول و عمل دیگران بدون فهمیدن و معرفت دلیل آن.. بیروی کردن علماء و فقهاء، هر کار آنها کردند مقلد هم انجام میدهد و از دلیل برسان نمی کند، و عامه مسلمانان مقلد هستند زیرا اگر همه برای اجتهاد از خانه برآیند زندگی شان معطل می شوند و آنها امکانات اجتهاد کردند را ندارند و نمی شوند که تاجران و دست فروشان و محصلین و طبیبان، انجیران، کسبه کاران را مجبور کرد که باید اجتهاد کنید، بلکه واجب این مقلدین

سوال اهل علم و علماء و فقهاء است باید دین و احکام عبادت شان را بیاموزند و در اثنای ضرورت از علماء سوال کنند، "فاسألوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون"^۱.

۳- اتباع: بیروی کردن آن قول علماء که دلیل صحیح داشته باشد به این معنی که قول کسی را بدون دلیل صحیح قبول نکند، این عالم و فقیه متبع نامیده می شود و در داخل مذهب فقهی اقوال و روشهای که مبنای آن بر احادیث ضعیف باشد آن را مشخص ساخته و به مردم بیان می کند این عبادت صحیح و درست است زیرا دلیل صحیح دارد، و آن اعمال و عبادات و معاملات و مسائل خانوادگی غلط و نادرست است زیرا اساس مشروعیت آن دلائل ضعیف بوده، و برای مردم بدائل صحیح رانساندهی میکند، البته عالم و فقیه متبع باید از علمیت و بینش و فرهنگ شرعی خوب برخوردار باشد.



^۱ - سورة النحل، آیت: ۴۳.

تقلید بمعنای استفاده از فقه و علم و دانش علمای راستین است

یکی از دوستان از شهر کابل سوال نموده :

استاد محترم السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته، یک سوال داشتم.. بعض اشخاص پیدا شده که مردم را از تقلید مذهب حنفی منع میکنند و در حق علماء الفاضل بد و زشت استعمال میکنند .. و بعض هم هستند که تقلید را واجب میدانند شما چی نظر دارید منتظر رهنمائی شما هستیم؟

برادر دینی ما شاه محمد قادری نیز از ولایت بلخ نوشته

که:

خیلی خطر ناک اختلاف است لطف نموده با وضاحت معلوم بدهید تا از این مشکلات نجات یابیم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

باید متذکر شوم که تقلید اگر بمعنای استفاده از فقه و علم و دانش و ثقافت شرعی علمای راستین باشد یک عملکرد خوب و مشروع است.

عامه مسلمانان چاره جز تقلید کردن علماء وفقه‌های راستین ندارند و برای شان فرض است که مسائل دینی و شرعی خود را از علمای خود در یافت کنند، الله متعال درین مورد فرموده است: "فاسألوا أهل الذکر إن کنتم لا

تعلّمون" ^۱ احکام دین خود را از علماء ودانشمندان بپرسید. .
 عبادات ومعاملات وهمه امور شما که ضرورت به فهم ودانش
 دارد از از علماء جویا شوید..ندانستن عیب نیست بلکه سوال
 نکردن عیب است، وعبادت کردن الله متعال با جهل ونادانی
 عیب است ومسلمان گنهگار می شود در صورت که سوال
 نکند.

واگر تقلید را به این معنی تعریف کنیم این یک امر
 مشروع ومستحب است بلکه در صورت که انسان دین خود
 را نداند بالایش فرض وواجب است که به علمای خود رجوع
 کند.. واز علم ودانش وفقه ودانائی آنان استفاده کند واز
 سلوک واخلاق نیکو وروش واستقامت ثبات وپایداری آنان
 متأثر شود..

ونیز باید تأکید کنم که دشنام دادن ، غیبت کردن وبه
 الفاظ زشت یاد کردن یک مسلمان عادی گناه کبیره است
 اگر به علماء برسد گناهش بس برزگ است زیرا علماء
 ناقلین وحاملین این دین هستند وتوسط آنها الله متعال دین
 مبین اسلام را نشر وحمايت میکند، وآنها امضاء کنندگان به
 عوض رب العالمین در روی زمین هستند، واحترام علمای
 راستین واجب است..حتی همین اشخاص احساساتی که
 بنام منع کردن تقلید از استفاده نمودن از علم ودانش شرعی

^۱ - سورة النحل: ۴۳ .

علمای راستین هم منع میکنند خود شان حتما در تقلید بعض علماء واقع هستند و ناگزیر هستند که مسائل دینی خود را از یک مرجع معاصر دریافت کنند.. و از شیوه که مردم را به ان دعوت به فرار و گریز میدهند خود شان در آن واقع هستند و بالفعل افتاده اند.. این هم یک نوع افراط برداشت غلط و نادرست است که این همه علوم و معارف شرعی را به یک یا دو عالم خلاصه کنیم..

لیکن باید متوجه باشیم که تقلید هرگز به این معنی نیست که علمای مذاهب و یا علمای معاصر را مردم به عوض پیامبر صلی الله علیه وسلم پیروی کنند و معصوم بدانند مثل آنانیکه گرفتار مرض پیر و مریدی و طریقت هستند - نعوذ الله - رهبران و پیران طریقت خود را به مرحله عبادت رسانیده اند، الله متعال به شدت از این عملکرد و غلو و افراط شان منع نموده و تحذیر کرده و آنها را به یهود و نصاری تشبیه داده که احبار و رهبان خود به الوهیت و ربوبیت رسانیده بودند "اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ"^۱ آنها علمای خود را معصوم میدانستند بلکه به ربوبیت رسانیده بودند .. این شیوه مذموم و حرام است .. با علماء و فقهاء و دانشمندان دین چنین تعامل و رفتار شود که آنها بشر هستند ممکن خطاها

^۱ - سورة التوبة: ۳۱.

واشتباهات اجتهادی داشته باشند که در آن اجر و پاداش دارند..

لیکن طاعت کردن مطلق آنها به اعتقاد که آنها معصوم هستند و اشتباهات ندارند قابل قبول نیست بلکه گناه بزرگ هم است..

تقلید و اتباع و پیروی علماء و فقهاء و دانشمندان علم شرعی به هدف استفاده از علم و فهم و دانش شرعی شان باشد زیرا آنها می توانند بخوبی و آسانی قرآن کریم را تفسیر ، احادیث نبوی را شرح ، و صحیح و ضعیف را نشاندهی نمایند، و فرائض، واجبات، سنن و مستحبات، مکروهات و محرمات را بیان کنند، و مردم را از واقع شدن در غلطی ها نجات دهند که دین شان به خطر مواجه نشود زیرا طوائف گمراه و تلاشهای بیدینی به شدت ادامه دارد.. از اینرو رول و نقش علماء بسیار اساسی و سازنده میباشد و باید مردم طبق رهنمودهای علمای راستین خود عمل کنند.. و کوشش کنند که در بین علمای راستین که منهج وسطی و معتدل دارند و علم شرعی شان پاک و صاف است و بین آنها که دعوی عالم بودن را دارند و در حقیقت علمیت شان کم و ناقص و مخلوط با بعضی انحرافات فکری و عقیدوی میباشد و در عین حال در افراط و تفریط هم واقع هستند فرق قائل شوند..

ان شاء الله که علمای راستین کشتی نجات جامعه ما
میباشند.



باب و مجال اجتهاد فقهی در شرایط کنونی نیز باز است

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

به همان اندازه که زندگی ترقی پیشرفت میکند مسائل
فقهی هم به همان اندازه زیاد می شود و باید حکم شرعی
آن بیان شود، و این وظیفه فقهاء است.

در واقع معاصر و شرائط فعلی بر اجتهاد فقهی ضرورت
بیشتر است زیرا بسیاری از مسائل جدید در زندگی روز مره
مردم بوجود آمده که به فتوا و اجتهاد ضرورت دارد، و این نوع
مسائل به سرعت رو به ازدیاد است و شرایط زندگی مردم
بسیار تغییر کرده و باید فقهاء خود را آماده سازند، و باید
فتاوی علماء مطابق دلایل قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام
محمد صلی الله علیه وسلم باشد و از افراط و تفریط و شدت
و تساهل کار نگیرند بلکه مسلک وسطی را در افتاء اختیار
کنند.

هچنان مفتی باید در مسائل جدید که ازان تصور بیشتر
ندارد از متخصصان بپرسد مثلا در هنگام بیان مسائل طبی

از دکتران طب، و در بخش‌های دیگر از اقتصاد دانان و انجیران زراعت و مهندسان معماری و غیره استفاده کند و با آنها در تماس باشد تا اینکه به مردم فتوای غلط ندهد، و مردم را گمراه نسازند.



شروط اجتهاد، فتوا دادن و استنباط احکام شرعی

یکی از مولوی صاحبان از ولایت هرات چنین سوال نموده :

آیا در افغانستان مجتهد پیدا میشود یا نه؟ چون تا حال کسی ادعا نکرده و از طرفی شما هم با علماء خوب شناخت وسیع دارید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا : فتوا معنایش بیان کردن حکم شرعی است هنگامیکه سوال مطرح گردد، و یا اینکه بغیر از سوال شدن هم احکام شرعی مسائل جدید روز مره بیان شود بخاطر تصحیح و بهبود اوضاع مردم و تصرفات آنها در زندگی روز مره تا اینکه در روشنی شریعت زندگی کنند و از واقع شدن در حرام در امان بمانند.

مفتی عالم مجتهدی مییاشد که احکام شرعی قضایا، حوادث و وقائع را بدانند و دارای علمیت استنباط احکام شرعی از دلائل تفصیلی آن باشد، و توانایی تطبیق دلائل شرعی را بر وقائع و حوادث و مسائل داشته باشد.

فتاوی که به استناد دلائل قطعی شرعی قرآن و سنت صحیح بشکل واضح و روشن صادر می شود بر مسلمان واجب است که به آن عمل کند و در مخالفت آن واقع نشود

ثانیا: شروط مفتی :

برای هیچ عالم جواز ندارد که فتوا صادر کند تا اینکه شروط ذیل را دارا باشد:

۱- تفسیر آیات احکام قرآن کریم را بدانند، تفسیر صحیح را از اسرائیات و روایات تفسیری نادرست فرق کرده بتوانند.

۲- احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را بفهمند.

۳- بزبان عربی تسلط کامل داشته باشد.

۴- فقه، اصول فقه، قواعد فقهی، و علم مقاصد شریعت بدانند.

- ۵- مسائل اتفاقی و اختلافی مذاهب فقهی را درک کرده
بتواند.
- ۶- ناسخ و منسوخ را بمفهمد زیرا مواردی است که نسخ
شده و احکام جدید جاگزین آن گردیده.
- ۷- احادیث ضعیف و موضوع را از احادیث صحیح تمیز
و فرق کرده بتواند. زیرا آفت بعضی علمای کشور ما این است
که از احادیث موضوع استدلال میکنند.
- ۸- از احوال، فرهنگ، عادات، تقالید و اوضاع مردم باخبر
باشد.
- ۹- توانایی استنباط احکام شرعی را از نصوص شریعت
داشته باشد.
- ۱۰- از قرارات مجامع فقهی معاصر و فتاوی صادر شده
آنها مطلع باشد زیرا این قرارات و فتاوا بدون شک کمک
ویاری میکند مجتهد را.
- ۱۱- علم، دانش و ثقافت عمومی در مسائل سیاسی،
اجتماعی، اقتصادی، طبی داشته باشد زیرا فقیه و عالم هنگام
بحث و تحقیق مسائل عصری و جدید در شرائط کنونی نیاز
بعلاقمندی و ارتباط با این همه تخصصات دارد تا اینکه در

موقع ضرورت به اهل خبره و دانش این تخصصات رجوع کرده بتواند.

عالم، فقیه مجتهد و مفتی باید در فتوایش مخلص بوده باشد و رضای الله متعال را در نظر داشته باشد، باوقار، با تقوا، زاهد، امانت کار باشد و از شک و شبهه دور جوید، در عین حال از کتاب و کتابخانه و مصادر و منابع علمی شرعی دور نباشد تا اینکه علم خود را تجدید نماید.

چونکه عالم و فقیه از وارثین پیامبران است باید به لباس و مظهر خود اهتمام نماید و خوش اخلاق بوده باشد و از زشت گویی و سخت روی بپرهیزد تا اینکه مورد قبول مردم واقع گردد زیرا تندخوی بودن بعلماء نمی زیبد خصوصا آنانیکه خود را خادم علم شرعی میدانند.

در عین حال جوانب دعوتی را فراموش نکند زیرا برنامه سوال و جواب خودش منبر دعوتی مهم است که در لابلای شرح و بیان حکم شرعی مجال خوب برای دعوت هم است تا اینکه فتوا مؤثریت بیشتر داشته باشد.



فرق در بین مذهب حنفی اصیل و مذهب مهندسی شده

یکی از جوانان از ولایت هرات چنین نوشته:

من از شرعیات هرات فارغ شدم معلومات کافی از استادان گرامی خود دریافت کردم مثلاً از استاد مخلص و استاد قانت بخصوص از استاد فاضلی اما در باره بعض چیزهای همراه ملا صاحبان در قریه جر بحث میکنم میگویند ای وهابی شده.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

مذهب حنفی اصیل مطابق قرآن و سنت است..البته بعضیها تلاش می نمایند که در ماحول تنگ نظری و تعصب و یا محیط آلوده با انحرافات درگاهها و بارگاهها و زیارتگاهها این مذهب را مهندسی کنند افکار و نظریات ناشی از عقدمندیها و عقبماندگیهای فکری شانرا به این مذهب نسبت دهند و مانع دعوت شوند.

بصدها مواردی خرافاتی و مخالف شریعت و سنت وجود دارد که اصلاً بدین مبین اسلام ارتباط ندارد لیکن اینها همه عقبماندگیهای ناشی از ماحول و برداشتهای انحرافی خویش را بخش از مذهب حنفی می‌شمارند و مخالفین خود را با الفاظ زشت و نادرست خطاب می‌کنند.

اما ما وظیفه خود میدانیم که با آنها مطابق این معیار یاد شده رفتار نماییم و این اشخاص و افراد را نیز تحت پوشش دعوتی خود قرار دهیم و برای هدایت آنها کوشان باشیم زیرا شاید عذر آنها جهل و نادانی باشد.



آیا در مسائل شرعی گفته می توانیم که از قلب خود فتوا بخواه؟

من بارها مسائلی را با دوستان و هممنشینان خود مطرح می کنم و در میان می گذارم که اگر بتوانم حکم و جوابش را در یافت نمایم، و بعضی از آنها برایم میگویند که او بچه از قلب خود فتوا بخواه و از عقل خود کار بگیر، این چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

درین شکی نیست که عقل مصدر احکام و فتاوی شرعی شده نمی تواند و عقل انسان را در فهم مسائل یاری میدهد و خوب و بد را انسان توسط عقل خود تمیز می کند اما اینکه انسان در مسائل شرعی و احکام دین خود به عقل خود رجوع کند و فتوای خود را از قلب خود حصول کند این در حقیقت هوا پرستی و جهالتی بیش نیست، و انسان کوشش کند که احکام دین خود را بفهمد و اگر در بعض موارد

ضرورت به سوال داشته باشد از اهل علم ودانش شرعی
 بپرسد خداوند متعال در قرآن کریم فرموده اند که: "فَاسْأَلُوا
 أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ"^۱ از اهل علم و علماء پرسان
 کنید وجوبی احکام دین خود شوید در صورت که نمی
 فهمین.

ومسلمان سعی وتلاش کند که احکام دین خود را
 توسط مطالعه واز حلقه های درسی ومطبوعات ونشرات
 اسلامی بیاموزد وبه هیچ کاری دینی ودنیای اقدام نکند تا
 اینکه حکم شرعی آن را بداند تا اینکه در گناه واقع نشود،
 اگر در عبادت غلطی کند در حق خداوند متعال مقصر
 شناخته می شود واگر در معاملات و کار و بار در حرام واقع
 شود در حق بندگان او جفا میکند، عقل نعمت الهی است
 ومیزان ترازوی تمیز کردن خوبی ها وبدی ها است لیکن
 مصدر ومنشأ فتاوی شرعی نیست.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وعلی آله
 وصحبه اجمعین.



^۱ - سورة النحل، آیت: ۴۳.

(اختلاف امتي رحمة) حديث نیست

دوستی که خود استاد یکی از مدارس دینی ولایت پروان میباشد سوال خود را چنین مطرح نموده:

سلام علیکم وبعد آیا این حدیث درست است (اختلاف امتي رحمة).

آیا دلیل شده میتواند که کسی یک عمل رسول الله را چند قسم انجام دهد مثل گاهی رفع الیدین کند و گاهی نکند و گاهی به مذهب یک امام بخواند و گاهی به مذهب دیگر امام؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

(اختلاف امتي رحمة) حدیث نیست بلکه حدیث موضوع و دروغین است.

این مقوله را بسیاری از خطباء و وعاظ و نویسندگان بزبان می آورند بنام حدیث که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است (اختلاف امت من رحمت است)، در حقیقت امر این حدیث نیست بلکه حدیث موضوع و مکذوب و دروغین است، محدث معاصر محمد ناصر الدین رحمه الله در تخریج و حکمش بالای این مقوله در کتاب خود سلسله الأحادیث الضعیفة نوشته است: "لا أصل له" یعنی حقیقت

ندارد، و این حزم نوشته که (باطل و مکذوب) این باطل و دروغین است.

باید بنام حدیث روایت نشود و از آن استدلال نگردد، لیکن بعد از تحقیق و بررسی نتیجه آن این است که این مقوله گفته بعض تابعین بوده که در مسائل اختلافی و اجتهادی باید مسلمان تنگ نظری نکند و از اختلافات فقهی علماء شکایت نداشته باشد و هر عالم مجتهد دلائل خود را ذکر کند در آن صورت اگر نظریه و قولش صحیح باشد دو اجر و ثواب برایش نوشته می شود و اگر خطا شود در اجتهادش برایش یک اجر نوشته می شود و اختلاف نظر در مسائل فروعی و اجتهادی از زمانه صحابه و تابعین و ائمه فقه تا بحال ادامه دارد لیکن از خود اصول و ضوابط و قواعد دارد که در کتابهای اصول فقه توضیح داده شده، و مسائل اختلافی فروعی باید سبب جنگ و جدال و مشکلات و تفرقه و فتنه نشود مثلاً امام حسن البنا رحمه الله علیه گفته است: "یعین بعضنا بعضا فیما اتفقنا علیه و یعذر بعضنا بعضا فیما اختلفنا فیه" در مسائل فروعی متفق علیها باهم دست همکاری دهیم و در مسائل اختلافی فروعی عذر یکدیگر را قبول کنید و معذور بدانیم.

چون مسائل اختلافی فقهی جزئیات زیاد دارد که علماء معذور شمرده می شوند و شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمه الله در کتاب "رفع الملام عن الأئمة الأعلام" و شاه ولی الله دهلوی در "حجة الله البالغة" توضیح داده همه این مسائل را.

ومسلمان عامی باید پیروی علماء وفقهاء مذاهب را که مروج است بکند - مثلا مذهب حنفی در افغانستان وجود دارد- و دین خود را از آنها بیاموزد، اما علماء و دانشمندان که دارای علمیت خوب باشند و دسترسی به کتب و مصادر و مراجع داشته باشند می شود که در مسائل اختلافی بررسی و تحقیق کنند و به قول و نظر راجح علماء عمل کنند اما نه اینکه از هر مذهب آسانی را جستجو کرده به آن عمل کنند که آنرا علماء "اتباع الرخص می نامند" که عمل ناشایسته است.

وصلی الله علی خیر خلقه محمد و علی آلہ و أصحابه
أجمعین.



اختلافات فروعی فقهی از زیباییهای فقه اسلامی مقارن است

یکی از دوستان محترم از شهر کابل چنین سوال نموده که:

سلام جناب مولانا صاحب سوال دارم اینکه نظریات و اختلافات فقهی از پیش ما اصل را مبهم ساخته در یک مسأله فقهی مثلاً امام ابوحنیفه یک نظر دارد در مقابل ابویوسف نظر دومی و شافعی حرف خود را دارد حالا حیرانیم که چطور کنیم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اختلافات فروعی فقهی از زمانه وعصر صحابه رضی الله عنهم تا به حال ادامه دارد و یک امر طبیعی است و هر اختلاف فقهی راه حل دارد و راجح و مرجوح دارد.. و در داخل هر مذهب فقهی هم طبقات مجتهدین است.. همه آنها در اجر و ثواب شامل هستند.. هیچ یکی از اجر محروم نیستند.. مجتهد که به حق رسیده و قولش راجح است دو ثواب را از آن خود کرده و فقیهی که در خطأ اجتهادی واقع شده یک ثواب دارد.. این از زیباییهای فقه اسلامی مقارن است نی از سلبیات آن.



در وجود قرآن و سنت آیا ضرورت به مذاهب فقهی احساس می شود؟

یکی از خواهران چنین نوشته :

قرآن و حدیث رسول مقبول صلی الله علیه وسلم است چرا قول دیگران را قبول کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

حالا برای عامه مردم بسیار مشکل است که همه احکام و مسائل خود را از احادیث گرفته بتوانند..مثلا یک دوکاندار و یا کارگر رستوران و یا یک نرس در شفاخانه، و یا یک چوبان با رمه اش در دامنه کوه و یک خیاط و نجار و یا تاجر، و یک درایور چطور از صحیح بخاری و صحیح مسلم و سنن أبو داود مسائل را اخذ کند بدون اینکه به شروح حدیث و کتابهای فقه رجوع نکند و یا اینکه از علمای مذهب کمک نخواهد؟

همین فقهاء از زمانه وعصر صحابه رضی الله عنهم تا به امروز قرآن کریم را تفسیر نموده، احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را حفظ و شرح کرده و به مردم رسانیده و احکام فقهی را از نصوص استنباط کرده و دین را به مردم آسان ساخته، و همینها علمای مذاهب پیرو قرآن و سنت

هستند، هر کسی که پیرو مذاهب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی است در حقیقت پیرو قرآن و سنت است.



در مسائل فقهی فروعی باید از تعصب و تنگ نظری دوری

جویم

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

اختلافات فقهی فروعی از زمانه های قدیم تا به حال جریان دارد و ادامه میداشته باشد و ممکن نیست که همه را در یک قالب جمع آوری کنیم زیرا بسیاری از نصوص شرعی دارای تفسیرات گوناگونی است و این امر سبب شده که مجال اجتهاد و فرصت اختلاف باز باشد، و هدف فقیه و محقق و عالم رسیدن به حق باشد.

و اگر احیاناً احقیقت نظریه خود را ثابت می کنیم و ترجیح میدهیم باید اصحاب نظریه مخالف خود را مورد آزار و اذیت و دشنام قرار ندهیم و از زشت خوبی و طعن و لعن کار نگیریم و با کمال حوصله دلایل خود را تقدیم کنیم و کوشش کنیم که هر مسأله ما مستند به دلائل صحیح باشد، و فقهاء کرام هر یک دلایل خود را دارند و در مورد قبول نکردن بعض مسائل عذر خود را دارند که شیخ الإسلام ابن تیمیة رحمه الله در کتابی بنام: "رفع الملام عن الأئمة"

الأعلام" این موضوع را شرح نموده و از فقهاء دعوت به عمل آورده که باید عذر یکدیگر را قبول کنند و اختلاف در فروع سبب دوری قلبها نشود، و همچنان شاولی الله دهلوی رحمه الله در کتاب: "حجة الله البالغة" روی این مطلب بسیار تأکید کرده، و مجدد دعوت و فکر معاصر امام حسن البناء رحمه الله قاعده خوبی را بیان داشته که: "يعين بعضنا بعضا فيما اتفقنا فيه ويعذر بعضنا بعضا فيما اختلفنا فيه"، یکدیگر را در مسائل ائفاقی کمک می کنیم، و در مسائل فروعی اختلافی عذر شان را قبول می کنیم.

ازینرو در مسائل اختلافی فقهی فروعی باید از تعصب و تنگ نظری دوری جوئیم و از وسعت نظر و حوصله و پیشانی باز کار بگیریم، و حق را به شیوهای خوب و زیبا و درست و به حکمت و تدرج به مردم برسانیم، و کوشش کنیم که مستدل حرف بزئیم و تنها به فتوا دادن که حرام است و جواز ندارد اکتفاء نکنیم و باید راه حل های مناسب را به دوستان خود ارائه کنیم، و مردم را فریب ندهیم من ملا و مولوی استم حرف مرا قبول کنید و از من حق دلیل خواستن را ندارید، و عالم و فقیه خوب و مجتهد هیچ وقت از نقد و انتقاد و بحث و مباحثه و مناقشة و دلیل خواستن گریز نمی کند بلکه سبب خوشنودی اومی شود.



پیروی یکی از مذاهب فقهی چی حکم دارد؟

برادر محترم ما سوال نموده:

سلام علیکم استاد محترم آیا پیروی کردن از یک مذهب واجب است؟

یا اینکه اگر کسی پیرو یکی از مذاهب است آیا میتواند از دیگر مذاهب هم پیروی کند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

باید متذکر شوم که تقلید اگر بمعنای استفاده از فقه و علم و دانش و ثقافت شرعی علمای راستین باشد یک عملکرد خوب و مشروع است لیکن واجب و سنت نیست... لیکن بر شخص عامی واجب است که مسائل شرعی را که نمی داند از اهل علم و دانش سوال کند تا اینکه دین خود را بشکل درست بفهمد.

عامه مسلمانان چاره جز تقلید کردن علماء وفقهای راستین ندارند و برای شان فرض است که مسائل دینی و شرعی خود را از علمای خود در یافت کنند، الله متعال درین مورد فرموده است: " فاسألوا أهل الذكر إن كنتم لا تعلمون"^۱ احکام دین خود را از علماء و دانشمندان بپرسید. .

^۱ - سورة النحل: ۴۳.

عبادات و معاملات و همه امور شما که ضرورت به فهم و دانش دارد از از علماء جویا شوید..ندانستن عیب نیست بلکه سوال نکردن عیب است، و عبادت کردن الله متعال با جهل و نادانی عیب است و مسلمان گنهگار می شود در صورت که سوال نکند.

و اگر تقلید را به این معنی تعریف کنیم این یک امر مشروع و مستحب است بلکه در صورت که انسان دین خود را نداند بالایش فرض و واجب است که به علمای خود رجوع کند.. و از علم و دانش و فقه و دانائی آنان استفاده کند و از سلوک و اخلاق نیکو و روش و استقامت ثبات و پایداری آنان متأثر شود.

و نیز باید تأکید کنم که دشنام دادن ، غیبت کردن و به الفاظ زشت یاد کردن یک مسلمان عادی گناه کبیره است اگر به علماء برسد گناهش بس بزرگ است زیرا علماء ناقلین و حاملین این دین هستند و توسط آنها الله متعال دین مبین اسلام را نشر و حمایت میکند، و آنها امضاء کنندگان به عوض رب العالمین در روی زمین هستند، و احترام علمای راستین واجب است..حتی همین اشخاص احساساتی که بنام منع کردن تقلید از استفاده نمودن از علم و دانش شرعی علمای راستین هم منع میکنند خود شان حتما در تقلید بعض علماء واقع هستند و ناگزیر هستند که مسائل دینی خود را از یک مرجع معاصر دریافت کنند..و از شیوه که مردم

را به ان دعوت به فرار و گریز میدهند خود شان در آن واقع هستند وبالفعل افتاده اند.. این هم یک نوع افراط برداشت غلط و نادرست است که این همه علوم و معارف شرعی را به یک یا دو عالم خلاصه کنیم.

لیکن باید متوجه باشیم که تقلید هرگز به این معنی نیست که علمای مذاهب و یا علمای معاصر را مردم به عوض پیامبر صلی الله علیه وسلم پیروی کنند و معصوم بدانند مثل آنانیکه گرفتار مرض پیر و مریدی و طریقت هستند - نعوذ الله - رهبران و پیران طریقت خود را به مرحله عبادت رسانیده اند، الله متعال به شدت از این عملکرد و غلو و افراط شان منع نموده و تحذیر کرده و آنها را به یهود و نصاری تشبیه داده که احبار و رهبان خود به الوهیت و ربوبیت رسانیده بودند "اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ"^۱ آنها علمای خود را معصوم میدانستند بلکه به ربوبیت رسانیده بودند .. این شیوه مذموم و حرام است .. با علماء و فقهاء و دانشمندان دین چنین تعامل و رفتار شود که آنها بشر هستند ممکن خطاها و اشتباهات اجتهادی داشته باشند که در آن اجر و پاداش دارند.

^۱ - سورة التوبة: ۳۱.

لیکن طاعت کردن مطلق آنها به اعتقاد که آنها معصوم هستند واشتبات ندارند قابل قبول نیست بلکه گناه برزگ هم است.

تقلید واتباع وپیروی علماء وفقهاء ودانشمندان علم شرعی به هدف استفاده از علم وفهم ودانش شرعی شان باشد زیرا آنها می توانند بخوبی وآسانی قرآن کریم را تفسیر ، احادیث نبوی را شرح ،وصحیح وضعیف را نشاندهی نمایند، وفرائض، واجبات، سنن ومستحبات، مکروهات ومحرّمات را بیان کنند،ومردم را از واقع شدن در غلطی ها نجات دهند که دین شان به خطر مواجه نشود زیرا طوائف گمراه وتلاشهای بیدینی به شدت ادامه دارد.. از اینرو رول ونقش علماء بسیار اساسی وسازنده میباشد وباید مردم طبق رهنمودهای علمای راستین خود عمل کنند ..وکوشش کنند که در بین علمای راستین که منهج وسطی ومعتدل دارند وعلم شرعی شان پاک وصاف است وبین آنهاى که دعواى عالم بودن را دارند ودر حقیقت علمیت شان کم وناقص ومخلوط با بعض انحرافات فکری وعقیدوی میباشد ودر عین حال در افراط وتفریط هم واقع هستند فرق قائل شوند.

در بین اجتهاد و تقلید مرحله وسط را اتباع می نامند:

مسأله اجتهاد و تقلید باب بسیار وسیع است در کتابهای اصول فقه.. و هر مرحله از خود شروط دارد اما در جواب مولوی صاحبان و علمای کرام باید بنویسم که بلی: ما سه مرحله داریم که عبارت از:

۱- اجتهاد: یعنی سعی و کوشش و تلاش کردن عالم برای استنباط احکام شرعی ان نصوص شریعت.. و از شروط هم آن این است که عالم باید متبحر باشد (مسلمان و عالم باشد که تفسیر قرآن کریم را بفهمد، با زبان عربی را کاملاً آشنا باشد زیرا بدون آن نمی تواند از قرآن و حدیث استنباط کند، علم فقه و اصول فقه، مقاصد شریعت، ناسخ و منسوخ را بفهمد، احادیث احکام را حفظ داشته باشد و صحیح از ضعیف فرق کرده بتواند، در موارد که اجماع شده باید بداند.. درین صورت به اندازه علمیت و فقه و دانائی اش می یا مجتهد مستقل، و یا مجتهد داخل مذهب فقهی خود، و یا مجتهد جزئی یعنی در بعض موارد آسان اجتهاد کرده می تواند.

۲- تقلید: قبول کردن قول و عمل دیگران بدون فهمیدن و معرفت دلیل آن.. بیروی کردن علماء و فقهاء.. هر کاری را که آنها کردند مقلد هم آنها انجام میدهد و از دلیل برسان نمی کند.. و عامه مسلمانان مقلد هستند زیرا اگر همه

برای اجتهاد از خانه برآیند زندگی شان معطل می شوند و آنها امکانات اجتهاد کردن را ندارند و نمی شود که تاجران و دست فروشان و محصلین و طبیبان، انجیران، کسبه کاران را مجبور کرد که باید اجتهاد کند.. بلکه واجب این مقلدین سوال اهل علم و علماء و فقهاء است که باید دین و احکام عبادت شان را بیاموزند و در اثنای ضرورت از علماء سوال کنند "فاسألوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون"^۱.

۳- اتباع: بیروی کردن آن قول علماء که دلیل صحیح داشته باشد به این معنی که قول کسی را بدون دلیل صحیح قبول نکنند.. این عالم و فقیه متبع نامیده می شود و در داخل مذهب فقهی اقوال و روشهای که مبنای آن بر احادیث ضعیف باشد آن را مشخص ساخته و به مردم بیان می کند این عبادت صحیح و درست است زیرا دلیل صحیح دارد.. و آن اعمال و عبادات و معاملات و مسائل خانوادگی غلط و نادرست است زیرا اساس مشروعیت آن دلائل ضعیف بوده .. و برای مردم بدائل صحیح را نشاندهی میکند... البته عالم و فقیه متبع باید از علمیت و بینش و فرهنگ شرعی خوب برخوردار باشد.



^۱ - سورة النحل: ۴۳.

آسانترین کتاب فقهی معاصر

در مدرسه استاد هستم و به مردم ما حول مدرسه مسائل دینی را شرح میکنم و در حل مشکلات شرعی شان سهیم هستم برایم یک کتاب فقهی خوب و آسان را که مطابق مذهب حنفی باشد معرفی کنید، جزاکم الله خیرا استاد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

بلی استاد محترم برای استادان و مولوی صاحبان و ملا امامان مساجد و قاضی صاحبان محاکم لازم است که کتابخانه کوچکی داشته باشند که بتوانند مسائل فقهی را با دلائل آن به مردم شرح کنند و کتاب موسوعه الفقه الإسلامی تألیف الدكتور وهبه زحیلی بهترین کتاب شامل و آسان و عام فهم است که مطابق مذهب حنفی تألیف شده و برای علماء و فقهاء بسیار کتاب ارزشمند است و این را برای تان معرفی میکنم، خوبی این کتاب این است که مسائل روز و قضایا معاصر را هم در بر دارد و به زبان ساده و آسان نوشته شده، نیز کتاب: "الموسوعه الفقهیه الكویتیه" در این باب با اهمیت است.



احترام به مذهب حنفی در حقیقت احترام بدین اسلام است

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

احترام به مذهب حنفی در حقیقت احترام بدین اسلام و شریعت اسلامی علمای این مذهب بزرگ فقهی در نشر دین اسلام و خدمت علوم تفسیر و حدیث و فقه نقش بسیار فعال و سازنده داشتند و دین اسلام را در بسیاری از نقاط مهم جهان اسلام رسانیدند و تألیفات و مؤلفات و نوشته ها و کتابهای شان تا به حال در حفظ این دین رول مهمی دارد، در پهلوی علمای سائر مذاهب فقهی اهل سنت و جماعت و برای هیچ عالم و دانشمند جواز ندارد که در مقابل این مکتب فقهی و فکری بزرگ قرار گیرد، وهم باید یاد آور شوم که برای مخالفین دعوت اسلامی و آنان که علم صحیح و پاک و درست ندارند و اگر دارند هم با خرافات و انحرافات آمیخته و خلط شده، برای اینها لازم نیست که انحرافات و خرافات عقیدوی و فکری ناشی از جهالت و کم فهمی و عقب ماندگی دینی را به مذهب ما یعنی مذهب حنفی نسبت دهند و مانع دعوت اسلامی شوند، به هیچ وجه قابل قبول نیست که انحرافات جادوگران، فالبینان زیارت پرستان، و تعویذ نویسندگان و کشفناسان را به مذهب حنفی ربط دهند و مردم مسلمان و غیور و با همت ما را گیج بسازند، اینها در حقیقت دکاندارانی هستند که بازار شان را با مخالفت و تبلیغات زهرآگین علیه علماء و دعوتگران راستین گرم ساختند،

بجای قبول کردن حق از دشنام دادن و متهم کردن دیگران کار میگیرند.



فرق بین مذهب حنفی اصیل و مذهب حنفی مهندسی شده

یکی از جوانان از ولایت هرات چنین نوشته:

من از شرعیات هرات فارغ شدم معلومات کافی از استادان گرامی خود دریافت کردم مثلاً از استاد مخلص و استاد قانت بخصوص از استاد فاضلی اما در باره بعض چیزهای همراه ملا صاحبان در قریه جر بحث میکنم میگویند ای وهابی شده.

مذهب حنفی اصیل مطابق قرآن و سنت است، البته بعضیها تلاش می نمایند که در ماحول تنگ نظری و تعصب و یا محیط آلوده با انحرافات درگاهها و بارگاهها و زیارتگاهها این مذهب را مهندسی کنند افکار و نظریات ناشی از عقبمانده گیهای فکری شانرا به این مذهب نسبت دهند و مانع دعوت شوند.

صدها موارد خرافاتی و مخالف شریعت و سنت وجود دارد که اصلاً بدین مبین اسلام ارتباط ندارد لیکن اینها همه عقبماندگیهای ناشی از ماحول و برداشتهای انحرافی خویش را بخش از مذهب حنفی می‌شمارند و مخالفین خود را با الفاظ زشت و نادرست خطاب می کنند.

اما ما وظیفه خود میدانیم که با آنها مطابق این معیار یاد شده رفتار نماییم و این اشخاص و افراد را نیز تحت پوشش دعوتی خود قرار دهیم و برای هدایت آنها کوشان باشیم زیرا شاید عذر آنها جهل و نادانی باشد.



فرق در بین تقلید و اجتهاد و اتباع مذاهب فقهی

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

مقلد کسی را گوید که قول عالم و یا فقیه را پیروی کند و به آن عمل نماید بدون اینکه دلیل قول و مذهب عالم و فقیه را بفهمد، اما مجتهد کسی است از که خودش مسائل فقهی را بحث و جستجو می کند و دلایل آن را در یافت نموده و مطابق آن عمل می نماید و اکثراً ائمه مذاهب مجتهدین بودند و مجتهد گاهی مجتهد مطلق می باشد گاهی مجتهد داخل یک مذهب فقهی، خو باید آیات قرآن کریم را حفظ داشته باشد و تفسیرش را بفهمد و ناسخ و منسوخ را فرق کرده بتواند و با علم اصول فقه آشنایی داشته باشد، و زبان عربی را بصورت صحیح بفهمد، و در بین اجتهاد و تقلید مرحله سومی وجود دارد که آنرا اتباع می نامند، و متبع کسی میباشد که قول امام و عالم و مجتهد مذهب فقهی را پیروی میکند بشرطکه دلیلش را بفهمد

و بدون دلیل به هیچ قولی عمل نمی کند، و کسانی که علم و دانش شرعی کامل ندارند می توانند که ائمه فقه که فقه اسلامی را تدوین کرده اند تقلید کنند لیکن چون عصر ما عصر انقلاب معلوماتی است و بر مسلمان لازم است که به معلومات دینی خود توجه کند و احادیث صحیح را از ضعیف تمییز نماید و کوشش کند عبادات و معاملاتش در روشنی دین اسلام انجام شود.

البته ائمه فقه اسلامی تعصب نداشتند و شعارشان این بود (إذا صح الحديث فهو مذهبي) اگر حدیث صحیح باشد در یک مساله آن مذهب ما است و به آن عمل می کنیم، این بود جواب مختصر سؤال یکی از دوستان که ما پیروی کدام مذهب را کنیم) و من برایش تحریر داشتم که مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله در افغانستان مروج است و با کی ندارد که پیروی شود خو باید کتب فقه را مطالعه نمود و احادیث شریف را که شروح آن به کثرت وجود دارد در کتاب خانه خود داشته باشیم با کتب تفسیر و علم عقیده و غیره.



خطر وجود احادیث موضوع و دروغین در کتابهای فقهی

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

من به سوالات یکی از دوستان فیسبوکی پاسخ میدادم که هنگام گفتگو از حدیث موضوع وضعیف استدلال میکرد و من برایش یاد اور شدم که این حدیث موضوع و دروغین است و برایم جواب داد که در فلان کتاب ذکر شده، باز هم برایش نوشتم که بلی کتابهای زیاد است که احادیث موضوع وضعیف را جمع آوری کرده که مردم بفهمند و به آنها عمل نکنند و وجود احادیث وضعیف و موضوع در کتابها بمعنای آن نیست که به آن عمل شود.

و باید بدانیم که بسیاری از انحرافات عقیدوی و مسائل خرافی و عادات و عبادات نادرست که در اسلام اصل و دلیل و مشروعیت ندارد از لا بلای احادیث موضوع و دروغین در بین مردم جا گرفته و جزء از دین مردم شمرده شده که در حقیقت مشروع نبوده، و اگر کسی بخواهد که دین و ایمانش پاک و صفا باشد باید از استدلال کردن ازین احادیث دروغین دوری بجوید و بر حذر باشد، و من می خواهم نکاتی مختصری را درین مورد به دوستان عرض کنیم و شریک بسازم، البته در جواب سؤال یکی از برادران:

اولا: اینکه مسلمان باید هیچ حدیثی را نقل و نشر نکند تا اینکه صحت و ضعف آنرا بداند زیرا اگر احادیث موضوع را نشر و نقل میکند و به مردم میرساند بنام حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم گنهگار شمرده می شود و به معنایی اینکه دروغ را به رسول الله صلی الله علیه پیوند میدهد، متأسفانه بعضی خطباء و امامان مساجد و واعظین محترم این کار از ایشان سر میزند و احادیث موضوع و منکر را به مردم به نام حدیث تقدیم میکنند.

ثانیا: بسیاری از کتابها خصوصا کتابهای فضایل اعمال مشتمل بر احادیث موضوع بوده و باید متوجه باشیم، و وجود احادیث در کتابها به معنای آن نیست که حتما حدیث صحیح است و باید تحقیق و جستجو شود.

ثالثا: در ویسایت های انترنیتی و صفحات ارتباط جمعی بسیاری از احادیث موضوع و باطل و منکر نشر میگردد و یکی به دیگری روان میکنند و باید متوجه باشیم که سبب نشر احادیث که ثابت نیست بلکه موضوع باشد سبب و وسیله نشر آن نشویم و خود را در گناه شامل نسازیم، و اگر در صحت و عدم صحت حدیثی شک داشتیم از هل علم سؤال کنیم.

رابعا: همه احادیث صحیح بخاری و صحیح مسلم صحیح است و هم اکثر احادیث کتاب موطأ امام مالک و سنن أبوداد

وسنن ترمذی وسنن النسائی وسنن ابن ماجه صحیح
میباشد ودرین کتابها بعضی احادیث ضعیف وجود دارد که
شیخ محمد ناصرالدین الالبانی آن را توضیح داده است.

خامسا: کتابهای که احادیث موضوع و ضعیف و دروغین
را معرفی کرده و بحث گرفته و نشاندهی کرده عبارت اند از:

- ۱- الموضوعات لابن الجوزی.
- ۲- اللآلی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه للشوکانی.
- ۳- تذکره الموضوعات لمحمد بن طاهر المقدسی.
- ۴- المنار المنیف فی الصحیح والضعیف لابن قیم
الجوزیه.
- ۵- تنزیه الشریعه المرفوعه عن الأخبار الشنیعه
الموضوعه للکتانی.
- ۶- المصنوع فی معرفه الحدیث الموضوع للهروی.
- ۷- الفوائد المجموعه فی الأحادیث الموضوعه للشوکانی.
- ۸ - سلسله الأحادیث الضعیفه والموضوعه لمحمد ناصر
الدین الالبانی، و این کتاب بسیار مهم.
- ۹- وبسایت انترنیتی الدرر السنیه هم بسیار مهم.

معرفی کتابهایی که احادیث موضوع و دروغین را بیان داشته

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

باید بدانیم که بسیاری از مسائل خرافی و عبادات و عبادات نادرست که در اسلام اصل و دلیل و مشروعیت ندارد از لا بلای احادیث موضوع و دروغین در بین مردم جا گرفته و جزء از دین مردم شمرده شده که در حقیقت مشروع نبوده، و اگر کسی بخواهد که دین و ایمانش پاک و صفا باشد باید از استدلال کردن ازین احادیث دروغین دوری بجوید و بر حذر باشد، و من می خواهم نکاتی مختصری را درین مورد به دوستان عرض کنیم و شریک بسازم، البته در جواب سؤال یکی از برادران:

اولا : اینکه مسلمان باید هیچ حدیثی را نقل و نشر نکند تا اینکه صحت و ضعف آنرا بداند زیرا اگر احادیث موضوع را نشر و نقل میکنند و به مردم میرساند بنام حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم گنهگار شمرده می شود و به معنای اینکه دروغ را به رسول الله صلی الله علیه و سلم پیوند میدهد، متأسفانه بعضی خطباء و امامان مساجد و واعظین محترم این کار از ایشان سر میزند و احادیث موضوع و منکر را به مردم به بنام حدیث تقدیم میکنند.

ثانیا: بسیاری از کتابها خصوصا کتابهای فضایل اعمال مشتمل بر احادیث موضوع بوده و باید متوجه باشیم، ووجود احادیث در کتابها به معنای آن نیست که حتما حدیث صحیح است و باید تحقیق و جستجو شود.

ثالثا: در وبسایت های انترنیتی و صفحات ارتباط جمعی بسیاری از احادیث موضوع و باطل و منکر نشر میگردد و یکی به دیگری روان میکنند و باید متوجه باشیم که سبب نشر احادیث که ثابت نیست بلکه موضوع باشد سبب و وسیله نشر آن نشویم و خود را در گناه شامل نسازیم، و اگر در صحت و عدم صحت حدیثی شک داشتیم از هل علم سؤال کنیم.

رابعا: همه احادیث صحیح بخاری و صحیح مسلم صحیح است و هم اکثر احادیث کتاب موطأ امام مالک و سنن أبوداد و سنن ترمذی و سنن النسائی و سنن ابن ماجه صحیح میباشد و درین کتابها بعضی احادیث ضعیف وجود دارد که شیخ محمد ناصرالدین الالبانی آن را توضیح داده است.

خامسا: کتابهای که احادیث موضوع و ضعیف و دروغین را معرفی کرده و بحث گرفته و نشاندهی کرده عبارت اند از:

۱- الموضوعات لابن الجوزی.

۲- اللآلی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه للشوکانی.

- ٣- تذكرة الموضوعات لمحمد بن طاهر المقدسى.
- ٤- المنار المنيف فى الصحيح والضعيف لابن قيم الجوزية.
- ٥- تنزيه الشريعة المرفوعة عن الأخبار الشنيعة الموضوعة للكتانى.
- ٦- المصنوع فى معرفة الحديث الموضوع للهروى.
- ٧- الفوائد المجموعة فى الأحاديث الموضوعة للشوكانى.
- ٨ - سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة لمحمد ناصر الدين الألبانى، و اين كتاب بسيار مهم.
- ٩- ويسايت انترنيتى الدرر السنية هم بسيار مهم.



شيوه وطريقه تدريس حديث نبوي

يكي از دانشمندان سوال نموده كه من در پوهنتون استاد مضمون حديث استم لطفا شيوه تدريس احاديث احكام را بنويسيد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای اینکه مثال تطبیقی داشته باشیم یک حدیثی از احادیث نبوی را شرح میکنیم: عن أنس بن مالك رضي الله عنه قال: دخل النبي صلى الله عليه وسلم على أمّ سُلَيْمٍ - يعني: أمّه هو - فأَتَتْهُ بِتَمْرٍ وَسَمْنٍ، فقال: " أَعِيدُوا سَمْنَكُمْ فِي سِقَائِهِ وَتَمْرَكُمْ فِي وَعَائِهِ، ثُمَّ قَامَ إِلَى نَاحِيَةِ الْبَيْتِ، فَصَلَّى غَيْرَ الْمَكْتُوبَةِ، فَدَعَا لِأُمِّ سُلَيْمٍ وَأَهْلِ بَيْتِهَا ". فقالت: يا رسول الله، إنَّ لي حَوْجَةً؟ قال: " ما هي؟ ". قالت: خادمتك أنس، أدُعُ له، قال: " اللهم ارزقه مالاً وولداً وبارك له"^١.

از صحابی جلیل القدر انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده که پیامبر اسلام رسول الله صلی الله علیه وسلم در منزل ام سلیم یعنی مادر انس بن مالک داخل شد، و ام سلیم رضی الله عنها به مهمان نوازی شتافت و برای شان خرما و مسکه تقدیم نمود لیکن رسول الله صلی الله علیه امر نمود که مسکه در ظرفش انداخته شود و خرما در خریطه اش واز خوردن معذرت نموده ودر یک بخش از خانه نماز نفل ادا نموده و به ام سلیم واهل و خانواده اش دعای خیر نمود، و ام سلیم به آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت که من خواهش خورد و کوچکی دارم ایشان فرمودند که بفرما،

^١ - صحیح البخاری، کتاب الصوم، باب من زار قوما فلم یفطر عندهم، رقم الحدیث:

(١٩٨٢)، (ج ٣، ص ٤١).

ام سلیم گفت که برای خادم تان آنس دعاء نمایید، رسول الله صلی الله علیه وسلم برایش دعاء نمود که پروردگارا او را رزق و روزی و فرزند عطا فرما و در زندگی اش برکت بینداز.

این حدیث صحیح است و در کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم ذکر شده است.

شرح مفردات حدیث:

۱ — السَّقاء: خریطه پوستی که در آن مسکه و آب نگهداری میشود، و بزبان دری مشک نامیده می شود .

۲ - غیر مکتوبه: نماز نفل

۳ - حُوَيْجَةٌ: تصغیر حاجه خواهش کوچک و خورد.

فوائد و احکام این حدیث:

۱- این حدیث تواضع پیامبر اسلام رسول الله صلی الله علیه وسلم را بیان میدارد که به احوال گیری یاران و دوستان خود میرفت تا اینکه از حال آنها با خبر شود و به مشکلات شان رسیدگی بتواند و نیز برای رفع مشکل شان دعاء می نمود.

۲- برخانهای خانه مستحب است که بخاطر مهمان نوازی مهمانان بشتابند با امکانات دست داشته شان.

۳- بر مهمان حرج شرعی نیست و باکی ندارد که از خوردن در خانه مهمان نواز خود داری کند نظر به هر سبب که باشد.

۴- اخلاق نیکوی مهمان نواز ایجاب میکند که معذرت مهمان را در نخوردن قبول کند و اصرار زیاد نکند.

۵- بر مهمان مستحب که به اهل خانه مهمان نواز دعاء نماید و در عین حال اگر دو رکعت نماز نفل در خانه شان بخواند باکی ندارد.

۶- باکی ندارد و حرج شرعی نیست که مادران برای حل مشکلات فرزندان شان نزد اشخاص تأثیر گذار وساطت نمایند و از آنها طالب دعاء و همکاری شوند .

۷- این حدیث دلالت میکند که مادران باید بخاطر بر آورده شدن خواسته‌های مشروع فرزندان شان سعی و تلاش نمایند البته در اوقات و فرصتهای مناسب.

۸- مستحب این است که مسلمان وساطت اشخاص نیکو را قبول نماید.



معلومات مختصري در باره محدث زمانه شيخ محمد ناصر الدين الألباني ومهمترین كتابهاى او

خواهر محترمه از شهر كابل برايم نوشته كه اين متن
سوال شان است:

عرض ادب دارم خدمت شما از خداوند متعال عافيت
برائتان خواهان هستم هميشه با عزت و با عفت باشيد
هميشه با سخن هاى نيك تان مردم را به راه راست دعوت
ميكنيد من يكتن از شاگرد هاى مكتب هستم اينجا يكي از
هم صنفى ما كتاب هاى را ميآورد به مطالعه كه و شخص
كه مولف همان كتاب است اسم اش شيخ البانى است
ميشود در موردش براى همه ما در صفحه فيسبوكتان
معلومات ارايه كنيد. تشكر استاد بزرگوار.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

ازين خواهر محترمه تشكر ميكنم كه توانسته بسيار
سوال مهم را مطرح كند چون در جامعه ما مردم از شيخ
محمد ناصرالدين الألبانى كه مجدد علم حديث است
معلومات اندكى هم ندارند، ودرين مورد معلومات مختصر
تقديم ميكنم وضمنا همه را به مطالعه كتابها و مؤلفات او
تشويق وترغيب ميدهم كه در سايتهاى خاص انترنيتى به
شكل منظم نشر شده.

شیخ محمد ناصر الدین الألبانی رحمه الله یکی از بهترین و مهمترین علمای معاصر این زمانه بوده که همه عمر خود را در خدمت حدیث نبوی شریف صرف نموده و توانسته که واقعا عالم و مجدد علم حدیث (سندا و متنا) و (روایه و درایه) باشد و احادیث صحیح را از ضعیف و موضوع تمیز کند و خدمت بسا بزرگی به اسلام و سنت نبوی انجام دهد، او توانسته که علم جرح و تعلیم و مصطلح الحدیث را به باسلوب آسان و معاصر تطبیق کند که برای همه علمای اسلام این علم را آسان بسازد، او محدث یعنی عالم در علم حدیث بود البته مفکر و یا شخصیت حرکی مثل امام حسن النبأ و ابو الأعلى مودودی و شیخ ابو الحسن ندوی نبود، و کتابها و مؤلفات و نوشتههای او بهترین مراجع و مصادر در علم حدیث شده می تواند و باید آنرا مطالعه کنیم و دیگران را هم به مطالعه آن تشویق و ترغیب دهیم.

شیخ محمد ناصر الدین الالبانی در سال ۱۳۳۳ هـ الموافق ۱۹۱۴ م فی شهر أشقودرة ألبانیه - بدنیا آمده و به دمشق سوریه هجرت نمودند و سالهای و بعد از فراغت و تعلیم سالیان در مسجد نبوی شریف و در دانشکاه اسلامی در شهر مدینه منوره مشغول تدریس علم حدیث بودند و از همانجا تألیف را آغاز نمودند و بعدا به شهرهای دمشق سوریه و عمان اردن اقامت داشتن و بر علامه از مصروفیت های دعوتی توانسته کتابهای زیادی را در علم حدیث تألیف کند

ومهمترین کار شان تمیز کردن حدیث صحیح که قابل عمل
 واستدلال است از حدیث ضعیف وموضوع که قابل استدلال
 نیست، وشیح البانی رحمه الله بهترین عالم حدیث بوده
 خواندن ومطالعه کتب ومؤلفات او برای همه خصوصاً علماء
 ودانشمندان بسیار اهمیت دارد تا اینکه در نوشته ها وفتاوی
 شان از احادیث موضوع استدلال نکنند، واین است کتابها
 ومؤلفات شیخ البانی رحمه الله:

سلسلة الأحادیث الصحیحة.

سلسلة الأحادیث الضعیفة.

صحیح الترغیب والترهیب.

ضعیف الترغیب والترهیب.

صحیح وضعیف الأدب المفرد.

مختصر سنن أبی داود.

مختصر جامع الترمذی.مختصر سنن ابن ماجه.

مختصر سنن النسائی.

ظلال الجنة فی تخریج السنة.

ضعیف الجامع الصغیر.

مشكاة المصابيح.

رياض الصالحين.

إرواء الغليل فى تخريج أحاديث منار السبيل

رفع الأستار لإبطال أدلة القائلين بفناء النار.

تخريج أحاديث غاية المرام فى تخريج أحاديث الحلال
والحرام.

تخريج أحاديث إصلاح المساجد من البدع والعوائد.

تخريج أحاديث الإحتجاج بالقدر.

تخريج أحاديث مشكلة الفقر وكيف عالجه الإسلام.

تخريج أحاديث حقوق النساء فى الإسلام.

تخريج أحاديث فقه السيرة.

تخريج أحاديث صفة الفتوى والمفتى والمستفتى.

تخريج أحاديث فضائل الشام ودمشق.

تخريج أحاديث كلمة الإخلاص وتحقيق معناها.

اقتضاء العلم العمل (تحقيق).

الإيمان لشيخ الإسلام ابن تيمية (تحقيق).

الإيمان لابن سلام (تحقيق).

تخريج أحاديث أداء ما وجب من بيان وضع الوضاعين
فى رجب.

تخريج أحاديث بداية السؤل فى تفضيل الرسول صلى
الله عليه وسلم.

تخريج أحاديث مساجلة علمية حول صلاة الرغائب
المبتدعة.

تخريج أحاديث كتاب العلم لأبى خيثمة زهير بن حرب
النسائى.

الثمر المستطاب فى فقه السنة والكتاب.

دفاع عن الحديث النبوى و السيرة.

فضل الصلاة على النبى صلى الله عليه وسلم.

التوحيد أولاً يا دعاه الإسلام.

تحذير الساجد من اتخاذ القبور مساجد.

الأجوبة النافعة عن أسئلة لجنة مسجد الجامعة.

الحديث حجة بنفسه فى العقائد والأحكام.

تلخيص صفة صلاة النبى صلى الله عليه وسلم.

خطبة الحاجة.

صلاة التراويح.

كيف يجب أن نفسر القرآن.

فتنة التكفير.

صحيح السيرة النبوية.

سؤال وجواب حول فقه الواقع.

رسالة قيام رمضان.

مناسك الحج والعمرة.

مختصر الشمائل المحمدية.

منزلة السنة فى الإسلام.

تصحيح حديث إفطار الصائم قبل سفره بعد الفجر.

نصب المجانيق لنسف قصة الغرائيق.

المسح على الجوربين.

صلاة العيدين فى المصلى هى السنة.

مشروعية القبض فى القيام الذى قبل الركوع دون الذى بعده.

الرد المفحم على من خالف العلماء.

شرح العقيدة الطحاوية.

مختصر العلو للعلى الغفار.

الإسراء والمعراج.

تحريم آلات الطرب.

حجة النبى صلى الله عليه وسلم كما رواها عنه جابر رضى الله عنه.

قصة المسيح الدجال ونزول عيسى عليه الصلاة والسلام.

آداب الزفاف فى السنة المطهرة.

التوسل أنواعه وأحكامه.

جلباب المرأة المسلمة.

تلخیص احکام الجنائز.

تمام المنه فی التعليق علی فقه السنه.

أصل صفة صلاة النبي صلى الله عليه وسلم.

صحيح أبي داود الأم.

ضعيف أبي داود الأم.

التعليقات الحسان علی صحيح ابن حبان.



جایگاه صحیح بخاری نزد مسلمانان

یکی از دوستان دانشمند از شهر کابل چنین سوال

نموده:

فردا بعض افراد روی نقد نمودن صحیح البخاری بحث

دارند و این اعلان شان است، شما اگر گفتنی داشته باشید؟

اگر خدا بخواهد فردا در جلسه هفتمه وار «جمعیت فکر»

سخنرانی خواهیم کرد. موضوع سخنرانی عبارت است از

«صحیح بخاری در ترازوی نقد: نقد درونی حدیث».

نظر من این است که ما باید تکلیف خود را با انبوهی از حدیث‌هایی که ذهنیت دینی ما را مغشوش و آشفته می‌کنند روشن کنیم. روایت‌زدگی، آفت گفتمان دینی ماست.

صحیح البخاری صحیح‌ترین و موثق‌ترین کتابها بعد از قرآن کریم کتاب الله عزوجل است.

«جمعیت فکر» خیر خانه باید صدها بار فکر کند قبل از نقد کردن صحیح بخاری زیرا خطر دینی دارد و از سویه فکر آنها بمراتب بالا است.

«جمعیت فکر» حق نقد ثوابت مسلمانان را ندارد.

خواهش جدی و مطالبه علماء و دعوتگران از مسئولین (جمعیت فکر) این است که بعوض نقد صحیح بخاری از اهمیت، ارزش، مقام و منزلت این کتاب مهم حرف بزند و مجلس علمی دائر نمایند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

به همه معلوم است که دشمنان دین مبین اسلام بدو طریقه و شیوه دشمنی شانرا اظهار میدارند یکی اینکه بشکل ظاهر و علنی، شیوه دومی این است که بشکل خفی و از جمله این شیوه ها طعن نمودن و تشکیک کردن در مصادر

تشریح و مهمترین آن احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم است خصوصاً صحیح البخاری که دشمنان زیاد دارد و هستند اشخاص و افرادی که تلاش دارند تا اینکه از اهمیت این کتاب مهم مسلمانان بکاهند و آنرا بنقد گیرند.

احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم مصدر دینی دوم مسلمانان است که یک تعداد برزکی از ائمه و علماء در طول تاریخ بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم در خدمت آن اشتغال داشتند و خود وقف آن نموده آن تا اینکه احادیث صحیح را با سند آن تدوین نمایند و از جمله آنها امام محمد بن اسماعیل البخاری است که کتاب صحیح البخاری مشخصات ذیل را دارا میباشد:

۱- به اتفاق علمای علم حدیث صحیح البخاری صحیح ترین و موثق ترین کتابها است بعد از قرآن کریم کتاب الله عزوجل.

۲- همه احادیث صحیح بخاری صحیح و درست است، و در صحیح بخاری و صحیح مسلم احادیث ضعیف موجود ندارد، محدث برزک امام ابن حجر العسقلانی شارح صحیح البخاری این مطلب را تأکید میدارد و می نویسد: " أهل الصنعة مجمعون على أن الأخبار التي اشتمل عليها الصحيحان مقطوع بها عن صاحب الشرع ".

علامه احمد شاکر می نویسد: " الحق الذي لا مرية فيه عند أهل العلم بالحديث من المحققين، وممن اهتدى بهديهم، وتبعهم على بصيرة من الأمر: أن أحاديث الصحيحين صحيحة كلها ، ليس في واحد منها مطعن أو ضعف".

شیخ الإسلام ابن تیمیہ نیز می نویسد: " قد اتفق أهل العلم على صحته" علماء بر اینکه احادیث صحیح البخاری همه صحیح است اتفاق دارند.

۳- احترام صحیح البخاری در حقیقت احترام احادیث و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است.

۴ - امت محمد صلی الله علیه وسلم صحیح البخاری و صحیح مسلم را قبول کرده اند.

۵- طعن کردن و یا تشکیک نمودن در صحیح البخاری در حقیقت حمله و شک و تشکیک در احادیث و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است که برای امت ما قابل قبول نیست و معنایش دشمنی علنی با سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است.

۶- اشخاص و افرادی که در صحیح بودن احادیث صحیح بخاری شک و تردید دارند و یا آنرا بنقد میگیرند در حقیقت انسانهای مبتدع هستند که راه غیر مؤمنان را پیروی میکنند و در گمراهی روان هستند.

استناد از احادیث ضعیف در عبادات

یکی از دوستان چنین سوال نموده :

در بخش فضائل اعمال ولو که احادیث ضعیف هم باشد در صورتیکه مخالف با قرآن و احادیث صحیح نداشته باشد عمل کردن به آن جائز است یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شریعت اسلامی اعتماد نمودن بر احادیث ضعیف و استدلال کردن بخاطر ثبوت فرائض، واجبات، سننها و مستحبات عبادات جائز و مشروع نیست..نصوص قرآن کریم و احادیث صحیح که از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است کافی است که مسلمان به آن عمل کند و رهنمای دینی خود قرار دهد .

اما بعض احادیث ضعیف که موضوع و دروغین نباشد تحت شرایط خاص در فضائل اعمال نزد بعض علماء دلیل شده می تواند البته در مسائل اخلاق نی عبادات و این شرایط را ذکر کردند:

۱- حدیث دروغین و موضوع نباشد.

۲- ضعیف شدید نباشد و در سند آن راوی متهم به کذب و دروغ نباشد.

۳- زیر پوشش یعنی مندرج در یکی از اصول معمول شریعت باشد.

۴- هنگام عمل به آن اعتقاد نداشته باشد که صحیح است بلکه احتیاط را در نظر داشته باشد.

۵- یکی از نصوص صحیح یعنی آیت قرآنی و یا حدیث نبوی آنرا تأیید کند.

۶- در مخالفت با مقاصد و اصول شریعت قرار نداشته باشد.

قبولی عبادت مسلمان به دو شرط متوقف است:

۱- اخلاص به الله متعال که خاص برای او تعالی باشد:
" وما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين " ^۱.

۲- متابعت رسول الله صلی الله علیه وسلم "وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا" ^۲.



^۱ - سورة البينة: ۵.

^۲ - سورة الحشر: ۷.

شروط اجتهاد، فتوا دادن و استنباط احکام شرعی

یکی از مولوی صاحبان از ولایت هرات چنین سوال نموده :

آیا در افغانستان مجتهد پیدا میشود یا نه؟ چون تا حال کسی ادعا نکرده و از طرفی شما هم با علماء خوب شناخت وسیع دارید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا : فتوا معنایش بیان کردن حکم شرعی است هنگامیکه سوال مطرح گردد، و یا اینکه بغیر از سوال شدن هم احکام شرعی مسائل جدید روز مره بیان شود بخاطر تصحیح و بهبود اوضاع مردم و تصرفات آنها در زندگی روز مره تا اینکه در روشنی شریعت زندگی کنند و از واقع شدن در حرام در امان بمانند.

مفتی عالم مجتهدی میباشد که احکام شرعی قضایا ، حوادث و وقائع را بدانند و دارای علمیت استنباط احکام شرعی از دلائل تفصیلی آن باشد، و توانایی تطبیق دلائل شرعی را بر وقائع و حوادث و مسائل داشته باشد.

فتاوی که به استناد دلائل قطعی شرعی قرآن و سنت صحیح بشکل واضح و روشن صادر می شود بر مسلمان واجب است که به آن عمل کند و در مخالفت آن واقع نشود

ثانیا: شروط مفتی :

برای هیچ عالم جواز ندارد که فتوا صادر کند تا اینکه شروط ذیل را دارا باشد:

۱- تفسیر آیات احکام قرآن کریم را بداند، تفسیر صحیح را از اسرائیات و روایات تفسیری نادرست فرق کرده بتواند.

۲- احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را بفهمد.

۳- بزبان عربی تسلط کامل داشته باشد.

۴- فقه، اصول فقه، قواعد فقهی، و علم مقاصد شریعت بداند.

۵- مسائل اتفافی و اختلافی مذاهب فقهی را درک کرده بتواند.

۶- ناسخ و منسوخ را بفهمد زیرا مواردی است که نسخ شده و احکام جدید جاگزین آن گردیده.

۷- احادیث ضعیف و موضوع را از احادیث صحیح تمیز و فرق کرده بتواند. زیرا آفت بعضی علمای کشور ما این است که از احادیث موضوع استدلال میکنند.

۸- از احوال، فرهنگ، عادات، تقالید و اوضاع مردم باخبر باشد.

۹- توانایی استنباط احکام شرعی را از نصوص شریعت داشته باشد.

۱۰- از قرارات مجامع فقهی معاصر و فتاوی صادر شده آنها مطلع باشد زیرا این قرارات و فتاوا بدون شک کمک و یاری میکند مجتهد را.

۱۱- علم، دانش و ثقافت عمومی در مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، طبی داشته باشد زیرا فقیه و عالم هنگام بحث و تحقیق مسائل عصری و جدید در شرائط کنونی نیاز به علاقمندی و ارتباط با این همه تخصصات دارد تا اینکه در موقع ضرورت به اهل خبره و دانش این تخصصات رجوع کرده بتواند.

عالم، فقیه مجتهد و مفتی باید در فتوایش مخلص بوده باشد و رضای الله متعال را در نظر داشته باشد، باوقار، با تقوا، زاهد، امانت کار باشد و از شک و شبهه دور جوید، در عین

حال از کتاب و کتابخانه و مصادر و منابع علمی شرعی دور نباشد تا اینکه علم خود را تجدید نماید.

چونکه عالم و فقیه از وارثین پیامبران است باید به لباس و مظهر خود اهتمام نماید و خوش اخلاق بوده باشد و از زشت گویی و سخت روی بپرهیزد تا اینکه مورد قبول مردم واقع گردد زیرا تندخوی بودن بعلماء نمی زیبد خصوصا آنانیکه خود را خادم علم شرعی میدانند.

در عین حال جوانب دعوتی را فراموش نکنند زیرا برنامه سوال و جواب خودش منبر دعوتی مهم است که در لابلای شرح و بیان حکم شرعی مجال خوب برای دعوت هم است تا اینکه فتوا مؤثریت بیشتر داشته باشد.



در مباحث مطابق خواهش خود، و در مسائل دینی مطابق شریعت عمل کند

یکی از دوستان عزیز بر این چنین نوشته:

پوبنتنه می په لاندی ډول ده زړه دانسان په وجود کی څه دنده لری؟

مور وایو زړه ته می نه کیبری 'زړه می یی نه منی' له زړه درته وایم 'مینه په زړه پوری اړه

لری او همدا ډول په قرآنکریم کی فرمایل شوی
ددوی په زړونو مهر لگیدلی ' ددوی زړونه دکانی
په شان سخت دي ' ددوی زړونه تور شوی دی .

بل دزړه ' وجدان او ضمیر تر منځ توپیر څه
ده آیا چاری او ځینی میلانونه دزړه کار دی ؟ او
که یواز وینه پمپ کوی ؟ د ځواب په هیله !!

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

در شریعت هیچ مانع نیست که در مباحات ومصالح
دنیائی انسان مطابق عقل ومیل وخواهش خود کار کند وبه
اصطلاح عامیانه قسمی که دلش می شود وضمیرش برای
اجازه می دهد دل، قلب، ضمیر همه اینها تابع عقل انسان
است که او را رهنمائی میکند، چیزی که دل شما می شود
ویا ضمیر تان به او قناعت دارد ویا نفس تان او را خواهش
دارد مصدر این همه امور عقل انسان، به این معنی عقل
اراده وتصمیم انسان را به کاری سوق میدهد، نه اعضای
حسی که همه عبارت از کوشت واستخوان است.

اما در مسائل شرعی شکی نیست که عقل مصدر احکام
وفتاوای شرعی شده نمی تواند وعقل انسان را در فهم
مسائل یاری میدهد وخوب وبد را انسان توسط عقل خود
تمیز می کند اما اینکه انسان در مسائل شرعی واحکام دین
خود به عقل خود رجوع کند وفتوای خود را از قلب خود

حصول کند این در حقیقت هوا پرستی و جهالتی بیش نیست، وانسان کوشش کند که احکام دین خود را بفهمد و اگر در بعض موارد ضرورت به سوال داشته باشد از اهل علم و دانش شرعی بپرسد خداوند متعال در قرآن کریم فرموده اند که: "فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ" از اهل علم و علماء پرسان کنید و جویای احکام دین خود شوید در صورت که نمی فهمید.

و مسلمان کوشش کند که احکام دین خود را توسط مطالعه و از حلقه های درسی و مطبوعات و نشرات اسلامی بیاموزد و به هیچ کاری دینی و دنیای اقدام نکند تا اینکه حکم شرعی آن را بداند تا اینکه در گناه واقع نشود، اگر در عبادت غلطی کند در حق خداوند متعال مقصر شناخته می شود و اگر در معاملات و کاروبار در حرام واقع شود در حق بندگان او جفا میکند، عقل نعمت الهی است و میزان ترازوی تمیز کردن خوبی ها و بدی ها است لیکن مصدر و منشأ فتاوی شرعی نیست.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آله و صحبه اجمعین.



اصل در عادات مباح بودن است

برادر محترم ما صفت الله منصور از شهر کابل چنین
سوال نموده:

استاد محترم "الأصل فى الأشياء الإباحة" همین
مسئله را برایم توضیح بدهید که (چطور نظر به کدام آیات
واحادیث) تمام اشیاء در اصل حلال است) تفصیلاً برایم
واضح بسازید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دین مبین اسلام بخاطر آسانی زندگی مردم باب
مباحات را بسیار وسیع گردانیده تا اینکه مردم در تنگنا
ومضیقه قرار نگیرند از این لحاظ بسیاری از مسائل زندگی
روز مره را به خود مردم واگذار نموده که از مباحات استفاده
نمایند، قاعده شرعی است که: "الأصل فى الأشياء الإباحة"
حتی یدل الدلیل على التحريم" در اصل همه چیزها
ووسائل که زندگی را آسان میسازد مباح است تا اینکه
دلیلی بر حرام بودن آن نباشد، و علمای مذهب حنفی نوشته
اند که: "الأصل فى الأشياء الحل" یعنی در اصل مسائل که
به عادات و خوردن و نوش و کارهای زندگی تعلق میگیرد حلال
است، تا اینکه دلیل بر حرام بودنش وجود داشته
باشد. و دلیل اساسی این قاعده شرعی آیه کریمه است که

الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ" ^١ بگو ای محمد که کسی حرام گردانیده زینت، زیبائیهای را که الله متعال برای بندگانش خلق نموده و رزق روزی پاک و خوب را که با این زینت و زیبائی است.. هرگز کسی و مخلوقی آنرا حرام شمرده نمی تواند.



مفهوم قاعده شرعی: (الضرورات تبيح المحظورات)

یکی از دوستان سوال نموده:

ما معاش مان را از طریق عزیزی بانک که یک بانک ربوی سودی است میگیریم آیا اگر مقداری از معاش ماهوار خویش را در حساب خود بگذاریم اگرچه نیت داشته باشیم که ما سودش را نمیگیریم تنها به خاطر اینکه پول ما محفوظ باشد آنجا میگذاریمش گنهگار میشویم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

در اصل و در حالات عادی تعاملات مالی و اقتصادی با بانکهای سودی و از طریق این بانکها جواز ندارد و همکاری و کمک به سود خوری شمرده می شود لیکن در بعض اوقات

^١ - سورة الأعراف: ٣٢.

ضرورت مثل حواله شدن معاشات دولتی و شرکتهای تجارتي از طریق این بانکها تعامل کردن جواز دارد لیکن باید این شروط مراعات شود تا اینکه در حرج شرعی واقع نشود:

۱- هیچ راه وروش و طریقه بدست آوردن معاش به غیر از طریق این بانکهای سودی وجود نداشته باشد در این صورت مسلمان معذور شمرده می شود..اما اگر راه دیگری وجود داشته باشد تعامل با بانکهای سودی جواز ندارد.

۲- در صورت رسیدن معاش به حساب فوراً برداشته شود و باقی نماند تا اینکه این مبلغ شامل تعاملات سودی نشود.

۳- باز نمودن حساب جاری .. زیرا در حساب جاری مالک حساب می تواند هر لحظه پول خود را بردارد.

۴- ونیز گذاشتن مقدار از پول وپیسسه معاش بخاطر محفوظ بودن از خطر گم شدن، سرقت وغیره جواز دارد لیکن باید فایده و سودی که بانک در حساب اضافه میکند برای فقیران ومحتاجین توزیع گردد .



مسلمان باید در مسائل فقهی متعصب و تنگ نظر نباشد

یکی از دوستان محترم از کابل سوال نموده که :

نخست جهان سپاس از نشر مسائل مهم اسلامی از طریق صفحه فیسبوک تان واقعا بنده شخصا خیلی مستفید میشوم، الله منان اجر دارین را نصیب تان کند، در ضمن بنده سوالی داشتم شاید تکراری باشد ولی من تا حال در صفحه تان این سوال را پیدا نکردم، سوال این است در اسلام حکم مذاهب چیست؟ آیا مذاهب از جمله اصول اسلام است، اگر است پس چرا در قرآن و سنت ما مکلف به پیروی آن نشدیم بلکه اطاعت از الله و رسولش برای ما واجب است، از جانب دیگر اگر مذاهب اصول اسلام نیستند، پس چرا در بین مسلمانان خصوصا در افغانستان مذهب اصل شده و دیگر سنن که شامل مذهب نیستند توسط ملاهای ما کتمان شده و برای مردم گفته نمیشود که این خودش دلالت به اصل بودن مذهب و نعوذ بالله فرع بودن سنت میکند، منتظر نظریات عالمانه تان هستم، جزاک الله خیر.

و دوستی دیگری از ولایت بدخشان سوال خود را
نوشته که:

جناب استاد امی مذهب ها در اسلام جواز دارد یا که
خیر اگر وقت داشته باشید یک جواب کوتاه اگر وقت
نداشتید انشاءالله به دیگر وقت می‌گذاریم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تنگ نظری و تعصب و تقلید کور کورانه مسلمان را از
علم و دانش محروم می‌سازد.

بجای جنجال های فقهی فروعی کوشش کنیم که در
بخش عقائد و ایمانیات عقیده سالم و درست داشته باشیم که
از جمله موحدین حساب شویم و توکل محکم و ایمان راسخ
به الله متعال داشته باشیم این بسیار مهم است و سرمایه هر
مؤمن و مسلمان است زیرا همه انحرافات که عبارت از شرک
آوردن به او تعالی و بدعت و انحرافات و نو آوری ها در کشور
ما و شما در باب عقائد واقع می شود قابل غور و فکر است که
باید اصلاح شود، و ما شما مشاهده میکنیم که بعض مردم به
جهل و نادانی نزد فالبینان، جادوگران، کفشناسان، و احیاناً به
زیارتگاهها و مقبره جهت رفع مشکلات شان رجوع میکنند،
باید درین قسمت توجه جدی کنیم، حنفی مذهب باشیم
خو موحد، و اجازه ندهیم که زیر نام حنفی بودن عقائد مردم

متزلزل شود، ومشکل کشای شان زیارت وتعویذ نویس باشد.

اولا: تشکر از احساسات نیک وخوب شما الله متعال شما را سعادت دارین نصیب فرماید.

ثانیا: ما وشما کوشش کینم که در بخش عقائد وایمانیات عقیده سالم ودرست داشته باشیم که از جمله موحدین حساب شویم وتوکل محکم وایمان راسخ به الله متعال داشته باشیم این بسیار مهم است وسرمایه هر مؤمن ومسلمان است زیرا همه انحرافات که عبارت از شرک آوردن به او تعالی وبدعت وانحرافات ونو آوری ها در کشور ما وشما در باب عقائد واقع می شود ومردم به جهل ونادانی نزد فالبینان، جادوکران، کفشناسان، واحیانا به زیارتگاهها ومقبره جهت رفع مشکلات شان رجوع میکنند، باید درین قسمت توجه جدی کنیم.

ثالثا: در مورد مذاهب فقهی که یک واقع خوب است ویک روش ومسلك ومنهج تدوین شده وشناخته شده در همه دنیا وجهان اسلام است ومعنایش آموختن مسائل فقهی خود را در همه ابعاد زندگی از فقهاء بیاموزیم درین اصلا اشکال نیست وباید حساسیت نداشته باشیم، زیرا فقهای اصحاب مذاهب علماء بودند که دین مبین اسلام را به ما وشما نقل کرده ورسانیدند وزحماتی زیادی را متقبل

شدند بخاطر تدوین فقه اسلامی، وفعلا در همه دانشگاهها بخش فقه مقارن مذاهب اربعه وجود دارد که بسیار به شوق و ذوق تدریس می شود و مقارنه می نمایند، و در فروعات فقهی پیرو مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله باشیم باکی ندارد، والله متعال ما وشما را امر نموده که در صورت نفهمیدن به همین فقهاء رجوع کنیم و فتوای خود را بدست بیاوریم، "فاسألوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون" ^۱ وقت که مسائل واحکام دین تان را نمی دانید سوال کنید از علماء وفقهاء.

رابعا: مسلمان باید مطالعه داشته باشد و در مسائل دین خود توجه جدی کند زیرا شرائط زندگی بدل شده و دنیا مثل یک قریه شده و مسائل جدید در زندگی انسان مطرح می شود که باید حکم شرعی آن را بداند و کوشش کند که از همه علماء ومؤلفات شان استفاده کند و مذهب فقهی را مثل چهار دیواری خانه فکر نکند زیرا اگر این طور عقلیت جامد داشته باشد سبب پسمانی و ناهمپی او می شود و از علم و دانش که نزد علمای مذاهب فقهی واجتهادی است محروم می ماند، به این معناست که سودای روز مره خود را تنها از یک بازار خریداری کند و حق داخل شدن به بازارهای دیگر را نداشته باشد خوب باشد و یا خراب باید از همین دوکانها خریداری کند، مقصودم این است که مسلمان

^۱ - سورة النحل، آیت: ۴۳.

متعصب و تنگ نظر نباشد حنفی بودن به معنای این نیست
که در جستجوی حق نباشیم.



**همصنفي اش برایش (لا مذهب وبی مذهب) گفته آیا گنهگار
شده؟**

یکی از محصلین فاکولته تعلیمات اسلامی پوهنتون
تعلیم و تربیه استاد ربانی سوال نموده که:

استاد محترم السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته، یک
سوال داشتم:

بعض همصنفي هایم مرا (لا مذهب وبی مذهب
میگویند) چون بعض اوقات از قرآن و حدیث استدلال
میکنم.. آیا گنهگار می شوند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

آنها گنهگار نمی شوند و لا مذهب وبی مذهب گفتن
دشنام شمرده نمی شود زیرا مذهب روش و شیوه و منهج را
می نامند و بمعنای دین نیست... و برای شما این نوع الفاظ
شان کدام ضرر دینی نمی رساند، لیکن باید بی دین خطاب
نکنند.

اصلا مذهب دين شمرده نمى شود تنها تقليد و پيروى از روش و مسلک و منهج فقهاى سلف است... و بايد بين دين و مذهب فرق کنيم... مذهب بمعناى روش و شيوه فقهى و نه كسى به مذهبى بودن ثواب و اجر ميگيرد و نى هم وقت لا مذهب گفته مى شود گنهگار مى شود.. مهم اين است كه مسلمان پيرو دين مابين اسلام باشد.. الله متعال در قرآ، كريم فرموده است " اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً " ۱ امروز دين شما را تكميل ساختم و نعمت خود را بالاي شما تمام نمودن و دين اسلام را براي تان لازم و مناسب دانستم و سبب رضايتم است براي شما .

مذهب منسوب به بعض فقهاء و دانشمندان قرن بعد از صحابه كرام ميباشد كه توفيق يافتند تا اينكه در نشر احكام شرعى و تفسير آيات قرآن كريم و شرح احاديث نبوى سهم داشته باشند و علم صحابه كرام و تابعين را به مردم برسانند و تأليفات و مؤلفات و نوشته ها و كتابها داشته باشند كه تا به حال در حفظ اين دين رول و نقش مهم دارند..

و در شرائط فعلى و واقع معاصر ما مخالفين دعوت اسلامى و آنان كه علم صحيح و پاك و درست ندارند و اگر دارند هم با خرافات و انحرافات آميخته و خلط شده .. انحرافات و خرافات عقيدوى و فكري ناشى از جهالت و كم

فهمی و عقب ماندگی دینی را به مذهب حنفی نسبت می‌دهند و مانع دعوت اسلامی شوند.. حتی انحرافات جادوگران، فالبینان زیارت پرستان، و تعویذ نویسان و کفشناسان را به مذهب حنفی ربط می‌دهند و مردم مسلمان و غیور و با همت ما را گیج می‌سازند.. اینها در حقیقت دکاندارانی هستند که بازار شان را با مخالفت و تبلیغات زهرآگین علیه علماء و دعوتگران راستین گرم ساختند.. بجای قبول کردن حق از دشنام دادن و متهم کردن دیگران کار میگیرند... بعوض بحث کردن و استدلال نمودن دشنام می‌دهند و لا مذهب و بی مذهب و وهابی می نامند کسانی را که آنها را از جهالت و شرک و بدعت و خرافات منع کنند.

فقه حنفی از عملکرد این این متعصبین و جاهلان که بعوض این مذهب برداشتهای عقیمانده خرافاتی شبه قاره هند و پاکستان را آورده اند بیزار است.



مفهوم حدیث: (إِنَّ فِي أُمَّتِي رَجُلًا اسْمُهُ النُّعْمَانُ وَكُنْيَتُهُ، أَبُو حَنِيفَةَ، هُوَ سِرَاجُ أُمَّتِي)

برادر عزیز ما سوال نموده که :

در رابطه به النعمان سراج اُمّتی چی میگویند که صحیح است یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

موضوع است، امام شوکانی در کتاب الفوائد الموضوعه فی الأحادیث الموضوعه ذکر کرده وابن الجوزی در الموضوعات..معنایش این است که در امت من شخص است اسمش ابوحنیفه نعمان جراح امت من است..

این اصلاً حدیث نیست وموضوع ودروغین است..ودلالت به این دارد بعض مردم ومتعصبین در غلو وافراط واقع شده اند که حتی در مدح وثنای علماء احادیث دروغین را وضع می کنند. رسول الله صلی الله علیه وسلم جنین اشخاص که احادیث دروغین را وضع می کنند تحذیر نموده ووعدۀ دوزه رفتن را داده ودر حدیث صحیح که بخاری وسلم روایت کرده فرموده اند: " إن کذبا علی لیس ککذب علی أحد من کذب علی متعمدا فلیتوبوا مقعده من النار" ^۱ دروغ بستن که بر من می شود مثل دروغ بستن عادی که به دیگران می شود نیست بلکه کناهش بس برزک است وکسی بر من دروغ میندود وجیزی را من نکفتم به من نسبت میدهد جایگاهش دوزخ است ...

اما امام ابوحنیفه النعمان بن ثابت رحمه الله فقیه ومجتهد ودانشمند زمانه خود بوده ویکی از فقهای برزک

^۱ - صحیح البخاری، کتاب الجنائز، باب ما یکره من النیاحه علی المیت، رقم الحدیث:

امت اسلامی بشمار می رود از علم و فقه و دانش او مسلمانان در سراسر جهان استفاده می کند - رحمه الله رحمة واسعة - و در همه اجر و ثواب و فضائل که در نصوص صحیح قرآن و سنت در مورد علماء و فقهاء آمده و ذکر شده شامل است .. و ضرورت به وضع حدیث نیست و مسلمان باید غلو و افراط و تفریط نکند.



مقوله: (حب الوطن من الإيمان)

اما وطن دوستی یک امر فطری و مباح است و بخاطر صله رحم و دعوت و محبت مسلمانان مستحب هم است.

یکی از دوستان از ولایت خوست سوال نموده:

السلام علیکم ورحمت الله! استاذ گرامی ام وقت تان بخیر خدا کند لحظات خوش و خندان داشته باشید سوال دارم در باره این جمله: حب الوطن من الايمان.

ایا این حدیث است یا خیر؟ اگر باشد کدام نوع حدیث است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مقوله: " حب الوطن من الإيمان " حديث نیست بلکه علمای علم حدیث آنرا موضوع و مکذوب دانسته اند و هدف از وضع آن را بیان کردند که دشمنان اسلام و لاء و براء یعنی دوستی و دشمنی را به اساس منطقه جلوه میدهند تا در بین آنان تفرقه ایجاد کنند...

اما دوستی وطن و کشور و منطقه و زادگاه و مناطق که انسان در آن زندگی کرده امر فطری و مباح است در صحیح بخاری چنین آمده: " کان رسول الله صلی الله علیه وسلم إذا قدم من سفر فأبصر درجات المدينة أوضع ناقته وإن كانت دابة حرکها^۱ رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام که از سفر برمی گشت و به مدینه منوره نزدیک میشد شتر خود را در حرکت میآورد که زودتر برود و به مدینه عاجلتر برسد که این خود دلالت به وطن دوستی می نماید..ابن حجر عسقلانی در شرح این حدیث نوشته: " وفي الحديث دلالة على فضل المدينة وعلى مشروعية حب الوطن والحنين إليه " این حدیث دلالت به فضیلت مدینه دارد و نیز مشروعیت و جواز

^۱ - صحیح البخاری، کتاب الحج، باب من أسرع ناقته إذا بلغ المدينة، رقم الحدیث:

وطندوستی و شوق داشتن و تپش برای رسیدن به وطن را به ثبوت میرساند.

وطندوستی اگر بمعنای این باشد که زادگاه و جای که در آنجا مرحله طفولیت را گذرانیده و اقارب و دوستاش و همسایگانش در آنجا است و محبت و دوستی و اخوت تازه و تجدید می شود کار خوب بلکه مستحب است زیرا صله رحم هم می شود..

اما اگر وطندوستی را ذریعه تعصب و دوستی و دشمنی بگرداند و شخص فاسق و فاجر وطن خود را از شخص باتقوا از جای دیگر ترجیح بدهد در این صورت وطندوستی گناه و حرام است. بلکه از عادات جاهلیت قبل از اسلام است که الله متعال ما را از آن دور بدارد.

زیرا دوستی و دشمنی در اسلام به اساس دین و تقوا و عقیده است نه به اساس پیوندهای دیگر، الله متعال فرموده است: "لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حاد الله ورسوله ولو كانوا آباءهم" ^۱ قومی از مؤمنان و مسلمانان را نمی یابی که باکسان دوستی کنند که با الله ورسولش در جنگ و دشمنی است ولو که پدران و برادران و اقارب شان هم باشد... معیار محبت و دوستی تقوا است.

۱ - سورة المجادلة: ۲۲.

وطن دوستی مباح و مستحب است برای اهداف دفاع از سرزمین مسلمانان، و برای صلح و رحم و اهداف دعوتی.

افغانستان عزیز ما که کشور اسلامی است و بخاطر دفاع از آن فاتحین از زمانه صحابه کرام و تابعین قربانی دادند و ملت ما انگلیس را شکست دادند و روسها و اتحاد جماهیر شوروی را شرمنده ساختند بر فرد فرد افراد خود حق دوستی و محبت را دارد زیرا سر زمین فاتحین و دلیر مردان است، و مردمش متدین، شجاع و مهمان نواز هستند و برتری های زیاد دارد که باید بخاطر محافظت از آن همیشه دست بکار باشیم.. و سرزمین های غیر اسلامی را بر آن ترجیح ندهیم.



اعتماد بر احادیث ضعیف بسبب عقبمانده گیها است

یکی از دوستان از ولایت کابل چنین نوشته :

شما استاد در یک پوست گفته بودید که سوره یاسین قلب قرآن شریف نیست به چی دلیلی

چرا استاد جان مه ۲۴ سال عمر دارم از وقت که مسجد میرفتم تا بحالی که بابسویاری از قاری صاحبان مولوی صاحبان آنرا برای ما گفتند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برادر عزیزم علماء، مولوی صاحبان وقاری صاحبان به منابع علمی وحديثی درست دسترسی نداشته اند ولهذا آنها معذور شمردہ می شوند وحالا ما وشما این برداشتهای نادرست را از میان برداریم..البته احترام علمای کرام خود را داریم وسعی تلاش دینی شانرا تقدیر می کنیم .



نمونه از نکات وهوشیاری ابوحنیفه رحمه الله علیه در فتوا

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

امام ابن الجوزی رحمه الله در کتاب (الأذکیاء) نوشته که: شخصی قسم خورده بود وبرای خانمش گفته بود که اگر امشب در خانه هم باشی طلاق هستی، واگر در بیرون هم باشی طلاق هستی؟ زن ومرد هر دو حیران شدند که طلاق واقع می شود وچاره نیست زیرا این خانم یا در خانه باشد ویا بیرون خانه در هر دو صورت طلاق هست.

آنها با این مسأله نزد امام ابوحنیفه رحمه الله علیه رفتند وبرایش شرح کردند که چطور کنند؟

امام اعظم رحمه الله برای شان فتوا داد که: این خانم امشب را در مسجد بگذرانند و طلاق واقع نمی شود، زیرا مسجد نه خانه و نه هم بیرون خانه است.



تصحیح احادیث موضوع و ضعیف تحت اعمال فشار

یک برادر در حالت قهر و غصه و غضب ازینکه من حدیث "اقرؤوا علی موتاکم یس" را ضعیف گفته بودم برایم نوشته: یا ته مغز لری کنه هلته یی لیکلی ابو داود ابن ما جه او نور احادیثو کتا بو دکر کری.

ته نه پوهیری بیا وای حدیس صعیف است بچی بی سواد ما خو درته حدیث ویللی ته اوس ماته یی دقران او حدیث سخه ثابت کره.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

وجود احادیث در کتابهای غیر بخاری و مسلم بمعنای صحیح بودن نیست.

شیخ محمد ناصر الدین الألبانی در موارد کمی احادیث ضعیف را تصحیح کرده و بعضاً از آن رجوع کرده و مواردی باقی مانده که علمای دیگر آنرا نشاندهی کرده.

در کتابهای حدیث سنن أربعه: ابوداود، ترمذی، نسائی، ابن ماجه و مسند امام احمد نیز بعض احادیث ضعیف وجود دارد.

اولا: تشکر ازینکه صفحه بنده فقیر را که دستخر خوان علم و علماء است متابعت میکنید، ونیز در تصحیح و تضعیف احادیث اهتمام دارین، واین مسلک و کار خوب است درین زمانه خصوصا که احادیث موضوع و ضعیف زیاد شده و ضرورت تحقیق بیشتر دارد.

ثانیا: وجود حدیث در سنن ابی داود و ابن ماجه. ترمذی، و نسائی، و مسند امام احمد بن حنبل رحمهم الله جمیعا دلالت بر صحت آن نمی کند و درین کتابها بغیر از بخاری و مسلم صدها حدیث ضعیف بلکه موضوع وجود دارد.

ثالثا: حدیث "اقرؤوا علی موتاکم یس" را ابوداود روایت کرده و آلبانی تصحیح هم کرده بود لیکن بعد از تحقیق علماء معاصر درین حدیث راوی مجهول بنام ابی عثمان وجود دارد که صحت حدیث را زیر سوال برده آن را به مرتبه ضعیف رسانیده که قابل احتجاج نیست واین نظر بسیار از علمای معاصر است از جمله شیخ ابن باز و ابن عثمان وده ها عالم و فقیه و محدث که اجماع شده به ضعف این حدیث، "فالحديث المعروف فيه أنه ضعيف لجهالة أبي عثمان،

فلا يستحب قراءتها على الموتى، فالأصل أن الحديث ضعيف، فتخصيصها ليس له وجه".

رابعاً: شما منحيث يك برادر که به دنبال یافتن حق میروید برادر طالب العلم خود را به این اسلوب مخاطب نکنید در مسائل علمی ولو که بالفرض غلط کرده باشد: "ته نه پوهیری بیا وای حدیس ضعیف است بچی بی سواد"، "یا ته مغز لری کنه"، حق سوال نقد رد کردن، را دارین وهمه برادران نظریات شان را نوشته می کنند حتی ولو که غلط هم باشد لیکن من خوش می شوم که اگر غلط هم باشد باید تصحیح کنیم، وهمه مردم بفهمد.

خامساً: این فرصت بسیار خوب است که برادران عزیز ومحترم نظر وسوال ونقد شان را نوشته کنند که در لابلای بحث ومناقشه مفاهیم نادرست را تصحیح کنیم وهمدیگر را برادر وار یاری کنیم.

سادساً: من از احساسات نیک تان تشکری می کنم برادر عزیزم لیکن فقط اسلوب تان را تغییر دهید والفاظ زشت را استعمال نکنید زیرا هدف تان عمل کردن به حدیث است نی اذیت کردن دیگران، الله متعال همه ماوشما را عفو کند، وشما منحيث یک عضو فعال در این راه با ما باشید، ومن در قلب خود کینه ندارم در مقابل برادر مسلمان خود امید وارم شما همچنین.

دین خود را از علماء راستین بگیرید

استاد بزرگوار سوالی داشتم که بعض مردم کاهاری نادرست و غلط را انجام میدهند وقتیکه گیر شدند میگویند فلان عالم گفته، در جامعه ما مثال های زیاد است لطفا در صفحه تان روشنی بیندازید خدا شما را از سر ما کم نکند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که در شرائط فتنه و جنگهای تحمیلی و نابسامانیهای هستند اشخاص و گروهها چی به شکل فردی و یا مجموعی که بخاطر توجیه شرعی کارهای نادرست و غلط شان بفتاوا و دروس و سخنرانیهای علماء استناد می کنند و اعمال نادرست و ناپسند و زشت شان را تبریر می کنند.

ازینرو آنها همیشه سخنان علماء و فقهاء را تفسیر نادرست می کنند.. در این صورت آنها خود شان شرعا و قانونا مسئولیت اعمال و جرائم شان را متحمل می شوند و علمای برحق هیچ نوع مسئولیت جنائی و اخلاقی ندارند.

الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "لا تكسب كل نفس إلا عليها وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى" ^۱ انسان به گناه دیگران

^۱ - سورة الأنعام: ۱۶۴.

مؤاخذه نمی شود و هر انسان مسئول تصرف و اعمال و کردار خود میباشد.. "وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى" ^۱ انسان تنها نتیجه سعی و تلاش خود را متحمل می شود در کارهای خیر و شر.

امام ابن کثیر در تفسیر خود نوشته: " النفوس إنما تجازى بأعمالها إن خيرا فخير ، وإن شرا فشر ، وأنه لا يحمل من خطيئة أحد على أحد . وهذا من عدله تعالى " این عدل و رحمت شریعت الهی است که انسانها خود شان مسئولیت کارهای شان را دارند در هر دو صورت یعنی جوانب خیر و شر و کسی متحمل گناه دیگران نمی شود.

علماء وظیفه بیان کردن احکام دین مبین اسلام را دارند و مردم را به طرف نور و روشنی سوق میدهند اما اینکه بعضیها خود شان از نزد شان تصرفات نادرست سرزد می شود باید آنها خود شان محاسبه شوند.

البته در صورتی عالم و فقیه و دانشمند دین مسئولیت دارد که مردم را غلط توجیه کند و فتاوا و اظهار نظرش مخالف شریعت باشد در چنین حالات بر آنها این آیه مبارکه تطبیق میشود: "اتبعوا سیلنا ولنحمل خطایاکم" ^۲ ما را در

^۱ - سورة النجم: ۳۹.

^۲ - سورة العنکبوت: ۱۲.

منهج و روش غلط پیروی کنید و ما گناهان تانرا متحمل می شویم در دنیا و آخرت.

باید یاد آور شوم که در شرائط کنونی کشور عزیز ما مسئولیت علماء و فقهاء بیشتر شده زیرا در هر امر و مسأله و قضیه مردم به علماء رجوع میکنند که نظریه شان را بشنوند و در روشنی آن عمل کنند پس علماء متوجه رفتار و کردار و گفتار و اقوال و افعال خود باشند که مراجع تقلید دیگران هستند و تلاش نمایند که نظریات دینی شان واضح، صاف و روشن باشد و مناققین و فسقه و فجره و کسانی که بخاطر تخریب کشور ما کار می کنند و جلو ترقی و پیشرفت آن را میگیرند و آله دست بیگانگان هستند از فتاوا ایشان برداشت غلط نتوانند ولو که به قیمت سر شان هم تمام شود.

به این معنی که اظهار نظر و فتوا و سخنرانیهای شان منضبط باشد و در آن لبس و غموض و ابهام وجود نداشته باشد.



ندانستن عیب نیست

رهنمای دینی مردم به علم شرعی صحیح و درست
و پاک ضرورت دارد.

ندانستن عیب نیست و گناه ندارد لیکن جواب دادن
غلط و رهنمائی نادرست و در دین بدون علم شرعی حرف
زدن خطرناک است و گناه بس بزرگ است.



نسبت دادن عقب مانده گیهای دینی به مذاهب حنفی

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

احترام به مذهب حنفی در حقیقت احترام بدین اسلام
و شریعت اسلامی است علمای این مذهب بزرگ فقهی در
نشر دین اسلام و خدمت علوم تفسیر و حدیث و فقه نقش
بسیار فعال و سازنده داشتند و دین اسلام را در بسیاری از
نقاط مهم جهان اسلام رسانیدند و تألیفات و مؤلفات و نوشته
ها و کتابهای شان تا به حال در حفظ این دین رول مهمی
دارد، در پهلوی علمای سائر مذاهب فقهی اهل سنت
و جماعت و برای هیچ عالم و دانشمند جواز ندارد که در مقابل
این مکتب فقهی و فکری بزرگ قرار گیرد.. و هم باید یاد آور
شوم که برای مخالفین دعوت اسلامی و آنان که علم صحیح

و پاک و درست ندارند و اگر دارند هم با خرافات و انحرافات آمیخته و خلط شده. برای اینها لازم نیست که انحرافات و خرافات عقیدوی و فکری ناشی از جهالت و کم فهمی و عقب ماندگی دینی را به مذهب ما یعنی مذهب حنفی نسبت دهند و مانع دعوت اسلامی شوند. به هیچ وجه قابل قبول نیست که انحرافات جادوگران، فالبینان زیارت پرستان، و تعویذ نویسان و کفشناسان را به مذهب حنفی ربط دهند و مردم مسلمان و غیور و با همت ما را گیج بسازند. اینها در حقیقت دکاندارانی هستند که بازار شان را با مخالفت و تبلیغات زهر آگین علیه علماء و دعوتگران راستین گرم ساختند. بجای قبول کردن حق از دشنام دادن و متهم کردن دیگران کار میگیرند.



مهمترین کتابهای فقه حنفی

مفتی صاحب محترم نامهای چند کتابهای مشهور و جامع و معتبر در فقه و فتوی البته در مذهب حنفی برایم ضرورت است اگر زحمت نمیشود روان کنید. اجر کم علی الله.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

- ١- الاختيار لتعليق المختار لان مودود الموصلى.
- ٢- كتاب المحيط البرهاني فى الفقه النعمانى لمحمود بن أحمد بن عبد العزيز بن عمر بن مازة المرغينانى البخارى، لقب رحمه الله ببرهان الدين.
- ٣- الفتاوى الهندية للشيخ نظام وجماعة من علماء الهند.
- ٤- حاشية رد المحتار على الدر المختار لابن عابدين.
- ٥- كتاب المبسوط لشمس الدين السرخسى.
- ٦- الجامع الصغير لمحمد بن الحسن الشيبانى.
- ٧- كتاب الأصل لمحمد بن الحسن الشيبانى.
- ٨- النكت الظريفة فى ترجيح مذهب أبى حنيفة لأكمل الدين البابرى.
- ٩- مجمع الضمانات لغياث الدين أبو محمد بن غانم بن محمد البغدادى القاضى الحنفى.
- ١٠- كتاب طلبة الطلبة لعمر بن محمد بن أحمد بن إسماعيل بن محمد بن على بن لقمان.

۱۱- شرح الجامع الصغیر لعلی بن محمد بن عبد
الکریم البزدوی النسفی.

۱۲- بحر الرائق شرح کنز الدقائق المؤلف: زین الدین بن
إبراهیم بن محمد، المعروف بابن نجیم المصری.

۱۳- تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق وحاشیة الشلبی
لعثمان بن علی بن محجن البارعی ، فخر الدین الزیلعی.

۱۴- شرح مجلة الأحكام العدلیه.



شریعت برای خانمها اجازه داده که اجتهاد فقهی داشته باشند

یکی از خواهران هموطن ما که در مصر درس می
خواند چنین سوال نموده:

استاد سوالی داریم که آیا زن مجتهد فقهی شده
میتواند، یعنی آیا میتواند احکام فقهی را استخراج نماید
و مانند مردان اصولی در قسم اصول فقه شده میتواند که
احکام عبادات و مسائل فقهی خواهران را بیان کند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اجتهای فقهی وفتوا دادن از قضاء فرق دارد شریعت برای خانمان دانشمند اجازه داده که اجتهاد فقهی نمایند وفتوا دهند بشرطیکه بقدر کافی علم و دانش دینی و شرعی را آموخته باشند، هیچ مانع وجود ندارد تنها از اختلاط و آمیز با مردان نا محرم بدور باشند و عفت و حیای خانمها پامال نشود، در نشر علم شرعی و بیان احکام دین مبین اسلام و دعوت إلى الله و امر بالمعروف و نهی عن المنکر مرد وزن هر دو از آسمان یکسان مخاطب هستند: "وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.." ^۱ بندگان مؤمن الله متعال چی مردان باشند یا زنان دوست دینی و همکار همدیگر هستند و از صفات شان این است که امر بالمعروف و نهی عن المنکر میکنند یعنی مردم را براهای خیر و نیکی ها دعوت میدهند و تشویق می نمایند و از بدیها و زشتیها منع می نمایند، فتوا دادن و اجتهادی فقهی نیز در باب امر بالمعروف و نهی عن المنکر داخل است.

امام ابن القیم رحمه الله فرموده است: "الفتيا أوسع من الحكم والشهادة، فكما تجوز فتيا الرجل تجوز فتيا المرأة" مجال و میدان فتوا کلان و بزرگ است نظر به شاهی دادن

^۱ - سورة التوبة، آیت: ۷۱.

وقضاوت نمودن و برای خانمان جواز دارد که فتوا بدهند در حالیکه قضاوت نمودن برای شان جائز نیست.

امام نووی نیز در این راستا نوشته است: "کونه مکلفاً، مسلماً، ثقة، مأموناً، متنزهاً من أسباب الفسق وحوارم المروءة فقیه النفس، سلیم الذهن، رصین الفکر، صحیح التصرف والاستنباط، متیقظاً، سواء فيه الرجل أو المرأة" عالمی که فتوا میدهد بالغ و مکلف و امانت کار بوده باشد، فقاہت و دانش دینی داشته باشد، دارای ذکاوت و هوشیاری، فکر شایسته، تصرفات سنجیده، و استنباط فقهی و بیداری علمی باشد زن و مرد در این امر یکسان است.

وقائع تاریخی نیز ثابت میسازد که زنان مسلمان در نشر احکام دینی و دعوت اسلامی نقش سازنده داشتند مثلاً امهات المؤمنین عائشہ و أم سلمة و زینب و میمونہ رضوان الله علیهن فتوا میدادند برای زنان صحابه و تابعین و بسوالات دینی آنها جواب میگفتند.

بلکه در فتوا دادن و اجتهاد فقهی خانمان مصلحت و ضرورت جدی دیده می شود زیرا خانمان را حیای شان مانع می شود از اینکه سوالاتی که مربوط طهارت، حیض و نفاس و عادات ماهوار و غیره میگردد از مفتیان مرد سوال نمایند و اگر خانمان این وظیفه را بدوش داشته باشد آنها در حرج واقع نمی شوند.

واین است شروط فتوا دادن واجتهداد فقهی:

أولاً: فتوا معنایش بیان کردن حکم شرعی است هنگامیکه سوال مطرح گردد، ویا اینکه بغیر از سوال شدن هم احکام شرعی مسائل جدید روز مره بیان شود بخاطر تصحیح و بهبود اوضاع مردم و تصرفات آنها در زندگی روز مره تا اینکه در روشنی شریعت زندگی کنند واز واقع شدن در حرام در امان بمانند.

مفتی عالم مجتهدی میباشد که احکام شرعی قضایا، حوادث ووقائع را بداند و دارای علمیت استنباط احکام شرعی از دلائل تفصیلی آن باشد، و توانایی تطبیق دلائل شرعی را بر وقائع وحوادث و مسائل داشته باشد.

فتاوی که به استناد دلائل قطعی شرعی قرآن و سنت صحیح بشکل واضح و روشن صادر می شود بر مسلمان واجب است که به آن عمل کند ودر مخالفت آن واقع نشود.

ثانیا: شروط مفتی:

برای هیچ عالم جواز ندارد که فتوا صادر کند تا اینکه شروط ذیل را دارا باشد:

۱- تفسیر آیات احکام قرآن کریم را بداند، تفسیر صحیح را از اسرائیات و روایات تفسیری نادرست فرق کرده بتواند.

۲- احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را بفهمد.

۳- بزبان عربی تسلط کامل داشته باشد.

۴- فقه، اصول فقه، قواعد فقهی، و علم مقاصد شریعت بداند.

۵- مسائل اتفافی و اختلافی مذاهب فقهی را درک کرده بتواند.

۶- ناسخ و منسوح را بفهمد زیرا مواردی است که نسخ شده و احکام جدید جایگزین آن گردیده.

۷- احادیث ضعیف و موضوع را از احادیث صحیح تمیز و فرق کرده بتواند، زیرا آفت بعض علمای کشور ما ابن است که از احادیث موضوع استدلال میکنند.

۸- از احوال، فرهنگ، عادات، تقالید و اوضاع مردم باخبر باشد.

۹- توانایی استنباط احکام شرعی را از نصوص شریعت داشته باشد.

۱۰- از قرارات مجامع فقهی معاصر و فتاواي صادر شده آنها مطلع باشد زیرا این قرارات و فتاوا بدون شك کمک و یاری میکند مجتهد را.

۱۱- علم، دانش و ثقافت عمومی در مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، طبی داشته باشد زیرا فقیه و عالم هنگام بحث و تحقیق مسائل عصری و جدید در شرائط کنونی نیاز بعلاقمندی و ارتباط با این همه تخصصات دارد تا اینکه در موقع ضرورت به اهل خبره و دانش این تخصصات رجوع کرده بتواند.

عالم، فقیه مجتهد و مفتی باید در فتوایش مخلص بوده باشد و رضای الله متعال را در نظر داشته باشد، باوقار، با تقوا، زاهد، امانت کار باشد و از شك و شبهه دور جوید، در عین حال از کتاب و کتابخانه و مصادر و منابع علمی شرعی دور نباشد تا اینکه علم خود را تجدید نماید.

چونکه عالم و فقیه از وارثین پیامبران است باید به لباس و مظهر خود اهتمام نماید و خوش اخلاق بوده باشد و از زشت گویی و سخت روی بپرهیزد تا اینکه مورد قبول مردم واقع گردد زیرا تندخوی بودن بعلماء نمی زیبد خصوصا آنانیکه خود را خادم علم شرعی میدانند.

در عین حال جوانب دعوتی را فراموش نکند زیرا برنامه سوال و جواب خودش منبر دعوتی مهم است که در لابلای شرح و بیان حکم شرعی مجال خوب برای دعوت هم است تا اینکه فتوا مؤثریت بیشتر داشته باشد.



آیا مبرمنې فقهي اجتهاد کولای شي؟

ز مورب یوه هېوادواله خور چې په مصر کې درس وایي دارنگه پوښتنه کړې ده :

استاد دا پوښتنه لرم چې آیا بنځه فقهي مجتهده کېدای شي.. یعنی آیا کولای شي فقهي احکام استخراج کړي او د سرو په شان د فقهي په اصولو کې اصول چې د خویندو د عباداتو او فقهي مسائل بیان کړي کولای شي؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما

بعد:

فقهي اجتهاد او فتوا ورکول له قضاء څخه توپیر لري شریعت پوهو مبرمنو ته اجازه ورکړې ده چې فقهي اجتهاد وکړي او فتوا ورکړي په دې شرط چې په کافي اندازه دیني او شرعي علم او پوهه یې ترلاسه کړې وي، هیڅ ممانعت وجود

نه لري، يوازې له نامحرمو نارينه و سره له
 اختلاط څخه دې لېرې وي او عفت او حيايي
 پايمال نشي. د شرعي علم په خپرېدو، د اسلام د
 مبين دين د احكامو په بيان، دعوت إلى الله، امر
 بالمعروف او نهې عن المنكر په چارو کې سړي او
 ښځې له اسمان څخه يو ډول مخاطب شوي دي:
**"وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
 يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.."** ^۱ د الله
 تعالى مؤمن بنده گان سړي وي او که ښځې، د يو و
 بل ديني دوستان او همکاران دي او له صفاتو څخه
 يې دا دي چې امر بالمعروف او نهې عن المنكر
 کوي يعني خلک د خیر او نيکيو لارې ته را
 دعوت کوي او هڅوي، او له بديو او زشتو
 کارونو څخه يې منع کوي. فتوا ورکول او فقهي
 اجتهادي هم د امر بالمعروف ونهې عن المنكر په
 باب کې داخل دي.

امام ابن القيم رحمه الله فرمايلي دي: **"الفتيا
 أوسع من الحكم والشهادة، فكما تجوز فتيا الرجل
 تجوز فتيا المرأة"** د فتوا مجال او ميدان د شاهدي
 ورکولو او قضاوت په نسبت لوي دی او مېرمنو

^۱ - سورة التوبة، آيت: ۷۱.

ته جواز لري چې فتوا ورکړي په داسې حال کې چې قضاوت کول ورته جائز نه دي .

امام نووي هم په دې برخه کې ليکلي دي: "کونه مکلفاً، مسلماً، ثقة، مأموناً، متنزهاً من أسباب الفسق و خوارم المروءة فقيه النفس، سليم الذهن، رصين الفكر، صحيح التصرف والاستنباط، متيقظاً، سواء فيه الرجل أو المرأة"، هغه عالم چې فتوا ورکوي بالغ، مکلف او امانتدار دې وي، ديني فقاقت او دانش دې ولري، د ذکاوت او هو بنياری، سم فکر، سنجيده تصرفاتو، فقهي استنباط او علمي بيداری لرونکی دې وي، بنځې او سړي په دې امر کې يو شان دي.

تاريخي واقعيتونه هم دا ثابتوي چې مسلمانو بنځو د ديني احکامو په نشر او اسلامي دعوت کې رغوونکی رول درلود مثلاً امهات المؤمنین عائشة، أم سلمة، زينب او ميمونة - رضوان الله عليهن - د صحابه و او تابعينو بنځو ته فتوا ورکوله او دهغوئ ديني پوښتنې يې ځوابولې.

بلکه په فتوا ورکولو او فقهي اجتهاد کې د مېرمنو شتون مصلحت او جدي اړتيا ده. ځکه چې د بنځو حيايې ددې مانع کېږي چې د طهارت، حيض و نفاس او عادت ماهوار وغيره اړونده

پوښتنې له سرو مفتیانو څخه و پوښتي او که مېرمنې دا دنده په غاړه واخلي نو هغوی په حرج/سختی کې نه واقع کېږي.

او دا دي د فتوا ورکولو او فقهي اجتهاد شرایط:

أولاً: د فتوا معنا د شرعي حکم بیانول دي هغه وخت چې پوښتنه مطرح شي، او یا دا چې پرته له پوښتنې هم د خلکو د ورځنیو او ضاعو او په ژوند کې د تصرفاتو په خاطر د نویو ورځنیو شرعي مسائلو حکم بیان شي؛ ترڅو خلک د شریعت په روښنایي کې ژوند وکړي او په حرامو کې له واقع کېدو څخه په امن کې پاتې شي.

مفتي هغه مجتهد عالم وي چې په شرعي احکامو، قضایاوو، او واقعیتونو پوهه وي؛ له تفصیلي دلائلو څخه د شرعي احکامو د استنباط علمیت ولري او په واقعیتونو، حوادثو او مسائلو د شرعي دلائلو د تطبیق وړتیا ولري.

هغه فتاواوې چې د قرآن او صحیح سنتو د قطعي شرعي دلائلو په استناد په واضح او روښانه شکل صادرېږي پر مسلمان واجب دي چې عمل پرې وکړي او په مخالفت کې یې ونه غورزېږي.

ثانيا: د مفتي شرايط :

د هيڅ عالم لپاره د فتوا صادرول جواز نلري
ترڅو چې لاندې شرايط و نه لري:

۱- د قرآن كريم د آيتونو د احكامو په تفسير
باندې پوهه وي، صحيح تفسير له اسرئلياتو او نا
درسته تفسيروي رواياتو سره توپير وكولاى شي.

۲- د رسول الله صلى الله عليه وسلم په احاديثو
پوهه شي.

۳- په عربي ژبه بشپړ تسلط ولري.

۴- فقه، اصول فقه، فقهي قواعد، او د شريعت د
مقاصدو علم ولري.

۵- اتفاقي مسائل او د فقهي مذاهبو اختلاف
درک کړاى شي.

۶- په ناسخ او منسوح پوهه شي، ځکه چې
ځينې موارد شته چې نسخ شوي او نوي احكام يې
پر ځاى ايښودل شوي دي.

۷- کمزوري او موضوعي احاديث له صحيح
احاديثو سره تميز او توپير وكولاى شي .. ځکه

ز مورب د هیواد د ځینو علماؤ ستونزه دا ده چې له موضوعي احادیثو څخه استدلال کوي.

۸- د خلکو له احوالو، کلتور، عاداتو، تقالیدو او اوضاع څخه باخبره وي.

۹- د شریعت له نصوصو څخه د شرعي احکامو د استنباط توانایی ولري .

۱۰- د معاصرو فقهي مجامعو له قراراتو او د هغو له صادر شویو فتاوو مطلع/خبر وي؛ ځکه چې پرته له شکه چې دا قرارات او فتاواوې له مجتهد سره مرسته او همکاري کوي.

۱۱- په سیاسي، اجتماعي، اقتصادي، طبي مسائلو کې علم پوهه او عمومي ثقافت ولري ځکه چې فقیه او عالم د بحث او د عصري او نویو مسائلو د تحقیق پر وخت په اوسنیو شرایطو کې، علاقمندی او له دې ټولو تخصصاتو سره اړیکې ته اړتیا لري؛ تر دې چې د اړتیا پر وخت متخصصینو ته رجوع وکولای شي.

عالم، فقیه، مجتهد او مفتي باید په فتواو کې مخلص وي او الله تعالی رضا په نظر کې ولري، باوقار، با تقوا، زاهد، امانتدار وي او شك او شبهاتو لېري والي وکړي، په عين حال کې له

کتاب، کتابتون او د شرعي علم له علمي مصادر و
دې لېرې نه وي، تر دې چې خپل علم تجدید
کړي.

خرنگه چې عالم او فقیه د پیغمبرانو له
وارثینو څخه دي باید خپل لباس او ظاهر ته هم
اهتمام وکړي، خوش اخلاق دې وي، له زشت ویلو
او سخت روي څخه دې پرهیز وکړي؛ ددې لپاره
چې خلکو ته د منلو وړ وگرځي ځکه چې تندخوي
او سپدل له علماؤ سره نه جوړېږي؛ په ځانگړي
ډول هغوی چې ځان د شرعي علم خادم گڼي.

په عین حال کې دعوتی اړخونه هېر نکړي
ځکه چې د پوښتنې او ځواب برنامې پخپله د
دعوت مهم منبر دی چې د شرعي حکم په شرح او
بیان کې د دعوت لپاره هم بڼه فرصت دی، ترڅو
چې فتاواوې لا اغېزمنتوب/مؤثریت ولري.



اشتراک علماء در مجالس خلاف شریعت دلیل مشروعیت آن نیست

السلام علیکم برادرگرانقدرم : قسمی که در همین
مطالب زنده و موضوعاتیکه نشر کردید خواندم ختم های
امروزی مطابق سنت نیست قرآن خوانی ، ، افرادی که در

مراسم فاتحه خوانی میروند لباس سیاه میپوشند ، اگر غذای همان مجلس را نخوری میگویند که گنهکار میشوی، اما این کارها را عالم مشهور هم میکنند پس وقتی ما بگویم میگویند که از این عالم کرده فهمیده نیستی، ، راهی بخاطر حتی کم ساختن این روسوم چی باید کرد لطفا رهنمایی کنید اگر ماهم اشتراک نکنیم پس چی طور بدانیم که مردم چی رواج دارند لطف تان است.

بلکه این نوع علمای نامهاد یا بخاطر منفعت شخصی ودنیوی، یا بدلیل ضعف ایمان، ویا تحت تأثیر رفتن عادات وتقالید مردم این کارها را انجام میدهند ویا اصلا دارای اعتقاد منحرف هستند و علم شرعی شان پاک وصاف ودرست وصحیح نیست ومخلوط با انحرافات عقیدوی وفکری است.

اشتراک اینها در مجالس وکارها وعادات وتقالید مخالف شریعت به هیچ وجه دال بر مشروعیت وجائز بودن آن نیست بلکه دلالت بر این میکند که در جامعه ما بعض ملا صاحبان در انحرافات آغشته اند وسبب گمراهی مردم میشوند واینها هستند که عقب ماندگی دینی را ترویج میدهند...ومصلحت شکم را بر مصلحت دین ترجیح میدهند .

هدف ما و شما خوشنودی و رضایت الله متعال باشد نی
خوشنودی مردم "لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق"^۱.



جنب احتیاط را مراعات کردن در مسائل اختلافی لازم است

برادر محترم احمد در جواب سوال شما باید بنویسم که
شما نوشتین فلان دکتور گروهی را بیع و فاء نامیده جائز
میداند:

اولا: تنها بیع و فاء در بعض موارد به گروهی شباهت دارد
وعین معامله نیست هر دو در کتابهای فقه باب جداگانه دارد
وهیچ فقیه گروهی را بیع و فاء نمی نامد، و شباهت داشتن
معنای آنرا ندارد که عین حکم را دارا میباشد بلکه احکام
هر دو مختلف است..گروهی دادن مباح و جائز است اما استفاده
کردن از گروهی حرام میباشد.

ثانیا: در مسائل اختلافی که در آن راجح و مرجوح
و نظریات شاذ و ضعیف وجود داشته باشد من با رعایت اصل
جنب احتیاط و دوری کردن از شبهات و عدم وقوع در حرام
را رعایت می کنم و هنگام ترجیح دادن این دو حدیث

^۱ - المعجم الكبير للطبراني، باب من اسمه عمر، هشام بن حسان عن الحسن عن عمران،
رقم الحدیث: (۳۸۱)، (ج ۱۸، ص ۱۷۰).

صحيح را شعارم قرار میدهم: "دع ما يريك إلى ما لا يريك"^۱ ترک کن هر آنچه را که ترا در شک واقع می کند و چیزی را انتخاب کن که در شک واقع نشوی.. وحديث: "إن الحلال بين والحرام بين وبينهما أمور مشبهات لا يعلمهن كثير من الناس فمن اتقى الشبهات استبرأ لدينه وعرضه ومن وقع في الشبهات وقع في الحرام"^۲ بدرستی حلال واضح است، وحرام نیز واضح است ودر بین هردو مشتبّهات وجود دارد که بسیاری از مردم آنرا نمی دانند ودرک نمی کنند وکسی که از مشتبّهات دوری جوید در حقیقت دین و عورت خود را نگهداری و محافظت کرده وکسی در مشتبّهات واقع می شود در حقیقت در حرام واقع شده.

خصوصاً در مسائل خورد و نوش و معاملات تجارتي و خرید و فروش مشتبّهات زیاد است لهذا من معامله گروی را جائز و مشروع واز محاسن وزیبائیها دین مبین اسلام میدانم بخاطر تسهیل و آسانی گرو دهنده.

اما استفاده از املاک گروی بغیر از میوه، سبزیجات، و شیر که در مال وگاو گروی شیرده وجود میداشته باشد

۱ - سنن الترمذی، أبواب صفة القيامة والرقائق والورع عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء في صفة أواني الحوض، رقم الحديث: (۲۵۱۸)، (ج ۴، ص ۶۶۸).

۲ - صحيح مسلم، كتاب المساقاة، باب أخذ الحلال وترك الشبهات، رقم الحديث: (۱۵۹۹)، (ج ۳، ص ۱۲۱۹).

ناجائز میدانم.. و نیز بیع و فاء یا بیع جائز را حلال نمی دانم...
 علمای کرام و محترمین که جائز میدانند به خود شان
 برمیگردد و اجتهادات فقهی و قناعت های علمی شان است،
 و این حق مسلم علماء و فقهاء است.. با کمال احترام به
 نظریات و شخصیت های دینی و علمی کشور عزیز ما.



یوازې په عقل سره د فیصلو کولو حکم

پدې لیکنه کې غواړو د زړه او عقل په اړه یو
 خو مهم مطالب له تاسې سره شریک کړو:

په اصل کې دا مسئله هغه پوښتنه وه چې یو تن
 له مونږ څخه پوښتلی وه او ویلي یې ؤو چې: زه
 له مودې راهیسې په یو غربي (کفري) هیواد کې
 اوسېرم، څه وخت کیږي چې له ماسره یوه پوښتنه
 راو لاړه شویده او ما خپله دا پوښتنه له یو دوست
 سره هم شریکه کړیده او غواړم له تاسې سره یې
 هم شریکه کړم — زما پوښتنه داده چې: آیا زه په
 هر کار کې له خپل عقل او زړه څخه پوښتنه
 وکړم، که چېرې زړه راته ووايي چې دا کار
 صحیح دی؛ نو ترسره یې کړم او که راته ووايي
 چې: دا کار ناسم دی؛ نو ځان ترې وساتم، هیله ده
 په دې اړه ماته لازمه لارښودنه وکړئ.

جواب: ددې پوښتنې په ځواب کې بايد ووايو چې: که څه هم دا پوښتنه يو غزېدلي ځواب ته اړتيا لري، خو مونږ هڅه کوو چې په يو مناسب لنډيز سره ددې پوښتنې ځواب له تاسې سره شريک کړو. لومړی داچې: انسان يو مکلف (مسؤل) مخلوق پيدا کړل شويدي:

هر کله چې لوی څښتن تعالی خپلو بندگانو ته د يو عبادت په ترسره کولو سره امر کوي او يا يې له محرماتو او پرېوتو کارونو څخه منع کوي؛ نو دا له دې کبله چې انسان يو عاقل مخلوق دی کوم چې د سالم حواس، فکر او ارادې څخه برخمن گرځول شويدي؛ او کولی شي چې د همدې الهي لورينو (نعمتونو) په برکت په خپل ژوند کې د حقائقو پلټنه وکړي، ښه له بدو څخه تفکيک (جلا) کړي او بد له دې کبله پرېږدي چې بدی پایلی لري.

که د قرآنکریم اسلوبو (طریقې) ته ځیر شو؛ نو جوته به شي چې هرکله په قرآنکریم کې د يوې مهمې خبرې یادونه کېږي؛ نو ورسره سم د ((يَعْقِلُونَ، يَتَفَكَّرُونَ او يُتَذَكَّرُونَ)) کلیمې ذکر کېږي او دا ټول د همدې لپاره تر څو لوستونکي الهي وينا ته ښه ځیر شي او له تلاوت سره يوه شېبه پدې آيت کې فکر وکړي او بايد پوه شي چې

ددې کليمو څخه مخکې په حتمي توگه سره د يو مهم حکم يادونه شوې ده.

لوی څښتن تعالی مونږ ته لارښودنه کړې ده تر څو د آسمان په ستروالي او پراخوالي، د لمر په بې سارو گټو، د ورځې پسې سمدلاسه د شپې په راتگ، د ستورو په ښائست او داسې نورو سماوي اجرامو کې فکر وکړو، دا چې دا پورتنی آسماني اجرام څه ډول پرته له سستی او ستړیا خپلې دندې ترسره کوي او څومره په منظم ډول او په خپل وخت (پرته له کومې گډوډۍ) کار کوي، لکه چې ارشاد فرمائي: "وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ"^۱.

ترجمه: او دهغه (الله تعالی جلت عظمته) په حکم سره تاسې ته شپه او ورځ، لمر او سپوږمۍ او ستوري (دا ټول) تابع گرځول شويدي (چې تل هر يو له دوي څخه پرته له سستی پخپل کار لگياوي) بېشکه په دغو (سترو کارونو کې) خامخا دهغه قوم (او ولسونو لپاره چې) د خپل عقل څخه کار اخلي (د الله تعالی د بې ساري قدرت او بې مثال

^۱ - سورة النحل، آیت: ۱۲.

واکمنی بی شمېره) دلائل پراته دي. پدې مبارک آیت کې د یو لږ تابع ګرځول شوو آسماني اجرامو یادونه شوې ده، تر څو انسان دې مهمې خبرې ته ځیر شي چې نه یواځې په ځمکه کې — بلکه د آسمان په پراخه لمن کې دا ټول موجودات انسان ته د ګټې رسولو لپاره خلق شوي دي او شپه ورځ دا موجودات د انسان لپاره خدمت ترسره کوي.

هر کله چې لوی څښتن تعالی خپلو بندګانو ته د یو عبادت په ترسره کولو سره امر کوي او یا یې له محرماتو او پرېوتو کارونو څخه منع کوي؛ نو دا له دې کبله چې انسان یو عاقل مخلوق دی کوم چې د سالم حواس، فکر او ارادې څخه برخمن ګرځول شوی دی؛ او کولی شي چې د همدې الهي لورینو (نعمتونو) په برکت په خپل ژوند کې د حقائقو پلټنه وکړي، بڼه له بدو څخه تفکیک (جلا) کړي او بد له دې کبله پرېږدي چې بدی پایلی لري.

پورته مو چې دکومو حقائقو یادونه وکړه، شاید ډېر کم داسې خلک وي چې ددې لویو آسماني نعمتونو په بې ساري ګټو کې یې کله له ځان سره فکر کړی وي او د هغوي بې شمېره ګټو ته ځیر شوي وي او دا یواځې همدا پوهان، ځیرکه او عقلمنده خلک دي چې د لوی پروردگار (جلت

عظمته) د دې سترو نعمتونو په ارزښت باندې پوهیږي.

د بنو او بدو په اړه د امام ابن القیم رحمه الله نظر: امام ابن القیم رحمه الله د بنو او بدو چارو تر منځ د توپیر په اړه یو په زړه پورې نظر لري او وایي چې:

انسان د یوې گناه له کبله ناروا خوند تر لاسه کوي؛ خو وروسته یو دروند درد هم احساسوي؛ نو ای گرانه لوستونکيه! که چیرې گناه دې ته زړه وشي؛ نو د هغې د موقت خوند څخه وروسته په ناوړو پایلو کې یې هم له ځان سره فکر وکړه چې ډېر ژر دگناه خوند له منځه ځي، خو درد یې پاتې کیږي.

له ماسره لږ پدې خبره کې هم یوه شېبه فکر وکړه چې نیکي له بدې سره څومره زیات تفاوتونه لري، عبادت که ستړیا لري؛ نو وروسته یو ډول عجیب خوند او قلبي سکون هم ورسره مل وي؛ نو کله چې در باندې نفس دروند شي او د شیطان په لمسه دې سستی ته راوبولي؛ نو خپل نفس ته دې ووايه: که عبادت ستړیا لري؛ نو له خلاصېدو وروسته روحي سکون، د فکر آرامتیا، د ضمیر سپېڅلتیا هم لري؛ او دا هغه ستر نعمتونه

دي چې زمونږ د ټولني ډير خلک ورته اړتيا لري .

هڅه وکړه تر څو ضمېر دې رابيداره شي، شايد ستا شهواني قوت او ځواني تا بدو کارونو ته راوبولي، خو پام دې وي چې ددې فاني او غولونکي دنيا دا ظاهري ښکلا تا بايد د آخرت د ابدي نعمتونو څخه محروم نکړي او پام چې د حق د نيغې لاری څخه دې پښې ونه ښويوي .

راځئ يوه پوښتنه له تاسې سره شريکه کړو: که دا پرېکړه د شهوت پر ځای عقل ته پرېږدو؛ نو څه فکر کوئ چې د يو ځيرکه انسان په توگه سره به زمونږ سالم عقل به زمونږ لپاره کوم يو خوښ کړي؟ که څه هم شهوت له مونږ څخه عجله او بې صبري غواړي، خو زمونږ عقل له مونږ څخه د صبر او حکمت غوښتنه کوي. زمونږ عقل د هر کار په پايلو کې مونږ ژور فکر کولو ته رابولي. ضروري ده چې يوه لاره بايد د ځان لپاره انتخاب او بله پرېږدو .

د لنډ مهاله خوندونو څخه د ځان ساتلو او د ابدي خوندونو او هوساينې لپاره بايد چې يو څه سختی او دردونه پر ځان وگالو، د نفس او د عقل په دې روانه جگړه کې بايد يو څه له لاسه ورکړو،

شهو تپال انسان دنيا گتي او آخرت له لاسه ورکوي، خو عاقل انسان زحمتونه پر ځان مني او د حق او د باطل په دې روانه سيالی کې په ډېره ځيرکتيا سره ځان دنجات ساحل ته رسوي. [۱]

انساني عقل د تلې (ترازو) په څير دی:

عقل د تلې په څېر حيثيت لري؛ نو هر کله چې د يو انسان عقل سالم وي؛ نو معلومه خبره ده چې په دې تله کې به دتلل کيدونکو اجناسو وزن هم دقيق او ټاکلی وي او که چيری دا تله خرابه وي؛ نو زموږ پيمانه به هم هيڅکله دقيقه نه وي او نه به مو د راوړل شوي جنس وزن ټاکلی وي. اوس به ستاسې پام يوې بلې مهمې پوښتنې ته راوړوو او هغه دا چې: مونږ څنگه کولی شو پوه شو چې مونږ د سالم عقل څخه برخمن يو؟

د عقل د سلامتيا او روغتيا د پوهېدلو لپاره کولی شو دوه شيان په پام کې ونيسو:

لومړی: په اسلامي سپېڅلي شريعت کې مکلفيتونه په انسانانو کې يواځې عقلمندو خلکو ته متوجه دي؛ نو له همدې کبله کله چې د انسان عقل سالم وي؛ نو معلومه ده چې د داسې انسان پرېکړی

به هم سالمې وي او دې ډول انسان ته عاقل انسان ويلي شو.

خو كله چې چيرى انسان ددې نعمت څخه محروم وي؛ نو د شريعت پر وړاندې داسې انسان مكلف (مسؤل) نه - بلکې غير مسؤل انسان گڼل کيږي - . په دې اړه أم المؤمنین حضرت عائشه (رضي الله عنها) څخه يو حديث روايت شويدي چې وايي: پيغمبر اکرم (صلى الله عليه وسلم) داسې فرمايي: (رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ، عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَ عَنِ الصَّغِيرِ حَتَّى يَكْبُرَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ أَوْ يَفِيْقَ)^۱.

ترجمه: له درې کسانو څخه قلم پورته شويدي (دا خبره په اصل کې کنايه ده او هدف ترېنه دادې چې دا درې ډوله خلک مسؤل نه شمېرل کيږي، لکه: يو وېده انسان تر څو بېداره شي او کوچني (ماشوم) تر څو رالوی (احتلام پری راشي او بالغ شي) او ليووني (بې خوده او بې هوشه انسان) تر څو عقلمند (ځيرکه) او يا هم په هوش راشي. شيخ الباني (رحمه الله) ددې حديث په اړه وايي چې دا صحيح حديث دی.

^۱ - سنن أبي داود، كتاب الحدود، باب في المجنون يسرق أو يصب حدا، رقم الحديث:

دويم: په سالم عقل ناسالم کارونه:

کله داسې حالت هم رامنځ ته کېږي چې يو انسان بڼه څيرکه او هوښيار وي، خو ددې سره بيا هم اخلاقي جرائم لري او په قصدي توگه سره به فاسد کارونه ترسره کوي. د مثال په ډول: يو تن وينو چې بڼه څيرکه، باهوشه او عقلمند انسان دی، خو ددې ټولو سره بيا هم ليدل کېږي چې په قصدي توگه سره به د بې گناه خلکو وينې تويوي، د هغوي له ژوند سره به لوبې کوي او د نورو ژوند به ورته هيڅ ارزښت نلري، پردې به هم بڼه پوهيږي چې د نورو د وينو تويولو په مقابل کې زما د وينې توييدل هم روا کېږي، له دې پرته دا به هم ورته معلومه وي چې د نورو د حقوقو پايمالول ماته داسې ناروا دي، لکه څرنگه چې نورو ته زما د حقوقو پايمالول ناروا دي.

که چيرې يو تن د پوهې تر څنگ بيا هم د جرائمو ترسره کولو جرأت کوي؛ نو دداسې انسان سزا او جزاهم بايد درنده وي، ځکه چې د عقل د لوی نعمت سره بيا هم پرېوتې کارونه ترسره کوي. په دنيا کې به دې ډول انسان ته هماغسې سزا ورکول کېږي په کوم ډول چې ده نورو ته جزا ورکړی وه او سربيره پر دې د

آخرت سزا بيا يوه جلا مسئله ده چې دې به ورسره
مخامخ كيږي .

غواړو يو بل مثال له تاسې گرانو لوستونکو
سره شريک کړو: که چيری يو تن سپينه بريږه
ولري، ولی بيا هم د خپلې سپينې بريږې سره زنا
او فساد کوي؛ نو معلومه خبره ده چې ددې ډول
سپين بريږي سزا او جزا تر نورو هغو کسانو چې
لا تر اوسه دژوند دې مرحلې ته نه وي رسيدلي
بايد ډيره درنده وي او دا له دې کبله چې د نورو
عقل لا دومره پوخ نه وي او نه هم دومره حقائق
درک کولی شي، لکه څرنگه چې ددې سپين بريږي
عقل يې درک کولی شي .

لازمه خو داده چې کله يو سپين بريږي انسان د
خپل عمر دې مهمې مرحلې ته ورسيرې؛ نو بنايي
چې دالهي پيرزوينو پر وړاندې تر نورو خلکو
زيات د خپل پروردگار شکرگذاري وکړي، لکه
څرنگه چې قرآنکريم پدې اړه مونږ ته داسې
ارشاد فرمايې: "قَالَ رَبُّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ
الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا
تَرْضَاهُ"^١.

١ - سورة الأحقاف، آيت: ١٥ .

ترجمه: ده وويل: اى زما پروردگار! ماته الهام وکړه (په زړه کې ددې توفيق راکړه) چې تر خوستا د هغه نعمت (اسلام) چې تا پرما او زما پر والدينو باندې کړيدى شکرگذاري (او قدرداني) وکړم او (بل دا ددې کار توفيق هم راته په زړه کې واچوه) ترڅو داسې نیک عمل ترسره کړم چې ستاد خوښى (رضايتمندى) سبب گرځي.

که چيرى يو عقلمند انسان په قصدي توگه سره پرته له کومې اشتباه له حقې لارې څخه منحرف او بې لارې شي؛ نو پر دې خبره باندې بايد هم وپوهيږي چې لوى څښتن تعالى د انسانانو د هدايت لپاره نه يوازې خپل وروستي کتاب راستولى دى — بلکه ورسره يې په هر عصر کې خپل پيغمبران هم را استولي دي — (نو دده عذر او بهانې نه قبليري) او دا ددې لپاره ترڅو د دين په اړه د خلکو سره ناپوهي له منځه ولاړه شي او دوي وکولى شي پر الهي قوانينو باندې په مطلوبه توگه سره خپل ژوند عيار کړي او د اسلام درناوى وکړي؛ (نو آيا د الهي پيغمبر او د الله تعالى (جلت عظمته) له لوري د يو منزل کتاب وروسته به هم له چا سره دا عذر پاتې شي چې زه خو پر دين نه پوهيدم)؟

بشري عقل شرعي قوانین نشي ټاکلی:

شرعي قوانین یوازې او یوازې د لوی څښتن تعالی له لوري ټاکل کېږي او مکلف (مسؤل) انسانان یې باید په هماغه ډول ترسره کړي په کوم ډول چې له دوي څخه مطلوب دي. دلته غواړو دې خبرې ته ستاسې پام راوړو چې: بندگان پر الهي احکامو باندې پر دې مکلف گڼل شويدي تر څو عمل پری وکړي او د شرعیت پر وړاندې خپلې خوبنې ته ندي پرې اېښودل شوي. (داسې نده چې که چیرې د یو مسلمان خوبنه شي؛ نو الهي واجبات او عبادت به ترسره کوي او که چیرې یې خوبنه نشي؛ نو هیڅ به یې نه ترسره کوي).

د همدې ناسم فکر د تصحیح کولو لپاره تاسې له ماسره د الله تعالی پدې مبارکه وینا کې فکر وکړئ چې ارشاد فرمائي: "وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ"^١.

ترجمه: او ستا پروردگار د هر هغه څه چې اراده وکړي (نو) پیدا کوي یې او دوي ته (په هیڅ څه کې) اختیار نشته.

^١ - سورة القصص، آیت: ٦٨.

دا خبره هم زمونږ گرانو لوستونکو ته بايد څرگنده وي چې د عباداتو په ترسره کولو کې چې مونږ ټول يې په ترسره کولو باندې مکلف (مسؤل) گرځول شوي يو هيڅ څوک د اجتهاد حق نلري. دا چې د اسلام په کومو احکامو کې مونږ د اجتهاد کولو حق لرو او په کومو کې يې نلرو، همدا خبره غواړو د لاندې مثالونو په ورکولو سره تاسې ته ښه څرگنده کړو: په اسلام کې واجبات (فرضي احکام) لکه: لمونځ، حج، زکات او داسې نور يو له هغو فرائضو څخه دي چې هيڅ څوک پکې د يو څه د زياتولو او يا ورڅخه د يو څه د کمولو حق نلري.

همداراز په معاملاتو کې ټول هغه شرعي مکلفيتونه چې اسلامي شريعت د هغې لپاره مشخص حدود ټاکلي وي (مثلاً هغه يې ناروا گڼلی وي)؛ نو بيا هيڅ څوک د هغې درواوالي لپاره د اجتهاد حق نلري، تر څو پخپل فکر يو څه پکې کم او يا هم يو څه پکې زيات کړي.

ددې مسئلې د ښه وضاحت لپاره غواړو څو لنډ مثالونه له تاسې سره شريک کړو: د اسلام مبارک دين د ټولو خلکو لپاره يو لږ کارونه حرام گرځولی دي لکه: سودخوري، قماربازی، تقلب کاري (د دوکې څخه کار اخستل)، پر نورو خلکو

باندی ظلم او د هغوي په حق کې استبداد او داسې نور؛ نو پدې ډول کارونو کې د هېچ چا لپاره د اجتهاد حق نشته تر څو ناروا حلال او یا هم حلال خیزونه د نورو لپاره ناروا وگڼي.

همداراز مسلمان باید په خوړو کې هم له احتیاط څخه کار واخلي، سربېره پردې د خوب، سفر، تجارت او دېته ورته نور هغه مهم مسائل دي چې په هغې کې انسان ته اختیار ورکړل شویده، خو دومره ده چې انسان به له حرامو څخه خپل ځان ژغوري او په خپلو خوړو کې به د عقل پر ځای د شریعت قوانینو ته توجه کوي.

له عمل څخه مخکې د ځان پوهول لازمي دي:

امام القرافي رحمه الله په خپله یوه وینا کې [۳] داسې وایي چې: یو مکلف (مسؤل) انسان ته دا روا ندي چې مخکې له دې چې د یو کار په اړه د خالق تعالی (جلت عظمته) له حکم څخه ځان خبر کړي لومړی عمل وکړي — بلکه لومړی به ځان د یوې مسئلې په اړه د شرعي حکم څخه ځان خبروي او بیا به یې په خپل ژوند کې عملي کوي — مثلاً: یو مسلمان غواړي تجارت وکړي؛ نو ښایي چې دا مسلمان تر هر څه دمخه باید ځان

پردي باندی وپوهوي چې لوی پروردگار زما لپاره په دې اړه څه ارشادات (لازبنودنې) لري.

همداراز که چيری يو څوک غواړي خپل مال نورو ته په اجاره ورکوي؛ نو بايد وپوهيږي چې دا جاري ورکولو شروط او قواعد څه دي؟ همداراز که څوک يو لړ عبادات لکه: لمونځ يا اودس تر سره کوي؛ نو بايد وپوهيږي چې په اسلام کې د لمانځه او اوداسه شرطونه څه دي.

د مسلمان په ژوند کې دا اودبته نور ټول کارونه بايد د علم او پوهې پر بنسټ ترسره شي. دلته يوې بلې مهمې خبرې ته ستاسې پام راوړول غواړو او هغه دا چې: که چيری يو څوک علم هم ترلاسه کوي او بيا په خپل دې علم باندی عمل هم ترسره کوي؛ نو دا ډول انسان په حقيقت کې دوه عبادتونه ترسره کوي (يو هم پوهه ترلاسه کول او بل په دين باندی عمل کول) او که چيری يو څوک په ناپوهی سره يو عمل ترسره کوي؛ نو بايد پوه شي چې دې انسان دوه گناهونه ترسره کړيدي (يو ناپوهي او بله په خپله ناپوهی باندی عمل کول دي) او که چيری يو تن علم لري خو عمل نه ترسره کوي؛ نو دا انسان بايد پوه شي چې دې ډول انسان که له يو لوري عبادت ترسره کړی؛ نو له بل لوري يې يوه گناه هم ترسره کړيده.

اجتهاد کله تر سره کېدلی شي او آیا هر څوک کولی شي اجتهاد تر سره کړي؟

مونږ مخکې هم وویل چې: بشري عقل نشي کولی شرعي قوانین رامنځ ته کړي، خو زموږ ددې خبرې څخه هیڅکله هم مطلب دا ندی چې مسلمان به هیڅکله هم له خپل عقل څخه کار نه اخلي تر څو په دې توګه سره د اجتهاد دروازه د انسانانو پر مخ وتړل شي، بلکه باید ووايو چې د علماؤ له لوري اجتهاد هغه وخت رامنځ ته کېږي چې کله شرعي نص وجود ونلري چې دې ډول مسائلو ته په اصول فقه کې عقلي استدلال ویل کېږي. مثلاً: که چیرې مونږ د سودخوری تاریخچې ته کتنه وکړو؛ نو جوته به شي چې دا ډول ناوړه دود د اسلام څخه مخکې هم موجودیت درلود او د جاهلیت په زمانه کې به خلکو یو د بل سره سودي معامله کوله؛ نو اسلام په راتګ سره سود او سود ته ورته ټول هغه معاملات چې د سود په خیر صفتونه پکې شتون ولري حرام وګرځول شول.

اجتهاد د هر چا حق ندی، بلکه د اسلام په رڼا کې ویلی شو چې اجتهاد د ځان لپاره یو لږ شروط او ټاکلي ضوابط لري او اجتهاد کوونکی انسان (باید د نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) پر

احاديثو، عربي ژبې او داسې نورو مهمو امورو باندې ژوره پوهه بايد ولري)، ځکه مونږ ټول پردې باندې پوهيږو چې که چيرې د اجتهاد اجازه هر چاته ورکړل شي؛ نو د ځمکې پر مخ به د فساد دروازې پرانستل شي او دا له دې کبله چې: بشري افهام، عقولونه او نظريات سره خورا تفاوت لري او هر انسان جلا تصور، ځانگړي احساسات او محدود علم لري او ټول خلک پدې مسائلو کې سره يو شان ندي؛ نو له همدې کبله که چيرې په دين کې د هر چا خبره ومنل شي؛ نو بيا به هر څوک د خپل شخصي مصلحت په پام کې نيولو سره د شهوت او د شيطاني وسوسو پر بنسټ خپل نظر وړاندې کوي، پداسې حال کې چې لوی پروردگار (جل جلاله) مونږ له دې کار څخه منع کړي يو، لکه چې فرمايي: "أَقْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ" ^۱.

ترجمه: آيا ته هغه څوک ويني چې خپل (نفسي خواهشات او هيلې يې) خپل خدای گړځولی وي او دپوهې سره (بيا هم دا بدبخته) لوی پروردگار گمراه گړځولی وي او د هغه پر غوږونو او زړه يې مهر لگولی وي او د هغه په سترگو يې پرده

^۱ - سورة الجاثية، آيت: ۲۳.

راغورولي وي؛ نو څوک به ده ته (له دې بې لارټيا) ورورسته سمه لاره وښيي.

د پورتنۍ پوښتنې ځواب په لنډه توگه داسې ويلاى شو چې: بشري عقل د شرعي قوانينو د ټاکلو حق نلري، ځکه مخکې مو هم وويل چې بشري عقول سره خورا تفاوت لري او هر انسان ځانگړى تصور او محدود علم لري او په ديني امورو کې چې شرعي نص وجود ولري او بيا هم انسان يوازې د خپل عقل او خپلې کمې پوهې پر اساس فيصلې کوي؛ نو دا انسان په حقيقت کې ځان د تباھۍ کندې ته غورځوي.

يو بل لامل چې انسان بې لاريو ته رابولي هغه د علم (د علمي تحقيق او څېړنو) پرته په ديني مسائلو کې خبرى کول دي او د الهي احکامو په وړاندې دا جرأت بالآخره انسان دېته اړ باسي چې د خپلو شهواني غوښتنو پر اساس پرېکړې وکړي، پداسې حال کې چې لوى پروردگار (جلت عظمته) مونږ له دې کار څخه منع کړي يو.

په پای کې غواړو دا مقاله په همدې وينا سره پای ته ورسوو چې: يو مسؤل انسان بايد د خپل هر عمل لپاره چې غواړي ترسره يې کړي؛ نو

لومړی باید د الله تعالی حکم په پام کې ونیسي چې
آیا زما لپاره دا کار روا دی او که ناروا؟

که چیرې د یوې مسئلې په اړه دقیقه پوهه
ونلري؛ نو بیا ورته لازم دي چې د خپل ځان د
پوهولو لپاره د خپلې سیمې له حقیرسته علماؤ
څخه پوښتنه وکړي، پخپله هم څېړنه او تحقیق
پکې وکړي او ځان بڼه پوه کړي، لکه چې لوی
پروردگار (جلت عظمته) مونږ ته داسې لارښودنه
کوي او ارشاد فرمایي: [فَاَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ
لَا تَعْلَمُونَ^۱] .

ترجمه: نو له پوهانو څخه پوښتنه وکړئ که
چیرې تاسې نه پوهیدلی.



اگر از فتوای فقهاء برداشت غلط کند، آیا فقیه مسئول است؟

استاد بزرگوار سوالی داشتم که بعض مردم کاهاری
نادرست و غلط را انجام میدهند وقتیکه گیر شدند میگویند
فلان عالم گفته، در جامعه ما مثال های زیاد است لطفا در
صفحه تان روشنی بیندازید خدا شمارا از سر ما کم نکند.

^۱ - سورة النحل، آیت: ۴۳.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که در شرائط فتنه و جنگهای تحمیلی و نابسامانیهای هستند اشخاص و گروهها چی به شکل فردی و یا مجموعی که بخاطر توجیه شرعی کارهای نادرست و غلط شان بفتاوا و دروس و سخنرانیهای علماء استناد می کنند و اعمال نادرست و ناپسند و زشت شان را تبریر می کنند.

ازینرو آنها همیشه سخنان علماء و فقهاء را تفسیر نادرست می کنند.. در این صورت آنها خود شان شرعا و قانونا مسئولیت اعمال و جرائم شان را متحمل می شوند و علمای برحق هیچ نوع مسئولیت جنائی و اخلاقی ندارند.

الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "لا تكسب كل نفس إلا عليها ولا تزر وازرة وزر أخرى"^۱ انسان به گناه دیگران مؤاخذه نمی شود و هر انسان مسئول تصرف و اعمال و کردار خود میباشد، "وأن ليس للإنسان إلا ما سعى"، انسان تنها نتیجه سعی و تلاش خود را متحمل می شود در کارهای خیر و شر.

امام ابن کثیر در تفسیر خود نوشته: "النفوس إنما تجازى بأعمالها إن خيرا فخير، وإن شرا فشر، وأنه لا يحمل من خطيئة

^۱ - سورة الأنعام، آیت: ۱۶۴.

أحد علی أحد، وهذا من عدله تعالی" این عدل و رحمت شریعت الهی است که انسانها خود شان مسئولیت کارهای شان را دارند در هر دو صورت یعنی جوانب خیر و شر و کسی متحمل گناه دیگران نمی شود.

علماء وظیفه بیان کردن احکام دین مبین اسلام را دارند و مردم را به طرف نور و روشنی سوق میدهند اما اینکه بعضیها خود شان از نزد شان تصرفات نادرست سرزد می شود باید آنها خود شان محاسبه شوند.

اما اگر عالم و فقیه مردم را غلط توجیه کند فتوا و اظهار نظرش مخالف شریعت باشد در چنین حالات بر آنها این آیه مبارکه تطبیق میشود: "اتبعوا سیلنا ولنحمل خطایکم"^۱ ما را در منهج و روش غلط پیروی کنید و ما گناهان تانرا متحمل می شویم در دنیا و آخرت.

باید یاد آور شوم که در شرایط کنونی کشور عزیز ما مسئولیت علماء و فقهاء بیشتر شده زیرا در هر امر و مسأله و قضیه مردم به علماء رجوع میکنند که نظریه شان را بشنوند و در روشنی آن عمل کنند پس علماء متوجه رفتار و کردار و گفتار و اقوال و افعال خود باشند که مراجع تقلید دیگران هستند و تلاش نمایند که نظریات دینی شان واضح،

^۱ - سورة العنكبوت، آیت: ۱۲.

صاف و روشن باشد و مناققین و فسقه و فجره و کسانی که بخاطر تخریب کشور ما کار می کنند و جلو ترقی و پیشرفت آن را میگیرند و آله دست بیگانگان هستند از فتاوا ایشان برداشت غلط نتوانند ولو که به قیمت سر شان هم تمام شود.

به این معنی که اظهار نظر و فتوا و سخنرانیهای شان منضبط باشد و در آن لبس و غموض و ابهام وجود نداشته باشد.



اگر مباحات را بر مردم تحریم کنیم از دین متنفر می شوند

خوب حالا جناب دا ملا صاحب اعتراض تان در کجا میباشد زیرا علماء حق ندارند که مباحات را بر مردم حرام نمایند و نظریات برداشتهای خود را بنام دین تحمیل کنند زیرا ملت ما به شیوهای دعوتی زیبا ضرورت دارد تا اینکه از دین مبین اسلام متنفر نشوند، توسط بعض ملاحی که شیوه و روش نسبتا سخت گیرانه و افراطی را انتخاب نموده اند، و راه دعوت پیروی دعاه می بندند.

یکی از مولوی صاحبان محترم از شهر کابل خواهش نموده که مردم را از انجام دادن بعض مباحات منع کنیم، آیا خواهش این مولوی صاحب درست و بجا است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

برادر محترم جناب دا ملا صاحب ما دعاء هستيم نه قضات، بايد در رهنمائيهاي شرعي خود دقيق باشيم.

تبريكي دادن سال نو در شريعت مباح ومشروع است زيرا منهي شرعي تقاضاي اين را دارد كه عادات، رواجها، عرف ها و پديده هاي مروجہ بايد در ميزان شريعت وعقيده اسلامي سنجيده شوند تا آنچه كه با آن متصادم نباشد قبول و آنچه با آن مخالف باشد رد شود.

ما بايد پابند به ارزش هاي شرعي در اظهار سرور وخوشي مباح هم باشيم.

تا جايي كه به اظهار خوشي و مسرت طبيعي و انساني- بدون خارج شدن از مرزهاي شريعت- بخاطر آمدن موسم بهار و آغاز سال جديد ارتباط دارد، اشكالي به نظر نمي خورد زيرا اين كار در دايره مباحات آمده و حكم ساير مناسبات هاي فرحت و سرور را مي گيرد.

مگر نقطه را كه بايد بدان توجه داشت اين است كه اين احساس و شعور خوشي بايد در محدوده و چارچوب يك احساس طبيعي انساني باقي بماند و در طريقيه و نحوه تعبیر از آن حدود و ضوابط شريعت و دين پامال نگرديده و معيارها و ارزش هاي والاي اخلاقي و انساني، قرباني طوفان

بی لجام احساسات و عواطف نشوند، زیرا شریعت اسلام بحیث نظام و قانون مکمل زندگی برای هر چیز و حالتی اعم از نیک و بد، شادمانی و حزن، و طریقهٔ تعبیر از آن روش و حکمی دارد که مسلمان مکلف به پابندی به آن است، به عبارت دیگر درین گونه موارد نباید از حدود الله تجاوز شود که به نص قرآن کریم: "وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ"^۱، یعنی هر که از حدود الله تجاوز کند در حقیقت بر نفس خود ظلم کرده است.

به الفاظ دیگر باید گفت که احساس شادمانی و مسرت به پیشواز بهار و تعبیر از این سرور و شادمانی بحیث یک احساس طبیعی بشری باید در محدودهٔ یک پدیده و احساس کاملاً طبیعی انسانی باقی بماند و نباید شکل و رنگ دینی و یا هم خرافات و پندار و کردارهای خود ساخته و نابجا را بخود بگیرد و نه هم در آن از موازین و احکام شرعی تخطی شود.

۱- تجلیل از نوروز هیچ اساس دینی در شریعت اسلام ندارد و دادن صبغه و رنگ دینی به آن به هر نوعی که باشد یک بدعت و اضافه در دین است که امر ممنوع و مردود می باشد.

^۱ - سورة الطلاق، آیت: ۱.

۲- در اظهار سرور و شادمانی بخاطر فرار رسیدن سال نو و فصل بهار، نباید از حدود و موازین اعتقادی و شرعی تخطی شده و ارتکاب منهیات صورت بگیرد.

۳-- تفریح سالم و مطابق با موازین و چوکات شریعت، بدون این که صبغه دینی را بگیرد، حق شرعی و انسانی مردم بوده و کسی حق ندارد به هیچ عنوانی این حق مسلم را از ایشان سلب کند.

کار های که باید از ان اجتناب شود:

برخی اعمال مخالف با اعتقادات و ارزش های اسلامی در مورد نوروز که جواز شرعی ندارند و باید مسلمان از ان اجتناب کند ذیلا ذکر می گردند:

۱- رفتن مردم اعم از زن و مرد به قبرستان ها در این روز، و پختن غذا های مخصوص به نیت صدقه، نذر و غیره.

۲- بالا کردن جنده (بیرق) به عنوان یک عنعنۀ دینی در بعضی زیارت ها مانند: روضۀ شهر مزارشریف، امام صاحب ولایت کندز، کارته سخی در شهر کابل و غیره، متأسفانه باید گفت که حکومت های افغانستان چه در گذشته و چه در حال بجای منع چنین اعمال مخالف با احکام شریعت، خود متولی انجام این بدعت شده و رسماً آن را انجام می دهند که در نشر و ترسیخ پدیده های منفی

فرهنگی و پخش برداشت‌ها و کردارهای نادرست در جامعه نقش بزرگ دارند، جا دارد تا مسوولین دولتی خصوصاً وزارت‌های اطلاعات و فرهنگ، حج و اوقاف، شورا‌های علما و غیره بر اساس رسالت دینی و ملی شان درین مورد تحقیق و بررسی شرعی و علمی نموده و در پالیسی مذکور که شکل یک عرف و عنعنۀ منفی را گرفته است تجدید نظر نمایند.

۳- طواف کردن به دور قبرها و بوسیدن آنها و طلب حاجات از مرده گان و غیره که همه در زمره اعمال مخالف شریعت می آیند و گاهی-العیاذ بالله- تا سرحد ارتکاب شرک صریح پیش می رود.

۴- ارتکاب اعمال منافی احکام دین مانند اختلاط زنان و مردان نامحرم.

۵- برگزاری محافل رقص و سرود غیر مشروع و محرم و ارتکاب بعضی محرّمات مانند: شراب نوشی و استفاده از مواد مخدر و غیره.



عمل کردن به حدیث موضوع به هیچ صورت جواز ندارد

برادر عزیز ما محمد مصطفی سوال نموده:

حکم عمل به حدیث موضوع چیست؟

آیا براستی بیشتر اهل دوزخ را زنان تشکیل میدهد؟

یکی از خواهران هموطن مقیم ما از جرمنی چنین

نوشته:

خواهری در جرمنی از من سوال کرد که در حدیثی شنیده که رسول الله صلی الله علیه وسلم خطاب به زنان گفته که اکثریت اهل جهنم را زنان تشکیل میدهد ایشان فرمودند چرا با وجودیکه امروز مرد ها عیاشتر و گمراه تر از زنان هستند که اصلاً مقایسه نه میشود؟ من در مورد صحت حدیث معلومات کافی نداشتم و سوال خواهر هم مرا به فکر انداخت چون حقیقت جامعه اسلامی و غیر اسلامی چنین است که فرمودند. از استاد خواهشمندم این سوال را برایم جواب بدهند تا به این خواهر برسانم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای اینکه موضوع را بدرستی شرح کنم نص این حدیث را ذکر میکنم، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ : خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَضْحَى أَوْ فِطْرٍ إِلَى الْمُصَلَّى فَمَرَّ

عَلَى النَّسَاءِ فَقَالَ : (يَا مَعْشَرَ النَّسَاءِ تَصَدَّقْنَ فَإِنِّي أُرِيْتُكُمْ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ) فَقُلْنَ : وَبِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : (تُكْثِرْنَ اللَّعْنَ وَتُكْفِرْنَ الْعَشِيرَ ..)^۱، رسول الله صلی الله علیه وسلم در یکی از اعیاد فطر یا اضحی به طرف عیدگاه روان بود و از نزد خانمان گذری داشت و برای شان فرمود ای جمعی خانمان صدقه دهید زیرا من میبینم که بیشترین اهل دوزخ را زنان تشکیل میدهد .. آنها سوال نمودند که چرا زنان بیشترین اهل دوزخ هستید .. آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند که علت و سبب این امر بعض گناهان است که در بین خانمان بیشتر واقع می شود و از جمله آن لعنت کردن یعنی دشنام دادن، واحسان فراموشی عشرت و زندگی با شوهر .. البته این نمونه از گناهان است که تنها اینها نیستند ..

این حدیث درست و صحیح است، و در صحیحین بخاری و مسلم روایت شده، هدف از آن تنبیه خواهران مسلمان است که صدقه بدهند، و کار خیر و نیکو کنند، و در طاعت او تعالی باشند و معنایش معافیت مردان گنهگار از آتش دوزخ نیست بلکه تعداد زنان از مردان کرده در دنیا هم بیشتر است و در آنجا، در عین حال در احادیث و آثار ثابت است که بیشترین اهل جنت را نیز زنان صالح و نیکو کار تشکیل می دهد به این معنی که مسلمان گنهگار برای ابد در آتش

^۱ - صحیح البخاری، کتاب الحيض، باب ترك الحائض الصوم، رقم الحديث: (۳۰۴)،

دوزخ نمی ماند و در اول به اندازه گناه خود عذاب می بیند و بعد از آن از دوزخ خارج میشود..الله متعال نامش حق است و حق را به حقدار میرساند و بر هیچ کسی را به اندازه مثقال ذره ظلم را روا نمی دارد..تنها عمل انسان است که او را به جنت و یا دوزخ سوق میدهد مرد باشد یا زن..البته این حدیث نصحیت و تنبیه است که این گناهان از زنان بیشتر سرزد می شود که سبب به دوزخ رفتن است:

-کثرت و زیادت لعن و طعنن گویی به مردم

-غیبت کردن بیش از حد

-کفران نعمت و احسان فراموشی شوهران

-بد رفتاری باشوهران (شوهر نیکو جنت و دوزخ زن است).

-رفتن به زیارتها بخاطر برآورده شدن حاجات که بغیر از الله متعال کسی بر آورده نمی تواند.

-رفت و آمد نزد جادوگران.

-رفت و آمد نزد تعویذ نویسندگان

-سروکار داشتن با فالبینان و کفشناسان.

علت بیان کردن این همه تشویق خواهران به عمل صالح و نیکوکاری است از جمله صدقه دادن که سبب محو فوری گناهان می شود زیرا دین مبین اسلام دین ترغیب و ترهیب است.

غلط فهمی نشود معنای این حدیث معافیت مردان گنهگار از آتش دوزخ نیست بلکه ترغیب خواهران به صدقه دادن است و در عین حال تحذیر و ترهیب آنها از لعنت کردن و طعن گفتن و غیبت و مرتکب شدن گناهان است.. این از زیباییهای دین مبین اسلام است که رسول الله صلی الله علیه و سلم هر امر را در موقع و موسمش بیان میکرد زیرا جمعی بزرگی از زنان را مواجه شد و فرصت را مناسب دانست که این وعظ و نصیحت را بکنند... و در همین سیاق در دهها مورد به مردان نصیحت کرده اند مطابق وقت و زمان و ضرورت و موسم.. بر مرد وزن مسلمان فرض است که کار خیر را انجام دهند و از گناهان و معاصی بپرهیزند و سبب داخل شدن جنت و دوزخ را تنها در عمل، رویه و اخلاق خود، و در پابندی به اوامر الهی و اجتناب از نواهی بدانند نی به فهم بعض نصوص زیرا نصوص یعنی آیات قرآن کریم و احادیث نبوی یک بخش بخش دیگری را شرح و تفسیر میکند و باید مسلمان از دین مبین اسلام فهم شمولی داشته باشد نه فهم قاصر و کوتاه و جزوی.

الله متعال جنت را نصیب ما ، فامیلها، ذریت، دوستان، همکاران وهمقطاران دعوتی اعم از برادران وخواهران کند.



فرق بین فرض و واجب در مذهب حنفي

فرق بین فرض و واجب را براینم بنویسید جزاکم الله خیرا.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

فرض عبادت و چیزی را گویند که به دلیل قطعی ثابت شده باشد مثل خواندن قرآن کریم در نماز: "فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ"^۱.

قرائت در نماز فرض است که بدلیل قطعی آیت قرآن کریم ثابت شده و نماز بدون قرائت قرآن کریم فاسد می شود.

و واجب عبادات و چیزی را گویند که به دلیل ظنی ثابت شده مثل خواندن سوره فاتحه در نماز و در حدیث ثابت

^۱ - سورة المزمل، آیت: ۲۰.

شده كه "لا صلاة لمن لم يقرأ بفاتحة الكتاب"^۱ وبدون خواندن
سوره فاتحه نماز فاسد نمى شود وسجده سهو لازم ميگردد
در مذهب حنفى.

وهردو فرض وواجب مترادف هستند در حتمى بودن
ولازم شدن.

وجمهور فقهاء بين فرض وواجب فرق نمى كنند وبه
ترك كردن فرض وواجب به شكل عمدى وقصدا عبادت
فاسد مى شود.

وصلى الله على خير خلقه محمد وعلى آله وصحبه
أجمعين.



**سنت پیامبر اسلام محمد صلى الله عليه وسلم به دو نوع است
يكى تشريعى ودومى از روى عادت بود**

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اصل در احاديث صحيح و سخنان وهدايات
ورهنمودهاى پیامبر اسلام محمد رسول الله صلى الله عليه

^۱ - صحيح البخاري، كتاب الأذان، باب وجوب القراءة للإمام والمأموم في الصلوات
كلها، في الحضر والسفر، وما يجهر فيها وما يخافت، رقم الحديث: (٠٧٥٦)، (ج ١،
ص ١٥١).

وسلم این است که از روی تشریح است، زیرا وی از جانب الله متعال مسئولیت تبلیغ و هدایت مردم و بیان احکام دین مبین اسلام را داشته است، چنانکه او تعالی فرموده است:

"وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ"^۱.

قرآن کریم را برایت نازل کردیم تا برای مردم آنچه را که برایشان نازل شده است برسانی، تبلیغ کنی و توضیح دهی.

در حدیث صحیح از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که فرمود: "كنت أكتب كل شيء أسمع من رسول الله - صلى الله عليه وسلم- أريد حفظه فنهتني قریش، وقالوا: تكتب كل شيء سمعته من رسول الله - صلى الله عليه وسلم- ورسول الله بشر يتكلم في الغضب والرضا، فأمسكت عن الكتابة، فذكرت ذلك لرسول الله - صلى الله عليه وسلم- فأوماً يصبغه إلى فيه، وقال: "اكتب فوالذي نفسي بيده ما خرج منه إلا حق"^۲.

من هر چه را از پیامبر صلی الله علیه وسلم می شنیدم به هدف حفظ کردن می نوشتم، پس قریشیان مرا از این کار نهی کردند و گفتند: آیا هر چیزی را که می شنوی

^۱ - سورة نحل، آیت: ۴۴.

^۲ - سنن الدارمی، باب من رخص في كتابة العلم، رقم الحديث: (۵۰۱)، (ج ۱، ص ۴۲۹).

می نویسی در حالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم یک انسان است و در هنگام خشم و خشنودی سخن می گوید؟ بنابراین دست از نوشتن کشیدم و سپس این را برای پیامبر صلی الله علیه وسلم بازگو کردم، ایشان با انگشت به دهانشان اشاره کردند و فرمودند: "بنویس، قسم به آنکه جانم به دست اوست، از این جز حق بیرون نمی آید".

اما ممکن است که پیامبر صلی الله علیه وسلم سخنی را به زبان آورند که هدف تشریحی نداشته باشد، که این خلاف اصل است و باید دلیلی بر آن وجود داشته باشد تا بدانیم سخن خاصی از ایشان به هدف تشریح نیست، چنانکه در مسأله مشهور بارورسازی درختان خرما رخ داد. امام مسلم از طلحه رضی الله عنه نقل کرده که فرموده است: "مررت مع رسول الله صلی الله علیه وسلم بقوم علی رءوس النخل فقال: "ما یصنع هؤلاء؟" فقالوا: یلقحونه، یجعلون الذکر فی الأنتی فیلقح، فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم: "ما أظن ینعی ذلک شیئاً" قال: فأخبروا بذلک فترکوه، فأخبر رسول الله صلی الله علیه وسلم بذلک، فقال: "إن کان ینفعهم ذلک فلیصنعوه، فإنی إنما ظننت ظناً، فلا تؤاخذونی بالظن، ولكن إذا

حدثکم عن الله شيئاً فخذوا به، فإني لن أكذب على الله عزوجل" ^۱.

همراه با رسول الله صلی الله علیه وسلم از کنار گروهی گذشتیم که بر بالای نخل‌ها بودند. ایشان فرمود: این‌ها چه می‌کنند؟ گفتند: دارند نخل‌ها را تلقیح می‌کنند، ثمر نر را در ماده قرار می‌دهند تا بارور شود، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: گمان نمی‌کنم این کار فایده‌ای داشته باشد، راوی می‌گوید: این را به آنان گفتند، پس دست از این کار کشیدند، این را به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتند: ایشان فرمود: اگر این کار برایشان فایده‌ای دارد انجامش دهند، چرا که من صرفاً گمانی بردم، پس مرا برای گمانم مواخذه نکنید اما اگر از الله متعال چیزی به شما گفتم آن را از من بگیریید چرا که من هرگز بر الله عزوجل دروغ نمی‌گویم.

نیز صحابی جلیل القدر انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار عده‌ای گذشت که نخل‌ها را بارور می‌کنند، پس فرمود: اگر چنین نکنید هم خوب - میوه - می‌دهد، راوی می‌گوید: پس خرماي آن سال خراب شد، پیامبر صلی الله علیه وسلم از

^۱ - صحیح مسلم، کتاب الفضائل، باب وجوب امثال ما قاله شرعاً، دون ما ذکره صلی الله علیه وسلم من معایش الدنيا، علی سبیل الرأي، رقم الحدیث: (۲۳۶۱)، (ج ۴، ص ۱۸۳۵).

نزد آنان گذشت، و وقتی چنین دید فرمود: نخل شما را چه شده است؟ گفتند: شما چنین گفتید: فرمود: "أنتم أعلم بأمر دنیاکم" ^۱ شما به امر دنیای خود آگاه ترید.

اینجا پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نمودند که این را از روی گمان گفته اند، بنابراین سخن تشریعی نبوده.

اما کارهای پیامبر صلی الله علیه وسلم امکان دارد از روی تشریح باشد و امکان دارد از روی عادت و خلق و خوی ایشان باشد که اقتضای انسان بودن ایشان است، همانند خوردن و نوشیدن و نشست و برخاست، و ممکن است خاص به پیامبر صلی الله علیه باشد، بنابراین کارهای ایشان بر سه نوع است:

نوع اول: کارهایی که از روی عادت و خلق و خوی طبیعی شان انجام می‌دادند مانند چگونگی نشست و برخاست و خوردن و نوشیدن، که انجام این نوع از کارهای پیامبر صلی الله علیه وسلم توسط امت ایشان مباح است زیرا از روی تشریح و تعبد نبوده و بنابراین آن را طبیعی و رفتاری می‌دانیم و و از روی خلق و خوی ایشان میدانیم، اما

^۱ - صحیح مسلم، کتاب الفضائل، باب وجوب امثال ما قاله شرعا، دون ما ذکره صلی الله علیه وسلم من معایش الدنیا، علی سبیل الرأی، رقم الحدیث: (۲۳۶۳)، (ج ۴، ص ۱۸۳۶).

اگر کسی از آن تقلید کند کارش اشکالی ندارد و اگر آن را انجام ندهد و قصد تحقیر و تکبر نداشته باشد اشکالی ندارد.

نوع دوم: کارهایی که بر اساس دلیل ثابت شده که مخصوص ایشان بوده است، مانند جمع میان نه زن، پیروی از ایشان در این موارد حرام است.

نوع سوم: کارهای بیانی، یعنی کارهایی که ایشان صلی الله علیه وسلم برای بیان و تشریح انجام می‌دادند، همانند اعمال نماز و حج، حکم این دسته تابع مساله‌ای است که قرار است بیان شود، اگر آن چیزی واجب باشد، عملی که برای بیان آن انجام شده نیز واجب است و اگر مستحب باشد، آن عمل نیز مستحب خواهد بود.

نوع چهارمی نیز موجود است، یعنی چیزی که هم می‌تواند از روی عادت باشد و هم از روی تشریح. ضابطه اش چنین است که هم مقتضای طبیعت بشری باشد و در عین حال به نوعی به جانب عبادی نیز وابسته باشد، مثلاً در حین انجام عبادت رخ دهد و یا به ابزار و وسیله عبادت متعلق باشد؛ مثلاً مرکبی که با آن به حج می‌رفت یا ورود به مکه از ناحیه (کداه) که علما درباره مباح یا مستحب بودن آن اختلاف دارند.

حالا از مسائل استنباط میکنیم که در مورد غذاها و نوشیدنی‌ها و لباس‌ها و دیگر چیزهای که پیامبر صلی الله علیه وسلم دوست می‌داشت، اصل این است که این‌ها جزو عاداتی هستند که ایشان به مقتضای انسان بودنشان انجام می‌دادند نه به قصد تشریح، مانند اینکه کدو را دوست داشتند و ضب - نوعی سوسمار - را دوست نداشتند، و عمامه و ردا و ازار و پیراهن می‌پوشیدند و قصد تشریح در آن نیست، مگر آنکه به آن امر ترغیب نماید و به آن امر کرده باشد، مثل بسم الله گفتن هنگام غذا و خوردن با دست راست و نخوردن از وسط ظرف و نهی از پایین آمدن لباس به زیرجلک که در این موارد واضح و روشن است منظورشان تشریح بوده است و در این حالت حکم آن مطابق دلائل وارده وجوب یا استحباب یا تحریم یا کراهت است.



کتاب

مسائل تربیتی

جوانان

اهمیت جلوگیری از همنشینی جوانان با نا اهلان

یکی از جوانان عزیز از شهر کابل سوال نموده :

اگر مرا رهنمایی کنید که چگونه از همنشینان بد خود را رها کنم زیرا زندگی ام در خطر است با اینها ممنون شما استاد بزرگوار؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

یکی از عوامل بزرگ انحراف جوانان ونوجوانان همنشینی با نا اهلان ورفقای بد میباشد زیرا انسان بخش زیادی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش میگیرد واین از نظر علم وتجربه ومشاهدات حسی به ثبوت رسیده است.

نقش دوست در خوشبختی وبدبختی یک انسان از هر عاملی مهتر خصوصا اطفال کم سن وکم تجربه که در اثر همنشینی با نا اهلان زودتر منحرف گردیده وبه انحطاط اخلاقی میگرایند، دین مبین اسلام با تعالیم عالی وشامخ خود همه افراد را مخصوصا والدین ومربین را متوجه این امر خطیر گردانیده وبه ایشان توصیه میکند تا از اولاد وزیرستان خود مراقبت جدی نمایند، قرآن کریم در مورد شخصیکه در این دنیا گرفتار دوست گمراهش گردیده واو را به گمراهی وبیراهه کشانیده است چنین میفرماید: "وَيَوْمَ

يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ،
يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا^۱.

روزیکه آدم ستمگار دست خود را میگززد و میگوید: ای
کاش من با رسول خدا راهی را بر می گزیدم، وایلا، ای
کاش من هرگز فلانی را دوست نمی گرفتم .

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم در زمینه نقش
دوست در تعیین سرنوشت انسان چنین می فرماید: "إِنَّمَا
مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَالْجَلِيسِ السَّوِّءِ كَمَثَلِ الْمِسْكِ وَنَافِخِ
الْكَبِيرِ، فَحَامِلُ الْمِسْكِ إِمَّا أَنْ يُحْذِيكَ وَإِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ وَإِمَّا أَنْ
تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً، وَنَافِخُ الْكَبِيرِ إِمَّا أَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ
رِيحًا خَبِيثَةً"^۲.

مثال همنشین صالح و خوب و همنشین بد مانند دارنده
مش و دمنده دمه آهنگر است، که دارنده مشک یا برایت
مشک و خوشبویی میدهد، یا از وی خریداری میکنی و یا از
او خوشبویی را میابی، و دمنده دمه آهنگر یا لباست را
میسوزاند یا از وی بوی بد به مشامت میرسد.

^۱ - سورة الفرقان، آیت: ۲۷-۲۸.

^۲ - صحیح البخاری، کتاب البیوع، باب فی العطار و بیع المسک، رقم الحدیث:
(۲۱۰۱)، (ج ۳، ۶۳).

با استدلال از این تعالیم آسمانی به اثر گذاری دوست و رفیق و همنشین پی میبریم، و واقعاً همنشینی با نا اهلان آنقدر اثر ونتیجه بد در زندگی انسان دارد که حتی اگر جوانی در محیط درست هم تربیه شده باشد و دارای اخلاق و سجایای عالی هم باشد باز هم دوستی با نا اهلان در او اثر خواهد کرد و زمینه های انحراف اخلاقی را در او بوجود خواهد آورد.

شاعر میگوید:

صحبت صالح تو را صالح کند : صحبت طالح تو را طالح

کند



دور داشتن اطفال از همصحبتان بد از عوامل مهم تربیه اسلامی است

از مهمترین چیزهای که باید به آن اهتمام نمود این است که : تلاش کنی اطفال خود را از صحبت‌های بد دور بداری؛ زیرا آنان چیزی را که پدر سالها ساخته در لحظاتی چند برباد می‌دهند. و هر شخص بر دین دوست خویش است و هر همنشین به همنشینی خود اقتدا نموده و از او الگوبرداری می‌کند.

بر جوان نوپا هیچ چیزی زیان آور از یار بدی نیست که از نادانی و سادگی و پاکیزگی و پاکی خاطر او سوء استفاده می کند. تا به اهداف فاسد و شهوات و آرزوهای حرامش دست یابد. چه بسا پسران و دختران جوان که به باده نوشی و استعمال مواد مخدر و کارهای زشت و ترک نمازها و نافرمانی پدران و مادران گرفتار شده، در درسهای شان ناکام گردیده و به جاهای های زشت و پلید رفت و آمد کرده اند که همه آنان در نتیجه همنشینان بد بوده که باطل را برای شان آراسته و به دنبال شهوات رفته و یاران خویش را به کارها و اعمال زشت کشانیده و بدان واداشته اند. از اینرو، پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم نصیحت فرموده و هشدار داده می فرماید: " مثل الجلیس الصالح والجلیس السوء کحامل المسک و نافع الکیر، فحامل المسک إما أن یحزیک و إما أن یتباع منه و إما أف تجد منه ریحا طیبه، و نافع الکیر إما أن یحرق یتابک و إما أن تجد منه ریحا خبیثه"^۱.

صفت همنشین نیک و همنشین بد مانند دارنده مشک و دهنده کوره آهنگر است. بنابراین، دارنده مشک یا خود برایت از آن می دهد و یا از او خریداری می کنی. و دهنده

^۱ - صحیح البخاری، کتاب البیوع، باب فی العطار و بیع المسک، شماره حدیث:

کوره آهنگر یا جامه ات را می سوزاند و یا هم بوی بدی از او به مشامت می رسد.

مالک بن دینار رحمه الله می نویسد: اینکه سنگ را با نیکان انتقال دهی بهتر از آن است که حلوای خوشمزه را با بدان بخوری.

ابوحاتم بن حبان رحمه الله می گوید: هر همنشینی که شخص از او بهره ای نبرد و به خیر و نیکی ای نرسد، همنشینی سگ از او به مراتب بهتر است و آنکه با همنشینی بد بنشیند، سلامت نمی ماند همانگونه که آنکه به جایهای زشت و بد وارد می شود، خواهی نخواهی مورد اتهام قرار می گیرد، از اینرو بر عاقل واجب است که از مردم مشکوک دوری گزیند تا خود مورد شک قرار نگیرد. آری، همانگونه که صحبت نیکان انسان را به خیر و فضیلت می رساند صحبت بدان خود شر و بدی را به دنبال دارد.



عادت دادن اطفال بر مکارم اخلاقی

برای پسر و دختر خود آداب سخن گفتن و شنیدن و همنشینی و اجازه خواستن و غذا و خواب و داخل شدن و بیرون آمدن و رفتن و قضای حاجت و دیگر آداب عمومی و خصوصی را آموخته و آنان را بر اخلاق والا و عادات نیک

عادت دهید. از آن جمله: بزرگداشت بزرگ و مهربانی بر کوچک و دوست داشتن مسکینان و کمک به نیازمندان و احترام صالحان و دوری از کارهای هرزه و زشتی‌های اخلاقی چونان ظلم و آزار رسانیدن و کار زشت و سخن زشت و عیبجویی و طعنه زدن و غیبت و سخن‌چینی و همدیگر را با نامهای زشت یاد کردن و دروغ و تهمت زدن و کینه و حسد و کبر و خویش‌تن‌بینی و بیکارگی و تنبلی. که همزمان زشتی‌های این صفات بد و زیبائی‌ها و محاسن آن صفات شایسته را برای آنان بازگوید و از فرجام هر کدام در دنیا و آخرت آنان را آگاه کند. بدان که این خود والاترین و ارزشمندترین تحفه و هدیه‌ای است که برای آنان عرضه میکنی و بهترین میراثی است که برای آنان به ارث می‌گذاری.



برای اینکه جوانان منحرف نشوند با نهادهای دعوتی همکار شوند

یکی از جوانان محترم که محصل سال دوم اقتصاد است

نوشته :

استاد من از دنیا بیزار شدم و می‌ترسم که با همراهان بد به کارهای خراب مشغول شوم..مرا کمی رهنمای کنید.

وجوان محترم و عزیز دیگری از شهر کابل نوشته :

هیچ قابل توصیف نیست استاد محترم وضع جسمی ام خوب است تندرستم ولی روانم واژگون است فکر میکنم از خدا خیلی دورشدم و فکر میکنم خدا از من ناراض است، درست نمیدانم اما یک حسی آزارم میدهد گوید کدام چیز را گم کرده باشم و دنبالش سرگردانم، لطفا نموده مرا رهنمایی کنید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله اما بعد:

به این دوستان وجوانان محترم و بسیار عزیز و امثال شان که در حقیقت در جستجوی حق و حقیقت هستند و احساس این را دارند که مبادا شکار حيله شیطان شوند و در انحرافات فکری، عقیدوی، و یا به دام مخدرات بیفتند می نویسم که ترس و حراس و خوف و احساس شما کاملا بجا است زیرا در شرائط فعلی که بدترین ماحول انحراف شمرده می شود اگر یک جوان مسلمان برای حفظ دین، ایمان و عقیده خود تلاش نکند ممکن است که به مشکلات گوناگون روبرو شود زیرا راه های شر و انحراف بیشتر وجود دارد.. وجوانان مسلمان بلکه حتی نوجوانان باید همنشینان صالح داشته باشند که آنها را به راه حق و صبر دعوت دهند، الله متعال در قرآن کریم فرموده است که همه انسانان در خساره و زیان است مگر آنانی که یدیگر را به راه حق

وکارهای نیک و خوب دعوت میدهند و به صبر و شکیبایی تشویق میکنند، "والعصر إن الإنسان لفي خسر إلا الذين آمنوا وعملوا الصالحات، وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر"^۱.

همنشین بالای جوانان تأثیر مستقیم و مباشر دارد در ضرب المثل آمده که: "المرء علی دین خلیله، وکل قرین بالمقارن یقتدی".

انسان هم مشرب و همذهب همنشین خود میباشد و به او قیاس می شود، هیچ چیز از همنشین بد بالای جوان تأثیر ندارد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است که: "مثل الجلیس الصالح والجلیس السوء کحامل المسک ونافخ الکیر، فحامل المسک إما أن یحذیک وإما أن تباع منه وإما أن تجد منه ریحا طیبة، ونافخ الکیر إما أن یحرق ثیابک وإما أن تجد ریحا خبیثة"^۲.

از همنشین نیک و صالح جوان مسلمان همیشه احساس خوشبوی میکند مثل کسی که عطر و خوشبوییها و مسک و عطر را با خود داشته باشد که از صحبتها، رویه، روش، و رفتار او مستفید می شود و او را به طرف کارهای خیر

^۱ - سورة العصر، آیت: ۱-۳.

^۲ - صحیح البخاری، کتاب البیوع، باب فی العطار و بیع المسک، رقم الحدیث: (۲۱۰۱)، (ج ۳، ۶۳).

تشویق میکند و با خود می برد و در اجر و ثواب و آبادی شریک میسازد، بر خلاف آن همنشین بد و زشت که در حقیقت شیطانهای انسی هستند جوان را به طرف انحرافات و بدبختیها سوق میدهد و در بیراهه می کشاند از درس و تعلیم محروم می نماید و او را یک انسان بی احساس غیر مفید در جامعه معرفی میکند.. مثل کوره آهنگر که اگر جوان مسلمان همنشینش باشد یا اینکه لباسش را می سوزاند و یا احساس بدبوی میکند.

أبو حاتم بن حبان نوشته است: "فالواجب علی العاقل أن یجتنب أهل الريب, لئلا یكون مریبا, فکما صحبة الأخیار تورث الخیر, كذلك صحبة الأشرار تورث الشر".

بر جوان عاقل واجب است که از مردمان مشکوک و بی هدف دوری جوید تا اینکه در شک و شبهه واقع نشود و در تهمت قرار نگیرد، زیرا همنشینی نا اهلان و اهل شر جوان مسلمان را به کارهای شر تشویق میکند مثلی که همنشین نیکوکار جوانان مسلمان را به کارهای خیر سوق میدهد و رهنمای میکند.

من فکر میکنم این دو جوان مسلمان و غیره جوانان بیشتر ازین منتظر نمانند و همنشینان خوب خود را انتخاب کنند، زیرا گرگ گوسفند از رمه پسمانده از رمه را شکار می کند.

نهاد جوانان مسلمان " نجم " که یک تشکیل اسلامی
وملی افغانستان شمول است ودر سائر ولایات کشور عزیز ما
فعالیت دارد وبخاطر تربیه سالم جوانان ونونهالان کشور
عزیز ما تأسیس شده است وبرنامه های وسرگرمیها وحلقه
های درسی وتربیتی بسیار جالب وسازنده دارد فرصتی
خوبی است برای همه که با این نهاد یکجا شوند.



ما دعوتگر هستيم نه قاضي (نحن دعاة لا قضاة)

از صفات مهم دعوتگران اخلاق نیکو ونرم گویی وصبر
وتحمل وبردباری وبا حوصله بودن وعدم استعجال در بدست
آوردن نتیجه دعوت، با مراعات نمودن تدرج وحکمت، دین
اسلام دین رحمت ونرمی وبشارت است وسختی وخشن
بودن وقاسی القلبی در دعوت اسلامی جای ندارد، ومردم را
متنفر می سازد، از همینرو دعوتگران هدایت مردم هستند
توسط وعظ ونصیحت وترغیب دادن به پاداش نیکو، نه
راندن مردم با شیوهای غیر منطقی وغیر عاقلانه، زیرا ما
دعاه استیم نه قضاة، وبالای مردم حکم کفر وفسق وخارج
شدن از دین را نمی کنیم، هدف ما کسب رضای الله متعال
وهدایت ورهنمای برادران وهموطنان عزیز وآبادی این وطن
با شیوهای واسالیب مطابق رهنمود های اسلامی که
رسولش صلی الله علیه وسلم فرموده اند "یسروا ولا تعسروا

ویشروا ولا تنفروا"^۱، آسانی بیاورید نی سختی بشارت و خوش خبری دهید و مردم را متنفر نسازید، وهم فرموده اند "إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق"^۲ خداوند مرا فرستاده که به اخلاق نیکو روش و رفتار کنم، وهم فرموده اند "تبسمك في وجه أخيك صدقة لك"^۳، حتی تبسم ولبخند در مقابل برادر مسلمان صدقه حساب می شود.

این بود جواب مختصر در جواب یکی از دوستان که شکایت نموده وگفت که من در شک واقع می شوم بعض از ملاها با ما رفتار زشت می کنند وعلت و سبب آن در چی نهفته؟



^۱ - صحيح البخاري، كتاب العلم، باب ما كان النبي صلى الله عليه وسلم يتخولهم بالموعظة والعلم كي لا ينفروا، رقم الحديث: (٦٩)، (ج ١، ص ٢٥).

^۲ - السنن الكبرى للبيهقي، كتاب الشهادات، باب: بيان مكارم الأخلاق ومعاليها التي من كان متخلقا بها كان من أهل المروءة التي هي شرط في قبول الشهادة على طريق الاختصار، رقم الحديث: (٢٠٧٨٢)، (ج ١٠، ص ٣٢٣).

^۳ - صحيح ابن حبان، فصل من البر والإحسان، ذكر بيان الصدقة للمرء بإرشاد الضال، وهداية غير البصير، رقم الحديث: (٥٢٩)، (ج ٢، ص ٢٨٦).

خود ارضایی در روشنی شریعت

یکی از دوستان محترم سوال نموده :

استاد محترم یک سوال داشتم میدانم که به موضوع که شما نشر کردین ربطی ندارد اما خواستم که مطرح کنم در مورد خود ارضایی در مردان به خصوص در جوانان.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

اگر دوستان صالح و سرگرمی مفید نداشته باشد شکار شیطان می شود، عادت سری، ویا خود ارضایی و استمناء در شریعت حرام است و جمهور فقهاء آنرا حرام شمرده زیرا الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ"^۱، از صفات مؤمنان حقیقی این است که فرج و شرمگاه شان را محافظت می کنند از واقع شدن در حرام، تنها ارتباط جنسی شان همانا راه حلال که با خانمهای شان است، و اگر کسی بغیر ازین راه حلال که ازدواج است راه دیگری را جستجو کند از جمله تجاوز گران در حدود الله شمرده می شوند.

^۱ - سورة المعارج، آیت: ۲۹-۳۱.

اگر این روش حلال میبود رسول الله صلی الله علیه وسلم بر آن رهنمائی میکرد، لیکن رسول الله صلی الله علیه وسلم کسانی را ازدواج نکرده اند و یا در حالت قرار دارند که زمینه ازدواج شان مساعد نیست چپ مرد باشد و یا زن آنها را به ازدواج کردن تشویق کرده و اگر ممکن نباشد روزه بگیرند زیرا روزه بهترین فرصت است برای تربیه نفس انسان، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است که روزه وقایه است از افتیدن به شهوت رانی حرام: "یا معشر الشباب من استطاع منكم الباءة فلیتزوج، فإنه أغض للبصر وأحصن للفرج، ومن لم یستطع فعلیه بالصوم فإنه له وجاء" ^۱.

حتی طبیان متخصصین علم طب نوشته اند که این عملکر امراض گوناگون را با میا ورد، از جمله امراض نفسی، وروانی، که بالاخره انسان را به فواحش میکشاند، واز تدابیر علاجی این عملکرد نا مشروع امور ذیل است :

۱- سعی وتلاش برای ازدواج کردن ولو به امکانات اندک وکم واسراف نکردن.

^۱ - صحیح مسلم، کتاب النکاح، باب استحباب النکاح لمن تاقت نفسه إلیه، ووجد مؤنه، واشتغال من عجز عن المؤمن بالصوم، رقم الحدیث: (۱۴۰۰)، (ج ۲، ص ۱۰۱۸).

۲- معتدل بودن در خوردن و نوشیدن و اجتناب نمودن از خوردن و نوشیدن بیش از حد که انسان را به بیراهه می کشاند.

۳- دوری کردن از جاهها و مواقع که فکر انسان را به طرف شهوت حرام میبرد مثل شنیدن موسیقی و مشاهده کردن فیلم های مبتذل و فحش، و یا رفتن با جاهای غیر مناسب.

۴- بیشتر توجه انسان به زیبایی طبیعت و مخلوقات زیبای الله متعال باشد نه فکر کردن در راه های حرام.

۵- انتخاب دوستان صالح و نیکوکار و همراهی با آنان ، و بجای اینکه انسان به شیطان تسلیم شود مشغول عبادت الله متعال باشد با دوستان صالح و جوانان هدفمند که حالا بهترین نمونه آنها " نجم " نهاد جوانان مسلمان است که سرگرمی های زیبا و جالب دارد .

۶- سهم گرفتن در کار های اجتماعی و خیری که برای انسان مفید واقع می شود و برایش مجال تفکیر غلط را میسر نمی سازد.

۷- حاضر نشدن در تجمعات و مجالس که مختلط زن و مرد که خود سبب فکر کردن در حرام می شود.

۸- سعی و تلاش برای فراگیری علوم و معارف و مهارت‌ها و مشغول ساختن طاعات جسمی و ذهنی در کارهای مفید.

۹- از همه مهمتر ترس از الله متعال و با تقوا بودن ، زیرا او تعالی برای بندگان نیک و صالح در وازه های رحمت خود را باز میدارد " ومن يتق الله يجعل له مخرجا"^۱.

۱۰- اجتناب و دوری از چشم چرانی که خود سبب به حرام کشانیدن است ، و قرآن کریم درین مورد مردها و زنان مؤمنان را تنبیه نموده، " قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ"^۲ الله متعال رسول الله صلی الله علیه وسلم را مکلف ساخت که برای مؤمنان بگوید که چشم های تان را از دیدن حرام دور بدارید و فرجهای تان را محافظت کنید از افتادن به حرام، و این برای تزکیه و پاکی تان است الله متعال با خبر است از آنچه شما میکنید.. و نیز فرموده است، " وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ"^۳ برای زنان هم بگو که چشمان را از حرام دیدن حفاظت کنید و فرجهای تان را نگهداری کنید از وقوع به حرام و بیراهه.

^۱ - سورة الطلاق، آیت: ۲.

^۲ - سورة النور، آیت: ۳۰.

^۳ - سورة النور، آیت: ۳۱.

رفتن به اروپا اگر به قیمت دین و ایمان انسان تمام شود جواز ندارد

یکی از دوستان از شهر کابل پایتخت وطن عزیز ما سؤال می کند که من در نتیجه بی کاری و بی اطمینانی می خواهم به طرف اروپا بروم خو می ترسم گمراه نشوم، برایم مشوره لازم دهید.

درین شکی نیست مردم در بعضی از کشورهای اسلامی به مشکلات گوناگون دچار استند از جمله بی کاری و مشکلات اقتصادی و بی امنیتی ..خصوصا کشور عزیز ما از چهار دهه به این طرف میدان جنگ است ..لیکن با وجود همه نا بسامانیها اگر مسلمان یقین داشته باشد که رفتنش به خارج از کشوره به قیمت دین و ایمانش تمام می شود و در نتیجه بی بندوباری و شراب نوشی و زناکاری دین خود را از دست می دهد و نعوذ بالله کافر می شود، باز بودنش در وطن عزیز ما واجب است و رفتنش گناه بزرگ و حرام قطعی است، و اگر یقین داشته باشد که دینش را از دست نمی دهد بلکه سبب هدایت دیگران می شود و در نتیجه اخلاق نیکو و صداقت و امانت داری سبب مسلمان شدن دیگران می شود باز می تواند که سفر کند، فقهاء رفتن به کشورهای اسلامی را بخاطر دعوت، تجارت و تعلیم جواز داده اند در صورتکه مسلمان درانجا ذوب نشود یعنی دین خود را از دست ندهد و کافر نشود، چون در نتیجه آزادی بی حد

وحدود و شراب نوشی و فحشاء و خوردن گوشت خوک و خنزیر امکان دارد مسلمان ضعیف النفس و ضعیف الایمان و کم علم و دانش بزودی گمراه شود، و باید قبل از تصمیم گرفتن به سفر به آنسو زیاد غور و فکر و استخاره نمود، مثالهای زنده وجود دارد که بسیاری از هموطنان ما در نتیجه تساهل و بی غوری درانجا دین خود را یا بصورت کلی و یا جزئی از دست داده اند، و باید مسلمان اقتصاد را بردین و ایمان ترجیح ندهد.

فقهاء می فرمایند که این حکم عام است یعنی اگر دین مسلمان در کشور اروپایی مصئون باشد و در کشور اسلامی زیر تهدید مرگ و بندی شدن و ترک کردن دین باشد باز آنجا بهتر است و این را علمای فقه الاقلیات "الهجرة المعاکسة" نامیده اند.

به هر صورت و خلاصه مطلب این است که توصیه بنده به این دوست عزیز این است که اگر بالای خود باور و اعتماد ندارد باید از تصمیم خود منصرف شود و خداوند متعال برایش بدیل خیر میدهد "من ترك شیئا لله عوضه الله خیرا منه" هر کسی که به خاطر خداوند متعال از امتیاز و یا داشتن و گرفتن چیزی منصرف شود او تعالی برایش بدیل بهتر میدهد.



احکام و شروط شرعی ورزش و سپورت در اسلام

دین اسلام بخاطر تقویت جسم و حفظ صحت جسمی مسلمان را به ورزش و سپورت تشویق نموده لیکن با در نظر داشت بعضی شروط شرعی از جمله:

۱- ورزش و سپورت درین صورت جایز و مشروع است که انسان را از واجبات و فرائض و مسؤولیات های خانوادگی و وظیفه دور نسازد مثلاً در وقت نماز جماعت انسان باید ورزش را ترک نموده به طرف مسجد روان شود و در صورتکه نماز جماعت را بخاطر ورزش ترک میکند درین صورت ورزش حرام شمرده می شود، و هر کاری انسان را به حرام و ترک واجبات بکشاند حرام شمرده می شود ولو که در اصل مباح هم باشد.

۲- هدف مسلمان از ورزش تقویت جسم و حفظ صحت و هم سرگرمی مباح باشد و سبب تقویت روابط برادری و اخوت در بین ورزشکاران شود نه سبب دوری دلها و تفرقه اندازی، و به نیت نیک می توانیم ورزش را به عبادت بدل کنیم " در حدیث شریف آمده که " إنما الأعمال بالنیات "،

۱ - صحیح البخاری، باب بدء الوحي، کیف کان بدء الوحي إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم؟، رقم الحدیث: (۱)، (ج ۱، ص ۶).

وقاعده فقهی است که "الأمر بمقاصدها" اسلام به نتایج اعمال و کردار نظر میندازد و از روی آن حساب می کند.

۳- ورزش کار مسلمان باید کالای به تن کند که عورتش ظاهر نشود و از پوشیدن کالای مبتذل و یا کالای که جسم انسان را ظاهر بسازد دوری جوید و هم از کالای که بالای آن شعار های غربی و غیر اسلامی نوشته شده باشد اجتناب ورزد.

۴- مسلمان ورزشی را اختیار کند که در آن خطر هلاک شدن و یا از بین رفتن و معیوب شدن نباشد.

۵- ورزشی باشد که در آن قمار بازی نباشد و مورد و باخت آن بشرط دادن و گرفتن پیسه نباشد، و اگر باشد باز حرام شمرده می شود.

۶- در ورزش و مورد باخت مسلمان باید شکار تعصب و قوم پرستی نشود و ولاء و براء یعنی دوستی و دشمنی اش بناء به تعصب نباشد که سبب نزاع و تفرقه می شود.

۷- باید ورزشکاران از دو دشمنام و مزاقهای خارج چوکات دوری جویند..

۸- ورزشکاران سبب آزار همسایگان ورزشگاه نشوند که آزار و اذیت رسانیدن به مسلمان این ساپورت و ورزش را حرام می سازد.

این بود شروط شرعی ورزش که در جوابی یکی از سوالات مختصراً تحریر داشتیم.



تعلیم و تحصیل در اکادمی پولیس جایز و مشروع است

یکی از جوانان هدفمند خواهان مشوره شده که آیا اگر در اکادمی نظام پولیس داخله نماید مانع شرعی وجود دارد؟

باید برای این جوان هدفمند بگوییم که درس خواندن در دانشگاهای نظامی پولیس واردوی ملی کاری مباح و جایز و مشروع است و باید درین نهادها انسانهای هدفمند ملتزم به احکام اسلام و شریعت اسلامی تعلیم حاصل کنند و کار کنند و برای دفاع از سرزمینهای اسلامی آمادگی لازم داشته باشند و استخدام و استعمال انواع اسلحه را بیاموزند و در دین ما مسلمان قوی بهتر است از مسلمان ضعیف، خداوند متعال می فرماید " وأعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل

ترهبون به عدو الله" ^۱ آمادگی نظامی وپهره داری در سنگرها داشته باشید تا اینکه دشمنان تان را بترسانید، ورسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند در حدیث صحیح: "ألا إن القوة قوة الرمي" قوت حقیقی در تیر اندازی است و تعلیمات نظامی است، وهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم به مسلمان امر نموده اند که اولاد های تان را آب بازی، تیر اندازی و نشانزنی، واسپ سواری را تعلیم دهید "علموا أولادکم الرماية والسباحة وركوب الخيل"، همین این دلالت میکند که مسلمان در عرصه نظامی هم آمادگی لازم داشته باشد وغافل نباشد و آبادی وطن ومحافظت ازان به افراد مسلکی در تخصصات متخلف ضرورت دارد از جمله در عرصه نظامی وعسکری، وشاید در شرایط کنونی بخش نظامی اولویت خاص داشته باشد واز هر ناحیه که ملک ووطن پبسمان وعقب مانده باشد در همان تخصص درس خواندن واجب وفریضه پنداشته می شود وقاعده شرعی است که "ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب" اگر دفاع از دین ووطن وسرزمین بدون این افراد ممکن نباشد باز می توان گفت که این امر واجب است.

واز نظر شریعت اسلامی کدام مانع شرعی وجود ندارد واین برادر عزیز می تواند به تحصیلات نظامی آغاز کند.

^۱ - سورة الأنفال، آیت: ۶۰.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وعلی آله
وصحبه أجمعین.



منع کردن خواهران و طبقه اناث از درس و تعلیم گناه بزرگ بشمار میرود

یکی از خواهران از شهر کابل در ضمن سوال خود نوشته که آیا دختران و خانمان حق تعلیم و تربیه و درس خواندن را دارند، و آیا بعد از فراغت حق درس دادن و دعوت کردن را دارند؟ چنین نوشته است: همیشه برای اداره گفتیم زمانیکه ما فارغ شویم باید یک الگو به جامعه باشیم در جواب برای ما میگویند بعد از مکتب عروسی میکنی میروی تو را چی دیگه به گپ های کلان.

برای این خواهر محترمه باید بنویسم که بلی خانمان و دختران و طبقه اناث حق تعلیم و درس خواندن را دارند و این حق را دین مبین اسلام و شریعت اسلامی برای شان داده است بلکه بالای شان فرض گردانیده که باید علم حاصل کنند و مسائل دینی و احکام و واجبات عبادات و معاملات و امورات اجتماعی شان را بفهمند تا اینکه اولادهای شان را و خانواده شان را مطابق رهنمودهای اسلامی تربیه کنند، و اگر خانمان جاهل و بی علم بمانند حتما اولاد های شان هم جاهل تربیه می شوند، و تعلیم

خواهران ازین لحاظ بسیار ضروری است که در تربیه خانوادگی رول شان بیشتر است، و خانمان در زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام و تابعین در همه بخشهای تعلیمی سهم فعال داشتند مثلا: در جمع کردن و نوشتن قرآن کریم، و حفظ آیات آن، در جمع و حفظ و ترتیب و نوشته کردن احادیث نبوی، در فتوی دادن و در بخش تعلیم و تربیه اسلام هیچ فرقی بین زن و مرد نیست و همه نصوص قرآن کریم و احادیث نبوی یکسان مرد و زن را به تعلیم و تربیه تشویق و ترغیب کرده، نه تنها باید خواهران علوم دینی و فقه و حدیث و تفسیر و تجوید و عقائد و زبان عربی را فرا گیرند بلکه علم طب و ساینس و غیره را در ماحول سالم و دور از خلوت و اختلاط با نا محرمان و با حجاب کامل شرعی فرا گیرند تا بنوانند مصدر خدمت به خواهران شوند، تا اینکه طبیبان مرد زنان نا محرم را معالجه نکنند .. و شریعت گفته که " ما یتیم لا الواجب إلا به فهو واجب " هر علم و کار که سبب ادای واجبات شود و درین راستا کومک کند واجب است، و هم " ما لا یتیم ترک الحرام إلا به فهو واجب " و هر علم و درس و تعلیم و وظیفه که سبب جلو گیری از وقوع مردم در حرام شود آن هم واجب است، و بدون شک علم سبب پیشرفت و ترقی و روشنی در همه ابعاد زندگی دینی و دنیایی ما است و جهل و نادانی سبب همه عقب ماندگی های مسلمانان است، و برای خواهران محترم لازم است که علم شرعی را بصورت درست بیاموزند تا اینکه سبب بیداری

خواهران شوند زیرا اکثراً طبقه اناث و زنان شکار دسیسه های جادوگران و تعویذ نویسان و فالبینان می شوند در نتیجه جهل و نادانی، و کسانی که خواهران و طبقه اناث را از درس و تعلیم و دعوت منع می کنند در حقیقت یک جزء کلان و بزرگ از دین اسلام را نادیده می گیرند و مرتکب گناه بزرگ می شوند، و باید خواهران به درس و تعلیم و دعوت و فعالیت های اسلامی شان ادامه دهند در بین خانواده و تجمعات زنانه و در محیط سالم بدور از اختلاط با مردان نا محرم و با حجاب اسلامی، کار دعوت اسلامی و خدمت مسلمانان و وظیفه هر دو است هر کس به اندازه توان و شرایطی که برایش میسر است.

وهم فراموش نکنیم که تعلیم و تربیه دختران و خواهران در اسلام فضیلت و ثواب زیادی دارد و رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند: "من کانت له ثلاث بنات فصبر علیهن وسقاهن وکساهن کن له حجاباً من النار" ^۱، هر مسلمان که سه دختر و یا خواهر و یا عمه خود را رعایت و تربیه اسلامی درست کند و بسر برساند و از بی حجابی منع کند این عمل خوب و نیک او سبب دخول جنت و نجات از آتش دوزخ می شود.

^۱ - سنن ابن ماجه، کتاب الأدب، باب بر الوالد، والإحسان إلى البنات، رقم الحدیث:

(۳۶۶۹)، (ج ۲، ص ۱۲۱۰).

شرط گذاشتن در فوتبال

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده :

ما دو تیم فوتبال می کنیم و بعض اوقات چنین اتفاق میفتد که بین هر دو تیم شرط مانده شود که بازنده باید برای برنده یا نان چاشت و یا نان شب را در یکی از رستورانها بدهد آیا این چنین شرط ماندن جایز است ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

چنین بازی کردن و شرط گذاشتن حرام و حکم قمار زدن را دارد که حتی فوتبال را که یک بازی مباح و حلال است حرام میسازد زیرا که بخاطر سرگرمی و تقویت جسم نیست بلکه بخاطر قمار زدن است .. اما اینکه به رضایت خود شان این کار را میکنند .. راضی بودن و اتفاق کردن در انجام کار حرام آنها حلال نمی سازد زیرا بسیاری از مردم در سود خوری ، ظلم و حق تلفی و رشوت نیز اتفاق می کنند.



درس خواندن دختران در تخصص طب معالجوي فرض كفايي است

يکي از خواهران ديني ما سوال نموده :

من علاقه ورغبت خاص بخاطر انتخاب تخصص طب معالجوي دارم ونمرات کانکور من هم مرا به اين انتخاب رسانيده ليکن بعض اعضاي فاميل مخالفت شديد نشان دادند شما رهنمائي کنيد..

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شرائط کنوني که داکتران مرد ونا محرمان زنان و خانمان را تداوي ميکنند وحتى بعض اوقات بخاطر تکميل نمودن تداوي ومعرفت مرض عورت خانمها را مي بينند، درس خواندن دختران در تخصص طب فرض كفايي است زيرا که سبب ستر ونجات خانمان از آميزش با نامحرمان مي شوند وخدمت خوبي براي خواهران تقديم مي نمايند در بخش تداوي ومعالجه امراض آنان... البته دختراني که تخصص طب را انتخاب ميکنند بدور از صنوف وکلاسهاي مختلط اين تخصص را بياموزند .

خواهراني که تخصص طب را انتخاب مي نمايند در حقيقت از اخلاق، ارزشهاي ديني مسلمانان دفاع مي نمايند زيرا مسلمان اعم از مرد وزن بايد در هر جا وهر ساحه

ومیدان کلید خیر وقفل شر باشد رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث که ابن ماجه روایت کرده و شیخ البانی بر آن صحت گذاشته فرموده اند: " إِنَّ هَذَا الْخَيْرَ خَزَائِنٌ ، وَلِتِلْكَ الْخَزَائِنُ مَفَاتِيحٌ ، فَطُوبَى لِعَبْدٍ جَعَلَهُ اللَّهُ مِفْتَاحاً لِلْخَيْرِ ، مَغْلَقاً لِلشَّرِّ . وَوَيْلٌ لِعَبْدٍ جَعَلَهُ اللَّهُ مِفْتَاحاً لِلشَّرِّ ، مَغْلَقاً لِلْخَيْرِ " ^۱ علم و تخصصات و وسائل جدید و قدیم از جمله علم و تخصص طب معالجوی و طب بشری عبارت از خزانه های خیر و نیکیها است که کلید دارد، و جنت برای کسانی وعده داده می شود که کلید خیر باشند برای نشر این خزائن نیکو و اعمال صالح، و دوزخ و بربادی و هلاکت برای کسانی داده می شود که ازین خیر و نعمتها استفاده سوء میکنند و کلید شر و دعوتگران بسوی نابسامینها و زشتیها می شوند.. پس باید خواهران کلید خیر و دعوتگران بسوی نیکوکاریها شوند و ازین تخصص طبی و سائلش برای نشر و پخش کارهای خیر استفاده کنند و برای زدودن بد اخلاقی و اختلاط با نامحرمان کار کنند و ساحة را برای داکتران مرد نگذارند بلکه خود شان دست بکار شوند.

^۱ - سنن ابن ماجه، باب من كان مفتاحاً للخير، شماره حدیث: (۲۳۸)، (ج ۱)،

مانع شدن درس خواندن دختران در این تخصص مهم و حیاتی که شریعت در آن تشویق و ترغیب نموده بلکه آنرا در شرائط کنونی فرض کفائی دانسته ناشی از جهالت و نادانی بعض انسانها است.



آداب سوال و جواب و بحث و مباحثه در فیس بوک

یکی از دوستان محترم برایم سوالی فرستاده و خواهان معرفت آداب بحث و مباحثه در فیس بوک شده و اینکه کسانی که دانشمند و کار شناسان علوم شرعی هستند چگونه با مردم و مخاطبین خود رفتار کنند و اگر قناعت دو طرف در بحث و مباحثه حاصل نشود یگدیگر را دشنام دهند و بلاک کنند، و یاخیر، این است سوال دوست عزیزما :

سلام استاد امید که دارای صحت کامل باشید..استاد ببخشی که مزاحم شدم این پیام را به جناب فلان: "....." برسان، لطف میکنید و از گناه او را دور میکنید، افسوس به حال همچو نیمچه ملا، البته مولوی صاحب مخاطب خود در هنگام بحث و مشاجره (خر) خطاب نموده و بلاکش کرده.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

به همه دوستان و عزیزان معلوم است که وسائل ارتباط جمعی و اجتماعی سلاح است که دو تیغ دارد و در خیر و شر استخدام می شود لیکن دعوتگران معاصر این وسائل را از جمله فیس بوک و توئیتر را از مهمترین وسائل دعوت اسلامی (دعوت فردی و اجتماعی) می شمارند و خوبی و تمیزش در این است که به سرعت و تیزی میتوان مردم را مخاطب قرار داد و به سوال های شان در همان لحظه جواب فرستاد و هم این وسیله جالب و مهم برای بحث و مباحثه و حوار و قناعت دادن دیگران است بشرط که آداب شرعی آن مراعات شود و هدف دعوتگران بیان کردن احکام شرعی، و روشنی انداختن و واضح ساختن مسائل شرعی، ورد کردن شکوک و شبهات دشمنان داخلی و خارجی خصوصا رد کردن شبهات کسانی که به ردت فکری مواجه شده اند و مردم را به گمراهی دعوت میدهند، و هدف این نباشد که انسان غلبه حاصل کند و برتری خواهی، و تکبر و کبر و غرور کند و متوجه ساختن مردم به خود نباشد، بلکه هدفش رسیدن به حقائق و ثمر بخش بودن این بحث و مباحثه باشد، و در اثناء و هنگام بحث و مباحثه با حوصله مندی کامل و صبر و شکیبای به همه سوالات مخاطب خود جواب داده، از دو و دشنام دادن و تکفیر و تفسیق کردن جدا خود داری نماید تا اینکه دعوتگر

خودش سبب نفاق و تفرقه افگنی و دشمنی نشود و مردم را متنفر نسازد، و می شود مختصراً به این آداب اشاره کنم:

۱- دعوتگر باید در بحث و مباحثه خود مخلص باشد و هدفش رضایت و خوشنودی الله متعال باشد نه اینکه علمیت و برتری خود را بر دیگران نمایان سازد.

۲- کوشش کند که از قرآن کریم و احادیث صحیحہ سنت نبوی شریف و اقوال علماء و فقہاء و مفسرین استدلال استدلالت کند.

۳- تواضع داشته باشد و از تعالی و تکبر و کبر غرور جدا خود داری کند زیرا کبر و غرور از صفات دعوتگران نیست.

۴- در مسائل که بحث و مباحثه میکند باید مطالعه خوب داشته باشد و خالی الذهن نباشد که باز مجبور نشود که مردم را براند و جواب قناعت بخش نداشته باشد.

۵- تفاوت‌های های موجوده در عقل و منطق و ثقافت و سلیقه دیگران را مراعت کند و هر کس را به اندازه عقلش مخاطب قرار دهد و نمی شود که شهری و دهاتی را به یک طریقه مخاطب قرار داد.

۶- باید از تبسم و نرمش کار گرفته و وقار خود را حفظ نموده و هم از عجله و تیزی اجتناب ورزد.

۷- در مسائل قطعی و متفق علیها جدی باشد و از خود تنازل نشان ندهد و آن را قابل بحث و مباحثه قرار ندهد، اما در امور اختلافی و ظنیات می تواند که دنبال بحث نظر و قول راجح برود و مخاطب خود را به صبر و شکیبای دعوت کند تا اینه به نتیجه مطلوب برسد.

۸- کوشش کند که از سوال کننده و کسانی که در بحث و مباحثه شامل می شوند بخوبی بشنود و چانس مطرح کردن موضوع و مشکل شان را برای شان بدهد و سخنهای ایشان را قطع نکند و ناتمام نگذارد خوب بشنود باز جوابش را شرح نموده و توضیح دهد.

۹- تلاش کند که دعوتش اگر شکل فردی را داشته باشد هر دو طرف یعنی افقی و رأسی آنرا مراعات کند به این معنی که از یک طرف دوستان خود را بیشتر و زیاد بسازد تا اینکه سخن حق و نیکو به تعداد کثیری از مردم برسد. و از طرف دیگر به تعلیم و تذکیر و ارشاد دوستان موجوده کوشان باشد.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آله
و أصحابه أجمعین.



زبان وسیله تفاهم و افهام و تفهیم است نه عقیده و لاء و براء

دیروز با چند تن از همنشینانم صحبت داشتم که آنها به برتری یک زبان بالای دیگران اصرار داشتند، شما چی فکر میکنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

دوستی و دشمنی مسلمان و نزدیکی و دوری اش با دیگران بخاطر تقوی و ایمان داری باشد و با آن مسلمان بیشتر نزدیکی کند که نزدیکتر به خداوند متعال پابند اوامر و نواهی او است، و زبان فقط وسیله تفاهم است بین انسانها و ازین بیشتر اهمیت ندارد و مسلمان نباید و لاء و براء و دوستی و دشمنی اش و خط مشی دینی و عقیدوی خود را بخاطر زبان تعیین کند و زبان را معیار همه امور زندگی و تعاملات دینی و دنیائی خود قرار دهد، و اگر کسی چنین میکند باید ایمان خود را مراجعه کند که در حقیقت در شرک زبان پرستی واقع گردیده زیرا خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید " إن أكرمكم عند الله أتقاكم " ^۱ بهترین شما نزد او تعالی با تقوا تر و دیندار تر شما است.

و به نظر من مسأله زبان یک ابتلاء و امتحان و آزمایش بس بزرگ برای مردم افغانستان است چون زبانها های زیاد

^۱ - سورة الحجرات، آیت: ۱۳.

وجود دارد درین کشور وبخاطر زبان پرستی که در مخالفت بسیار شدید با دین اسلام و شریعت اسلامی وعقیده ولاء وبراء قرار دارد بسیاری به بخاطر تعصب زبانی چی افراد ویا گروهک های سمتی ونجات پرست به طرف گناه کبیره سوق داده می شوند " عافانا الله وإياکم"، و باید درین قسمت آگاهی زیاد داده شود به مردم که مسلمان اخوت و برادری اسلامی را شعار خود قرار دهد و اگر با همزبان وهم قبيله ومنطقه خود هم همدردی وهمکاری وتعامل میکند تحت شعار اخوت اسلامی کند، و اگر با تجمعات ومردمان که گرایش سمتی وزبانی دارد سر می خورد آنها را به ترک این مرض دعوت دهد و برای شان توصیه کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح از عادات جاهلیت وگرایش سمتی وقبیلوی وزبانی جدا منع کرده وفرموده اند (دَعُوها فَإِنَّها مُنْتَبَهَةٌ)^۱ یعنی گرایش سمتی بد بو است و آنرا ترک کنید وبه آن نزدیک نشوید که سبب انزجار وبدبختی ودوری قلبها وبالاخره سبب قتل وقتال وخونریزی می شود.

وبا تأسف که بعضی ها که جامه ولباس عالم را هم در تن دارند وسخن از دین وعلم هم میزنند درین مرض واقع شده اند ودر پهلوی تنظیم برستی ورهبر پرستی زبان

^۱ - صحیح البخاری، کتاب تفسیر القرآن، باب قوله: {سواء علیهم} [ص: ۱۵۴] أسْتَغْفِرْتُمْ لَهُمْ أَمْ لَمْ تُسْتَغْفِرْ لَهُمْ، لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ {المنافقون: ۶}، رقم الحدیث: (۴۹۰۵)، (ج ۶، ص ۱۵۴).

پرستی هم میکنند که سبب تشویق دیگران هم می شوند و گناه اینها چند برابر می شود و هر کسی که در بت پرستی زبان واقع شود به وسیله تشویق اینها در گناه آنها هم شامل هستند و علم و دانش و ملا و مولوی بودن شان در آن وقت فایده ندارد چون عالم که به علم خود عمل نمی کند در حقیقت فاسق گفته می شود.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وعلی آله
و أصحابه أجمعین.



تعلیم مختلط پسران و دختران

یکی از خواهران علاقمند مسائل دینی سوال نموده :

در مکتب ابتدائیه معلم استم که دختران و پسران باهم درس می خوانند استادان همه از طبقه اناث استند لیکن در بعض موارد به ملاحظه میرسد که مشکلات اخلاقی وجود دارد شما چی رهنمائی میکنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

تعلیم دختران و پسران در صنوف ابتدائی مکاتب نیز از مفاسد اخلاقی و عواقب زشت در تربیه آنان خالی

نیست..ویک آغاز وابتدای غیر شرعی میباشد که حتی در مراحل بعدی آنان تأثیرات زشت وناگوار اخلاقی دارد.

علمای تربیه اسلامی تأکید بر این دارند که در این مرحله پسران باید صفات و عادات مردانگی را کسب کند و بر آن تربیه شوند..همچنان دختران صفات که برای خواهران لازمی است بر آن تربیه شوند..

واین نوع تربیه در محیط مختلط ممکن نیست.

شریعت حکم می کند که باید این دروازه شر بسته شود وهریک دختر وپسر در محیط جداگانه وخاص تربیه شوند وآموزش ببینند دختران معلم زن داشته باشند وپسران معلمین مرد تا اینکه جامعه از مفسد اخلاقی بدور بماند.



حد و حدودی را که شریعت برای ورزش تعیین نموده

یکی از دوستان محترم از ولایت جوزجان سوال نموده :

استاد گرامی سلام امید دارای صحت کامل باشید.
سوال دارم خواستم نظر شریعت اسلامی را در رابطه به بزکشی بیان دارید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دين مبين اسلام به ورزش و تقويت جسم تشويق نموده
ومسلمان قوی را بهتر دانسته از مسلمان ضعيف بشرطی که
در ورزش وسپورت انسان مرتكب گناه نشود، وآن به
نافرمانی الله مبدل نگردد، هر ورزشی که در آن موارد ذیل
متحقق ویا محتمل باشد حرام شمرده می شود:

۱- ورزشی که سبب هلاکت نفس انسان شود حرام
است، الله متعال فرموده است: "وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى
التَّهْلُكَةِ"^۱.

خود را بدستان خود به هلاکت نیندازید.

و فرموده است: "وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ
رَحِيمًا"^۲.

خود را به قتل نرسانید و کاری نکنید که به خود کشی
بینجامد، الله متعال بر شما مهربان است، هر بازی که در آن
خطر احتمالی به هلاکت رسیدن بازی کننده ویا طرف
مقابل او ویا مردم عامه باشد حرام شمرده می شود.. حیات

۱ - سورة البقرة، آیت: ۱۹۵.

۲ - سورة النساء، آیت: ۲۹.

وزندگی انسان در دین مبین اسلام جایگاه خاص دارد حتی اشاره کردن به سلاح و ترساندن مسلمان نیز حرام است.

۲- مسلمان ورزشی را انتخاب کند که در آن خطر واحتمال معیوب و معلول شدن نباشد.

۳- اگر بازی سبب کینه، بغض، دشمنی و عداوت بین مسلمان شود نیز حرام است.

۴- ورزشی که در آن انسانها و حیوانات مورد آزار و اذیت قرار گیرند حرام است قاعده شرعی است که: "لا ضرار ولا ضرار" نه خود شان متضرر شوند و نه هم به دیگران ضرر برسانند.

۵- در آمادگیهای آن اسراف صورت نگیرد.

۶- شامل قمار زدن مادی و یا معنوی نباشد، ورزشی باشد که در آن قمار بازی نباشد و برد و باخت آن بشرط دادن و گرفتن پيسه نباشد، و اگر باشد حرام شمرده می شود.

۷- بخاطر تطبیق و تمرین آن حق و حقوق مردم تلف نشود و به مردم غیره ضرر و آسیب نرسد.

۸- ورزش و سپورت در این صورت جایز و مشروع است که انسان را از واجبات و فرائض و مسؤولیات های خانوادگی و وظیفه دور نسازد مثلاً در وقت نماز جماعت انسان باید

ورزش را ترک نموده به طرف مسجد روان شود و در صورتی که نماز جماعت را بخاطر ورزش ترک میکند درین حالت ورزش حرام شمرده می شود، و هر کاری که انسان را به حرام و ترک واجبات بکشاند حرام شمرده می شود ولو که در اصل مباح هم باشد.

۹- هدف مسلمان از ورزش تقویت جسم و حفظ صحت و سرگرمی مباح باشد و سبب تقویت روابط برادری و اخوت در بین ورزشکاران شود نه سبب دوری دلها و تفرقه اندازی، و به نیت نیک می توانیم ورزش را به عبادت بدل کنیم در حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: "إنما الأعمال بالنیات"^۱ وقاعده فقهی است که "الأمر بمقاصدها" اسلام به نتایج اعمال و کردار نظر میندازد و از روی آن حساب می کند.

۱۰- ورزش کار مسلمان باید لباسی به نعل تن کند که عورتش ظاهر نشود و از پوشیدن لباسهای مبتذل و یا کالای که جسم انسان را ظاهر بسازد دوری جوید و هم از کالای که در آن شعارهای غیر اسلامی نوشته شده باشد اجتناب ورزد.

^۱ - صحیح البخاری، باب بدء الوحي، کیف كان بدء الوحي إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم؟، رقم الحدیث: (۱)، (ج ۱، ص ۶).

۱۱- در ورزش وبرد باخت مسلمان باید شکار تعصب و قوم پرستی نشود و ولاء وبراء یعنی دوستی و دشمنی اش بنا به تعصب نباشد که سبب نزاع و تفرقه می شود.

۱۲- ورزشکاران سبب آزار همسایگان ورزشگاه نشوند که آزار واذیت رسانیدن به مسلمان این ورزش را حرام می سازد.

در روشنی این شروط و ضوابط شرعی می توان گفت که بزکشی از بازبیهای است که در آن خطرات یقینی و احتمالی هلاکت انسانها وجود دارد و موارد زیادی از معیوب و معلول شدن چپندازها رخ داده است و تماشاچیان لگدمال اسپه‌های بزکشی شده، نیز سبب آزار واذیت حیوانات میشود و به پیمانہ وسیع در آن اسراف میگردد و دشمنی بزکشان بعض اوقات به جنگ نیز انجامیده و کینه و بغض و عداوت ناشی از باختن باقی میماند لهذا هر بازی و ورزشی که شروط و ضوابط شرعی در آن مراعات نشود حرام پنداشته میشود.



بعد از تکمیل کردن فاکولته طب می خواهد که از علوم شرعی نیز آگاهی حاصل کند

یکی از خواهران چنین سوالی را مطرح کرده:

از فاکولته طب فارغ شدم چند سال است که وظیفه دارم اما علاقمندی ام به علوم شرعی و دینی بیشتر شده که خودم هم بفهمم و بدیگران نیز برسانم می خواهم مثل شما دین خود را خدمت کنم.. مرا رهنمائی کنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دانستن و فهمیدن علم شرعی به اندازه که مسلمان عبادات، معاملات، مسائل خانوادگی، تعامل با مردم و بالاخره حلال و حرام را بداند فرض عین است ولو که در هر تخصص ورشته تحصیل کرده باشد هیچ مسلمان از این امر مستثناء نیست، در عین حال دعوت اسلامی و رسانیدن دین به مردم هر کس از لا بلای کار و وظیفه که دارد و جیبه هر مسلمان است، تنها وظیفه دانشمندان دین نیست.. درست است که دانشمندان و علماء مسئولیت شان بیشتر است لیکن همه مسئول هستند..

من هم نظریه شما را تأیید میکنم ، بخاطر ازدیاد دانش و بینش دینی تان شما می توانید رهنمائی ذیل را در نظر داشته باشید:

۱- از اینکه اهمیت علم شرعی را درک نمودید قبل از گام ماندن در راه دعوت قابل تقدیر است.

۲- کتابهای اسلامی را در بخشهای عقیده، فقه، تفسیر، سیرت النبی مطالعه کنید

۳- درسهای دینی علماء ودانشمندان را بشنوید زیرا از طریق وسائل تکنالوجی جدید رسیدن بدرسهای علمای راستین امری است نهایت آسان.

۴- تلاش کنید که با زبان عربی آشنائی پیدا کنید از طریق کورسها وغیره مراکز متخصص در این بخش زیرا معرفت زبان عربی مسأله حیاتی است در زندگی مسلمان.

۵- با حلقه های درسی دینی ودعوتی خواهران خود را مرتبط سازید.

۶- تخصص ومجال کاری شما نیز فرصت خوب برای دعوت خواهران است زیرا کمک رسانی بموقع، تعامل واخلاق نیکو وسیله کامیاب ثابت شده.

۷- باحجاب، وبا حیاء بودن وخود را نمونه والگویی از تقوا، عفت وحیاء ساختن نیز تأثیر بسزای دارد.

۸ - دعاء را فراموش نکنید زیرا که دعاء سلاح مؤمن
ومسلمان است و یکی از وسائل مهم در تحقق اهداف دینی
مسلمان است.

این همه امور شما را در رسیدن به هدف دومی تان
یاری میکند.



ورزش فوتبال در روشنی دین مبین اسلام

این که بازی فوتبال و بازی های همانند آن از نظر
شریعت اسلام چی حکم و شروطی دارند ، در این نوشته
خواهد خواندیم، همین قسم این را هم خواهد خواندیم، که
برادران یوسف- علیه سلام - به چی نوع ورزش علاقمند
بودند و به کدام بخش های ورزشی زیادتیر توجه می کردند
و در اخیر به یک تعداد فوائد مهم ورزش نیز اشاره خواهیم
کرد امید است، این مقاله را تا اخیر مطالعه کنید.

نویسنده و مدیر تحریر المتقی الفقهی (صفحه فقهی
انترنیتی در زبان عربی) و محقق مسائل شرعی استاد فضل
الله ممتاز در یکی از نوشته های خویش در مورد بازی
فوتبال چنین می نویسند: بازی فوتبال از جمله ورزش های
بدنی است، که به سطح جهانی علاقمندان زیاد دارد و یکی

از بزرگترین وسائل از بین بردن خستگی ذهنی شمرده می شود .

پس به همین دلیل در شریعت اسلامی جایز شمرده شده است . ما در روشنی ارشادات اسلامی گفته می توانیم که: مسئله اصلی در اشیاء جایز بودن است تا اینکه دلیل واضح بر حرام بودنش وجود نداشته باشد .

پس اگر بازی فوتبال از روی یک تقلید و یا هم از روی یک قانون در کشور انجام داده می شود، پس هیچ نوع مشکل ندارد. اگر به سطح جهانی به علاقمندان فوتبال توجه کنیم ، پس واضح خواهد گردید، که این بازی امروز در سرار جهان علاقمندان خود را دارد و در کشور های زیادی انجام داده میشود .

در مورد بازی فوتبال گفته میشود که : اگر بطور عام بگوییم، پس نظر به یک تعداد احصایه های جهانی این بازی تقریباً ۲۶۹ میلیون علاقمند دارد . یکی از مهمترین جذابیت و جالبیت بازی فوتبال در این است که این بازی به آسانی انجام داده میشود و مانند بازی های دیگر به مصارف و وسائل زیادی نیاز ندارد .

اگر ما به احکام شرعی تمام بازی های که با توپ انجام داده میشوند توجه کنیم ، پس گفته می توانیم؛ بازی های

مختلف توپ مانند : فوتبال، والی بال، تینس و همین قسم بازی های دیگر، که توسط دو تیم انجام داده می شود؛ تمام این نوع بازی ها جایز به حساب می آیند ، مگر مشروط به اینکه ؛ در میان دو تیم هیچ نوع شرط گذاشته نشود، که میان افراد هر دو تیم باعث ایجاد تفرقه و خصومت گردد، که دوستی آنها را به دشمنی مبدل کند .

همین قسم اگر یکی از این تیم ها در مسابقه برنده گردد و در مقابل بازی کنان تیم مقابل خویش خوب هنرنمایی نماید، اما هیچگاه نباید این پیشرفت ورزشی سبب دشنام و لعنت فرستادن به یکدیگر گردد و نه هم سبب آزار و اذیت تماشاگران و مردم عامه گردد ، بلکه در این مقاله خواهد خواندیم، که شریعت اسلامی یک تعداد شرایط خاصی را برای بازی فوتبال و بازی های همسان آن بیان کرده است .

گرداننده صفحه انترنیتی المتقی الفقهی به یک نکته مهم دیگر در مورد بازی یاد شده نیز اشاره نموده و گفته است که : بدبختانه امروز در اکثر کشور ها زمانیکه میان دو کشور و یا هم میان دو تیم محلی این بازی برگزار می گردد، بعض اوقات تعدادی تلفات مالی و جانی هم به میان می آید، در حالیکه چنین کار در شریعت اسلامی ناجایز شمرده شده و برای انجام دهنده چنین کار سزا و جزا هم تعیین گردیده است . چون با این کار زندگی اشخاص به

خطر مواجهه می گردد و در جامعه آتش خصومت و دشمنی افروخته می شود .

شروط مهم بازی فوتبال :

شرط اول : در روشنی شریعت اسلامی یکی از شروط بازی فوتبال این است، که این بازی باید مانع ذکر الله متعال نگردد، مانند اینکه : مسلمانان نباید این بازی را در ماه مبارک رمضان برگزار کنند و نه هم در اوقات نماز های پینجگانه برگزار شود و نه هم این بازی باعث اضرار بدنی و اخلاقی گردد .

در عموم گفته می توانیم که: باید از تمام آن عوامل جلوگیری گردد، که بعد از شکست یکی از تیم ها در میدان بازی و یا خارج از آن باعث خشونت گردد، مثل اینکه یکدیگر را با چوکی بزنند، همچنان باید یک تعداد تدابیر احتیاطی در نظر گرفته شود، تا اینکه بعد از بازی و یا بعد از شکست افراد تیم مخالف در کوچه ها مردم را آزار و اذیت نکنند و چیغ و فریاد نزنند، کار های بیجا و بی مورد نکنند . همچنان شیشه های موتر های مردم را در راه و کوچه نشکنانند و شیشه های سوپرمارکت ها و دیگر دکاکن را نشکنانند.

در حقیقت دیده می شود، که گاه گاهی در مسابقات فوتبال علاقمندان تیم برنده جهت تشویق هرچه بیشتر دوستان خویش و پذیرایی شان به راه ها و کوچه ها میبرایند، گاهی این جوانان بعض از کار های بیجا و بی مورد را انجام میدهند، که در اخیر باعث واقعات دردناک و غم انگیز می گردد .

شرط دوم : شرط دیگر در این بازی این است، که در این مسابقات ورزشی بازی کنان نباید مال حرام را بگیرند، مانند: قمار، رشوت و غیره، گرفتن چنین مال حرام می باشد .

اگر به عصر فعلی خود برگردیم ؛ درخواهد یافتیم، که امروز در چنین مسابقات یک تیم از تیم دیگر بطور بیانه پول می گیرند، در حالیکه این کار از نظر علماء قمار به حساب می آید .

خوانندگان عزیز ! اگر کسی بپرسد، که در اسلام سپورت کردن چی حکم دارد؟ پس ما باید بگوییم که، اگر هدف یک شخص از سپورت کردن پاک باشد و در این سپورت کدام مانع شرعی وجود نداشته باشد، پس در این صورت از نظر اسلام ورزش کردن یک عمل مستحب و جایز شمرده میشود.

یک مثال تاریخی: اگر به قرآن کریم برگردیم؛ پس قرآن کریم به ما از قصه حضرت یوسف علیه السلام یاد آوری می کند و چنین بیان می کند، که از جمله امت های گذشته اولاده یا خانواده یعقوب - علیه السلام - نیز ورزش می کردند و مطابق به زمان خویش بعض از ورزش های مروج را انجام میدادند، مانند اینکه یکبار برادران یوسف علیه سلام از پدر خود حضرت یعقوب علیه السلام خواستند تا اینکه به برادر کوچک شان - حضرت یوسف - اجازه بدهند، تا با آنها به دشت های هموار برود، هدف برادرانش از این کار این بود، که از یک سو خوشی اینها زیاد شود و از سوی دیگر باعث آرامش روحی یوسف علیه السلام گردد.

برادران حضرت یوسف همیشه برای دوش و توپ بازی به دشت های هموار میرفتند و به این شکل خستگی و ناراحتی ذهنی خویش را برطرف می کردند. به همین خاطر برادرانش با هم نزد پدر خود حضرت یعقوب - علیه السلام - آمدند و برایش گفتند: "قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ ، أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ"¹.

به همین دلیل برادرانش از پدر خود اجازه خواستند، که حضرت یوسف علیه السلام را همراهی اینها برای دوش برود تا نیرومند گردد - چنین نیز گفته میشود که برادرانش

¹ - سورة يوسف، آیت: ۱۱ - ۱۲.

حضرت یوسف را چنان تحریک کرده بودند، که از پدر خود اجازه بخواهد - . در این مورد یک تعداد مفسرین چنین هم گفته اند که : از قدیم الایام تا حال اکثرا در قریه ها و دهکده ها بعض مسابقات برگزار میشوند .

مانند: مسابقه دوش، نشان زنی، گشتی گیری، نیزه زدن و همسان اینها بازی های دیگر اند، که از سالیان متمادی بدینسو روی زمین وجود دارد .

در روشنی احکام شریعت اسلامی گفته می توانیم: دین مقدس اسلام از ما می خواهد تا ما مسلمانان از لحاظ جسمی و فکری قوی باشیم؛ و چنانچه ما در مورد غذا ها به یک تعداد غذا های حلال توجه داریم و از چیز های حرام - مانند: مواد نشه آور - پرهیز می کنیم، پس در این سخن اشاره به این است، تا اینکه هر ورزشکار جامعه ما از تمام آن بازی های که به جسم ضرر می رساند اجتناب ورزد، اینها باید جسم قوی و سالم داشته باشند، تا اینکه بتوانند عبادت پروردگار خویش را بوجه احسن ادا نمایند و با توجه خاص به فرمان الهی توجه کرده بتوانند .

چند مثال کوتاه از بازی های ورزشی ناجایز (حرام) :

در ورزش کردن این موضوع لازمی است، که این ورزش به ذات خود بوجود انسان مضر نباشد، چون یک تعداد

ورزش های مضر نیز وجود دارد ، که به گمان اغلب خالی از خطر نمی باشد و گاه گاهی انسان با انجام دادن آن یک عضو یا تمام زندگی خود را از دست می دهد .

از جمله این ورزش های مضر بعض از ورزش های نیز وجود دارد، که حواس انسان را تخریب می کند، که این نوع ورزش های مضر را اسلام حرام گردانیده است . چون با انجام آن بوجود انسان ضرر های جسمی و روحی متوجه می گردد .

الله متعال در این مورد برای ما چنین ارشاد می فرماید:
"وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ"¹.

پیامبر بزرگوار اسلام برای ما چنین می فرمایند: "إن دماءكم واموالكم و إعراضكم عليكم حرام"².

بدون شک که خون های شما، اموال شما و عزت شما (بالای یکدیگر) حرام است.

تمام این نصوص شرعی به همین جهت رهنمایی میکند تا که از تمام آن ورزش های که زندگی یک انسان را

¹ - سورة البقرة، آیت: ۱۹۵ .

² - صحيح البخاري، كتاب التوحيد، باب قول الله تعالى: {وجوه يومئذ ناضرة إلى ربها ناظرة} [القيامة: ۲۳]، رقم الحديث: (۷۴۴۷)، (ج ۹، ص ۱۳۳).

به خطر مواجه می سازد و یا با انجام آن زندگی خود را از دست می دهد. باید از آن خوداری کرده و خود را نجات دهیم و چنین بازی های ورزشی ناجایز شمرده شده اند، چون در اصل هدف از ورزش تمرین نمودن و ایجاد توانایی جسمی و آمادگی بدنی برای کار های دشوار می باشد.

در جامعه افغانی ما یک تصور غلط در مورد سپورت وجود دارد، قسمیکه بعض مردم میگویند: سپورت کردن در حقیقت ضیاع وقت و به معنی محروم شدن از ذکر و عبادات الهی می باشد و با ورزش نمودن قدر و عزت انسان در جامعه کم می گردد؛ پس به همین لحاظ باید هر مسلمان از آن اجتناب ورزد. در حالیکه چنین تصور با اسلام در مغایرت واقع می باشد. چون اسلام رهنمای شامل و کامل زندگی است، که به تمام ابعاد زندگی توجه نموده و در مقابل پیروان خویش هیچ بعد از ابعاد زندگی - چه بزرگ باشد و چه کوچک - بی جواب نمانده است.

در پرتو رهنمایی اسلام با صراحت گفته می توانیم، که با ورزش نمودن قدر و عزت یک شخص کم نمی گردد، بلکه از یک مسلمان، مسلمان قوی می سازد از سوی دیگر همین مسابقات ورزشی فوائد زیادی هم به انسان دارد مانند: نا امیدی و فشار های عصبی را از بین میبرد و اعضای بدن انسان را به حرکت می آورد، که باعث احساس خوشی در بدن می گردد.

اسلام به تربیت همه جانبه انسان توجه دارد، مانند اینکه: هم از لحاظ عقلی هم از لحاظ بدنی، هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ اخلاقی و اجتماعی توجه دارد، چون اسلام دین توانایی می باشد نه دین سستی و ناتوانی. پس به همین دلیل گفته می توانیم، که باید شخص مسلمان در پاک و قوی نگهداشتن بدن خود کوشا باشد.

از جمله بازی های حلال که فراگیری آن بالای شخص مسلمان لازم می باشد، می توان به فن و مهارت اسپ دوانی و آب بازی اشاره کرد، همچنان در وصف رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هم چنین آمده است، که جناب مبارک ایشان با مردم در مسابقات اسپ و شتر دوانی اشتراک می کردند و مسابقات ورزشی را براه می انداخت، مثلاً: یک بار با ام المؤمنین حضرت عایشه - رضی الله عنها - مسابقه نمودن و در نتیجه ایشان برنده شدند.

در کتاب های تاریخی چنین نیز ذکر گردیده، که نبی کریم - صلی الله علیه وسلم - از کنار گروه های جوانان که مصروف بازی های ورزشی می بودند می گذشت و برای شان سلام می کرد و حتی برای شان دعای خیر می نمود.

در یک حدیث از حضرت ابن العالیه روایت گردیده که یک بار رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از نزد یک گروه از جوانان می گذشت در حالیکه آنان نشان زنی می کردند؛

پس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برای شان فرمود: "ارموا بنی اسماعیل فإن أباکم کان رامیا"^۱، ای اولاده بنی اسماعیل شما نشان بزنید! چون پدر شما نشان زن بود .

همچنان در مورد خلیفه چهارم حضرت علی - رضی الله عنه - آمده است، که فرموده است: "روحوا القلب ساعة بعد ساعة فإن القلب إذا کل عمی".

شما هر ساعت بعد تفریح کنید، چون هر گاه قلب خسته شود کور می گردد . این قسم هم گفته میشود، که حضرت علی - رضی الله عنه - چنین هم می گفت : قلب ها چنان خسته میشود، چنانکه بدن انسان خسته میشود، پس شما راه های حکمت - خوشحال نمودن - را جستجو کنید .

در اخیر به چند فایده مهم ورزش توجه شما را جلب می کنیم :

فایده اول : توانایی بدنی و عقلی انسان با ورزش تقویه می گردد.

با ورزش نمودن توانایی انسان افزایش می یابد و فعالیت عقلش بیشتر می گردد. ورزش به انسان تجربه های

^۱ - صحیح البخاری، کتاب المناقب، باب نسبة الیمن إلى إسماعیل، رقم الحدیث: (۳۵۰۷)، (ج ۴، ص ۱۸۰).

جدید زندگی را می آموزاند و اشخاص ورزشکار نسبت به اشخاص دیگر می توانند زودتر به مشکلات خود راه حل پیدا کنند .

فایده دوم : ورزش به انسان امید می بخشد و اعتماد انسان را تکمیل می کند

یکی از فواید مهم دیگر ورزش کردن این است که شخص ورزشکار نسبت به اشخاص دیگر بعوض ناامیدی به آینده خیلی خوشبین می باشد و این طور می تواند در خدمات زیادی اجتماعی اشتراک کند . خوشی خود را با مردم شریک می کند و با افراد ضعیف و ناتوان جامعه همدردی می کند .

فایده سوم : ورزش کردن به حوصله انسان می افزاید

با ورزش کردن نه تنها اینکه در انسان حس اعتماد به نفس بیشتر می گردد، بلکه چنین انسان همیشه سعی می کند، که تابع قوانین باشد و در جامعه به نظریات دیگران نیز توجه می کند، چنین شخص یک شخص آرام بوده، که همیشه به احساسات دیگران احترام می گذارد .

فایده چهارم : ورزش یک وسیله مهم دعوتی می باشد

یکی از راه های موثر که یک دعوتگر می تواند دعوت خویش را به دیگران برساند و می تواند که اخلاق حمیده را در ورزش کاران نهادینه سازد و احساس بی جرئتی و خجالت را از ایشان دور سازد . همین ورزش است، که با گذشت زمان علاقمندی شخص ورزش کار نسبت وجود خودش را بیشتر می گرداند .

فایده پنجم : ورزش از مبتلا شدن به امراض جلوگیری می کند

با ورزش نمودن بطور منظم در وجود انسان مقاومت در مقابل امراض بیشتر می گردد و اعضای بدن (حرکت قلب، جریان خون، هرتمش اعصاب) نارمل می گردد .

با ورزش نمودن فعالیت جهاز هاضمه تقویه می گردد، به همین شکل سیستم تنفسی نیز بهتر می گردد، پس زمانیکه ورزش به این حد فایده داشته باشد واضح است ، که شریعت اسلامی برای پیروان خویش جلب مصالح و دفع ضرر می خواهد و در هر آن کاریکه فواید بیشتر باشد، شریعت اسلامی نیز پیروان خویش را به آن رهنمایی می کند، تا اینکه مسلمانان سعادت دنیا و آخرت را کسب کنند و به همین دلیل دین مبین اسلام ورزش نمودن را حلال و

جایز قرار داده است و در صورتیکه برای تقویت جسم بخاطر عبادت الله متعال و دفاع از اسلام و سرزمینهای اسلامی باشد مستحب دانسته است.



د فوتبال د لوبې شرعي حکم

پدې لیکنه کې به ولولو چې د اسلام په رنځ کې د فوتبال او دېته ورته نورې ورزشي لوبې څه شرطونه لري؟ همداراز دا به هم ولولو چې د حضرت یوسف (علیه السلام) وروڼو به څه ډول ورزشي لوبې خوښولې او د سپورت کومو ډولونو ته یې زیاته توجه کوله او په پای کې به د سپورت او ورزش یو لړ مهمو گټو ته هم اشاره وکړو، هیله ده چې دا مقاله راسره تر پایه پورې ولولئ.

د الملتقى الفقهي (په عربي ژبه د فقهي وېب پانې) لیکوال پلاوي او د شرعي مسائلو څېړونکي بناغلي استاذ فضل الله (ممتاز) په خپله یوه لیکنه کې د فوتبال د لوبې په اړه وایي چې: د فوتبال لوبه د بدني لوبو څخه هغه لوبه ده چې په نړیواله کچه ډېر مینه وال لري او د ذهني ستړیا د له منځه

وړلو لپاره غوره وسيله گڼل کيږي؛ نو له همدې کبله په اسلامي شريعت کې روا گڼل شوېده.

مونږ د اسلامي ارشاداتو په رڼا کې ويلي شو چې: په اشياؤ کې اصلي مسئله داده چې جائز او روا گڼل شويدي؛ نو که چيری د فوتبال لوبه د يو تقليد له مخې او ياهم د يو قانون له مخې په يو هيواد کې ترسره کيږي؛ نو هيڅ کومه ستونزه نلري. په نړيواله کچه که چيری د فوتبال د لوبې مينه والو ته کتنه وکړو؛ نو جوتته به شي چې دا لوبه نن د نړۍ په هره برخه کې خپل مينه وال لري او په گڼ شمېر هيوادونو کې ترسره کيږي.

د فوتبال د لوبې په اړه ويل کيږي چې: په عامه توگه سره که ووايو؛ نو په نړيواله کچه د يو لړ احصائيو له مخې دا لوبه تقريباً ۲۶۹ مليونه مينه وال لري. د فوتبال د لوبې د زياتې ليوالتيا او جالبيت د مهمو لاملونو څخه يو هم دادې چې دا لوبه په خورا آسانۍ سره ترسره کيږي او د نورو بدني لوبو په څېر دومره زياتو وسائلو او لوړو مصارفو ته هم کومه خاصه اړتيا نلري.

که چيری مونږ ټولو هغو لوبو ته چې په توپ سره ترسره کيږي شرعي حکم ته راوگرځو؛ نو ويلي شو چې د توپ مختلفو لوبو لکه: فوتبال،

والي بال، تينس او داسې نوري لوبې چې په هغې کې د دوو ټيمونو تر منځ سيالي ترسره کېږي؛ نو دا ډول لوبې روا گڼل کېږي، مگر پدې شرط چې د دواړو لوبډلو تر منځ پکې کوم شرط نه وي اېښودل شوی او د لوبډلو تر منځ خصوصتونه او تفرقه رامنځ ته نه کېږي او د دوي دوستي په دېنمني بدله نکرې.

همداراز که چيرې د فوټبال په سياليو کې کوم ټيم د سيالو اتل شي او د خپل مخالف ټيم پر ضد يې لوبغاړي ښه وځلېږي؛ نو دا ورزشي پرمختگ او بریا هېڅکله هم بايد يو بل ته د ښکښلو کولو او د لعنت ويلو سبب ونه گرځي او نه هم تماشاچيانو او يا عامو خلکو ته د زيان رسولو سبب وگرځي، بلکه په دې مقاله کې ولولو چې اسلامي شريعت د فوټبال او دېته ورته بدني لوبو لپاره يو لړ شرائط هم وړاندې کړيدي.

د الملتقى الفقهي وېب پاڼې قدرمن استاذ همداراز د يادې لوبې په اړه يوې بلې مهمې نقطې ته هم اشاره کړېده او وييلې يې دي چې: نن له بده مرغه په اکثره هيوادونو کې کله چې دوو هيوادونو او يا هم د دوو سيمه ئيزو ټيمونو تر منځ دا لوبه ترسره کېږي؛ نو ورسره يو لړ مالي او ځاني تلفات هم کله کله رامنځ ته کېږي —

پداسې حال کې چې اسلامي شريعت کې دا کار ناروا بلل شويدي او ددې کار ترسره کونکي لپاره يې سزا او جزا هم په پام کې نيولی ده، ځکه پدې کار سره د وگړو ژوند له خطر سره مخامخ کيږي او په ټولنه کې د دښمنيو او خصومتونو اور ته نوره هم لمن وهل کيدلی شي.

د فوټبال د سيالۍ مهم شرطونه:

لومړی شرط: د اسلامي شريعت په رڼا کې د فوټبال لوبې د مهمو شرطونو څخه يوه هم داده چې دا لوبه بايد خلک د الله تعالی (جلت عظمته) له ذکر څخه منع نکړي، لکه: مسلمانانو ته نه بښايي چې د روژې په مبارکه مياشت کې دا سيالي رامنځ ته کړي او نه د پينځه وخته لمونځونو پر مهال دا سيالي په لاره واچول شي او نه هم دا لوبه بايد د جسدي او اخلاقي تيريو سبب وگرځي.

په عمومي توگه سره ويلی شو چې: د ټولو هغو لاملونو مخه بايد ونيول شي کوم چې د ماتې وروسته د لوبډلو تر منځ په لوبغالي (د لوبو په ميدان) کې او يا ورڅخه بهر تاوتریخوالي رامنځ ته کوي او يا هم ددې سبب گرځيږي ترڅو يو بل پر چوکيو باندی وولي. همداراز يو لړ احتياطي تدابير بايد په پام کې ونيول شي ترڅو له لوبې

وروسته او د ماتې (شکست په نتیجه کې) د مخالف ټیم افراد په کوڅو کې خلک ونه آزاروي او په لوړو غبرونو چينې ونه وهي، بېخايه او پرېوتې کارونه ترسره نکړي؛ همداراز په لارو او کوڅو کې د خلکو د درول شوو موټرو شيشې ماتې نکړي او نه هم د سوپر مارکيتونو او مغازو شيشې ماتې کړي او داسې نور .

په رښتيا سره ليدل کيږي چې کله کله د فوټبال په سيالۍ کې د کامياب ټيم مينه وال د خپلو ملگرو د لا تشويق او تود هر کلي لپاره لارو او کوڅو ته راوځي، کله دا ځوانان يو لړ داسې بې بندوباره او بېخايه کارونه ترسره کوي چې په پايله کې غميزې او دردونکې پېښې رامنځ ته کوي .

دوهم شرط: په دې لوبو کې بل مهم شرط دادی چې: په دې ورزشي سياليو کې لوبډلې ناروا مال بايد وانخلي، لکه: قمار، رشوت او نور داسې اضافي مال اخستل حرام دي. که خپل اوسني عصر ته راوگرځو؛ نو وبه وينو چې نن په دې ډول سياليو کې يو ټيم له بل ټيم څخه د گرو په توگه يو له بل څخه پيسې اخلي، پداسې حال کې چې دا کار د علماو له نظره په قمار کې شمېرل کيږي .

گرانو لوستونکو! که څوک پوښتنه وکړي چې په اسلام کې سپورت کول څه حکم لري؛ نو مونږ باید ووايو چې: که چيرې د سپورت کولو څخه ديو مسلمان هدف مقدس وي او پدې سپورت کې کوم شرعي مخالفت وجود ونلري؛ نو پدې صورت کې په اسلام کې سپورت کول يو روا او استحبابي (مستحب) عمل گڼل شويدي.

يو تاريخي مثال: که قرآنکريم ته راوگرځو؛ نو قرآنکريم مونږ د حضرت يوسف (عليه السلام) له کيسې څخه خبروي او وايي چې د اسلام څخه وړاندې د تېرو امتونو له جملې څخه به د حضرت يعقوب (عليه السلام) اولادې هم سپورت کاوه او د خپل وخت سره سم به يې زامنو يو لړ ورزشي لوبې ترسره کولې، لکه يو ځل د يوسف (عليه السلام) وروڼو له خپل پلار حضرت يعقوب (عليه السلام) څخه وغوښتل تر څو د دوي کوچني ورور (يوسف عليه السلام) ته اجازه ورکړي او بيا له دوي سره پراخې دښتې ته ولاړ شي، له دې کار څخه يې د وروڼو هدف داؤ چې له يو لوري د دوي خوښي زياته شي او له بل لوري د حضرت يوسف (عليه السلام) د ذهني آرامتيا سبب وگرځي.

د حضرت يوسف (عليه السلام) وروڼه به تل د دمنډې او ټوپ وهلو لپاره پراخې دښتې ته تلل

او پدې توگه سره به يې د وجود ستړيا او ذهني خستگي له مينځه وړله؛ نو د همدې مقصد لپاره يې وروڼه په گډه سره خپل پلار حضرت يعقوب (عليه السلام) ته راغلل او ورته يې داسې وويل: [أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ]¹.

ترجمه: سهر مهال هغه له مونږ سره (صحرا ته) وليږه تر څو (دېږي) ميوې و خوري او لوبې وکړي او مونږ د هغه په يقيني توگه سره (له هر ډول مصيبت څخه) ساتونکي يو.

دا په همدې معنا چې وروڼو يې له خپل پلار څخه اجازه وغوښتله تر څو حضرت يوسف (عليه السلام) له دوي سره منډې ووهي او قوت پيدا کړي (داسې هم ويل کيږي چې وروڼو يې حضرت يوسف داسې لمسولی ؤ تر څو له خپل پلاره اجازه وغواړي). په دې اړه يو لړ مفسرينو دا هم ويلي دي چې: (له پخوا څخه رانيولی تر اوسه پورې) اکثره وخت په کليو او بانډو کې يو لړ سيالي ترسره کيږي، لکه: د ځغاسټې (منډې) سيالي، د نښې ويشتلو، د قوشتي نيولو، نيزه بازی او دپته ورته نوري هغه لوبې دي چې له کلونو راهېسي د ځمکې پرمخ شتون لري.

¹ - سورة يوسف، آيت: ١٢.

د اسلام په رڼا کې ویلی شو چې: زمونږ سپېڅلې دین له مونږ څخه غواړي تر څو مونږ مسلمانان هم په جسمي او هم په فکري لحاظ پیاوړي و اوسو؛ او لکه څرنګه چې مونږ په خوړو کې یولږ حلالو خوراكي توکو ته توجه کوو او له حرامو څیزونو (لکه نشه یي توکو او داسې نورو) څخه خپل ځانونه ژغورو؛ نو پدې خبره کې دې ته اشاره ده تر څو زمونږ د ټولنې هر مسلمان ورزشکار له ټولو هغو لوبو او ورزشونو څخه چې د دوي سالم وجود ته زیان رسوي پرهیز وکړي، دوي باید پیاوړی جسم ولري تر څو وکولی شي په ښه توګه سره د خپل پروردگار (جلت عظمته) عبادت ترسره کړي او په بې ساري اخلاص او رښتینولۍ سره د خپل خالق تعالی فرامینو (احکامو) ته توجه وکړي شي.

د ناروا ورزشي لوبو څو لنډ مثالونه:

په سپورت کولو کې دا خبره ضروري ده چې دا سپورت باید انساني وجود ته زیانمن نه وي، ځکه یو لږ مضر ورزشونه هم شتون لري چې په اغلب ګومان سره د خطر څخه خالي نه وي، او کله کله د هغې په ترسره کولو سره یو انسان خپل وجود یو غړی او یا کله کله ټول ژوند هم له لاسه ورکوي.

پدې مضره ورز شونو کې يو ډول داسې هم شتون لري چې انساني حواس (فکر او دماغ) خرابوي چې دا ټول پورته ذکر شوي ډولونه اسلام حرام گرځولي دي، ولې چې په هغې سره انسان ته جسدي او فکري زيانونه متوجه کيږي.

لوی پروردگار (جلت جلاله) مونږ ته پدې اړه داسې ارشاد فرمايي او مهرباني کوي چې: **وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ**^١.

ترجمه: او د الله تعالى په لاره کې خپل مالونه مصرف کړئ او خپل ځانونه په هلاکت کې مه غورځوئ (جهاد مه پرېږدئ، ځکه داسې نشي چې د بنمنو بيا پر تاسې باندې قوي شي او نه هم له رښتينو مجاهدينو سره مالي مصرف ته شا کوئ) او (له هر چا سره) نيکي کوئ بېشکه چې لوی پروردگار (جلت عظمته) له نيکي کوونکو سره (خورا) مينه لري.

^١ - سورة البقرة، آيت: ١٩٥.

ز مونږ لارښود پيغمبر اکرم (صلى الله عليه وسلم) مونږ ته ارشاد فرمايي چې: (إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ)^١.

ترجمه: بېشکه چې ستاسې وينه، ستاسې مالونه او ستاسې عزت (يو پر بل باندې) حرام دی.

دا ټول ياد شرعي نصوص مونږ ته د همدې ښودنه کوي ترڅو له ټولو هغو ورزشي لوبو څخه چې د يو انسان ژوند له خطر سره مخامخ کوي او يا يې په ترسره کولو سره انسان وژل کيدلی شي بايد ورڅخه ځان وژغورو، او دا ډول سپورتي لوبې په اسلام کې ناروا گڼل شويدي، ځکه چې په اصل کې د سپورت کولو څخه هدف تمرين کول دي، همداراز جسمي پياوړتيا (قوت) رامنځ ته کول دي او د ټولو سختو او گټورو کارونو لپاره د ځان چمتو کول دي.

د سپورت په اړه زموږ په افغاني ټولنه کې يو ناسم تصور هم وجود لري، لکه چې ځيني خلک وايي: سپورت کول په اصل کې د خپل قيمتي وخت ضايع کول او د الهي ذکر او عبادت څخه خپل ځان د محرومولو معنا لري او په سپورت

^١ - صحيح البخاري، كتاب التوحيد، باب قول الله تعالى: {وجوه يومئذ ناضرة إلى ربها ناظرة} [القيامة: ٢٣]، رقم الحديث: (٧٤٤٧)، (ج ٩، ص ١٣٣).

کولو سره په ټولنه کې د انسان قدر او منزلت هم راکمبږي؛ نو د همدې لپاره بنایي چې هر مسلمان باید ورڅخه ځان لری وساتي، پداسې حال کې چې دا ډول فکر او تصور د اسلام سره ټکر لري، ځکه اسلام د ژوند یوه شامله او هر اړخیزه تگلاره ده چې د ژوند ټولو اړخونو ته یې په بڼه توگه سره پاملرنه کړیده او د خپلو پیروانو پر وړاندې یې د ژوند هیڅ مسئله — که هغه ستره وي او یا هم کوچنۍ وي — بې ځوابه نده پرېښودلې.

د اسلام په رڼا کې مونږ په ځغرده سره ویلی شو چې په سپورت کولو سره د یو مسلمان قدر کمبږي نه، بلکه له یو مسلمان څخه قوي مسلمان جوړوي، له بل پلوه همدا سپورتي سیالۍ انسان ته ډېری گټې هم لري، لکه: د یوه انسان د بدني او فکري پیاوړتیا لامل گرځي، ذهني تشویشونه، ناامیدۍ او عصبي فشارونه له منځه وړي او د وجود اعضاء په حرکت سره راولي چې بالاخره انسان ته خوښي وربښي.

اسلام د یو مسلمان هر اړخیزه روزنه کوي، لکه: هم په عقلي، هم په جسمي، هم په فکري، هم په ټولنیز او هم په اخلاقي لحاظ سره یې پالنه کوي، ځکه اسلام د قوت دین دی (نه د ضعف او سستی دین)؛ نو له همدې کبله ویلای شو چې مسلمان باید

د خپل جسم په پاک او قوي ساتلو کې بايد زياته پاملرنه وکړي.

د جائزو سپورتونو له جملې څخه کوم چې د هغې زده کول مسلمان ته لازمي دي، کولی شو د اسپ ځغلولو او د لامبود زده کولو فن ته اشاره وکړو، همداراز د کریم (صلی الله علیه وسلم) په صفتونو کې دا هم راغلي دي چې هغه به پخپله د خلکو سره د اسپ او اوبن په مسابقو کې گډون کاوه او ورزشي سیالی به یې په لاره اچولی، لکه یو ځل یې د خپلې مبارکې بی بی حضرت أم المؤمنین عائشې (رضی الله عنها) سره یو ځل سیالي وکړه او په پای کې سیالي یې ترې وگټله.

د تاریخ په کتابونو کې داسې هم راغلي دي چې پخپله نبی (علیه السلام) به د ځوانانو په ډلو باندې تېرېده او لیدل به یې چې هغوی ورزشي لوبې کوي او نبی (علیه السلام) به پر هغوی باندې سلام اچوو او حتی د هغوي لپاره به یې دُعاهم کوله.

د حضرت ابن العالیة (رضی الله عنه) څخه په یو روایت شوي حدیث کې راغلي دي چې یو ځل نبی (علیه السلام) د ځوانانو په یوې ډلې باندې تېرېده چې هغوي نښې ویشتلې؛ نو ورته یې

وويل: (ارموا يا بني إسماعيل فإن أباكم كان رامياً)
 ١، ترجمه: ای د بني اسماعیل اولادې تاسې نښې
 وولئ! ځکه ستاسې پلار نښه ویشتونکی ؤ.

همداراز د اسلام د څلورم مبارک خليفه
 حضرت علي (رضي الله عنه) په اړه راغلي دي چې
 ويل به يې: (رَوْحُوا الْقَلْبَ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ، فَإِنَّ
 الْقَلْبَ إِذَا كَلَّ عَمِي).

ترجمه: تاسې هر ساعت وروسته تفريح (خوش
 طبي) وكړئ، ځکه هر كله چې زړه ستړی شي
 پروند شي.

داسې هم ويل كيږي چې حضرت علي (رضي
 الله عنه) به داسې هم ويل: زړونه داسې ستړي
 كيږي لكه د انسان وجود چې ستړی كيږي؛ نو
 تاسې يې (د خوشحالولو لپاره) د حكمت لاری
 ولټوئ.

په پای کې به د سپورت کولو په اړه څو مهمو
 فايدو ته ستاسې پام راواړوو:

١ - صحيح البخاري، كتاب المناقب، باب نسبة اليمن إلى إسماعيل، رقم الحديث:

(٣٥٠٧)، (٤ج)، (ص ١٨٠).

لومړی گټه: دا چې په سپورت کولو سره
د انسان د وجود او عقل قوت نور هم زیاتېږي:

د سپورت په کولو سره انساني قوت نور هم
زیاتېږي او د عقل فعالیت نور هم تیزېږي.
ورزش انسان ته د ژوند نوی تجربې ورزده کوي
او ورزش کوونکی انسان کولی شي چې د نورو
انسانانو په نسبت ژر د خپل ژوند د مشکلاتو
لپاره مناسب حلول پیدا کړي.

دویمه گټه: انسان ته امید بڼې او د انسان
اعتماد پیاوړی کوي:

د سپورت کولو د مهمو گټو څخه بله مهمه
فایده داده چې ورزش کوونکی انسان د نورو
انسانانو په پرتله راتلونکي ته د ناامیدۍ پر ځای
زیات خوشبیننه انسان وي او پدې توگه سره کولی
شي چې د ټولنې په زیاتو خدمتونو کې ونډه
واخلي، د خلکو سره خپله خوښې شریکوي او د
ټولنې د بې وزلو او کمزورو خلکو سره مرسته
وکړي.

درېیمه گټه: ورزش کول انساني حوصله
لوړوي:

د ورزش په کولو سره نه یواځې دا چې په انسان کې اعتماد زیاتېږي، بلکه دا ډول انسان تل هڅه کوي چې قوانینو ته غاړه کېږي او په ټولنه کې د نورو خلکو نظریاتو ته هم غوږ کېږدي، داسې انسان یو آرام انسان وي چې تل به د نورو د احساساتو او ولولوته درناوی لري.

څلورمه گټه: سپورت کول د دعوت کولو یوه مهمه وسیله ده:

یو له هغو اغېزمنو لارو څخه چې یو دعوتگر کولی شي خپل دعوت تر نورو ورسوي او کولی شي چې حمیده اخلاقو ته په ورزش کوونکو کې وده ورکړي او د خجالت، شرمندگۍ او د بې جرأتۍ احساس له دوي څخه لری کړي. د وخت په تېرېدو سره په سپورت کوونکي انسان کې د خپل ځان سره مینه زیاتېږي.

پینځمه گټه: سپورت کول د مرضونو مخه نیسي:

په منظمه توگه د سپورت په کولو سره په انسان کې د مرضونو په مقابل کې مقاومت زیاتېږي او د بدن اعضاء (د زړه حرکتد اعصابو آرامتیا، د وینې حرکت ورسره نارمل کېږي)، په سپورت کولو سره د بدن د هاضمې سیستم فعالیت

نور هم پياوړی کيږي، همداراز د تنفس سيستم ورسره نور هم ښه کيږي؛ او هر کله چې سپورت همدومره بې ساری گټې ولري؛ نو اسلامي شريعت هم د خپلو پيروانو لپاره د ضرورونو له منځه وړل او د گټو جلبول غواړي او په هر هغه کار کې چې گټه زياته وي، اسلامي شريعت هم خپل پيروان د هغې لوري ته رابولي ترڅو مسلمانان په دنيا او آخرت کې نيکمرغي ترلاسه کړي او له همدې کبله اسلامي شريعت ورزش کول روا گڼلی دي.

(١): ددې مقالې اصلي نوم: (كرة القدم وسيلة تهذيب و ترويح، لهذا فهي جائزة شرعا).



چگونه مي توانيم رهبري تمدن علمي را دوباره به مسلمانان برگردانيم؟

در عصر حاضر بسياری از اکتشافات علمي و اختراعات بزرگ توسط غير مسلمانان انجام می شود، چونکه آنها در تحقيقات خویش از اسلوب درست استفاده کرده و پابند به قوانين و اصول تحقيقات جدی علمي هستند، و حکومت های شان زمينه پيشرفتهای علمي مناسب را برای آنها فراهم می سازند و تمام امکانات مادی و وسائلی که راه را برای آسانی کار و انکشافات علمي شان هموار سازد فراهم

می نمایند، لهذا ایشان در زمینه های مختلف و رشته های علمی و تخصصات مختلف النوع بسوی رهبریت ارتقاء می کنند ، در حالیکه مسلمانان در این راستا عقب مانده اند ، که این نتیجه طبیعی سنت الهی در جهان می باشد به قاعده "ولکل مجتهد نصیب - وتلك عدالة الله بين خلقه-" بر می گردد برای هر جوینده سهمی است " - و این است عدالت الله متعال میان مردم - که ثمره کوشش و اخلاص شان را در علوم تجربوی برای شان داده است، و مستحق آنچه در پیشرفت و نبوغ در زندگی دنیا بودند برای شان رسیده .

زمانیکه مسلمانان اراده نمایند که به خط مقدم ساینس برگردند و جایگاه رهبریت علم و تمدن که از اجداد شان برای شان به میراث رسیده اشغال کنند ، پس بالای آنها لازم است که به منهج و روش درست برگردند و نگاهی به علل عقب ماندگی و عدم تعادل خود نمایند ، چون اولین راه معالجه تشخیص درست مرض است و هیچگاهی دواء مؤثر تمام نمیشود تا اینکه داکتر علل و نوع مرض را درست تشخیص نماید .

بنابراین ، مطالعات نشان میدهد که تشخیص امراض شهروندان در ساختار علمای امت ، پیشرفت و خارج شدن از عقب ماندگی علمی تاثیر فوق العاده دارد ، ازینرو برای بدست آوردن جایگاه مناسب و معقول و نقش برجسته خود

در رهبری تمدن و ترقی و در استاذی دائمی بشریت باید اسباب آنرا برابر نمود؛ ضعف و نانوای مناهج زمینی و مادی گرایبی را نشاندهی کرد زیرا مناهج که از زمین سرچشمه گرفته ناکامی و مفلس بودن خود را در این راستا اعلان نموده و اینکه بخاطر سعادت‌مندی بشریت کاری کرده نمی تواند یا حد اقل بخاطر کمی مشکلات آنها راه حل ندارد زیرا که منهج زمینی از منهج آسمانی تفاوت کلی دارد.

و در آن روزیکه مستحق نصرت و پشتیبانی الله متعال می گردند ، نه تنها در زمینه های علمی و تمدن انسانی، بلکه در رهبری ملت ها و مردم بسوی رستگاری ، موفقیت و نجات هم یاری و مدد الهی نصیب شان میگردد، اما خطری هم نهفته است در رفتار دانشمندان غیر مسلمان (سیکولار ها) بسیاری از آنها نه به اخلاق ادیان، و نه به تعالیم آسمانی پایبند اند ، و نه به اهداف شریفیکه برای تسخیر علم به نفع مردم می باشد ، بلکه آنها با سلاح علم باعث انحراف مردم بسوی برنامه های انحرافی میشوند و برای شهرت طلبی و غلبه فرد بالای فرد و تمدن بالای تمدن دیگر و بخاطر سیطره سیاسی و سلطه اقتصادی بالای ملتهای ضعیف و اشغال کشور های شان و تحمیل ارزش ها و فرهنگ اختصاص یافته به آنها، کار می کنند ، قسمیکه در گوشه های مختلف نقاط جهان اسلام ملاحظه می کنیم . آیا می بینید ، چگونه دست مسلمانان در تمام امور بند و قفل

شده اگر در میدان رهبری علم و ساینس و تمدن است و یا امور دیگر، اینها باید از الله متعال و روز آخرت بترسند و باید برای تسخیر علوم کار کنند نه برای انهدام آن.

یکی از مهمترین و وبالترین اصول اسلام در پیوند نزدیک بین مجموعه ای از علوم و کاربردهای آن تقوا و طاعت الله متعال و التزام دقیق به حلال و حرام می باشد و بر این اساس، علم و تمدن و استفاده از آن و تمام سرمایه گذاری در این راستا برای بهره مندی و بر آورده ساختن نیازهای انسان میباشد.

دین مبین اسلام تشویق نموده که علم، ساینس و تمدن برای خدمت انسانها تسخیر شود نه اینکه از علم و تمدن سوء استفاده گردد و بخاطر ظلم و غلبه و افساد اخلاق ملتها و محیط زیست آنها استعمال شود قسمیکه فعلا از غیر مسلمانان سرزد می شود و در سرزمینها اسلامی بمبها و اسلحه مهلك خود را تجربه میکنند.

دین مبین اسلام استفاده از علم را به ضرر انسانها تمام شود ممنوع قرار داده، مانند ضرر رساندن به محیط زیست و زندگی حیوانات و گیاهان، طبیعت، تحریک جنگ برای رسیدن به تمایلات پلید استبدادی، بی عدالتی و استکبار در زمین و اشغال سرزمینها.

اگر بتاریخ مراجعه کنیم می بینیم که دانشمندان مسلمان در اوائل رهبریت علم، ساینس و تمدن را بدست داشتند و نوشته ها و خزانه های علمی شان تا بحال اساس علوم تجربوی را در غرب تشکیل میدهد و اساس ترقی و پیشرفت در این میدانها شمرده می شود و به این امر دانشمندان منصف کشورهای غربی هم اعتراف میکنند.

وقتی چنین باشد ، که جهان اسلام ما دارای ثروت اقتصادی و اذهان علمی باشد ، پس بر دانشمندان آن لازم است که در ساختار تمدن انسانی کوشش کنند و برای عبور از مشکلات و از بین بردن موانع و غلبه بر آن دست بکار شوند ، و برای ساخت قواعد مراکز علمی و تمدنی، که اهداف تمدنی مسلمانان را خدمت کند و جهان اسلام را از دایره تحقیر و ذلت و شکست های پی در پی خارج سازد .

در عین حال بر حکومت های اسلامی و زمامداران لازم است که بخاطر حمایت از استعداد ها دست بکار شوند و برای رشد افکار علمی ، ساینسی و تمدنی عمل نمایند و با فراهم نمودن محیط مناسب برای فعالیت های علمی آنها و با ارائه حمایت مادی و معنوی مانع فرار آنها بکشورهای غربی شوند و آنها را تشویق نمایند که در کشورهای اسلامی بمانند تا اینکه انرژی علمی خود را برای دیگران تسخیر نمایند

زمانی می توانیم که این همه را عملی کنیم و از مرحله ناتوانی به مرحله توانایی انتقال نماییم ، که از منهج درست استفاده کنیم ، طبق فرموده الله سبحانه و تعالی که می فرماید: "وعد الله الذین آمنوا منکم وعلّموا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض کما استخلف الذین من قبلهم ولیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیدلنهم من بعد خوفهم أمنا.." ^۱.

ترجمه : الله به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کار های نیک انجام داده اند وعده میدهد که آنها را در روی زمین جانشین دیگران می کند، همچنان که مردمان را که پیش از آنها بودند جانشین دیگران کرد و دینشان را که خود برای شان پسندیده است، استوار سازد و وحشت شان را به ایمنی بدل کند .

واگر در این راستا توجه شود آسایش، ترقی نصیب مسلمانان میگردد واین سنت آسمانی است هر ملتی که سعی و تلاش داشته باشد بخاطر آبادی سرزمین خود از تمدن و ترقی علمی که انکشافات ساینسی مهم را با خود دارد بهره مند می شوند.



بایسکل سواری دختران

یکی از دوستان از شهر کابل چنین سوال نموده:

در مورد دو چرخه و بایسکل سواری دختران چی نظر دارید لطفا دیدگاه شرعی تانرا نوشته کنید که در روشنی آن عمل شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در چنین موارد باید عرف، عادات و ارزشهای مروجی هر کشور مراعات گردد اگر بایسکل سواری دختران و خانمان سبب فتنه، بی حیایی و بی حیایی و ظاهر شدن عورت و جسم آنان شود حرام شمرده می شود، همچنان در صورت وزش باد و شمالهای شدید اگر چادر آنها دور گردد و یا اینکه بخش از حجاب آنها از جسم جدا شود که در نتیجه عورت خانمها ظاهر گردد و یا اینکه سبب بروز بخشهای از جسم آنان گردد در این حالت نیز بایسکل سواری آنان جواز ندارد و خانمان بایسکل سوار گنهیگار پنداشته می شوند..تنها در حالت ضرورتی شدید علماء جواز داده اند بشرطیکه با حجاب کامل بوده باشند که خطر ظاهر شدن جسم و عورت نباشد و نیز از انظار مردان نام محرم بدور باشند و خطر جسمی متوجه شان نبوده باشد زیرا در حالت افتادن نه تنها

که حجاب خانمها دور می شود بلکه خطر آسیب دیدن متوجه آنها است.

در شریعت مباحاتی که انسان را بحرام بکشاند نیز حرام شمرده می شود قاعده فقهی است که: "ما أدى إلى الحرام فهو حرام" هر وسیله که انسان را بحرام و گناه و معصیت و فتنه و بی حیایی و بی حجابی بکشاند آن هم حرام تلقی می شود.



دیدگاه شریعت در مورد لدو بازی

عده از جوانان هموطنان ما از ولایات مختلف کشور در مورد حکم شرعی لدو بازی سوال نموده اند که جوابش قرار ذیل است.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

لدو بازی در اصل بازی و سرگرمی مباح و جایز است مثل سائر بازیها و سرگرمیها و در حرام بودنش بشکل مطلق کدام دلیل شرعی وجود ندارد لیکن در حالات ذیل از دائره مباح خارج میشود و حرام شمرده میشود:

۱- اگر سبب ترک و ضیاع فرائض، واجبات، عبادات، ترک نمازهای جماعت شود.

٢- اگر در آن شرط برد و باخت و قمار باشد.

٣- سبب دشمنی و عداوت در بین جوانان بازی کن گردد.

٤- سبب نافرمانی والدین شود.

٥- سبب پسمانی و ناکامی در درسها شود.

٦- اگر انسان را از مسئولیتهای خانوادگی و کار و تجارت باز بدارد.



حدیث: "علموهن الغزل ولا تعلموهن الكتابة" موضوع

ودروغین است

دختران را تعلیم غزل دهید و از کتابت و نوشتن منع کنید.

ازن حدیث موضوع و دروغین است که هیچ اساس و صحت ندارد و ازین بعضی استدلال میکنند که تعلیم دختران و زنان حرام و مکروه است.

در حالکه این اصلا حدیث نیست بلکه موضوع و دروغین است و از طرف دشمنان اسلام و دشمنان علم و دانش

ومتعصبين و متاثرين از جاهليت قبل از اسلام و مخالفين تعليم و تحصيل زنان وضع گرديده و علمای معتمد و موثوق علم حديث و جرح و تعديل آن را دروغين دانسته از جمله امام ابن الجوزي در كتاب اللآلى المصنوعة فى الأحاديث الموضوعه و محمد ناصر الدين الألبانى در كتاب سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعه.

در دين اسلام كتابت و نوشتن وسيله تعليم و تربيت است و از منزلت جاىگاه خاصى برخوردار است و يك نعمت بزرگ به شمار مى رود به مردان و خواهران و هيچ مانع از آموختن و علم و دانش و كتابت وجود ندارد و شريعت اسلامى همواره مرد وزن را به تعليم و تربيه و معرفت احكام دين تشويق و ترغيب کرده، خداوند متعال رسول الله صلى الله عليه وسلم را امر نمودند كه: (اقرأ باسم ربك الذي خلق الإنسان من علق، اقرأ وربك الأكرم، الذي علم بالقلم)^۱، بخوان بنام ذات پاکی كه خلق نموده آدمی را و خلق نموده او را از خون، و بخوان بنام خداوند اکرم كه انسان را توسط قلم علم و دانش و نوشتن را عطاء نموده است.

خواهران مى توانند به شكل فردى و اجتماعى علم و دانش را فرا گیرند در تخصصات و رشته های گوناگون لیکن

^۱ - سورة العلق، آیت: ۱-۴.

در صنوف جداگانه به دور از اختلاط و آمیزش با مردان نا
محرم.

وقابل یاد آوری است که در شرایط کنونی تعلیم و تربیه
مختلط را که دختران و پسران باهم یکجا در دانشگاهها
و کورس ها مشاهده می کنیم و حجاب اسلامی هم مراعات
نمی شود و در ادارات دولتی و شخصی و دفاتر زنان دوشادوش
مردان کار میکنند این همه به دور از احکام و تعلیمات اسلام
است بلکه در مخالفت صریح و آشکار با دین اسلام قرار دارد
و هدف آن ترویج جندر و بی حجابی و بی حیایی است و از
بین بردن غیرت و پامال کردن احکام اسلام است.

دین اسلام مانع تعلیم و تربیه و کار و وظیفه زنان نیست
بلکه مباح و حلال میدانند در صورتکه در صنوف و کلاسها
و دفاتر جداگانه باشد، و سبب بی حجابی و بی حیایی نشود،
امید وارم که جواب دوست عزیزم را به صورت درست تحریر
داشته باشم، و من الله تعالی التوفیق،

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آله
وصحبه أجمعین.



در تعلیم دختران باید به نظریه گرگ وگوسفند عمل نشود

یکی از خواهران از شهر کابل چنین نوشته:

استاد محترم ایا خانمها ودختران حق مکتب رفتن وکار ووظیفه را دارند خصوصا فراگیری علوم شرعی زیرا نامزادم مرا از رفتن به درس دینی هم منع میکند وقطعا قناعت نمی کند شما لطف نموده دیدگاه شریعت را نوشته کنید که برایش بخوانم وخودش گفت که استاد قضاوت کند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

منع کردن خواهران وطبقه اناث از درس وتعلیم گناه بزرگ بشمار میرود

برای این خواهر محترمه باید بنویسم که بلی خانمان ودختران وطبقه اناث حق تعلیم ودرس خواندن را دارند واین حق را دین مبین اسلام وشریعت اسلامی برای شان داده است بلکه بالای شان فرض گردانیده که باید علم حاصل کنند ومسائل دینی واحکام وواجبات عبادات ومعاملات وامورات اجتماعی شان را بفهمند تا اینکه اولادهای شان را وخانواده شان را مطابق رهنمودهای اسلامی تربیه کنند..واگر خانمان جاهل وبی علم بمانند حتما اولاد های شان هم جاهل تربیه می شوند.. وتعلیم خواهران ازین لحاظ بسیار ضروری است که در تربیه

خانوادگی نقش شان بیشتر است... و خانمان در زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام و تابعین در همه بخشهای تعلیمی سهم فعال داشتند مثلاً: در جمع کردن و نوشتن قرآن کریم، و حفظ آیات آن، در جمع و حفظ و ترتیب و نوشته کردن احادیث نبوی، در فتوی دادن و در بخش تعلیم و تربیه اسلام هیچ فرقی بین زن و مرد قائل نیست و همه نصوص قرآن کریم و احادیث نبوی یکسان مرد و زن را به تعلیم و تربیه تشویق و ترغیب کرده.. نه تنها باید خواهران علوم دینی و فقه و حدیث و تفسیر و تجوید و عقائد و زبان عربی را فرا گیرند بلکه علم طب و ساینس و غیره را در ماحول سالم و دور از خلوت و اختلاط با نا محرمان و با حجاب کامل شرعی فرا گیرند تا بنوانند مصدر خدمت به خواهران و طبقه اناث شوند.. تا اینکه طیبیان مرد زنان نا محرم را معالجه نکنند.. و شریعت گفته که " ما یتم لا الواجب إلا به فهو واجب" هر علم و کار که سبب ادای واجبات شود و درین راستا کمک کند و تسهیلات ایجاد کند واجب است.. و همچنان " ما لا یتم ترك الحرام إلا به فهو واجب" و هر علم و درس و تعلیم و وظیفه که سبب جلو گیری از وقوع مردم در حرام شود آن هم واجب است.. و بدون شک علم سبب پیشرفت و ترقی و روشنی در همه ابعاد زندگی دینی و دنیایی ما است و جهل و نادانی سبب همه عقبماندگی های مسلمانان است.. و برای خواهران محترم لازم است که علم شرعی را بصورت درست بیاموزند تا اینکه سبب بیداری

خواهران شوند زیرا اکثرا طبقه اناث و زنان شکار دسیسه های جادوگران و تعویذ نویسان و فالبینان می شوند در نتیجه جهل و نادانی .. و کسانی که خواهران و طبقه اناث را از درس و تعلیم و دعوت منع می کنند در حقیقت یک جزء کلان و بزرگ از دین اسلام را نادیده می گیرند و مرتکب گناه بزرگ می شوند.. و باید خواهران به درس و تعلیم و دعوت و فعالیت های اسلامی شان ادامه دهند در بین خانواده و تجمعات زنانه و در محیط سالم بدور از اختلاط با مردان نا محرم و با حجاب اسلامی .. کار دعوت اسلامی و خدمت مسلمانان و وظیفه هر دو است هر کس به اندازه توان و شرایطی که برایش میسر است..

و هم فراموش نکنیم که تعلیم و تربیه دختران و خواهران در اسلام فضیلت و ثواب زیادی دارد و رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند : "من کانت له ثلاث بنات فصبر علیهن وسقاهن وکساهن کن له حجابا من النار" ^۱ هر مسلمان که سه دختر و یا خواهر و یا عمه خود را رعایت و تربیه اسلامی درست کند و بسر برساند و از بی حجابی منع کند این عمل خوب و نیک او سبب دخول جنت و نجات از آتش دوزخ می شود.

^۱ - سنن ابن ماجه، کتاب الأدب، باب بر الوالد، والإحسان إلى البنات، رقم الحدیث:

(۳۶۶۹)، (ج ۲، ص ۱۲۱۰).

در عین حال خانمها حق دارند که طبیعت کار شان را انتخاب کنند بدور از اختلاط و آمیزش با نامحرمان

- برداشته‌ها و تطبیقات و عملکردهای غلط و نادرست دلیل شده نمی تواند که مباحات و حلال را حرام بشماریم و بخاطر که در فلان اداره اختلاط و بی نظمی بین زنان و مردان است کار زنان را جمله و تفصیلا منع کنیم.. بلکه زنان حق کار و وظیفه را دارند لیکن با حجاب و در محیط بدور از نظر مردان نامحرم.

- دین مبین اسلام برای خانمها اجازه داده که مجال کار و وظیفه شان را نظر به طبیعت جسمی شان تعیین کنند در وظائف رسمی حکومتی و خصوصی در داخل و خارج از خانه تا اینکه توسط معاش و مال و پول که بدست میاورند به ملت و مردم خدمت کنند زیرا آنها نصف جامعه را تشکیل میدهند.. و کمترین این حقها این است که در بخشهای کار کنند که خدمت خواهران و خانمان شود و آنها را از اختلاط با محرمان نجات دهند خصوصا در بخشهای تعلیم و طبابت و صحت عامه و از مصحلتهای دینی و دنیائی خواهران دفاع کنند .

- در طول تاریخ از زمانه رسول الله صلی الله علیه و سلم و سلم زنها در پیشرفت دینی و دنیائی جامعه نقش فعال و سازنده داشتند حتی زخمی های جنگها و غزوات مسلمانان

را تداوی و معالجه میکردند و برای مجاهدین آب و نان می‌رسانیدند و در در بیعت و رأی دهی، تعلیم و تربیه، طبابت و تجارت شریک بودند. ..الله متعال برای شان حق تکسب و کار و تجارت و ملکیت مال نیز داده و فرموده است: " للرجال نصيب مما اكتسبوا و للنساء نصيب ما اكتسبن " ^۱ برای مردها نصیب شان است از آنچه که کسب کردند و برای زنان نیز نصیب شان است از آنچه که کسب کردند و در نتیجه سعی و تلاش حلال بدست آوردند. این نص قرآنی واضح و صریح و آشکار است که کار زنها و خانمان مساحت بسیار کلان را در برمیگیرد تا اینکه در اصل کار مشکل شرعی نباشد و خود همین کار حرام نباشد. در حدیث صحیح که امام بخاری روایت کرده صحابیة الربیع بنت معوذ فرموده: " كنا نغزو مع النبي صلى الله عليه و سلم فنسقي القوم و نخدمهم ، و نردّ القتلى و الجرحى إلى المدينة " ^۲ ما خانمان در زمانه رسول الله صلى الله عليه و سلم در جنگ و غزوات میرفتیم و اشتراک میکردیم و برای صحابه آب میدادیم و خدمت شان را میکردیم و شهیدان و زخمیها را به طرف مدینه نقل میدادیم.

وأم عطية الأنصارية می فرماید در حدیث صحیح امام مسلم: " غزوت مع رسول الله صلى الله عليه و سلم سبع غزوات

^۱ - سورة نساء: ۳۲.

^۲ - صحیح البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب رد النساء الجرحى والقتلى إلى المدينة، شماره حدیث: (۲۸۸۳)، (ج ۴، ص ۳۴).

أخلفهم في رحالهم ، فأصنع لهم الطعام، و أداوي الجرحى، وأقوم على المرضى" ^۱ در هفت غزوه با رسول الله صلى الله عليه وسلم همراه بودم ودر آخر قافله میبودم وبرایشان نان آماده می ساختم وزخمیها را تداوی میکردم ومریضان را خبر گیری می نمودم.

آیا این کارها آسان بوده، برداشتن زخمیها، تداوی مریضان، نان توزیع کردن در سنگرها ..البته خلوت واقع نمی شد..در شریعت خلوت مرد وزن نامحرم حرام است .. اما تعاملات عادی جواز داشت در صورت با حجاب بودن زن والتزام داشتن به حجاب شرعی.

حتى خانمها در دهقانی وکشت وزراعت وچوبانی سهیم بودند از سعید بن معاذ رضی الله عنه روایت کرده: " أن جاریة لكعب بن مالك كانت ترعى غنماً بسلع - جبل بالمدينة - فأصيبت شاة منها ، فأدرکتها فذبحتها بحجر ، فسئل النبي صلى الله عليه وسلم ، فقال: "كلوها" ^۲ خانمی از خانه کعب بن مالک در مدینه گوسفندان را به چراگاهها کوه مدینه میبرد وگوسفندی آسیب دید واین خانم آنرا باسنگ ذبح کرد واز

۱ - صحیح مسلم، کتاب الجهاد والسير، باب النساء الغزوات یرضخ لهن ولا یسهمن، والنهی عن قتل صبیان أهل الحرب، شماره حدیث: (۱۸۱۲)، (ج ۳، ص ۱۴۴۷).

۲ - صحیح البخاری، کتاب الذبائح والصيد، باب ذبیحة المرأة والأمة، شماره حدیث: (۵۵۰۵)، (ج ۷، ص ۹۲).

رسول الله صلى الله عليه وسلم سوال نمودند ایشان فرمودند
که بخورید .

از صحابی جلیل القدر جابر بن عبد الله رضی الله عنه
روایت شده که فرمود " طلقت خالتي فأرادت أن تجد نخلها -
أي تقطف ثمارها -، وهي في العدة ، فزجرها رجل أن تخرج ،
فأنت النبي صلى الله عليه وسلم ، فقال: بلى جدِّي نخلك فإنك
عسى أن تصدقي أو تفعلي معروفا" ^١ خاله من طلاق شده بود
می خواست که درختان باغ خرماى خود را شاخبرى کند
وکسانی او را منع کردند که باید در عدت طلاق از خانه
خارج نشود .. به نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم آمد
وسوال نمود ایشان فرمودند که دهقانی وشاخبرى درختان
خرما را ادامه بده وشاید در این کار عمل خیرى بدست شما
انجام شود که صدقه بدهی ویا کار نیک وخوب کنی..

خوب زنان، درس می خواندند، تعلیم میدادند، تألیف
داشتند، تجارت می نمودند، در میدانهای جنگ میرفتند
وکشت ورزاعت بخش از زندگی شانرا تشکیل میداد..

تنها زنان شرعا حق ریاست جمهوری، والی ، قاضی
بودن را ندارند، در وظائف قیادی که به معنای ولایت باشد،

^١ - صحیح مسلم، کتاب الطلاق، باب جواز خروج المعتدة البائن، والمتوفى عنها زوجها
في النهار لحاجتها، شماره حدیث: (١٤٨٣)، (ج٢، ص١١٢١).

"لن يفلح قوم ولوا أمرهم امرأة"^۱ قوم وملت كه آنها را زن رهبرى كند كامياب نمى شوند.. وظائف قيادى از طبيعت جسمى وتوان آنها خارج است كه به شدت وتحمل سختيها ضرورت دارد...

اما خانمها مى توانند فتوا دهند ومشاور باشند ..

همه اين كارها به شرط جازز ومشروع است كه دور از اختلاط وآميزش با مردها نا محرم باشد..وحجاب شرعى ولباس با ستر مراعات شود.

بهترين نمونه ومثال خوب شرعى والگو وقدوه حسنه در تعليم وتربيه را فعلا در افغانستان ما داريم كه وسطيت اسلام را مراعات نموده ونقش خواهران را مطابق شريعت اسلامى بدون افراط وتفريط تطبيق مى كند بخش خواهران جمعيت اصلاح افغانستان است.

ومثال ونمونه غير شرعى آن بى حجابى واختلاط در دفاتر حكومتى، دوائر تعليمى وجندر كه فعلا در كشور ما روان است حتى كه شكاياتى به ما مواصلت نموده از اينكه

^۱ - صحيح البخاري، كتاب المغازي، باب كتاب النبي صلى الله عليه وسلم إلى كسرى وقيصير، شماره حديث: (٤٤٢٥)، (ج٦، ص٨).

خواهران محجه مورد آزار واذیت و سرزنش قرار میگیرند که باید حجاب را بردارند در بعض دوائر دولتی .



مسابقه بایسکل دوانی مختلط دختران با مردان حرام است

یکی از هموطنان عزیز ما از ولایت غزنی چنین سوال نموده:

امیدوارم جور باشی بعد از عرض سلام آیا مسابقه نمودن در بایسکل دوانی همراهی دختران جواز دارد و یا خیر؟

و هموطن دومی ما از شهر کابل نیز سوال نموده :

در مورد دو چرخه و بایسکل سواری دختران چی نظر دارید لطفا دیدگاه شرعی تانرا نوشته کنید که در روشنی آن عمل شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسابقه بایسکل دوانی مختلط دختران با مردان نامحروم ورزش حرام و مخالف شریعت اسلامی است زیرا این نوع ورزش تلاشی است برای کشانیدن دختران هموطن ما بسوی بی حیایی و بی حجابی، مجالات و بخشهای حیاتی که

دختران باید آموزش داده شوند و اولویاتهای که دارند اصلاً در نظر نیست بلکه هدف از برگزاری این نوع مسابقات تهاجم بی شرمانه فرهنگی و ترویج فساد اخلاقی است که خواهران هموطن ما باید قبول نکنند و شرف و حیاء و آبرو و دین و ایمان خود را زیر سوال نبرند.

حتی در بایسکل سواری عادی دختران و در چنین موارد باید عرف، عادات و ارزشهای مروج هر کشور مراعات گردد اگر بایسکل سواری دختران و خانمان سبب فتنه، بی حجابی و بی حیایی و ظاهر شدن عورت و جسم آنان شود حرام شمرده می شود، همچنان در صورت وزش باد و شمالهای شدید اگر چادر آنها دور گردد و یا اینکه بخش از حجاب آنها از جسم جدا شود که در نتیجه عورت خانمها ظاهر گردد و یا اینکه سبب بروز بخشهای از جسم آنان گردد در این حالت نیز بایسکل سواری آنان جواز ندارد و خانمان بایکسل سوار گنهگار پنداشته می شوند، تنها در حالت ضرورتی شدید علماء جواز داده اند بشرطی که با حجاب کامل بوده باشند که خطر ظاهر شدن جسم و عورت نباشد و نیز از انظار مردان نام محرم بدور باشند و خطر جسمی متوجه شان نبوده باشد زیرا در حالت افتادن نه تنها که حجاب خانمها دور می شود بلکه خطر آسیب دیدن متوجه آنها است.

در شریعت مباحاتی که انسان را بحرام بکشاند نیز حرام شمرده می شود قاعده فقهی است که: "ما أدى إلى الحرام فهو حرام" هر وسیله که انسان را بحرام و گناه و معصیت و فتنه و بی حیایی و بی حجابی بکشاند آن هم حرام تلقی می شود.



بازی کلش اف کلن الکترونیکی (Clash of Clans) از سرگرمیهای مخالف شریعت است

یکی از هموطنان عزیز ما از ولایت هرات سوال نموده:

سوال من در باره بازی موبایل بنام (کلش اف کلن) بود گیم های الکترونیکی که نه ورزش انسان میشود و نه به صحت مفید است شاید در مجموع از جمله لهو و لعب شمرده شود به هر حال اما بعض ویدیوهای در باره کلش اف کلن نشر میشود که گویا خانه که در این بازی استعمال شده طوری طراحی شده که مشابهت به بیت الله دارد و غیره و غیره. بناءً حرام است حالا حرام بودن تا سرگرمی و ضایع وقت فرق دارد لطف نموده شما حکم این بازی را باین کنید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بازی کلش اف کلن الکترونکی (Clash of Clans) را فقهای معاصر از سرگرمیهایی مخالف شریعت میدانند زیرا که در این بازی از جادو و جادوگران تمجید به عمل آمده در عین حال دزدی، قتل، جنایت و بغارت بردن مالهای مردم را ترویج میدهد که جوانان را بطرف گمراهی و اعمال جاهلیت قبل از اسلام سوق میدهد و بطرف کارهای بد و زشت و ناروا تشویق و ترغیب می نماید.



ورزش یوگا جایز نیست زیرا در اصل این عبادت بت پرستان بوده

یکی از خواهران شهر کابل چنین سوال نموده:

یوگا جایز است یا خیر از جمله ورزش حساب نمیشود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

یوگا تنها ورزش نیست بلکه عبادتی است که ورزش کننده به طرف آفتاب با هشت عضو بدن خود سجده کنان رو می آورد، واز قرنهای در هند مروج است.. از اینرو فقهاء این ورزش را ناجائز و حرام دانسته اند.

فوتبال، والیبال و ورزش مباح و مشروع است مگر اینکه مسلمان را از واجبات، فرائض و مسؤولیتهای خانوادگی و وظیفه دور سازد.



درس خواندن نزد استادان غیر مسلمان

یکی از دوستان از شهر کابل چنین نوشته:

استاد محترم من در یکی از نواحی کابل در کورسهای زبان انگلیسی، کمپیوتر و ساینس درس می خوانم و بعضی استادان ما گمراه هستند.. آیا این کورس را ترک کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

هیچ مانع و حرج شرعی نیست که مسلمان علوم و معارف ساینسی، زبان و ادبیات را نزد استادان غیر مسلمان و یا از طوائف گمراه بیاموزد لیکن بشرطیکه این استادان هدف شان از تدریس نشر دین، عقیده و اندیشه گمراه کن شان از لا بلای درسهای زبان و ساینس نباشد و اهداف غیر اسلامی شانرا از طریق پیاده نکنند، زیرا هستند مؤسسات و نهادهای که در ظاهر امر تعلیم و تدریس زبان و ادبیات و علوم ساینسی را عرضه میکنند و در خفا و باطن امر اهداف

دیگری را دنبال میکنند، لهذا هموطنان عزیز ما باید هوشیار باشند وزیراگانه عمل کنند.

در عین حال بهتر این است که بعوض رفتن در این کورسهای مشبوه مراکز و کورسهای تعلیمی را انتخاب کنند که غیر مسلمان و اشخاص گمراه مالکین ان نباشند تا اینکه از شک و شبهه هم در امان بمانند.



تخصص شرعیات را دوست دارد، والدینش جبرا در ساینس شامل کرده

مولوی صاحب من فاکولته ساینس میخوانم ولی هیچ علاقه به آن ندارم ولی والدینم مرا به زور میفرستند من به دروس دینی علاقه دارم، بعضی اوقات فکر میکنم از خانه فرار کنم به کدام مدرسه دینی ثبت نام نمایم بعد از فراغت به خانه برگردم، در پوهنتون ننگرهار هستم مولوی صاحب، مولوی صاحب پس چگونه بتوانم هم رزای والدینم رادریابم وهم آرزوی خودم که همانا میخواهم عالم دین بشم برآورده شود؟

درین صورت می تواند هردو تخصص را فراگیرد :

۱- ساینس را در پوهنتون فرا گیرد.

۲- علوم شرعی را از طریق همنشینی با علماء .

۳- رفتن در مساجد و درس خواندن نزد علمای مساجد.

۴- مطالعه کتابهای اسلامی.

۵- همنشینی با جوانان صالح و نهاد های دعوتی که همه مجالس شان علم و ذکر است. خصوصا اینکه شما در پوهنتون ننگرهار هستین درانجا نجم نهاد جوانان مسلمان و جمعیت اصلاح فعال است.

۶- استفاده از برمانه اسلامی و رفت و آمد و ارتباط داشتن با دعوتگران.



ورزش فوتبال و والیبال از دیدگاه شریعت

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

سوالی در باره توپ فوتبال ویا والیبال دارم بعض کسان میگویند که گناه دارد وبعضیها هم میگویند که مشکلی نیست فلسفه توپ را برایم بگوئید ممنون میشوم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دين اسلام بخاطر تقويت جسم و حفظ صحت جسمى
مسلمان را به ورزش و سپورت تشويق نموده ليكن با در نظر
داشت بعضى شروط شرعى از جمله:

١- ورزش و سپورت درين صورت جايز و مشروع است
كه انسان را از واجبات و فرائض و مسؤوليات هاى خانوادگى
ووظيفه دور نسازد مثلاً در وقت نماز جماعت انسان بايد
ورزش را ترك نموده به طرف مسجد روان شود و در صورتكه
نماز جماعت را بخاطر ورزش ترك ميكند درين صورت
ورزش حرام شمرده مى شود، و هر كار كه انسان را به حرام
و ترك واجبات بكشاند حرام شمرده مى شود ولو كه در اصل
مباح هم باشد.

٢- هدف مسلمان از ورزش تقويت جسم و حفظ صحت
وهم سرگر مى مباح باشد و سبب تقويت روابط برادرى
واخوت در بين ورزشكاران شود نه سبب دورى دلها و تفرقه
اندازى، و به نيت نيك مى توانيم ورزش را به عبادت بدل
كنيم " در حديث شريف آمده كه "إنما الأعمال بالنيات"١،

١ - صحيح البخاري، باب بدء الوحي، كيف كان بدء الوحي إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم؟، رقم الحديث: (١)، (ج ١، ص ٦).

وقاعده فقهی است که "الأمر بمقاصدها" اسلام به نتایج اعمال و کردار نظر میندازد و از روی آن حساب می کند.

۳- ورزش کار مسلمان باید کالای به تن کند که عورتش ظاهر نشود و از پوشیدن کالای مبتذل و یا کالای که جسم انسان را ظاهر بسازد دوری جوید و هم از کالای که بالای آن شعار های غربی و غیر اسلامی نوشته شده باشد اجتناب ورزد.

۴- مسلمان ورزش را اختیار کند که در آن خطر هلاک شدن و یا از بین رفتن و معیوب شدن نباشد.

۵- ورزش باشد که در آن قمار بازی نباشد و مورد و باخت آن بشرط دادن و گرفتن پیسه نباشد، و اگر باشد حرام شمرده می شود.

۶- در ورزش و برد باخت مسلمان باید شکار تعصب و قوم پرستی نشود و ولاء و براء یعنی دوستی و دشمنی اش بناء به تعصب نباشد که سبب نزاع و تفرقه می شود.

۷- باید ورزشکاران از دو و دشمنان و مزاقهای خارج چوکات دوری جویند.

۸- ورزشکاران سبب آزار همسایگان ورزشگاه نشوند که آزار و اذیت رسانیدن به مسلمان این ساپورت و ورزش را حرام می سازد.



بعضی تخصصات ساینسی به اندازه علم شرعی فضیلت دارد

یکی از دوستان سوال نموده :

بسیار میبخشید یک سوالی دیگری داشتم

علم دین فرض است آیا دیگر علم ها مثلا طب کیمیا و غیره در کدام مرحله قرار دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

در شریعت اسلامی یک قاعده اصولی بسیار مهم است که: "ما لا يتم الواجب إلا به فهو واجب" هر کار و تخصص که سبب ادای واجبات شود و زمینه سازی و سهولت ایجاد کردن برای انجام دادن فرائض شود آن هم واجب است... و در شرائط امروزی مسلمانان هموطن ما تنها به ملاها، مشایخ، و مولوی صاحبان ضرورت ندارند بلکه به همه تخصصات علمی و ساینسی و نظامی هم ضرورت دارند.. و هر تخصص و علم که سبب سهولت ایجاد کردن و تقویه کارهای دینی و دنیائی هموطنان ما شود و آنها را از محتاجی دیگران نجات

دهد درجه و ثواب و فضیلت علم شرعی را دارد.. و در بعض موارد که ضرورت بر آنها بیشتر باشد این واجب و فرضیت مؤکد می شود.. و هر علم جایگاه خود را دارد.. و صحابه کرام همه شان مثل عائشه، عبد الله مسعود، انس بن مالک، أبوهریره، عبد الله ابن عباس، عبد الله بن عمر، و أبو سعید الخدری - رضی الله عنهم - در مجال حفظ و نقل احادیث و فقه و تفسیر مصروف نبودند، بلکه در بخشهای مهم دیگر هم کار و فعالیت داشتند.

شما می توانید که علم شرعی و احکام دین تان از طریق مطالعه و شنیدن درسهای علماء بیاموزید و از طریق تخصصات ساینسی مصدر خدمت به دین مبین اسلام و هموطنان عزیز ما شوید... همه دعوتگران و مبلغین اسلام، ملاحا و علمای دین نیستند بلکه طبیبان و داکتران طب، انجیران و مهندسین، تاجران، نظامیان و ژورنالستان.. هم این وظیفه را بدوش دارند و سبب هدایت مردم شده و می شوند..

مسلمان باید در هر جا و هر ساحه و میدان و تخصص کلید خیر و قفل شر باشد زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث که ابن ماجه روایت کرده و شیخ البانی بر آن صحت گذاشته فرموده اند: " إِنَّ هَذَا الْخَيْرِ خَزَائِنٌ ، وَلِتَلْكَ الْخَزَائِنِ مَفَاتِيحٌ ، فَطُوبَى لِعَبْدٍ جَعَلَهُ اللَّهُ مَفْتاحاً لِلْخَيْرِ ، مَغْلَقاً لِلْشَّرِّ .

وویل لعبدٍ جعله الله مفتاحاً للشر، مغلاقاً للخیر" ^۱ علم ووسائل جدید و قدیم عبارت از خزانه های خیر و نیکیها است که کلید دارد، و جنت برای کسانی وعده داده می شود که کلید خیر باشند برای نشر این خزائن نیکو و اعمال صالح، و دوزخ و بربادی و هلاکت برای کسانی داده می شود که ازین خیر و نعمتها استفاده سوء میکنند و کلید شر و دعوتگران بسوی نابسامینها و زشتیها می شوند.. پس باید کلید خیر و دعوتگران بسوی نیکوکاریها شویم و ازین وسائل و تخصصات شرعی و ساینسی برای نشر و پخش کارهای خیر و خدمت به دین و وطن و هموطنان خود استفاده کنیم و برای زدودن انحرافات، عادات و تقالید مخالف دین ما استفاده اعظم نموده و ساحه را برای دیگران نگذاریم.



حکم اشتراک کردن در مسابقات جایزه دار

یکی از دوستان محترم سوال نموده :

سلام جناب استاد. بعضی از علماء میگویند که روند مسابقات که جایزه داره و در بدل پول ثبت نام میشود افراد

^۱ - سنن ابن ماجه، باب من كان مفتاحاً للخیر، شماره حدیث: (۲۳۸)، (ج ۱)،

این کار شباهت بقمار دارد و مطلق حرام هست .. حکمش چیست ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

جواب سوال این برادر ما دو بخش دارد اولاً:

مسابقات دینی و فرهنگی که سبب نشر علم شرعی، و ارزشهای والای اسلامی می شود و مردم را با عقیده اسلامی و سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم آشنا میسازد، و سبب هدایت مردم می گردد و یا سبب ترقی و آبادی کشور عزیز ما می شود و در فهمیدن امور دنیائی مردم ما را یاری میکند، در چنین مسابقات پول دادن بخاطر ثبت نام و اشتراک کردن کار خوب است زیرا همکاری در کار خیر و نیکی است، الله متعال فرموده است: "وتعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الإثم والعدوان"^۱ در کار خیر و تقوا و پرهیزگاری همکاری باشید و در کار که گناه و ظلم و بی بندوباری و نافرمانی الله متعال باشد و پامال کردن احکام الهی باشد همکاری نکنید.

ثانیا:

^۱ - سوره مائده: ۲.

اما اگر هدف از برگزاری این مسابقات استفاده مادی باشد وبخاطر ترویج فسق وفجور وفساد کار کنند و برای گمراهی مردم راه اندازی شود در این شکی نیست که پول دادن وهمکاری کردن واشتراک نمودن حرام است..در اشتراک وثبت نام وپول دادن آنها تقویت می شوند که جواز ندارد..وعین قمار نیز است.



جوانان بعوض دست پیر گرفتن علم ودانش بیاموزند

یکی از برادران محترم ما از ولایت هرات چنین نوشته:

فکر کنم خیلی از علما بزرگ کشور با شما در مورد بعضی از فروها هم نظر نیستند نه در اصولات و گاه وقت هم در مورد مسائل مهم تر مثل طریقت هم با نظر شما مخالف هستند.

آموختن علم شرعی صحیح ودرست، دین وایمان مسلمان را تقویت می بخشد، وکسب دانش دنیوی مفید وتخصصات گوناگون در آبادی وطن ما نقش مهم میداشته باشد

در حالیکه دست پیر گرفتن و رفتن به طریقت شیوه‌ای است که مانع ترقی و پیشرفت دینی و دنیائی می شود و انسان را به عقبماندگی و انحرافات می کشاند

به هر صورت در زمانه های سابق هر چه بوده " عفی الله عما سلف " الله متعال برزگان را عفو و مغفرت کند و ما و شما برای آنها دعای خیر می نماییم.

لیکن باید بدانیم که بعوض طریقت، دست پیر گرفتن، در دین خود زهد و تقوا داریم که مثل آیینہ صاف و واضح است که در آن انحرافات وجود ندارد .

و این امر طبیعی است که دکانداران دین، تعویذ نویسان، فالبینان، کفشناسان، جادوگران مخالف سعی و تلاش های اصلاحی و تجدیدی که منبع و اساسش قرآن و سنت به فهم سلف صالح و رهنمودهای مذهب حنفی است، باشند و مزاحمت، مقاومت و مخالفت کنند بخاطر حفظ جایگاه شان زیرا آنها از نداستنن عوام الناس سوء استفاده نموده انحرافات، عقبماندکیها را وسیله رزق و روزی و منزلت دنیائی شان قرار داده اند.



با همسایه غیر مسلمان بازی کردن مباح و مشروع است

یکی از هموطنان مقیم ما در اروپا چنین سوال نموده :

آیا می توانم که با همسایه ما که غیر مسلمان است بازی کنم ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

دین اسلام بخاطر تقویت جسم و حفظ صحت جسمی مسلمان را به ورزش و سپورت تشویق نموده لیکن با در نظر داشت بعض شروط شرعی از جمله:

۱- ورزش و سپورت و بازی با غیر مسلمان مشروع و مباح است بشرط که اصل ورزش و بازی مباح باشد .

۲- مسلمان باید که هنگام بازی با غیر مسلمان صادق بوده باشد تا اینکه آگو و قدوه به غیر مسلمان باشد و سبب هدایت غیر مسلمان گردد.

۳- ورزش و سپورت درین صورت جایز و مشروع است که انسان را از واجبات و فرائض و مسؤولیات های خانوادگی و وظیفه دور نسازد مثلاً در وقت نماز جماعت انسان باید ورزش را ترک نموده به طرف مسجد روان شود و در صورتکه نماز جماعت را بخاطر ورزش ترک میکند درین صورت ورزش حرام شمرده می شود..وهر کار که انسان را به حرام

وترک واجبات بکشاند حرام شمرده می شود ولو که در اصل مباح هم باشد..

۴- هدف مسلمان از ورزش تقویت جسم و حفظ صحت وهم سرگرمی مباح باشد وسبب تقویت روابط برادری واخوت در بین ورزشکاران شود نه سبب دوری دلها وتفرقه اندازی...وبه نیت نیک می توانیم ورزش را به عبادت بدل کنیم " در حدیث شریف آمده که " إنما الأعمال بالنیات"^۱ وقاعده فقهی است که "الأمر بمقاصدها" اسلام به نتایج اعمال وکردار نظر میندازد واز روی آن حساب می کند..

۵- ورزش کار مسلمان باید کالای به تن کند که عورتش ظاهر نشود واز پوشیدن کالای مبتذل ویا کالای که جسم انسان را ظاهر بسازد دوری جوید وهم از کالای که بالای آن شعار های غربی وغیر اسلامی نوشته شده باشد اجتناب ورزد.

۶- مسلمان ورزش را اختیار کند که دران خطر هلاک شدن ویا از بین رفتن ومعیوب شدن نباشد ..

^۱ - صحیح البخاری، باب بدء الوحي، كيف كان بدء الوحي إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم؟، رقم الحديث: (١)، (ج ١، ص ٦).

۷- ورزش باشد که دران قمار بازی نباشد و بورد و باخت آن بشرط دادن و گرفتن پیسه نباشد .. واگر باشد حرام شمرده می شود..

۸- در ورزش و بورد باخت مسلمان باید شکار تعصب و قوم پرستی نشود و ولاء و براء یعنی دوستی و دشمنی اش بناء به تعصب نباشد که سبب نزاع و تفرقه می شود.

۹..باید ورزشکاران از دو و دشنام و مزاقهای خارج چوکات دوری جویند..

۱۰- ورزشکاران سبب آزار همسایگان ورزشگاه نشوند که آزار و اذیت رسانیدن به مسلمان این ساپورت و ورزش را حرام می سازد.



آموختن و معرفت زبان عربی فرض کفائی است

یکی از خواهران سوال نموده که:

آموزش زبان عربی برای مسلمان چه حکم دارد؟

زیرا اساس و منابع اصلی علوم شرعی به زبان عربی است و مسلمان اگر زبان عربی را فراگیرد و بفهمد به آسانی می تواند عبادت و اذکار خود را بداند .

ازینرو زبان عربی به مسلمانان اهمیت خاص دارد که تعلق وارتباط بسیار وثیق با دین مبین اسلام وعبادات مسلمانان دارد.

ومسلمان زبان عربی را به نیت عبادت فراگیرد وشامل اجر وثواب وفضیلت می شود، اهتمام کردن به زبان عربی یعنی فهمیدن تفسیر قرآن کریم، احادیث نبوی، فقه اسلامی.

ومقدار واندازه که بخاطر ادای عبادات واذکار نماز است واجب شمرده شده ..ودر شریعت قاعده فقهی است که : " ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب" هر آنچه که ادای واجبات بر آن متوقف باشد خودش هم واجب میباشد.



کفالت یتیم

بهترین عبادت وکار خیر آن است که در وقت ضرورت وشدت حاجتمندی یتیمان کشور عزیز ما انجام شود.

نهاد خیریه احساس برنامه کفالت ایتام را روی دست دارد ودر این راستا سعی وتلاش زیاد نموده..(کفالت، تربیه، تعلیم، کمک رسانی به موقع).

سرپرستی یتیم از یک سو احسان بر شخصی است که پدر و مادر و یا یکی از آنها را از دست داده و از طرف دیگر احسان بر امتی است که این شخص مربوط آن است و او مسوول همکاری و تعاون اش در حالت احتیاج است، بناء کفالت یتیم؛ نیکی و احسان است که الله متعال بنده گان توانمند خود را ضمن عموم آیه زیر امر نموده است:

{وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ} ^۱.

ترجمه: و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.

هرگاه به سنت مظهر مراجعه نماییم احادیث فراوانی را میابیم که دلالت بر وجوب احسان، نیکی، رعایت و مهربانی با یتیم دارد، عن مالک بن الحارث (رضی الله عنه) قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: "مَنْ ضَمَّ يَتِيمًا بَيْنَ أَبْوَيْنِ مُسْلِمِينَ إِلَى طَعَامِهِ وَ شَرَابِهِ حَتَّى يُغْنِيَهُ اللَّهُ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةُ" ^۲.

ترجمه: هرکی یتیمی را بین پدر و مادر مسلمان در طعام و نوشیدنی یکجا کند تا آنکه الله او را غنی سازد جنت برایش واجب میگردد.

^۱ - سوره بقره: ۱۹۵.

^۲ - مسند أحمد، أول مسند البصریین، حدیث مالک بن الحارث، شماره حدیث: (۲۰۳۳۱)، (ج ۳۳، ص ۴۴۱).

وروى أبو هريرة (رضي الله عنه) أن رجلاً شكاً إلى رسول الله - (صلى الله عليه وسلم) - قسوة قلبه فقال له عليه الصلاة والسلام: "إن أردت تليين قلبك فأطعم المسكين و امسح رأس اليتيم"^۱.

ابو هريره روايت مى كند كه شخصى از قسوت قلب نزد رسول الله شكايه كرد، رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: هرگاه خواستى قلب ات نرم شود مسكين را طعام بده و سرى يتيم را لمس كن.

بنابرين گفته ميتوانيم كه سرپرستى و كفالت يتيم اجر و ثواب نهايت بزرگى را در پى دارد و الله منان اجر هيچ عاملى را ضايع نمى كند.

و بايد دانست كه كفالت و سرپرستى يتيم تنها خوراك و پوشاك او را شامل نمى شود بلكه شامل تمام نواحى زندگى اش مانند تربيه، تعليم، صحت و غيره ميشود، همه جوانب زندگى كه در آينده بايد براى رويارويى با آن آماده باشد تا او را به سوى خير و فلاح بكشاند، اميد را در نفس اش و صدق و اخلاص را در معامله اش بكارد و چنان به

^۱ - مسند أحمد، مسند المكثرين من الصحابة، مسند أبي هريرة رضي الله عنه، شماره حديث: (۷۵۷۶)، (ج ۱۳، ص ۲۱).

آینده و سلوک اش حریص باشد چنانکه پدر بر آینده فرزند و اخلاق و رفتارش حریص میباشد.



دستار بندي فارغین مدارس دینی تنها یک رواج دیوبندی است

یکی از دوستان محترم از ولایت هرات سوال نموده:

استاد محترم یک سوال دارم.. در هند و پاکستان و افغانستان بعد از فراغت از مدرسه به سر شاگرد فارغ شده دستار می بندند آیا این در زمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

اگر به مصادر و منابع علمی رجوع کنیم میدانیم که بستن دستار فضیلت و پوشیدن وبه تن کردن لباس معین هنگام فراغت از مدارس و دانشگاهها تنها یک رواج بوده واصل، اساس و دلیل شرعی ندارد و در سنت و آثار صحابه کرام و عملکرد تابعین و فقهاء و ائمه حتی در مذهب حنفی ثابت نیست تنها یک رواج و عنعنه مدارس دیوبند در هند بوده که به کشور همجوار پاکستان و نیز به افغانستان منتقل شده و یک کار مباح است و سنت شمرده نمی شود.

بستن دستار فضیلت به علمیت فارغ چیزی نمی افزاید
تنها عمل کردن به علم شان و نشر علم شرعی درست
و اخلاق نیکو و عدم عقده مندی و عدم زشت خوی می تواند
که حامی لقب شان باشد نه لباس.

اگر این عملکرد سنت و یا مستحب میبود باید به
شاگردان که از حلقات و معاهد مربوط به حرمین شریفین
یعنی المسجد الحرام، و مسجد نبوی شریف جنین کار
صورت می گرفت..

باید به این عملکرد در دائره عادات و مباحات و رواجها
و عنعنه دیده شود.. و درجه سنت و استحباب داده نشود زیرا
دلیل، مستند و اساس شرعی ندارد.

و مولوی صاحبان که دستار فضیلت می بندند به عوض
اهتمام بیشتر به لباس کوشش کنند که احادیث صحیح را
از احادیث ضعیف و موضوع فرق و تمیز نمایند و به مسائل
عصری و فقه نوازل آشنائی داشته باشند و مسائل مهم و اصول
را ترک نکنند و به جزئیات غرق نشوند... و نیز بخاطر زدودن
خرافات و عقبماندگی های دینی که به مذهب حنفی نسبت
داده می شود وارد عمل شوند نی عامل نشر و ازدیاد آن.

و نیز به فارغین این مدارس توصیه کنند که در مقابل
افراد جامعه، عامه مردم، دانشمندان و دعوتگران عقده مند

نباشند و برداشتهای مخالف سنت شان را بر مردم بنام واجب و فرض تحمیل ننمایند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: سوگند به آن ذات که جانم در دست اوست به بهشت داخل نمی شوید تا ایمان آورید و مؤمن بشمار نمی روید تا اینکه با هم دوستی و محبت ورزید.



فوتبال و ورزش کردن

یکی از دوستان نوشته:

استاد محترم سلام علیکم

میشود در مورد دوست داشتن بازی فوتبال و یا بازی کن فوتبال از دید شریعت بحث داشته باشی زیرا بعضی ها از خود فتوهای بسیار خطرناک میدهند.

ورزش فوتبال، والیبال، دوش و هر سرگرمی که سبب تقویه جسم شود مشروع مباح و مستحب است، دران صورت حرام شمرده می شود که مانع ادای فرائض و واجبات شود، و یا دران قمار باشد، و یا سبب تفرقه و کینه و بغض و عداوت و دشمنی گردد.

-تشویق کردن یک تیم هم ویا یک بازی کن نیز همین حکم را دارد. منطق ولاء وبراء و دوستی و دشمنی در تشویق کردن بازی تیم ویا بازی کن این است که باید مسلمان بازی کن مسلمان را تشویق کند و در کامیابی اش خوش شود و برایش دعاء کند تا اینکه مسلمان در مقابل غیر مسلمان ذلیل ظاهر نگردد.

-گذاشتن عکسهای ریال مدیریت در پروفایلها یک اشتباه است که مخالف ولاء وبراء است و نباید مسلمان بازی کن غیر مسلمان را تشویق کند.

-مسلمان فوتبال و ورزش را به مرحله عبادت نرساند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

دین اسلام بخاطر تقویت جسم و حفظ صحت جسمی مسلمان را به ورزش و سپورت تشویق نموده لیکن با در نظر داشت بعض شروط شرعی از جمله:

۱- ورزش و سپورت درین صورت جایز و مشروع است که انسان را از واجبات و فرائض و مسؤولیات های خانوادگی و وظیفه دور نسازد مثلاً در وقت نماز جماعت انسان باید ورزش را ترک نموده به طرف مسجد روان شود و در صورتکه نماز جماعت را بخاطر ورزش ترک میکند درین صورت ورزش حرام شمرده می شود..وهر کار که انسان را به حرام

وترک واجبات بکشاند حرام شمرده می شود ولو که در اصل مباح هم باشد.

۲- هدف مسلمان از ورزش تقویت جسم و حفظ صحت وهم سرگرمی مباح باشد وسبب تقویت روابط برادری واخوت در بین ورزشکاران شود نه سبب دوری دلها وتفرقه اندازی...وبه نیت نیک می توانیم ورزش را به عبادت بدل کنیم در حدیث شریف آمده که "إنما الأعمال بالنیات"^۱ وقاعده فقهی است که "الأمر بمقاصدها" اسلام به نتایج اعمال وکردار نظر میندازد واز روی آن حساب می کند.

۳- ورزش کار مسلمان باید کالای به تن کند که عورتش ظاهر نشود واز پوشیدن کالای مبتذل ویا کالای که جسم انسان را ظاهر بسازد دوری جوید وهم از کالای که بالای آن شعار های غربی وغیر اسلامی نوشته شده باشد اجتناب ورزد.

۴- مسلمان ورزش را اختیار کند که دران خطر هلاک شدن ویا از بین رفتن ومعیوب شدن نباشد.

^۱ - صحیح البخاری، باب بدء الوحي، كيف كان بدء الوحي إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم؟، رقم الحديث: (۱)، (ج ۱، ص ۶).

۵- ورزش باشد که دران قمار بازی نباشد و بورد و باخت آن بشرط دادن و گرفتن پیسه نباشد .. واگر باشد حرام شمرده می شود.

۶- در ورزش و بورد باخت مسلمان باید شکار تعصب و قوم پرستی نشود و ولاء و براء یعنی دوستی و دشمنی اش بناء به تعصب نباشد که سبب نزاع و تفرقه می شود.

۷- باید ورزشکاران از دو و دشنام و مزاقهای خارج چوکات دوری جویند.

۸- ورزشکاران سبب آزار همسایگان و ورزشگاه نشوند که آزار و اذیت رسانیدن به مسلمان این ساپورت و ورزش را حرام می سازد.



بزکشی از دائره ورزش خارج است

یکی از دوستان محترم سوال نموده:

استاد گرامی سلام امید دارای صحت کامل باشید. سوال دارم. خاستم نظر شریعت اسلامی را در رابطه به بزکشی بیان دارید.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دین مبین اسلام به ورزش و تقویت جسم تشویق نموده و مسلمان قوی را بهتر دانسته از مسلمان ضعیف بشرط که در ورزش و سپورت انسان مرتکب گناه نشود، و آن به نافرمانی الله متعال بدل نگردد، هر ورزش که در آن موارد ذیل متحقق و یا محتمل باشد حرام شمرده می شود:

۱- سبب هلاکت نفس انسان شود: " ولا تلقوا بأيديكم إلى التهلكة"^۱ خود را بدست خود تان به هلاکت نیندازید. " وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا"^۲ خود را به قتل نرسانید، الله متعال بر شما مهربان است..هر بازی که در آن خطر احتمالی به هلاکت رسیدن بازی کننده و یا طرف مقابل او و یا مردم عامه باشد حرام شمرده می شود..حیات و زندگی انسان در دین مبین اسلام جایگاه خاص دارد حتی اشاره کردن به سلاح و ترساندن مسلمان حرام است.

۲- اگر بازی سبب کینه ، بغض، دشمنی و عداوت بین مسلمان شود.

۱ - سوره بقره: ۱۹۵.

۲ - سوره نساء: ۲۹.

۳- انسانها و حیوانات مورد آزار و اذیت قرار گیرند "لا ضرار ولا ضرار" نه خود شان متضرر شوند و نی به دیگران سبب ضرر برسانند.

۴- در آماده گی های آن اسراف صورت نگیرد.

۵- شامل قمار زدن مادی و یا معنوی نباشد.

۶- از حد و حدود ورزش خارج نباشد

۷- بخاطر تطبیق و تمرین آن حق و حقوق مردم تلف نشود و به مردم غیره ضرر، آسیب نرسد.



فضیلت و ثواب کفالت و سرپرستی یتیم

یتیم به کسی گفته میشود؛ که قبل از سن بلوغ (قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی) پدر اش وفات کند، و یا لقیط (طفل دریافت شده که پدر و مادرش مجهول است) باشد، یا پدر اش مفقود باشد و یا هم پدرش مشخص نباشد.

در صورتیکه دخلی و مالی برای سد حاجات خویش نداشتند و همچنان کسی از بستگان شان که شرعا ملزم به سرپرستی مالی هستند نباشد، اسلام نیکی، حسن تربیه و پرداختن به کار های یتیم را از نشانه های ایمان کامل

دانسته است و انجام دهنده اش را جایگاه بلند در بهشت وعده داده است،

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: "أَنَا وَ كَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا - أَيُّ مُتَجَاوِرِينَ - وَ أَشَارَ بِأَصْبَعِيهِ السَّبَّابَةِ وَالْوُسْطَى" ^۱.

ترجمه: (من و سرپرست یتیم در بهشت در کنار هم چنین هستیم - یعنی در کنار هم - و به انگشت شهادت و وسطی خود اشاره کرد و آن دو را از هم جدا نمود). سرپرست یتیم مقام بلندی در بهشت دارد، بهشتی که عرض اش به اندازه آسمان ها و زمین است.

کفالت و سرپرستی یتیم از یک سو احسان بر شخصی است که پدر و مادر و یا یکی از آنها را از دست داده و از طرف دیگر احسان بر امتی است که این شخص مربوط آن است و او مسوول همکاری و تعاون اش در حالت احتیاج است، بناء کفالت یتیم؛ نیکی و احسان است که الله متعال بنده گان توانمند خود را ضمن عموم آیه زیر امر نموده است: {وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ} ^۲.

^۱ - صحیح البخاری، کتاب الأدب، باب فضل من یعول یتیما، شماره حدیث:

(۶۰۰۵)، (ج ۸، ص ۹).

^۲ - سوره بقره: ۱۹۵.

ترجمه: و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.

الله متعال در آیات متعدد در مورد رعایت و احسان به یتیم ارشاداتی داشته است، زمانیکه او در زیر ولایت شخص است دستور به دادن مال و خوراک و پوشاک می کند، و چون به رشد و بلوغ رسید دستور به تسلیم مال اش می کند و می فرماید: {وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَبَدَّلُوا الْخَيْرَ بِالْأَسْفَىٰ وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا} ^۱ و اموال یتیمان را به آنان [باز] دهید و [مال پاک] و [مرغوب] آنان [را با] [مال] ناپاک [خود] عوض نکنید و اموال آنان را همراه با اموال خود مخورید که این گناهی بزرگ است.

همچنان امر به حفظ حقوق یتیمان در حالت ناتوانی به آن میکنند و می فرماید: {وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ...} ^۲ و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد دو دو سه سه چهار چهار به زنی گیرید].

کسی که ولایت دختری یتیمی را دارد و می خواهد با او ازدواج کند، الله متعال به او امر می کند که در حق مهر و

۱ - سوره نساء: ۲.

۲ - سوره نساء: ۳.

دیگر موارد مربوط به ازدواج تعسف نکند و هدف از ازدواج اش استیلاء بر مال یتیم نباشد.

یتیم:

الله متعال دستور می دهد تا با یتیم عطفوت و نرمی صورت گرفته و به آن نیکی و احسان شود و می فرماید:

{ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ }^۱.

ترجمه: و اما یتیم را میازار.

هرگاه به سنت مُطَهَّر مراجعه نماییم احادیث فراوانی را میابیم که دلالت بر وجوب احسان، نیکی، رعایت و مهربانی با یتیم دارد، عن مالک بن الحارث (رضی الله عنه) قال رسول الله - (صلى الله عليه وسلم: "مَنْ ضَمَّ يَتِيمًا بَيْنَ أَبْوَيْنِ مُسْلِمَيْنِ إِلَى طَعَامِهِ وَ شَرَابِهِ حَتَّى يُغْنِيَهُ اللَّهُ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةُ"^۲.

ترجمه: هرکی یتیمی را بین پدر و مادر مسلمان در طعام و نوشیدنی یکجا کند تا آنکه الله او را غنی سازد جنت برایش واجب میگردد.

^۱ - سوره ضحی: ۹.

^۲ - مسند أحمد، أول مسند البصريين، حديث مالك بن الحارث، شماره حدیث:

(۲۰۳۳۱)، (ج ۳۳، ص ۴۴۱).

وروی أبو هريرة (رضي الله عنه) أن رجلاً شكاً إلى رسول الله - (صلى الله عليه وسلم) - قسوة قلبه فقال له عليه الصلاة والسلام: "إن أردت تليين قلبك فأطعم المسكين و امسح رأس اليتيم"^۱.

ابو هريره روایت می کند که شخصی از قسوت قلب نزد رسول الله شکایت کرد، رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: هرگاه خواستی قلب ات نرم شود مسکین را طعام بده و سری یتیم را لمس کن.

بنابراین گفته میتوانیم که سرپرستی و کفالت یتیم اجر و ثواب نهایت بزرگی را در پی دارد و الله منان اجر هیچ عاملی را ضایع نمی کند

و باید دانست که کفالت و سرپرستی یتیم تنها خوراک و پوشاک او را شامل نمی شود بلکه شامل تمام نواحی زندگی اش مانند تربیه، تعلیم، صحت و غیره میشود، همه جوانب زندگی که در آینده باید برای رویارویی با آن آماده باشد تا او را به سوی خیر و فلاح بکشاند، امید را در نفس اش و صدق و اخلاص را در معامله اش بکارد و چنان به

^۱ - مسند أحمد، مسند المکثرین من الصحابة، مسند أبي هريرة رضي الله عنه، شماره حدیث: (۷۵۷۶)، (ج ۱۳، ص ۲۱).

آینده و سلوک اش حریص باشد چنانکه پدر بر آینده فرزند و اخلاق و رفتارش حریص میباشد.



فوتبال کردن به شرطی که تیم بازنده کرایه میدان فوتبال را بدهد

یکی از جوانان هموطن ما از ولایت قندز سوال نموده :

فعلاً اکثر مردم در زمین های اجاره یی و کراییی که در آن فوتبال می کنند واز آن من حیث میدان فوتبال استفاده میکنند و مالکان آن از فوتبال کنندگان از روی ساعت مقداری پول می گیرد و اکثر جوانان پیش از فوتبال اینطور می کنند که هرکس بازی را باخت باید پول کرایه میدان فوتبال را بدهد آیا این از نظر شرعی مشکلی دارد ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

از شروط اساسی ورزش این است که شامل قمار زدن مادی و یا معنوی نباشد. ورزش بشرط حلال و مباح است که در آن قمار بازی نباشد و برد و باخت آن بشرط دادن و گرفتن پیسه نباشد، و اگر باشد حرام شمرده می شود.

باید اجوره و کرایه میدان بازی را همه بازی کنان
یکسان بپردازند و اگر کسی از ثروتمندان صدقه میکند و این
پول و پیسه که کرایه میدان فوتبال است میپردازد بخاطر
تربیه بدنی سالم جوانان کشور شامل اجر و ثواب میشود.



فهرست موضوعات

صفحه

عناوین

کتاب معاملات

- ۱ به کرایه دادن و گرفتن طلا و نقره جایز است و مانع شرعی ندارد..... ۱
- ۱ حکم خرید و فروش طلا بشکل قسط های ماهوار؟..... ۱
- برنج خوب و خراب را یکجا کرده و به قیمت خوب بفروش می
رساند، چی حکم دارد؟..... ۲
- مرغهای یخچالی را نگهداری میکند تا اینکه قیمتها بالا رود، چی
حکم دارد؟..... ۳
- ۵ حکم مفادی که شرکتهای مخابراتی از قرضه بدست می آورند..... ۵
- ۷ وظائف مشاورین شرعی در بانکها و شرکتهای تجارتي..... ۷
- ۱۰ حکم استفاده از خانه و زمین و باغ گروی..... ۱۰
- ۱۲ بیع فاء که شباهت به گروی دارد ناروا است..... ۱۲
- گرو گیرنده به مالک خانه نیم کرایه را میدهد آیا برایش حلال
است؟..... ۱۶
- ۱۸ در خرید و فروش بسیار قسم می خورد، چی حکم دارد؟..... ۱۸

- خریدن تکت لا تری هلال احمر افغانی از طریق موبایل قمار
شمرده می شود..... ۱۹
- بخار دادن و سلفر زدن اشتاق و (کشته) زردآلو حرام و ناجائز است
..... ۲۱
- تبادل پول افغانی کهنه با پول افغانی جدید..... ۲۳
- در مقابل یک کیلو گرام تریاک خانه را گرو گرفته شریعت چی
حکم میکند؟..... ۲۷
- در صرافی و بدل کردن پول کدام مسائل شرعی مراعات شود؟.... ۳۳
- برای معلولین عمومی جایز نیست که بخاطر بدست آوردن پول
خود را شامل دفتر معلولین جنگ نمایند..... ۳۶
- کار کردن در رستورانتهای که شراب تقدیم میکند حرام است..... ۳۸
- فضیلت، ثواب و مشروعیت وقف کردن و تجارت با الله سبحانه و تعالی
..... ۴۱
- کارمند رستورانتی است که گوشت خوک را به مردم تقدیم میکند،
شریعت چی حکم میکند؟..... ۴۳
- حکم اجاره دادن موتر در بدل یک مقدار پول معین..... ۴۶
- وظیفه حساب داری و معاملات سودی در بانکهای غیر اسلامی
جایز نیست..... ۴۷

خریدن طلا و نقره توسط " Visa card " جواز دارد و مشروع است

۴۸.....

وزن کردن مرغ زنده در ترازو و فروش آن در شریعت مانع شرعی

ندارد..... ۴۹.....

آداب صرافی و نقل پول تاجران..... ۵۰.....

مال و جنس دزدی شده را خریده، حالا شریعت چی حکم میکند؟

۵۲.....

اجرت گرفتن در نقل و انتقال دادن پول و پیسه تاجران از یک شهر

به شهر دیگر..... ۵۶.....

کار کردن و وظیفه داشتن در بانکهای سودی مطلقاً حرام است .. ۵۷..

بیمه تجارتي در صورت اجباري بودن حلال است..... ۵۹.....

معاش کارمندان حکومت افغانستان حلال و مباح است..... ۶۱.....

ترمیم خانه گروی بدوش کی است؟..... ۶۲.....

در بدل کردن طلای مستعمل به طلای جدید سردادن سود شمرده

می شود..... ۶۳.....

رهنمایی شرعی در مورد خرید و فروش بلاک های رهائشی..... ۶۴.....

گرفتن پروژه از ارگان های دولتي در بدل رشوه جواز ندارد و حرام

مطلق است..... ۶۵.....

- از امر خود برای مراجعین احکام میگیرد و از آنها پول بدست
 میآورد، آیا حلال است یا حرام؟..... ۶۶
- با پول امانت تجارت کرده آیا فایده را تقسیم کند؟..... ۶۷
- در حساب بانکی اش سود جمع شده، آنرا کجا کند؟..... ۶۸
- حکم خواستن قرض مطابق زمانه دادن..... ۶۹
- پول و پیسه واجوره جادوگر، فالبین و کفشناس حرام مطلق است
 ۷۱
- حکم استفاده کردن از موتر قسطی..... ۷۳
- حصول قرضه از بانکها با پرداخت قسط وار که فایده داشته باشد
 سود شمرده می شود..... ۷۴
- عقد مضاربت یکی از شیوه های تجارت حلال میباشد..... ۷۷
- حکم تعیین کردن فایده در شراکت تجارتي..... ۷۹
- حکم فروختن اجناس وارداتی که در راه است..... ۸۱
- حکم حمل و نقل گوشت خوک..... ۸۲
- اجرت گرفتن در مقابل سودا گرفتن..... ۸۵
- در تجارت و عقد مضاربت پول شریک خود را بدون اجازه به کسی
 دیگر واگذار نموده..... ۸۵

- دهقانی کردن در مقابل بخشی از حاصلات آن..... ۸۸
- خرید و فروش اشیای که علامه صلیب داشته باشد..... ۹۱
- تجارت، خرید و فروش سگ ها حرام است..... ۹۲
- به کرایه دادن خانه و املاک گروهی سود و ربا شمرده می شود..... ۹۳
- شرط جزایی در تاخیر ادای قرض و قسط حرام است..... ۹۴
- گروهی گرفتن به نیت استفاده حرام و سود شمرده می شود..... ۹۶
- به دالر قرض داده حالا برایش افغانی میدهد.. آیا جواز دارد؟..... ۹۸
- در عقد تجارتي مضاربت خساره را کی متحمل می شود؟..... ۹۹
- خرید و فروش میوه سر درخت قبل از پخته شدن آن..... ۱۰۰
- فروختن شهد و عسل مخلوط با بوره و گلوکوز حرام است..... ۱۰۲
- قبل از پرداخت مصارف برق فوت نموده، آیا از دنیا قرض دار رفته است؟..... ۱۰۳
- حمل و نقل اشیای حرام جائز نیست..... ۱۰۴
- پول کرایه رکشاوان را نداده، چی کار کند که حق غریب کار تلف نشود؟..... ۱۰۵
- آیا شرعا جواز دارد که برای کارمند وزارت بخاطر توظيف و کاریابی پول دهد؟..... ۱۰۷

- بهترین وقف همان وقفی است که برای نهاد های دعوتی وقف
میگردد..... ۱۰۸
- در طفولیت میوه همسایه را خورده، چگونه گناهِش را جبران کند؟
..... ۱۱۰
- حکم کار کردن در هوتلی که به مردم شراب می دهد چیست؟
..... ۱۱۲
- فایده و نقصان در عقد مضاربت..... ۱۱۳
- شرط گذاشتن مفاد ثابت ناروا است..... ۱۱۴
- حکم استفاده کردن از سامان تجارتي بدون پرداخت مالیه به دولت
..... ۱۱۵
- آداب خریدن موتر، خانه و املاک از طریق بانکها..... ۱۱۷
- حکم تداوی با کارت بیمه یک شخص، شخص دیگر را..... ۱۱۹
- کاشتن و خرید و فروش مواد مخدر حرام است..... ۱۲۰
- حکم فروختن اجناس قرضی بیشتر از قیمت فروش نقدی..... ۱۲۴
- حکم گرفتن پول باقی مانده برای وکیل خریداری..... ۱۲۶
- حکم نوشتن وصیتنامه..... ۱۲۷
- شروط شرعی عقد مضاربت و شراکت تجارتي..... ۱۲۸

- ۱۳۰..... خرید و فروش مال دزدی.....
- ۱۳۲..... کشت و فروش تمباکو حرام است.....
- گروی گرفتن خانه واملاک به نیت استفاده از آن سود شمرده می شود..... ۱۳۳.....
- آیا قرض به ارزش وقت گرفتن پرداخت می شود و یا بقیمت زمان دادن؟..... ۱۳۴.....
- ۱۳۷..... رهنمائی شرعی برای کمیشن کاران.....
- ۱۳۹..... صادر کردن مواد مخدر به کشورهای غیر اسلامی حرام است.....
- ۱۴۱..... حکم گرو گرفتن به نیت تجارت و فایده.....
- ۱۴۴..... نوشتن بیلانسه‌های جعلی بخاطر کاهش مالیات معاش.....
- کشاورزی کردن به این شرط که گندمش از دهقان و کاهش از مالک..... ۱۵۰.....
- ۱۵۲..... سود خوری تنها در معاملات بانکی منحصر نیست.....
- شروط وضوابط شرعی کار ووظیفه داشتن در مؤسسات خارجی..... ۱۵۶.....
- ۱۵۹..... پول بیعانه برای فروشنده حلال است.....
- ۱۶۰..... حکم گرو گرفتن به نیت استفاده از ملکیت گروی.....

- ضمانت کردن سود خور..... ۱۶۱
- رهنمائی شرعی در مورد تعامل ونگهداری پول وپیسسه در بانکها
..... ۱۶۲
- از کسی پول قرض گرفته حالا صاحب پول لا درک است..... ۱۶۷
- طفل ده ساله دوچرخه را بدون اجازه پدرش فروخته .. آیا فروختنش
درست است؟..... ۱۶۸
- نان خورن رانندگان موتربطور رایگان در رستورانتهای شاه راهها ۱۶۹
- خرید و فروش مونوگراف درسی ناجائز ونامشروع وگناه کبیره است
..... ۱۷۱
- مفهوم قاعده شرعی: (کل قرض جر نفعا فهو ربا)..... ۱۷۲
- کار کردن در بخش سیاحت..... ۱۷۵
- شرکت برشنا شرعا حق ندارد که به کارمندان خود برق مفت بدهد
..... ۱۹۳
- ضوابط شرعی خرید و فروش قسط وار..... ۱۹۵
- تعاملات انلاین تجارتي مارکیت فوریکس..... ۱۹۸

کتاب لباس و غذا

- ۲۰۳..... حکم خوردن چوپه بره نوزاد.....
- ۲۰۴..... در ذبح کردن مرغ کشیدن زبان آن شرط نیست.....
- ۲۰۶..... گفتنیها در در مورد گوشتها ومرغهای وارداتی.....
- حکم خوردن مرغها وگوشتهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی
- ۲۰۹.....
- ۲۱۰..... گوشت مرغهای وارداتی از کشورهای دیانت نصرانیت.....
- ۲۱۲..... ابراز نظر شرعی در مورد نوشیدن مشروبات انرژی زا.....
- ۲۱۴..... استفاده از سرگین حیوانی در کشت و زراعت.....
- در حالت جنابت گوسفند را ذبح کرده آیا خوردنش جائز است ؟
- ۲۱۵.....
- در شکار ماهی بسم الله الله اکبر گفتن شرط نیست تنها مستحب
- ۲۱۶..... است.....
- ۲۱۷..... چگونگی فرق نمودن غذای حلال و حرام در اروپا.....
- ۲۱۹..... نظر به قول راح فقهاء خوردن گوشت کنگرو حلال است.....
- ۲۲۴.. گوساله شان شیر مرکب را نوشیده، آیا خوردنش جایز است؟
- ۲۲۵..... گوشتهای ذبح شده در چین.....

- ۲۲۶..... نان خوردن در رستوران ت بودائیها.
- ۲۲۷..... کار غیر مسلمان در آشپزخانه مسلمان.
- ۲۲۸..... خوردن گوشت خرگوش حلال است.
- ۲۳۰..... خوردن گل سرشوی.
- ۲۳۰..... حکم خوردن گوشت قربانی در روز عید.
- ۲۳۲..... احکام و آداب قربانی در روشنی فقه حنفی.
- ۲۵۵..... پول ذخیره شده برای ازدواج قربانی را ساقط نمی کند.
- ۲۵۶..... حکم قربانی کردن یک رأس گوسفند برای خانواده کامل.
- ۲۵۷..... شروط و سن و سال شرعی قربانی.
- ۲۵۸..... سن و سال ضروری است.
- ۲۵۹..... قربانی کردن گوسفند هدیه شده جائز است.
- ۲۶۰..... حکم قربانی برای مجرد و متأهل.
- ۲۶۱..... نیابت گرفتن در قربانی.
- ۲۶۲..... قربانی در کدام وقت آغاز و ختم می شود؟
- ۲۶۲..... آداب قربانی کننده.
- ۲۶۳..... قربانی کردن حیوانات.
- ۲۶۴..... افتیدن گل در چشم گوسفند قربانی.

- قرض اگر عاجل نباشد مانع قربانی نمی شود..... ۲۶۵
- فروختن پوست قربانی و گوشتش جواز ندارد..... ۲۶۵
- چقدر پول نقد داشته باشی که قربانی واجب میشود؟..... ۲۶۶
- جایگاه قربانی در دین اسلام..... ۲۶۶
- شروط ذبح شرعی حیوان..... ۲۶۷
- قربانی کردن برای مسافر..... ۲۶۸
- قربانی کردن برای والدین وفات شده..... ۲۶۹
- احکام، آداب و حکمت مشروعیت عقیقه نوزادان..... ۲۶۹
- عقیقه در جوانی و بزرگسالی..... ۲۷۶
- حکم استفاده کردن از مال مختلط با حلال و حرام..... ۲۷۸
- نفقه دادن فامیل از سگرت فروشی..... ۲۸۶
- حکم استفاده کردن از ظرفهای غیر مسلمانان..... ۲۸۷
- حکم نان خوردن در یک دستر خوان با غیر مسلمان..... ۲۸۸
- آداب شکار آهو..... ۲۸۹
- حکم خوردن میوه درخت همسایه..... ۲۹۰
- حکم پوشیدن لباس سفید در عروسی..... ۲۹۱
- پوشیدن پایزیب بخاطر زینت برای خانمها مشروع و روا است ... ۲۹۲

- ۲۹۳..... ساعت دستی طلا بر خانمان جائز و بر مردان حرام است.....
- ۲۹۴..... عورت خانمها برای خانمها از زیر ناف تا بزانو است.....
- ۲۹۵..... سرمه کردن برای مردان و زنان جائز و مستحب است.....
- ۲۹۶..... نیکتایی یک لباس مستقل و مباح است.....
- ۲۹۹..... سوراخ نمودن گوشهای دختران.....
- ۳۰۰..... ابرو چینی در کدام حالت حرام است؟.....
- ۳۰۱..... اجازه شوهر ابرو چینی را برای خانمها حلال ساخته نمی تواند.....
- ۳۰۳..... گذاشتن مژه ساختگی.....
- ۳۰۳..... ضوابط شرعی آرایش کردن خانمان.....
- حکم تبدیل کردن لباس برای خانمها در مارکیتهای لباس فروشی
- ۳۰۵.....
- ۳۰۷..... شیوه تعامل با لباسهای لیلامی وارد از خارج کشور.....
- ۳۱۰..... در کدام حالت تشبه و همنوایی به غیر مسلمان متحقق شود؟.....
- ۳۱۵..... حکم پوشیدن لباس سرخ برای مردان.....
- ۳۱۸..... حکم پائین بودن شلوار از بجلک ها پائینتر.....
- ۳۲۰..... آداب خیاطی زنانه.....
- ۳۲۴..... پوشیدن طلا برای مردان حرام است.....

- نگهداری اشیای که نشانه صلیب دارد..... ۳۲۴
- حکم دراز ماندن ناخنها..... ۳۲۵
- حکم گذاشتن ناخن ساختگی..... ۳۲۷
- حکم استفاده از قالین ابریشمی..... ۳۲۷
- چادری یک نوع از انواع حجاب شرعی خانمها شمرده می شود ۳۳۰
- ساعت دستی طلا بر خانمان جائز و بر مردان حرام است..... ۳۳۱
- حکم پوشیدن انگشتر نقره..... ۳۳۲
- کبوتر صحرائی حلال است..... ۳۳۵
- رهنمائی شرعی در مورد شکار پرندگان..... ۳۳۷
- در شکار پرندگان بسم الله گفتن قبل از فیر کردن و هنگام نشان گرفتن شرط است..... ۳۳۹
- حکم خوردن ماهیکه از خاکستر انسان تغذیه شده است..... ۳۴۴

کتاب مسائل طبی و فقهی

- نصائح شرعی برای طبیبان و دکتوران مسلمان..... ۳۴۸
- شفا دهنده الله متعال است و تداوی تنها وسیله است..... ۳۵۲
- رفتن زن نزد داکتر مرد بخاطر معالجه..... ۳۵۳
- قواعد وضوابط تبرع کردن اعضای جسم انسان..... ۳۵۵

- واکسین کردن اطفال بر ضد امراض ساری یقینی به درجه واجب بودن میرسد..... ۳۵۷
- در کدام حالت سقط دادن طفل شکم مادر جواز دارد؟..... ۳۵۸
- فیصدی گرفتن در بدل نسخه دادن به دواخانه خاص..... ۳۶۰
- حکم فروختن خون به مریضان محتاج به خون..... ۳۶۲
- واکسین نمودن اطفال بخاطر امراض ساری..... ۳۶۴
- مریض سرطان خواهش دواهای را دارد که زودتر بمیرد..... ۳۶۵
- اهداء کردن اعضاء بدن مسلمان برای غیر مسلمان جائز نیست ۳۶۸
- حکم تلاش کردن برای بلند شدن قد وقامت..... ۳۷۰
- کار کردن در بخش بازار یابی دواهای جعلی وبی کیفیت حرام است ۳۷۱
- تبدیل کردن ویا به کرایه گرفتن رحم (تخم دان) خانمها..... ۳۷۸
- نوشتن اسماء اشخاص بر روی بوتلهای لابراتواری مواد غائطه... ۳۷۹
- خوردن دواى که جيلاتين (Gelatin) خنزیری داشته باشد.. ۳۸۰
- نصب کردن نگین زینت در دندانها برای خانمها جایز است ۳۸۱
- در نتیجه غلطی داکتر دخترک وفات نموده، مسؤلیت بدوش کی است شرعا؟..... ۳۸۲

- ۳۸۶.....تداوی با حجامت و یا شاخک
- ۳۸۸.....تداوی روان شناسی
- ۳۹۲.....همکاری کردن داکتران در سقط دادن حمل زنان
- ۴۰۷.....برای انسان جایز نیست که اعضای بدن خود را بفروش برساند
- ۴۰۹.....کمیشن گرفتن داکتران از شرکتهای دوا فروشی
- ۴۱۱.....حکم ابا و رزیدن داکتران از تداوی اشخاص شراب نوش
- زنی طفل چهار ماهه اش را سقط نموده چی کند تا بخشیده شود؟
- ۴۱۴.....
- معاینه لابراتواری من حیث عامل کمک کننده قضاء است نه دلیل
- ۴۱۵.....اصل
- ۴۱۶.....در اهدای خون به مریضان محرم بودن شرط نیست
- آیا شریعت برای خانمها اجازه داده که رحم شانرا بکرایه دهند؟
- ۴۱۷.....
- ۴۱۸.....سقط دادن طفل شکم مادر (جنین) در مراحل اولی
- ۴۲۰.....سقط دادن جنین بعد از تکمیل شدن ۱۲۰ روز

کتاب اصول فقه

- ۴۳۰.....خطر فهم و برداشت جزئی از دین اسلام.....
- ۴۳۱.....آیا در بین اجتهاد و تقلید مرحله دیگری وجود دارد؟.....
- تقلید بمعنای استفاده از فقه و علم و دانش علمای راستین است
 ۴۳۴.....
- ۴۳۸.....باب و مجال اجتهاد فقهی در شرایط کنونی نیز باز است.....
- ۴۳۹.....شروط اجتهاد، فتوا دادن و استنباط احکام شرعی.....
- ۴۴۳.....فرق در بین مذهب حنفی اصیل و مذهب مهندسی شده.....
- آیا در مسائل شرعی گفته می توانیم که از قلب خود فتوا بخواه؟
 ۴۴۴.....
- ۴۴۶.....(اختلاف امتی رحمۃ) حدیث نیست.....
- ۴۴۹.....اختلافات فروعی فقهی از زیباییهای فقه اسلامی مقارن است...
 در وجود قرآن و سنت آیا ضرورت به مذاهب فقهی احساس می
 شود؟..... ۴۵۰.....
- در مسائل فقهی فروعی باید از تعصب و تنگ نظری دوری جویم
 ۴۵۱.....
- ۴۵۳.....پیروی یکی از مذاهب فقهی چی حکم دارد؟.....

- آسانترین کتاب فقهی معاصر..... ۴۵۹
- احترام به مذهب حنفی در حقیقت احترام بدین اسلام است ... ۴۶۰
- فرق بین مذهب حنفی اصیل ومذهب حنفی مهندسی شده ۴۶۱
- فرق در بین تقلید واجتهاد واتباع مذاهب فقهی..... ۴۶۲
- خطر وجود احادیث موضوع ودروغین در کتابهای فقهی..... ۴۶۴
- معرفی کتابهای که احادیث موضوع ودروغین را بیان داشته..... ۴۶۷
- شیوه وطریقه تدریس حدیث نبوی..... ۴۶۹
- معلومات مختصری در باره محدث زمانه شیخ محمد ناصر الدین
الآلبانی ومهمترین کتابهای او..... ۴۷۳
- جایگاه صحیح بخاری نزد مسلمانان..... ۴۸۰
- استناد از احادیث ضعیف در عبادات..... ۴۸۴
- شروط اجتهاد، فتوا دادن واستنباط أحكام شرعی..... ۴۸۶
- در مباحات مطابق خواهش خود، ودر مسائل دینی مطابق شریعت
عمل کند..... ۴۸۹
- اصل در عادات مباح بودن است..... ۴۹۲
- مفهوم قاعده شرعی: (الضرورات تبیح المحظورات)..... ۴۹۳
- مسلمان باید در مسائل فقهی متعصب وتنگ نظر نباشد..... ۴۹۵

- همصنفی اش برایش (لا مذهب وبی مذهب) گفته آیا گنگهار شده؟.....۴۹۹
- مفهوم حدیث: (إِنْ فِي أُمَّتِي رَجُلًا اسْمُهُ النُّعْمَانُ وَكُنْيَتُهُ، أَبُو حَنِيفَةَ، هُوَ سِرَاجُ أُمَّتِي).....۵۰۱
- مقوله: (حب الوطن من الإيمان).....۵۰۳
- اعتماد بر احادیث ضعیف بسبب عقبمانده گیها است.....۵۰۶
- نمونه از ذکاوت وهوشیاری ابوحنیفه رحمه الله علیه در فتوا...۵۰۷
- تصحیح احادیث موضوع و ضعیف تحت اعمال فشار.....۵۰۸
- دین خود را از علماء راستین بگیریید.....۵۱۱
- ندانستن عیب نیست.....۵۱۴
- نسبت دادن عقب مانده گیهای دینی به مذاهب حنفی.....۵۱۴
- مهمترین کتابهای فقه حنفی.....۵۱۵
- شریعت برای خانمها اجازه داده که اجتهاد فقهی داشته باشند ۵۱۷
- اشتراک علماء در مجالس خلاف شریعت دلیل مشروعیت آن نیست.....۵۲۹
- جانب احتیاط را مراعات کردن در مسائل اختلافی لازم است .. ۵۳۱
- اگر از فتوای فقهاء برداشت غلط کند، آیا فقیه مسئول است؟.. ۵۵۱

- اگر مباحات را بر مردم تحریم کنیم از دین متنفر می شوند... ۵۵۴
- عمل کردن به حدیث موضوع به هیچ صورت جواز ندارد..... ۵۵۹
- فرق بین فرض و واجب در مذهب حنفی..... ۵۶۳
- سنت پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم به دو نوع است یکی
تشریعی و دومی از روی عادت بود..... ۵۶۴

کتاب مسائل تربیتی جوانان

- اهمیت جلوگیری از همنشینی جوانان با نا اهلان..... ۵۷۲
- دور داشتن اطفال از همصحبتان بد از عوامل مهم تربیه اسلامی
است..... ۵۷۴
- عادت دادن اطفال بر مکارم اخلاقی..... ۵۷۶
- برای اینکه جوانان منحرف نشوند با نهادهای دعوتی همکار شوند
..... ۵۷۷
- ما دعوتگر هستیم نه قاضی (نحن دعاة لا قضاة)..... ۵۸۱
- خود ارضایی در روشنی شریعت..... ۵۸۳
- رفتن به اروپا اگر به قیمت دین و ایمان انسان تمام شود جواز ندارد
..... ۵۸۷
- احکام و شروط شرعی ورزش و سپورت در اسلام..... ۵۸۹

- تعلیم و تحصیل در اکادمی پولیس جایز و مشروع است..... ۵۹۱
- منع کردن خواهران و طبقه اناث از درس و تعلیم گناه بزرگ بشمار
میرود..... ۵۹۳
- شرط گذاشتن در فوتبال..... ۵۹۶
- درس خواندن دختران در تخصص طب معالجوی فرض کفائی است
..... ۵۹۷
- آداب سوال و جواب و بحث و مباحثه در فیس بوک..... ۵۹۹
- زبان وسیله تفاهم و افهام و تفهیم است نه عقیده و لاء و براء..... ۶۰۳
- تعلیم مختلط پسران و دختران..... ۶۰۵
- حد و حدودی را که شریعت برای ورزش تعیین نموده..... ۶۰۶
- بعد از تکمیل کردن فاکولته طب می خواهد که از علوم شرعی نیز
آگاهی حاصل کند..... ۶۱۱
- ورزش فوتبال در روشنی دین مبین اسلام..... ۶۱۳
- چگونه می توانیم رهبری تمدن علمی را دوباره به مسلمانان
برگردانیم؟..... ۶۴۱
- بایسکل سواری دختران..... ۶۴۷
- دیدگاه شریعت در مورد لدو بازی..... ۶۴۸

- حدیث: "علموهن الغزل ولا تعلموهن الكتابة" موضوع ودروغین
 است..... ۶۴۹
- در تعلیم دختران باید به نظریه گرگ وگوسفند عمل نشود..... ۶۵۲
- مسابقه بایسکل دوانی مختلط دختران با مردان حرام است..... ۶۶۰
- بازی کلش اف کلن الکترونیکی (Clash of Clans) از سرگرمیهای
 مخالف شریعت است..... ۶۶۲
- ورزش یوگا جایز نیست زیرا در اصل این عبادت بت پرستان بوده
 ۶۶۳
- درس خواندن نزد استادان غیر مسلمان..... ۶۶۴
- تخصص شرعیات را دوست دارد، والدینش جبرا در ساینس شامل
 کرده..... ۶۶۵
- ورزش فوتبال و والیبال از دیدگاه شریعت..... ۶۶۶
- بعضی تخصصات ساینسی به اندازه علم شرعی فضیلت دارد..... ۶۶۹
- حکم اشتراک کردن در مسابقات جایزه دار..... ۶۷۱
- جوانان بعوض دست پیر گرفتن علم ودانش بیاموزند..... ۶۷۳
- با همسایه غیر مسلمان بازی کردن مباح ومشروع است..... ۶۷۵
- آموختن ومعرفت زبان عربی فرض کفائی است..... ۶۷۷

- کفالت یتیم..... ۶۷۸
- دستار بندی فارغین مدارس دینی تنها یک رواج دیوبندی است
۶۸۱
- فوتبال و ورزش کردن..... ۶۸۳
- بزرگی از دائره ورزش خارج است..... ۶۸۶
- فضیلت وثواب کفالت و سرپرستی یتیم..... ۶۸۸
- فوتبال کردن به شرطی که تیم بازنده کرایه میدان فوتبال را بدهد
۶۹۳